



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



علوم قرآن ۲

اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی

محمد علی رطمانی اصلپهانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علوم قرآن ۲ (اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی)

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

جامعه المصطفی (صلی الله علیه وآله) العالمیه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۶	علوم قرآن ۲ (اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی)
۱۶	مشخصات کتاب
۱۶	اشاره
۲۰	سخن ناشر
۲۲	مقدمه پژوهشگاه بین المللی المصطفی (صلی الله علیه و آله)
۲۶	فهرست
۴۳	درآمد
۴۳	اشاره
۴۴	شیوه استفاده از کتاب حاضر
۴۷	فصل اول : کلیات
۴۷	اشاره
۴۷	۱. مفهوم شناسی معجزه و اعجاز قرآن
۴۷	اشاره
۴۸	واژه شناسی معجزه در قرآن
۴۸	اشاره
۴۸	اول) معنای لغوی واژه ها
۵۴	دوم) معنای اصطلاحی معجزه
۵۹	نمونه هایی از معجزات در قرآن
۶۰	تحلیل عقلانی معجزه
۶۳	لوازم کلامی معجزه
۶۳	اشاره
۶۴	اول) اثبات نبوت خاصه (صدق مدعی نبوت)
۶۶	دوم) اثبات نبوت عامه (لزوم بعثت انبیاء برای مردم)

۶۷	سوم) اثبات وجود خداوند
۶۸	چهارم) علم و قدرت خدا و پیامبر
۶۸	اشاره
۷۱	الف) تفاوت معجزه با سحر و اعمال مرتاضان
۷۳	ب) تفاوت معجزه و کرامت
۷۵	اقسام معجزه
۷۵	اشاره
۷۵	الف) معجزه اقتراحی و غیراقتراحی
۷۶	ب) معجزه حسی و عقلی
۷۶	ج) معجزه موقت و دائمی
۷۶	کرانه های اعجاز قرآن
۸۳	۲. هماوردطلبی قرآن (تحدی)
۸۳	الف) آیات تحدی (مبارزه طلبی)
۸۵	ب) قلمرو تحدی قرآن: سه نوع شمول در مبارزه طلبی قرآن
۸۶	ج) مرجع ضمیر «من منله»
۹۱	فصل دوم: سیر تطور اعجاز قرآن
۹۱	اشاره
۹۱	قرن اول و دوم: سرچشمه های اعجاز قرآن در صدر اسلام
۹۱	اشاره
۹۳	الف) اعجاز ادبی قرآن
۹۴	ب) اعجاز قرآن در اخبار غیبی
۹۶	ج) اعجاز قرآن در استقامت بیان (عدم اختلاف)
۹۷	د) معارف عالی از فردی امی
۹۷	ه) شیرینی و جذبه قرآن
۹۸	قرن سوم: شروع نگارش در اعجاز قرآن و پیدایش نظریه صرفه و عدم تناقض و نظم قرآن
۹۸	اشاره

۱. ابوالهذیل علاف (ت ۲۳۰ یا ۲۳۵ق) عدم تناقض در قرآن ۹۹
۲. نظام (ت ۲۳۱ ق) و نظریه صرفه ۹۹
۳. جاحظ (م ۲۵۵ق) و نظم قرآن ۱۰۱
- قرن چهارم: اعجاز ادبی قرآن و تأثیر آن در نفوس و اخبار غیبی ۱۰۲
۱. محمد بن جریر طبری (۳۱۰ ق) و نظم قرآن ۱۰۲
۲. ابوعیسی رمانی (۲۷۶ - ۳۸۴) و هفت وجه اعجاز قرآن ۱۰۳
۳. الخطابی (۳۱۷ - ۳۸۸ ق) اعجاز بلاغی قرآن و تأثیر آن در نفوس ۱۰۴
۴. ابوهلال عسکری (حدود ۴۰۰ ق) و بلاغت قرآن ۱۰۵
- قرن پنجم: نظریه اعجاز در آورنده امی و اوج گیری نظریه صرفه ۱۰۶
۱. راغب اصفهانی (م ۴۰۲ ق)؛ اعجاز در نظم و صرفه ۱۰۶
۲. باقلانی (ت ۴۰۳ ق)؛ اعجاز در اخبار غیبی، آورنده امی و بلاغت ۱۰۸
۳. شیخ مفید (ت ۴۱۳ ق) و اعجاز در صرفه، فصاحت و بلاغت ۱۱۱
۴. قاضی عبدالجبار (۴۱۵ ق) ۱۱۱
۵. سید مرتضی (ت ۴۳۶ ق) و نظریه صرفه ۱۱۲
۶. شیخ طوسی (ت ۴۶۰ ق)؛ فصاحت همراه نظم مخصوص ۱۱۳
۷. عبدالقاهر جرجانی (ت ۴۷۱ ق)؛ اعجاز در نظم و تألیف ۱۱۴
- قرن ششم: رویکرد اعجاز محتوایی و علمی ۱۱۵
۱. غزالی (۵۰۵ ق) و اعجاز علمی قرآن ۱۱۵
۲. زمخشری (۵۳۸ ق) و نظم قرآن در واژگان و ترکیب ها ۱۱۶
۳. ابن عطیه (۵۴۲ ق) ۱۱۶
۴. قاضی عیاض (۵۴۴ ق) و اعجاز قرآن در سه وجه جدید ۱۱۷
۵. شیخ طبرسی (۵۴۸ ق) و زیبایی معنای قرآن ۱۱۹
۶. سکاکی (۵۶۷ ق) و اعجاز ذوقی قرآن ۱۲۰
۷. قطب الدین راوندی (۵۷۳ ق)؛ قرآن دارای معجزه های بی شمار ۱۲۰
- قرن هفتم: تکرار نظریه های قبلی در اعجاز ۱۲۱
- اشاره ۱۲۱

۱. فخر رازی (م ۶۰۶) ۱۲۱
۲. آمدی (۶۳۱ ق) ۱۲۲
۳. زملکانی (۶۵۱ ق) ۱۲۲
۴. بیضاوی (۶۸۵ ق) ۱۲۲
۵. ابن میثم (۶۹۹ ق) ۱۲۳
۶. قرطبی (۶۷۱ ق) ۱۲۳
- قرن هشتم: تکرار وجوه قبلی اعجاز همراه با برخی نوآوری ها ۱۲۴
- اشاره ۱۲۴
۱. ابن جزی کلبی (۷۴۱ ق) ۱۲۴
۲. الامیر العلوی (۷۴۹ ق) ۱۲۶
۳. زرکشی (۷۹۴ ق) ۱۲۷
- قرن نهم: دوران رکود در مباحث اعجاز قرآن ۱۳۰
- قرن دهم: گردآوری و تفصیل نظریه های اعجاز ۱۳۰
- اشاره ۱۳۰
۱. جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ ق) و سی و پنج وجه اعجاز قرآن ۱۳۱
۲. دیگر قرآن پژوهان ۱۴۰
- قرن یازدهم: ادامه دوران رکود در مباحث اعجاز قرآن ۱۴۱
- قرن دوازدهم: مصادیق و تقریرهای جدید در وجوه اعجاز قرآن ۱۴۱
- اشاره ۱۴۱
۱. علامه محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۰ ق) ۱۴۱
۲. احمد بن محمد کواکبی (م ۱۱۲۴ ق) ۱۴۲
۳. شمس الدین محمدالضیر المالکی اسکندری (زنده در قرن دوازدهم) ۱۴۲
۴. شیخ اسماعیل حقی بروسوی (م ۱۱۳۷ ق) ۱۴۳
- قرن سیزدهم: رکود در مباحث اعجاز قرآن ۱۴۴
- اشاره ۱۴۴
۱. علامه سید عبدالله شتر (م ۱۴۴۲ ق) ۱۴۴

۲. محمد بن علی بن محمد بن عبدالله شوکانی صنعانی (م ۱۲۵۰ ق) - - - - - ۱۴۵
۳. سید محمود شهاب الدین افندی آلوسی (م ۱۲۷۰ ق) - - - - - ۱۴۶
- قرن چهاردهم: گسترش رویکرد اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی - - - - - ۱۴۶
- اشاره - - - - - ۱۴۶
۱. محمد بن احمد اسکندرانی (م ۱۳۰۶ ق) و اعجاز علمی قرآن در طبیعت و کیهان - - - - - ۱۴۶
۲. عبدالرحمن کواکبی (۱۳۲۰ ق) و اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی - - - - - ۱۴۸
۳. علامه بلاغی (م ۳۵۲ ق) و ابعاد جدید اعجاز قرآن - - - - - ۱۵۰
۴. شیخ محمد عبده (۱۲۶۶ - ۱۳۲۳ ق) - - - - - ۱۵۳
۵. رشید رضا (م ۱۳۵۴ ق) - - - - - ۱۵۴
۶. محمد صادق رافعی (۱۳۵۶ ق) و اعجاز علمی و بیانی قرآن - - - - - ۱۵۵
۷. طنطاوی (م ۱۳۸۵ ق) و اعجاز علمی قرآن - - - - - ۱۵۸
۸. امین خولی (م ۱۹۶۹ م) و اعجاز نفسی (روان شناختی) قرآن - - - - - ۱۶۰
۹. سید قطب (م ۱۳۸۷ ق) و تصویر هنری قرآن - - - - - ۱۶۲
۱۰. عبدالعظیم زرقانی (م ۱۳۶۷ یا ۱۳۷۲ ق) و اعجاز پزشکی قرآن - - - - - ۱۶۵
۱۱. سید هبه الدین شهرستانی (۱۳۰۱ - ۱۳۶۹ ق) و اعجاز نجومی قرآن - - - - - ۱۶۶
۱۲. احمد مصطفی مراغی (۱۳۷۱ ق) و اعجاز علمی قرآن - - - - - ۱۶۷
۱۳. عبدالله دزاز (م ۱۳۷۷ ق) و اعجاز صوتی و انقلاب تاریخی قرآن - - - - - ۱۶۸
۱۴. عبدالمتعال صعیدی (م ۱۳۹۱ ق) و اعجاز در وحدت موضوعی قرآن - - - - - ۱۷۱
۱۵. یدالله نیازمند شیرازی (زنده در ۱۳۲۶ ش) - - - - - ۱۷۲
۱۶. آیت الله احمد اهتمام (م ۱۳۴۶ ش) - - - - - ۱۷۴
۱۷. افراد دیگر - - - - - ۱۷۶
- قرن پانزدهم: گسترش رویکرد اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی - - - - - ۱۷۷
- اشاره - - - - - ۱۷۷
۱. علامه محمدحسین طباطبایی (م ۱۳۶۰ ش - ۱۴۰۵ ق) و تفاوت اعجاز قرآن نسبت به علوم مخاطبان - - - - - ۱۷۷
۲. آیت الله مکارم شیرازی (معاصر)؛ قرآن معجزه ای گویا، جاودانی، جهانی و روحانی - - - - - ۱۸۱
۳. آیت الله محمد هادی معرفت (م ۱۳۸۵ ش) و بررسی مفصل ابعاد اعجاز قرآن - - - - - ۱۸۲

۴. آیت الله سید ابوالقاسم خویی (۱۳۷۱ش) و گواهی امیرالمؤمنین(علیه السلام) - - - - - ۱۸۴
۵. شهید مرتضی مطهری (م ۱۳۵۸ش) - - - - - ۱۸۶
۶. آیت الله محمد فاضل لنکرانی (م ۱۳۸۶ش) - - - - - ۱۸۷
۷. امام خمینی (م ۱۳۶۸ش) و اعجاز عرفانی و بطن قرآن - - - - - ۱۹۰
۸. محمود مهدی استانبولی (۱۴۲۰ق) و اعجاز سیاسی و اجتماعی - - - - - ۱۹۳
۹. رشاد خلیفه و اعجاز عددی قرآن - - - - - ۱۹۵
۱۰. دکتر سید رضا پاک نژاد (م ۱۳۶۰ش) و اعجاز رنگ ها در قرآن - - - - - ۱۹۶
۱۱. آیت الله سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ش) - - - - - ۱۹۹
۱۲. محمدتقی شریعتی (م ۱۳۶۶ش) - - - - - ۲۰۰
۱۳. مهندس مهدی بازرگان (م ۱۳۷۲ش) - - - - - ۲۰۲
۱۴. آیت الله سبحانی (معاصر) - - - - - ۲۰۴
۱۵. احمد امین (م ۱۹۵۴م - ۱۳۷۳ق) - - - - - ۲۰۴
۱۶. آیت الله صافی گلپایگانی (معاصر) - - - - - ۲۰۶
۱۷. دکتر موریس بوکای (معاصر) و اعجاز علمی قرآن در مقایسه با تورات و انجیل - - - - - ۲۰۷
۱۸. عبدالرزاق نوفل (معاصر) و اعجاز علمی قرآن - - - - - ۲۰۹
۱۹. دکتر لبیب بیضون (معاصر) - - - - - ۲۱۰
۲۰. دکتر ذاکر عبدالکریم نائیک (ت ۱۹۶۵م) و کتاب قرآن و علم جدید - - - - - ۲۱۱
۲۱. دکتر زغلول راغب محمد النجار - - - - - ۲۱۴
۲۲. دکتر مصطفی رجب (معاصر) و اعجاز تربیتی قرآن - - - - - ۲۱۴
۲۳. اقتصاددانان معاصر و اعجاز اقتصادی قرآن - - - - - ۲۱۵
۲۴. دکتر امیرعلی لطفی (معاصر) و اعجاز مدیریتی قرآن - - - - - ۲۱۶
۲۵. دکتر علی رضا قائمی نیا (معاصر) و اعجاز شناختی قرآن - - - - - ۲۱۸
۲۶. دکتر محمدرفعت احمد زنجیر، اعجاز دینامیکی قرآن - - - - - ۲۲۰
۲۷. حسام البیطار، اعجاز کلمات در قرآن - - - - - ۲۲۰
۲۸. خمیس جابر صفر، اعجاز جدلی در قرآن - - - - - ۲۲۰
۲۹. دکتر بدرالدین عبدالکریم احمد، اعجاز هندسی قرآن - - - - - ۲۲۰

۲۳۰	فصل سوم : اعجاز علمی قرآن
۲۳۰	اشاره
۲۳۰	۱. چیستی اعجاز علمی قرآن
۲۳۰	اشاره
۲۳۱	تعریف اعجاز علمی قرآن
۲۳۶	مبانی و معیارهای اعجاز علمی قرآن
۲۳۸	چالش های مفهوم اعجاز علمی
۲۴۷	۲. تاریخچه و اقسام اعجاز علمی قرآن
۲۴۷	اشاره
۲۴۷	مراحل رشد اعجاز علمی قرآن
۲۴۷	اول) سرچشمه ها در قرآن و احادیث اهل بیت(علیهم السلام)
۲۵۱	دوم) طرح نظریه های اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی
۲۵۴	سوم) طرح نظریه های اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی
۲۵۶	چهارم) اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم عقلی
۲۵۷	پنجم) اعجاز علمی قرآن در حوزه عرفان
۲۵۷	۳. مبانی و روش شناسی اعجاز علمی
۲۵۷	اشاره
۲۵۷	الف) چیستی علم و تقسیم اجمالی علوم بشری
۲۶۰	ب) وجودنداشتن همه علوم بشری در ظواهر قرآن
۲۶۶	ج) هدف اصلی قرآن هدایت
۲۷۴	د) شیوه های انطباق قرآن با مطالب علمی
۲۷۸	ه) معیارهای انطباق قرآن با علوم
۲۸۴	فصل چهارم : مصادیق اعجاز علمی قرآن
۲۸۴	اشاره
۲۸۴	اول) اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی
۲۸۴	اشاره

۲۸۵	مفهوم شناسی
۲۸۵	اشاره
۲۸۶	۱. کیهان شناسی
۲۸۶	اشاره
۲۸۶	الف) جاذبه عمومی موجودات
۲۹۵	ب) خورشید و حرکات آن
۳۱۴	۲. زیست شناسی
۳۱۴	اشاره
۳۱۴	الف) زوجیت
۳۲۶	ب) لقاح (زایا کردن گیاهان و ابرها)
۳۳۵	۳. پزشکی
۳۳۶	مراحل خلقت انسان
۳۳۶	اشاره
۳۴۱	مرحله اول: آفرینش انسان از خاک
۳۴۴	مرحله دوم: آفرینش انسان از آب
۳۵۳	مرحله سوم: آفرینش انسان از منی
۳۵۹	مرحله چهارم: خلقت انسان از نطفه
۳۷۸	مرحله پنجم: آفرینش انسان از علق
۳۸۶	مرحله ششم: آفرینش انسان از مضغه
۳۹۵	مرحله هفتم: تصویر و تسویه انسان
۴۰۳	مرحله هشتم: شکل گیری استخوان ها
۴۰۳	مرحله نهم: پوشاندن گوشت بر استخوان ها
۴۰۹	مرحله دهم: آفرینش جنس جنین (مذکر یا مؤنث)
۴۱۴	مرحله یازدهم: آفرینش روح (دمیدن جان در جنین)
۴۲۱	مرحله دوازدهم: تولد طفل
۴۲۴	مرحله سیزدهم: بلوغ

- مرحله چهاردهم: کهن سالی (پیری) ۴۲۷
- مرحله پانزدهم: مرگ ۴۳۱
- دوم) اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی ۴۳۷
- اشاره ۴۳۷
- تفاوت های علوم انسانی و علوم طبیعی ۴۳۸
- رویکردها در اعجاز در حوزه علوم انسانی ۴۴۰
- اشاره ۴۴۰
۱. اعجاز تربیتی قرآن ۴۴۲
- اشاره ۴۴۲
- اول) اعجاز تربیتی؛ قرآن با تنظیم قوانین حقوق کودک ۴۴۳
- دوم) اعجاز تربیتی قرآن در شیوه های تربیت و دعوت ۴۵۱
۲. اعجاز اقتصادی قرآن ۴۵۸
- اشاره ۴۵۸
- ادعاهای اعجاز اقتصادی قرآن ۴۶۰
- تحریم ربا ۴۶۷
- وجوه اعجاز قرآن در تحریم ربا ۴۷۰
۳. اعجاز مدیریتی قرآن ۴۷۹
- اشاره ۴۷۹
- پیش نیازهای نظریه اعجاز مدیریتی قرآن ۴۸۳
- گونه شناسی مطالعات مدیریتی قرآن ۴۸۶
۴. اعجاز تشریحی (قانون گذاری) قرآن ۴۹۰
- اشاره ۴۹۰
- اول) وجود قوانین خارق العاده در قرآن ۴۹۳
- اشاره ۴۹۳
- قانون قصاص ۴۹۵
- دوم) تأثیر اعجاز آمیز قرآن در تحوّل قوانین جامعه عرب جاهلی ۵۰۲

۵۰۳	سوم) نظام خارق العاده قانون گذاری در قرآن
۵۰۵	۵. اعجاز تاریخی قرآن
۵۰۵	اشاره
۵۰۸	اقسام اخبار غیبی قرآن
۵۱۵	بررسی برخی از مهم ترین مصادیق اعجاز تاریخی قرآن
۵۲۵	۶. اعجاز ریاضی
۵۲۵	اشاره
۵۲۶	الف) موافقان اعجاز عددی قرآن
۵۳۳	ب) مخالفان اعجاز عددی قرآن
۵۴۴	فصل پنجم: هموردی با قرآن
۵۴۴	اشاره
۵۴۵	الف) معارضان قدیمی
۵۴۵	۱. مسیلمه کذاب و همسرش سجاح
۵۴۷	۲. چهار سخنور عرب
۵۴۹	۳. ابوالعلاء معزی
۵۵۰	۴. ابوالطیب متنبی
۵۵۰	ب) معارضان جدید و سوره های ساختگی اینترنتی
۵۵۰	اشاره
۵۵۳	الف) لفظی و صوری
۵۵۴	ب) محتوایی
۵۵۸	ملحقات: منبع شناسی و شخصیت شناسی
۵۵۸	اشاره
۵۵۸	الف) کتاب ها
۵۷۹	ب) مقالات
۵۸۰	ج) پایان نامه ها
۵۸۷	د) سایت

۵۹۰ ----- (ه) مجلات

۵۹۱ ----- (و) مراکز

۵۹۴ ----- فهرست منابع

۶۱۳ ----- درباره مرکز

علوم قرآن ۲ (اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی)

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور: علوم قرآن ۲ [کتاب]: (اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی) / نگارش محمدعلی رضایی اصفهانی.

مشخصات نشر: قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله ۱۴۳۵ق = ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۵۷۶ص.

فروست: پژوهشگاه بین المللی المصطفی صلی الله علیه و آله؛ ۶۶

شابک: ۱۹۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۶۷۹-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۵۶۳] - ۵۷۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: (اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی).

موضوع: تفسیر -- فن

موضوع: قرآن -- اعجاز

موضوع: قرآن و علوم

شناسه افزوده: جامعه المصطفی (ص) العالمیه. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)

رده بندی کنگره: BP۹۱/۵/۸۶۶/۱۳۹۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۰۰۳۹۹

ص: ۱

اشاره

علوم قرآن ۲ (اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی)

نگارش محمدعلی رضائی اصفهانی.

ص: ۳

تحولات اجتماعی و مقتضیات نوپدید دانش‌ها و پدید آمدن دانش‌های نو، نیازهایی را به وجود آورده که پاسخ‌گویی به آن، ایجاد رشته‌های تحصیلی جدید و تربیت چهره‌های متخصص را ضروری می‌نماید. از این رو کتاب‌های آموزشی نیز باید با توجه به این دگرگونی‌ها تألیف شود.

جهانی‌شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی اقتضا دارد که دانش پژوهان و علاقه‌مندان به این مباحث، با اندیشه‌های بلند و ارزش‌های متعالی آشنا شوند و این مهم با ایجاد رشته‌های تخصصی، تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان‌یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید. این فرایند گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می‌شود و گاه در نگارش بحث‌های علمی، اما نه چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می‌رسد.

از طرفی بالندگی مراکز آموزشی در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. بازنگری در متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و به روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه نشاط علمی مراکز آموزشی را در پی دارد.

در این بستر، حوزه های علوم دینی به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، سالیانی است که در اندیشه اصلاح ساختار آموزشی و بازنگری متون درسی اند.

«جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله) العالمیه» به عنوان بخشی از این مجموعه که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این فرایند است.

«مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله)» با قدردانی و سپاس از فاضل ارجمند جناب آقای دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی مؤلف کتاب علوم قرآن ۲ و تمام عزیزانی که در تولید این اثر همیاری و همفکری داشته اند، آن را به جویندگان فرهنگ و اندیشه ناب اسلامی تقدیم می کند.

مرکز بین المللی

ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله)

ص: ۶

حقیقت مداری اصیل‌ترین و زیباترین راز هستی و حقیقت طلبی ماندگارترین و برترین گرایش آدمی است.

داستان پر رمز و راز حقیقت‌جویی بشر، سرشار از هنرنمایی مؤمنان، مجاهدان و عالمانی است که با تمسک و پای‌بندی به حقیقت بی‌منتها، در مصاف بین حق و باطل، سربلندی و شرافت ذاتی حق را نمایان ساخته‌اند و در این میان، چه درخشندگی چشم‌نوازی در اسلام عزیز است که علم را به ذات خود، شرافتمند و فخیم دانسته و از باب تا محراب، کائنات را سراسر علم و عالم و معلوم می‌نمایاند و در مکتب آن، جز اولوالعلم و راسخان در مسیر طلب دانش، کسی را توان دست‌یابی به گنجینه‌های حکمت نیست.

علم برخاسته از وجدان پاک و عقل سلیم، در پرتو انوار آسمانی وحی، هم به فرد کمال‌انسانی، عظمت روحی و رشد معنوی می‌بخشد و فکر، اندیشه و خیال او را به پرواز درمی‌آورد، و هم جامعه را سمت و سوی سعادت‌مندان به‌بخشیده و آن را به جامعه‌ای متمدن و پیشرو متحول می‌کند. بی‌توجهی یا کوتاه‌فکری است اگر فرد و جامعه‌ای به دنبال عزت، استقلال، هویت، امنیت، سعادت و سربلندی

مادی و معنوی باشد، اما آن را در صراطی غیر از حقیقت طلبی، علم اندوزی و حکمت مداری الهی طلب نمایند.

انقلاب سراسر نور اسلامی ایران که داعیه جهانی سازی کلمه الله و برپایی تمدن جهانی اسلام را داشته و فروپاشی و افول تمدن های پوشالی غرب و شرق را به نظاره نشسته است، با اندیشه فقهاتی در اداره حکومت و نظریه مترقی «ولایت فقیه»، طرازی از مسئولیت ها و مأموریت های حوزه های علمیه و روحانیت را عرضه نمود که امید و نشاط را نه تنها در شیعیان و مسلمانان، بلکه در دل تمامی آزادی خواهان و حق طلبان سراسر جهان زنده ساخت.

در این راستا، رهبر فرزانه انقلاب (مدظله) با عزمی مصمم و با تمامی توان، همچون پیر و مراد خود خمینی کبیر (رحمه الله)، در صحنه حاضر شده و با تأکید بر اهمیت و فوریت این حرکت فراگیر و بی وقفه، همه توانمندی ها و اراده ها را جهت تحقق جنبش نرم افزاری و نهضت تولید علم و تحول در علوم انسانی و نیز یافتن راه های میان بر و دانش افزا راهبری و رصد می کنند.

جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله) العالمیه، نمادی درخشان از این رسالت جهانی و همت بین المللی انقلاب اسلامی است که بار مسئولیت تربیت مجتهدان، عالمان، محققان، متخصصان، مدرسان، مبلغان، مترجمان، مربیان و مدیران پارسا، متعهد و زمان شناس را بر دوش داشته و با تبیین، تولید و تعمیق اندیشه دینی و قرآنی و گسترش مبانی و معارف اسلامی، به نشر و ترویج اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و معارف بلند و تابناک مکتب اهل بیت (علیهم السلام) جامه تحقق می پوشاند.

پژوهشگاه بین المللی المصطفی (صلی الله علیه و آله) نیز که مهم ترین و گسترده ترین مجموعه پژوهشی المصطفی (صلی الله علیه و آله) است، بومی سازی و بازتولید اندیشه دینی معاصر، متناسب با نیازها و اقتضائات عرصه بین الملل، تبیین، تولید و تعمیق اندیشه دینی، گشودن

افق های جدید فکری و معرفتی در دنیای معاصر، پاسخ گویی به مسائل و شبهات فکری و معرفتی مخاطبان و تأمین و تدوین متون و منابع درسی و کمک درسی، به ویژه با رویکرد اسلامی سازی علوم و پشتیبانی علمی از فعالیت های سازمانی المصطفی (صلی الله علیه و آله) را از جمله مأموریت ها و تکالیف خود می داند.

اثر علمی پیش رو نیز به همت مؤلف محترم جناب آقای دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی برای رشته های قرآنی، در چارچوب اهداف و برنامه های پژوهشگاه و مبتنی بر نیازسنجی های صورت گرفته، تهیه و تدوین شده است.

در پایان لازم است ضمن ارج نهادن به تلاش های خالصانه مؤلف محترم، از کلیه دست اندرکاران محترم آماده سازی و انتشار این اثر ارزشمند، به ویژه همکاران محترم مرکز بین المللی نشر و ترجمه المصطفی (صلی الله علیه و آله) و همه عزیزانی که به نحوی در تدوین و انتشار آن نقش داشته اند، قدردانی و تشکر نماییم و از خداوند متعال برای ایشان و همه خادمان عرصه تبلیغ و نشر مفاهیم و معارف دینی، آرزوی بهروزی، موفقیت و سعادت نماییم.

پژوهشگاه بین المللی المصطفی (صلی الله علیه و آله)

درآمد ۲۱

شیوه استفاده از کتاب حاضر ۲۲

فصل اول: کلیات ۲۵

۱. مفهوم شناسی معجزه و اعجاز قرآن ۲۵

واژه شناسی معجزه در قرآن ۲۶

اول) معنای لغوی واژه ها ۲۶

دوم) معنای اصطلاحی معجزه ۳۲

نمونه هایی از معجزات در قرآن ۳۷

تحلیل عقلانی معجزه ۳۸

لوازم کلامی معجزه ۴۱

اول) اثبات نبوت خاصه (صدق مدعی نبوت) ۴۲

دوم) اثبات نبوت عامه (لزوم بعثت انبیاء برای مردم) ۴۴

سوم) اثبات وجود خداوند ۴۵

چهارم) علم و قدرت خدا و پیامبر ۴۶

الف) تفاوت معجزه با سحر و اعمال مرتاضان ۴۹

ب) تفاوت معجزه و کرامت ۵۱

اقسام معجزه ۵۳

ص: ۱۱

الف) معجزه اقتراحی و غیراقتراحی ۵۳

ب) معجزه حسی و عقلی ۵۴

ج) معجزه موقت و دائمی ۵۴

کرانه های اعجاز قرآن ۵۴

۲. هماوردطلبی قرآن (تحدی) ۶۱

الف) آیات تحدی (مبارزه طلبی) ۶۱

ب) قلمرو تحدی قرآن: سه نوع شمول در مبارزه طلبی قرآن ۶۳

ج) مرجع ضمیر «من مثله» ۶۴

فصل دوم: سیر تطور اعجاز قرآن ۶۹

قرن اول و دوم: سرچشمه های اعجاز قرآن در صدر اسلام ۶۹

الف) اعجاز ادبی قرآن ۷۱

ب) اعجاز قرآن در اخبار غیبی ۷۲

ج) اعجاز قرآن در استقامت بیان (عدم اختلاف) ۷۴

د) معارف عالی از فردی امی ۷۵

ه) شیرینی و جذبه قرآن ۷۵

قرن سوم) شروع نگارش در اعجاز قرآن و پیدایش نظریه صرفه و عدم تناقض و نظم قرآن ۷۶

۱. ابوالهذیل علاف (ت ۲۳۰ یا ۲۳۵ق) عدم تناقض در قرآن ۷۷

۲. نظام (ت ۲۳۱ ق) و نظریه صرفه ۷۷

۳. جاحظ (م ۲۵۵ق) و نظم قرآن ۷۹

قرن چهارم: اعجاز ادبی قرآن و تأثیر آن در نفوس و اخبار غیبی ۸۰

۱. محمد بن جریر طبری (۳۱۰ ق) و نظم قرآن ۸۰

۲. ابو عیسیٰ رمانی (۲۷۶ - ۳۸۴) و هفت وجه اعجاز قرآن ۸۱

۳. الخطابی (۳۱۷ - ۳۸۸ ق) اعجاز بلاغی قرآن و تأثیر آن در نفوس ۸۲

۴. ابو هلال عسکری (حدود ۴۰۰ ق) و بلاغت قرآن ۸۳

قرن پنجم: نظریه اعجاز در آورنده امّی و اوج گیری نظریه صرفه ۸۴

۱. راغب اصفهانی (م ۴۰۲ ق)؛ اعجاز در نظم و صرفه ۸۴

۲. باقلانی (ت ۴۰۳ ق)؛ اعجاز در اخبار غیبی، آورنده امّی و بلاغت ۸۶

ص: ۱۲

۳. شیخ مفید (ت ۴۱۳ق) و اعجاز در صرفه، فصاحت و بلاغت ۸۹

۴. قاضی عبدالجبار (۴۱۵ق) ۸۹

۵. سید مرتضی (ت ۴۳۶ق) و نظریه صرفه ۹۰

۶. شیخ طوسی (ت ۴۶۰ق)؛ فصاحت همراه نظم مخصوص ۹۱

۷. عبدالقاهر جرجانی (ت ۴۷۱ق)؛ اعجاز در نظم و تألیف ۹۲

قرن ششم: رویکرد اعجاز محتوایی و علمی ۹۳

۱. غزالی (۵۰۵ق) و اعجاز علمی قرآن ۹۳

۲. زمخشری (۵۳۸ق) و نظم قرآن در واژگان و ترکیب ها ۹۴

۳. ابن عطیه (۵۴۲ق) ۹۴

۴. قاضی عیاز (۵۴۴ق) و اعجاز قرآن در سه وجه جدید ۹۵

۵. شیخ طبرسی (۵۴۸ق) و زیبایی معنای قرآن ۹۷

۶. سکاکی (۵۶۷ق) و اعجاز ذوقی قرآن ۹۸

۷. قطب الدین راوندی (۵۷۳ق)؛ قرآن دارای معجزه های بی شمار ۹۸

قرن هفتم: تکرار نظریه های قبلی در اعجاز ۹۹

۱. فخر رازی (م ۶۰۶) ۹۹

۲. آمدی (۶۳۱ق) ۱۰۰

۳. زملکانی (۶۵۱ق) ۱۰۰

۴. بیضاوی (۶۸۵ق) ۱۰۰

۵. ابن میثم (۶۹۹ق) ۱۰۱

۶. قرطبی (۶۷۱ق) ۱۰۱

قرن هشتم: تکرار وجوه قبلی اعجاز همراه با برخی نوآوری ها ۱۰۲

۱. ابن جزی کلبی (۷۴۱ق) ۱۰۲

۲. الامیر العلوی (۷۴۹ق) ۱۰۴

۳. زرکشی (۷۹۴ق) ۱۰۵

قرن نهم: دوران رکود در مباحث اعجاز قرآن ۱۰۸

قرن دهم: گردآوری و تفصیل نظریه های اعجاز ۱۰۸

۱. جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ق) و سی و پنج وجه اعجاز قرآن ۱۰۹

۲. دیگر قرآن پژوهان ۱۱۸

ص: ۱۳

قرن یازدهم: ادامه دوران رکود در مباحث اعجاز قرآن ۱۱۹

قرن دوازدهم: مصادیق و تقریرهای جدید در وجوه اعجاز قرآن ۱۱۹

۱. علامه محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۰ق) ۱۱۹

۲. احمد بن محمد کواکبی (م ۱۱۲۴ق) ۱۲۰

۳. شمس الدین محمدالضیر المالکی اسکندری (زنده در قرن دوازدهم) ۱۲۰

۴. شیخ اسماعیل حقی بروسوی (م ۱۱۳۷ق) ۱۲۱

قرن سیزدهم: رکود در مباحث اعجاز قرآن ۱۲۲

۱. علامه سید عبدالله شبیر (م ۱۴۴۲ق) ۱۲۲

۲. محمد بن علی بن محمد بن عبدالله شوکانی صنعانی (م ۱۲۵۰ق) ۱۲۳

۳. سید محمود شهاب الدین افندی آلوسی (م ۱۲۷۰ق) ۱۲۴

قرن چهاردهم: گسترش رویکرد اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی ۱۲۴

۱. محمد بن احمد اسکندرانی (م ۱۳۰۶ق) و اعجاز علمی قرآن در طبیعت و کیهان ۱۲۴

۲. عبدالرحمن کواکبی (۱۳۲۰ق) و اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی ۱۲۶

۳. علامه بلاغی (م ۳۵۲ق) و ابعاد جدید اعجاز قرآن ۱۲۸

۴. شیخ محمد عبده (۱۲۶۶ - ۱۳۲۳ق) ۱۳۱

۵. رشید رضا (م ۱۳۵۴ق) ۱۳۲

۶. محمد صادق رافعی (۱۳۵۶ق) و اعجاز علمی و بیانی قرآن ۱۳۳

۷. طنطاوی (م ۱۳۸۵ق) و اعجاز علمی قرآن ۱۳۶

۸. امین خولی (م ۱۹۶۹م) و اعجاز نفسی (روان شناختی) قرآن ۱۳۸

۹. سید قطب (م ۱۳۸۷ق) و تصویر هنری قرآن ۱۴۰

۱۰. عبدالعظیم زرقانی (م ۱۳۶۷ یا ۱۳۷۲ق) و اعجاز پزشکی قرآن ۱۴۳
۱۱. سید هبه الدین شهرستانی (۱۳۰۱ - ۱۳۶۹ق) و اعجاز نجومی قرآن ۱۴۴
۱۲. احمد مصطفی مراغی (۱۳۷۱ق) و اعجاز علمی قرآن ۱۴۵
۱۳. عبدالله دراز (م ۱۳۷۷ق) و اعجاز صوتی و انقلاب تاریخی قرآن ۱۴۶
۱۴. عبدالمتعال صعیدی (م ۱۳۹۱ق) و اعجاز در وحدت موضوعی قرآن ۱۴۹
۱۵. یدالله نیازمند شیرازی (زنده در ۱۳۲۶ش) ۱۵۰
۱۶. آیت الله احمد اهتمام (م ۱۳۴۶ش) ۱۵۲
۱۷. افراد دیگر ۱۵۴

قرن پانزدهم: گسترش رویکرد اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی ۱۵۵

۱. علامه محمدحسین طباطبایی (م ۱۳۶۰ش - ۱۴۰۵ق) و تفاوت اعجاز قرآن نسبت به علوم مخاطبان ۱۵۵

۲. آیت الله مکارم شیرازی (معاصر)؛ قرآن معجزه ای گویا... ۱۵۹

۳. آیت الله محمد هادی معرفت (م ۱۳۸۵ش) و بررسی مفصل ابعاد اعجاز قرآن ۱۶۰

۴. آیت الله سید ابوالقاسم خویی (۱۳۷۱ش) و گواهی امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۱۶۲

۵. شهید مرتضی مطهری (م ۱۳۵۸ش) ۱۶۴

۶. آیت الله محمد فاضل لنکرانی (م ۱۳۸۶ش) ۱۶۵

۷. امام خمینی (م ۱۳۶۸ش) و اعجاز عرفانی و بطن قرآن ۱۶۷

۸. محمود مهدی استانبولی (۱۴۲۰ق) و اعجاز سیاسی و اجتماعی ۱۷۰

۹. رشاد خلیفه و اعجاز عددی قرآن ۱۷۲

۱۰. دکتر سید رضا پاک نژاد (م ۱۳۶۰ش) و اعجاز رنگ ها در قرآن ۱۷۳

۱۱. آیت الله سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ش) ۱۷۶

۱۲. محمدتقی شریعتی (م ۱۳۶۶ش) ۱۷۷

۱۳. مهندس مهدی بازرگان (م ۱۳۷۲ش) ۱۷۹

۱۴. آیت الله سبحانی (معاصر) ۱۸۱

۱۵. احمد امین (م ۱۹۵۴م - ۱۳۷۳ق) ۱۸۱

۱۶. آیت الله صافی گلپایگانی (معاصر) ۱۸۳

۱۷. دکتر موریس بوکای (معاصر) و اعجاز علمی قرآن در مقایسه با تورات و انجیل ۱۸۴

۱۸. عبدالرزاق نوفل (معاصر) و اعجاز علمی قرآن ۱۸۶

۱۹. دکتر لیب بیضون (معاصر) ۱۸۷

۲۰. دکتړ ذاکر عبدالکریم نائیک (ت ۱۹۶۵م) و کتاب قرآن و علم جدید ۱۸۸

۲۱. دکتړ زغلول راغب محمد النجار ۱۹۱

۲۲. دکتړ مصطفی رجب (معاصر) و اعجاز تربیتی قرآن ۱۹۱

۲۳. اقتصادانان معاصر و اعجاز اقتصادی قرآن ۱۹۲

۲۴. دکتړ امیرعلی لطفی (معاصر) و اعجاز مدیریتی قرآن ۱۹۳

۲۵. دکتړ علی رضا قائمی نیا (معاصر) و اعجاز شناختی قرآن ۱۹۵

۲۶. دکتړ محمدرفعت احمد زنجیر، اعجاز دینامیکی قرآن ۱۹۷

ص: ۱۵

۲۷. حسام البیطار، اعجاز کلمات در قرآن ۱۹۷

۲۸. خمیس جابر صفر، اعجاز جدلی در قرآن ۱۹۷

۲۹. دکتر بدرالدین عبدالکریم احمد، اعجاز هندسی قرآن ۱۹۷

فصل سوم: اعجاز علمی قرآن ۲۰۷

۱. چیستی اعجاز علمی قرآن ۲۰۷

تعریف اعجاز علمی قرآن ۲۰۸

مبانی و معیارهای اعجاز علمی قرآن ۲۱۳

چالش های مفهوم اعجاز علمی ۲۱۵

۲. تاریخچه و اقسام اعجاز علمی قرآن ۲۲۴

مراحل رشد اعجاز علمی قرآن ۲۲۴

اول) سرچشمه ها در قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) ۲۲۴

دوم) طرح نظریه های اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی ۲۲۸

سوم) طرح نظریه های اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی ۲۳۱

چهارم) اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم عقلی ۲۳۳

پنجم) اعجاز علمی قرآن در حوزه عرفان ۲۳۴

۳. مبانی و روش شناسی اعجاز علمی ۲۳۴

الف) چیستی علم و تقسیم اجمالی علوم بشری ۲۳۴

ب) وجودنداشتن همه علوم بشری در ظواهر قرآن ۲۳۷

ج) هدف اصلی قرآن هدایت ۲۴۳

د) شیوه های انطباق قرآن با مطالب علمی ۲۵۱

ه) معیارهای انطباق قرآن با علوم ۲۵۵

فصل چهارم: مصادیق اعجاز علمی قرآن ۲۶۱

اول) اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی ۲۶۱

مفهوم شناسی ۲۶۲

۱. کیهان شناسی ۲۶۳

الف) جاذبه عمومی موجودات ۲۶۳

ب) خورشید و حرکات آن ۲۷۲

ص: ۱۶

۲. زیست شناسی ۲۹۱

الف) زوجیت ۲۹۱

ب) لقاح (زایا کردن گیاهان و ابرها) ۳۰۳

۳. پزشکی ۳۱۲

مراحل خلقت انسان ۳۱۳

مرحله اول: آفرینش انسان از خاک ۳۱۸

مرحله دوم: آفرینش انسان از آب ۳۲۱

مرحله سوم: آفرینش انسان از منی ۳۳۰

مرحله چهارم: خلقت انسان از نطفه ۳۳۶

مرحله پنجم: آفرینش انسان از علق ۳۵۴

مرحله ششم: آفرینش انسان از مضغه ۳۶۱

مرحله هفتم: تصویر و تسویه انسان ۳۷۰

مرحله هشتم: شکل گیری استخوان ها ۳۷۸

مرحله نهم: پوشاندن گوشت بر استخوان ها ۳۷۸

مرحله دهم: آفرینش جنس جنین (مذکر یا مؤنث) ۳۸۴

مرحله یازدهم: آفرینش روح (دمیدن جان در جنین) ۳۸۹

مرحله دوازدهم: تولد طفل ۳۹۶

مرحله سیزدهم: بلوغ ۳۹۹

مرحله چهاردهم: کهن سالی (پیری) ۴۰۲

مرحله پانزدهم: مرگ ۴۰۶

دوم) اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی ۴۱۲

تفاوت های علوم انسانی و علوم طبیعی ۴۱۳

رویکردها در اعجاز در حوزه علوم انسانی ۴۱۵

۱. اعجاز تربیتی قرآن ۴۱۷

اول) اعجاز تربیتی؛ قرآن با تنظیم قوانین حقوق کودک ۴۱۸

دوم) اعجاز تربیتی قرآن در شیوه های تربیت و دعوت ۴۲۶

۲. اعجاز اقتصادی قرآن ۴۳۳

ادعاهای در اعجاز اقتصادی قرآن ۴۳۵

ص: ۱۷

تحریم ربا ۴۴۱

وجوه اعجاز قرآن در تحریم ربا ۴۴۴

۳. اعجاز مدیریتی قرآن ۴۵۳

پیش نیازهای نظریه اعجاز مدیریتی قرآن ۴۵۷

گونه شناسی مطالعات مدیریتی قرآن ۴۶۰

۴. اعجاز تشریحی (قانون گذاری) قرآن ۴۶۴

اول) وجود قوانین خارق العاده در قرآن ۴۶۷

قانون قصاص ۴۶۹

دوم) تأثیر اعجاز آمیز قرآن در تحوّل قوانین جامعه عرب جاهلی ۴۷۶

سوم) نظام خارق العاده قانون گذاری در قرآن ۴۷۷

۵. اعجاز تاریخی قرآن ۴۷۹

اقسام اخبار غیبی قرآن ۴۸۲

بررسی برخی از مهم ترین مصادیق اعجاز تاریخی قرآن ۴۸۹

۶. اعجاز ریاضی ۴۹۹

الف) موافقان اعجاز عددی قرآن ۵۰۰

ب) مخالفان اعجاز عددی قرآن ۵۰۷

فصل پنجم: هموردی با قرآن ۵۱۸

الف) معارضات قدیمی ۵۱۹

۱. مسیلمه کذاب و همسرش سجاح ۵۱۹

۲. چهار سخور عرب ۵۲۱

۳. ابوالعلاء معری ۵۲۳

۴. ابوالطیب متنبی ۵۲۴

ب) معارضان جدید و سوره های ساختگی اینترنتی ۵۲۴

الف) لفظی و صوری ۵۲۷

ب) محتوایی ۵۲۸

ملحقات: منبع شناسی و شخصیت شناسی ۵۳۲

الف) کتاب ها ۵۳۲

ص: ۱۸

ب) مقالات ۵۵۰

ج) پایان نامه ها ۵۵۱

د) سایت ۵۵۸

ه) مجلات ۵۵۹

و) مراکز ۵۶۰

فهرست منابع ۵۶۳

ص: ۱۹

(وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) . (۱)

قرآن کریم معجزه جاویدان الهی است که دانش های متعددی در پرتو آن شکل گرفته است. این دانش ها به دو قسم اساسی قابل تقسیم است:

الف) دانش های پیرامون قرآن، مثل: تاریخ قرآن، دانش قرائت و تجوید، ناسخ و منسوخ، اعجاز و... که علوم قرآن نامیده می شود.

ب) دانش محتوایی قرآن که تفسیر (ترتیبی و موضوعی) نامیده می شود.

موضوع این نوشتار یکی از موضوعات علوم قرآن یعنی مبحث اعجاز است. البته اعجاز قرآن خود دارای شاخه ها و ابعاد متعدد است که در این نوشتار بیشتر به تاریخچه اعجاز قرآن و بُعد اعجاز علمی آن (در حوزه علوم طبیعی و انسانی) پرداخته می شود.

البته در این نوشتار به دو نکته جدید دست یافتیم:

ص: ۲۱

اول) در پژوهش تاریخی در مورد ابعاد اعجاز قرآن به ۸۵ بُعد اعجاز برخورد کردیم.

دوم) در پژوهش اعجاز علمی، مبحث اعجاز علمی در حوزه علوم انسانی را مورد بررسی قرار دادیم.

شیوه استفاده از کتاب حاضر

در این مورد توجه به نکات زیر مناسب است:

۱. این کتاب به عنوان کتاب درسی نگاشته شده، هرچند به صورت نظام مند و در چهارچوب فصول آمده است، اما با توجه به این که هر فصل با اهداف، پژوهش و منابع تنظیم شده، (بر اساس حجم هر فصل) می تواند موضوع یک یا دو جلسه درسی قرار گیرد.

۲. اساتید محترم مباحث اصلی هر فصل را بیان و بقیه مطالب را جهت مطالعه به دانش پژوهان واگذار می کنند.

۳. مناسب است که برخی ابعاد اعجاز، موضوعات پایان فصل ها (پژوهش ها) و نیز برخی عناوین و آیات مربوط به اعجاز قرآن در حوزه علوم طبیعی و انسانی به دانش پژوهان واگذار شود تا آن را به صورت تحقیق یا کنفرانس ارائه کنند. بدیهی است که کتاب شناسی پایان کتاب یاریگر آنان خواهد بود.

در پایان از همه فرهیختگان انتظار می رود با توجه به اینکه مباحث اعجاز علمی قرآن نوآمد است با ارائه پیشنهادات تکمیلی ما را در ارتقای علمی کتاب یاری رسانند.

لازم است در این جا از مسئولان پژوهشگاه جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله) العالمیه و انتشارات المصطفی و دوستان گروه تفسیر و علوم قرآن مدرسه عالی قرآن و

حدیث و همکاران مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی (عج) که با پیشنهاد موضوع و پی گیری و انجام امور کتاب، یاری رسان ما بودند تشکر کنم. امید است خدای متعال این خدمت قرآنی را از همه ما بپذیرد و آن را بابرکت نماید، این نوشتار مورد عنایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) قرار گیرد و مورد استفاده قرآن پژوهان واقع گردد و ما را مشمول دعای خیر خویش فرمایند.

والحمد لله رب العالمین

قم ۱۳۹۰/۷/۷ ش

محمد علی رضایی اصفهانی

ص: ۲۳

اهداف آموزشی: در این فصل انتظار می رود مباحث زیر را بشناسیم:

۱. مفهوم شناسی معجزه و اعجاز قرآن؛ ۲. آیات هموردطلبی قرآن (تحدی)؛ ۳. سیر تطور اعجاز قرآن؛ ۴. ابعاد اعجاز قرآن.

درآمد

در این فصل به مباحث مقدماتی «اعجاز قرآن» می پردازیم؛ نخست مفهوم اعجاز را بررسی می کنیم، سپس تاریخچه آن را قرن به قرن مورد کاوش و تحلیل قرار می دهیم و برای نخستین بار فهرست بیش از هفتاد وجه از ابعاد اعجاز قرآن را ارائه می نماییم.

۱. مفهوم شناسی معجزه و اعجاز قرآن

اشاره

مقدمه

در طول تاریخ، بشر همیشه با اعمال خارق العاده برخی انسان ها روبه رو بوده است. این اعمال خارق العاده همیشه اعجاب و تحسین بشر را برانگیخته و گاه موجب ایمان او به کسی یا چیزی و یا بی ایمانی او شده است. پیامبران الهی از این اعمال خارق العاده به عنوان آیه و معجزه یاد می کردند و دیگران را به مبارزه

ص: ۲۵

برای آوردنِ مانند آن دعوت می کردند (تحدّی) و آن را شاهد صدق نبوت خویش می دانستند.

در مقابل این مردان حق طلب، کسانی بودند که اعمال خارق العاده ای انجام می دادند که سحر نامیده می شد و گاهی امر بر مردم مشتبه می گشت که کدام یک حق است؛ از این رو مخالفان ادیان الهی به پیامبران تهمت سحر می زدند.

تاریخ دقیقی از اولین معجزه در دست نیست؛ اما می دانیم که پیامبران الهی معمولاً معجزه داشته اند؛ به طوری که مردم از هر پیامبر جدیدی معجزه می خواستند.

اما به راستی ماهیت معجزه چیست و چه تفاوتی با کرامت و سحر دارد؟ پاسخ به این پرسش ها موضوع این نوشتار است.

واژه شناسی معجزه در قرآن

اشاره

قرآن کریم واژه های «آیه»، «بینه»، «برهان» و «سلطان» را درباره امور خارق عادت و معجزات پیامبران به کار برده و از واژه «معجزه» در این مورد استفاده نکرده است؛ امّا اصطلاح رایج و مشهور در این مورد، «معجزه» است. ابتدا معانی لغوی واصطلاحی این واژه ها را بررسی می کنیم:

اول) معنای لغوی واژه ها

الف) «آیه»: «آیه» در لغت به معنای «علامت» و «نشانه» است؛ آن چیز ظاهری که ملازم با چیز غیرظاهری است. (۱) برخی لغویان گفته اند: «آیه چیزی است که مورد توجه و قصد به سوی مقصود واقع می شود و وسیله ای برای رسیدن به مقصود است». (۲)

ص: ۲۶

۱- (۱). راغب اصفهانی، مفردات، واژه آیه.

۲- (۲). مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، واژه «آیه».

قرآن کریم واژه آیه را در مورد معجزات انبیا به کار برده است؛ مثلاً:

(بَيْلٌ قَالُوا أَضْغَاثٌ أَحْلَامٌ بَيْلِ افْتِرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ)؛ (۱) بلکه (مشرکان) گفتند: (این قرآن) یک دسته خواب های پریشان است؛ بلکه آن را [به دروغ به خدا] نسبت داده است؛ بلکه او شاعر است؛ پس باید نشانه ای (معجزه آسا) برای ما بیاورد؛ همان گونه که پیشینیان (از پیامبران، با معجزه) فرستاده شدند.

(وَرَسُولًا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ ...)؛ (۲) و (او را به عنوان) فرستاده ای به سوی بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) قرار داده (که او به آنان می گوید) که من از طرف پروردگارتان نشانه ای (معجزه وار)، برایتان آورده ام؛ من از گِل برای شما (چیزی) همانند شکل پرنده می سازم و در آن می دمم، پس به رخصت خدا، پرنده ای می گردد...).

ب) «بینه»: «بینه» در لغت به معنای «دلیل واضح» آمده است؛ چه عقلی باشد و چه محسوس. (۳)

برخی لغویان گفته اند: «(از ریشه بین) معنی حقیقی آن انکشاف و وضوح به وسیله جدا کردن و تفریق است و آیه [یا] بینه به معنی امری است که کشف شده و از بین امور عادی جدا شده است». (۴)

قرآن کریم در مواردی از معجزات انبیا به «بینه» تعبیر کرده است؛ مثلاً:

ص: ۲۷

۱- (۱). انبیاء، آیه ۵.

۲- (۲). آل عمران، آیه ۴۹.

۳- (۳). راغب اصفهانی، مفردات، واژه «بین».

۴- (۴). التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۱، ص ۳۶۶ و ۳۶۷، واژه «بین».

وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ... (۱)؛
به سوی قوم) ثمود، برادرشان صالح را (فرستادیم)؛ (او) گفت: «ای قوم (من)! خدا را بپرستید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست. به یقین، دلیلی (معجزه آسا) از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ این ماده شتر خدا، نشانه ای (معجزه وار) برای شماست.

(أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَ ثَمُودَ وَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ...؛
(۲) آیا خبر بزرگ کسانی که پیش از شما بودند: قوم نوح و عاد و ثمود، و کسانی که بعد از آنان بودند، به شما نرسیده است؟ درحالی که جز خدا (کسی) از آنان آگاهی (کامل) ندارد؛ فرستادگانشان دلیل های روشن (معجزه آسا) برای آنان آوردند.

ج) «برهان»: «برهان» در لغت به معنای بیان، حجت و وضوح آن می آید. (۳) برخی لغویان بر آنند که اصل کلمه برهان مصدر «بره» به معنی «ابيض» است و به هر کلام روشنی که ابهام ندارد و امر واضحی که خفا ندارد گویند. «برهانان» (قصص/۳۲) به معنی دو امر روشن و دو آیه واضح (دو معجزه) برای اثبات دعوت حضرت موسی (علیه السلام) است. (۴)

واژه برهان به معنای «دلیل» هم می آید که یک اصطلاح منطقی و خارج از معنای لغوی است. (۵)

ص: ۲۸

۱- (۱). اعراف، آیه ۷۳.

۲- (۲). ابراهیم، آیه ۹.

۳- (۳). مفردات، ماده «برهن»؛ زمخشری، اساس البلاغه؛ فیومی، مصباح المنیر.

۴- (۴). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۶۲-۲۶۳ ماده «برهن».

۵- (۵). ر.ک: مظفر، المنطق.

قرآن کریم در برخی موارد واژه برهان را در مورد معجزات انبیا به کار برده است؛ مثلاً در سوره قصص پس از مطرح کردن عصای موسی (علیه السلام) و ید بیضا می فرماید:

(... فَذَانِكَ بُرْهَانٍ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ ...)؛ (۱) و این دو (معجزه) دلیل های روشنی هستند از جانب پروردگارت به سوی فرعون و اشراف او.

در سوره نساء نیز می فرماید:

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا)؛ (۲) ای مردم! به یقین دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمد و نوری آشکار به سوی شما فر فرستادیم.

مفسران دو احتمال در مورد کلمه برهان در این آیه مطرح کرده اند؛ یکی قرآن و دیگری پیامبر (صلی الله علیه و آله)؛ (۳) در حالی که قرآن معجزه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است.

(د) «سلطان»: «سلطان» از نظر لغوی به معنای تسلط قهری است و به «دلیل» و «حجت» نیز سلطان گویند؛ چون بر قلوب افراد مسلط می شود. (۴) قرآن کریم در برخی آیات تعبیر سلطان را در مورد معجزه به کار برده است. مثال:

(قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُمِئُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ...)؛ (۵) فرستادگان نشان به آنان گفتند: «ما جز بشری همانند شما نیستیم؛ اما خدا بر هر کس از بندگانش که بخواهد (و شایسته بداند)، مَّت می گذارد (و نعمت نبوت به او عطا می کند)؛ و برای ما شایسته

ص: ۲۹

۱- (۱). قصص، آیه ۳۲.

۲- (۲). نساء، آیه ۱۷۴.

۳- (۳). علامه طباطبایی، المیزان، ج ۵، ص ۱۶۰.

۴- (۴). مفردات، ماده «سلط».

۵- (۵). ابراهیم، آیه ۱۱.

نیست که جز به رخصت خدا برای شما دلیلی (و معجزه ای) بیاوریم. (۱)

ه) «معجزه»: این واژه از ریشه «عجز» است و لغویان معانی و استعمالات متعددی برای آن ذکر کرده اند:

۱. برخی ریشه این لغت را «تأخر از چیزی» می دانند و از این رو در مورد آخر و پشت هر چیزی به کار می رود. (۲)

۲. گروهی از لغویان اصل این لغت را به معنای «ضعف» می دانند. (۳) لغت «عاجز» از همین معناست و به زنان کهن سال نیز «عجوز» می گویند.

۳. برخی آن را به معنای فوت چیزی (از دست رفتن) می دانند. (۴)

۴. بعضی آن را «یافتن ضعف در دیگری» معنی کرده اند. (۵)

۵. عده ای از اهل لغت نیز آن را به معنای «ایجاد ضعف در دیگری» دانسته اند. (۶)

نتیجه: به نظر می رسد ریشه اصلی لغت «عجز» همان «ضعف» است که در مقابل قدرت قرار می گیرد. این ضعف دارای مراتبی است و به همین دلیل به زنان کهن سال عجوز می گویند؛ چون ضعیف شده و طراوت، تحرک و زایش خود را از دست داده اند. به مؤخر و پشت انسان نیز «عَجْز» می گویند؛ چون پست و ضعیف است و «اعجاز» ایجاد عجز یا یافتن عجز در دیگران است.

ص: ۳۰

۱- (۱). تفسیر نمونه نیز کلمه «سلطان» را در این آیه به معنای معجزه دانسته است (نمونه، ج ۱۰، ص ۲۹۳).

۲- (۲). ر.ک: مفردات. ابن فارس نیز در مقایسه اللغه این معنا را در یکی از دو معنای اصلی بیان می کند.

۳- (۳). مفردات این را به معنای ثانوی لغت عجز می داند؛ ولی مقایسه اللغه آن را یکی از دو معنای اصلی می داند.

۴- (۴). فیومی، مصباح اللغه و اقرب الموارد، ج ۲، ماده «عجز»، (این معنا در هنگامی است که در مورد اشیا به کار رود؛ اعجزه شیء).

۵- (۵). همان (این معنا هنگامی است که در باب افعال به کار رود؛ أعجزت زیداً).

۶- (۶). همان (این معنا هنگامی است که باب تفعیل به کار رود؛ عَجَزْتَهُ تعجیزاً).

در قرآن کریم لغت «معجزه» به معنای اصطلاحی (عمل خارق العاده که گواه نبوت باشد) یافت نشد؛ اما در موارد متعددی این لغت به شکل های گوناگون به کار رفته است:

«عجوز» (هود/ ۷۲ و صافات/ ۱۳۵)؛ مقصود، ضعف و عجز در تولید فرزند است.

«أعجزت» (مائده/ ۳۱)؛ یعنی ضعف و نفی اقتدار است.

«معجزین» (سبأ/ ۳۸)؛ منظور، استمرار حالت عجز است.

«معجزی الله» (توبه/ ۲) یعنی خدا ضعیف نمی شود.

«معجزین» (انعام/ ۱۳۴ - فصلت/ ۳۱ - نور/ ۵۷ - عنکبوت/ ۲۲).

«لیعجزه» (فاطر/ ۴۴)؛ مقصود ایجاد عجز است.

«أعجاز» (قمر/ ۲۰ - حاقه/ ۷)؛ یعنی ریشه های درخت خرما که وقتی از زمین کنده می شوند، حالت محرومیت از مواد غذایی پیدا می کنند.

نکته اول: «اعجاز» به هر صورت که باشد ملازم با تأثیر، تسلط، تفوق و حکومت است. (۱)

نکته دوم: جالب این است که لغت «معجزه» در روایات اهل بیت (علیهم السلام) به معنای اصطلاحی به کار رفته است و معلوم می شود که این لغت از زمان ائمه (علیهم السلام) کاربرد داشته و به جای «آیه» استفاده می شده است. به این روایت توجه کنید:

عن الصادق (علیه السلام):

«المعجزه علامه لله لا يعطيها الا انبياءه و رسله و حججه ليعرف به صدق الصادق من كذب الكاذب»؛ (۲) «معجزه علامتی الهی است که آن را به غیر از انبیاء و رسولان و حجت های خویش عطا نمی کند تا به وسیله آن راست گویی راست گویان از دروغ گویی دروغ گویان باز شناخته شود».

ص: ۳۱

۱- (۱). التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۸، ص ۳۹.

۲- (۲). علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۷۱؛ میزان الحکمه، ج ۶، ص ۶۶.

بحث معجزه حداقل در چهار علم تفسیر، علوم قرآن، اصول و کلام مطرح شده است. به برخی از قدما نسبت داده شده که آن را جزیی از علم اصول می دانستند (مثل شیخ طوسی و طبرسی). (۱) برخی دیگر آن را در علم کلام (عقاید) مطرح می کنند (مانند خواجه طوسی و علامه حلی در تجرید الاعتقاد، صاحب نثر طوبی و ملا فتح الله کاشانی). (۲) بعضی مفسران آن را در لایه لای تفسیر قرآن و به مناسبت معجزات انبیا مطرح کرده اند (مثل علامه طباطبایی در المیزان و آیت الله طیب در اطبیب البیان و...). (۳) گروهی نیز آن را در علوم قرآن مطرح کرده اند (مثل سیوطی در الاتقان و آیت الله معرفت در التمهید). (۴)

ما در این نوشتار نمی خواهیم جایگاه حقیقی این بحث را مطرح کنیم؛ بلکه طرح مبحث اعجاز در علوم مختلف به جهت ابعاد گوناگون این بحث است که هر گروهی از زاویه ای خاص بدان نظر کرده اند. از آنجا که این بحث در علوم مختلف طرح شده، تعریف های متفاوتی نیز از آن ارائه شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. خواجه طوسی معجزه را این گونه تعریف کرده است: «راه شناخت راست گویی پیامبر این است که به دست او معجزه ای ظاهر شود و آن عبارت است از ثبوت چیزی که معتاد نباشد و یا نفی

ص: ۳۲

-
- ۱- (۱). ر.ک: تفسیر تبیان، ص ۳؛ شیخ طوسی، زندگی نامه، ص ۱۱۰؛ علامه طباطبایی، اعجاز قرآن، مقدمه علی رضا میرزا محمد، ص ۹ (شاید مقصود آنان همان علم اصول اعتقادات یعنی کلام باشد؛ نه اصول الفقه).
 - ۲- (۲). ر.ک: منهج الصادقین، ج ۱، ص ۱۴؛ نثر طوبی، ج ۲، ص ۱۱۹.
 - ۳- (۳). ر.ک: اطبیب البیان، ج ۱، ص ۴۰-۵۹؛ المیزان، ج ۱، ص ۷۳ به بعد.
 - ۴- (۴). ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۴؛ سیوطی، الاتقان، ج ۳، ص ۳.

چیزی که معتاد باشد، در صورتی که خرق عادت بوده و مطابق ادعا واقع شود». (۱)

سپس علامه حلی در شرح این کلام چندین شرط را مقرر می کند:

(الف) امت شخص معجزه گر، از آوردن مثل آن عاجز باشند؛

(ب) معجزه از طرف خدا یا با امر او باشد؛

(ج) معجزه در زمان تکلیف باشد؛

(د) معجزه بعد از ادعای نبوت ظاهر شود و در زمان معجزه گر، شخص دیگری مدعی نبوت نباشد؛ (۲)

(و) آن عمل خارق عادت باشد.

۲. سیوطی معجزه را این گونه تعریف کرده است: «امر خارق عادتی که همراه با تحدی و سالم از معارضه باشد». (۳)

۳. آیت الله خوئی در تعریف معجزه می نویسد: «معجزه چیزی است که مدعی منصب الهی می آورد؛ به طوری که خرق عادت (خرق نوامیس طبیعت) باشد و دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند تا شاهد صدق ادعای آن منصب الهی باشد».

ایشان سپس چند شرط را برای صدق ادعا مشخص می سازد:

(الف) امکان صادق بودن ادعا باشد (محال عقلی نباشد؛ مثلاً ادعای خدایی نکند)؛

(ب) آن چه می گوید، طبق آن انجام دهد؛

(ج) عمل او از مقوله سحر و علوم دقیقه (غریبه) نباشد؛

ص: ۳۳

۱- (۱). خواجه طوسی (رحمه الله) و علامه حلی (رحمه الله)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۵۰ نشر اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.

۲- (۲). همان.

۳- (۳). سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۳.

د) تَحْدی (مبارزه طلبی) کند. (۱)

۴. علامه طباطبایی در تعریف معجزه می گوید:

«معجزه عبارت است از امری خارج عادت که دلالت کند ماورای طبیعت در طبیعت و امور مادی تصرف کرده است و این به آن معنا نیست که معجزه، مبطل امر عقلی و ضروری است». (۲)

ایشان در جای دیگر می نویسد:

معجزه یا آیه معجزه (بر حسب اصل تسمیه) چنان که از لفظش پیداست، امر خارق العاده ای است که برای اثبات حق و مقارن با تَحْدی (دعوت به مقابله) تحقق پیدا می کند... معجزه هرچه بوده باشد و به هر شکل و صورتی اتفاق بیفتد، امری است خارق العاده و بیرون از نظام علل و معلولات و اسباب و مسبباتی که عادتاً ما با آنها انس گرفته ایم و آنها را می شناسیم. (۳)

۵. ایچی که از متکلمان اهل سنت است در تعریف معجزه می نویسد: «معجزه بر حسب اصطلاح در نزد ما عبارت است از آن چه به وسیله آن قصد شود که راست گویی مدعی نبوت را ظاهر کند».

وی هفت شرط را برای معجزه ذکر می کند: کار خدا باشد؛ خارق عادت باشد؛ کسی نتواند با آن معارضه کند؛ به دست مدعی نبوت انجام شود؛ موافق ادعای او باشد؛ معجزه، او را تکذیب نکند (بر خلاف ادعای او سخن نراند)؛ معجزه، قبل از ادعای نبوت نباشد. (۴)

۶. استاد مصباح یزدی می نویسد: «معجزه عبارت است از امر خارق العاده ای

ص: ۳۴

۱- (۱). البیان، ص ۱۰۳.

۲- (۲). المیزان، ج ۱، ص ۷۲.

۳- (۳). علامه طباطبایی (رحمه الله)، اعجاز قرآن، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.

۴- (۴). ایچی، شرح مواقف، ص ۵۴۷.

که با اراده خدای متعال از شخص مدعی نبوت ظاهر شود و نشانه صدق ادعای وی باشد». (۱)

۷. برخی از نویسندگان در مورد معجزه نوشته اند: «دلیلی که برای صدق پیامبر در ادعایش آورده می شود، معجزه نام دارد و آن عبارت است از تغییری در وجود - کوچک یا بزرگ - که قوانین طبیعی را که از طریق حس و تجربه به دست می آیند به مبارزه می طلبد». (۲)

نقد و بررسی

بررسی همه تعاریف و نقد آنها از حوصله این نوشتار خارج است؛ اما می توان گفت که برخی از تعاریف ناقص بودند و برخی دیگر جامع و مانع نبودند. در اینجا به پاره ای از اشکالات آنها اشاره می کنیم:

۱. یکی از شرایط علامه حلی در (کشف المراد) این بود که مدعی نبوت دیگری در زمان او نباشد تا معلوم شود که معجزه از او صادر شده است؛ در حالی که برخی پیامبران هم زمان بوده اند (مانند حضرت ابراهیم و حضرت لوط علیهما السلام) و ممکن است هر دو معجزاتی داشته اند.

۲. در تعریف های علامه طباطبایی از معجزه، قیدهای دیگری هم لازم بود؛ مثل این که «معجزه مغلوب واقع نمی شود؛ دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند و...».

۳. در تعریف ایچی آمده بود که «معجزه کار خدا باشد»؛ در حالی که این عین ادعایی است که معجزه می خواهد آن را اثبات کند که لازمه آن صدق نبوت است؛ پس نمی تواند خود این مطلب شرط معجزه باشد. از طرف دیگر

ص: ۳۵

۱- (۱). آموزش عقاید، ص ۲۶۳ (دوجلدی).

۲- (۲). سید محمد باقر حکیم، علوم القرآن، ص ۱۲۷ که این مطلب را از شهید صدر (رحمه الله) نقل کرده است.

گفته بود که معجزه راست گویی (صدق) نبوت را ظاهر می کند؛ درحالی که معجزه منحصر به اثبات ادعای نبوت نیست؛ بلکه هر منصب الهی (مثل امامت) را نیز اثبات می کند.

جمع بندی و نتیجه گیری

معجزه (آیه، بینه و برهان) عبارت است از چیزی (کار، سخن یا شیء) که این ویژگی ها و عناصر را داشته باشد:

الف) خارق عادت باشد؛ یعنی قوانین عادی طبیعت را نقض کند. البته معجزه به معنی انجام محال عقلی نیست؛ بلکه ارتکاب محال عادی است. همچنین معجزه به معنی شکستن قانون علیت نیست؛ زیرا تحت قانون علیت عام است؛ فقط علت آن امری غیرمادی است.

ب) از مدعی منصب الهی و پس از ادعای آن واقع شود. پس اگر چیز خارق عادت، قبل از ادعای نبوت واقع شده باشد نمی تواند دلیل ادعای نبوت باشد. همچنین اگر کار خارق عادت بدون ادعای منصبی از مناصب الهی واقع شود، کرامت است؛ نه معجزه اصطلاحی.

ج) همراه باتحدی و مبارزه طلبی باشد؛ یعنی دیگران را دعوت کند که مثل آن را بیاورند.

د) مغلوب واقع نشود و دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند؛ یعنی مثل سحر و اعمال مرتاضان و... نباشد که تحت تأثیر اراده قوی تر نقض شود یا از بین برود.

ه) برای اثبات اموری باشد که غیرممکن نباشد. معجزه نمی تواند برای اثبات محال عقلی (مثل ادعای خدایی) یا محال نقلی (مثل ادعای نبوت بعد پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) باشد.

(و) از امور شرّ نباشد که موجب ضرر به دیگران شود؛ چون با هدف معجزه (هدایت) سازگار نیست.

(ز) معجزه گواه صدق مدعی باشد؛ یعنی عین آن چه ادعا شده، واقع شود؛ مثلاً اگر ادعا کرده، کور را شفا می دهد، به جای آن که شفا پیدا نکند. همچنین معجزه، آورنده خود را تکذیب نکند؛ مثلاً به سخن آید و بگوید که این مدعی دروغ گوست.

به عبارت دیگر در معجزه سه حیثیت و جهت وجود دارد:

اول) جهت معجزه گر (که باید مدعی منصب الهی و تحدّی کننده و... باشد و هدف او هم اثبات امر محالی نباشد).

دوم) جهت خود معجزه (که باید خارق عادت و گواه صدق ادعا باشد و از امور شرّ هم نباشد).

سوم) جهت مردمی که معجزه برای آنها صورت می گیرد (که باید از آوردن مثل آن معجزه ناتوان باشند).

نمونه هایی از معجزات در قرآن

در اینجا برخی از معجزات ذکر شده در قرآن کریم را مرور می کنیم:

۱. سرد شدن آتش بر حضرت ابراهیم (علیه السلام) (قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ) (۱)

۲. عصای حضرت موسی (علیه السلام) که به صورت اژدهایی درآمد و ید بیضای او (قصص / ۳۱ - ۳۲ و نیز نمل / ۱۰ - اعراف / ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۱۷)؛

۳. شتر (ناقه) حضرت صالح (علیه السلام) (اعراف / ۷۳)؛

۴. معجزات عیسی (علیه السلام): خلق پرنده از خاک، شفای نابینای مادرزاد و بیماری

ص: ۳۷

پرسی، زنده کردن مردگان و خبر دادن از آن چه مردم می‌خورند و در خانه ذخیره می‌کنند (آل عمران / ۴۹)؛

۵. باد که به امر سلیمان حرکت می‌کرد (انبیاء / ۸۱ - سبأ / ۱۲)؛

۶. قرآن کریم که معجزه جاویدان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است و در موارد متعددی مخالفان خود را به مبارزه طلبیده (تحدی کرده) و فرموده است که اگر می‌توانید مثل آن را بیاورید (بقره / ۲۳ و ۲۴).

جمع آوری و بررسی تمام معجزاتی که در قرآن کریم ذکر شده و یا از انبیای الهی صادر شده‌اند، از حوصله این نوشتار خارج است.

تحلیل عقلانی معجزه

شکی نیست که امور خارق عادت، توسط انبیا و اولیای الهی در طول تاریخ واقع شده‌اند و بسیاری از کرامات (امور خارق عادت بدون ادعای نبوت) هر روزه در گوشه و کنار جهان توسط اولیای الهی به وقوع می‌پیوندند.

بسیاری از دانشمندان و متخصصان علوم مختلف و حتی مخالفان انبیا سعی کرده‌اند تا این امور را توجیه و تبیین کنند. در اینجا به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

یکم) دیدگاه مخالفان انبیا

هنگامی که حضرت موسی (علیه السلام) دو معجزه خویش (عصا و ید بیضا) را به فرعونیان نشان داد:

(...قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرًى...) ؛ (۱)

ص: ۳۸

۱- (۱). قصص، آیه ۳۶.

«گفتند این جز سحری ساختگی نیست».

مشرکان در مقابل قرآن کریم موضع گیری کرده و به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تهمت سحر، خواب شوریده دیدن، شاعر بودن و مجنون شدن زدند (صافات/ ۳۶ - انبیاء/ ۳ - ۵). آری، کوردلان مشرک هنگامی که در مقابل حقیقت دلیلی نداشته باشند، راهی جز انکار نمی پیمایند.

دوم) دیدگاه برخی روان شناسان

روان شناسان در توجیه امور خارق العاده می گویند:

این امور به وسیله جریان امواج مجهول الکتریکی - مغناطیسی به وقوع می پیوندند؛ انسان با ریاضت های سخت می تواند این امواج مرموز و قوی را به خدمت اراده خود درآورد و به وسیله آنها تصرفاتی خارق العاده در عالم مادی انجام دهد.

علامه طباطبایی (رحمه الله) می فرماید: «فی الجملة (تا حدودی) حق با این دانشمندان است؛ چون معنا ندارد که معلول طبیعی باشد، اما علت طبیعی با آن نباشد...»؛ (۱) اما معجزه از آن جهت معجزه نیست که مستند به سبب طبیعی مجهول که مستند به سبب غیرعادی است؛ بلکه معجزه از آن جهت معجزه است که مستند به امر غیرعادی و غیرمغلوب است؛ یعنی امری که علیت آن بر امور دیگر تسلط دارد و مغلوب علل دیگر واقع نمی شود (۲) توضیح این مطلب در دیدگاه ایشان خواهد آمد.

سوم) دیدگاه علامه طباطبایی (رحمه الله)

ایشان معجزه را در چندین مقدمه تبیین عقلانی می کند:

ص: ۳۹

۱- (۱). المیزان، ج ۱، ص ۷۶.

۲- (۲). همان، ص ۸۲.

۱. قرآن قانون عام علیت را می پذیرد؛ همان طور که این مطلب نزد عقل ضروری است. پس هر حادثه ای علتی دارد و حادثه بدون علت نداریم.

۲. قرآن حوادث و وقایع غیرعادی را می پذیرد؛ حوادثی که با جریان های عادی عالم طبیعی مساعد نیستند و این ها همان معجزاتی هستند که به ابراهیم، صالح، موسی، عیسی (علیهم السلام) و... نسبت می دهند.

ایشان در ادامه تذکر می دهند که این امور اگرچه خارق عادت هستند، اما محال عقلی نیستند و از سوی دیگر علم و عادت طبیعی هم این امور را انکار نمی کند. این امری ممکن است، ولی این کار بر اثر اراده شخصی انجام می شود.

۳. قرآن کریم علل مادی را هم به خدا نسبت می دهد؛ یعنی سببیت سبب هم غیرمستقل و با اذن الهی است.

۴. قرآن نفوس انبیا و اراده آنها را در امور خارق عادت مؤثر می داند:

(... وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ...)؛ (۱) در این آیه آوردن معجزه به رسول نسبت داده شده است.

۵. قرآن کریم همان طور که خرق عادت را به نفوس انبیا استناد می دهد، آنها را به امر الهی (اذن الله) مستند می کند. پس معجزه از سویی مستند به اسباب طبیعی و از سوی دیگر متوقف بر اراده الهی است.

۶. قرآن معجزه را مستند به سبب غیرمغلوب می داند؛ یعنی معجزه از آن جهت معجزه است که مستند به امری غیرعادی (اراده الهی) است؛ امری که قاهر است و مقهور و مغلوب علل دیگر نمی شود (مثلاً عصای موسی (علیه السلام) در مقابل سحر ساحران مغلوب نشد).

ص: ۴۰

نظریه علامه طباطبایی به طور خلاصه این است: امور عادی و طبیعی و غیرعادی (خوارق عادات اعم از معجزه، سحر و...) همه علل طبیعی دارند؛ با این تفاوت که علل طبیعی در شرایط زمانی و مکانی خاصی در امور عادی اثر می کنند؛ اما در خوارق عادات همین تأثیر به وسیله اراده (بدون نیاز به شرایط زمانی و مکانی ویژه) صورت می پذیرد. تفاوت معجزه با سحر این است که علت معجزه مستند به اراده الهی است که مقهور و مغلوب نمی شود. (۱)

مثال: تبدیل شدن عصا به اژدها ممکن است در شرایط زمانی و مکانی خاص و با علل ویژه (طی میلیون ها سال) انجام شود، ولی این امر با علت مادی یعنی نفس موسی (علیه السلام) و اراده مافوق مادی - بدون رعایت آن شرایط زمانی و مکانی - تحقق می یابد و این معجزه است.

وی در جای دیگر می نویسد:

باید گفت که این حوادث خارق العاده، نه تنها علل مادی مربوط به محل دارند، بلکه علتی غیرمادی نیز - که اراده و شعور است - بالای سر آنها وجود دارد....

پس همه انواع خوارق عادات، طبعاً از اراده و شعور - که مافوق اسباب مادی هستند - سرچشمه می گیرند و نباید تردید داشت که اراده قابلیت قوت و ضعف دارد و شعوری که سرچشمه اراده است، هرچه قوی تر و روشن تر باشد، اراده به همان نسبت قوی تر و صفت مقاومتش در برابر موانع بیشتر خواهد بود. (۲)

لوازم کلامی معجزه

اشاره

از چیزهایی که به وسیله معجزه - مستقیم یا غیرمستقیم - ثابت می شوند، به «لوازم کلامی معجزه» تعبیر می شود. در اینجا به چند مورد از این لوازم اشاره می کنیم:

ص: ۴۱

۱- (۱). برگرفته از المیزان، ج ۱، ص ۷۳-۸۳.

۲- (۲). اعجاز قرآن، ص ۱۲۵.

بسیاری از مفسران و صاحب نظران معتقدند که معجزه ملازم با صدق پیامبر است؛ یعنی ادعای آورنده معجزه را - که همانا ادعای نبوت است - اثبات می کند؛ به این ترتیب نبوت شخص معجزه گر به اثبات می رسد. در این مورد چند بیان و تقریر وجود دارد که اشاره می کنیم:

الف) دلیل حکم الامثال واحد:

علامه طباطبایی در این مورد می گوید:

ادعای نبوت و رسالت از هر پیامبر و رسولی طبق بیان قرآن به ادعای وحی و سخن گفتن الهی بلاواسطه یا با واسطه ملک است و این امری است که حسّ و تجربه آن را تأیید نمی کند و از این رو از دو جهت اشکال دارد: یکی از جهت عدم دلیل بر آن و دوم از جهت دلیل بر عدم آن.

اگر پیامبر در ادعای نبوت صادق باشد، لازمه آن این است که متصل به ماورای طبیعت و مؤید به قدرت الهی باشد؛ طوری که بتواند خرق عادت کند و خداوند با نبوت و وحی به او، اراده خرق عادت کرده است.

اگر این مطلب حق باشد، باید ممکن باشد که خرق عادت دیگری بدون مانع از پیامبر صادر شود و خداوند به وسیله خرق عادت دیگری، نبوت و وحی او را تصدیق کند؛ درحالی که بین خرق عادت با خرق عادت دیگر تفاوت نیست و حکم چیزهای مثل هم واحد است. (۲)

ص: ۴۲

۱- (۱). زکریای رازی در قرن پنجم معتقد بود که دلالت معجزه بر نبوت خاصه، اقناعی است (جزوه تاریخ فلسفه غرب، مصطفی ملکیان، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۲۵۴) ولی ابوحامد غزالی (۴۵۰-۵۵۰ ق) این دلالت را برهانی می داند (الاقتصاد فی الاعتقاد، ص ۹۱، قاهره) و بسیاری دیگر از صاحب نظران معاصر نیز این دلالت را برهانی می دانند. (مصباح یزدی، آموزش عقاید، ص ۲۷۴).

۲- (۲). اشاره به این قاعده فلسفی است: حکم الامثال فیما یجوز و فیما لایجوز واحد.

پس کسی را که خدا می خواهد مردم به وسیله او از طریق خرق عادت - یعنی وحی و نبوت - هدایت شوند، باید او را به وسیله خرق عادت دیگری تأیید و تصدیق کند و آن معجزه است. (۱)

ب) دلیل حکمت:

برخی از صاحب نظران معتقدند که اعجاز، شکستن قوانین طبیعت و انتخاب مسیری بر خلاف مجرای عمومی عالم آفرینش است؛ پس نمی تواند بدون اذن و عنایت خاص پروردگار از کسی صادر شود. بنابراین اگر کسی ادعای نبوت کند و خدا نیز از او پشتیبانی کند و او را به سلاح معجزه مجهز سازد، مردم را به سوی جهل و گمراهی سوق داده و باطل را ترویج و تصدیق نموده است که این امر نسبت به ساحت قدس خدای حکیم محال می نماید و هرگز از وی صادر نخواهد گردید.

پس اگر معجزه ای به دست کسی ظاهر شود، دلیل بر صدق گفتار وی و کاشف از اذن و رضای حق است. (۲)

ج) دلیل نقض غرض:

این دلیل را برخی از صاحب نظران با چند مقدمه آورده اند:

۱. در بحث خداشناسی به اثبات رسیده که خدا حکیم است.

۲. در بحث نبوت عامه ثابت شده که حکمت خدا اقتضا می کند پیامبرانی به قصد هدایت بشر بفرستد.

۳. مردم به گونه ای آفریده شده اند که ادعای نبوت را از کسی که معجزه

ص: ۴۳

۱- (۱). المیزان، ج ۱، ص ۸۶ و نیز فاخته، اعجاز از دیدگاه عقل و قرآن، ص ۲۳-۲۴.

۲- (۲). ر. ک: نجمی و هریسی، شناخت قرآن، ص ۳۷ و آیت الله خویی، البیان فی علوم القرآن، و قوشجی، شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۶ و بلاغی، تفسیر آلاء الرحمن، ج ۱، ص ۳.

می آورد، سوء سابقه ندارد و بر خلاف عقل سخن نمی گوید، می پذیرند.

۴. با توجه به مقدمات مزبور، مدعی نبوت - که معجزه آورده و مردم سخنش را پذیرفته اند- اگر دروغ گو باشد، چون موجب گمراهی مردم می شود، باید خدا رسوایش کند؛ و گرنه به جهل افکندن، نقض غرض و خلاف حکمت خواهد بود.

نتیجه: چون مدعی نبوت، معجزه آورده و خداوند رسوایش نمی کند، معلوم می شود که در مدعای خود راستگوست. (۱)

تذکر: البته ممکن است با تأمل و دقت، دلیل نقض غرض را به دلیل حکمت برگردانیم؛ زیرا محال بودن نقض غرض به دلیل حکیم بودن خداست؛ هرچند برخی نویسندگان این دو را جدا کرده اند. (۲)

دوم) اثبات نبوت عامه (لزوم بعثت انبیاء برای مردم)

استاد جوادی آملی می گوید:

در قرآن مجید نیز همواره معجزه، آیت و نشانه بر رسالت پیامبری است که داعیه نبوت نموده و بر نبوت خاصه آن نبی گواهی می دهد و چون نبوت خاص ثابت شود، نبوت عام نیز در ضمن آن ثابت خواهد شد؛ زیرا هیچ خاصی بدون عام و هیچ مقیدی بدون مطلق نخواهد بود. (۳)

در این مورد برخی نویسندگان نوشته اند:

اگر مقصود آن باشد که در نبوت خاصه، نبوت عامه مفروض و مفروض عنه دانسته شده و صرفاً پس از اثبات نبوت عامه مطرح می شود، این مدعا

ص: ۴۴

۱- (۱). ر.ک: استاد محمدتقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، ص ۲۷۴ و نیز فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۲۴، ص ۲۱۲ و نیز خواجه طوسی و علامه حلی، شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۵۰ و شهید مطهری، وحی و نبوت، ص ۱۲.

۲- (۲). ر.ک: مصطفی کریمی، مجله معرفت، ش ۲۶، قلمرو دلالت معجزه، ۵۵.

۳- (۳). استاد جوادی آملی، تبیین براهین اثبات خدا، ص ۲۴۹.

درست و قابل تبیین است؛ اما اگر مقصود آن باشد که با صدور یک کار خارق العاده به دست فردی که مدعی نبوت است - با توجه به عدم امکان همانندآوری آن - اثبات می شود که خداوند باید پیامبرانی را برای هدایت بشر بفرستد، این مطلب، قابل قبول و اثبات شدنی نیست. (۱)

سوم) اثبات وجود خداوند

«جان هیک» (متکلم غربی) معتقد است که مشاهده حوادث خارق العاده، انسان را به سوی اعتقاد به خدا سوق می دهد؛ ولی منطقی بودن این رابطه را نمی پذیرد؛ (۲) اما برخی از متکلمان مسیحی (مثل هنری تیسن) در مقام دفاع از دلالت منطقی معجزه بر اثبات وجود خدا برآمده اند. (۳) در مقابل، «هیوم» در فصل دهم از کتاب پژوهش (Enquires) چهار دلیل اقامه کرده که معجزه، وجود خدا را اثبات نمی کند. (۴)

دانشمندان اسلامی از معجزه به عنوان دلیل اثبات وجود خدا استفاده نکرده اند؛ بلکه این ادعا را نفی کرده اند. علامه طباطبایی (رحمه الله) می گوید: «انیا معجزات را برای اثبات معارف (مبدأ و معاد) که عقل به آنها دست می یابد (مثل توحید و بعثت) نیاورده و در این موارد به دلیل عقلی اکتفا کرده اند». (۵) استاد جوادی آملی نیز تصریح می کند که حکیمان و متکلمان الهی، معجزه را برای اثبات نبوت به کار برده اند و هرگز آن را در اثبات ذات واجب به کار نبرده اند. (۶)

ص: ۴۵

-
- ۱- (۱). ر.ک: مصطفی کریمی، مجله معرفت، ش ۲۶، ص ۵۷، مقاله قلمرو دلالت معجزه، (ایشان همین سخنان را نیز به استاد جوادی استناد می دهند و ما در کتاب «تبیین براهین اثبات خدا» نیافتیم).
 - ۲- (۲). جان هیک، فلسفه دین، ترجمه بهرام راد، ص ۷۰.
 - ۳- (۳). هنری تیسن، الهیات مسیح، ترجمه طاهره ووس میکائیلیان، ص ۱۱.
 - ۴- (۴). مصطفی کریمی، مجله معرفت، ش ۲۶، مقاله قلمرو دلالت معجزه.
 - ۵- (۵). المیزان، ج ۱، ص ۸۳ و ۸۴.
 - ۶- (۶). تبیین براهین اثبات خدا، ص ۲۴۹.

هرچند برخی نویسندگان معاصر سعی می کنند که از برخی آیات قرآن در معجزات موسی (علیه السلام) (اسراء/ ۱۰۱ و ۱۰۲) برای اثبات وجود خدا استفاده کنند، ولی در پایان مطلب آن را نمی پذیرند. (۱)

نکته: البته شاید بتوان گفت که معجزات از جهتی بر وجود خدا دلالت می کنند.

توضیح این که هر عمل خارق العاده ای معلولی است که احتیاج به علت دارد و علت آن امری طبیعی نیست؛ بلکه امری ماورای طبیعی و قدرتی مافوق مادیات است. پس هر معجزه یا عمل خارق عادت، بر وجود قدرتی مافوق طبیعت دلالت می کند، هرچند این دلیل وجود خدا با تمام صفات او (توحید، علم، نامحدود بودن و...) را اثبات نمی کند، اما به صورت اجمال وجود واجب الوجودی را ثابت می کند.

ممکن است به این مطلب اشکال وارد شود که دلالت معجزه بر وجود خدا به این صورت که بیان شد، یک دلیل مستقل خداشناسی نیست، بلکه یکی از موارد و مصادیق برهان علیت است؛ یعنی از معلول به علت و از ممکن به واجب رسیدن است. البته این دلیل مصادیق زیادی را شامل می شود؛ بلکه تمام طبیعت و ماورای طبیعت آیه ها و نشانه های خدا هستند؛ چون معلول اویند و آینه تمام نمای علت خویش یعنی خدا هستند.

چهارم) علم و قدرت خدا و پیامبر

اشاره

در مورد قرآن مجید گفته اند که معجزه بودن آن، علم فوق العاده خداوند را ثابت می کند و اگر معجزه ای از سنخ قدرت باشد، قدرت فوق العاده خداوند نیز اثبات می گردد؛ زیرا با توجه به عدم همانندآوری و اثبات نبوت عامه پیش از ارائه معجزه، معجزه کاری فوق طاقت بشری و منتسب به خداوند می شود و

ص: ۴۶

۱- (۱). ر.ک: مصطفی کریمی، مجله معرفت، ش ۲۶، ص ۵۸، مقاله قلمرو دلالت معجزه.

بدین طریق، قدرت فوق العاده خداوند به اثبات می رسد.

البته دلالت معجزه بر قدرت و علم پیامبر مبتنی بر این است که اثبات شود نفس پیامبر در وقوع معجزه مؤثر است؛ همان گونه که علامه طباطبایی قبول داشتند. از آنجا که علم و قدرت پیامبر در طول علم و قدرت خداوند است، مشکلی در دلالت معجزه بر علم و قدرت فوق العاده پیامبر وجود ندارد. (۱) و (۲).

جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به مطالب نقل شده و بررسی دلایل آنها، معجزه فقط بر نبوت خاصه (صدق مدعی نبوت) دلالت دارد و قرآن کریم آن را آیه (نشانه) معرفی کرده است.

امّا معجزات دلالت بر نبوت عامه ندارند؛ زیرا ملازمه ای بین صدور عمل خارق العاده با لزوم هدایت بشر و بعثت پیامبران وجود ندارد.

همچنین معجزه، بر وجود خدا دلالت نمی کند؛ هر چند معجزه به اذن او و دلیل تصرفِ ماورای طبیعت در طبیعت است. به عبارت دیگر معجزه برای کسانی آورده می شود که اصل وجود خدا را پذیرفته اند و فقط در مصداق نماینده او (پیامبر) شک دارند. البته معجزه، بالملازمه بر علم و قدرت خداوند دلالت می کند، اما این امر هدف معجزه نیست. معجزه پس از پذیرش وجود خدا و صفات او (از جمله قدرت) صادر می شود؛ چون اگر مخالفان انبیا، خدا و قدرت او را قبول نداشتند از آنها معجزه نمی خواستند.

معجزه و قوانین طبیعت

برخی گمان کرده اند که تحقق اعجاز با قانون عام علیت منافات دارد. دیوید

ص: ۴۷

۱- (۱). همان، ص ۵۹.

۲- (۲). المیزان، ج ۱، ص ۷۹ - ۸۰.

هیوم (۱۷۱۱ - ۱۷۷۶م) در کتاب پژوهشی در فاهمه انسانی می نویسد: «معجزه نقض قوانین طبیعت است؛ جریان معمول و متعارف در طبیعت که هر معلولی به دنبال علتی می آید نقض می گردد».^(۱)

تذکر چند مطلب در این مورد راهگشای حل مشکل خواهند بود:

۱. قانون عام علیّت (هر معلولی علتی می خواهد) مورد قبول قرآن است.

۲. قانون عام علیّت استثنا ندارد.

۳. علیّت اعم از علت مادی و غیرمادی است و دلیلی بر انحصار علت ها در علل مادی نداریم.

۴. در میان پدیده های هستی، برخی علل مادی دارند؛ مثل آتش فشان یا حرکت اتومبیل و برخی علل غیر مادی دارند؛ مانند معجزه و اعمال مرتاضان.

۵. معجزه هم ذیل قانون علیت قرار می گیرد و حتماً علتی دارد؛ اما علت آن نفس پیامبر و امری غیرمادی (اراده الهی) است.

۶. معجزه نقض جریان عادی طبیعت است که «هر پدیده ای علتی مادی دارد.» زیرا معجزه علتی غیرمادی دارد. اقیما معجزه نقض قانون علیت نیست؛ چون به هر حال علت دارد.

۷. معجزه انجام محال عقلی (مثل اجتماع نقیضین) نیست؛ بلکه انجام محال عادی است؛ یعنی اموری که عادتاً و بدون نیروی مافوق طبیعی ممکن نیست، به وسیله معجزه انجام می گیرد.^(۲)

ص: ۴۸

۱- (۱) . ب (۱۷۱۱ - ۱۷۷۶ . D. Anquiry Concerning Human Understanding, Hume. D). مقاله دهم، که آقای محمد امین احمدی، تحت عنوان «نقد و بررسی دیدگاه های هیوم در مورد معجزه» ترجمه کرده است ولی هنوز چاپ نشده است (تربیت مدرس قم - پایان نامه کارشناسی ارشد).

۲- (۲) . برای اطلاعات بیش تر ر.ک: المیزان، ج ۱، ص ۷۴ به بعد.

معجزه عملی خارق عادت است و مثل بقیه اعمال خارق عادت علتی برتر از علل طبیعی دارد که علامه طباطبایی از آن به «اراده» تعبیر می کند. در اینجا تفاوت معجزه را با دیگر کارهای خارق العاده (مثل سحر و کرامت) بیان می کنیم:

الف) تفاوت معجزه با سحر و اعمال مرتاضان

قرآن کریم به سحر و جادو اشاره کرده است (بقره/ ۱۰۲ و طه/ ۶۶). این عمل خارق العاده در شریعت اسلام حرام است (۱) و در قوانین اسلامی، ساحر به اعدام محکوم می شود. تفاوت های اساسی سحر با معجزه عبارتند از:

۱. معجزه آموختنی نیست؛ بلکه با عنایت و اذن الهی به وقوع می پیوندد؛ امّا سحر قابل تعلیم و تعلّم است؛ یعنی انسان می تواند آن را نزد استاد فرا گیرد و به دیگران بیاموزد. در قرآن کریم نیز به قابل تعلیم بودن سحر اشاره شده است: (...يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ...). (۲)

۲. معجزه سببی غیر مغلوب دارد؛ چون متکی به قدرت نامحدود خداست؛ یعنی امری نامحدود و حق است که کسی بر آن مسلط نمی شود و باطل نمی گردد. امّا سحر مراتبی دارد و هر سحری با سحر برتر مغلوب و باطل می گردد؛ یعنی امری محدود است؛ چون متکی بر قدرت محدود انسان است. علامه طباطبایی نیز همین مطلب را در تفاوت اصلی سحر و معجزه بیان می کند. (۳)

۳. معجزه همراه با تحدی (مبارزه طلبی) است؛ یعنی معجزه گر دیگران را

ص: ۴۹

۱- (۱). امام خمینی (رحمه الله)، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۷۷، مسئله ثالث و تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۷۹.

۲- (۲). بقره، آیه ۱۰۲.

۳- (۳). المیزان، ج ۱، ص ۸۲ و نیز ر.ک: استاد مصباح، آموزش عقاید، ص ۲۶۵ (دو جلدی).

دعوت می کند که مثل آن معجزه را بیاورند و همین که نتوانند مثل آن معجزه را بیاورند و عاجز شوند دلیل حقانیت آن معجزه و معجزه گر است. قرآن کریم نیز به عنوان یک معجزه، در موارد متعددی مبارزه طلبی می کند. (۱)

۴. معجزه می تواند ماهیت چیزی را عوض کند، امّا سحر ماهیت چیزی را عوض نمی کند (قلب ماهیت نمی کند) یعنی جادوگر و شعبده باز با مهارت، در قوه بینایی یا خیال افراد تصرف می کنند و چیزی را بر خلاف واقعیت آن نمایش می دهند؛ مثلاً کاغذی را تبدیل به اسکناس درشت می کنند و پس از ساعاتی همان کاغذ اصلی در دست شماست. قرآن کریم نیز به خیالی بودن سحر اشاره کرده است. (۲) امّا در معجزه این گونه نیست، (مثلاً) اگر انسانی مسخ شد، واقعاً تغییر ماهیت می دهد.

۵. سحر ممکن است به دیگران ضرر بزند و بین زن و شوهر اختلاف بیندازد؛ همان طور که قرآن کریم نیز به این مطلب اشاره ای دارد. (۳) از این رو علامه طباطبایی (رحمه الله) در مورد سحر و کهنات و... تعبیر «شور» را به کار می برد. (۴) امّا معجزه خیر و برای هدایت بشر است و اگر برای دیگران ضرر داشته باشد، نقض غرض و خلاف حکمت الهی است.

۶. معجزه قابل تکرار نیست؛ چون آوردن آن به اختیار انسان نیست؛ بلکه به اذن خداست. امّا سحر قابل تکرار است؛ چون این ساحر است که تصمیم می گیرد آن عمل انجام شود یا نشود.

ص: ۵۰

۱- (۱). (وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ...); بقره، آیه ۲۳.

۲- (۲). (...فَإِذَا جَاءَهُمْ وَ عَصِيئُهُمْ يُحَيِّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى); طه، آیه ۶۶.

۳- (۳). (...فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ...); بقره، آیه ۱۰۲.

۴- (۴). المیزان، ج ۱، ص ۸۲.

۷. معجزه هدفی عالی و تربیتی دارد که همان اصلاح جامعه و عقاید مردم است اما سحر معمولاً اهدافی بی ارزش و دنیایی دارد. و حتی گاهی بی هدف است. (۱)

۸. پدیدآورندگان معجزه و سحر حالات و صفات متفاوتی دارند؛ معجزه گران، انبیای الهی هستند (که دارای صفات عالی انسانی مثل پاکدامنی، حق طلبی و پارسایی هستند) و برای ثروت، مقام و منافع شخصی کار نمی کنند؛ بلکه هدف آنها هدایت مردم و اصلاح جامعه است.

اما ساحران افرادی منحرف، اغفال گر و سودجو هستند که هرگز روی رستگاری نمی بینند: (وَلَا يُفْلِحُ السَّاجِرُونَ) . (۲) و (۳)
تذکر: این تفاوت ها غالباً در مورد تفاوت معجزه با اعمال مرتاضان نیز صدق می کنند.

مرتاضان با برخی ورزش های جسمی - روحی، توانایی انجام کارهای خارق عادت را پیدا می کنند که در آن موارد نیز اراده شخص مرتاض همراه با اسباب غیرعادی مؤثرند. (۴)

(ب) تفاوت معجزه و کرامت

اگرچه معجزه و کرامت، هر دو عمل هایی خارق العاده و متکی بر نیروی ماورای طبیعی هستند، اما چند تفاوت دارند:

۱. معجزه همراه با تحدی (مبارزه طلبی) است، اما کرامت این گونه نیست؛

ص: ۵۱

۱- (۱) . برای اطلاع بیشتر ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۵۸-۳۵۹.

۲- (۲) . یونس، آیه ۷۷.

۳- (۳) . برای اطلاع بیشتر ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۵۸-۳۵۹.

۴- (۴) . ر.ک: علامه طباطبایی (رحمه الله)، اعجاز قرآن، ص ۱۲۲.

از این رو کراماتی که از اولیای الهی صادر می شود. (مثل شفا دادن بیماران توسط امام رضا(علیه السلام) همراه با تحدی نیستند.

۲. معجزه همراه با ادعای نبوت یا منصبی الهی است، امّا کرامات این گونه نیستند و صاحب کرامت ممکن است هیچ گونه ادعایی نداشته باشد.

۳. کرامات از اولیای الهی صادر می شود -چه پیامبر یا امام باشند یا نباشند- امّا معجزه از کسی صادر می شود که منصبی الهی (نبوت یا امامت) داشته باشد.

تذکر: البته معجزه و کرامت هر دو از امور خارق العاده الهی شمرده می شوند که قابل تعلیم و تعلم نیستند، تحت تأثیر نیروی قوی تری واقع نمی شوند و مخصوص بندگان خاص خدا هستند. (۱) پس انسان هایی که پیامبر یا امام نیستند هم می توانند خرق عادت کنند که به آنها کرامت می گوئیم. قرآن کریم به دو نمونه از این کرامات اشاره کرده که مورد استدلال متکلمان و مفسران نیز واقع شده است؛ یکی کرامات حضرت مریم(علیها السلام) و دیگری داستان آصف و آوردن تخت بلقیس برای سلیمان. (۲)

تناسب معجزه با زمان

پیامبران الهی وقتی به سوی ملتی مبعوث می شدند، شرایط زمانی و مکانی و سطح علمی مردم را در نظر می گرفتند و مطالبی در خور فهم آنان بیان می کردند. حتی معجزات انبیا نیز متناسب با علوم پیشرفته زمان خودشان بود تا فرزندانگاران زودتر و بهتر معجزات آنان را درک کنند و ایمان آورند. به دیگر سخن، هر پیامبری با خرق

ص: ۵۲

۱- (۱). برای اطلاعات بیش تر ر.ک: استاد مصباح یزدی، آموزش عقاید، ص ۲۶۵ و نیز تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۵ و کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، علامه حلی و خواجه طوسی رحمهما الله، ص ۳۵۱.

۲- (۲). مریم، آیه ۱۶ به بعد؛ نمل، آیه ۳۸-۴۰.

عادتی از نوع پیشرفته ترین علوم زمان خویش مجهز بوده است تا ارتباط او با عالم ماورا روشن گردد و دانشمندان در برابرش خضوع و به حقانیت او اعتراف کنند.

از امام رضا(علیه السلام) پرسیدند که چرا هر پیامبری نوع خاصی از معجزات داشته است؟ حضرت فرمودند:

در عصر موسی(علیه السلام) سحر غالب بود و موسی(علیه السلام) عملی انجام داد که همه ساحران در برابر آن عاجز ماندند. در زمان مسیح و محیط دعوت او، پزشکان مهارت فوق العاده ای در معالجه بیماران داشتند؛ عیسی با درمان بیماران لاعلاج - بدون استفاده از وسایل مادی - حقانیت خود را به ثبوت رساند. عصر پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله)، عصر ادبیات (خطبه ها، کلام و شعر) بود و پیامبر(صلی الله علیه و آله) از طرف خدا مواعظ و حکمت هایی آورد که سخنان آنان را باطل کرد و حجت بر آنها تمام شد. (۱)

البته معنای این حدیث این نیست که قرآن کریم فقط از جهت فصاحت و بلاغت معجزه است؛ بلکه قرآن معجزه ای جاویدان است و به همین دلیل ابعاد اعجازش متنوع است و برای هر قومی (در هر زمان و مکانی) جنبه ای از اعجاز آن تبلور می یابد (چنان که خواهد آمد).

اقسام معجزه

اشاره

معجزات از جهات گوناگون قابل تقسیم هستند:

الف) معجزه اقتراحی و غیراقتراحی

معجزه ای که با درخواست مردم انجام گرفته باشد معجزه «اقتراحی» نام دارد و معجزه ای که بدون درخواست مردم انجام گرفته باشد معجزه «غیراقتراحی» است (مثل نزول قرآن).

ص: ۵۳

۱- (۱). کافی، ج ۱، ص ۴ و ۵ و علامه مجلسی (رحمه الله)، بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۹ و ج ۱۷، ص ۲۱۰ و نیز استاد مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۱۸-۴۱۹.

ب) معجزه حسی و عقلی

معجزه «حسی» آن است که با حواس ظاهری انسان درک می شود؛ مثل عصای موسی (علیه السلام) که مردم اعجاز آن را می دیدند. اما معجزه «عقلی» آن است که اعجازش، پس از تعقل و تفکر روشن می شود؛ مثل قرآن کریم.

ج) معجزه موقت و دائمی

معجزه «موقت» ویژه زمان و مکان خاصی است و بعد از آن از بین می رود؛ ولی برای نسل های آینده حکایت می شود و اگر حکایت یقینی باشد، برای مردم بعدی هم حجت است؛ مثل: ید بیضای موسی (علیه السلام) یا ناقة صالح. معجزاتی که آن است که اعجازش در همه زمان ها و مکان ها ادامه دارد و برای مردم اعصار بعد نیز حجت است؛ مثل قرآن کریم که معجزه جاویدان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است. (۱)

نکته: ادیان موقت (مثل یهودیت و مسیحیت) معجزاتشان نیز موقت بوده است؛ اما دین اسلام که همیشگی است، معجزه اش نیز جاویدان است.

کرانه های اعجاز قرآن

در این مورد آرا و نظریه های متفاوتی مطرح شده اند که ما به مهم ترین آنها اشاره می کنیم. البته اگر شخصی در مورد چند دیدگاه نظر مثبت دارد، همه را ذکر می کنیم (لازم به یادآوری است که جزئیات مربوط به ابعاد اعجاز قرآن که بیش از ۷۰ وجه است در مبحث بعدی ذکر خواهیم کرد).

ص: ۵۴

۱- (۱). برای اطلاع بیشتر تر ر.ک: سیوطی، الاتقان، ج ۳، ص ۳ به بعد و نیز میر محمدی، تاریخ و علوم قرآن، ص ۱۸۵ - ۱۸۷.

قرآن معجزه ای ادبی و در حد اعلای فصاحت، بلاغت و رسایی است؛ طوری که قبل و بعد از ظهور اسلام هیچ شعر، خطبه و کلام عربی به پایه آن نرسیده است. (۱)

دوم) سبک و نظم خاص قرآن

هرچند قرآن از حروف و کلمات معمولی زبان عرب تشکیل شده است، اما نظم خاص و تألیف منحصر به فرد آن در ترکیبات کلامی، معجزه است؛ یعنی سبک خاص آن نه شعر و نه نظم، بلکه کلامی خاص و غیرقابل تقلید است. خداوند با آگاهی از همه حروف، کلمات و ترکیبات، بهترین آنها را انتخاب کرده است؛ درحالی که ما نه علم کامل الهی را داریم و نه قدرت او را و نمی توانیم مثل او سخن بگوییم. (۲)

ص: ۵۵

۱- (۱). این نظریه شاید مشهورترین دیدگاه در باب اعجاز قرآن است و از جمله کسانی که آن را پذیرفته اند می توان از این افراد نام برد: - عبدالقادر الجرجانی (م ۴۷۱ ق) (دلایل الاعجاز و الشافیه به نقل از التمهید، ج ۴، ص ۴۱). - السکاکی (م ۵۶۷ ق) (مفتاح العلوم، ص ۱۹۶-۱۹۹). - فخرالدین الرازی (م ۶۰۶ ق) (نهایه الایجاز فی درایه الایحاز به نقل از التمهید، ج ۴، ص ۵۰). - قاضی عبد الجبار (م ۴۱۵ ق) (شرح الاصول الخمسه، للقاضی عبد الجبار، ص ۵۸۶-۵۹۴). - ابن میثم البحرانی (م ۶۳۶ - ۶۹۹ ق) او این دیدگاه را به اکثر معتزله نسبت می دهد. (التمهید، ج ۴، ص ۸۰). - شیخ محمد عبده. (همان، ص ۱۲۹). - شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء (م ۱۳۷۳ ق). (همان، ص ۱۳۲). - استاد آیت الله سید ابوالفضل میرمحمدی در کتاب تاریخ و علوم قرآن، (معاصر). تاریخ و علوم قرآن، ص ۲۰۰ چاپ دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهارم بهار ۱۳۷۵.

۲- (۲). از جمله قائلان به این نظریه می توان از این افراد نام برد: - ابن سلیمان الخطابی البستی (م ۳۸۸ ق) (ثلاث رسائل فی الاعجاز القرآن، الرساله الاولى الخطائی، ص ۹-۲۱). - ابن عطیه (م ۵۴۲ ق) (الزركشى، البرهان، ج ۲، ص ۹۷). - الراغب الاصفهانی (م ۵۰۲ ق) (مقدمه تفسیر، ص ۱۰۴-۱۰۹). - الشيخ الطوسی (رحمه الله) (م ۴۶۰ ق) (الاقتصاد فی اصول الاعتقاد، ص ۷۴-۱۶۶). - القطب راوندی (م ۵۷۳ ق) (التمهید، ج ۴، ص ۶۴). - الزملکانی (م ۶۵۱ ق) (همان، ص ۷۵). - شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء (همان، ص ۱۳۲). - شیخ محمد جواد بلاغی (همان، ص ۱۳۳). - استاد سید ابوالفضل میرمحمدی نیز همین نظر را تقویت می کند. (در کتاب تاریخ و علوم قرآن، ص ۲۰۰).

سوم) شیرینی و جذبه خاص یا موسیقی ویژه قرآن همراه با روحانیت

از همان اوایل بعثت پیامبر(صلی الله علیه و آله) تأثیر شگرف قرآن در قلوب مردم واضح بود؛ طوری که مشرکان عرب، مردم را از گوش دادن به قرآن منع می کردند تا جذب کلام الهی نشوند و شیرینی آن را نچشند. همین مطلب، امروزه گاهی با عنوان «موسیقی قرآن» خوانده می شود که برخی از متأخران مصر و ایران به آن تمایل دارند و می گویند که این جنبه از قرآن معجزه است و دیگران از آوردن کلامی که چنین تأثیری داشته باشد عاجزند. (۱)

ص: ۵۶

۱- (۱). از جمله کسانی که قائل به این سخن است: - ابن سلیمان البستی (م ۳۸۸ ق) (التمهید، ج ۴، ص ۳۸). - سید قطب (همان، ص ۱۰۴). - استاد مصطفی محمود (همان، ص ۱۰۶). - دکتر محمد عبدالله دراز (همان، ص ۱۱۲). - محمد صادق الرافعی. (همان، ص ۱۱۸). - استاد محمد فرید وجدی. (همان، ص ۱۲۷).

وقتی معارف قرآن در زمینه توحید و صفات خدا با دیگر کتاب های آسمانی و سخنان فلاسفه و حکما مقایسه می شود، متوجه می شویم که قرآن چیز دیگری است که عقل ها را متحیر می نماید و دیگران از آوردن معارفی مانند آن عاجزند. این در حالی است که همه این معارف توسط یک فرد «امّی» (بی سواد) بیان شده است. [\(۱\)](#)

پنجم) قوانین محکم قرآن

نظام تشریح و قانون گذاری قرآن چنان متین و استوار است که هیچ کس قادر نیست مثل آن را بیاورد. اشکالات و سستی قوانین وضع شده توسط انسان پس از گذشت مدتی، آشکار می شوند و به ناچار آن را تغییر می دهند. مثلاً قرآن به نظام «عدل و قسط» و «برادری» و «علم» دعوت می کند و در جایی که به آخرت می پردازد دنیا را هم فراموش نمی کند. [\(۲\)](#)

ششم) برهان های عالی قرآن

قرآن کریم وقتی از توحید، معاد و نبوت سخن می گوید، چنان استوار و بر اساس قوانین صحیح فکری است که گویی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ده ها سال منطق و فلسفه خوانده است؛ درحالی که او فردی امّی بود. این امر اعجاز قرآن را می رساند؛ زیرا فردی امّی نمی تواند این گونه سخن بگوید. [\(۳\)](#)

ص: ۵۷

۱- (۱). البيان في تفسير القرآن، المقدمة، ص ۴۳-۹۱ و التمهيد، ج ۴، ص ۱۳۵.

۲- (۲). همان.

۳- (۳). از جمله قائلین این سخن شیخ محمد جواد بلاغی صاحب تفسیر آلاء الرحمن است. (التمهید، ج ۴، ص ۱۳۳).

قرآن در موارد متعددی از اقوام گذشته (که در زمان نزول قرآن اثری از آنها نبود؛ مثل قوم های لوط، عاد و ثمود) سخن گفته است و اکتشافات بعدی باستان شناسان این مسائل را اثبات کرده و می کنند. در مواردی نیز از مسائل آینده سخن می راند؛ مثل پیش بینی شکست ایران از روم که به وقوع پیوست. بشر عادی از گفتن چنین اخباری عاجز است. (۱)

هشتم) اسرار خلقت در قرآن (اعجاز علمی)

یکی از ابعاد اعجاز قرآن که در چند قرن اخیر ظاهر شد و بسیاری از متخصصان علوم را به شگفتی واداشت و برخی صاحب نظران علوم قرآن نیز بدان تصریح کرده اند، گزاره های قرآن در مورد مسائل علمی (مانند زوجیت گیاهان یا حرکت خورشید و زمین) است؛ درحالی که انسان ها تا قرن ها بعد از نزول قرآن یا به این مطالب علمی دسترسی نداشتند یا به نظریه بطلمیوسی (که بر خلاف آنهاست) معتقد بودند. (۲)

تذکر: شاید بتوانیم دیدگاه های هفتم و هشتم را با عنوان «اعجاز علمی قرآن» جمع کنیم. این مورد را در ادامه مقاله بررسی خواهیم کرد.

ص: ۵۸

۱- (۱). از جمله قائلین این دیدگاه این افراد هستند: - القطب الراوندی (م ۵۷۳ ق) (التمهید، ج ۴، ص ۶۴). - سید عبد الله شبر (م ۱۲۴۲ ق) (همان، ص ۱۰۰). - شیخ آل کاشف الغطاء (م ۱۳۷۳ ق) (همان، ص ۱۳۲). - آیت الله خویی (رحمه الله) (البیان، ص ۴۳-۹۱).

۲- (۲). البیان فی تفسیر القرآن، خویی، ص ۴۳ - ۹۱.

قرآن در طی ۲۳ سال بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شرایط گوناگون (جنگ، صلح، سفر و...) نازل شد؛ با این حال اختلاف و تناقضی در بیانات آن وجود ندارد. در حالی که اگر یک نویسنده مطلبی را طی چند سال بنویسد، گاه تناقضاتی در آن به چشم می خورد. این نیز جنبه دیگری از اعجاز قرآن است که هیچ انسانی نمی تواند این گونه سخن بگوید. از جمله کسانی که این نظریه را پذیرفته اند آیت الله خوئی (رحمه الله) در البیان (۱) و نیز شیخ محمدجواد بلاغی (۲) هستند.

دهم) ایجاد انقلاب اجتماعی

برخی صاحب نظران بر آنند که اعجاز قرآن کریم انقلاب بزرگی است که در حیات انسان پدید آمده است؛ انقلابی که با قوانین عادی و تجربی بشر در جوامع و سنن تاریخی سازگار نیست. اعراب جزیره العرب قبل از اسلام با تمدن و مدنیت آشنا نبودند؛ ولی کتابی مثل قرآن از آنجا برخاست و هر کتابی آیین فرهنگ و علم جامعه خویش است؛ اما قرآن کریم برخلاف قوانین طبیعی و اجتماعی به وجود آمد و توانست جامعه عرب را صاحب فرهنگ و تمدن کند. (۳)

یازدهم) صرفه

برخی معتقدند اعجاز قرآن از آن جهت است که خداوند اجازه نمی دهد کسی مثل قرآن را بیاورد؛ یعنی قدرت را از مخالفان سلب می کند. البته این

ص: ۵۹

۱- (۱). البیان، ص ۴-۹۱.

۲- (۲). التمهید، ج ۴، ص ۱۳.

۳- (۳). سید محمدباقر حکیم، علوم قرآن، ص ۱۲۹-۱۳۰. (ایشان برخی مقالات شهید صدر را در متن کتاب به صورت کامل آورده و این مطلب از آن مقالات است).

نظریه به سه صورت تصویر شده است (۱):

اول) این که بگوییم خداوند انگیزه افراد مخالف قرآن را سلب می کند.

دوم) این که بگوییم خداوند علوم مورد نیاز را از آنها سلب می کند.

سوم) این که بگوییم اگرچه مخالفان قادرند مثل قرآن بیاورند، اما خداوند جبراً جلو آنها را می گیرد.

البته به این دیدگاه جواب های متعددی داده شده است (۲) و معمولاً اساتید و صاحب نظران علوم قرآن این دیدگاه را نمی پذیرند. (۳)

دوازدهم) همه این جهات از اعجاز قرآن است (مگر صرفه)

این دیدگاه در بین قرآن پژوهان و مفسران طرفدارانی داشته است؛ از جمله علامه طباطبایی که می گوید:

تمام ابعاد قرآن معجزه است، ولی با اختلاف مخاطبین متفاوت می شود؛ مثلاً قرآن معجزه ای ادبی برای ادیبان، معجزه ای سیاسی برای اهل سیاست و معجزه در حکمت برای حکیمان و... است. بنابراین نظریه اعجاز قرآن شامل همه افراد، همه زمان ها و همه حالات می شود. (۴)

شیخ محمدجواد بلاغی نیز می نویسد: «برای اعراب و بقیه مردم، ابعاد دیگر اعجاز (مثل اسرار غیبی) وجود دارد». (۵)

ص: ۶۰

۱- (۱). التمهید، ج ۴، ص ۱۴۱.

۲- (۲). ر.ک: التمهید، ج ۴، ص ۱۵۲.

۳- (۳). برخی از کسانی که قائل به این سخن هستند، عبارتند از: - ابن اسحاق النظام (م ۲۳۱ ق) (التمهید، ج ۴، ص ۱۴۱) - الشریف المرتضی (سید مرتضی) (م ۴۳۶ ق) (همان، ص ۱۸۰)

۴- (۴) - المیزان، ج ۱، ص ۵۷ - ۶۷ و التمهید، ج ۴، ص ۲۳ و ص ۱۳۴.

۵- (۵). التمهید، ج ۴، ص ۱۸۰.

آیت الله معرفت معتقد است اگرچه ظاهر قرآن (با توجه به تبخّر مردم عرب صدر اسلام در علوم ادبی) نشان دهنده اعجاز قرآن از جنبه فصاحت و بلاغت است، اما در دوره های بعد که خطاب عمومی شد و شامل همه بشریت گردید، تحدی قرآن نیز در تمام جهات صورت می گیرد و منحصر در فصاحت و بلاغت نیست. (۱)

آیت الله خوئی اگرچه همه این ابعاد را نشانه اعجاز قرآن می داند، اما آن را منحصر به مخاطبین عرب یا عجم یا اهل فن و علم خاص نمی کند. (۲)

نتیجه گیری

بنابر آن چه گذشت، اعجاز قرآن ابعاد متعددی (مانند فصاحت، بلاغت، محتوا و اخبار غیبی) دارد و تحدی (مبارزه طلبی) قرآن در همه وجوه اعجاز آن است (غیر از صرفه که باطل است). البته جهات اعجاز قرآن نسبت به مخاطبین مختلف، متفاوت است و هر کسی را بر اساس تخصص و استعداد او و در همان زمینه به مبارزه می طلبد. هر چند اعجاز و تحدی قرآن شامل همه زمان هاست و همین که در طول چهارده قرن کسی نتوانسته مثل قرآن را بیاورد، اعجاز قرآن و حقانیت و صداقت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ثابت می شود.

۲. هم‌آورد طلبی قرآن (تحدی)

الف) آیات تحدی (مبارزه طلبی)

آیاتی که تحدی (مبارزه طلبی) قرآن در آنها مطرح شده، چند گونه اند؛ گاهی مردم را در مورد کل قرآن یا ده سوره آن به مبارزه می طلبد و گاهی می فرماید:

ص: ۶۱

۱- (۱). همان، ص ۲۳.

۲- (۲). البیان، ص ۴۳-۹۱.

«اگر می توانید یک سوره مثل آن بیاورید». به این آیات توجه کنید:

(قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً)؛ (۱) «بگو:» اگر انسان [ها] و جن [ها] جمع شوند، بر این که همانند این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد؛ و اگرچه برخی از آنان، پشتیبان برخی [دیگر] باشند».

(أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)؛ (۲) «آیا می گویند: به دروغ آن (قرآن) را (به خدا) نسبت داده است؟! بگو: اگر راست گوید، پس شما هم ده سوره ساختگی، همانند این (قرآن)، بیاورید؛ و جز خدا، هر کسی را می توانید فرا خوانید».

(وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عِبَادِنَا فَآتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)؛ (۳) «و اگر از آن چه بر بنده خود (پیامبر) فرو فرستادیم، در تردید هستید، پس اگر راست می گوید سوره ای همانندش بیاورید و گواهانتان را - که جز خدایند - فرا خوانید».

آیه ۳۸ سوره یونس نیز مضمونی شبیه آیه ۲۳ سوره بقره دارد: (فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ) . با این تفاوت که در آیه سوره بقره کلمه «من» آمده، اما در آیه سوره یونس واژه «مثله» بدون «من» آمده است (در مورد این نکته بعداً توضیح خواهیم داد).

(أَمْ يَقُولُونَ تَقْوَلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ * فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ)؛ (۴) «یا می گویند: آن (قرآن) را فرا بافته است؟! بلکه ایمان نمی آورند، پس اگر

ص: ۶۲

۱- (۱) . الاسراء، آیه ۸۸.

۲- (۲) . هود، آیه ۱۳.

۳- (۳) . بقره، آیه ۲۳.

۴- (۴) . الطور، آیه ۳۳-۳۴.

راست گویند، سخنی همانند آن (قرآن) بیاورند».

هرچند ظاهر کلمه «مثله» این است که کل قرآن مراد باشد، ولی کلمه «حدیث» کم تر از یک سوره را هم می تواند شامل شود؛ از این رو برخی احتمال داده اند که مقدار معجزه بودن قرآن یک سوره و یا تعدادی از آیات است که به اندازه یک سوره باشند. (۱)

تذکر: نکته جالب در آیات فوق این است: در آنجایی که سخن از آوردن مثل کل قرآن یا ده سوره آن است، سخن از یاری افراد به همدیگر است؛ اما در جایی که سخن از یک سوره و حدیث است، مسئله شاهدان - و نه یاوران - را مطرح می کند. شاید علت این تعبیرات این باشد که در صورت اول، کار برای یک نفر مشکل است یا این که اشاره به وجود اعجاز قرآن و مراتب آن است.

ب) قلمرو تحدی قرآن: سه نوع شمول در مبارزه طلبی قرآن

۱. شمول افرادی: قرآن می فرماید: (...لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ...)؛ (۲) یعنی اگر همه افراد انسان ها و حتی جن ها جمع شوند نمی توانند مثل قرآن را بیاورند و به اصطلاح عام «افرادی» است؛ طوری که شامل انسان های حال و آینده می شود.

۲. شمول زمانی: یعنی این دعوت و تحدی قرآن از زمان صدر اسلام شروع شده و همیشه ادامه دارد؛ از این رو می فرماید: (فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا...)؛ (۳) «اگر در گذشته نتوانستید مثل قرآن را بیاورید. و هرگز نخواهید توانست...».

ص: ۶۳

۱- (۱) . ر.ک: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۲۰.

۲- (۲) . اسراء، آیه ۸۸.

۳- (۳) . بقره، آیه ۲۴.

۳. شمول احوالی: درحالی که نمی توانید مثل قرآن را بیاورید یعنی اگر عرب یا عجم، ادیب (متخصص ادبیات عرب) یا متخصص در هر زمینه دیگری باشید نمی توانید مثل قرآن را بیاورید. البته این مطلب از اطلاق آیه استفاده می شود (۱) و از این شمول و عموم و اطلاق آیه می توان استفاده کرد که آن جهت و رمز اعجاز قرآن باید چیزی دیگر باشد که شامل همه زمان ها و احوال باشد. این در حالی است که برخی مثل شاطبی معتقدند اعجاز قرآن مخصوص زمان صدر اسلام است و همین که ادیبان آن دوره نتوانستند مثل قرآن را بیاورند دلیل معجزه بودن قرآن است و در اعصار بعدی فقط به این مطلب احتجاج می شود. (۲)

ج) مرجع ضمیر «من مثله»

در سوره بقره می خوانیم: (...فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ...)؛ (۳) در مورد مرجع ضمیر غایب «مثله» می توان چند احتمال را مطرح کرد:

۱. مرجع ضمیر، قرآن (مانزلنا) باشد؛ یعنی: «پس سوره ای از جنس (از مثل) قرآن بیاورید». از ظاهر آیه همین معنا استفاده می شود و مشهور در زبان ها هم همین است. علامه طباطبایی نیز در المیزان این احتمال را ذکر می کند. (۴)

۲. مرجع ضمیر، خدا باشد؛ یعنی: «اگر می توانید سوره ای از مثل خدا بیاورید». این مطلب در کلام الزمکانی (م ۶۵۱ ق) به عنوان احتمالی ضعیف نقل شده است؛ زیرا این آیه با آیه (...قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ...) (۵) سیاق واحدی دارند؛

ص: ۶۴

۱- (۱). ر.ک: التمهید فی علوم قرآن، ج ۴، ص ۲۲، موسسه النشر الاسلامی، قم، الطبعة الثانية، ۱۴۱۶ق.

۲- (۲). الاعجاز البیانی، ص ۶۵-۶۸ به نقل از التمهید، ج ۴، ص ۲۴.

۳- (۳). بقره، آیه ۲۳.

۴- (۴). المیزان، ج ۱، ص ۵۸.

۵- (۵). هود، آیه ۱۳: بگو پس ده سوره مانند آن (قرآن) بیاورید.

درحالی که ضمیر در این آیه به خدا بر نمی گردد. (۱)

۳. مرجع ضمیر به عبد (پیامبر صلی الله علیه و آله) بر می گردد؛ یعنی: «پس سوره ای از مثل پیامبر (صلی الله علیه و آله) (که امی است) بیاورید.» یعنی صدور سوره ای مثل سوره های قرآن از فردی درس نخوانده مثل پیامبر (صلی الله علیه و آله) ممکن نیست. این احتمال را علامه طباطبایی در المیزان (۲) بیان می کند.

تذکر: شاید این مطلب به مراتب اعجاز نیز اشاره داشته باشد؛ یعنی آوردن یک سوره - با توجه به این که همه جهات اعجاز را دربر ندارد - از فردی امی معجزه است و چنین کاری از افراد امی بر نمی آید؛ همان طور که آوردن ده سوره (با توجه به محتوای آن سوره ها و جهات عدیده اعجاز آنها) از دست افراد بسیار با تخصص های گوناگون هم ساخته نیست. هر آیه ای خطاب به شخص یا اشخاص خاص (امی، جن و انس) است و مرتبه ای از اعجاز را بیان می کند. شاهد این مطلب همان چیزی است که قبلاً بیان کردیم که تحدی قرآن در مورد ده سوره و کل قرآن همراه با اشاره به یاوران انس و جن است. اما در مورد تحدی به یک سوره سخنی از آنها به میان نمی آید؛ بلکه داوران و شاهدانی را برای قضاوت بین دو سوره که از فرد امی صادر می شود فرا می خواند تا روشن شود هیچ فرد امی نمی تواند مثل پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد و سوره ای معجزه آسا بیاورد.

از این مطلب جواب الزمکنانی هم روشن شد که سیاق دو آیه یکسان نیست؛ زیرا در سوره هود سخن از ده مورد - و نه یک سوره - است. همچنین در سوره هود مرجعی مثل «عبد» وجود ندارد و کلمه «من» نیز در آنجا نیست. پس هر چند ظاهر آیه معنای اول را نشان می دهد، اما معنای سوم دقیق تر به نظر می رسد.

ص: ۶۵

۱- (۱). التمهید، ج ۴، ص ۷۷.

۲- (۲). المیزان، ج ۱، ص ۵۸.

۴. علامه طباطبایی در المیزان (۱) احتمال دیگری نیز مطرح می کند که ضمیر به خود سوره (مثلاً بقره) برگردد و سپس آن احتمال را تضعیف می کند.

راز اعجاز قرآن

چرا پس از چهارده قرن هنوز کسی نتوانسته است به تحدی (مبارزه طلبی) قرآن پاسخ دهد و سوره ای مثل آن بیاورد؟ رمز این عجز و ناتوانی در چیست؟ آیا انسان ها زبان عرب و قواعد آن را نمی دانند یا نمی توانند فراگیرند؟ آیا علم بشر ناکافی است؟

این پرسش دشواری است که برخی متفکران و صاحب نظران را به دامن «صرفه» انداخته است. در پاسخ به این پرسش می توان گفت که کلام قرآن از جهات و ابعاد گوناگون معجزه است؛ قرآن کتابی است با الفاظ محدود و معانی بسیار و عالی؛ قرآن کتابی است با الفاظ عربی معمولی، اما در اوج فصاحت و بلاغت که مثل آن وجود ندارد. قرآن مانند هر کتاب دیگری از سه عنصر «لفظ»، «معنا» و «نظم» تشکیل شده است؛ پس اگر کسی بخواهد کتابی مثل قرآن بیاورد باید حداقل سه شرط داشته باشد:

۱. به تمام الفاظ، اسم ها، فعل ها و... علم داشته باشد؛ طوری که بتواند بهترین و مناسب ترین آنها را در هر جمله به کار بندد.
۲. عقل او تمام معانی الفاظ، اسم ها، فعل ها و... را بفهمد تا بتواند در موقع سخن گفتن بهترین و مناسب ترین معنا را در مورد مقصود خود ارائه دهد.
۳. به تمام وجوه نظم کلمات و معانی عالم باشد تا بتواند در مواقع لزوم، بهترین و مناسب ترین آنها را برای کلام خویش انتخاب کند.

ص: ۶۶

هنگامی که الفاظ، معانی و نظم آنها در همدیگر ضرب شوند، مجموعه ای بی نهایت (به اصطلاح ریاضی) را تشکیل می دهند؛ از این رو تسلط و احاطه بر آنها و حضور ذهن در مورد همه این امور برای یک انسان مقدور نیست. علاوه بر آن که مطالب و محتوای عالی قرآن و اسرار علمی و جهات دیگر آن خود علومی دیگر را می طلبد که در دسترس بشر نیستند. پس تنها خداست که بر همه چیز احاطه دارد و علم او نامحدود است و می تواند این مجموعه را یک جا در نظر گیرد و کتابی به وجود آورد که در آن از فصیح ترین الفاظ، صحیح ترین معانی و بهترین نظم استفاده شده باشد: (...أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ). (۱)

آری، به نظر می رسد سرّ عجز انسان در آوردن مثل قرآن و راز اعجاز این کتاب الهی در محدودیت علم و عقل بشر و نامحدود بودن علم خدا نهفته است: (... وَ مَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا). (۲) از این روست که هرچه علم بشر بیشتر رشد کند و عقل و تفکر او قوی تر و عمیق تر گردد، بهتر می تواند، اسرار الفاظ، معانی و نظم قرآن را دریابد و بر اعجاب او نسبت به این کتاب آسمانی افزوده می شود؛ ولی هیچ گاه قادر نخواهد بود مثل آن را بیاورد:

(قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا) ؛ (۳) «بگو: اگر جن و انس جمع شوند بر این که همانند این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد؛ اگرچه برخی از آنان پشتیبان برخی [دیگر] باشند».

ص: ۶۷

۱- (۱) . بقره، آیه ۱۰۶.

۲- (۲) . اسراء، آیه ۸۵.

۳- (۳) . اسراء، آیه ۸۸.

۱. یکی از ابعاد هشتادویک گانه اعجاز قرآن را انتخاب و دلایل آن را بررسی کنید.

۲. پژوهش های قرآنی در چند سال اخیر را بررسی کنید و بگویید چه وجوه جدیدی از اعجاز قرآن در آنها بیان شده است؛ سپس آنها را بررسی کنید.

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. کتاب های اعجاز قرآن؛

۲. مقالات اعجاز قرآن؛

۳. پایگاه های اینترنتی اعجاز قرآن؛

۴. مجلات میان رشته ای قرآن و علوم اعجاز قرآن؛

۵. پایان نامه های میان رشته ای قرآن و علوم اعجاز قرآن.

اعجاز قرآن پیشینه ای به درازای تاریخ اسلام دارد و اعجاز قرآن اولین بار در آیات تحدی (۱) مطرح شد. پس از آن در کلمات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و معصومان (علیهم السلام) بدان اشاره شد و آن گاه -در قرون بعدی- در کتاب های تفسیر و علوم قرآن مطرح گشت و کتاب هایی مستقل در زمینه اعجاز قرآن نگاشته شدند. در هر عصری که اعجاز قرآن مطرح شده، برخی از ابعاد و وجوه اعجاز آن مورد توجه قرار گرفته است.

بررسی سیر تاریخی اعجاز قرآن و پیدایش ابعاد آن و تحلیل آنها می تواند دید جامعی درباره اعجاز قرآن به دست دهد و تأثیر روش ها، گرایش ها و رویکردهای مختلف تفسیری را در اعجاز روشن سازد. در این بخش سیر تطور اعجاز و دوره های آن را بررسی می کنیم.

قرن اول و دوم: سرچشمه های اعجاز قرآن در صدر اسلام

سرچشمه اندیشه اعجاز قرآن را می توان در آیات قرآن یافت؛ قرآن در آیات

۱- (۱). اسراء، آیه ۸۸؛ هود، آیه ۱۳؛ بقره، آیه ۲۳؛ طور، آیات ۳۳ و ۳۴.

متعدد مخالفان را به مبارزه طلبید که یک سوره یا ده سوره یا مثل قرآن را بیاورند و بی همانندی خود را به رخ کشید؛ به چند نمونه توجه کنید:

(قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا) ؛ (۱) «بگو: اگر جن و انس جمع شوند بر این که همانند این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد؛ اگرچه برخی از آنان، پشتیبان برخی [دیگر] باشند».

(أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَضَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) ؛ (۲) «آیا می گویند: به دروغ آن (قرآن) را (به خدا) نسبت داده است؟! بگو: اگر راست می گویند، پس شما هم ده سوره ساختگی، همانند این (قرآن)، بیاورید و جز خدا، هر کسی را می توانید فرا خوانید».

(وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا فَأْتُوا نَارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ) ؛ (۳) «و اگر از آن چه بر بنده خود (پیامبر) فرو فرستادیم در تردید هستید، پس اگر راست می گویند سوره ای همانندش بیاورید و گواهانتان را - که جز خدایند- فرا خوانید، و اگر (چنین) نکریدید - و (هرگز) نخواهید کرد - پس (خود را) از آتشی نگه دارید که هیزم آن مردم و سنگ ها هستند؛ درحالی که برای کافران آماده شده است».

(أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ * فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ) ؛ (۴) «یا می گویند: آن (قرآن) را فرا بافته است؟! بلکه ایمان نمی آورند، پس اگر راست می گویند، سخنی همانند آن (قرآن) بیاورند».

ص: ۷۰

۱- (۱) . اسراء، آیه ۸۸.

۲- (۲) . هود، آیه ۱۳.

۳- (۳) . بقره، آیات ۲۳ و ۲۴.

۴- (۴) . طور، آیات ۳۳-۳۴.

البته بحث برتری و بی همانندی قرآن در احادیث پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) و حتی در سخنان مخالفان قرآن نیز در صدر اسلام مطرح شده است که در ادامه برخی از آنها را ذکر می کنیم.

لازم به یادآوری است که در صدر اسلام از واژه های «اعجاز» و «معجزه» کم تر استفاده شده است؛ از این رو مبحث اعجاز قرآن از اشارات موجود در سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، اهل بیت (علیهم السلام) و مخالفان استنباط می شود.

الف) اعجاز ادبی قرآن

در مباحث قبلی بیان شد که تحدی و هماوردطلبی قرآن مطلق است و شامل همه ابعاد اعجاز قرآن (غیر صرفه) می شود؛ اما با توجه به شواهد تاریخی به نظر می رسد آن چه غالباً در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و صدر اسلام مطرح نشده، اعجاز ادبی (بلاغی و بیانی) قرآن بوده است. البته این مسئله شاید به خاطر آن بوده که در میان عرب های هم عصر نزول قرآن، فصاحت، بلاغت و شعر رواج داشته و مورد توجه بوده است. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده که می فرماید:

«فضل القرآن علی سائر الکلام کفضل الله علی خلقه؛ برتری قرآن بر دیگر سخنان، همانند برتری خدا بر مخلوقاتش است».

(۱)

در این حدیث برای نشان دادن برتری قرآن به «کلام» بودن قرآن اشاره می کند که می تواند به اعجاز لفظی، ادبی و بلاغی قرآن (۲) و تشابه کلام الهی با ذات او نیز التفاظ داشته باشد.

همچنین هنگامی که بزرگان و فصیحان عرب در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) آیات قرآن

ص: ۷۱

۱- (۱). بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۹.

۲- (۲). برخی از معاصران نیز این حدیث را اشاره به «اعجاز لفظی و محتوایی» قرآن دانسته اند. (اعجاز قرآن، دکتر سید رضا مؤدب، ص ۳۹)

را می شنیدند، جنبه ادبی و بلاغی کلام الله مورد توجه آنان قرار می گرفت؛ مثلاً هنگامی که «ولید بن مغیره مخزومی» برخی آیات قرآن (مثل آیات سوره های مؤمن یا نحل) (۱) را شنید گفت: «والله لقد سمعت من ممد آنفاً كلاماً ما هو من كلام الانس ولا من كلام الجن والله ان له لحلاوه وان عليه الطلاوه وان اعلاه لثمر وان اسفله لمغدق وانه يعلو ولا يعلى عليه». (۲) یا هنگامی که «طفیل بن عمرو دوسی» شاعر عرب، آیات قرآن را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنید مسلمان شد و گفت: «فلا والله ما سمعت قولاً قط احسن منه ولا امراً اعدل منه». (۳) همچنین هنگامی که فردی مثل «مسيلمه كذاب» در عهد پیامبر (صلی الله علیه و آله) به معارضه با قرآن برمی خیزد، به نظر می رسد با آوردن سوره های ساختگی (مثل: الفیل وما الفیل وما ادرک ما الفیل، له ذنب و بیل و خرطوم طویل) (۴) تلاش می کند الفاضلی مشابه سوره فیل بیاورد؛ یعنی می خواهد با اعجاز بلاغی و ادبی قرآن مبارزه کند. هرچند وی در این کار شکست خورد و جملات سست و بی محتوای او نتوانست به جایگاه بلند قرآن خدشه ای وارد کند. (۵)

ب) اعجاز قرآن در اخبار غیبی

قرآن کریم برخی اخبار غیبی مربوط به گذشته و آینده را مطرح کرده که بعد از مدتی صحت آن اخبار روشن شد و همگان به اعجاز قرآن پی بردند؛ از جمله خبر پیروزی رومیان بر ایرانیان - بعد از شکست آنان - که بعد

ص: ۷۲

۱- (۱). این داستان به صورت های مختلف نقل شده است و شاید چند بار اتفاق افتاده باشد (ر. ک: جامع البیان، طبری، ج ۲۹، ص ۹۸ و المعجزه الخالده، ص ۲۱ و الشفاء بتعريف حقوق المصطفى، قاضی عیاض، ج ۱، ص ۲۲۰ و نیز التمهید فی علوم القرآن، معرفت، ج ۴، ص ۱۷۸).

۲- (۲). المعجزه الخالده، ص ۲۱.

۳- (۳). سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۱ - ۲۵ و اسد الغابه، ج ۳، ص ۵۴.

۴- (۴). سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۴۷ و اعجاز القرآن والبلاغه النبویه، ص ۱۷۵.

۵- (۵). در مورد معارضه قرآن در فصل پایانی این نوشتار مطالب مفصلی بیان خواهد شد و سخنان آنها بررسی و نقد می شود.

(عُلِّيَتِ الرُّومُ * فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعِيدٍ عَلَيْهِمْ سَيِّئُ الْعُقُوبِ * فِي بَضْعِ سَنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعِيدٍ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ) ؛ (۱) «سپاه) روم در نزدیک ترین سرزمین شکست خورد، و [الی] آنان بعد از شکستشان در (ظرف) چند سال به زودی پیروز خواهند شد، کار [ها] قبل از (آن شکست) و بعد از (این پیروزی)، فقط از آن خداست؛ و در آن روز، مومنان از یاری الهی (و پیروزی دیگری) شاد می شوند».

اهل بیت (علیهم السلام) نیز به اخبار غیبی قرآن توجه و در موارد متعددی بدان ها اشاره کرده اند (هرچند که از لفظ معجزه و اعجاز استفاده نکرده اند؛ مانند این عبارت که از امام علی (علیه السلام) نقل شده است:

« انّ فيه علم ما يأتي والحديث عن الماضي و...؛ (۲) به راستی که در قرآن آگهی نسبت به حوادث آینده و اخبار گذشته است».

امام صادق (علیه السلام) نیز می فرماید:

ان العزيز الجبار انزل عليكم كتابه وهو الصادق البار، فيه خبركم و خبر من قبلكم و خبر من بعدكم و خبر السماء والارض ولو اتاكم من يخبركم عن ذلكم لتعجبتم؛ (۳) خدای شکست ناپذیر جبار، کتابش را بر شما نازل کرد درحالی که راست و نیک است. در آن خبرهای شما و خبرهای کسانی که قبل از شما بودند و خبرهای افرادی که بعد از شما می آیند و خبرهای آسمان و زمین است. اگر (بفرض) کسی می آمد که از این موارد به شما خبر می داد حتماً تعجب می کردید.

در این گونه آیات و احادیث به اخبار غیبی قرآن اشاره شده است که در اعصار بعدی یکی از ابعاد اعجاز قرآن شمرده شد. البته در روایات فوق به اخبار

۱- (۱). روم، آیات ۲ - ۴.

۲- (۲). نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸.

۳- (۳). کافی، ج ۲، ص ۵۹۹.

غیبی نسبت به گذشته (مثل قصص قرآن) و آینده (مثل برخی پیش‌گویی‌های قرآن نسبت به پیروزی دین اسلام بر همه ادیان (۱)) یا اخبار آسمان و زمین - که این حدیث می‌تواند اشاره‌ای به اعجاز علمی قرآن در حوزه زمین‌شناسی و کیهان‌شناسی باشد - نیز اشاراتی شده است. این موارد می‌توانند زیرمجموعه اخبار غیبی قرآن قرار گیرند. (۲)

ج) اعجاز قرآن در استقامت بیان (عدم اختلاف)

یکی از ابعاد اعجاز قرآن که در آیات قرآن بدان اشاره شده است عدم اختلاف در آن است؛ یعنی قرآن در طول ۲۳ سال در مکه و مدینه (و در جنگ و صلح) بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد، ولی هیچ کدام از آیات آن با یکدیگر تناقض و تضاد ندارند. درحالی که کتاب‌های نوشته شده توسط بشر خالی از این مسائل نیستند. (لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا)؛ (۳) و اگر (بر فرض) از طرف غیر خدا بود، حتماً در آن اختلاف فراوانی می‌یافتند.

این بُعد اعجاز قرآن مورد توجه اهل بیت (علیهم السلام) نیز قرار گرفته و در احادیث به آن اشاره شده است (هرچند لفظ معجزه در مورد آن به کار نرفته است). از امام علی (علیه السلام) نقل شده که در یکی از سخنرانی‌هایش فرمودند:

«وَأَنَّهُ لَا اخْتِلَافَ فِيهِ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ: (... لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا)؛

«و ان القرآن ظاهره انيق و باطنه عميق لا تنقضى عجائبه ولا تنقضى

ص: ۷۴

- ۱- (۱). (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛ «او کسی است که فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند، هرچند مشرکان ناخشنود باشند»، (صف / ۹).
- ۲- (۲). در مورد اعجاز علمی قرآن در فصل‌های بعد مطالب مبسوطی بیان خواهد شد.
- ۳- (۳). نساء، آیه ۸۲.

غرائب»؛^(۱) به راستی که در قرآن اختلافی نیست؛ خدای پاک و منزّه می فرماید: و اگر (برفرض قرآن) از نزد غیر خدا بود حتماً در آن اختلاف زیادی می یافتند. و به راستی که ظاهر قرآن زیبا و باطن آن ژرف است و مطالب شگفت انگیز و غریب آن تمام نمی شوند.

از آیه و روایت فوق استفاده می شود که مسئله عدم اختلاف در قرآن در صدر اسلام مطرح بوده است؛ مسئله ای که در دوره های اخیر با عنوان «استقامت بیان و عدم اختلاف» به عنوان یکی از ابعاد اعجاز قرآن مطرح شده است.

(د) معارف عالی از فردی امّی

در آیات و احادیث قرآن برخی اشارات دیگر مثل امّی بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله)^(۲) نیز وجود داد که بعدها با عنوان «معارف عالی از فردی امّی» الهام بخش برخی قرآن پژوهان شده است.^(۳)

(ه) شیرینی و جذبه قرآن

در برخی احادیث اهل بیت (علیهم السلام) به شیرینی و جذبه روحانی قرآن اشاره شده است (

جعل الله ريباً لعطش العلماء وربيعاً لقلوب الفقهاء^(۴) فهو في كل زمان جديد و عند كل قوم غض الی يوم القيامة).^(۵) این ویژگی قرآن در اعصار بعدی با عنوان هایی مانند «شیرینی و جذبه خاص قرآن»، «موسیقی خاص قرآن» یا «روحانیت قرآن» به یکی از

ص: ۷۵

۱- (۱). نهج البلاغه، خطبه ۱۸.

۲- (۲). بقره، آیه ۲۳.

۳- (۳). ر. ک: البيان في تفسير القرآن، ص ۴۳ - ۹۱ و التمهيد، ج ۴، ص ۱۳۵.

۴- (۴). نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸.

۵- (۵). بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۱۳.

ابعاد اعجاز قرآن تبدیل شد. (۱) اما از آنجا که در قرآن و احادیث به روشنی در این باره مطلبی گفته نشده است، به سختی می توان آن را به قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) نسبت داد.

جمع بندی: با توجه به مطالب گذشته روشن می شود که در صدر اسلام (در اینجا مقصود سه قرن اول اسلام است) حداقل به پنج بعد اعجاز قرآن یعنی اعجاز ادبی، اخبار غیبی، استقامت بیان (عدم اختلاف)، معارف عالی از فرد امّی و شیرینی و جذبه اشاره شده است.

قرن سوم: شروع نگارش در اعجاز قرآن و پیدایش نظریه صرفه و عدم تناقض و نظم قرآن

اشاره

در این دوره دانشمندان قرآن پژوه در مورد اعجاز قرآن سخن گفته و برخی درباره آن کتاب هم نوشته اند که البته بعضی از آنها به دست ما نرسیده اند؛ مثل:

الف) ابو عمرو الباهلی (م ۳۰۰ق): رساله فی اعجاز القرآن؛ (۲)

ب) محمد بن زید الواسطی (ت ۳۰۷ق) صاحب کتاب الامامه: کتاب اعجاز القرآن. (۳)

اگرچه این کتاب ها به دست ما نرسیده اند، ولی خبر تألیف آنها نشان می دهد که نگارش در اعجاز قرآن به وسیله شیعیان آغاز شده و نیز این مطلب تأیید می شود که بحث «اعجاز قرآن» به عنوان دانش مکتوب قرآنی از قرن سوم شروع شده است. (۴)

البته مفسران قرآن کم و بیش ذیل آیات تحدّی (بقره، آیات ۲۳ و ۲۴؛ اسراء، آیه ۸۸؛

ص: ۷۶

۱- (۱). ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۳۸.

۲- (۲). التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۴۰.

۳- (۳). الفهرست، ص ۶۳ و ۲۵۶ و نیز الذریعه الی تصانیف الشیعه، طهرانی، ج ۲، ص ۲۳۲، رقم ۹۱۷.

۴- (۴). البته برخی نیز شروع دانش اعجاز قرآن را قرن سوم یا اواخر قرن دوم گفته اند. (فکره اعجاز القرآن، ص ۵۰).

هود، آیه ۱۳ و طور، آیه ۳۳) در مورد اعجاز قرآن سخن رانده اند. ما از این پس به مهم ترین کتاب ها و شخصیت هایی اشاره می کنیم که در این دوره به مسئله اعجاز قرآن پرداخته و یا برخی از وجوه جدید اعجاز را ابداع کرده اند.

۱. ابوالهذیل علاف (ت ۲۳۰ یا ۲۳۵ق) عدم تناقض در قرآن

محمد بن هذیل بن عبدالله از پیشوایان نخستین معتزلیان و استاد «نظام» معتزلی است. (۱) او وجه اعجاز قرآن را یک دستی و عدم تناقض در قرآن می دانست. (۲)

بررسی: همان طور که گذشت، مسئله عدم اختلاف در قرآن و روایات مطرح بوده است؛ ولی ابوالهذیل علاف نخستین کسی است که آنرا به عنوان یکی از ابعاد اعجاز قرآن مطرح نمود.

۲. نظام (ت ۲۳۱ ق) و نظریه صرفه

ابواسحاق ابراهیم بن سیار بن هانی البصری مشهور به «النظام»، رهبر فکری معتزله و تخصص اصلی اش کلام بوده است. وی از افراد متمایل به مذهب اهل بیت (علیهم السلام) بوده و سخنان جالبی در مورد امامت امام علی (علیه السلام) دارد. (۳) زمکانی، (۴) سید شریف جرجانی (۵) و آیت الله معرفت (۶) از او نقل کرده اند که در مورد اعجاز قرآن قائل به صرفه بوده است.

در مورد نظریه «صرفه» سه تصویر ارائه شده است:

ص: ۷۷

۱- (۱). طبقات المعتزله، ص ۴۴.

۲- (۲). المغنی، قاضی عبدالجبار، ص ۳۸۷ و اعجاز قرآن تاریخ و تحلیل، دکتر محسن قاسم پور، ص ۵۵.

۳- (۳). ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۲ - ۱۴۱.

۴- (۴). البرهان الکاشف عن اعجاز القرآن، ص ۵۳.

۵- (۵). شرح المواقف، ج ۸، ص ۲۴۶.

۶- (۶). ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۳ - ۱۴۲.

الف) عرب ها سخن عربی را می شناسند و با آگاهی به علوم مورد نیاز می توانند مثل قرآن را بیاورند، ولی خدای متعال آنها را منع کرده است؛ یعنی انگیزه های معارضه با قرآن را از آنها سلب کرده است.

ب) عرب ها با قرآن معارضه نمی کنند؛ زیرا خدای متعال علوم مورد نیاز را در اختیار آنها نگذاشته یا از آنها سلب کرده است؛ از این رو نسبت به قرآن احاطه علمی ندارند.

ج) عرب ها می توانند مثل تألیف و نظم قرآن را بیاورند، ولی خدای متعال آنها را قهراً منع و عاجز نموده است که مثل قرآن را بیاورند. (۱)

جرجانی تصویر اول (۲) و زمלקانی تصویر دوم را به نظام نسبت داده اند. (۳)

بررسی: نظریه صرفه دیدگاه جدیدی در اعجاز قرآن است که قبل از نظام گزارشی از آن پیدا نکردیم. اگرچه این نظریه بعد از نظام طرف داران اندکی پیدا کرد؛ مثل: ابوعثمان الحافظ (م ۲۵۵ق) ابراهیم بن محمد الاسفراینی شافعی (از اصحاب ابوالحسن اشعری؛ ت ۴۶۶ق)، ابن حزم الاندلسی (ت ۴۵۶ق)، راغب اصفهانی، ابن سنان الخفاجی (ت ۴۶۶ق)، شیخ مفید (ت ۴۱۳ق) و سید مرتضی (ت ۴۶۰ق)؛ (۴) اما در نهایت مورد انتقاد دانشمندان اسلامی قرار گرفت و از قدیم تاکنون همگی آن را رد کرده اند. اولین کسی که این نظریه را مردود شمرد فراء (۲۰۶ق) در کتاب معانی القرآن بود. (۵)

ص: ۷۸

۱- (۱). ر.ک: التمهید، همان.

۲- (۲). شرح المواقف، ج ۸، ص ۲۴۶.

۳- (۳). البرهان الکاشف عن اعجاز القرآن، ص ۵۳.

۴- (۴). سخنان این گروه در ادامه این نوشتار خواهد آمد. (مرحوم آیت الله معرفت در التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۱۴۱

- ۱۵۸ گزارش مفصلی از آنان ارائه کرده است)

۵- (۵). اعجاز قرآن تایخ و تحلیل آن، دکتر محسن قاسم پور، ص ۵۶.

برخی از مهم ترین دلایل ردّ صرفه عبارتند از:

۱. نظریه صرفه مخالف ظاهر تحدّی قرآن است؛ زیرا تحدّی یعنی این که کسی نتواند مثل قرآن را بیاورد و موجب افتخار و مباهات قرآن است. اگر خدا به صورت قهری مانع شود کسی مثل قرآن را بیاورد، برای قرآن مباهات نیست؛ زیرا کسی که قدرت کاری را ندارد مانند مرده ای عاجز است.

۲. اگر عرب ها قبلاً می توانستند مثل قرآن را بیاورند، ولی بعد از نزول قرآن خدا مانع آنها شد، لازم بود متعجب شوند که چرا این گونه ناتوان شده اند؛ درحالی که چنین چیزی در تاریخ گزارش نشده است. (۱)

۳. شیخ طوسی - شاگرد سید مرتضی - با صرفه شدیداً مخالفت می کند و می گوید: «اگر صرفه به سلب علوم عرب تحقق یافته باشد، لازم آن مطلب این است که عرب ها از کمال عقل خارج شده باشند». (۲)

۴. در طول تاریخ بارها مخالفان قرآن اقدام به همانندآوری کرده اند؛ ولی شکست خورده اند. پس معارضه با قرآن محال نیست و خدا آنها را منع نکرده است؛ بلکه بشر با همه علوم و توانایی اش، در برابر عظمت قرآن کوچک است.

البته دلایل و وجوه دیگری نیز در ردّ نظریه صرفه بیان شده اند که در گنجایش این مقال نیست. (۳)

۳. جاحظ (م ۲۵۵ق) و نظم قرآن

ابوعثمان عمر بن بحر معروف به جاحظ از علمای معتزله و شاگرد نظام

ص: ۷۹

۱- (۱). التمهید، همان، ص ۸ - ۱۶۷.

۲- (۲). الاقتصاد، ص ۱۷۲ و ۱۷۳.

۳- (۳). ر.ک: التمهید، همان، ص ۱۶۹ - ۱۷۶.

است. او کتابی در مورد اعجاز قرآن به نام نظم القرآن نوشت که به دست ما نرسیده است. (۱) جاحظ اعجاز قرآن را از دو جهت می دانست:

الف) صرفه؛ او در این دیدگاه پیرو استاد خود (نظام) بود؛

ب) نظم قرآن؛ که پیامبر (صلی الله علیه و آله) مردم را بدان تحدی کرده است.

وی در کتاب الحيوان خویش می نویسد: « مثل ذلك ما رفع من اوهام العرب و صرف نفوسهم عن المعارضه للقرآن بعد ان تحدّاهم الرسول بنظمه... الذي لا يقدر على مثله العباد ». (۲)

بررسی: نظریه «نظم قرآن» از ابداعات آقای جاحظ است و قبل از وی کسی را نیافتیم که بدان اشاره کرده باشد. همین دیدگاه در قرون بعدی مورد توجه قرار گرفت.

تذکر: در قرن سوم از علی بن سهل بن طبری (پزشک داروشناس) نیز یاد شده که در کتاب الدین والدوله از اسلوب قرآن به عنوان معجزه یاد کرده است. (۳) البته روشن نیست که مقصود او همان نظم قرآن است یا - آن گونه که برخی معاصران برداشت کرده اند - فصاحت و بلاغت. (۴) و یا - آن گونه که از ذیل کلامش برمی آید - مراد محتوای قرآن باشد.

قرن چهارم: اعجاز ادبی قرآن و تأثیر آن در نفوس و اخبار غیبی

۱. محمد بن جریر طبری (۳۱۰ ق) و نظم قرآن

طبری صاحب تفسیر جامع البیان عن تأویل آی القرآن است. او نظم قرآن را

ص: ۸۰

۱- (۱). باقلانی به این کتاب اشاره کرده است (اعجاز القرآن، ص ۷).

۲- (۲). الحيوان، جاحظ، ج ۴، ص ۸۹ و ۹۰ و ج ۶، ص ۲۶۹.

۳- (۳). الدین والدوله، ص ۳۳ و ص ۹۸ و ۹۹.

۴- (۴). اعجاز قرآن، تاریخ و تحلیل، دکتر محسن قاسم پور، ص ۶۲.

مورد توجه قرار داده و معتقد است قرآن به واسطه نظم عجیب و وصف شگفت آورش بر کتب پیشین برتری دارد. (۱) البته طبری در باب حروف مقطعه و نقش آن در اعجاز بیان نیز دیدگاهی دارد. (۲)

بررسی: پایه گذار نظریه نظم قرآن جاحظ بود.

۲. ابو عیسی رمانی (۲۷۶ - ۳۸۴) و هفت وجه اعجاز قرآن

وی از متکلمان و ادیبان معتزلی است که در کتابش با عنوان النکت فی اعجاز القرآن به خوبی اعجاز بلاغی قرآن را نشان داده است. (۳) در این کتاب به هفت وجه از اعجاز قرآن سخن رفته است:

۱. ترک معارضه با قرآن با وجود انگیزه و احتیاج مخالفان بدان؛

۲. تحدی و هماوردطلبی؛

۳. بلاغت؛

۴. اخبار غیبی؛

۵. نقض عادت؛

۶. مقایسه آن با معجزات پیامبران گذشته؛

۷. صرفه (که به عنوان وجه عقلی می پذیرد). (۴)

بررسی: همان طور که گذشت در صدر اسلام در آیات و روایات به برخی از

ص: ۸۱

۱- (۱). تفسیر جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۱، ص ۱۳۰ و فکرة اعجاز القرآن، ص ۶۰.

۲- (۲). اعجاز قرآن، تاریخ و تحلیل، ص ۷۱.

۳- (۳). کتاب وی همراه دو کتاب دیگر البیان فی اعجاز القرآن، خطابی و کتاب جرجانی تحت عنوان «ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن» در ۱۳۸۷ در مصر چاپ شد.

۴- (۴). ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، ص ۶۹ و ص ۱۰۲ و....

وجوه فوق اشاره شده بود؛ مثل اخبار غیبی، تحدی و عجز مخالفان و نظریه بلاغت (که هم زمان در این قرن توسط خطابی نیز مطرح شده و در ادامه بدان می پردازیم)؛ اما صرفه در قرن سوم توسط نظام مطرح شده بود.

۳. الخطابی (۳۱۷ - ۳۸۸ ق) اعجاز بلاغی قرآن و تأثیر آن در نفوس

ابوسلیمان حمد بن محمد بن ابراهیم الخطابی البُستی ادیب، لغوی، فقیه و محدث بوده است. کتاب وی البیان فی اعجاز القرآن قدیمی ترین کتاب موجود درباره اعجاز قرآن است. خطابی دو وجه از اعجاز قرآن را مطرح کرده است:

اول) اعجاز بلاغی

خطابی در میان وجوه اعجاز قرآن، دیدگاه اعجاز بلاغی را می پذیرد و اعجاز قرآن را به آن می داند که اولاً از فصیح ترین الفاظ استفاده کرده است؛ ثانیاً در بهترین نظم تألیف شده است؛ ثالثاً صحیح ترین معانی را آورده است. جمع بین این امور از قدرت بشر خارج است. (۱) انسان نمی تواند از بین میلیون ها کلمه، ترکیب و معنا بهترین و صحیح ترین و فصیح ترین را انتخاب کند؛ چون علمش محدود است و احاطه اش بر الفاظ، معانی و ترکیب ها کافی نیست. (۲)

بررسی: همان طور که گذشت اعجاز بلاغی قرآن - که شاخه ای از اعجاز ادبی قرآن است - در صدر اسلام و عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) مورد توجه دوستان و دشمنان قرآن بوده است و بعد از خطابی نیز ادامه داشته و دارد. البته تفسیر و توجیه خطابی در مورد اعجاز بلاغی جدید و جالب است.

ص: ۸۲

۱- (۱). البیان فی اعجاز القرآن، خطابی، ص ۲۱-۲۹.

۲- (۲). ثلاث رسال فی اعجاز القرآن للرمانی و الخطابی والجرجان، ص ۲۲-۲۷.

همین بعد اعجاز قرآن است که با عنوان شیرینی و جذبه قرآن در سخنان اهل بیت (علیهم السلام) اشاراتی بدان شده بود و در عصر حاضر نیز برخی قرآن پژوهان با عنوان «موسیقی روحانی قرآن» از آن یاد می کنند. (۲)

بررسی: همان طور که گذشت در دوره اول (صدر اسلام) مباحثی در مورد اعجاز بلاغی مطرح بوده و در سخنان اهل بیت (علیهم السلام) به جذبه و شیرینی قرآن اشاره شده است. پس الخطابی نظریه جدیدی در اعجاز ادبی قرآن ارائه نکرده است؛ جز آن که بحث اعجاز بلاغی قرآن را به صورت نظام مند ارائه کرده است. اما در مورد جذبه و تأثیر قرآن (بعد از اشارات روایی) او نخستین کسی است که ادعای اعجاز کرد.

۴. ابوهلال عسکری (حدود ۴۰۰ ق) و بلاغت قرآن

از لغت شناسان، ادیبان و شاعران است و کتاب هایی مثل الفروق اللغویه، نظیر الاوائل والضاعتین را تألیف کرده است. او در کتاب اخیر، صنایع لفظی و انواع بدیع را به ۳۵ نوع رسانده است و مهم ترین وجه اعجاز قرآن را بلاغت آن می داند. بررسی: دیدگاه اعجاز بلاغی قرآن در صدر اسلام سابقه داشته و توسط رمانی و خطابی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

تذکرات

در مورد اعجاز ادبی قرآن در قرن چهارم از چند نفر دیگر نیز یاد شده است؛ از جمله: ابوعلی جبایی (۲۳۵-۳۰۳) شاگرد باواسطه ابوالهذیل علاف که دیدگاه

ص: ۸۳

۱- (۱). البیان فی اعجاز القرآن، همان، و نیز التمهید فی علوم القرآن، معرفت، ج ۴، ص ۴۱.

۲- (۲). ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، معرفت، ج ۴، ص ۱۰۷ - ۱۰۹. (در این مورد در مباحث بعدی مطالبی بیان خواهد شد).

فصاحت قرآن را به او نسبت داده اند؛ (۱) همچنین ابوهاشم جبایی (۲۷۷-۳۲۱ق) شاگرد ابوعلی جبایی که دیدگاه فصاحت قرآن به وی نسبت داده شده است. اما این گزارش ها از ابوعلی و ابوهاشم جبایی اعتبار چندانی ندارند؛ چون معمولاً با واسطه و بر اساس برداشت های افراد است.

در قرن چهارم از دانشمندان دیگری نیز یاد شده است که کتاب هایی با عنوان نظم القرآن داشته اند (که در واقع موضوع آنها اعجاز قرآن بوده است)؛ مانند: ابوعلی حسن بن علی بن نصر طوسی مشهور به «کردش» (م ۳۱۲ق)، ابوبکر سجستانی (م ۳۱۶ق)، ابویزید احمد بن سهل بلخی (م ۳۲۲ق) و ابن اخشید (م ۳۲۶ق). (۲)

هرچند نظریه نظم قرآن در قرن سوم از سوی جاحظ مطرح شد و در این قرن از ابوالحسن اشعری (م ۳۲۴ق) و ابن بندار فارسی متکلم نیز یاد شده، (۳) ولی دیدگاه قابل اعتماد و جدیدی مطرح نشده است.

قرن پنجم: نظریه اعجاز در آورنده امی و اوج گیری نظریه صرفه

۱. راغب اصفهانی (م ۴۰۲ ق)؛ اعجاز در نظم و صرفه

(۴)

ابوالقاسم حسین بن محمد، معروف به راغب اصفهانی، صاحب کتاب مفردات فی غریب القرآن است. برخی او را معتقد به مذهب اهل بیت (علیهم السلام) دانسته اند. (۵) وی

ص: ۸۴

۱- (۱). هفت آسمان، ش ۴، ص ۱۷۳.

۲- (۲). ر. ک: اعجاز قرآن، تاریخ و تحلیل، ص ۷۲ و درآمدی بر تاریخ و علوم قرآنی، ص ۲۴۷ و ۲۴۸.

۳- (۳). ر. ک: اعجاز قرآن، تاریخ و تحلیل، ص ۶۹ و ۷۰.

۴- (۴). در برخی منابع سال وفات وی را ۴۲۵ق و در برخی منابع ۵۰۲ق ذکر کرده اند.

۵- (۵). الذریعه، ج ۵، ص ۴۵؛ ریحانه الادب، ج ۲، ص ۲۹۲، ریاض العلماء و الکلتی و الالقاب به نقل از اسرار الامامیه شیخ حسن بن علی طبرسی صاحب کامل بهایی و میرسید حجه موحد ابطحی، در کتاب ریشه ها و جلوه های تشیع حوزه علمیه اصفهان در طول تاریخ، ج ۱، ص ۳۱۶ نقل کرده اند: «انه کان من حکماء الشیعه الامامیه».

در مقدمه جامع التفاسیر معجزه پیامبران را به دو قسم حسی و عقلی تقسیم می کند و دو وجه برای اعجاز قرآن برمی شمارد (۱):

الف) نظم مخصوص قرآن

به اعتقاد وی اعجاز قرآن بر اساس الفاظ و معانی نیست؛ زیرا اینها در کلام عرب و کتاب های آسمانی قبل وجود داشته اند؛ بلکه اعجاز قرآن به نظم مخصوص آن است.

او برای تألیف کلام پنج مرحله ذکر می کند: ۱. واژه سازی؛ ۲. تشکیل جمله ها؛ ۳. انضمام جمله ها و تشکیل کلام؛ ۴. برخوردارگی کلام از قافیه و سجع؛ ۵. برخوردارگی کلام از وزن که شعر خواهد شد. (۲)

تمام انواع کلام (نظم، نثر، نظم با سجع و نظم با وزن) نظم مخصوص دارند که آنها را از یکدیگر متمایز می سازد. قرآن تمام محاسن کلام، خطابه، رساله و شعر را دارد؛ با این تفاوت که نظم قرآن، بدیع و فراتر از آنهاست. (۳)

ب) صرفه

خداوند مخالفان قرآن را در باطن از معارضه با آن بازداشته است و چه اعجازی باشکوه تر از این که همه بلیغان در ظاهر اختیار دارند که به معارضه با آن برخیزند، اما در باطن از آن منع شده اند. (۴)

ص: ۸۵

۱- (۱). مقدمه جامع التفاسیر، ص ۴ - ۱۰۲.

۲- (۲). همان، ص ۱۰۷.

۳- (۳). همان، ص ۱۰۸.

۴- (۴). همان، ص ۱۰۹.

بررسی: نظریه صرفه از اختراعات نظام است و در ذیل کلام وی نقدهای این نظریه بیان گردید.

گفتنی است که راغب اصفهانی نخستین کسی نیست که نظریه نظم قرآن را به عنوان یکی از وجوه اعجاز قرآن بیان کرده است؛ قبل از او جاحظ این دیدگاه را پایه گذاری کرد و طبری نیز قائل به آن بود. اگر بتوانیم بحث نظم و تألیف قرآن را - که از خصوصیات کلام است - نوعی اعجاز ادبی قرآن به شمار آوریم، در این صورت اصل نظریه در صدر اسلام (دوره اول) مطرح بوده است؛ اما به هر صورت تقریر آن توسط راغب اصفهانی جدید است.

۲. باقلانی (ت ۴۰۳ق)؛ اعجاز در اخبار غیبی، آورنده امّی و بلاغت

محمد بن طیب باقلانی از متکلمان اشعری است که کتاب اعجاز القرآن را در بیان وجوه اعجاز قرآن نوشت. او سه وجه از اعجاز قرآن را بیان می کند:

الف) اخبار غیبی

یعنی خبرهای غیبی که در قرآن آمده است و بشر به صورت عادی نمی توانسته از آنها آگاه شود. (۱)

ب) مطالب علمی از فردی امّی

قرآن توسط فردی درس ناخوانده آورده شده است؛ اما مسائل علمی و معرفتی و نیز داستان هایی در آن بیان شده است که به صورت عادی فردی امّی نمی تواند از آنها آگاه باشد. (۲)

ص: ۸۶

۱- (۱). اعجاز قرآن، ص ۵۸.

۲- (۲). همان.

نظم بدیع و تألیف شگفت انگیز قرآن این کتاب را در اوج بلاغت قرار داده است؛ نظمی که در متون قبلی سابقه نداشته است. باقلانی بلاغت را به ده نوع تقسیم می کند و آنها را با مثال های قرآنی شرح می دهد (۱):

۱. ایجاز: یعنی کوتاه گویی؛ و آن وقتی پسندیده است که موجب اخلاص لفظ و معنا نباشد و مقصود از آن، الفاظ کوتاه و لکن پرمعناست؛ مانند: (وَ سَيَلِّ الْقَرْيَةَ)؛ (۲) یعنی: و از (مردم) آن آبادی که در آن بودیم و از (اهل) کاروان که با آن آمدیم بپرس.

۲. تشبیه: یعنی یکی از دو چیز را به جای دیگری قرار دادن؛ مانند: (مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ...)؛ (۳) «مثال کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند، (آن است که) کردارهایشان هم چون خاکستری است که بادی تند در روزی طوفانی بدان بوزد».

۳. استعاره: باقلانی استعاره را بیان تشبیه می داند؛ مانند: (وَ قَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا)؛ (۴) «و به سراغ هر عملی که انجام داده اند می رویم و آن [ها] را (هم چون) غباری پراکنده قرار می دهیم».

۴. تلاؤم: یعنی سازگاری و تعدیل حروف در جملات به شکلی که دارای تنافر نبوده و شنیدن آن نه تنها ناخوشایند نیست، بلکه لذت بخش و تسکین دهنده است؛ مانند تمامی آیات قرآن.

۵. فواصل: مقصود از آن، حروف هم وزن و شبیه به یکدیگر در مقاطع آیات است.

۱- (۱). همان، ص ۵۹ و ۲۶۸.

۲- (۲). یوسف، آیه ۸۲.

۳- (۳). ابراهیم، آیه ۱۸.

۴- (۴). فرقان، آیه ۲۳.

۶. تجانس: یعنی ارائه کلامی در انواع مختلف که دارای معنای واحد و بیان گر امر واحدی هستند.

۷. تصریف: ارائه معانی گسترده، برای الفاظ در قضیه ای واحده.

۸. تضمین: یعنی ارائه معنا در قالب کلامی بدون تصریح به آن؛ مانند تضمین در آیه شریفه: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)؛ که بیان گر تعلیم در چگونگی آغاز کلام است.

۹. مبالغه: یعنی معانی فراوان و گسترده در قالب الفاظ.

۱۰. حسن بیان: که شامل اقسام چهارگانه کلام، حال، اشاره و علامت است و هر یک نقش به سزایی در زیبایی جمله دارند.

(۱)

باقلانی در پایان کتاب خود می گوید:

قرآن از اعلی ترین مراتب بیان، برخوردار و زیباترین مراتب بیان در آیات آن موجود است که تمامی وجوه حسن و اسباب آن و روش های -آن از نظم سازگار آن و سلامت آن و روانی آن بر زبان و جای گرفتن در قلب و...- فراهم شده باشد. (۲)

بررسی: همان طور که گذشت بلاغت و نظم قرآن به عنوان یکی از وجوه اعجاز قبل از باقلانی توسط خطابی و راغب اصفهانی مطرح شده بود؛ هرچند که تقریر باقلانی در این مورد جدید است. در دوره اول (صدر اسلام) -در آیات و روایات- به اخبار غیبی قرآن و مطالب علمی و معارف عالی از پیامبر اُمّی اشاره شده بود؛ ولی باقلانی نخستین کسی است که این دو مورد را به عنوان وجوه اعجاز قرآن تنظیم و تبیین کرده است.

این دو وجه از اعجاز قرآن، در یک قرن اخیر به شدت مورد توجه قرآن پژوهان قرار گرفته است که در ادامه به این موضوع خواهیم پرداخت.

ص: ۸۸

۱- (۱). اعجاز القرآن، ص ۲۶۸ - ۲۷۵.

۲- (۲). همان، ص ۲۷۷.

۳. شیخ مفید (ت ۴۱۳ق) و اعجاز در صرفه، فصاحت و بلاغت

محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید از عالمان بزرگ شیعه است. از ایشان دو وجه در اعجاز قرآن نقل شده است.

الف) صرفه

شیخ مفید در این باره می نویسد:

یعنی خدا بعد از تحدی در مبارزه طلبی، فصحا و بلغا را از آوردن مثل قرآن عاجز نمود و آنها را - اگرچه می توانستند مانند قرآن را بیاورند ولی - از این کار بازداشت و از قدرت آنها کاست از این جهت قرآن و صرفه دلیلی بر نبوت است؛ و این لطف الهی است که از آوردن مانند قرآن تا روز قیامت ممانعت کرده است. (۱)

ب) فصاحت و بلاغت

قطب الدین راوندی (۲) (ت ۵۷۳ق) و علامه محمد باقر مجلسی (۳) (ت ۱۱۱ق) به شیخ مفید نسبت داده اند که ایشان اعجاز قرآن را در فصاحت و بلاغت فوق العاده و در حد اعلی می دانسته است.

بررسی: همان طور که گذشت نظریه صرفه قبلاً توسط نظام مطرح شده بود و فصاحت و بلاغت قرآن نیز قبل از شیخ مفید به عنوان یکی از وجوه اعجاز مطرح بوده است. تصویرها و اشکالات نظریه صرفه، ذیل مباحث نظام مطرح شدند.

۴. قاضی عبدالجبار (۴۱۵ق)

عبدالجبار بن احمد معتزلی، در مورد وجه اعجاز قرآن معتقد است که تحدی

ص: ۸۹

۱- (۱). اوائل المقالات فی المذاهب والمختارات، شیخ مفید، ص ۷۰.

۲- (۲). الخرائج والجرائح، ص ۲۶۹.

۳- (۳). بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۲۷.

و مبارزه طلبی قرآن برای آوردن مثل آن است؛ زیرا عرب ها گرچه در نهایت فصاحت بودند، ولی نتوانستند مثل قرآن را بیاورند. در حقیقت عرب ها از این مبارزه صرف نظر نکردند؛ بلکه از انجام آن عاجز بودند. همین مطلب دلیل اعجاز قرآن و صحت تبوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است. (۱)

بررسی: قبل از قاضی عبدالجبار، در قرن چهارم رمانی (۳۸۴ ق) تحدی را از وجود اعجاز قرآن شمرده بود و اصولاً بحث تحدی و عجز مخالفان در قرآن مطرح شده است؛ پس کلام قاضی عبدالجبار جدید نیست.

۵. سید مرتضی (ت ۴۳۶ ق) و نظریه صرفه

ابوالقاسم، ذوالمجدین علی بن الحسین الموسوی، معروف به سید مرتضی علم الهدی از عالمان بزرگ شیعه است. وی کتاب های متعددی (مانند: الامالی، الذخیره، ملخص، المقنع، المسائل الموصلیات، تنزیه الانبیاء، شافی، شرح جمل العلم، الصرفه) نوشته و در بیشتر آنها نظریه صرفه را مطرح کرده است. (۲)

شیخ طوسی از او نقل می کند که سید مرتضی معتقد است خدای متعال علومی را که عرب ها می توانستند به واسطه آن فصحتی مانند قرآن را بیاوند، از بین برده است. (۳)

بررسی: همان طور که گذشت، نظریه صرفه توسط نظام پایه گذاری شد و ما تقریرها و اشکالات این نظریه را ذیل مبحث نظام بیان کردیم. شاید تمایل علمای بزرگ

ص: ۹۰

۱- (۱). ر. ک: شرح الاصول الخمسه، قاضی عبدالجبار، ص ۵۸۶ - ۵۹۴ و التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۶۱ - ۶۵.

۲- (۲). ر. ک: الذخیره فی علم الکلام، ص ۳۷۸.

۳- (۳). الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، ص ۱۷۲.

به این نظریه به خاطر آن بوده که غیر از فصاحت و بلاغت قرآن، ابعاد دیگر اعجاز چندان مطرح نبوده و علوم بلاغی در زمان سید مرتضی رشد چشم گیری داشته اند؛ با این حال کسی با قرآن معارضه نمی کرده است.

۶. شیخ طوسی (ت ۴۶۰ ق)؛ فصاحت همراه نظم مخصوص

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی مشهور به شیخ الطائفه از فقها، مفسران، محدثان و متکلمان بزرگ شیعه است. کتاب های تهذیب، استبصار و تفسیر تبیان از نگاهشته های اوست. شیخ طوسی در کتاب الاقتصاد الهادی الی الرشاد در مبحث نبوت، نظرات خود را درباره اعجاز قرآن بیان کرده است. وی در بخشی از این کتاب می نویسد:

کامل ترین سخن در نظر من، سخن کسی است که می گوید: قرآن از این جهت معجزه است که خارق العاده بوده؛ به خاطر آنکه فصاحت خاصی در این نظم مخصوص دارد و اعجاز قرآن به تنهایی در فصاحت یا نظم یا صرف نبوده است. (۱)

بررسی: برخی معاصران از دیدگاه شیخ طوسی درباره اعجاز قرآن با عنوان «اعجاز فصاحتی» یاد کرده اند؛ (۲) هرچند مراد ایشان اعجاز فصاحتی همراه با نظم است. البته شیخ طوسی خود می نویسد: «در کتاب شرح جمل دیدگاه صرفه را تقویت کردم؛ زیرا کتاب سید مرتضی را شرح می کردم و مخالفت با روش او سزاوار نبود». (۳)

بنابراین نمی توان به طور قطعی نظریه صرفه را به شیخ طوسی نسبت داد.

ص: ۹۱

۱- (۱). الاقتصاد الهادی الی الرشاد، ص ۱۷۳.

۲- (۲). اعجاز قرآن، دکتر سید رضا مؤدب، ص ۶۲.

۳- (۳). الاقتصاد الهادی الی الرشاد، ص ۱۷۳.

وی در کتاب دلائل الاعجاز فی علم المعانی مهم ترین وجه اعجاز قرآن را نظم و تألیف آن می داند -نه معانی بلند آن- و می نویسد:

تحدی قرآن بر آن بود که مخالفان قرآن، الفاظی مانند قرآن بیاورند که دارای نظم قرآنی باشد؛ گرچه از نظر معنا همسان قرآن نباشد؛ زیرا قرآن می گوید: ده سوره بیاورید، گرچه مفتریات باشد. (۱) شرافت قرآن فقط در نظم و بلاغت آن است (گرچه معنا ساختگی باشد)؛ زیرا شما به تحدی در معنا دعوت نشده اید. (۲)

البته این کلام مورد قبول دیگران نیست؛ زیرا معانی قرآن نیز معجزه است و عبارت «مثله» عام و شامل مانند قرآن، در الفاظ، معانی و دیگر ویژگی های آن است. (۳)

«جرجانی» معتقد است نظم در کلام، مراتب و درجاتی دارد و چه بسا برای هر مرحله از نظم، نظمی بهتر و کامل تر و تألیفی زیباتر یافت شود. البته شناخت غایت و نهایت آنها برای ما مشکل است؛ چون تمامی ابزار آن در اختیار بشر نیست. اما در مورد قرآن، هر کسی به تألیف و نظم کلام آشنا باشد و در مورد نظم و تألیف قرآن دقت و مطالعه کند، درمی یابد که نظم آن بهترین نظم بوده و انسان از آوردن مانند آن عاجز است. (۴)

بررسی: همان طور که گذشت نظریه نظم قرآن توسط جاحظ پایه گذاری شد و در قرن های چهارم و پنجم طرفدارانی مثل طبری و راغب اصفهانی داشته است.

ص: ۹۲

۱- (۱). (...فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ ...) ، هود، آیه ۱۳؛ «اگر راست گوئید، پس شما هم ده سوره ی ساختگی، همانند این (قرآن) بیاورید».

۲- (۲). ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، ص ۱۲۹.

۳- (۳). اعجاز قرآن، سید رضا مؤدب، ص ۱۲۱.

۴- (۴). دلائل الاعجاز، ص ۲۷.

تذکر: در این قرن از ابن حزم آندلسی (۴۵۶ ق) ظاهرگرا یاد شده که قائل به صرفه و احتمالاً اعجاز بلاغی و ادبی بوده است.
(۱) همچنین از ابن سنان خفاجی حلبی (م ۴۶۶ ق) ادیب و شاعر شیعی یاد شده که با ردّ اعجاز فصاحتی قرآن در کتاب سرّ
الفصاحه، اعجاز قرآن را به صرفه می دانسته است. (۲)

قرن ششم: رویکرد اعجاز محتوایی و علمی

۱. غزالی (۵۰۵ ق) و اعجاز علمی قرآن

امام محمد غزالی در کتاب های احیاء علوم الدین و جواهر القرآن به موضوع اعجاز قرآن پرداخته است و وجوه زیر را در
اعجاز قرآن برمی شمارد:

یک) فصاحت و بلاغت؛

دو) اخبار پیشینان؛

سه) اخبار غیبی؛

چهار) عدم اختلاف در قرآن؛

پنج) اشتمال قرآن بر همه دانش های مورد نیاز انسان، از جمله علوم تجربی. (۳)

غزالی اولین کسی است که معتقد بود در قرآن جمیع علوم دینی و دنیوی وجود دارند که جز عالمان، کسی آن را درک نمی
کند و ظاهراً این مطلب را وجهی از وجوه اعجاز قرآن می داند. (۴)

ص: ۹۳

۱- (۱). ر.ک: العضل فی الملل والنحل، ج ۳، ص ۱۱ و فکرة اعجاز القرآن، ص ۸۳ و اعجاز القرآن و البلاغه النبویه، ص ۱۴۶.

۲- (۲). فکرة اعجاز القرآن، ص ۸۵ و اعجاز قرآن تاریخ و تحلیل، ص ۸-۹۶.

۳- (۳). احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۳۸۳ و جواهر القرآن، ص ۳۱.

۴- (۴). ر.ک: احیاء علوم دین، ج ۱، ص ۲۹۰ و فکرة اعجاز القرآن، ص ۹۲.

بررسی: چهار وجه از جوهی که غزالی مطرح می کند جدید نیستند؛ ولی وجه پنجم اعجاز قرآن از نظر وی زیربنای اعجاز علمی در قرن بیستم و زمینه ساز یکی از گونه های تفسیر علمی قرآن در سده های بعدی شد؛ زیرا در تفسیر علمی قرآن، گونه های استخراج همه جزئیات علوم از قرآن - تحمیل نظریه های علمی بر قرآن، استخدام علوم در تفسیر قرآن، نظریه پردازی های علمی بر اساس آموزه های قرآنی و جهت دهی به علوم انسانی - مطرح شده اند. هرچند به دیدگاه غزالی در مورد وجود همه جزئیات علوم در ظواهر قرآن اشکالات متعددی وارد شده است، (۱) اما به هر حال این یک نظریه جدید در تفسیر و اعجاز قرآن بود.

۲. زمخشری (۵۳۸ق) و نظم قرآن در واژگان و ترکیب ها

زمخشری مفسّر، ادیب و متکلم معتزلی، صاحب تفسیر کشف و نیز رساله ای به نام اعجاز القرآن فی سوره الکوثر است. او اعجاز قرآن را در دو جنبه می داند:

اول) نظم قرآن و اسرار آن در واژگان و ترکیب ها. وی به صورت عملی تلاش کرد فن «بیان» را با آموزه های قرآنی تطبیق و اعجاز قرآن را در این مورد نشان دهد.

دوم) اخبار غیبی. (۲)

بررسی: هرچند زمخشری (در تفسیر کشف) در تبیین نکات ادبی قرآن موفق بوده، اما جوهی که او برای اعجاز قرآن برشمرد، در پیشینیان سابقه داشته است.

۳. ابن عطیه (۵۴۲ق)

عبدالحق بن غالب بن عطیه عرناطی از دانشمندان اندلس در مباحث زبانی،

ص: ۹۴

۱- (۱). ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۱۶۸.

۲- (۲). ر.ک: سیر نگارش های علوم قرآن، ص ۷۱ و فکره اعجاز القرآن، ص ۹۳ و منهج الزمخشری، مصطفی صاوی جوینی، ص ۲۱۶ و اعجاز قرآن تاریخ و تحلیل، ص ۱۱۰.

ادب و شعر متبخر بود. او اعتقاد خود را در مورد اعجاز در مقدمه تفسیر المحرر الوجیز ذکر کرده است. (۱) ابن عطیه می گوید: «بیشتر عالمان نظریه صحیح و کارآمد در موضوع اعجاز را نظریه نظم و سازمان تعبیر و صحت معانی و پیوستگی فصاحت قرآن می دانند». (۲) به باور او، این ویژگی از آن جهت برای قرآن فراهم آمده است که بر هر چیزی احاطه داشته و بر هر نوعی از سخن برتری یافته است.

با نگاهی به سخنان این مفسر و تأکید بر نظم قرآنی و تناسب واژگانی، آشکار است که بنا به اعتقاد او نظریه صرفه به عنوان وجهی از اعجاز قرآن مردود است. (۳)

بررسی: دیدگاه ابن عطیه در مورد نظم و بلاغت قرآن در اعجاز، سابقه ای طولانی داشته است. البته اعجاز در صحت معانی به اعجاز محتوایی قرآن اشاره دارد که بعدها مورد توجه قرآن پژوهان قرار گرفت.

۴. قاضی عیاض (۵۴۴ ق) و اعجاز قرآن در سه وجه جدید

وی در کتاب الشفاء بتعریف حقوق المصطفی اعجاز قرآن را بررسی کرده است و چند وجه را در اعجاز قرآن ذکر می کند:

اول) ایجاز و بلاغت قرآن؛

دوم) نظم شگفت انگیز قرآن؛

سوم) اخبار غیبی از آینده؛

چهارم) اخبار غیبی نسبت به حوادث گذشته؛

پنجم) چالش با مخالفان و عاجز شمردن آنها؛

ص: ۹۵

۱- (۱). المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، ج ۱، ص ۵۳ و ۵۴ و التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۴۰.

۲- (۲). بررسی اعجاز قرآن، ص ۲۱ و اعجاز قرآن تاریخ و تحلیل، ۱۱۳ - ۱۱۱.

۳- (۳). المحرر الوجیز، ج ۱، ص ۵۲.

هفتم) اشتغال بر علوم و معارف در کلمات اندک. (۱)

قاضی عیاض معتقد است که یکی از وجوه اعجاز قرآن، آیاتی است که در آنها با قاطعیت، تصمیم و اراده برخی از صاحبان ادیان به چالش کشیده شده و به آنها اعلام شده است که مثلاً کار خاصی را در موردی ویژه انجام نخواهند داد؛ مانند آیه (فَتَمَنُّوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَيُّدًا...)). (۲) این آیه خطاب به یهودیان می فرماید: شما هرگز آرزوی مرگ نخواهید کرد. از نظر قاضی عیاض، آرزونکردن این جماعت، در واقع اعلام ناتوانی و عاجز شمردن آنهاست و این کار فقط از قرآن برمی آید و در حقیقت بر اعجاز این کتاب دلالت دارد.

از دیگر وجوه اعجاز قرآن به گفته قاضی عیاض، وجوب برخی آیات است که از رهگذر آنها نوعی هیبت و بیم در دل برخی افراد ایجاد شده است. یکی از مصداق بارز چنین آیاتی سرگذشت جبیر بن مطعم -یکی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) - است که وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) سوره طور را در نماز مغرب می خواند، با شنیدن آن متأثر شد و اسلام آورد.

از نظر قاضی عیاض وجه دیگر اعجاز قرآن، اشتغال آن بر علوم و معارفی است که هیچ کتابی آنها را در خود جمع نکرده و احدی برای دانستن آنها دست نیافته است. قرآن آن همه علم را در کتابی کوچک و حروفی معدود جمع کرده است. (۳)

بررسی: وجوه اول تا چهارم در سخنان قرآن پژوهان قبلی سابقه داشته است؛ اما ادعای پنجم و ششم قاضی عیاض جدید هستند و می توانند از اعجازهای

ص: ۹۶

۱- (۱). الشفاء بتعريف حقوق المصطفى، جزء اول، ص ۳۵۸ و اعجاز قرآن، تاریخ و تحلیل، ص ۹ - ۱۰۸.

۲- (۲). جمعه، آیات ۶ و ۷.

۳- (۳). همان، جزء اول، ص ۳۹۰.

محتوایی قرآن به شمار آیند. البته می توان وجه پنجم را زیرمجموعه اخبار غیبی قرآن دانست؛ چون خبر می دهد یهودیان آرزوی مرگ نخواهند کرد. وجه ششم نیز می تواند زیرمجموعه تأثیر و جذبه خاص قرآن قرار گیرد که قبلاً توسط خطابی مطرح شده بود.

وجه ششم به نوعی به ادعای غزالی در مورد اشمال قرآن بر علوم نیز برمی گردد؛ اما نکته جدیدی که دارد این است که این علوم و معارف در کلمات و حروف اندکی جمع آوری شده اند که البته تقریری جدید و قابل تأمل است.

۵. شیخ طبرسی (۵۴۸ق) و زیبایی معنای قرآن

امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، مفسّر بزرگ شیعه و صاحب دو تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن و جوامع الجامع، با ردّ نظریه صرفه، به وجود متعدد در اعجاز قرآن اشاره می کند (۱):

الف) فصاحت فوق العاده؛

ب) نظم مخصوص و اسلوب بدیع؛

ج) زیبایی معنا؛

د) دوری از تناقض. (۲)

بررسی: اگرچه این وجوه قبل از طبرسی نیز مطرح شده بودند، ولی بحث زیبایی معنا نکته جدیدی است که بعدها در اعجاز محتوایی قرآن مورد توجه قرار گرفت.

ص: ۹۷

۱- (۱). مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۵۰ ذیل (هود/ ۱۳).

۲- (۲). ر.ک: همان، ج ۱، ص ۴۲ و ص ۱۲۶ ذیل آیه ۲۳ بقره، و ج ۶، ص ۲۹۰ ذیل آیه ۸۸ اسراء و ج ۵، ص ۲۵۰ ذیل آیه ۱۳ هود و ص ۱۸۸ ذیل آیه ۳۸ یونس.

(۱)

ابویعقوب یوسف بن محمد بن علی سکاکی صاحب مفتاح العلوم بر این نظر است که اعجاز قرآن امری است که درک می شود، ولی غیر قابل توصیف است و درک آن با ذوقی حاصل می شود که از تمرین علمی در فصاحت و بلاغت به دست می آید. (۲)

بررسی: سخن سکاکی در مورد اعجاز قرآن با توجه به این که او در فصاحت و بلاغت متخصص بوده، جالب و در خور تأمل است؛ اما ذوق افراد نمی تواند معیار اعجاز قرآن قرار گیرد؛ زیرا ذوق امری و نسبی است که قابل اثبات و ردّ نیست و مطلب را متزلزل می کند.

۷. قطب الدین راوندی (۵۷۳ ق)؛ قرآن دارای معجزه های بی شمار

سعید بن عبدالله بن هبه الله مشهور به قطب الدین راوندی، مفسّر و متکلم شیعی در کتاب الخرائج والجرائح - که مشتمل بر معجزات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) است - در باب «کتاب ام المعجزات» به مبحث اعجاز قرآن پرداخته است و می گوید: «قرآن یک معجزه نیست؛ بلکه خود دارای معجزات بی شماری است». (۳)

وی اعجاز قرآن را به بلاغت عالی آن می داند (۴) و هفت وجه اعجاز را از متکلمان نقل می کند:

صرفه، فصاحت خاص، اخبار غیبی، نظم مخصوص، تألیف و نظم در کنار هم،

ص: ۹۸

۱- (۱). در برخی منابع سال وفات وی را ۶۲۶ ذکر کرده اند.

۲- (۲). مفتاح العلوم، ص ۹ - ۱۹۶ و التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۴ - ۵۳.

۳- (۳). الخرائج والجرائح، ج ۴، ص ۹۷۱.

۴- (۴). همان، ص ۹۶۷.

دوری از تناقض و تزلزل و اعجاز محتوایی (معانی صحیح مورد تأیید عقل). (۱)

بررسی: نکته جالبی که قطب الدین راوندی مطرح کرده آن است که قرآن ظرفیتی دارد که می تواند اعجازهای محتوایی بی شماری را در هر عصر عرضه کند و این مطلبی است که در یک قرن اخیر مورد توجه قرآن پژوهان - به ویژه در زمینه های متعدد اعجاز علمی - قرار گرفته است. اگرچه قرآن پژوهان قبل از راوندی وجوه مطرح شده توسط وی را ذکر کرده اند، اما اعجاز محتوایی، تکامل نظریه «زیبایی معنا» است که طبرسی مطرح کرده بود و بعدها مورد توجه ارباب علوم قرآن قرار گرفت.

قرن هفتم: تکرار نظریه های قبلی در اعجاز

اشاره

در این قرن دانشمندان به تکرار مطالب گذشتگان (درباره وجوه اعجاز قرآن) پرداخته اند و نظریه پردازی جدیدی صورت گرفته است؛ هرچند در برخی مصادیق و توضیحات نوآوری شده است.

در اینجا به برخی از این دانشمندان اشاره می کنیم.

۱. فخر رازی (م ۶۰۶)

این مفسر قرآن، دو کتاب جرجانی (دلایل الاعجاز و اسرار البلاغه) را در قالب یک کتاب خلاصه و به نام نهایه الایجاز فی درایه الاعجاز ارائه کرد. وی همچنین در تفسیر کبیر با شرح و بسط بسیار به اعجاز قرآن پرداخته است.

فخر رازی با اشاره به صرفه، اسلوب قرآن، عدم تناقض و اخبار غیبی قرآن درباره آوردن مثل قرآن، دو وجه را در اعجاز می پذیرد:

الف) برتری قرآن بر کلام سایر فصیحان؛

ص: ۹۹

ب) ناتوانی عرب از آوردن مثل آن با وجود انگیزه مخالفت. (۱)

بررسی: همان طور که قبلاً ملاحظه شد تمام وجوهی را که فخر رازی متذکر شده است در سخنان قرآن پژوهان قبلی وجود داشته اند.

۲. آمدی (۶۳۱ ق)

علی بن ابی علی تغلبی معروف به آمدی متکلم؛ آلوسی در مقدمه تفسیرش نظر وی را در اعجاز قرآن این گونه گزارش می کند: «اعجاز به همه قرآن و نظم و بلاغت و اخبار غیبی آن است». (۲)

بررسی: سخن آمدی نیز اشاره به وجوهی از اعجاز است که قبل از او بیان شده بودند.

۳. زملکانی (۶۵۱ ق)

(۳)

کمال الدین عبدالواحد بن عبدالکریم زملکانی صاحب کتاب البرهان الکاشف عن اعجاز القرآن، وجه اعجاز قرآن را تألیف خاص آن می داند. (۴)

بررسی: تألیف خاص قرآن به عنوان وجه اعجاز، توسط قرآن پژوهان گذشته - به طور مکرر - مطرح شده بود.

۴. بیضاوی (۶۸۵ ق)

قاضی ناصرالدین ابوسعید عبدالله بن محمد شیرازی بیضاوی صاحب تفسیر

ص: ۱۰۰

۱- (۱). ر.ک: نهاییه الایجاز فی درایه الاعجاز، ص ۷۸-۸۲ و مفاتیح الغیب، ج ۲، ص ۴۷ و ج ۵، ص ۴۴۶.

۲- (۲). روح المعانی، ج ۱، ص ۳۰.

۳- (۳). در برخی منابع سال وفات وی را ۷۲۶ ذکر کرده اند.

۴- (۴). البرهان الکاشف عن اعجاز القرآن، ص ۵۴.

انوار التنزیل و اسرار التأویل وجوه اعجاز قرآن را نهایت فصاحت، بلاغت، حسن نظم و قوت معنا و بیان برمی شمارد. (۱) وی همچنین تحدی قرآن را به آوردن مثل پیامبر (صلی الله علیه و آله) می داند. (۲)

بررسی: مطالب بیضاوی نیز تکرار مطالب گذشتگان است.

۵. ابن میثم (۶۹۹ق)

میثم بن علی بن میثم بحرانی، شارح نهج البلاغه بعد از گزارش وجوه اعجاز قرآن در نظر گذشتگان (مثل: فصاحت، اسلوب و صرفه) وجه اعجاز قرآن را فصاحت، اسلوب و اشمال قرآن بر علوم شریف می داند. (۳)

بررسی: وجوهی که ابن میثم ذکر می کند، در سخنان قرآن پژوهان سابق آمده بود و ایشان آنها را با هم جمع کرد.

۶. قرطبی (۶۷۱ق)

محمد قرطبی صاحب تفسیر الجامع لاحکام القرآن، ده وجه برای اعجاز قرآن ذکر می کند:

۱. نظم نوین قرآن؛ ۲. اسلوب کلام؛ ۳. جزالت (بزرگ منشی، فخامت، صلابت و استواری)؛ ۴. اخبار قرآن از امت های پیشین؛ ۵. اخبار قرآن از آینده؛ ۶. وفای به عهد (هرچه قرآن در مورد پیروزی در جنگ ها و... وعده داده بود، به وقوع پیوست)؛ ۷. محتوای آیات (احکام حقوقی، اجتماعی، سیاسی و...)؛ ۸. حکمت های رسا؛

ص: ۱۰۱

۱- (۱). انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۳، ص ۱۱۳.

۲- (۲). تفسیر بیضاوی، ج ۱، ص ۵۷.

۳- (۳). قواعد المرام فی علم الکلام، ص ۱۳۲ و ۱۳۳ و التمهید، ج ۴، ص ۸۵ و ۸۶.

بررسی: وجوه ده گانه قرطبی در اعجاز قرآن از جهت جمع آوری نوآمد است؛ چون قبلاً قاضی عیاض (۵۴۴ق) و قطب راوندی (۵۷۳ق) به هفت وجه اعجاز قرآن اشاره کرده بودند؛ ولی قرطبی آنها را به ده وجه رساند. اما به نظر می رسد همه این وجوه به گونه ای در سخنان قرآن پژوهان قبلی مطرح شده بودند.

اگرچه وفای به عهد، حکمت های رسای قرآن و جزالت و جوهری جدید به نظر می رسند، ولی «وفای به عهد» - به معنای تحقق وعده های قرآنی - می تواند زیرمجموعه اخبار غیبی قرآن قرار گیرد و حکمت های رسای قرآن نیز جزئی از اعجاز محتوایی به شمار می رود. همچنین جزالت قرآن را می توان به ادبیات فخیم آن مربوط دانست.

قرن هشتم: تکرار وجوه قبلی اعجاز همراه با برخی نوآوری ها

اشاره

در این قرن نیز اگرچه بیشتر دانشمندان، مطالب گذشتگان را در وجوه اعجاز قرآن تکرار کرده اند، ولی نظریه های جدیدی نیز - هرچند قابل خدشه - درباره اعجاز مطرح شده است. مهم ترین قرآن پژوهانی که در این قرن به اعجاز قرآن پرداخته اند عبارتند از:

۱. ابن جزی کلبی (۷۴۱ق)

محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله بن جزی کلبی از علمای اصول و لغت و اهل غرناطه است. وی صاحب چند کتاب است؛ از جمله کتابی در تفسیر با عنوان التسهیل لعلوم التنزیل که چاپ شده است. ابن جزی در مقدمه اول باب

ص: ۱۰۲

یازدهم این کتاب، در باب اعجاز بحث کرده است. وی ابتدا دلایلی مبنی بر آن که این کتاب از طرف خدا آمده، ارائه و آن گاه وجوه اعجاز را تبیین کرده است. او ده وجه را به عنوان وجوه اعجاز برمی شمارد:

۱. فصاحت؛ که به وسیله آن کلام خدا با مخلوقین تمیز داده می شود؛

۲. نظم عجیب و اسلوب شگفت آور آن از قطع و فاصله کلامت؛

۳. عجز مردم از تحدی به قرآن در زمان نزول و بعد از آن تا زمان حاضر؛

۴. اخبار از حوادث و رویدادهای گذشته و امت های پیشین؛

۵. اخبار غیبی ناظر بر حوادث و رویدادهای آینده؛

۶. تعاریفی که از خدای متعال و ذکر صفات و اسمای او شده است و نیز دعوت خلق به عبادت و توحید او و اقامه براهین قاطع بر آن و...؛

۷. تشریح احکام و بیان حلال و حرام آنها، توجه دادن مردم به مکارم اخلاق و مصالح دنیا که غایت حکمت و نتیجه علوم است؛

۸. محفوظ بودن از زیادت و نقصان و تغییر و تبدیل (تحریف ناپذیری)؛

۹. آسان بودن حفظ قرآن؛

۱۰. تلاوت کننده و شنونده آن هرگز ملول و خسته نمی شوند. (۱)

بررسی: بیشتر جوهی که ابن جزری در مورد اعجاز قرآن بیان داشته، در سخنان قرآن پژوهان سابق به چشم می خورد؛ ولی برخی از وجوه آن جدید هستند؛ از جمله وجوه ششم، هشتم، نهم و دهم؛ هرچند اعجاز آمیز بودن این امور قابل تأمل است و می توان وجه ششم را به اعجاز محتوایی و وجه دهم را به جذبه و موسیقی قرآن برگرداند.

ص: ۱۰۳

وجه هشتم (تحریف ناپذیری قرآن) نیز در آیات قرآن مطرح شده بود و به نوعی خبر غیبی قرآن به شمار می آید.

۲. الامیر العلوی (۷۴۹ ق)

الامیر یحیی بن حمزه العلوی الزیدی تحقیق مفصلی در اعجاز قرآن دارد. او نه وجه را در اعجاز قرآن برمی شمارد (صرفه، اسلوب، عدم تناقض، اخبار غیبی، فصاحت، اشتغال قرآن بر حقایق و اسرار بی نهایت در طول اعصار، بلاغت و نظم؛ مجموع این امور معجزه است) و همه را مخدوش می داند. وی سپس وجه دهم را بیان می کند که عبارت است از مزایای ظاهری قرآن مثل فصاحت و بلاغت و... و نوآوری ها در ابتدا، اهداف و پایان هر سوره است و نیز مبادی آیات و فواصل آنها. (۱)

العلوی بلاغت را با دو مقیاس نشان می دهد:

۱. آن چه در قرآن است، اگر با قواعد فصاحت و بلاغت مورد مقایسه قرار گیرد، اعجاز قرآن آشکار می گردد. این قواعد از قرآن گرفته شده اند؛ وقتی این قواعد با قرآن مقایسه می شوند، مانند این است که چیزی با خودش تطبیق می شود.

۲. اگر گفته های قرآنی با اقوال بلیغان، حتی سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا امام علی (علیه السلام) (۲) مقایسه شود، فضل و برتری قرآن آشکار می شود.

او سپس از قرآن آیاتی می آورد که به بحث فصاحت و بلاغت مربوط می شوند و معتقد است سخن در اعجاز قرآن، آغاز مباحث کلامی و اسرار الهی است؛ زیرا دلیل نبوت است. (۳)

ص: ۱۰۴

۱- (۱). ر.ک: الطراز، ج ۳، ص ۳۶۷-۴۱۳ و التمهید، ج ۴، ص ۸۷-۱۰۲.

۲- (۲). الطراز المتضمن، ج ۳، ص ۲۱۵ و ۲۱۷.

۳- (۳). همان، ج ۳، ص ۳۶۷.

العلوی کسانی را که قبل از او در این موضوع بحث کرده اند، به کوتاهی متهم می کند. به طور کلی، دلیل اعجاز نزد او دو چیز است:

۱. تحدی اعراب توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نهایتاً عجز آنها از آوردن چیزی مثل قرآن.

۲. فصاحت در الفاظ و بلاغت در معانی. (۱)

بررسی: کلام علوی نکاتی قابل بحث و بررسی دارد؛ او تلاش کرده با نقد و جوهی که گذشتگان در باب اعجاز قرآن مطرح کرده اند، به وجه جدیدی دست یابد. اگرچه وی دوباره به نوعی به همان مباحث گذشتگان برگشته است، ولی اشاره اش به اهداف سوره ها و جبهی جدید است.

۳. زرکشی (۷۹۴ ق)

بدرالدین محمد بن عبدالله زرکشی (ت ۷۹۴ ه) از عالمان اهل سنت در علوم قرآنی است که کتاب مبسوط البرهان فی علوم القرآن را تدوین نموده. او در «نوع سی و هشتم» کتاب خود به بحث اعجاز قرآن پرداخته و پس از ذکر یازده قول، نظر اهل تحقیق را - که خود نیز آن را تأیید می کند - ذکر می نماید. (۲) کلام وی به اختصار چنین است:

۱. قول «نظام»، که معتقد است خداوند مردم را از مانند آوری قرآن بازداشته و عقل آنها را در تحقق چنین امری ناتوان ساخته است (صرفه). زرکشی پس از نقل سخن نظام، آن را نادرست دانسته است.

۲. اعجاز، مربوط به تألیف خاص قرآن است؛ تألیفی که از اعتدال و سازگاری

ص: ۱۰۵

۱- (۱). اعجاز قرآن، تاریخ و تحلیل، ص ۱۲۸.

۲- (۲). بیان الاقوال المختلف فی وجوه الاعجاز وقد اختلف فیہ علی اقوال؛ ر.ک: به البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۹۳، ۱۰۶.

ویژه ای بین کلمات و حروف آن حکایت می کند.

۳. اخبار از غیب، نسبت به آینده که در توان شخص عادی نیست؛ مانند آیه «غلبه روم» که محقق شد. زرکشی این موضوع را برای اعجاز قرآن کافی نمی داند؛ زیرا چنین اعجازی عمومیت ندارد و تنها به آیات خاصی مربوط می شود. (۱)

۴. اخبار از قصص پیشین قرآن؛ مانند کسی که آن را مشاهده نموده است. این وجه هم در نظر زرکشی مانند وجه پیش، فراگیر نیست.

۵. اخبار از درون افراد؛ مانند آیه شریفه: (إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا...)؛ (۲) «و نیز به یاد آر) هنگامی که دو دسته از شما آهنگ کردند که سستی ورزند». این آیه مربوط به جنگ احد و سستی گروهی از اوس و خزرج است.

۶. تحدی قرآن مربوط به نظم، صحت معانی و توالی فصاحت آن است؛ کاری که در توان شخص خاصی نبوده است.

۷. فصاحت، غرابت اسلوب و سلامت قرآن از تمامی عیوب؛ درحالی که با تحدی همراه بوده است.

۸. نظم، تألیف و ترکیب عبارات قرآنی که خارج از تمامی گونه های زبان عربی است.

۹. اعجاز قرآن امری ذوقی و قابل درک است؛ ولی نمی توان تمام زوایای آن را توصیف نمود؛ زبان نمی تواند ملاحظت و صوت زیبای قرآن را وصف نماید.

۱۰. استمرار فصاحت و بلاغت قرآن در تمامی زمان ها، کلام عرب گرچه در مقطعی کوتاه، فصیح بوده، اما فصاحت آن تا زمان های دیگر استمرار نداشته است.

ص: ۱۰۶

۱- (۱). همان، ص ۹۶.

۲- (۲). آل عمران، آیه ۱۲۲.

۱۱. اعجاز قرآن منحصر در بلاغت قرآن است؛ زیرا کلام دارای گونه های متفاوتی است و هر کلام با کلام دیگر در مرتبه فصاحت یکسان نیستند؛ برخی فصیح و برخی فصیح ترند؛ اما قرآن، کلامی در اوج فصاحت است.

۱۲. اعجاز قرآن مربوط به همه اموری است که ذکر شد؛ یعنی اعجاز قرآن محدود و منحصر به امر یا موضوع خاصی نیست؛ بلکه تمامی آن وجوه در کنار هم، بیان گر اعجاز قرآن هستند؛ زیرا کلام فصحا ممکن است در مواردی بتواند با یکی از وجوه مذکور همآوردی نماید، اما هیچ کس نمی تواند کتابی بیاورد که تمامی وجوه مذکور را در کنار هم دارا باشد. بدین جهت، قرآن همواره و همه جا شاداب و سرزنده بوده و همیشه حیاتی پویا و بالنده دارد؛ حیاتی که نشانه اعجاز آن است.

زرکشی قول پایانی را صحیح ترین نظریه در اعجاز قرآن می داند و آن را به اهل تحقیق و نظر نسبت می دهد و خود نیز آن را تأیید می کند. (۱) برخی از معاصران نیز او را قائل به اعجاز علمی دانسته اند؛ چون سخن ابن مسعود را در مورد وجود همه علوم در قرآن مطرح کرده است. (۲)

بررسی: وجوهی که زرکشی برای اعجاز قرآن برشمرده است، همگی در سخنان قرآن پژوهان قبلی مطرح شده اند؛ ولی اعجاز داشتن همه این وجوه در کنار هم دیدگاه کاملی است؛ مگر در مورد صرفه که خود وی نیز آن را مردود می دانست.

البته اشکالی که نسبت به اعجاز تاریخی و اخبار غیبی قرآن مطرح کرده وارد نیست؛ چون اولاً- این اشکال در مورد وجه پنجمی که خود مطرح کرده (اخبار از درون افراد) - و حتی همه اعجازهای محتوایی - وارد است؛ ثانیاً لازم نیست همه

ص: ۱۰۷

۱- (۱). اعجاز قرآن، سید رضا مؤدب، ص ۱۳۱-۱۳۳.

۲- (۲). سیر تدوین و تطور تفسیر علمی، دکتر رفیعی، ص ۱۳۳ و اعجاز قرآن تاریخ و تحلیل، ص ۱۳۳.

وجوه اعجاز قرآن در همه آیات وجود داشته باشند.

تذکر: در این قرن از افرادی مثل خطیب قزوینی (۷۳۹ق)، ابن قیم جوزی (۷۵۱ق)، ابن تیمیه (۷۲۸ق) و ابن کثیر (۷۷۴ق) یاد شده (۱) که معمولاً همان سخنان قرآن پژوهان قبلی - به ویژه فصاحت و بلاغت - را تکرار کرده اند؛ جز آن که ابن کثیر بحث حروف مقطعه و ارتباط آنها با اعجاز بیان را طرح کرده است. (۲)

قرن نهم: دوران رکود در مباحث اعجاز قرآن

در این قرن از کتاب مستقل یا نظریه جدیدی در مورد اعجاز قرآن گزارش نشده است. تنها ابن خلدون (م ۸۰۸ق) در مقدمه تاریخ خود به فن بیان پرداخته است و به اعجاز بلاغی قرآن اعتقاد دارد. (۳) همچنین مراکشی (زنده در سال ۸۳۷ق) در کتاب شرح المصباح درباره اعجاز قرآن سخن گفته است و شناخت قرآن را از طریق علم بیان ممکن می داند. (۴)

قرن دهم: گردآوری و تفصیل نظریه های اعجاز

اشاره

در این دوره نیز شاهد رکود در مباحث اعجاز قرآن هستیم و فقط از سیوطی (م ۹۱۱ق) کتاب مستقل و نظریه های جدیدی درباره اعجاز قرآن گزارش شده که به نقل و جمع آوری دیدگاه های گذشتگان در باب اعجاز قرآن پرداخته و بدان شاخه و برگ داده است.

ص: ۱۰۸

۱- (۱). ر.ک: اعجاز قرآن تاریخ و تحلیل، ص ۱۲۴-۱۳۱.

۲- (۲). همان، ص ۱۳۱.

۳- (۳). ر.ک: ترجمه مقدمه ابن خلدون، ج ۲، ص ۸۹۱.

۴- (۴). ر.ک: الاتقان، سیوطی، ج ۲، ص ۳۷۵ و فکرة اعجاز القرآن، ص ۱۵۸ و اعجاز قرآن، تاریخ و تحلیل، ص ۵ - ۱۳۴.

۱. جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ ق) و سی و پنج وجه اعجاز قرآن

سیوطی، مفسّر و قرآن پژوه مشهور، در دو کتاب خویش به جمع آوری و نقل و تفصیل نظریه های اعجاز قرآن پرداخته است؛ یکی در کتاب معترك الاقرآن فی اعجاز القرآن و دیگر در نوع ۶۴ کتاب الاتقان فی علوم القرآن. او در کتاب الاتقان وجوه زیر را در مورد اعجاز نقل می کند:

۱. گروهی گفته اند: تحدی به کلام قدیم الهی است که از صفات ذات است (ولی سیوطی آن را رد می کند و تحدی به الفاظ دال بر قدیم را می پذیرد؛ چون چیزی را که نمی توان بر آن وقوف یافت، تصور نمی شود که مورد تحدی واقع شود؛

۲. صرفه (که سیوطی این قول را که توسط نظام مطرح شد فاسد می داند)؛

۳. اخبار غیبی نسبت به آینده؛

۴. اخبار غیبی نسبت به گذشتگان؛

۵. اخبار غیبی از درون افراد؛

۶. نظم و تألیف و توصیف (قاضی ابوبکر)؛

۷. فصاحت و غرابت اسلوب و سلامت از جمیع عیوب (امام فخر الدین)؛

۸. تألیف خاص (زملکانی)؛

۹. نظم و صحت معانی و توالی فصاحت الفاظ (ابن عطیه)؛

۱۰. استمرار فصاحت و بلاغت در همه قسمت های قرآن (حازم)؛

۱۱. دور بودن بیان قرآن از خطا در ادای معنا و تعقید و نیز شناخته شدن وجوه حسن کلام به وسیله آن (مراکشی)؛

۱۲ و ۱۳. اعجاز قرآن از دو جهت است؛ یکی متعلق به خود قرآن است؛ یعنی قرآن بدون سابقه تعلیم و تعلّم به وجود آمده و آن نظم مخصوص قرآن است. دیگری متعلق به رویگردانی اهل بلاغت و خطابه از معارضه با آن است (اصفهانى)؛

۱۴. اعجاز قرآن درک می شود؛ ولی وصف نمی شود (سکاکی)؛

۱۵. نفوذ در دل ها و تأثیر در نفوس (خطابی)؛

۱۶. ایجاز و بلاغت (به نقل ابن سراقه)؛

۱۷. در نظم، نثر، خطابه و شعر، خارج از جنس کلام عرب است (به نقل ابن سراقه) (رمانی از این وجه با عنوان نقض عادت یاد کرده است)؛

۱۸. قاری قرآن و شنونده آن با تکرار ملول و خسته نمی شوند (به نقل ابن سراقه)؛

۱۹. جامع علوم است (به نقل ابن سراقه)؛

۲۰. جمع بین دو صفت متضاد «جزاله» و «عذوبه» که در کلام بشر جمع نمی شوند (به نقل زرکشی)؛

۲۱. آخرین کتاب الهی و از بقیه بی نیاز است؛ درحالی که کتاب های قبلی به بیان قرآن نیازمندند (به نقل زرکشی)؛

۲۲. قیاس قرآن با معجزات دیگر؛ قرآن با امثال عصای موسی در این جهت تشابه دارد که کسی نمی تواند مثل آن را بیاورد؛ اگرچه انگیزه افراد برای مقابله زیاد بوده است (رمانی)؛

۲۳. قرآن آیت جاویدان الهی است که تا آخر دنیا خواهد بود و خدا حفظ آن را تضمین کرده است (قاضی عیاض).

لازم به یادآوری است که سیوطی به نقل وجوه فوق اکتفا کرده و وجه اعجاز یا جمع بندی خاصی ارائه نکرده و چون برخی از آن وجوه تکراری هستند، وی همین ۲۳ وجه را ذکر کرده است. البته در همین اندازه هم نوآوری است؛ چون تجمیع وجوه اعجاز با این تعداد قبل از ایشان سابقه نداشته است.

سیوطی در کتاب معترک الاقران فی اعجاز القرآن، ۳۵ وجه برای اعجاز قرآن ذکر می کند که قبل از ایشان سابقه نداشته است. در اینجا به آنها اشاره می کنیم:

۱. علوم موجود در قرآن: وی نخستین وجه اعجاز را مربوط به علوم می داند

که از قرآن استنباط می شود؛ زیرا قرآن دارای علوم و معارف فراوانی است که در هیچ کتابی وجود ندارد؛ به ویژه که این علوم در عباراتی کوتاه و موجز بیان شده اند. وی این مطلب را از قرآن الهام گرفته است؛ آنجا که می فرماید:

(... وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ...)؛ (۱) «و کتاب (قرآن) را بر تو فرو فرستادیم که بیان گر هر چیز (از کلیات دین) است.»

سیوطی در ادامه می گوید: «قرآن ریشه تمامی علوم، حتی طب، جدل، هیئت، هندسه و... می باشد.»

۲. صیانت قرآن از تحریف: قرآن با گذشت زمان دچار تغییر، تحریف و یا کم و زیاد شدن آیات نشده است.

۳. زیبایی تألیف قرآن: قرآن کلماتی زیبا و عباراتی جاذب و سازگار با یکدیگر دارد که موجب فصاحت آن شده است.

۴. مناسبت آیات و سوره های قرآن: ارتباط بین آیات و سوره های قرآن به گونه ای است که همه آنها مانند کلمه واحدی هستند؛ معانی نیز مرتبط به هم و در یک جهت می باشند.

۵. بلاغت آغاز و پایان سوره ها: مانند برخی از سوره ها که با تسبیح خدا، حروف تهجی، ندا، جمله های خبری، قَسَم، شرط، امر و استفهام، دعا و... آغاز می شوند که هر یک لطایف ویژه ای دارند.

۶. آیات شبیه به یکدیگر: در مواردی قصه یا مطالب واحدی با تعبیرهای گوناگون ذکر شده اند؛ البته با مقدم یا مؤخر شدن برخی اجزا. این نیز از لطایف قرآنی است؛ مانند:

ص: ۱۱۱

(...) وَ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ ...)؛ (۱)

(...) وَ قُولُوا حِطَّةً وَ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ ...)؛ (۲)

(...قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى ...)؛ (۳)

(...قُلْ إِنَّ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ ...)؛ (۴)

۷. آیات مشکل و به ظاهر متعارض: این گونه آیات گرچه در ابتدا متعارض به نظر می‌رسند، اما با هم سازگار و به یکدیگر مربوطند؛ مانند آیه نفی سؤال در روز قیامت که در مورد نخست، سؤال نمودن در روز قیامت، نفی شده و در آیه دیگر لازم شمرده شده است:

(فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ)؛ (۵)

(وَ أَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ) . (۶)

از ابن عباس نقل شده که عدم سؤال مربوط به قبل از نفخه ثانیه و سؤال از یکدیگر مربوط به بعد از نفخه ثانیه است.

۸. وجود ناسخ و منسوخ: از دیگر ویژگی‌های اعجاز قرآن وجود ناسخ و منسوخ است؛ یعنی برخی از آیات، ناسخ دیگرند. دلیل آن نیز حکمت‌هایی مانند «تیسیر» بر امت بوده است.

۹. تقسیم آیات به محکم و متشابه: وجود این آیات از دیگر برجستگی‌های

ص: ۱۱۲

۱- (۱). بقره، آیه ۵۸.

۲- (۲). اعراف، آیه ۱۶۱.

۳- (۳). بقره، آیه ۱۲۰.

۴- (۴). آل عمران، آیه ۷۳.

۵- (۵). مؤمنون، آیه ۱۰۱.

۶- (۶). صافات، آیه ۲۷.

قرآن است. آیات متشابه هم خود سه گروهند:

(الف) گروهی که هیچ راهی برای معرفت آنها نیست؛ مثل زمان قیامت؛

(ب) گروهی که برای انسان قابل فهم هستند؛ مانند الفاظ غریب و احکام مغلق؛

(ج) گروهی که متشابه نسبی اند؛ یعنی راسخان در علم از آن آگاه و بقیه از آن بی خبرند.

۱۰. اختلاف الفاظ در حروف و کیفیت تخفیف و تشدید آنها (اختلاف قرائت ها): قرآن قرائت های هفت گانه (سبعه) (و نیز قرائت های دیگری) دارد؛ اما کتاب های دیگر چنین نیستند.

۱۱. تقدیم و تأخیر الفاظ: این امر گاهی به جهت اقتضای سیاق یا اهمیت آن و یا تفنن در فصاحت است. برخی علل تقدیم عبارتند از:

(الف) تبرک؛ مانند: (...فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ ...)؛ (۱)

(ب) تعظیم؛ مانند: (... وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ ...)؛ (۲)

(ج) تشریف؛ مانند: (إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ ...)؛ (۳)

(د) مناسبت؛ مانند: (...يُرِيكُمْ الْبُرُوقَ خَوْفًا وَ طَمَعًا...)؛ (۴)

(ه) سبقت زمانی؛ مانند: «مقدم شدن شب بر روز و آدم بر نوح»؛

(و) سببیت؛ مانند: «تقدیم عزیز بر حکیم»؛

(ز) کثرت؛ مانند: (...فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَ مِنْكُمْ مُؤْمِنٌ ...) . (۵)

ص: ۱۱۳

۱- (۱) . انفال، آیه ۴۱.

۲- (۲) . نساء، آیات ۱۳ و ۶۹.

۳- (۳) . احزاب، آیه ۳۵.

۴- (۴) . روم، آیه ۲۴؛ رعد، آیه ۱۲.

۵- (۵) . تغابن، آیه ۲.

۱۲. افاده حصر و اختصاص: انحصار صفت الهیت در خدا در آیه شریفه: (... لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ...).

۱۳. اشتغال بر لغات: فراگیری لغات عربی و حتی لغات غیرعربی (مانند فارسی و رومی) از ویژگی های قرآن است. گرچه قرآن به زبان عربی است، ولی منافات ندارد که برخی کلمات غیرعربی نیز در قرآن به کار رفته باشند. برخی معتقدند که قرآن شامل پنجاه لغت است؛ مانند لغت های قریش، هذیب، کنانه، جرهم، مدین، هوازن، عطفان، نصر، فرس و روم.

۱۴. الفاظ عام و خاص: وجود این گونه الفاظ نیز از اعجاز قرآن است؛

۱۵. اجمال و تبیین در آیات: در قرآن برخی از آیات مجمل هستند؛ به گونه ای که بقیه آیات به تبیین آنها پرداخته اند.

۱۶. استدلال بر مفهوم و منطوق آیات: استدلال بر «منطوق» و ظاهر آیات، مانند آیه شریفه ذیل است که در خصوص حج می فرماید: (... فَصِيَّامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَهُ إِذَا رَجَعْتُمْ ...)؛ (۱) طبق این آیه حاجی باید در صورت عدم توانایی بر قربانی نمودن، ده روز، روزه بگیرد و زمان آن سه روز در ایام حج و هفت روز پس از بازگشت به وطن است. استدلال بر «مفهوم»، مانند آیه شریفه: (... فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌّ ...) (۲) که می فرماید: برای پدر و مادر احترام کامل انجام بده و حتی به آنان کلمه «أف» هم نگو؛ اما مفهوم آیه دلالت دارد بر این که زدن آنها نیز حرام است.

۱۷. تنوع در خطاب ها: تنوع خطاب های قرآنی از دیگر وجوه اعجاز آن است؛ زیرا خطاب ها گاهی مخصوص پیامبر(صلی الله علیه و آله) هستند؛ مانند: (يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ...)؛ (۳)

ص: ۱۱۴

۱- (۱) . بقره، آیه ۱۹۶.

۲- (۲) . اسراء، آیه ۲۳.

۳- (۳) . مائده، آیه ۶۷.

گاهی برای غیر پیامبر(صلی الله علیه و آله) هستند؛ مانند: (یا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا...) (۱) و گاهی عام اند؛ یعنی برای پیامبر(صلی الله علیه و آله) و غیر او هستند؛ مانند: (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ ...) (۲) برخی از خطاب های قرآن نیز شامل مدح، ذم، کرامه، تعجیز، تهییج و... می باشند.

۱۸. وجود اخبار غیبی قرآن برای آینده: قرآن مشتمل بر آیات و اخبار غیب است؛ مانند خبر ورود به مکه که خداوند می فرماید: (...لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ ...)؛ (۳) آیه شریفه، از فتح مکه در آینده خبر می دهد.

۱۹. اخبار غیبی از گذشتگان: مانند قصه های انبیا که در قرآن ذکر شده اند؛ با آن که پیامبر(صلی الله علیه و آله) فردی امی بوده است.

۲۰. تأثیر در مخاطب (روعته و هیبت): قرآن به هنگام قرائت، نفوذ و تأثیر شگفت آوری بر دل ها دارد؛ تأثیری که هنگام گوش دادن، نوعی خشیت و ترس را در قلب انسان ایجاد می نماید.

۲۱. مطلوبیت استماع قرآن بدون ملال: گوش دادن به آیات قرآن برای شنونده ملال آور نیست و هرچه قرآن تلاوت شود، موجب خستگی شنونده نمی شود.

۲۲. آسانی حفظ نمودن قرآن: آیات قرآن را به آسانی می توان حفظ کرد؛ بر خلاف کتاب های دیگر که حفظ نمودن آنها، سهل و هموار نیست.

۲۳. حقایق و مجاز: قرآن از حقیقت و مجاز به تناسب استفاده کرده است.

۲۴. تشبیهات و استعارات: تشبیهات و استعارات نیز از بلاغات قرآن و بی مانند هستند.

۲۵. کنایات و تعریض: و نیز ایجاز و اطنابی که در آیات قرآن آمده، از اقسام

ص: ۱۱۵

۱- (۱) . تحریم، آیه ۷.

۲- (۲) . بقره، آیه ۱۸۳.

۳- (۳) . فتح، آیه ۲۷.

بلاغت هستند که قرآن در بهره مندی از آنها سرآمد روزگار است؛ همچنان که دیگر اقسام بدیع مثل ایهام، استخدام، التفات و... نیز از امتیازهای قرآن به شمار می آیند.

۲۶. اختصار گویی در برخی آیات و تفصیل و توضیح برخی دیگر.

۲۷. وقوع بدیع های بلیغ در قرآن: که به دویست نوع می رسد و از محسنات کلام است.

۲۸. گونه های خبری و انشایی: به کار بردن انواع شکل های خبری و انشایی در قرآن، به نوبه خود شگفت آور است؛ مانند: تعجب، وعد و وعید، نفی، انکار، توییخ، تهدید و....

۲۹. قسم در قرآن: از دیگر جلوه های اعجاز قرآن، سوگندهایی است که خداوند در قرآن بر خود یا مخلوقات هستی (مانند خورشید، ماه، شب و...) یاد نموده است.

۳۰. انواع برهان و دلیل در قرآن: قرآن شامل انواع برهان هاست؛ مانند استدلال بر وجود خدا به طریق برهان تمانع در آیه شریفه: (لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا...); [\(۱\)](#) «اگر (بر فرض) در آن دو (آسمان و زمین) معبودانی جز خدا بودند، حتماً (آسمان و زمین) تباہ می شدند...».

۳۱. امثال قرآن: مثال های گوناگونی در قرآن (چه اظهار ظاهره و چه امثال مضمرة) آمده که از شگفتی های قرآن محسوب می شوند.

۳۲. گستره قرآن: قرآن از نظر اشمال بر آیات عدل الهی، رجای الهی، خوف الهی و... در کنار هم، گستره ای جامع دارد.

۳۳. وجود آیات مبهم: این آیات موجب تحیر عقل می شوند.

ص: ۱۱۶

۳۴. فراگیر بودن قرآن از جهت وجود نام های اشیا، ملائکه، القاب، اسما، قبایل، شهرها، کواکب، جبال و...؛ مانند: یاجوج، مأجوج، عاد، ثمود، قریش، روم، مدین، شمس، شعری، فردوس، کوثر، سلسبیل، سحین، ادیس، آزر، احمد و...

۳۵. الفاظ مشترک در قرآن: از بزرگ ترین وجوه اعجاز قرآن است که گاهی یک کلمه بیست وجه دارد. (۱)

بررسی: وجوهی که سیوطی در مورد اعجاز قرآن آورده است، عموماً به دو بُعد اعجاز ادبی (مثل: زیبایی تألیف، بلاغت آغاز سوره ها، آیات شبیه به یکدیگر، تقدیم و تأخیر، افاده حصر، حقیقت و مجاز، تشبیهات و استعارات و کنایات) و اعجاز محتوایی (مثل: علوم موجود در قرآن، اخبار غیبی، برهان و امثال) باز می گردد. این دو وجه اعجاز قرآن و نیز تحریف ناپذیری آن، در قرون قبلی بیان شده بودند و سیوطی آنها را تقسیم کرده و تفصیل و شاخ و برگ داده است. البته وی وجوه تازه ای نیز ذکر کرده است (هرچند در وجه اعجاز آنها تردید وجود دارد)؛ مانند: عام و خاص، مجمل و مبین و حصر که از روش های محاوره عقلایی است و در کتاب های دیگر نیز وجود دارد؛ مگر آن که کسی ادعا کند در قرآن ویژگی خاصی دارد.

همچنین قرآن پژوهان در مورد اختلاف قرائت و ناسخ و منسوخ اختلاف نظر دارند و برخی معاصران اصولاً وجود آیات منسوخ و حجیت قرائت (غیر قرائت متواتر مسلمانان) را انکار می کنند؛ (۲) چه رسد به آن که اعجاز قرآن با آنها اثبات شود.

ص: ۱۱۷

۱- (۱). معترك الاقرآن فی اعجاز القرآن، ج ۱، ص ۵۱۴ و ۵۱۵؛ نیز ر. ک: اعجاز قرآن، ص ۱۳۴ - ۱۴۳ که ۳۰ وجه از ۳۵ وجه فوق را به تفصیل ترجمه کرده است.

۲- (۲). ر. ک: منطق تفسیر قرآن، نگارنده و نیز التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت (رحمه الله).

در مجموع برخی مواردی که سیوطی برشمرده، نکات شگفت انگیزی است - همان طور که خود گفته است - ولی هر مطلب شگفت انگیزی اعجاز به شمار نمی آید.

۲. دیگر قرآن پژوهان

در قرن دهم قرآن پژوهان دیگری نیز بوده اند که به تکرار مطالب گذشتگان بسنده کرده اند؛ از جمله: شیخ معین الدین (م ۹۰۵ ق) که به بلاغت و اخبار غیبی اشاره کرده است؛ (۱) زکریا انصاری (م ۹۲۶ ق) در کتاب فتح الرحمن بکشف مایلتبس فی القرآن که به بلاغت و حسن نظم قرآن اشاره می کند؛ (۲) احمد بن سلیمان رومی حنفی (مشهور به ابن کمال پاشا) (م ۹۳۸ ق) که در کتاب رسائل به صرفه اصرار دارد؛ (۳) اسماعیل حنفی (م ۹۵۰ ق) (مشهور به شیخ زاده قونوی) که به صرفه، بلاغت و اخبار غیبی اشاره می کند؛ (۴) محمد بن محمد العمادی (م ۹۵۱ ق) صاحب تفسیر ارشاد السلیم الی مزایا قرآن الکریم که اعجاز در اسلوب و بلاغت را ذکر می کند؛ (۵) سدیدالدین کازرونی (م ۹۵۶ ق) که در حاشیه بر تفسیر بیضاوی به بلاغت قرآن و اخبار از گذشته و آینده اشاره می کند؛ (۶) حاش کبری زاده (م ۹۶۸ ق) که در کتاب شرح الجزریه (مربوط به قرائات) موضوع سلامت قرآن از تضاد و تناقض و بحث بلاغت قرآن را بیان کرده است؛ (۷) و محمد شربینی (م ۹۷۷ ق) که

ص: ۱۱۸

۱- (۱). فکرة اعجاز القرآن، ص ۱۵۸.

۲- (۲). همان، ۱۶۴.

۳- (۳). اعجاز قرآن، تاریخ و تحلیل، ص ۱۴۳.

۴- (۴). فکرة اعجاز القرآن، ص ۱۶۷.

۵- (۵). تفسیر ابی السعود، ج ۱، ص ۸۲.

۶- (۶). فکرة اعجاز القرآن، ص ۱۷۱.

۷- (۷). همان، ص ۱۷۲.

در کتاب السراج المنیر فی الاعانه علی معرفه بعض معانی کلام ربنا الحکیم الخیر از جنبه های زیباشناختی نظم و بلاغت و محتوای بلند قرآن سخن گفته است. (۱)

قرن یازدهم: ادامه دوران رکود در مباحث اعجاز قرآن

در این دوران نیز رکودی که از قرن هشتم در مباحث اعجاز قرآن شروع شده بود ادامه یافت و کتاب مستقل و نظریه پردازی جدیدی درباره اعجاز قرآن گزارش نشده است؛ اما از برخی شخصیت های قرآنی در مورد اعجاز قرآن مطالبی بیان کرده اند که عمدتاً تکرار دیدگاه های قبلی است؛ از جمله: ۱. محمد سیکوتی (م ۱۰۶۷ق) فقیه حنفی مذهب که در شرح بیضاوی به وجوه فصاحت و حسن نظم و بلاغت قرآن اشاره می کند (۲) و شهاب الدین خفاجی (م ۱۰۶۹ق) که در تحقیق خود بر تفسیر بیضاوی اعجاز قرآن در فصاحت، بلاغت و حسن نظم را بیان کرده است. (۳)

قرن دوازدهم: مصادیق و تقریرهای جدید در وجوه اعجاز قرآن

اشاره

در این دوران نیز رکود بحث اعجاز قرآن ادامه دارد و کتاب مستقلی در اعجاز قرآن گزارش نشده است؛ اما برخی شخصیت ها تقریرها و مصادیق تازه ای از اعجاز قرآن بیان کرده اند که به شماری اشاره می کنیم:

۱. علامه محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۰ق)

ایشان در کتاب بزرگ بحار الانوار در بحث تاریخ پیامبر (صلی الله علیه و آله) معجزات آن حضرت را مطرح کرده و از جمله اعجاز قرآن را با عنوان «اعجاز قرآن امّ المعجزات»

ص: ۱۱۹

۱- (۱). همان، ص ۱۷۴.

۲- (۲). همان، ص ۱۷۶.

۳- (۳). همان، ص ۱۷۹.

مورد بررسی مفصل قرار داده است. وجوه مهم اعجاز قرآن از نظر وی عبارتند از:

الف) دوری از تناقض و ناسازگاری در آیات قرآن؛

ب) دارا بودن مطالب علمی - الهی دقیق نسبت به مبدأ و معاد و عدم خلل در محتوای آیات اعم از توحید، نبوت و معاد که همگی حق اند؛

ج) دعوت قرآن به صراط مستقیم و دوری از کجی و انحراف؛ قرآن به سوی حق، آخرت و سعادت دعوت می کند؛

د) فصاحت و بلاغت که شاخص ترین وجه اعجاز قرآن است؛

ه) اشتمال قرآن بر اخبار غیبی گذشته و آینده؛

و) اشتمال قرآن بر مکارم اخلاق و حکمت های علمی و عملی. (۱)

بررسی: بیشتر وجوهی که علامه مجلسی مطرح کرده است، در سخنان گذشتگان وجود دارند؛ وجوه دوم، سوم و ششم - که به نظر جدید می آیند - از مصادیق اعجاز محتوایی قرآن هستند که در سخنان قطب راوندی و دیگران بدان ها اشاره شده بود. البته طرح اعجاز اخلاقی و تقریرها و مصداق ها جدیدند.

۲. احمد بن محمد کواکبی (م ۱۱۲۴ق)

او در تفسیر التحریر (مخطوط در کتابخانه ظاهریه دمشق) به بحث در مورد اعجاز قرآن پرداخته؛ اما وجه خاصی را انتخاب نکرده است. (۲)

۳. شمس الدین محمدالضیر المالکی اسکندری (زنده در قرن دوازدهم)

وی در تفسیر تحفه الفغیر فی بعض ما جاء فی التفسیر (ده جلدی منظوم و

ص: ۱۲۰)

۱- (۱). بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۱۵۹-۱۶۷.

۲- (۲). همان، ص ۱۸۷.

مخطوط در کتابخانه ظاهریه دمشق) نظریه بلاغت و صرفه را پذیرفته و مطالبی گفته است که به نحوی ناظر به اعجاز علمی قرآن هستند: مثلاً: «ان القرآن اصل کل علم راسخ و کل اهل علم یعترفون من بحره و یستلون به و...» (۱).

۴. شیخ اسماعیل حقی بروسوی (م ۱۱۳۷ق)

معروف به «اولیاءزاده» و از سادات نقشبندیه است. وی در کتاب مفتاح التفسیر به برخی وجوه اعجاز قرآن - علاوه بر بلاغت، حسن نظم، قوت معنا و اخبار غیبی - اشاره دارد؛ از جمله:

الف) تشابه کلام خدا و ذات او: هیچ موجودی مانند خدا نیست پس هیچ کلامی همچون کلام الهی نخواهد بود.

ب) تأثیر قرآن در اصلاح قلوب.

ج) حیات داشتن موجودات (اعم از جمادات و گیاهان و...): این موضوع نیز می تواند از وجوه اعجاز قرآن شمرده شود. (۲)

بررسی: سه وجه اخیر که بروسوی در اعجاز قرآن آورده است نوپدید است؛ اما می توان وجه سوم (حیات موجودات) را به اعجاز علمی قرآن برگردانیم؛ چون از مصادیق آنهاست. همچنین می توانیم آن را نوعی نظریه پردازی علمی قرآن برشمرده؛ چون از نظر علوم روز هنوز وجود حیات (به معنای شعور داشتن) جمادات و گیاهان به اثبات نرسیده است. وجه دوم (تأثیر قرآن) را نیز می توان به وجه جذبه و تأثیر روحانی قرآن برگردانیم. بنابراین این وجه نیز در آثار گذشتگان سابقه دارد. اما وجه اول یعنی «تشابه بین ذات و کلام الهی» را مطلبی عرفانی دانسته اند که آن را تحت

ص: ۱۲۱

۱- (۱). بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۱۹۱ و ص ۲۲۴.

۲- (۲). فکرة اعجاز القرآن، ص ۲۰۷ - ۲۰۹.

تأثیر ابن عربی بیان کرده است. (۱) اگرچه این مطلب می تواند توضیحی عرفانی و صوفیانه برای اعجاز قرآن باشد، ولی یکی از وجوه اعجاز قرآن نیست؛ چون نمی توان نسبت به این تشابه تحدی کرد. علاوه بر آن که این مطلب را به صورت احتمالی بیان می کنند: «یمكن ان یعلل بها اصحابها قضیه حصول المعجزات». (۲)

قرن سیزدهم: رکود در مباحث اعجاز قرآن

اشاره

در این دوران نیز رکود بحث اعجاز قرآن ادامه دارد و از کتاب مستقلی درباره اعجاز قرآن گزارش نشده است؛ اما برخی شخصیت ها تقریرها و مصادیق جدیدی از اعجاز قرآن بیان کرده اند که به بعضی اشاره می کنیم:

۱. علامه سید عبدالله شبّر (م ۱۴۴۲ق)

صاحب سه تفسیر مشهور شبّر (مختصر - متوسط - مفصل) که در جلد اول کتاب حق الیقین فی معرفه اصول الدین - در اثبات نبوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) - به اعجاز قرآن پرداخته است. وی دوازده وجه برای اعجاز قرآن بیان می کند که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱. ترکیب شگفت آمیز کلمات: به گونه ای که دیگران از آوردن آن عاجز شده اند. (۳)

۲. اسلوب و نظم جدید: اشعار اهل بلاغت و فصاحت، کلماتی شبیه قرآن نمی توان یافت و قرآن از ملاحه و فصاحت خاصی برخوردار است که سبب شده کفار آن را سحر بدانند. (۴)

ص: ۱۲۲

۱- (۱). اعجاز قرآن، تاریخ و تحلیل، ص ۱۵۴.

۲- (۲). فکرة اعجاز القرآن، ص ۲۰۷.

۳- (۳). حق الیقین، ج ۱، ص ۱۱۳.

۴- (۴). همان، ص ۱۱۴.

۳. دوری متن و محتوا از هرگونه اختلاف درونی و تناقض در مبانی: در صورتی که بزرگان اهل فصاحت نیز هنگامی که به صورت طولانی تکلم نمایند، در کلامشان اختلاف و ناسازگاری دیده می شود. (۱)

۴. معارف بلند توحیدی: که سبب تحیر عقول و حکما شده است.

۵. اخبار غیبی و پنهان نسبت به گذشته، حال و آینده: خبرهایی که خواص از جمله اخبار و رهبان ها هم از آنها بی خبرند: مانند واقعه اصحاب کهف، شأن کفار و منافقین و احوال قیامت. (۲)

۶. ماندگاری قرآن برای همه اعصار: با تکرار قرائت ها، قرآن کم بها نمی شود و همچنان برای اهلش جذاب و شاداب است. (۳)

بررسی: غالب موارد اعجازی که علامه شبر بیان کرده است در کلمات گذشتگان یافت می شود.

۲. محمد بن علی بن محمد بن عبدالله شوکانی صنعانی (م ۱۲۵۰ ق)

او در تفسیر فتح الغدیر الجامع بین فنی الروایه والدرايه من علم التفسیر به وجوه اعجاز قرآن یعنی بلاغت، حسن نظم و معانی بلند آن اشاره می کند. (۴) وی عبارت (لَنْ تَفْعَلُوا)؛ (۵) را نوعی اعجاز قرآن می داند؛ زیرا خبر غیبی از آینده است. (۶)

ص: ۱۲۳

۱- (۱). همان.

۲- (۲). همان.

۳- (۳). همان، ص ۱۱۵.

۴- (۴). فتح القدیر، ج ۲، ص ۵۰۷ و ۵۵۳.

۵- (۵). بقره، آیه ۲۴.

۶- (۶). فتح القدیر، ج ۱، ص ۶۲.

۳. سید محمود شهاب الدین افندی آلوسی (م ۱۲۷۰ق)

او در تفسیر روح المعانی وجوه اعجاز قرآن را نظم، بلاغت، اخبار غیبی، موافقت با عقل و معانی دقیق آن می‌داند. (۱) البته موافقت مطالب قرآن با عقل نکته جالبی است که قبل از آلوسی، قطب راوندی (۵۷۳ق) در بحث اعجاز محتوایی به آن اشاره کرده بود.

قرن چهاردهم: گسترش رویکرد اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی

اشاره

این قرن را می‌توان دوره شکوفایی مباحث اعجاز قرآن دانست؛ کتاب‌های مستقل و غیرمستقل زیادی در این مورد نگارش یافت و نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و مصادیق جدیدی درباره اعجاز قرآن بیان شد. در این میان بُعد اعجاز علمی بیشتر از وجوه دیگر مورد توجه قرار گرفت و رشد کرد.

هرچند مبحث اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی در آثار قرآن پژوهان گذشته (قرن ششم به بعد) سابقه دارد، اما در این دوره رشد علوم طبیعی در غرب و صدور این علوم به کشورهای اسلامی - به ویژه از طریق مصر، هند، ایران و... - زمینه ساز گسترش اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی شد.

در اینجا به مهم‌ترین نظریه‌های جدید اعجاز قرآن و نیز برخی از مهم‌ترین شخصیت‌ها و آثارشان در حوزه اعجاز علمی قرآن اشاره می‌کنیم (۲):

۱. محمد بن احمد اسکندرانی (م ۱۳۰۶ق) و اعجاز علمی قرآن در طبیعت و کیهان

محمد بن احمد اسکندرانی، از عالمان متولد اسکندریه و متوفی در دمشق

ص: ۱۲۴

۱- (۱). روح المعانی، ج ۲، ص ۳۲.

۲- (۲). از آن جا که در مباحث بعدی مصادیق اعجاز علمی قرآن را مورد بررسی قرار می‌دهیم در اینجا فقط اشاراتی به مصادیق می‌شود.

است. وی سرپرست پزشکان نیروی دریایی مصر و دمشق بود. (۱) کتاب مهم او، کشف الاسرار النورانیة القرآنیة فیما يتعلق بالاجرام السماویة والارضیه و الحیوانات و النباتات و الجواهر المعدنیة نام دارد. این کتاب تفسیری است موضوعی که به انگیزه تفسیر آیات مرتبط با اجرام آسمانی، زمینی و خلقت حیوانات و چگونگی خلق گیاهان و شکفتی های آنها و نیز گوهرهای کانی نوشته شده است؛ اما به واقع، دیدگاه علوم قرآنی در آن منظوی است. (۲)

آشکار است که اسکندرانی، دغدغه تفسیر علمی داشته و تلاش کرده است تا از رهگذر یافته های علمی، اعجاز قرآنی را برجسته کند؛ از طریق استناد به آیاتی مانند: (وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ...) ، (۳) (وَ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ) (۴) و (إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا) (۵) وی از این آیات به ترتیب، مقولاتی مانند انسان شناسی، جنین شناسی، آتش جاری در زیر زمین و قانون جاذبه را نتیجه می گیرد. همه این موارد در راستای اعجاز علمی قابل ارزیابی هستند. او به دلیل تسلط بر علوم جدید تلاش می کند بین اندیشه های علمی و گزاره های قرآنی تطبیقی صورت دهد؛ به مثابه اثبات اعجاز علمی قرآن. (۶)

بررسی: ریشه های بحث اعجاز قرآن در احادیث و نیز سخنان دانشمندان قرن

ص: ۱۲۵

۱- (۱). معجم المطبوعات العربیة، ج ۱، ص ۴۳۸ و الاعلام، ج ۶، ص ۲۱.

۲- (۲). سیر نگارش های علوم قرآنی، مهدوی راد، ص ۲۱۷.

۳- (۳). روم، آیه ۳۰.

۴- (۴). طور، آیه ۶.

۵- (۵). فاطر، آیه ۴۱.

۶- (۶). اعجاز قرآن، تاریخ و تحلیل، ص ۱۵۵.

ششم به بعد (مثل غزالی) را ذکر کردیم؛ اما معمولاً پایه گذار بحث اعجاز علمی را اسکندرانی می دانند. شاید به این خاطر که وی نخستین کسی است که قرآن را با علوم طبیعی جدید غرب تطبیق کرد و برتری های قرآن را در این زمینه به رخ کشید. هرچند وی صریحاً نام اعجاز علمی را بر کتاب خود نگذاشته است، ولی تعبیر «کشف اسرار» در مورد اجرام آسمانی و... -در زمانی که این اصطلاح رایج نبود- اشاره ای روشن به مفهوم اعجاز علمی است که در آن زمان این اصطلاح رایج نبود.

۲. عبدالرحمن کواکبی (۱۳۲۰ ق) و اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی

عبدالرحمن بن احمد بن مسعود کواکبی از مصلحان اجتماعی معاصر و اهل سوریه (متولد شهر حلب) است. او بعدها به مصر رفت و در آنجا درگذشت. وی از نبیره های شیخ صفی الدین اردبیلی و از پسرعموهای شاه اسماعیل صفوی بود. (۱) از آثار او کتاب طبایع الاستبداد است. به نظر کواکبی مسئله اعجاز قرآن به طور شایسته بررسی نشده است؛ بیشتر نظریه پردازان در این موضوع به آرای گذشتگان اکتفا کرده و به جنبه هایی مانند فصاحت و بلاغت یا اخبار غیبی اکتفا کرده اند؛ درحالی که یکی از جنبه های مهم اعجاز قرآن، اعجاز علمی است. به گفته او با ژرف اندیشی اندیشمندان در آیات قرآن -و با توجه به پیشرفت های علمی- تفسیرهای تازه و شگفت آوری به دست خواهد آمد. آن چه کواکبی را به این نگرش سوق می داد، درنگ در آیاتی نظیر (... وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ) (۲) بود. (۳) در

ص: ۱۲۶

۱- (۱). نقش سید جمال الدین اسد آبادی در بیداری مشرق زمین، ص ۱۱۳.

۲- (۲). انعام، آیه ۵۹.

۳- (۳). فکرة اعجاز القرآن، ص ۳۱۰.

جای دیگری، کواکبی از آیه (... وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا) (۱) عدم وجود تناقض در قرآن را نتیجه می‌گیرد و معتقد است همچنان که دانشمندان در دوره‌های اخیر متذکر شده‌اند، منشأ کشفیات دانش جدید - به طور مستقیم یا ضمنی - در قرآن وجود دارد. (۲)

این نگرش معلول رهیافت کواکبی در نسبت علم و دین است. به نظر وی، یکی از شرطهای اصلاح فکر دینی، اثبات سازگاری علم و دین است. از دیدگاه کواکبی، بسیاری از اختراعات و اکتشافاتی که در روزگار ما به اروپاییان نسبت داده می‌شود، در قرآن - به صراحت یا اشارت - وجود دارد و با تأمل کافی می‌توان به آن پی برد. (۳) وی حرکت مستمر کرات آسمانی و جهان هستی را که از کشفیات جدید است، همان گزارش قرآنی می‌داند که در آیات (وَ آيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَمِيَّةُ أَحْيَيْنَاهَا... * ... وَ كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبِحُونَ) (۴) آمده است. نمونه دیگر این که بر اساس کشفیات جدید، پیدایش زمین و منظومه شمسی در اثر جدا شدن آنها (فتق) صورت گرفته است؛ این مفهوم در قرآن نیز وجود دارد: (... أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا...) . (۵) و (۶)

بررسی: تمسک کواکبی به آیه ۵۹ سوره انعام برای وجود منشأ همه علوم در قرآن جای تأمل دارد؛ چون مقصود از «کتاب» در این آیه لوح محفوظ و علم الهی

ص: ۱۲۷

۱- (۱) . نساء، آیه ۸۲.

۲- (۲) . فکرة اعجاز القرآن، ص ۳۱.

۳- (۳) . سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۱۷۶.

۴- (۴) . یس، آیات ۳۳ - ۴۰.

۵- (۵) . سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۱۷۷ و نیز اعجاز قرآن، تاریخ و تحلیل، ص ۱۷۵ و ۱۷۶.

۶- (۶) . طبقات اعلام الشیعه، جزء ۱، قسم ۱، ص ۳۲۳.

است؛ نه قرآن. (۱) همچنین ادعاهای او در مورد اعجاز علمی آیات فوق جای بررسی دارد؛ ولی اصل ادعای او درباره اعجاز علمی قرآن - آن هم در یک قرن پیش - قابل توجه است.

۳. علامه بلاغی (م ۳۵۲ ق) و ابعاد جدید اعجاز قرآن

محمدجواد بلاغی نجفی صاحب تفسیر آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن در مقدمه تفسیر خود جوهری از اعجاز قرآن را برشمرده است. از ویژگی های مهم علامه بلاغی تحقیقات تطبیقی بین قرآن، تورات و انجیل است و از همین رهگذر به وجوه جدیدی از اعجاز قرآن دست یافته است. در اینجا به برخی از این وجوه اشاره می کنیم:

اول) اخبار غیبی قرآن؛ (۲)

دوم) استقامت بیان و سلامت قرآن از هر گونه تناقض و اختلاف؛ (۳)

سوم) اعجاز تاریخی قرآن؛ در این باره ایشان معتقد است:

قرآن کریم در تاریخ نگاری خود، برخی از قصه ها را ذکر می کند که تورات نیز آنها را ذکر کرده و یهودیان و مسیحیان معتقدند که آن مطالب، آسمانی است که خدا بر موسی نازل کرده؛ ولی تورات کنونی آنها را به همراه خرافات و کفر و بدون نظم درونی ذکر می کند؛ مانند قصه آدم...؛ ولی قرآن آنها را به شکلی مهذب، معقول و در قالبی زیبا و پرفایده بیان می نماید که نشان گر آن است که قرآن وحی الهی است. (۴)

ص: ۱۲۸

۱- (۱). ر. ک: تفسیر کشاف، زمخشری، ج ۲، ص ۳۱ و نیز درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، نگارنده، ص ۱۷۱.

۲- (۲). آلاء الرحمن، ج ۱، ص ۱۶.

۳- (۳). همان، ص ۱۲.

۴- (۴). همان، ج ۱، ص ۹.

مرحوم بلاغی معتقد است زمانی که قرآن نازل شد و بر قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرود آمد، زمان جهل و گمراهی مردم بود و اغلب مردم بت پرست بودند و شرک و نفاق بر عالم چیره شده بود. در آن دوران، قرآن برای هدایت بشر از طرف خداوند نازل شد و بیان گر معارف الهی بود و برای دعوت بشر به سوی هدایت، از ابزارهای گوناگون استفاده نمود؛ که از جمله مهم ترین آنها، برهان ها و حجت های قرآنی بود که به گونه ای بسیار گویا و شفاف و در قالب های استوار برای هر مخاطبی فراهم شده بودند. مرحوم بلاغی در بخشی از کلام خود می گوید: «آن استدلال ها بر بهترین شیوه و سودمندترین طریقه بود: به شکلی متعالی و پیشرفته که نور غریزه فطری را در هر فردی زنده می کرد». (۱)

احتجاجات قرآن در موضوع خداشناسی، معاد و صفات خدا و... فراوان و به گونه ای هستند که حقایق مستور را نشان می دهند؛ در حالی که اگر در انجیل های چهارگانه نگریسته شود و احتجاجات آنها با قرآن مقایسه گردد، به خوبی روشن می شود که قرآن از در احتجاجاتش اعجاز و شگفتی دارد. مرحوم بلاغی آن گاه به نمونه هایی از آن در کتاب خود اشاره می نماید. (۲)

پنجم) اعجاز در قانون گذاری عادلانه و جامعه مدنی؛ علامه بلاغی یکی از وجوه اعجاز قرآن را ارائه قوانین عادلانه و جامعه مدنی می داند و معتقد است در زمان نزول قرآن، پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز فردی عادی در میان مردمی بود که عادات و رسوم جاهلی داشتند و چگونه می توان پذیرفت که انسانی عادی، بدون کمک از وحی الهی، شریعتی

ص: ۱۲۹

۱- (۱). همان.

۲- (۲). همان، ص ۱۲.

را بیاورد که در برگیرنده قوانین اجتماعی، سیاسی، قضایی و... برای یک جامعه پیشرفته باشد؛ از این رو تمدنی را که قرآن برای بشر به ارمغان آورد، تمدنی مترقی و معجزه ای الهی است. با بررسی تمدن های آن زمان و ارزیابی و مقایسه شریعت های متداول در آنها، عظمت تمدن ارائه شده توسط قرآن بیشتر روشن می گردد.

مرحوم بلاغی در آخرین سخن از این بخش می گوید: «اعجاز قرآن در تشریح ممتاز آن است که به واسطه وحی الهی شکل گرفته است».^(۱)

ششم) اعجاز در بُعد اخلاقی (و تربیتی)؛ علامه بلاغی، یکی از وجوه اعجاز قرآن را بُعد اخلاقی آن می داند. به اعتقاد وی قبل از عصر نزول قرآن، اخلاق و تربیت به پایین ترین سطح خود رسیده بود؛ ولی قرآن بهترین اخلاق را برای بشر به ارمغان آورد؛ که خود معجزه ای مهم بود. او در ادامه به نمونه هایی در سوره های نحل و حجرات اشاره می نماید؛ مانند آیه شریفه: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبُغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ) .^(۲)

علامه بلاغی بر آن است که با نظر به تورات و مقایسه دستورات اخلاقی آن با قرآن، عظمت قرآن بیشتر روشن می شود. در انجیل ها نیز، مطالب تربیتی و اخلاقی دارای کاستی هستند.^(۳) اما قرآن بر خلاف سنت های جاهلی به بیان آداب و دستورات اخلاقی متعالی، مبادرت نموده و از شیوه هایی مترقی در تربیت بهره مند است.^(۴)

ص: ۱۳۰

۱- (۱) . همان، ص ۱۴.

۲- (۲) . نحل، آیه ۹۰.

۳- (۳) . ر.ک: آلاء الرحمن، ج ۱، ص ۱۵.

۴- (۴) . اعجاز قرآن، سید رضا مؤدب، ص ۸۱ (البته ایشان اخلاق و تربیت را با هم ذکر کرده است چرا که در سنت اخلاقی مسلمانان در اعصار گذشته مباحث تربیتی ضمن مباحث اخلاقی مطرح می شده است).

بررسی: وجوه اول و دومی که علامه بلاغی در مورد اعجاز قرآن بیان کرده است، در سخنان پیشینیان ذکر شده اند؛ اما وجوه دیگر جدید هستند؛ به ویژه که این وجوه با رویکرد تطبیقی با تورات و انجیل بررسی شده اند و نیز به نوعی اعجاز قرآن به حوزه علوم انسانی (مثل حقوق، اخلاق و تربیت) گسترش داده شده است. از این رو می توان علامه بلاغی را از پیشگامان اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی دانست. البته اعجاز اخلاقی به نوعی در سخنان علامه مجلسی مطرح شده بود.

۴. شیخ محمد عبده (۱۲۶۶ - ۱۳۲۳ق)

محمد بن عبده بن حسن خیرالله شاگرد سید جمال الدین اسد آبادی و مفسر قرآن است. از آثار او تفسیر عم جزء و شرح نهج البلاغه است. وی صاحب اصلی تفسیر المنار است. (۱)

مهم ترین وجوه اعجاز قرآن که از آثار عبده برداشت می شوند (۲) عبارتند از:

اول) بلاغت؛

دوم) تأثیر در نفوس؛

سوم) اسلوب ویژه و ساختار بی نظیر؛

چهارم) تطبیق آیات با مباحث علمی؛

مثلاً در تفسیر آیه شریفه (وَ السَّمَاءِ وَ مَا بَنَاهَا) ، (۳) به قانون جاذبه عمومی که

ص: ۱۳۱

۱- (۱). در حقیقت رشید رضا، تقریرات درس تفسیر محمد عبده را نگاشته است هر چند که نظرات خود را نیز در آن اشراب کرده است.

۲- (۲). ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۳۰۸، سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن، ص ۱۷۲ - ۱۶۸؛ اعجاز قرآن تاریخ و تحلیل، ص ۲ - ۱۷۱.

۳- (۳). شمس، آیه ۵.

به تازگی کشف شده بود تمسک کرد و گفت: «و شد هذه الكواكب بعضها الى بعض برباط الجاذبيه العامه كما ترتبط اجزاء البناء الواحد بما يوضع بينها مما تتماسك به»^(۱).

بررسی: این وجوه در آثار پیشینیان ذکر شده اند؛ البته برخی از مصادیق جدید هستند.

۵. رشید رضا (م ۱۳۵۴ق)

محمد رشید بن علی رضا بن محمد شمس الدین در طرابلس لبنان متولد شد و بعدها با توجه به ملاقات اولیه اش با شیخ محمد عبده - در بیروت - به مصر رفت و خود را شاگرد و شیفته وی خواند. در مصر، مجله «المنار» را راه اندازی کرد و تفسیر المنار را نیز با همکاری و تحت اشراف عبده نوشت. افزون بر این تفسیر که با همکاری عبده تدوین کرده بود، اثر قرآنی دیگری به نام الوحی المحمدی نیز از او به جای مانده است. در واقع، تفسیر المنار حاصل یادداشت ها و تعلیقات او از جلسات و درس گفتارهای عبده بود. در زمان عبده این تفسیر تا آیه ۱۲۵ سوره نساء ادامه یافت و پس از وی، رشید رضا آن را تا آیه ۵۲ سوره یوسف ادامه داد.

اعجاز قرآن به ساختار و نظم، بلاغت، وجود اخبار غیبی، سلامت از هر گونه اختلاف و نیز هماهنگی بودن با آموزه های دینی و مسائل عصری و علمی است.^(۲) به نظر مفسران المنار، اعجاز قرآن، اشمال آن به تحقق بسیاری از مسائل علمی و تاریخی است که در زمان نزول قرآن شناخته شده نبودند و بعدها در پرتو مسائل علمی و تاریخی بشر کشف گردیدند. رشید رضا دیدگاه صرفه را مردود و مانند

ص: ۱۳۲

۱- (۱). تفسیر جزو عم، شیخ محمد عبده، ص ۱۵۸.

۲- (۲). فکرة اعجاز القرآن، ص ۳۱۷ و اعجاز قرآن، تاریخ و تحلیل، ص ۱۷۳.

علمای متقدم، عجز از معارضه را حجت نبوت می داند. (۱)

بررسی: رشید رضا در مباحث اعجاز قرآن تابع افکار محمد عبده بوده است؛ ولی صریح تر از او به اعجاز علمی قرآن پرداخته است.

۶. محمد صادق رافعی (۱۳۵۶ق) و اعجاز علمی و بیانی قرآن

مصطفی صادق رافعی از اندیشمندان مصری و نویسنده کتاب الاعجاز القرآن والبلاغه النبویه است. او در کتاب خود در فصل های مقدماتی به تاریخ قرآن، قرائت قرآن، لغت قرآن، تأثیر قرآن در لغت و... می پردازد و سپس فصلی مستقل را در اعجاز قرآن بنا می نهد. رافعی ضمن ذکر اقوال علمای گذشته در اعجاز قرآن، به تحلیل آنها می پردازد و در آغاز، بیان می کند که اعجاز قرآن بر دو امر استوار است؛ یکم) ضعف قدرت بشر در مقام معارضه با آن؛ هرچند تصمیم آنها جدی بود؛ دوم) استمرار این ضعف در تمام اعصار، از آغاز تاکنون؛ از این جهت، عجز هر دوره برای اثبات اعجاز قرآن کافی است. (۲)

رافعی معتقد است اعجاز قرآن به قلمرو خاصی تعلق ندارد؛ بلکه در بلاغت، اسرار لغوی، کشف مقاصد، تألیف کلام و... است. از این جهت، قرآن، هم از نظر تاریخ و هم از جهت اشتغال بر حقایق علمی، معجزه بوده و هست؛ اما مهم ترین اعجاز قرآن، بُعد بیانی و ادبی آن است. (۳)

رافعی ترکیب کلام را مشتمل بر سه جزء می داند: حروف که حاصل اصوات

ص: ۱۳۳

۱- (۱). تفسیر المنار، ج ۱، ص ۱۹۸-۲۱۰.

۲- (۲). انما الاعجاز، شیخان: ضعف القدره الانسانیه فی محاوله المعجزه... ثم استمرار هذا الضعف علی تراخی الزمن...؛ ر. ک: اعجاز القرآن و البلاغه النبویه، ص ۱۳۹.

۳- (۳). همان، ص ۱۵۶.

است؛ کلمات که حاصل حروف است؛ جمل که حاصل کلمات هستند؛ اسرار اعجاز قرآن در این سه امر نهاده شده است. او معتقد است وقتی قرآن خوانده می شد، حروف، کلمات و جمله های آن ترکیبی بی سابقه و آهنگی مخصوص داشت و همین امر طبع عرب را صفا و جلا داد و به آنان ذوق موسیقی بخشید و باعث شد با نظم کلمات آشنا گردند. بدین جهت هرچه قرآن خوانده می شد، هیچ گونه ملالی ایجاد نمی کرد. (۱)

از نظر رافعی قرآن دارای اصوات سه گانه «نفس»، «عقل» و «حس» است که هر کدام معجزه ای جداگانه اند. این اصوات به شرح ذیل هستند:

الف) صوت نفس: نغمه و آهنگی که از تنظیم حروف، کلمات و مخارج آنها حاصل می شود و ارتباط معانی را نشان می دهد.

ب) صوت عقل: معنایی که از یک سلسله کلمات حاصل شده است و مخاطب آن را از تعبیرات و کلمات، کشف می نماید.

ج) صوت حس: معانی تفصیلی و تعبیرات گوناگونی که در آن وجوه بیان به کار رفته اند و معانی و مقصود را با دقایق و لطایف فنی بیان می نماید.

صوت حس، مهم ترین و رساترین آنهاست و اهمیت و زیرساخت هر کلامی به واسطه آن است. هر اندازه صورت حس در کلام رعایت شود، بر بلاغت آن افزوده می شود؛ چون مانند روح کلام است. قرآن از این جهت، در مرتبه ای کامل و در اوج اعجاز است؛ طوری که انسان نمی تواند مانند آن را بیاورد. اعراب هم این امر را به تدریج درک نموده و در برابر قرآن، خضوع نموده اند؛ زیرا، گرچه آنها در صوت حس مختصص بودند، اما می دانستند که درجه کامل آن در اختیار خداوند است. (۲)

ص: ۱۳۴

۱- (۱). همان، ص ۲۱۴.

۲- (۲). همان، ص ۲۲۰ و نیز اعجاز قرآن، سید رضا مؤدب، ص ۸-۱۴۵.

در بعد اعجاز علمی، فصلی از کتاب الاعجاز القرآن و بلاغه النبویه به موضوع قرآن و علوم اختصاص یافته و در آن، جامعیت قرآن از نظر اشتمال بر علوم مختلف مورد بحث قرار گرفته است. رافعی در این باره می گوید:

یکی از امتیازات قرآن و ویژگی های اعجاز این کتاب آسمانی که در دوره جدید آشکار شده، آگاهی دانشمندان علوم مختلف از حقایق است که قرآن قرن ها پیش از آن خبر داده است. این قبیل عالمان هرچه بیشتر در قرآن ژرف کاوی کنند، بر بسیاری از حقایق علمی، طبیعی و فلکی که در این کتاب آمده، آگاه می شوند و به نوعی بر هماهنگی بین دستاوردهای جدید علمی و حقایق قرآنی متفطن خواهند شد. (۱)

رافعی، ذیل آیاتی مانند (ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ ...) (۲) و (كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَ ...) (۳) به ترتیب به این نکات اشاره می کند: ماده اصلی جهان اثیر (یا اتر) است و زمین از منظومه هستی جداست (که موضوع بحث های علمی بوده و امروزه جزء حقایق ثابت شده علمی هستند). او ذیل آیه (... فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّى) (۴) نیز قانون زوجیت و لقاح گیاهان را مطرح می کند. (۵)

بررسی: هرچند که رافعی وجوه تازه ای از اعجاز قرآن را ابداع نکرده، اما توضیح و تقریرهای او درباره اعجاز بیانی و بلاغی قرآن و نیز مصادیق اعجاز علمی قرآن جدید است. او به زوجیت و لقاح اشاره کرده که در عصر حاضر نیز از اعجازهای علمی قرآن به شمار می آید.

ص: ۱۳۵

-
- ۱- (۱). اعجاز القرآن والبلاغه النبویه، ص ۱۳۰.
 - ۲- (۲). فصلت، آیه ۱۱.
 - ۳- (۳). انبیاء، آیه ۳۰.
 - ۴- (۴). طه، آیه ۵۳.
 - ۵- (۵). همان، ص ۱۲۷ و نیز اعجاز قرآن، تاریخ و تحلیل، ص ۱۸۲.

طنطاوی جوهری از عالمان مصری است که علاوه بر تحصیلات دانشگاهی در الازهر، علوم دینی را نیز فرا گرفت. وی افزون بر تفسیر قرآن با نام الجواهر فی تفسیر القرآن، کتاب های دیگری نیز مانند النظام العالم و الامم، الحکمه والحکماء، الفوائد الجوهریه فی الفرق النحویه و القرآن و علوم العصریه را تألیف کرده است. (۱) یکی از دغدغه های طنطاوی عقب ماندگی مسلمانان در حوزه های علوم جدید و تجربی بود. او معتقد بود نیاز مسلمانان دو چیز است: اتحاد و تجهیز به دانش طبیعی و تجربی. (۲) او در تفسیرش به تأمل در هستی و آموختن علوم جدید اهتمام داشت و خود بر این عقیده بود که این تفسیر، شگفتی های جهان هستی - که علم روز گوشه هایی از آن را نشان می دهد - منعکس کرده است.

طنطاوی در کتاب القرآن و العلوم العصریه بر تأمل در هستی و تعمق در علم اصرار می کند و از ورای مباحثش نوعی اعجاز علمی برداشت می شود. او با طرح و استفاده از آیات ۱۸، ۱۹، ۶۸ و ۶۹ سوره نمل، آیه ۱۹ سوره حجر، آیه ۴۵ سوره نور و آیات ۳ - ۸ سوره نحل سعی می کند محتوای این آیات را با علوم جدید تطبیق دهد و از این رهگذر می خواهد به اعجاز علمی آیات برسد؛ مثلاً تفسیر او از آیه (الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ...) (۳) این است که جنگ جهانی اول در پی رباخواری اهل ربا واقع شده و این از معجزاتی است که قرآن در ابتدای اسلام گزارش آن را داده و امروزه نیز از نظر علمی ثابت

ص: ۱۳۶

۱- (۱). الاعلام، ج ۳، ص ۲۳۰.

۲- (۲). سیر تدوین و تطور تفسیر علوم قرآن، ص ۱۸۸.

۳- (۳). بقره، آیه ۲۷۵.

شده است. (۱) او همچنین در تفسیر آیه (ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ ...) (۲) در تبیین شکل اولیه آسمان گفته است: «آسمان دودی بود؛ یعنی ماده ای به صورت گاز و به گونه آتش زا؛ مانند دود یا ابر یا سدیم. ... امروزه این ماده، سدیم نامیده می شود». (۳)

ملاحظه می شود آن چه برای طنطاوی اهمیت دارد، تطبیق آیات قرآنی با تئوری های علمی جدید است با هدف اثبات اعجاز علمی قرآن. به نظر او تنها دین اسلام است که کشفیات جدید با آموزه های آن سازگاری دارد. این همان معجزه ای است که در زمان حاضر وجود دارد. (۴)

اثر انگشت

قال الله تعالى: (يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (۵) و (الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) ؛ (۶) «امروز بر دهان هایشان مهر می نهیم و دست هایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان به آن چه کسب می کردند گواهی می دهند!».

طنطاوی در تفسیرش می گوید:

آیا این استدلال به اثر پا (رد پا) و اثر انگشت - که امروز ثابت شده - نیست؟ این صریح قرآن است... و این مطالب را قرآن فرموده تا ما را آگاه کند که در دست ها و پاها اسراری است و دست ها و پاها با هم اشتباه

ص: ۱۳۷

۱- (۱) . الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۷۱.

۲- (۲) . فصلت، آیه ۱۱.

۳- (۳) . الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۱۰۷.

۴- (۴) . همان، ج ۱، ص ۴۹ و ج ۱۰، ص ۱۹۸.

۵- (۵) . نور، آیه ۲۴.

۶- (۶) . یس، آیه ۶۵.

نمی شوند، بنابراین بر قاتلان و دزدان بر طبق آثار آنها حکم کنید... و این معجزات قرآن و غرایب اوست، اگر نه چگونه این مسئله ای که بعد از هزار سال اثبات شده، در قرآن به طور صریح آمده است». (۱)

بررسی: تفسیر طنطاوی را می توان اوج تفسیر قرآن به وسیله علوم طبیعی دانست. او در این امر افراط کرد و مورد انتقاد بسیاری قرار گرفت؛ (۲) تا جایی که برخی نوشتند: «در تفسیر الجواهر طنطاوی همه چیز هست جز تفسیر قرآن». (۳)

هرچند ادعاهای اعجاز علمی طنطاوی مثل تفسیرهای علمی او قابل بحث و تأمل است، اما می توان وی را در قرن چهاردهم از پیشگامان اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی دانست. البته اگر مثال فوق در مورد آیه ربا را مربوط به گزاره های اقتصادی قرآن بدانیم - که خبر غیبی بوده و به صورت یک قاعده کلی بیان شده و یکی از مصادیق آن در عصر حاضر اتفاق افتاده است. (صرف نظر از این که این ادعای طنطاوی در مورد مصداق جنگ جهانی اول درست است یا نه) - می توانیم طنطاوی را از پایه گذاران اعجاز اقتصادی قرآن بدانیم که در دهه اخیر مورد توجه صاحب نظران در حوزه مطالعات میان رشته ای قرآن و اقتصاد قرار گرفته است. (۴)

۸. امین خولی (م ۱۹۶۹م) و اعجاز نفسی (روان شناختی) قرآن

امین خولی قرآن پژوه مصری، تحت تأثیر مکتب تفسیری شیخ محمد عبده بود. او در مدرسه القضاء الشرعی که توسط شیخ محمد عبده تأسیس شده بود

ص: ۱۳۸

- ۱- (۱). تفسیر الجواهر، ج ۳۰، ص ۹، به نقل از التفسیر والمفسرون، ج ۲، ص ۵۱۲.
- ۲- (۲). ر.ک: التفسیر والمفسرون، ذهبی، ج ۲، ص ۵۵۶ و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، نگارنده، ص ۴۳۹.
- ۳- (۳). اتجاهات التفسیر فی القرآن الرابع، ج ۲، ص ۶۴۹-۶۵۰.
- ۴- (۴). مورد اعجاز اقتصادی در قرن پانزدهم مطالبی خواهد آمد.

درس خواند و در همان جا به تدریس مشغول شد. امین خولی سال‌ها در روم و برلین، سرکنسول مذهبی بود و در همان جاها با فعالیت‌های مستشرقان درباره اسلام آشنا شد. او در دانشگاه‌های الازهر و قاهره نیز تدریس کرده است. امین خولی از محققان و پژوهش‌گرانی است که با دارالکتب المصریه نیز همکاری کرده است (۱) و مجموعه مقالاتی دارد با عنوان «مناهج التجدید فی النحو والبلاغه و التفسیر والادب» که برای اولین بار در قاهره به چاپ رسیدند. مقاله تفسیر او در دائره المعارف الاسلامیه معروف است. (۲) اندیشه و روش امین خولی در تفسیر، «مکتب ادبی» در تفسیر نام گرفته است. (۳)

امین خولی موضوع اعجاز را نخست در بحث «البلاغه العربیه و اثر الفلسفه فیها»، سپس در مقاله تفسیر در دائره المعارف الاسلامیه و سرانجام در مقاله‌ای در مجله دانشکده ادبیات قاهره با عنوان «البلاغه و علم النفس» مطرح کرده است. او مقاله اول به این نکته پرداخته است که چگونه بلاغت، وسیله‌ای برای شناخت اعجاز از نظر قدماست. در مقاله سوم، وی دیدگاه خود را به گونه‌ای آشکارتر بیان می‌کند. از نظر امین خولی، قرآن دارای اعجاز نفسی است. وی در این مقاله به نحوی بین علم النفس و بلاغت ارتباط ایجاد می‌کند و در پی آن است که راه را برای طرح ایده جدید خود، یعنی همین اعجاز نفسی فراهم آورد. (۴)

یکی از محققان، مبانی تفسیر ادبی امین خولی را تحلیل و بررسی کرده و معتقد است: یکی از آنها پژوهش درباره خود متن قرآنی است؛ در این

ص: ۱۳۹

۱- (۱). ر.ک: امین الخولی فی مناهج تجدیده، ص ۸۷-۱۰۰، نقل از برهان و عرفان، ص ۹۹-۱۰۰.

۲- (۲). دائره المعارف الاسلامیه، ج ۹، ص ۴۱۱-۴۳۸.

۳- (۳). برهان و عرفان، ص ۱۰۱.

۴- (۴). همان، ص ۳۳۹.

زمینه، پژوهش بلاغی نیز از نظر خولی با اهمیت است. (۱) بر این اساس پژوهش بلاغی، نوعی کاوش ادبی و هنری است که زیبایی بیانی در اسلوب قرآن را نشان می دهد و شناخت این زیبایی را برای ما مقدور می کند. پس بر مفسّر قرآن لازم است ضمن برخورداری از فهم و تدوّق بالای هنر و ادب عربی، ویژگی های خاص هر یک از ساخت های زبان عربی را بشناسد و در ساخت ها و اسلوب های قرآنی، عمیقاً تبصر و تأمل داشته باشد تا بتواند مزایای خاص قرآنی را در میان دیگر نوشته های عربی دریابد.

شاید بتوان دیدگاه امین خولی را به نحوی با نظر سکاکی نزدیک دانست؛ این نکته را نعیم الحمصی آورده است: «و ذلک ان الاستاذ الخولی یقول بما قال سکاکی قبله هو ان الاعجاز لایعلل». (۲) اما انصاف این است که بگوییم این امین خولی است که با تقریر جدید خود و ایجاد ارتباط بین بلاغت و علم النفس، پذیرش این موضع را راحت تر کرده است. (۳)

بررسی: بر اساس مطالب فوق می توان امین خولی را پایه گذاری اعجاز روان شناختی قرآن دانست؛ هرچند ممکن است این ادعا و دلایل و مصداق آن را قابل تأمل بدانیم. بنابراین وی بُعد جدیدی از اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی را مطرح کرده است که در عصر ما می تواند زمینه ساز کاوش های جدیدی شود.

۹. سید قطب (م ۱۳۸۷ق) و تصویر هنری قرآن

ابراهیم حسین شاذلی ادیب، اندیشمند و مصلح بزرگ مصری دوران معاصر در روستایی از توابع اسیوط مصر به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا سطوح

ص: ۱۴۰

۱- (۱). برهان و عرفان، ص ۱۰۵.

۲- (۲). فکرة اعجاز القرآن، ص ۳۳۶-۳۳۷.

۳- (۳). اعجاز قرآن تاریخ و تحلیل، ص ۴-۱۸۲.

دانشگاهی ادامه داد و در رشته ادبیات از دانشکده دارالعلوم قاهره فارغ التحصیل شد. او زمانی به حزب وفد گرایش داشت و بعدها به عضویت حزب اخوان المسلمین درآمد و سرانجام در زمان جمال عبدالناصر به اعدام محکوم شد. (۱) سید قطب، مؤلف تفسیر فی ظلال القرآن و نویسنده کتاب هایی مانند التصوير الفنی فی القرآن و مشاهد القیامه فی القرآن است.

عمده توجه سید قطب بررسی جنبه های زیبای سبک قرآن بود. نظرات او در دو کتاب التصوير الفنی و مشاهده القیامه آمده است و در کتاب اول، بحث اعجاز جایگاه ویژه ای دارد. او در کتاب دوم با توجه به همین رهیافت (تصویر هنری) قیامت را به تصویر می کشد. به عقیده وی، ترسیم یا تصویر جنبه های مختلف این حادثه بزرگ - که از اعتقادات مسلم مسلمانان و سایر متدینان به ادیان آسمانی است - دیگر محسوب می شده، بر اعجاز قرآن دلالت دارد.

سید قطب یکی دیگر از وجوه اعجاز قرآن را «تأثیر آن در جان شنوندگان آن» می داند؛ تأثیری که بیدارکننده وجدان، برانگیزاننده احساس و شور آدمیان و سرازیرکننده اشک انسان هاست. او می گوید: «آنهايي که آمادگی برای ایمان دارند، مانند سحرشدگان به سوی قرآن می شتابند و متکبران نیز که به این حقانیت اعتراف می کنند، آن را سحری آشکار می یابند».

(۲)

دستمایه سید قطب در چنین نگرشی، آیاتی مانند (وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ) (۳) و (... لَا تَسِيْرَمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ) (۴) است. به نظر سید قطب، این اعجاز

ص: ۱۴۱

۱- (۱). دانش نامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۱۲۷۷-۱۲۷۸.

۲- (۲). التصوير الفنی، ص ۲۰.

۳- (۳). صافات، آیه ۱۵.

۴- (۴). فصلت، آیه ۲۶.

آن چنان است که همه - دانسته یا ندانسته - به تأثیر شگرف آن اعتراف می کنند. (۱)

سید قطب، در بررسی عوامل یا وجوه اعجاز، به مواردی چون در برداشتن قوانین فرا زمانی و فرامکانی، اشتغال بر آگاهی هایی مبنی بر رویدادهای آینده و علومی در مورد خلقت جهان و انسان اشاره می کند و تمام آنها را در مورد قرآن - که از سوی پژوهش گران مطرح شده - درست می انگارد. در عین حال، از نظر وی، رمز این همه تأثیر چیز دیگری است؛ به ویژه هنگامی که به سوره های کوتاه قرآن می رسیم؛ سوره های مکی که نه متضمن امور غیبی اند و نه شامل دانش های بشری و مسائل تشریحی. او در این باره گفته است: «در حقیقت، همین سوره های کوچک بوده که از همان لحظات نخستین، عرب زبانان را مسحور کرده و احساسات آنها را تحت تأثیر قرار داده است». (۲)

به باور سید قطب، این عنصر تأثیر گذار - یا این شیوه - که راز و رمز جاذبه قرآن را تشکیل می دهد، تصویر فنی یا صورت گری هنری است که از دیگر صور اعجاز متمایز است. او بر این باور است که قرآن به معقولات، جامه محسوسات پوشانیده تا آدمی بتواند این مفاهیم بلند و متعالی را درک کند. (۳)

بررسی: دست مایه های اصلی برخی ابعاد اعجاز قرآن که سید قطب بر شمرده است (مثل اعجاز تشریحی، اخبار غیبی، اعجاز علمی و تأثیر و جاذبه قرآن) در سخنان پیشینیان نیز سابقه داشته است؛ اما بحث تصویری - هنری قرآن مطلب جدیدی بود که به مباحث اعجاز بیانی و جاذبه قرآن روح تازه ای دمید. وارد کردن عنصر «هنر» در اعجاز قرآن یکی از نکات جالب نظریه سید قطب است؛

ص: ۱۴۲

۱- (۱). التصوير الفنی، ص ۲۰.

۲- (۲). همان، ص ۱۴.

۳- (۳). ر.ک: همان، ص ۲۹ و اعجاز قرآن، تاریخ و تحلیل، ص ۷-۱۸۴.

همان طور که توجه به فرازمانی و فرامکانی بودن قوانین قرآن در مبحث اعجاز تشریحی جالب است.

۱۰. عبدالعظیم زرقانی (م ۱۳۶۷ یا ۱۳۷۲ق) و اعجاز پزشکی قرآن

عبدالعظیم زرقانی قرآن پژوه معروف و معاصر مصری، از دانشگاه الازهر فارغ التحصیل شد و در همان دانشگاه به تدریس پرداخت. وی کتاب مناهل العرفان را تألیف نمود که دائره المعارفی در علوم قرآنی است. زرقانی در جلد دوم این کتاب به بحث اعجاز قرآن پرداخته و چهارده وجه را به عنوان اعجاز مطرح کرده است؛ مانند زبان و سبک قرآن، تأثیر قرآن، خبرهای غیبی و موضع قرآن در برابر علوم تجربی. زرقانی اعجاز قرآن را از نظر اشتغال بر اخبار غیبی - به ویژه از این نظر که علم جدید از آن پرده برداشته - حائز اهمیت دیده و به ذکر سه نمونه در این زمینه پرداخته است. (۱) او در این بحث، از مقاله عبدالعزیز پاشا (پزشک و استاد طب مصری) با عنوان «طب و روزه ماه رمضان» یاد می کند و آن را نشانه ای بر اعجاز قرآن - که امروزه یافته های علمی بشر به آن دست یافته است - تلقی می کند. (۲)

بررسی: وجوهی که زرقانی در اعجاز قرآن بیان کرده در سخنان پیشینیان سابقه داشته است؛ اما اشاره او - در مصادیق اعجاز علمی - به اعجاز طبی قرآن (بر اساس مقاله عبدالعزیز پاشا) نوآوری است؛ مطلبی که بعدها مورد توجه برخی قرآن پژوهان و پزشکان قرار گرفت و هنوز هم ادامه دارد.

ص: ۱۴۳

۱- (۱). مناهل العرفان، ج ۲، ص ۲۹۷-۲۹۸.

۲- (۲). همان.

۱۱. سید هبه الدین شهرستانی (۱۳۰۱ - ۱۳۶۹ق) و اعجاز نجومی قرآن

از علمای مشهور نجف اشرف و صاحب تألیفات متعدد است. او در کتاب الاسلام والهیئه به اعجاز علمی قرآن و روایات می پردازد. این کتاب با عنوان اسلام و هیئت به فارسی نیز ترجمه شده است؛ از این رو می توان او را از پیشگامان اعجاز علمی در شیعه دانست. وی در مقدمه کتاب می گوید:

متأسفانه در میان مردم کسانی یافت می شوند که گمان می کنند دین موافق هیئت قدیم بوده و علم امروز با دین مخالف است و وقتی بطلان هیئت قدیم را می بینند ایمان آنان به اصول شریعت پاک تضعیف می شود. بیان تصدیق و تأیید علوم و اکتشافات جدید از طریق دین و لسان علما موجب تقویت ایمان مردم است. (۱)

شهرستانی در کتاب خود به بررسی آیات قرآن با علوم تجربی می پردازد و مثلاً: از آیه شریفه (اللّٰذِیْ جَعَلَ لَکُمُ الْاَرْضَ مَهْدًا) ، (۲) «همان» کسی که زمین را برای شما بستری (برای استراحت) قرار داد» حرکت مداوم، متناوب و رام زمین را استفاده می کند. همچنین از آیه شریفه (وَ تَرٰی الْجِبَالَ ...) ؛ (۳) حرکت کوه ها و زمین را و مباحث دیگری همچون سیارات نه گانه، زمین های هفتگانه و مرکزیت و حرکت خورشید را مطرح می کند.

ایشان در کتاب «الاسلام والهیئه» بر اعجاز نجومی قرآن پافشاری می کند و مصادیق زیادی از اخبار غیبی و اسرار علمی قرآن را در این مورد ذکر می نماید.

شهرستانی در اثر دیگرش المعجزه الخالده ده وجه اعجاز قرآن را

ص: ۱۴۴

۱- (۱). اسلام و هیئت، سید هبه الدین شهرستانی، ترجمه سید هادی خسروشاهی.

۲- (۲). زخرف، آیه ۱۰.

۳- (۳). نمل، آیه ۸۸.

برمی شمارد: فصاحت، بلاغت، معانی عالی، اخبار غیبی و اسرار علمی، قوانین محکم، سلامت از تعارض، طراوت و تازگی در هر زمان، قوت استدلال‌ها، اشتغال بر رموزی که عقل را مدهوش می‌کند و جذبه روحانی. او جذبه روحانی همراه با بلاغت را مقصود آیات تحدی می‌داند و بقیه موارد را از آثار کلام الهی و مقدمات اعجاز آن می‌داند. (۱)

بررسی: مطالب و جوهی که شهرستانی برای اعجاز قرآن برشمرده، عموماً در آثار پیشینیان ذکر شده‌اند.

البته بحث «طراوت و تازگی در هر زمان برای خواننده و شنونده»، قبلاً با عنوان «ملول نشدن خواننده و شنونده قرآن» توسط ابن جزری کلبی در قرن هشتم مطرح شده بود؛ هرچند همان طور که گذشت این مطلب در احادیث اهل بیت (علیهم السلام) ریشه دارد. به اعجاز نجومی نیز قبلاً ذیل مباحث اعجاز علمی در حوزه طبیعت اشاره شده بود؛ اما شهرستانی در کتاب الاسلام والهیه به صورت گسترده و مستقل به این مبحث پرداخت. بنابراین می‌توان او را مبتکر طرح اعجاز نجومی به صورت مستقل دانست.

۱۲. احمد مصطفی مراغی (۱۳۷۱ق) و اعجاز علمی قرآن

احمدبن مصطفی مراغی از مفسران مصری و استاد فقه و شریعت در دانشگاه الازهر بود. تفسیر او متأثر از دیدگاه‌های اخلاقی و اندیشه بازگشت به قرآن شیخ محمد عبده است. آن چه درباره دیدگاه مراغی در موضوع اعجاز جلب نظر می‌کند، اعجاز علمی است. مراغی به مسائل عصر و تحولات علوم اهمیت می‌داد و تحت

ص: ۱۴۵

تأثیر دیدگاه های برادر خود، محمد مصطفی مراغی (۱۹۴۵م) بود. این جنبه از اعجاز قرآنی برای او چنان مهم می نماید که در مقدمه تفسیرش به آن اشاره کرده است:

در قرآن اسرار و رموزی نهفته است که مفسران هوشمند از آن آگاهی خواهند یافت. این آگاهی به گونه ای است که پیشرفت علوم و فنون بشری از آن پرده برداشته، آن را تفسیر خواهد کرد. (۱)

مراغی پس از پرداختن به اقوال عالمان گذشته، جنبه هایی مانند اعجاز بلاغی، اعجاز علمی و اخبار به غیب را نیز ذکر می کند. او در بحث اعجاز علمی پس از تفسیر آیه (مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ...) (۲) می نویسد: «پیشرفت زمان، بیان گر تأیید گزاره های قرآنی است؛ هرچه علم پیش می رود، صدق گفته های قرآنی روشن می شود». (۳)

نمونه دیگر، ذیل تفسیر آیات ۵ - ۷ سوره طارق است؛ مراغی در این مورد می گوید: «بدان در این دو آیه، حقایقی وجود دارد که پس از سیزده قرن، علم آنها را کشف کرده است». (۴)

بررسی: اعجاز علمی قرآن ابداع برادران مراغی نیست؛ اما توجه به مصادیق جدید و رابطه اعجاز علمی با پیشرفت علوم بشری جالب است.

۱۳. عبدالله دراز (م ۱۳۷۷ق) و اعجاز صوتی و انقلاب تاریخی قرآن

محمد عبدالله دراز تحصیل کرده اسکندریه، استاد دانشگاه الازهر و دارای آثاری

ص: ۱۴۶

۱- (۱). تفسیر المراغی، ج ۱، مقدمه.

۲- (۲). بقره، آیه ۲۶۱.

۳- (۳). المفسرون بین التأویل والاثبات، ج ۳، ص ۳۰.

۴- (۴). تفسیر المراغی، ج ۳۰، ص ۱۱۳.

چون النبأ العظيم، مدخل إلى القرآن، التعريف بالقرآن و الاخلاق في القرآن است. او در كتاب النبأ العظيم - که به نام نظرات جدیده فی القرآن نیز مشهور است - اعجاز را به سه قسم لغوی، علمی و تشریحی تقسیم می کند. (۱)

دراز به منظور تأکید بر وحیانی بودن قرآن، ابتدا فرق بین قرآن، حدیث قدسی و حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) را بیان و تصریح می کند که پیامبر هیچ گاه این کتاب را به خود منسوب ندانسته است. او برای اثبات این معنا اخبار غیبی گذشته و آیات ناظر بر معلومات تاریخی و دینی را شاهد می گیرد. (۲) همچنین در خصوص اخبار غیبی ای که قرآن از آنها خبر داده، به آیاتی که از آینده اسلام، آینده حزب الله و آینده حزب شیطان خبر می دهند، استناد می کند و از آنها اعجاز این کتاب آسمانی را نتیجه می گیرد. (۳) افزون بر این جنبه از اعجاز - به نظر دراز - اسلوب قرآن و علوم آن، تأثیر قرآن در جهان امروز و انقلاب و دگرگونی ای که در تاریخ بشریت به وجود آورده، از ابعاد و جنبه های اعجاز قرآن به شمار می روند. (۴)

به نظر دراز هر حرفی در قرآن، معنا و وظیفه ای دارد و حرف زایدی در قرآن - به طوری که بتوان آن را حذف کرد - وجود ندارد.

به نظر دراز یکی از جنبه های مهم ناظر بر اعجاز - که در ارتباط بین قرآن و علم متصور و بیان گر تأثیر قرآن در جهان امروز است - این نکته است که «حقایقی را که قرآن بیان می کند، با یافته های علم روز (بخوانید اصول ثابت علمی) مطابقت

ص: ۱۴۷

۱- (۱). النبأ العظيم، نظرات جدیده فی القرآن، ص ۹۹.

۲- (۲). همان، ص ۱۱ و ۱۲.

۳- (۳). همان، ص ۴۵ و ۵۵.

۴- (۴). همان.

دارد». (۱) وی با استناد به آیاتی مانند (... وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا...) ، (۲) (... يُكْوَرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَ يُكْوَرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ ...) (۳) و (وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا) (۴) می گوید: «این مثال های قرآنی، دربردارنده مطابقت عجیبی بین توضیحات قرآنی و علمی است که امروزه به اثبات رسیده و نمی تواند تصادفی باشد». (۵)

وجه مهم دیگر اعجاز در نظر دراز، اعجاز صوتی و به تعبیر خود او «النعمة الصوتية» است. وی با نگرش از زاویه ای جدید موسیقی خاص قرآن را معجزه می داند و معتقد است که «هرگاه کسی به صوت قرآن گوش فرا دهد، گرچه خود با لغت عربی آشنا نباشد، برای او دل نشین و دلربا خواهد بود». (۶) از نظر محمد دراز، نظام صوتی قرآن اعجاب انگیز و بی مانند، سازگار با فطرت انسان، جاذب و امری بدیع است. این ویژگی موجب شده که قرآن با گذشت زمان، طراوت و شادابی خود را حفظ کند. این امر بی گمان از قدرت الهی ناشی می شود و خداوند به صورت اعجاز آن را در قرآن نهاده است. (۷)

بررسی: دیدگاه عبدالله دراز در اعجاز قرآن از دو جهت نوآمد است:

اول) مطرح کردن اعجاز صوتی قرآن؛ هرچند که توجه به شیرینی و جاذبه قرائت قرآن به عنوان اعجاز، در مباحث پیشین سابقه داشته، اما عنوان اعجاز

ص: ۱۴۸

-
- ۱- (۱) . مدخل الى القرآن الكريم، ص ۷۶.
 - ۲- (۲) . انبياء، آیه ۳۰.
 - ۳- (۳) . زمر، آیه ۵.
 - ۴- (۴) . يس، آیه ۳۸.
 - ۵- (۵) . مدخل الى القرآن الكريم، ص ۱۷۶-۱۷۷.
 - ۶- (۶) . اعجاز قرآن، ص ۱۴۳ و النبأ العظيم، ص ۱۰۱-۱۰۳.
 - ۷- (۷) . همان.

صوتی و توضیح آن جدید است.

دوم) مطرح نمودن اعجاز قرآن در تاریخ بشر و ایجاد انقلاب که مطلب جدیدی است و مورد توجه قرآن پژوهان معاصر نیز قرار گرفته است. (۱) آری؛ اگر قرآن در هر عصر و هر جامعه ای اجرا شود، به همان اندازه که عملی شود در آن جامعه انقلاب فرهنگی، اجتماعی، تربیتی و علمی ایجاد می کند. این جنبه از اعجاز قرآن فرازمانی و فرامکانی است.

۱۴. عبدالمتعال صعیدی (م ۱۳۹۱ ق) و اعجاز در وحدت موضوعی قرآن

این نویسنده مصری متولد کفرالنجا در الدقهلیه مصر، فارغ التحصیل جامع الاحمدی و از اساتید دانشگاه الازهر مصر بود. (۲) او در دانشگاه الازهر در بخش دانشکده زبان عربی، استاد بود. کتاب مهم او در حوزه اعجاز، النظم الفنی فی القرآن است.

صعیدی در این کتاب سعی می کند به کل قرآن به سان مجموعه ای واحد بنگرد. او اعجاز قرآن را در وحدت موضوعی آن می داند. این منظر او چنین توصیف شده است:

مبانی اصلی او در این کتاب، توجه به سنت مهم در تفسیر، یعنی رعایت ترتیب زمانی نزول سوره های قرآن است. این دیدگاه بر مبنای پاره ای از مفاهیم در علم تناسب آیات به خصوص نظرات برهان الدین بقاعی (م ۸۸۵) در کتاب نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور استوار است.

ص: ۱۴۹

۱- (۱). یکی از دانش پژوهان جامعه المصطفی العالمیه (آقای بشوی) برای رساله دکتری خود این موضوع را انتخاب کرده است.

۲- (۲). الاعلام، ج ۴، ص ۱۴۸.

در این کتاب، صعیدی کوشش کرده است که نشان دهد هر سوره، یک واحد منسجم است که حول محور یک ایده اصلی است؛ به این ترتیب که سوره مقدمه ای دارد، سپس اصل مطلب به تفصیل آمده و سرانجام سوره با خاتمه ای به انجام می رسد. به علاوه او می کوشد تا نشان دهد سوره ها در یک نظم تألیفی قرار دارند. اما نحوه نگرش او به این تألیف، موضوعی و محتوایی است و هدفش آن است که بگوید قرآن در سراسر آیات و سور دارای وحدت پیام و تداوم هارمونیک و موسیقایی است که از طریق جلوه های گوناگون معنایی و ادبی آن قابل اثبات است. اما او به مطالعه جنبه های زیبایی شناختی این واحد و آهنگ موزون و خاص آن علاقه ای ندارد و همان گونه که در خاتمه بیان می کند، می خواهد قرآن را از حاشیه های آن، که کمیت های جزء، حزب و ربع را معین می کند، تجرید کند و بخش هایی را متناسب با پیام آن و در قالب ایده های مرتبط و ساختار کلی و نظم کلام پدید آورد. (۱)

بررسی: صعیدی با طرح اعجاز قرآن در وحدت موضوعی، بُعد جدیدی از اعجاز قرآن را مطرح کرده که قابل توجه است؛ هرچند ممکن است اثبات آن مشکل باشد.

۱۵. یدالله نیازمند شیرازی (زنده در ۱۳۲۶ش)

او یکی از پیشگامان اعجاز علمی قرآن در ایران است. وی در سال ۱۳۲۵ شمسی، مقالاتی در روزنامه آیین اسلام، منتشر و سپس در سال ۱۳۲۶ شمسی، همان مطالب را در قالب یک کتاب چاپ کرد که بعدها، به طور مکرر تجدید چاپ شد. این کتاب در چهار بخش است؛ در بخش اول، اعجاز قرآن از نظر فیزیولوژی را بیان و مسائلی را از علوم جدید، در رابطه با شیر، بینایی، شنوایی و

ص: ۱۵۰

۱- (۱). پژوهش های قرآن، شماره ۱۷-۱۸، مقاله عیسی جی بولاتا.

حیض زنان مطرح می‌کند. در بخش دوم، اعجاز قرآن در علوم طبیعی، در مورد تولید باران، رعد و برق و خلقت و تکامل جانوران را بررسی کرده است؛ به نظر او درباره آیه ذیل توجه کنید:

﴿وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ...﴾؛ (۱) «و خدا هر جنبنده ای را از آبی آفرید؛ پس برخی از آنها کسانی هستند که بر شکم خود راه می‌روند و برخی از آنها کسانی هستند که بر دو پای خود راه می‌روند و برخی از آنها کسانی هستند که بر چهار (پا) راه می‌روند؛ خدا آن چه را بخواهد می‌آفریند».

نیازمند دو نوع ترجمه از این آیه شریفه را مطرح می‌کند که در یکی ضمیر «هم» - که در جملات متعدد آمده - به دابه بر می‌گردد (همان طور که ما ترجمه کردیم) و در دیگری ضمیر «هم» در هر قسمت، به موجودات مذکور در قسمت قبل بر می‌گردد. او هر دو ترجمه را بر قانون «تکامل انواع داروین» تطبیق می‌کند و می‌گوید: مقاصد علمی آیه این است:

۱. تکامل عمومی حیوانات (از مجموع آیه)؛

۲. آب مبدأ خلقت بوده است؛

۳. ابتدا خزندگان و از آنها دوپائیان و از این دسته چهارپایان، خلقت یافته اند؛

۴. تکامل همیشه ادامه دارد: (...يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ).

او سپس با آوردن شواهد بسیاری از جملات دانشمندان اروپایی و توضیح نظریه داروین می‌گوید:

تذکر این موضوع آن هم در سرزمین خشک عربستان معجزه نیست؟ کدام

ص: ۱۵۱

بشر عادی، با چنین صراحتی از پیش خود و بدون تحقیقات علمی، آن هم در محیط فرهنگی ۱۳۷۰ سال قبل، توانسته است اسرار و رموز آفرینش را، با صراحت بیان نموده و با تمام قوا در صدق مدعای خود ایستادگی کند؟ (۱)

نیازمند در مورد آیه شریفه (أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا) (۲) «آیا زمین را قرار نداده ایم فراگیرنده» (۳) با استفاده از معنای لغوی «کفات» این مطالب را به قرآن نسبت می دهد:

۱. حرکت وضعی و انتقالی زمین و سرعت طیران آن در فضا؛

۲. وجود مواد مذاب در داخل زمین؛

۳. تغییرات سطحی و عمقی کره خاکی؛

۴. نیروی جاذبه زمین.

وی سپس کشفیات دانشمندان در مورد زمین و حرکات آن را به طور مفصل بیان می کند. (۴)

بررسی: آقای نیازمند شیرازی را می توان پیشگام نگارش در مورد اعجاز علمی قرآن در ایران دانست. البته برخی مصادیق اعجاز علمی که او مطرح کرده جدید است؛ مثل اعجاز فیزیولوژیکی و دیدگاه قرآن نسبت به نظریه تکامل؛ هرچند که برداشت های وی از آیات قرآن - به ویژه درباره نظریه تکامل - قابل بررسی و مناقشه است.

۱۶. آیت الله احمد اهتمام (م ۱۳۴۶ ش)

او از علمای اصفهان، متولد رهنان (در کنار شهر اصفهان) و از دانشمندان

ص: ۱۵۲

۱- (۱). اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، اثر یدالله نیازمند شیرازی، ص ۸۸ - ۹۹.

۲- (۲). مرسلات، آیه ۲۵.

۳- (۳). اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، همان.

۴- (۴). همان، ص ۸۰ و ۸۵.

ناشناخته و پرکار بوده که تألیفاتی در فقه و اصول داشته است؛ از جمله کتاب فلسفه احکام (در چند جلد). او در این کتاب سعی نموده که حکمت های احکام اسلامی (مطهرات، نجاسات، مکروهات، محرمات، واجبات و مستحبات) و نکات علمی آنها را بیان کند. از این رو در مورد تحریم گوشت خوک و شراب در قرآن، به علوم جدید تمسک کرده و همچنین در مورد پاک بودن آب، به وجود فرمان ها (۱) و اکسیژن درون آب - که خاصیت میکرب کشی دارد - استناد نموده است. (۲) این کتاب که در نوع خود کم نظیر است، سعی نموده احکام اسلامی را با پیشرفت ها و اکتشافات علوم جدید تطبیق دهد.

آیت الله اهتمام در مورد آیه شریفه (اقْرَأْ بِمَا سَمِیَ رَبُّكَ الَّذِیْ خَلَقَ * خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ)؛ (۳) «بخوان به نام پروردگارت که (همه چیز را) آفرید؛ انسان را از خون بسته آویزان آفرید...» می گوید:

علق را در قدیم به خون بسته تفسیر می کردند؛ ولی امروز معلوم شده که انسان، از اسپرماتوزئید هایی که در منی مرد است و به یک دانه تخمک زن داخل می شود به وجود می آید. این اسپرماتوزئید به شکل زالود و مبدأ خلقت انسان است که در یک قرن اخیر ثابت شده؛ ولیکن اسلام در چهارده قرن قبل از آن، خبر می دهد. (۴)

وی سپس مسئله زوجیت گیاهان را مطرح می کند و آیاتی را در این زمینه

ص: ۱۵۳

-
- ۱- (۱). Ferment حیوانات ریز که اعضای جانوران و گیاهان و مواد آلی را تجزیه و از فساد آنها جلوگیری می کنند که در زبان شرع ملائکه می نامند (فلسفه احکام، ص ۱۱۲، احمد اهتمام).
 - ۲- (۲). فلسفه احکام، تألیف احمد اهتمام، ص ۱۶۴ (چاپخانه اسلام اصفهان).
 - ۳- (۳). علق، آیه ۱ به بعد.
 - ۴- (۴). منبع پیشین، ص ۲۳ (با تلخیص و تصرف در عبارات) و ص ۶۶.

می آورد. (۱) و این گونه اخبار غیبی و اسرار علمی قرآن را - که در عصر حاضر به عنوان اعجاز علمی خوانده می شود - مطرح می سازد.

بررسی: آیت الله اهتمام مصادیقی از اعجاز علمی قرآن را مطرح کرده که کم و بیش در آثار پیشینیان وجود داشته اند؛ البته مطلبی که در مورد «علق» بیان کرده و نیز بسیاری از مطالبی که در مورد فلسفه احکام توضیح داده جدید است.

۱۷. افراد دیگر

در قرن چهاردهم قمری از افرادی دیگر نیز یاد شده که در زمینه اعجاز قرآن قلم زده اند؛ از جمله:

رمضان بوطی: او در سوریه بود و در کتاب من روائع البیان به اعجاز علمی و تشریحی قرآن اشاراتی کرده است؛

عبدالکریم خطیب: در کتاب الاعجاز فی دراسات السابقین بیان زیبا و روحانیت قرآن را مطرح کرده است؛

ابوزهر: در کتاب المعجزه الکبری به اعجاز موسیقایی قرآن پرداخته است؛

عایشه بنت الشاطی: در التفسیر البیانی و اعجاز البیانی للقرآن نسبت حروف مقطعه قرآن با اعجاز بیانی را ذکر کرده است.

(۲) از طرفداران اعجاز علمی قرآن در این قرن نیز می توان به افرادی مثل عبدالله فکری، محمد توفیق صدوقی، علی فکری،

محمد احمد جاد المولی، عمر الملبای، محمد مهدی استانبولی، محمد متولی و شعراوی اشاره کرد. (۳)

ص: ۱۵۴

۱- (۱). منبع پیشین، ص ۷۲.

۲- (۲). ر.ک: اعجاز قرآن، تاریخ و تحلیل، ص ۱۹۴ به بعد.

۳- (۳). همان، ص ۱۵۹.

از نخجوانی و جمال الدین قاسمی نیز در این قرن نام برده شده است. (۱)

تذکر: در قرن های چهاردهم و پانزدهم قمری کتاب های زیادی در مورد اعجاز قرآن - به ویژه اعجاز علمی - نگاشته شده است؛ در ادامه به عنوان منبع شناسی اعجاز علمی قرآن از آنها یاد خواهد شد.

قرن پانزدهم: گسترش رویکرد اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی

اشاره

در قرن پانزدهم قمری قرآن پژوهان علاوه بر ابعاد قبلی اعجاز قرآن (مثل فصاحت، بلاغت و اعجاز علمی در حوزه علوم طبیعی) به حوزه های جدید اعجاز قرآن در مورد علوم انسانی (مثل اعجاز تربیتی و اقتصادی) روی آورده اند. برخی از مهم ترین شخصیت ها در نخستین ربع قرن پانزدهم عبارتند از:

۱. علامه محمدحسین طباطبایی (م ۱۳۶۰ ش - ۱۴۰۵ ق) و تفاوت اعجاز قرآن نسبت به علوم مخاطبان

علامه طباطبایی مفسر بزرگ شیعی قرآن و فیلسوف مشهور، صاحب آثاری مانند تفسیر گران سنگ المیزان، اعجاز قرآن، قرآن در اسلام و وحی یا شعور رموز در حوزه های قرآنی بوده است. وی در تفسیر المیزان و در کتاب اعجاز قرآن به وجوه اعجاز قرآن پرداخته است. در بحث معجزه در قرآن، ابتدا مقولاتی نظیر قانون علیت و تصدیق آن در قرآن، تأثیر امور خارق العاده در قرآن، انتساب حوادث و معلولات مادی به خدا و تأثیر نفوس انبیا در معجزات را طرح کرده و در برخی موارد، با استناد به آیات قرآنی آنها را مورد بررسی قرار داده است؛ مثلاً در

ص: ۱۵۵

خصوص تأثیر نفوس انبیا در معجزات به آیه شریفه (... وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ...) (۱) و درباره استناد یا انتساب حوادث و معلولات مادی به خداوند متعال به آیاتی مانند (لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ ...) (۲) و (أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ) (۳) استشهاد کرده است. (۴)

علامه در مورد اعجاز خود قرآن و وجوه آن نیز سخن گفته است. وی ابتدا آیات تحدی را مورد توجه قرار داده و معتقد است بر اساس آیاتی مانند (وَ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) (۵) همه قرآن معجزه است؛ حتی کوچک ترین سوره های آن مانند کوثر و عصر. (۶) علامه بر آن است که تحدی فقط جنبه فصاحت و بلاغت قرآن را دربر نمی گیرد، بلکه شامل همه جهات -از قبیل معارف عالی و گران قدر، اخلاق پسندیده، احکام شرعی، اخبار غیبی و معجزات علمی- است. (۷)

تحدی قرآن به آورنده آن نیز از موارد مشمول تحدی قرآن است که علامه بر اساس آیه (قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُمْ عَلَيْكُمْ وَ لَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ) (۸) به آن استدلال می کند. (۹)

ص: ۱۵۶

۱- (۱) . غافر، آیه ۷۸.

۲- (۲) . بقره، آیه ۲۸۴.

۳- (۳) . اعراف، آیه ۵۴.

۴- (۴) . سید محمدحسین، طباطبایی، اعجاز قرآن، ص ۳۳ و ۳۴.

۵- (۵) . بقره، آیه ۲۳.

۶- (۶) . اعجاز قرآن، ص ۶۰.

۷- (۷) . همان، ص ۶۲.

۸- (۸) . یونس، آیه ۷۶.

۹- (۹) . اعجاز قرآن، ص ۷۰.

در تحدی قرآن به امور غیبی، آیاتی مانند ۴۹ سوره هود، ۲-۴ سوره روم و ۸۵ سوره قصص مورد استناد ایشان است. (۱)

تحدی قرآن به عدم وجود اختلاف و تناقض نیز از دیگر موارد اعجاز قرآن است که علامه در این بخش به آیاتی مانند (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا) (۲) استدلال کرده است. (۳)

وی در بخش تحدی قرآن به بلاغت - که بیشتر عالمان در طول تاریخ آن را وجه شاخص تحدی و بلکه اعجاز تلقی کرده اند - آیات (أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَ ادْعُوا مَنْ اَشِيْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * فَاِلَّا يَسِيْرَتَجِيبُوْا لَكُمْ فَاَعْلَمُوْا اَنْمَّا اُنزِلَ بِعِلْمِ اللّٰهِ وَ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَهَلْ اَنْتُمْ مُّسْلِمُوْنَ) (۴) را شاهد مثال آورده است. (۵) آیات ۳۸ و ۳۹ سوره یونس نیز نمونه های دیگری هستند که بر تحدی بلاغی قرآن دلالت دارند؛ زیرا این سوره ها مکی هستند و تحدی به بلاغت در آنها - با توجه به مقتضیات - مناسب است. (۶)

تحدی قرآن به علم و معارف علمی آن:

قرآن به واسطه برخی آیات مانند: (... وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ...) (۷) (و کتاب [قرآن] را بر تو فرو فرستادیم که بیانگر هر چیز [از کلیات دین] است) و

ص: ۱۵۷

۱- (۱) . همان، ص ۷۳ و ۷۴.

۲- (۲) . نساء، آیه ۸۲.

۳- (۳) . اعجاز قرآن، ص ۷۷.

۴- (۴) . هود، آیه ۱۳ و ۱۴.

۵- (۵) . اعجاز قرآن، ص ۸۴.

۶- (۶) . همان.

۷- (۷) . نحل، آیه ۸۹.

(... وَ لَا - رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ) (۱) (و هیچ تر و خشکی نیست، جز این که در کتاب روشن گر [علم خدا] ثبت است) به علم و معرفت تحدی نموده است؛ چون هر کس در متن تعلیمات بلند اسلام سیر کند (اعم از کلیاتی که قرآن ذکر کرده و جزئیاتی که از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مضمون آیه شریفه بیان شده است): (... وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...)؛ (۲) (و آن چه را فرستاده [ی خدا] برای شما آورده، پس آن را بگیرید (و اجرا کنید)، و آن چه شما را از آن منع کرد، پس خودداری کنید) درمی یابد که قرآن به هر موضوعی - اعم از کوچک و بزرگ - پرداخته است.

همه مطالب فلسفی، اخلاقی، قوانین دینی، سیاسی، اجتماعی و هر چیز دیگری که انسان ها در مرحله عمل بدان نیازمندند، قرآن علاوه بر اینکه متعرض آنهاست، متعرض جزئی ترین مسائل نیز شده و عجیب است که تمام معارفش بر فطرت و اصل توحید بنا گردیده است. (۳)

علامه طباطبایی در کتاب اعجاز قرآن موارد متعددی از اعجاز علمی قرآن را مطرح کرده اند (اعجاز قرآن، علامه طباطبایی).

نکته مهم: علامه طباطبایی (رحمه الله) اعتقاد دارد که تمام ابعاد قرآن معجزه است؛ ولی با اختلاف مخاطبان متفاوت است؛ مثلاً قرآن برای ادیبان معجزه ادبی، برای اهل سیاست معجزه سیاسی و برای حکیمان معجزه در حکمت است. بنابراین اعجاز قرآن همه افراد و همه زمان ها و حالات را شامل می شود:

«القرآن آیه للبلغ فی بلاغته و للحکیم فی حکمه و للعالم فی علمه و للمتشرعین

ص: ۱۵۸

۱- (۱). انعام، آیه ۵۹.

۲- (۲). حشر، آیه ۷.

۳- (۳). ر.ک: المیزان، ج ۱، ص ۶۲.

فی تشریعاتهم و للسیاسیین فی سیاساتهم و للحکام فی احکامهم وقضایاهم و لجمیع ارباب الفنون و المعارف فیما لایبلغون مداه و لاینالون قصواه» (۱).

بررسی: بیشتر ابعاد و وجوهی که علامه طباطبایی در اعجاز قرآن مطرح کرده است - اصل آنها - در سخنان پیشینیان ذکر شده اند؛ هرچند وی در تقریر اصل اعجاز و بیان وجوه و مصادیق آنها نوآوری داشته است. البته طرح اعجاز سیاسی قرآن مطلب جدیدی است.

به نظر می رسد مهم ترین نکته ایشان در مبحث اعجاز قرآن هم‌آورد طلبی قرآن نسبت به مخاطبان مختلف است؛ یعنی اعجاز قرآن نسبت به هر متخصص در مورد علمش. از این مطلب راه رسیدن به وجوه جدید اعجاز قرآن به ویژه در حوزه های اعجاز علمی باز می شود. قرآن به کیهان شناسان می گوید که اگر می توانید مثل مطالب کیهان شناسی قرآن بیاورید و نیز پزشکان و عالمان مدیریت و اقتصاددانان و... را به تحدی فرا می خواند.

۲. آیت الله مکارم شیرازی (معاصر)؛ قرآن معجزه ای گویا، جاودانی، جهانی و روحانی

آیت الله مکارم استاد حوزه علمیه قم، مرجع تقلید و مفسر قرآن است که آثار متعددی در زمینه علوم قرآنی دارد؛ مانند تفسیر نمونه و تفسیر موضوعی پیام قرآن. وی در این آثار و نیز در کتاب قرآن و آخرین پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مبحث اعجاز قرآن پرداخته است. همچنین در تفسیر نمونه بعد از بررسی این که چرا پیامبر (صلی الله علیه و آله) به معجزه نیاز دارد، به جهانی و جاودانی بودن قرآن اشاره می کند و پس از آن به

ص: ۱۵۹

گواهی دیگران در مورد اعجاز قرآن و عجز مخالفان می پردازد.

آیت الله مکارم قرآن را معجزه ای گویا، جاودانی، جهانی و روحانی معرفی می کند که با معجزات پیامبران پیشین متفاوت است. (۱)

وی در کتاب قرآن و آخرین پیامبر (صلی الله علیه و آله) فصلی را به اعجاز قرآن از نظر علوم امروز اختصاص داده است و مسائلی همچون جاذبه عمومی، تسخیر خورشید و ماه و زندگی در کرات دیگر را ذکر می کند.

او همچنین در تفسیر نمونه بیش از ۲۰ مورد را در اعجاز علمی قرآن می پذیرد؛ از جمله: زوجیت گیاهان (لقمان، آیه ۱۰ و رعد، آیه ۲)؛ تسخیر خورشید و ماه (ابراهیم، آیه ۳۲)؛ لقاح گیاهان (حجر، آیه ۲۲) و قسم به جایگاه ستارگان (واقع، آیه ۷۵). (۲)

بررسی: وجوهی که آیت الله مکارم در مورد اعجاز قرآن بیان کرده است در آثار پیشینیان سابقه دارد؛ هرچند تقریر و مصادیق جدیدی را ذکر نموده است.

۳. آیت الله محمد هادی معرفت (م ۱۳۸۵ش) و بررسی مفصل ابعاد اعجاز قرآن

آیت الله معرفت یکی از مفسران و متخصصان بزرگ شیعه در علوم قرآنی بود که آثار متعددی در این زمینه دارند؛ مانند: التفسیر الاثری الجامع، التمهید فی علوم القرآن و علوم قرآنی (به فارسی). وی در جلد چهارم تا ششم التمهید به مباحث اعجاز قرآن پرداخته است. (البته در کتب علوم قرآنی فارسی نیز مبحث اعجاز قرآن را مطرح و مطالب مشابهی را ذکر نموده است).

ص: ۱۶۰

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۱، ذیل آیه ۲۴-۲۳ سوره بقره، ص ۱۲۸ - ۱۳۹.

۲- (۲). ر.ک: تفسیر نمونه، ذیل آیات فوق الذکر.

الف) در جلد چهارم التمهید به مباحث مقدماتی اعجاز قرآن همچون مفهوم شناسی اعجاز، تاریخچه اعجاز قرآن از صدر اسلام تا عصر حاضر و نیز بررسی دیدگاه صرفه در اعجاز قرآن پرداخته شده و با دلایل متعدد، دیدگاه صرفه رد گردیده است، سپس به معارضان اعجاز اشاره و خرافات آنها نقل و نقد شده است.

ب) در جلد پنجم این کتاب اعجاز بیانی، علمی و تشریحی مطرح و اعجاز بیانی قرآن از ده جهت بررسی شده است؛ از جمله نظم بدیع قرآن، سبک و اسلوب، شیرینی و سلامت الفاظ، تناسب نغمه ها و وجود استعارات. در اعجاز تشریحی نیز به معارف بلند و قوانین جاودان قرآن اشاره گردیده و درباره اعجاز علمی اشارات سریعی شده است.

ج) در جلد ششم مؤلف به اعجاز علمی قرآن اشاره می کند و برخی مصادیق اعجاز را نقل و نقد و برخی دیگر را می پذیرد. او این مطلب را نقد و بررسی می کند که آیا همه علوم در قرآن وجود دارند؟ پس از آن به تحدی قرآن در مورد اعجاز قرآن می پردازد.

مؤلف التمهید مواردی مانند: شروع حیات از آب دریا بر اساس آیه (... جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا)؛ [\(۱\)](#) گسترش جهان بر اساس آیه (وَ السَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ)؛ [\(۲\)](#) مباحث جنین شناسی، رجوع و صدع، نیروی جاذبه، رتق و فتق و... را نیز بررسی کرده است. [\(۳\)](#)

بررسی: آیت الله معرفت را می توان بزرگ ترین شخصیت علوم قرآنی شیعه دانست که مباحث علوم قرآنی را در بیش از ده جلد مورد بررسی عالمانه،

ص: ۱۶۱

۱- (۱). انبیاء، آیه ۳۰.

۲- (۲). ذاریات، آیه ۴۷.

۳- (۳). ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۴ و ۵ و ۶، محمد هادی معرفت.

منصفانه و مؤدبانه قرار داده، از حریم قرآن دفاع کرده و ابعاد جدیدی از مباحث علوم قرآنی را گشوده است (همچون نظریه نسخ مشروط و بطن قرآن (۱)).

در مورد اعجاز قرآن ایشان به جمع آوری آرای پیشینیان و توضیح آنها پرداخته است. البته برخی مباحث مثل گسترش اعجاز تشریحی، بیانی و علمی (و بررسی قلمرو و ضوابط این سه وجه و نیز آسیب شناسی آنها) در نوع خود نوآوری است. در واقع وی بر این سه وجه از اعجاز قرآن بیشتر تأکید می کند.

آیت الله معرفت اعجاز علمی قرآن و رابطه آن با تحدی و وجود علوم در قرآن و نیز مصادیق متعدد آن را به خوبی تبیین کرده و یک جلد از کتاب التمهید را بدان اختصاص داده که نشان گر اهمیت بحث در نظر ایشان بوده است.

۴. آیت الله سید ابوالقاسم خویی (۱۳۷۱ش) و گواهی امیرالمؤمنین (علیه السلام)

آیت الله خویی از مراجع تقلید شیعه و صاحب آثار زیادی در فقه، اصول، تفسیر و علوم قرآنی است. مهم ترین اثر قرآنی او البیان فی تفسیر القرآن است که مباحث مفصلی در مورد علوم قرآن از جمله عدم تحریف، قرائات و اعجاز دارد. وی وجوه اعجاز قرآن را منحصر در فصاحت و بلاغت نمی داند و مهم ترین وجوه اعجاز قرآن را این گونه برمی شمارد:

الف) بلاغت و اسلوب؛

ب) شامل بودن بر معارف پاک از اوهام و خرافاتی (که در آن زمان نزد یهود و مسیحیت شایع بود)؛

ص: ۱۶۲

۱- (۱). ر.ک: معرفت قرآنی، مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت آیت الله معرفت مقاله نسخ مشروط از نگارنده و نیز مجله قبسات، ش ۵۱، مقاله بطن پژوهی قرآن از نگارنده.

ج) استقامت بیان و سلامت از اختلاف؛

د) تکرار قصه ها و حکمت ها که در هر بار نکته و لذت جدیدی دارد؛

ه) قانون گذاری حکیمانه از جهت استواری معانی و مبانی؛

و) اخبار غیبی از گذشته و آینده؛ (۱)

ز) اسرار خلقت در طبیعت و جهان که در آن زمان در دسترس علم نبوده است؛ از جمله لقاح ابرها و گیاهان توسط باد، (۲)

زوجیت گیاهان (۳) و کوه های ثابت و توازن چیزها؛ (۴)

ه) تصدیق اعجاز قرآن توسط امام علی (علیه السلام) سردمدار علم، معرفت و بیان، شاهد آن است که این کلام وحی الهی است: «فاقول انّ تصدیق مثل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) - و هو بطل العلم والمعرفه والبیان - لاعجاز القرآن لشاهد علی انه وحی الهی، تصدیقاً حقیقتاً مطابقاً للواقع و ناشئاً عن الايمان الصادق و هو الحق المطلوب». (۵)

بررسی: بیشتر و جوهی که آیت الله خویی در مورد اعجاز قرآن بیان کرده در آثار پیشینیان به چشم می خورد؛ اما دو مورد آنها جدید هستند: نخست اعجاز قرآن در تکرار قصه ها و احکام با نکات و لذت های جدید و دوم اعجاز قرآن به گواهی امام علی (علیه السلام) که سردمدار علم و بلاغت بوده است. البته گواهی امام علی (علیه السلام) می تواند مؤید و شاهد اعجاز قرآن باشد و شمارش آن به عنوان وجهی مستقل در اعجاز قرآن مشکل است. هر چند پرورش انسانی چون امام علی (علیه السلام) در

ص: ۱۶۳

۱- (۱). مثل: انفال، آیه ۷؛ حجر، آیات ۹۴ و ۹۵؛ قمر، آیه ۴۴ و صف، آیه ۹.

۲- (۲). حجر، آیه ۲۲.

۳- (۳). رعد، آیه ۳.

۴- (۴). حجر، آیه ۱۹.

۵- (۵). ر.ک: البیان فی تفسیر القرآن، ص ۴۳-۹۱.

دامن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن، خود معجزه ای بزرگ است که در طول تاریخ کسی نتوانسته مثل آن را بیاورد.

۵. شهید مرتضی مطهری (م ۱۳۵۸ش)

او از متفکران معاصر جهان اسلام و دارای آثار متعدد فلسفی، کلامی و قرآنی است که تفاسیر ایشان در بیش از ده مجلد جمع آوری شده است.

شهید مطهری بعد از بررسی مفهوم اعجاز و تحدی و رابطه معجزه با قانون علیت، وجوه اعجاز قرآن را این گونه ذکر می کند:

الف) اعجاز در جنبه زیبایی و هنری؛ که مربوط به الفاظ قرآن است. (۱)

ب) اعجاز (در جنبه) فکری و علمی؛ که مربوط به معنویات قرآن است. قرآن مسائل مربوط به خدا و ماورای طبیعت را فراتر از عصر و محیط خویش بیان کرده است. گوینده آن نیز مردی عرب و امی بوده که این خود، اعجاز است. (۲)

ج) اعجاز تشریحی؛ در مورد مقررات و قوانین قرآن در باب عبادات، حقوق اجتماعی، معاملات، حقوق خانوادگی به ویژه حقوق زن که در سطح عالی و عجیبی بحث کرده و گوینده آن نیز فردی امی بوده است. (۳)

د) اعجاز اخلاقی و تربیتی؛ اخلاق و تربیت در قرآن در سطحی است که امکان ندارد مردم عصر نزول و حتی بعد از آن با فکر شخصی خود به چنین معانی و مفاهیمی برسند و این خودش، اعجاز است. (۴)

ص: ۱۶۴

۱- (۱). ر.ک: مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۴، ص ۴۵۶ و ۵۶۷.

۲- (۲). همان.

۳- (۳). همان، ص ۵۴۸.

۴- (۴). همان، ص ۵۴۷.

ه) اعجاز علمی؛ شهید مطهری مطالب علمی قرآن را شگفت انگیز و اعجاز آمیز می خواند و به دانشجویان توصیه می کند به مطالعه این آیات بپردازند. (۱) ایشان در مورد آیه (اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا...) (۲) با ذکر روایتی از امام رضا (علیه السلام) و بیان نکته علمی آیه، آن را بر نیروی غیر مرئی جاذبه منطبق می داند (۳) و این یکی از اعجازهای علمی قرآن است.

بررسی: وجوهی که شهید مطهری در مورد اعجاز قرآن بیان کرده، کم و بیش در آثار پیشینیان و معاصران شهید مطهری مطرح بوده اند؛ اما تقریرات و تعبیرات ایشان از اعجاز بیانی (جنبه زیبایی و هنری) و نیز اعجاز محتوایی (فکری و علمی) تازه است. همچنین تأکید ایشان بر امی بودن آورنده قرآن در همه موارد اعجاز، نکته جالب و لازمی است.

۶. آیت الله محمد فاضل لنکرانی (م ۱۳۸۶ ش)

آیت الله فاضل از مراجع تقلید معاصر و صاحب آثار متعددی در زمینه فقه، اصول و تفسیر است؛ از جمله کتابی در مقدمات تفسیر به نام مدخل التفسیر. در این کتاب مباحث اصول تفسیر و علوم قرآن (مثل اعجاز، تحریف ناپذیری و قرائات) بررسی شده اند. وی تحدی قرآن را منحصر در فصاحت و بلاغت نمی داند و عدم ذکر جهت مثلثیت در آیه تحدی (۴) و عدم انصراف تحدی قرآن به

ص: ۱۶۵

۱- (۱). آشنایی با قرآن، ج ۴، ص ۲۰۱.

۲- (۲). رعد، آیه ۲.

۳- (۳). همان، ج ۸، ص ۷۲.

۴- (۴). اسراء، آیه ۸۸.

وجه خاص را دلیل عدم انحصار تحدی قرآن در مورد خاص می داند. (۱) وی وجوه اعجاز قرآن را این گونه برمی شمارد:

(الف) امی (درس نخوانده) بودن آورنده آن؛

(ب) عدم اختلاف و استقامت بیان؛

(ج) بیان همه چیز؛

(د) اخبار غیبی؛

(ه) بلاغت؛

(و) معارف اعتقادی عالی و سازگار با عقل؛

(ز) قوانین و نظام قرآن؛

(ح) پرداختن به اسرار خلقت.

وی برای مورد اخیر چند مصداق را ذکر می کند:

۱. زوجیت گیاهان و لقاح بین آنها به وسیله باد؛ (۲)

۲. وزن خاص گیاهان؛ (۳)

۳. حرکت زمین؛ (۴)

۴. کروی بودن زمین؛ (۵)

۵. تعدد آسمان ها و زمین. (۶) و (۷)

ص: ۱۶۶

۱- (۱). مدخل التفسیر، محمد فاضل لنکرانی، ص ۴۸ و ۴۹.

۲- (۲). یس، آیه ۳۶ و حجر، آیه ۲۲.

۳- (۳). حجر، آیه ۱۹.

۴- (۴). زخرف، آیه ۵۳؛ ملک، آیه ۱۵ و نمل، آیه ۸۸.

۵- (۵). زمر، آیه ۵؛ اعراف، آیه ۱۳۷ و معارج، آیه ۴۰.

۶- (۶). طلاق، آیه ۱۲.

بررسی: آیت الله فاضل وجوهی از اعجاز قرآن را مطرح کرده که کم و بیش در آثار پیشینیان - به ویژه تفسیر المیزان و البیان (آیت الله خوئی) - مطرح بوده اند؛ اما برخی از تقریرها و مصادیق مطرح شده با عنوان اسرار خلقت نوآمد بودند. به هر حال رویکرد ایشان، آیت الله خوئی و شهید مطهری نشان گر توجه به اعجاز علمی در این عصر است. نکاتی که علامه طباطبایی و آیت الله فاضل لنکرانی در مورد گستره تحدی قرآن مطرح کردند، زمینه ساز طرح اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی شد.

۷. امام خمینی (م ۱۳۶۸ ش) و اعجاز عرفانی و بطن قرآن

روح الله الموسوی الخمینی مشهور به امام خمینی از مراجع تقلید و رهبر انقلاب اسلامی ایران است. او علاوه بر رهبری جهان اسلام، آثار علمی فراوانی در فقه، اصول، تفسیر، اخلاق و عرفان دارد. امام خمینی در کتب متعدد خویش به اعجاز قرآن و ابعاد آن (مثل فصاحت، بلاغت، معارف و اخبار غیبی) اشاره کرده است؛ از جمله:

حُسن ترکیب و لطف بیان، غایت فصاحت و نهایت بلاغت و کیفیت دعوت و اخبار از مغیبات و احکام احکام و اتقان تنظیم عاقله و امثال آن، هریک مستقلاً اعجازی فوق طاقت و خارق عادت است. (۱)

ایشان در مرحله دیگری، اهمیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) را این گونه یادآور می شود:

آن معارفی که به برکت بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در عالم منتشر شد، کسانی که مطلعند که این معارف چیست و تا اندازه ای که ما می توانیم ادراک

ص: ۱۶۷

کنیم، می بینیم که از حد بشریت خارج است. این اعجازی است فوق ادراک بشریت؛ از انسانی که در جاهلیت متولد شده؛ در جاهلیت بزرگ شده؛ آدمی بوده است که در محیطی پرورش یافته است که اسمی از این مسائل اصلاً در آن وقت نبوده. (۱)

امام خمینی گرچه فصاحت و بلاغت را از اعجاز قرآن می داند، اما معتقد است که شهرت اعجاز قرآن به فصاحت و بلاغت، برای آن است که اعراب صدر اسلام در این فن متخصص بودند و فقط این جهت را بهتر درک می کردند؛ ولی قرآن در وجوه دیگری نیز می تواند معجزه باشد:

این که قرآن شریف معروف به فصاحت شد و این اعجاز در بین سایر معجزات مشهور آفاق گشت، برای این بود که در صدر اول، اعراب تنها این تخصص را داشتند و فقط این جهت از اعجاز را ادراک کردند. (۲)

ایشان پس از اذعان به وجوه مذکور در اعجاز قرآن، با توجه به شَم عرفانی شان، اصلی ترین چهره اعجاز قرآن را «معانی بلند عرفانی» آن می دانند و معتقدند بزرگ ترین و سرآمدترین چهره اعجاز قرآن، در عرفان آن است:

این کتاب عزیز در محیط و عصری نازل شد که تاریک ترین محیط و عقب افتاده ترین مردم در آن زندگی می کردند... و در آن حقایق و معارفی است که در جهان آن روز -چه رسد به محیط نزول آن- سابقه نداشت. بالاترین و بزرگ ترین عجزه آن همین است. آن مسائل بزرگ عرفانی که در یونان و نزد فلاسفه آن سابقه نداشت و کتب ارسطو و افلاطون، بزرگ ترین فلسفه آن عصرها از رسیدن به آن عاجز بودند. (۳)

ص: ۱۶۸

۱- (۱). صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۷۸.

۲- (۲). آداب الصلوه، ص ۲۶۳.

۳- (۳). همان، ص ۱۸۶.

امام خمینی درباره منزلت لطایف و حقایق عرفانی قرآن که سبب تحیر عقول اهل خرد شده، می نویسد: «قرآن شریف به قدری جامع لطایف و حقایق و سرایر و دقایق توحید است که عقول اهل معرفت در آن حیران می ماند و این اعجاز بزرگ این صحیفه نورانیه آسمانی است».^(۱)

ایشان معتقدند هر کس اهل عرفان باشد و قرآن را از نظر عرفانی مطالعه کند، اعجاز آن را از این زاویه درک می کند؛ اما اگر اهل معرفت عرفانی نباشد، فقط به فصاحت لفظی آن خواهد پرداخت:

الآن نیز آنهایی که هم افق آنها (اعراب جاهلی) هستند، جز ترکیبات لفظیه و محسنات بدیعیه و بیانیه را از این لطیفه الهیه ادراک نکنند و اما آنها که به اسرار و دقایق معارف آشنا و از لطایف توحید و تجرید باخبرند، وجهه نظرشان در این کتاب الهی و قبله آمالشان در این وحی سماوی، همان معارف آن است و به جهات دیگر چندان توجهی ندارند. هر کس به عرفان قرآن و عرفای اسلام که کسب معارف از قرآن نمودند نظر کند... می فهمد [و اذعان می کند که اعجاز قرآن در معارف آن است] و برای او، تصدیق به این که کتاب وحی الهی به این معارف، معارف الهیه است، مؤونه ای ندارد.^(۲)

امام خمینی همچنین وجود ظاهر و باطن در قرآن را یکی از وجوه اعجاز آن می داند.^(۳)

آیه کریمه (هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ...) و کریمه (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ)

ص: ۱۶۹

۱- (۱). همان، ص ۲۶۳.

۲- (۲). همان، ص ۲۶۴ و نیز اعجاز قرآن، دکتر سیدرضا مؤدب، ص ۱۰۱ - ۱۰۵.

۳- (۳). صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۸۶.

(وَ الْأَرْضِ ...) و کریمه (وَ هُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَ فِي الْأَرْضِ إِلَهٌ ...) و کریمه (فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ ...) الى غير ذلك در توحید ذات، و آیات کریمه آخر سوره حشر و غیر آنها در توحید صفات و کریمه (وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى ...) و کریمه (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) و کریمه (يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ) در توحید افعال - که بعضی به وجه دقیق و بعضی به وجه ادق عرفانی دلالت دارند- برای هریک از طبقات علمای ظاهر و باطن طوری شفای امراض است. و در عین حال که بعضی آیات شریفه، مثل آیات اول حدید و سوره مبارکه توحید، به حسب حدیث شریف کافی (۱) برای معممقان از آخرالزمان وارد شده، اهل ظاهر را نیز از آن بهره کافی است. و این از معجزات این کتاب شریف و از جامعیت آن است. (۲)

بررسی: اکثر وجوه مطرح شده توسط امام خمینی در مورد اعجاز قرآن، در آثار پیشینیان ذکر شده اند؛ ولی دو وجه بیان معارف بلند عرفانی و مشتمل بودن قرآن بر بطون جدیدند. البته حقی برسوی (قرن سیزدهم) به مسائل عرفانی قرآن اشاره کرده، ولی همچون امام خمینی نامی از اعجاز عرفانی قرآن نبرده است. مسئله بطون قرآن نیز اگرچه در روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) آمده است، (۳) ولی به عنوان یک وجه اعجاز قرآن مطرح نشده بود.

۸. محمود مهدی استانبولی (۱۴۲۰ق) و اعجاز سیاسی و اجتماعی

محمود مهدی استانبولی از محققان معاصر در کتاب دین الغد؛ معجزات القرآن فی

ص: ۱۷۰

۱- (۱). کافی، کتاب توحید، ج ۱، ص ۱۲۳؛ به نقل از آداب نماز، ص ۱۸۶.

۲- (۲). آداب الصلاة، فصل دوم آداب نماز، ص ۱۸۴-۱۸۶.

۳- (۳). بحار الانوار، مجلسی، ج ۸۹، ص ۹۵؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۰ و بصائر الدرجات، صفار، ص ۱۹۹.

العلم و السياسه والاجتماع، تأکید می کند که اعجاز قرآن صرفاً به جنبه ادبی و قوت تأثیر آن در تلاوت کنندگان محدود نیست. (۱) وی وجود اخبار علمی در قرآن - که توسط علوم جدید کشف شده اند- را نشانه اعجاز قرآن دانسته و گفته است: «آیات قرآن نظمی عالی دارند و آن چنان از جنبه های علمی برخوردار هستند که در الهی بودن آنها هیچ تردیدی وجود ندارد. دلیل آن نیز تأیید علوم و اکتشافات جدید است.» (۲)

استانبولی برگرداندن وجوه بلاغی و زیبایی های کلام را به زبان غیرعربی ناممکن، اما نقل و ترجمه معانی آن را به زبان های دیگر ممکن و محتمل می داند. (۳) وی با استناد به آیاتی نظیر (وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ) (۴) و (يا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ) (۵) به ترتیب به حرکت محوری و انتقالی خورشید و نیز امکان صعود بشر به سیارات و کرات دیگر اشاره می کند؛ مواردی که امروز در سایه پیشرفت های علمی میسر شده اند. بدین سان، فردی مانند استانبولی نیز با تمسک به چنین آیاتی و ارائه تفسیری علمی در پی اثبات اعجاز علمی قرآن بوده است. (۶)

بررسی: محمود مهدی استانبولی در مورد اعجاز سیاسی و اجتماعی قرآن نکات جدیدی را مطرح کرده است؛ البته در تفسیر المیزان به تحدی قرآن در

ص: ۱۷۱

۱- (۱). فکرة اعجاز القرآن، ص ۲۳۸.

۲- (۲). همان، ص ۲۴۳.

۳- (۳). همان، ص ۲۳۸.

۴- (۴). یس، آیه ۳۸.

۵- (۵). الرحمن، آیه ۳۳.

۶- (۶). ر.ک: اعجاز قرآن، تاریخ و تحلیل، ص ۸ - ۱۶۷.

۹. رشاد خلیفه و اعجاز عددی قرآن

رشاد خلیفه، قرآن پژوه معاصر مصری و مترجم قرآن به زبان انگلیسی، دانش آموخته دکتری در رشته بیوشیمی گیاهی است. (۲) او مبتکر نظریه اعجاز عددی قرآن و صاحب کتابی به نام معجزه القرآن الکریم است. وی بعد از اختراع کامپیوتر، آن را در تحقیقات قرآنی به کار بست. رشاد خلیفه در کشف معانی و اسرار حروف مقطعه قرآن بسیار کوشش کرد و ثابت نمود رابطه نزدیکی میان حروف مذکور با حروف سوره ای که در آغاز آن قرار گرفته اند، وجود دارد.

نگرش علمی رشاد خلیفه، در ریاضیات ریشه دارد. نگرشی که با مطالعه برخی واژگان قرآنی و تعیین مضربی از کاربرد آن در سراسر قرآن با یک سوره میسر شده است. کلید رمز اعجاز قرآن از نظر او عدد ۱۹ است. این عدد ارزشی خاصی دارد. بنابه تحقیق او، این عدد - که تعداد حروف بسم الله الرحمن الرحیم است - در حقیقت مضربی است که در تمام قرآن وجود دارد؛ به این ترتیب که مثلاً کلمه «بسم» در قرآن ۱۹ بار، کلمه «الله» ۲۶۹۸ بار یعنی (۱۹ (علیه السلام) ۱۴۲)، کلمه «الرحمن» ۵۷ بار یعنی (۱۹ (علیه السلام) ۳) و کلمه «الرحیم» ۱۱۴ بار یعنی (۱۹ (علیه السلام) ۶) به کار رفته است. از نظر وی عدد ۱۹ دو ویژگی مهم دارد:

اولاً) در بردارنده بدایت و نهایت است؛ عدد ۱ اول حساب و عدد ۹ آخر آن است.

ص: ۱۷۲

۱- (۱). ر.ک: المیزان، ج ۱، ص ۵۷ - ۶۷.

۲- (۲). اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعه، مقدمه الف.

ثانیاً) بر چیز دیگری غیر از خود تقسیم نمی شود. او از این ویژگی نتیجه می گیرد که آورنده قرآن - که این معجزه عددی را محقق ساخته - خداوند است و غیر از او هیچ کس نمی تواند چنین کند.

بعد از رشاد خلیفه افراد متعددی تحت تأثیر او قرار گرفتند؛ (۱) یکی از این افراد عبدالرزاق نوفل بود که کتابی با عنوان الاعجاز العددی للقرآن الکریم را نوشت. وی تلاش کرد تا نظام ریاضی تکرار واژه ها را در قرآن نشان دهد؛ مثلاً نشان داده که واژه های دنیا و آخرت هر کدام ۱۱۵ بار و واژه های حیات و موت نیز هر کدام ۱۴۵ بار در قرآن به کار رفته اند. وی این رویداد را نوعی معجزه علمی و عددی می داند. (۲)

بررسی: هر چند برخی به سیوطی (م ۹۱۱ق) نسبت داده اند که به اعجاز عددی قرآن اشاره داشته است، ولی ما مستندی برای این مطلب نیافتیم. (۳) بنابراین رشاد خلیفه را می توان نخستین پیشنهاددهنده اعجاز عددی و ریاضی قرآن دانست. البته اعجاز ریاضی قرآن برای ما اثبات نشده است و آن را نوعی شگفتی در نظم ریاضی قرآن می دانیم.

۱۰. دکتر سید رضا پاک نژاد (م ۱۳۶۰ش) و اعجاز رنگ ها در قرآن

او صاحب تألیفات زیادی است؛ از جمله کتاب ارزشمند اولین دانشگاه و

ص: ۱۷۳

۱- (۱). در فصل بعدی در یک بحث مستقل اعجاز ریاضی را بررسی می کنیم.

۲- (۲). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱، ص ۲۲۳.

۳- (۳). آقای عباس یزدانی از الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۱۲ نقل می کند. ر.ک: مقاله اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن، عباس یزدانی، کیهان اندیشه، ش ۶۷، ص ۶۳.

آخرین پیامبر که در ۳۳ جلد به رشته تحریر درآمده است. مؤلف در این کتاب سعی نموده تا با استفاده از علوم جدید - خصوصاً علم پزشکی که رشته تخصصی او بود- رازهای علمی قرآن، روایات و احکام اسلامی را آشکار کند.

دکتر پاک نژاد در یک جلد از کتاب خود، در مورد خواص عسل - که قرآن آن را شفا خوانده است- به طور مفصل سخن گفته (۱) و آن را اعجاز قرآن نامیده است. مثلاً در مورد اعجاز آیه شریفه: (أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي ... (۲) می گوید:

شگفتی و اعجاز قرآن در این است که می فرماید: زنبور از کوه و درخت خانه می گیرد و اشاره ای به درز و شکاف و حفره ای از کوه و گیاه نمی کند و اگر اشاره به چنین مطلبی کرده بود، امروز ایراد می کردیم که زنبورانی هستند در هندوستان که حشره شناسان آنها را «آپیش دور ساتا» می گویند؛ این ها یک شاخه درخت را می گیرند و در طولش خانه هایی می سازند و.... (۳)

شهید پاک نژاد مسئله اعجاز رنگ ها در قرآن را در قسمت های مختلفی از کتاب اولین دانشگاه و آخرین پیامبر مطرح کرده است:

یکم) ذیل آیه (ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَمَآيَهٗ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) ؛ (۴) «سپس از همه محصولات بخور و راه های پروردگارت را فروتنانه بیما. از شکم هایشان نوشیدنی (عسل) بیرون می آید که رنگ هایش متفاوت است [و] در آن برای مردم درمانی است؛ قطعاً در آن [ها] نشانه ای است برای گروهی که تفکر می کنند». پاک نژاد با ذکر این

ص: ۱۷۴

۱- (۱). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۵، ص ۴۶ و ۵۳ به بعد (چاپ الاسلامیه ۱۳۶۱ ش).

۲- (۲). نحل، آیه ۶۸.

۳- (۳). همان، ص ۴۸.

۴- (۴). نحل، آیه ۶۹.

نکته که قدرت شفادهندگی عسل مربوط به رنگارنگ بودن مواد اولیه آن است، در این مورد ادعای اعجاز می کند.

دوم) ذیل آیات (أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ)؛ (۱) «آیا نظر نکرده ای که خدا از آسمان، آبی فرو فرستاد؛ پس به وسیله آن محصولاتی که رنگ هایش متفاوت است را (از زمین) خارج ساختیم و از کوه ها راه ها (و رگه ها) ی سپید و سرخ، که رنگ هایش متفاوت است و سیاه سیاه (آفریدیم)؟!» و (قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْثُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّظِيرِينَ)؛ (۲) «گفتند: برای ما از پروردگارت بخواه تا روشن بیان کند برایمان که رنگ آن (گاو) چگونه است؟ (موسی) گفت که او می گوید: در حقیقت آن گاوی زرد و رنگش یک دست است که بینندگان را شاد می سازد». آیه اول به رنگ های مختلف میوه ها و کوه ها اشاره دارد و آیه دوم رنگ زرد را مایه سرور بینندگان معرفی می کند. پاک نژاد در اینجا مسئله رنگ شناسی قرآن را به عنوان معجزه مطرح می کند.

سوم) مؤلف در جلد سوم کتاب به تأثیر روانی رنگ ها می پردازد و از بقراط حکیم مطلبی را در مورد رنگ ها نقل می کند. (۳)

بررسی: دکتر پاک نژاد از متخصصان علاقه مند به مباحث دینی بود و از این رو تلاش کرد برتری و پیشگامی قرآن و احادیث را نسبت به غرب نشان دهد و از آنجا که پزشک بود، از علوم پزشکی در این راه بسیار بهره برد.

ص: ۱۷۵

۱- (۱). فاطر، آیه ۲۷.

۲- (۲). بقره، آیه ۶۹.

۳- (۳). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۳، ص ۱۶۹ ۱۴۹؛ همچنین ج ۵، ص ۱۴۳ - ۱۶۹.

پاک نژاد را می توان از پیشگامان اعجاز علمی و تفسیر علمی قرآن در قرن پانزدهم قمری در ایران دانست که با تألیف ده ها کتاب در این زمینه خدمات شایسته ای انجام داد و باعث شد نسل جوان به قرآن و اسلام بیشتر علاقه نشان دهند. البته در مورد متخصصان علوم باید در حد خودشان داوری کنیم؛ نه در حد مفسری زبردست.

اعجاز رنگ ها در قرآن، از وجوه جدید اعجاز قرآن است که وی مطرح کرد و پس از آن مورد توجه قرآن پژوهان و متخصصان فیزیک و روان شناسی قرار گرفت. هرچند ادعای اعجاز در این مورد نیازمند تأمل و بررسی بیشتری است و می تواند زیرمجموعه اعجاز پزشکی یا اعجاز روان شناختی قرآن قرار گیرد، ولی طرح مستقل آن نیز ممکن است.

۱۱. آیت الله سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش)

آیت الله طالقانی در بخش هایی از تفسیر خود (پرتوی از قرآن) از مسائل علمی برای تبیین مقاصد و مفاهیم قرآنی استفاده کرده و به اعجاز علمی قرآن اشاره نموده است؛ مثلاً در تفسیر سوره شمس، ذیل آیه (وَ الْأَرْضِ وَ مَا طَحَاها) ، (۱) با استفاده از معانی لغوی کلمه «طحا» می گوید:

خلاصه آن که این آیه کوتاه و فشرده با این تعبیر «مای» ابهام و فعل خاص، این حقایق را صراحتاً و ضمناً می رساند:

۱. زمین در آغاز به منشی پیوسته و فشرده بوده؛ و گرنه حدوث دفع طحاها معنا ندارد.

۲. سپس نیرویی که نام و نشانی نداشته (ما) به کار آمده و آن را

ص: ۱۷۶

به صورت کره ای از منشأ اصلی جدا کرده و دور رانده است. این نیرو - به صراحت فعل و مفعول طحاها و دلالت آن بر حدوث- باید دارای قدرت دفعی شده باشد که پس از جذب پدید آمده است.

۳. لازمه این گونه دفع که بر جسم کروی زمین وارد شده و آن را رانده است، حرکت وضعی زمین می باشد.

۴. واقع شدن زمین میان دو نیروی جذب و دفع، موجب حرکت انتقالی آن می گردد.

۵. از آثار جدا شدن و رانده شدن زمین از جسم اصلی و اولی (خارج شدن آن از محیط جذب شدید و واقع شدن میان دو کشش مخالف) این بوده که به تدریج جرم آن امتداد و گسترش یافته تا به صورت ثابت و متعادل کنونی درآمده است.

چنین به نظر می رسد که این مطالب، معانی و لوازم به وضوح، از تعبیر این آیه استفاده شود و تأویل و تکلفی در میان نباشد. در واقع پیشرفت علم و تحقیق است که این گونه آیات را تفسیر می نماید. (۱)

بررسی: رویکرد اصلی تفسیر پرتوی از قرآن، اجتماعی و تربیتی است، ولی ایشان مکرر اخبار غیبی و اسرار علمی قرآن را در تفسیر خود مطرح کرده است. هرچند به صراحت نامی از اعجاز علمی قرآن نبرده است.

۱۲. محمدتقی شریعتی (م ۱۳۶۶ش)

محمدتقی شریعتی صاحب تفسیر نوین است. وی در این کتاب - که تنها تفسیر جزء سی ام قرآن کریم است- در موارد متعددی به اعجاز علمی قرآن و آیات علمی آن اشاره می کند. او در مقدمه تفسیر می گوید:

ص: ۱۷۷

۱- (۱). پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (رحمه الله)، ج ۲ از جزء سی ام، ص ۱۱۰.

در سوره نمل آیه ۱۹ خداوند به صراحت از سخن گفتن مورچه خبر داده است (و مورچه ای گفت: ای مورچگان! در مساکن خود داخل شوید تا سلیمان و لشکریانش درحالی که ملتفت نباشند، شما را در هم نکویند) و مفسران در معنای آیه درمانده بودند. برخی بر اعجاز حضرت سلیمان حمل می کردند؛ در صورتی که معجزه برای اقناع مردم است و کسی نه سخن مورچه را می شنید و نه می فهمید. بعضی دیگر به تأویلات شگفتی می پرداختند. بسیاری هم تعجباً می پذیرفتند؛ تا علم حشره شناسی پیشرفت نمود و در زمان ما معلوم شد مورچه سخن می گوید و از این قبیل معجزات هم در قرآن فراوان است. (۱)

شریعتی همچنین به آیات راجع به حرکت زمین یا مرکب بودن نور خورشید اشاره می کند؛ (۲) او آیه (نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ) را اشاره به اشعه «روننگن» می داند؛ همان طور که یک دکتر مصری نیز این امر را اعلام و اثبات کرده است. (۳) شریعتی آیه شریفه (وَ خَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا) ، (۴) را نیز معجزه ای علمی برای قرآن می شمارد و به بحث راجع به زوجیت گیاهان و حیوانات از لحاظ علمی، می پردازد و به آیات دیگر قرآن در این باره استشهاد می کند. (۵)

بررسی: محمدتقی شریعتی به صورت گسترده ای مصادیق اعجاز علمی قرآن را در تفسیر نوین مطرح کرده است؛ هرچند برخی از مصادیق و برداشت های علمی او قابل بررسی و مناقشه است؛ مثل تطبیق آیه (نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ) ؛ (۶) با اشعه روننگن.

ص: ۱۷۸

-
- ۱- (۱). تفسیر نوین، محمدتقی شریعتی، ص ۶۷ مقدمه (چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی).
 - ۲- (۲). همان، ص ۶۶ مقدمه.
 - ۳- (۳). همان، ص ۶۴ مقدمه.
 - ۴- (۴). نبأ، آیه ۸.
 - ۵- (۵). تفسیر نوین، ص ۱۱.
 - ۶- (۶). همزه، آیه ۷.

مهندس بازرگان از پیشتازان تفسیر علمی قرآن در ایران و صاحب کتاب‌هایی در این زمینه است؛ از جمله باد و باران در قرآن، راه طی شده و مطهرات در اسلام. او در این آثار موارد متعددی از آیات قرآن را با مسائل جدید علمی، کنار هم قرار می‌دهد و تفسیر می‌کند. وی می‌نویسد:

قرآن کتاب هواشناسی نیست و برای تدریس علوم و فنون زندگی که عقل رس (قابل دسترسی عقل) و وظیفه بشر است نیامده. خداوند پیغمبر را مبعوث نکرده است که به ما طبیعیات بیاموزد... آن چه قابل توجه است و دعوی ما می‌باشد این است که نکات اساسی و مبانی اصلی کیفیات جوی مربوط به باد و باران، در انتخاب کلمات و تغییرهای (۱) بعضی آیات قرآن به خوبی منعکس است و این انعکاس، نمی‌تواند ناشی از تصادف کلام، اطلاعات زمان یا نتیجه توجه و مشاهده گوینده قرآن به حالات زمین و آسمان در موقع باد و باران بوده باشد. (۲)

بازرگان در بخشی دیگر می‌گوید:

مراحل متوالی بادهای مهاجر کلیه مراحل مذکور در بند فوق الذکر (بادهای گرم و مرطوب دریا با بادهای شمالی مخالف که در اثر برخورد با هم، جبهه‌ای روی دریا یا در سواحل و داخل خشکی‌ها تشکیل می‌دهد و یا باران و برکت و سیل و طوفان می‌آورد) و به همان ترتیب، در چهار آیه قسم‌های ابتدای سوره ذاریات آمده است:

(وَ الذَّارِيَاتِ ذَرْوًا) ، «قسم به پراکنده کنندگان که به نحو خاص پراکنده می‌شوند»؛ (فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا) ، «پس از آن قسم بر بردارندگان بار»؛ (فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا) ، «سپس به جاری شونده‌گان آسان»؛ (فَالْمُقَسَّمَاتِ أَمْرًا) «بالاخره قسم به تقسیم

ص: ۱۷۹

۱- (۱). ظاهراً غلط چاپی است و «تعبیرهای» صحیح به نظر می‌رسد.

۲- (۲). باد و باران در قرآن، تألیف مهندس بازرگان، ص ۹۱.

وی سپس آیه (وَ أَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ) (۲) را مطرح و آن را بر بارور شدن ابرها (نه گیاهان به وسیله گرده افشانی) تطبیق می کند. (۳)

آقای بازرگان، در کتاب مطهرات در اسلام در مورد تیمم و اسرار علمی آن، این آیه شریفه را ذکر می کند: (فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ)؛ (۴) «پس اگر آب پیدا نکردید (در صورت بیماری یا مسافرت یا...) پس با خاک پاک تیمم کنید و با آن، صورت و دست هایتان را مسح نمایید». سپس می گوید:

وقتی اتفاقاً به قضیه پدیده های جذب ذره ای (phenomenes dadsorption) که در اثر سطح فوق العاده گسترده ذرات غبار حاصل می شود و مخصوصاً اعمال حیوانات ذره بینی موجود در خاک، تصادف نموده معلوم شد، خاک فی نفسه چیز کیفی نیست که سبب تأیید امراض شود؛ بلکه خود، کشنده میکروب های موذی و منهدم کننده مواد آلی است و شاید همان گستراندن غبار رقیق خاک روی صورت و دست، خالی از فایده نباشد؛ چه وقتی مواد جازالتیمم را مطالعه می نمایم و می بینم، گذشته از لطافت و پاکی اصلی، در خشک بودن و حالت غبار داشتن آنها تأکید شده است. (۵)

جالب این است که چاپ اول این کتاب، در سال ۱۳۲۲ شمسی بوده است (بیش از نیم قرن پیش) و این نشان دهنده قدمت تفسیر علمی در ایران است. مهندس بازرگان در کتاب راه طی شده کوشش می کند تا با قوانین بقای ماده (

ص: ۱۸۰

۱- (۱). ذاریات، آیات ۱ - ۴.

۲- (۲). حجر، آیه ۲۲.

۳- (۳). منبع پیشین، ص ۱۲۶.

۴- (۴). مائده، آیه ۶.

۵- (۵). مطهرات در اسلام، ص ۷۱، (چاپ سوم، شرکت سهامی انتشار) تألیف مهندس مهدی بازرگان، (چاپ دوم ۱۳۳۳ شمسی).

قانون لاوازیه) و اصل بقای انرژی (اصل ترمودینامیک) موانع قیامت را بردارد و اصل ابدیت را در مقابل ظواهر فناپذیر اثبات نماید.

وی آیه شریفه (إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ) (۱) را این گونه معنا می کند: «به حقیقت امر، خدا چنین است که وقتی چیزی را اراده کرد، همین که بگوید: بشو، خواهد شد و خواهد بود. آن چه یک مرتبه شده است، مستمراً خواهد بود. دنیا، دار شده بود نیست؛ محل شد و خواهد ماند است.» (۲)

بررسی: با توجه به این که مهندس بازرگان کتاب مطهرات در اسلام را در سال ۱۳۲۲ شمسی منتشر نمود، می توان او را از پیشگامان تفسیر علمی قرآن و احادیث در ایران دانست. البته ایشان به صراحت از اعجاز علمی قرآن نام نمی برد؛ اما مطالب او بیان گر اخبار غیبی و اسرار علمی آیات قرآن هستند که امروزه به آنها اعجاز علمی قرآن خوانده می گوئیم.

۱۴. آیت الله سبحانی (معاصر)

وی که از اساتید حوزه علمیه قم و از مراجع تقلید معاصر است در کتاب برهان رسالت، به چند مورد از اعجاز علمی قرآن پرداخته است؛ از جمله: جاذبه عمومی، کروی بودن زمین، حرکت زمین و اجرام آسمانی و زوجیت گیاهان. (۳)

۱۵. احمد امین (م ۱۹۵۴ - ۱۳۷۳ق)

احمد امین از نویسندگان متأخر مصری است و کتابی به نام راه تکامل (در

ص: ۱۸۱

۱- (۱). یس، آیه ۸۲.

۲- (۲). راه طی شده، ص ۲۰۳ - ۲۱۲، اثر مهندس بازرگان، چاپ هشتم (شرکت عصار).

۳- (۳). برهان رسالت، ص ۲۸۳-۲۵۳.

هفت جلد) دارد که توسط آقایان دکتر بهشتی، ادیب لاری و محمد امامی ترجمه شده است. او در جلد اول کتاب پس از بیان یک مقدمه در مورد عقل و ایمان، به بررسی علوم جدید و رابطه آنها با دین می پردازد. او در بحثی، ریشه تعارض علم و دین در اروپا را بررسی می کند و می گوید:

پیشرفت علوم مادی در اروپا و معارضه ارباب کلیسا با آن، وضعی را به وجود آورد که موجب کوبیدن دین و اعراض از آن و سپس پیدایش عقیده ها و اوهام دور از واقع - که نتیجه هوی و هوس بوده و با هیچ منطقی سازگار نبود- گردید. شرقی ها به تقلید از غربی ها پرداخته و برخی گمان کردند که دین اسلام، با علوم حقیقی هماهنگ نبوده و با آن معارضه می کند؛ همان طور که کلیسای کاتولیک و پروتستان با آن معارضه نموده و حکم اعدام سرفیتوس در سال ۱۵۵۳ میلادی و جوردا تلورونو در سال ۱۶۰۰ میلادی را صادر کردند. (۱)

احمد امین سپس به این حقیقت اشاره می کند که اسلام با علم معارض نیست و برای اینکه ثابت کند علوم جدید، به پایه حقایق دینی نمی رسند، مثال هایی از تفسیر علمی می آورد و می گوید:

علم جدید سال ها پس از نزول قرآن مجید، پی برد که نخستین مبدأ حیات آب بوده و آب مهم ترین وسیله پیدایش حیات هر موجودی است. خداوند متعال صدها سال پیش، در قرآن مجید (قرآنی که هرگز به باطل آلوده نشده است) فرمود: «ما هر موجود زنده ای را از آب آفریدیم پس چرا ایمان نمی آورند. ۲

وی سپس مثال های زیادی از زوجیت گیاهان، اتم ها، نطفه در رحم و پیدایش باران می زند و در پایان این گونه نتیجه می گیرد: «از نظر اسلام، دین و دانش بر

ص: ۱۸۲

۱- (۱). راه تکامل، تألیف احمد امین، ج ۱، ص ۶۵ (چاپ دارالکتب الاسلامیه).

یک دیگر منطبق بوده و حقایق قرآنی بر علوم مقدم است.» (۱) او در ادامه بین علوم قطعی و ظنی، تفاوت قائل می شود.

بررسی: احمد امین به خوبی به تقدم قرآن بر علم و وجود اسرار و اخبار علمی در قرآن اشاره کرده است که از مفاد اعجاز علمی قرآن اند؛ هرچند به صراحت از اعجاز علمی سخن نگفته است.

۱۶. آیت الله صافی گلپایگانی (معاصر)

آیت الله صافی گلپایگانی از اساتید حوزه علمیه قم و مراجع تقلید است که کتاب های متعدد و ارزشمندی دارد؛ او در کتاب به سوی آفریدگار بحث تفسیر علمی (تطبیق) را به صورت سؤال مطرح می کند و در این بحث اعجاز علمی قرآن را در مورد تسخیر ماه می پذیرد:

بالاخره در تطبیق آیات قرآن بر فرضیه ها و نظریات علمی، باید باز هم منتظر بود؛ هروقت در هر مورد نظریه ای که غیر از آن تصور نباشد، عرضه شد، انطباق آن را با قرآن مجید و احادیث معتبر، مورد بررسی قرار داد؛ مثل امکان تسخیر ماه یا کرات دیگر را. تا این حدی که در عصر ما عملی شده، می توانیم از نظر قرآن مجید بررسی نماییم....

وقتی این موضوع را بررسی می نمایم، می بینیم نه فقط اشاره ای در قرآن مجید بر عدم امکان تسخیر ماه نیست، بلکه آیاتی که دلالت دارند بر این که ماه و آفتاب و کواکب را خدا مسخر انسان قرار داده، این واقع را تأیید می نمایند و ما به کمک علم و صنعت می فهمیم که تسخیری که در این آیات است به معنای حدودی که بسا بعضی از پیشینیان - به واسطه نقص علمی - تصور می کردند نیست و کلام مطلق خدا را بی جهت مقید می کردند. می بینید در این

ص: ۱۸۳

موضوع (تسخیر ماه) چگونه پیشرفت علم با قرآن، مطابق درآمده؛ یعنی پس از چهارده قرن علم تا این حد به قرآن رسیده است. این، هم اعجاز قرآن است و هم تطبیق قرآن با آن بی اشکال است و در واقع نه تأویل است و نه توجیه؛ بلکه روشن شدن معانی است که لفظ آن را کاملاً می تواند در برگیرد. (۱)

بررسی: آیت الله صافی بحث اعجاز علمی قرآن را به صورت مشروط می پذیرد و تسخیر ماه - که در قرآن آمده است - را نوعی اخبار غیبی و علمی قرآن می داند.

۱۷. دکتر موریس بوکای (معاصر) و اعجاز علمی قرآن در مقایسه با تورات و انجیل

موریس بوکای پزشک فرانسوی است که کتابی به نام مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم دارد. این کتاب به چند زبان از جمله انگلیسی، عربی و فارسی ترجمه شده است.

موریس بوکای پس از تحقیقات فراوان درباره دین اسلام و بررسی آیات کریمه قرآن به حقانیت آن اعتراف کرد و رسماً مسلمان شد. (۲) سخن او حاکی از آن است که وی این کتاب آسمانی را صحیح و سالم از تبدیل و تحریف دانسته و بر این باور است که از طرف خدا نازل شده است. قرآن در بردارنده گزاره های علمی ای است که کم و کیف آنها در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) معلوم نبوده و در زمان حاضر - و با توجه به پیشرفت های شگرفت علمی - ابعاد آنها مکشوف شده اند. به نظر وی، این قبیل معلومات علمی قرآن، با علوم جدید مغایرتی ندارند؛ برخلاف تورات و انجیل که مطالب آنها در برخی موارد با علوم روز ناسازگاراند.

بوکای با اشاره به آیاتی مانند آیه ۱۱ سوره فصلت و آیه ۳۰ سوره انبیاء، به

ص: ۱۸۴

۱- (۱). به سوی آفریدگار، تألیف لطف الله صافی گلپایگانی، ص ۸۵ (چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی).

۲- (۲). مستشرقان و قرآن، ص ۱۳۰.

بحث ایجاد جهان در نظر قرآن اشاره و مطالبی را بیان می کند:

قرآن وجود توده ای گازی شکل ابتدایی را در اصل جهان تأیید و روند جدایی این ماده ابتدایی را که عناصر آن در آغاز به هم چسبیده بودند، تذکر می دهد.

...دانش به ما می آموزد همان طور که به عنوان مثال تکوین خورشید و محصول فرعی آن یعنی زمین را در نظر بگیریم، ملاحظه خواهیم کرد این جریان به وسیله تراکم ابرهای نخستین و تفکیک آن رخ داده است. این دقیقاً همان است که قرآن به طریق کاملاً صریح با ذکر ماجراهایی که دود آسمان ابتدا یک نوع الصاق سپس یک نوع انفکاک را به وجود آورده، بیان نموده است. (۱)

در واقع بوکای می خواهد بگوید قرآن قرن ها پیش، از کشفیات جدید علمی خبر داده است.

او در جایی دیگر، مراحل خلقت انسان در قرآن را بر اساس سوره های حج، مؤنون و... ذکر می کند و یادآور می شود که هیچ کس تا قبل از قرن هفدهم - که «هاروی» این مراحل را کشف کرد- چیزی از آنها نمی دانست. (۲) او این مطلب را با مقایسه قرآن و تورات به خوبی توضیح داده است.

بررسی: موريس بوکای از پیشگامان تفسیر علمی است که در غرب به این بعد از اعجاز قرآن توجه کرده است و با نگارش کتاب و تشکیل جلسات سخنرانی، فضای جدیدی را برای مسلمانان کشورهای غربی ایجاد نمود. نوآوری مهم وی مقایسه و تطبیق این بعد اعجاز قرآن با تورات و انجیل است.

ص: ۱۸۵

۱- (۱). مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۱۸۹-۲۰۱.

۲- (۲). همان، ص ۲۷۶ و ۲۷۷.

از دانشمندان مصری معاصر است که کتاب های زیادی در مورد قرآن، تفسیر و اعجاز علمی نوشته است. به عقیده او در عصر حاضر کشف معجزات علمی بزرگ در قرآن، برای گسترش اسلام میان اهل علم در هر مکانی (حتی جایی که با لغت قرآن آشنا نیستند) کافی است. (۱)

برخی از تألیفات نوفل عبارتند از: القرآن و العلم الحديث؛ الله والعلم الحديث؛ الاسلام و العلم الحديث؛ بین الدین والعلم (که ثابت می کند مطلقاً تعارضی بین دین و علم نیست)؛ اسرار وعجب؛ قرآن بر فراز اعصار (ترجمه ابوالفضل بهرام پور و محمود شکیب).

نوفل معتقد است: «اعجاز علمی قرآن برای غیراعراب است؛ چون این راهی است که از طریق آن می توان غیر عرب ها را به اسلام دعوت کرد». (۲) وی می کوشد بین نظریات اثبات نشده و اثبات شده علمی فرق بگذارد و مدعی است که قرآن را با علوم مدلل و ثابت شده تفسیر می کند؛ مثلاً ذیل آیه شریفه (هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا) (۳) می گوید: «نفس واحده، همان پروتون و زوج آن الکترون است و این دو عنصری هستند که ذره از آنها ترکیب شده است». وی این را از دلایل اعجاز علمی قرآن می داند. (۴)

بررسی: عبدالرزاق نوفل توجه ویژه ای به مبحث اعجاز علمی نشان داد و اصل ادعایش در مورد کاربردی بودن اعجاز علمی قرآن و نیز لزوم استفاده از

ص: ۱۸۶

۱- (۱). القرآن و العلم الحديث، ص ۲۶ (چاپ دارالکتاب العربی، ۱۹۷۳م).

۲- (۲). همان.

۳- (۳). سوره اعراف، آیه ۱۸۹.

۴- (۴). القرآن و العلم الحديث، ص ۱۵۶.

علوم اثبات شده در مبحث اعجاز علمی درست است؛ هرچند اعجاز علمی قرآن محدود به غیر عرب ها نیست. همچنین به نظر می رسد نوافل معیارهای اعجاز علمی را رعایت نکرده و به نوعی تفسیر به رأی کرده است؛ چون هیچ دلیل نقلی، عقلی، لغوی و تاریخی نداریم که ثابت کند در آیه ۱۸۹ سوره اعراف مقصود از «نَفْسٍ وَاٰحَادِهِ» همان پرتون و مقصود از «زوج» الکترون است.

۱۹. دکتر لیب بیضون (معاصر)

دکتر لیب بیضون در سال ۱۹۳۸م (۱۳۵۷ق) در دمشق متولد شد. جد وی ۳۰۰ سال قبل از منطقه بنت الجبیل لبنان به دمشق مهاجرت کرده بود. البته برخی او را از نسل قبیله بنی خزرج می دانند که از مدینه به یمن و بعدها به دمشق مهاجرت کردند. پدرش نیز در سال ۱۹۰۱م در دمشق متولد شد که او هم نویسنده بود.

دکتر بیضون دروس ابتدایی و متوسطه را در مدرسه محسنیه - که علامه سید محسن امین آن را تأسیس کرد- به اتمام رساند. سپس به دانشگاه رفت و در رشته فیزیک مشغول به تحصیل شد و پس از اخذ مدرک دکتری، در دانشگاه دمشق در رشته فیزیک نظری و تطبیقی مشغول تدریس شد. وی علاقه خاصی به لغات دارد (مانند لغت نامه های فارسی، عربی، انگلیسی و لهستانی) و در این زمینه کتاب هایی نیز نگاشته است. او به امور خیریه نیز مشغول است و ریاست جمعیت کمک به یتیمان فقیر را به عهده دارد. دکتر بیضون خطیبی تواناست و ۴۰ سال است که در حسینیه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) سخنرانی می کند. از وی ۶۵ کتاب در موضوعات مختلف (مانند تاریخ و تفسیر) به چاپ رسیده و ۱۵ کتاب دیگر نیز در آستانه چاپند. برخی از کتاب های ایشان عبارتند از: الاعجاز العلمی للقرآن الکریم، الاعجاز العلمی فی السنه النبوی، الاعجاز العلمی عند امام علی (علیه السلام) و الاعجاز العددی.

بررسی: دکتر لیب بیضون علاوه بر طرح گسترده مصادیق اعجاز علمی قرآن (صرف نظر از قبول یا رد آنها) به حوزه سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) وارد شده و اعجازهای علمی سخنان آنها را نیز برشمرده است؛ از این رو وی را می توان از پایه گذاران اعجاز علمی در این حوزه دانست.

۲۰. دکتر ذاکر عبدالکریم نائیک (ت ۱۹۶۵م) و کتاب قرآن و علم جدید

ذاکر عبدالکریم نائیک (۱) در بمبئی هند متولد شد. بعد از گذراندن دوران ابتدایی و دبیرستان، وارد دانشکده پزشکی شد و درجه دکتری تخصصی گرفت. او از سال ۱۹۹۱م برای احیای مبانی اسلام و افزایش آگاهی جوانان مسلمان، فعالیت های خود را در حوزه علوم و تبلیغ دین آغاز نمود. او هر ساله برای ارائه دست آوردها و سخنرانی هایش، مهمان دانشگاه ها و مراکز علمی جهان است. دکتر نائیک می کوشد با بررسی دقیق متون علمی و اسلامی و تطبیق بین آنها، بر عظمت و اهمیت دین اسلام بیافزاید.

به گفته بعضی جامعه شناسان همچون توماس بلامهانس، یکی از ویژگی های ذاکر نائیک این است که می تواند مفاهیم خود را در زبان های گوناگون به گوش همگان برساند و در مجموع به شخصیتی محبوب تبدیل شود. او بیشتر سخنرانی ها و دست آوردهای خود را با ویدئو یا حضور در رسانه ها و چاپ کتاب و مقاله به نظر علاقه مندان قرآنی می رساند و مهم ترین زمینه های فعالیتش عبارتند از:

الف) اسلام و علوم پیشرفته؛

ب) اسلام و مسیحیت؛

ج) اسلام و سکولاریزم.

ص: ۱۸۸

دکتر نائیک کتاب قرآن و علوم جدید: سازگاری یا ناسازگاری (۱) را در ۱۵ بخش تنظیم کرده و بین علم و دین به صورت استنباطی و جالب رابطه برقرار کرده است. مراد او از سازگاری و ناسازگاری بیان ارتباط علوم و قرآن کریم است و این که قرآن و بیان حقایق علمی منافاتی با هم ندارند.

مؤلف در این اثر قرآن را کتابی علمی، تجربی و طبیعی جلوه نمی دهد، بلکه می خواهد عظمت، هویت، چندبعدی بودن، مفید بودن و منشا الهی داشتن قرآن را به تصویر بکشد. سعی بر آن است در این دنیای کنونی که صنعت و نوپذیری به سرعت در حال رشد و گسترش هستند، هویت گوشه ای از علوم طبیعی به علم جویان نشان داده شود. سخنان دانشمندان بزرگ غربی مانند گوته، تولستوی و هانری کرین از محکم ترین دلایلی هستند که نشان می دهند شگفتی های قرآن به زمان و مکان محدود نمی شوند و هرکس بر اساس ظرفیت و توانایی خود، آنها را درک می کند و می تواند -به وسیله آنها- پاسخ پرسش های خود را بیابد.

دکتر نائیک در این کتاب قصد دارد با تمام توان علوم روز را با قرآن تطبیق دهد و از این رهگذر، اعجازهای علمی این کتاب آسمانی را بیش از پیش آشکار کند.

یکی از اهداف کتاب قرآن و علم جدید این است که به مخاطب قدرت تحلیل و فرصت تفکر بیشتری بدهد. همان گونه که در ذیل عنوان این کتاب دیده می شود، نویسنده می کوشد سازگاری و یا ناسازگاری (۲) علم و دین یا علم و قرآن را به طریق علمی نشان دهد؛ مراجعه به فهرست کتاب و مشاهده تکرر و تنوع موضوعات، نشان دهنده تلاش مؤلف در این زمینه است. کتاب از شانزده بخش

ص: ۱۸۹

۱- (۱). کتاب کنونی ترجمه اثر انگلیسی: "The Quran and Modern Science: Compatible or Incompatible?"

۲- (۲). Compatible or incompatible.

تشکیل شده و با مقدمه ای در مورد زندگی انسان و ارتباط او با قرآن آغاز می شود. دکتر نائیک در بخشی از مقدمه کتاب می نویسد:

قرآن کریم، منبع اصلی ایمان و عقیده اسلامی، کتابی است که مسلمانان به آن ایمان دارند و بر این باورند که این کتاب منشأ کاملاً وحیانی دارد. مسلمانان بر این باورند که این کتاب حاوی مطالبی است که تمام انسان ها را در هر دوره زمانی خاصی شامل می شود و هدایت می کند. چون گمان می رود که پیام قرآن به همه دوره ها متعلق است، بنابراین باید در رابطه با هر عصر و دوره ای باشد. آیا قرآن این آزمایش را گذرانده است؟ در این بررسی، قصد داریم تا تجزیه و تحلیلی هدف دار از ایمان مسلمانان را با توجه به مبدأ الهی قرآن بر مبنای کشفیات علمی موجود ارائه دهیم.

نویسنده در بخش های بعدی به طور جدی به بررسی وجود شواهد علمی در قرآن می پردازد و بر علاقه و کشش مخاطبان می افزاید. در اینجا به فهرست عناوین کتاب اشاره می نمایم:

۱. مقدمه؛ ۲. تحدی در قرآن؛ ۳. نجوم؛ ۴. فیزیک؛ ۵. جغرافیا؛ ۶. زمین شناسی؛ ۷. اقیانوس شناسی؛ ۸. زیست شناسی؛ ۹. گیاه شناسی؛ ۱۰. جانورشناسی؛ ۱۱. طب، فیزیولوژی، جنین شناسی؛ ۱۲. علوم کلی؛ ۱۳. نتیجه گیری.

لازم به یادآوری است که دکتر نائیک هم اکنون از طریق کانال تلویزیونی ماهواره ای در هند و پاکستان فعال است و مباحث علمی قرآن را توضیح می دهد.

بررسی: دکتر نائیک از جمله متخصصان علوم پزشکی و علاقمند به مباحث علمی قرآن است که پا را فراتر گذاشته و به مباحث نجومی هم می پردازد؛ اما از آنجا که در تفسیر قرآن به اندازه کافی تخصص ندارد، مطالب او مورد نقد قرار

گرفته اند و حتی متهم به زیاده روی و نقصان شده است. (۱)

۲۱. دکتر زغلول راغب محمد النجار

دکتر زغلول از شخصیت های فعال در زمینه مباحث قرآن و علوم -به ویژه علوم طبیعی- است. وی در سال ۱۹۳۳م در مصر متولد شد و در دانشگاه قاهره درس خواند و در سال ۱۹۶۳ دکترای زمین شناسی خود را دریافت کرد. از او مقالات و کتاب های متعددی در زمینه قرآن و علوم منتشر شده و برنامه های تلویزیونی متعددی نیز با این موضوع داشته است. از جمله کتاب های وی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) من آیات الاعجاز العلمی فی القرآن، دارالمعرفه، بیروت، لبنان؛

ب) من آیات الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم (۱)، مکتبه الشروق الدولیه؛

ج) من آیات الاعجاز العلمی (۵) النبات فی القرآن الکریم (الجزء الثانی)؛

د) من آیات الاعجاز العلمی (۶) النبات فی القرآن الکریم. (الجزء الثالث).

۲۲. دکتر مصطفی رجب (معاصر) و اعجاز تربیتی قرآن

او از نویسندگان معاصر اردن است که کتابی در زمینه اعجاز به نام الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم دارد. این کتاب در سال ۲۰۰۶م در اردن منتشر گردید.

وی در مورد چند آیه قرآن ادعای اعجاز تربیتی کرده است:

الف) اعجاز تربیتی قرآن در آیه رضاع؛ (۲)

ب) اعجاز تربیتی قرآن در آیات دعوت ابراهیم (علیه السلام). (۳)

ص: ۱۹۱

۱- (۱). ر.ک: مقاله «سازگاری یا ناسازگاری قرآن و علم جدید» از دکتر سید رضا مؤدب و همکاران، مجله قرآن و علم، شماره ۶، ص ۱۷۹.

۲- (۲). بقره، آیه ۲۳۳.

۳- (۳). مریم، آیات ۴۱-۴۵.

بررسی: نظریه اعجاز تربیتی قرآن که توسط دکتر مصطفی رجب مطرح شده از وجوه جدید اعجاز قرآن در حوزه علوم انسانی است که مورد توجه برخی دیگر از نویسندگان معاصر نیز واقع شده است؛ مثل محمد فرید در کتاب من وجوه الاعجاز به موارد دیگری از آن اشاره کرده است. هرچند برخی از مصادیق اعجاز تربیتی که این افراد ذکر کرده اند قابل تأمل و مناقشه است، اما در مجموع سخن نوآمد و ارزشمندی در وجوه اعجاز قرآن است که نیاز به کار علمی بیشتری دارد. (۱)

۲۳. اقتصاددانان معاصر و اعجاز اقتصادی قرآن

مبحث اعجاز اقتصادی قرآن نیز در عصر حاضر مورد توجه قرار گرفته و چند نفر از نویسندگان کتاب هایی در این مورد تألیف کرده اند؛ از جمله:

الف) الاعجاز الاقتصادي للقرآن الکریم؛ تألیف دکتر رفیق یونس المصری که دار القلم دمشق در سال ۱۴۲۶ ق (۲۰۰۵م) آن را منتشر کرده است. این کتاب در ۱۸ فصل سامان یافته است؛ فصل اول و دوم مقدمات و در پانزده فصل مصادیق اعجاز اقتصادی قرآن از نظر نویسندگان مطرح شده اند؛ مثل تحریم ربا، توزیع ثروت در آیه (كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ) و.... در فصل آخر نیز به اصول و اشارات علم محاسبه در قرآن پرداخته شده است.

ب) الاعجاز الاقتصادي فی القرآن الکریم (دراسه تأصیلیه تطبیقیه)؛ تألیف دکتر اسامه سید عبد السمیع که دارالفکر الجامعی مصر در سال ۲۰۰۹م آن را منتشر کرده است. مؤلف بعد از فصل مقدماتی در دوازده فصل مصادیق اعجاز اقتصادی قرآن (مثل زکات، انفاق و تحریم ربا) را بیان کرده و در پایان به مباحث تطبیقی اقتصادی پرداخته است.

ص: ۱۹۲

۱- (۱). ما در فصول بعدی برخی از مصادیق اعجاز تربیتی را بررسی خواهیم کرد.

بررسی: اعجاز اقتصادی، یکی از وجوه نوآمد در زمینه اعجاز قرآن است که در قرن حاضر مطرح گردیده؛ هر چند طنطای جوهری (قرن چهاردهم) به نوعی آن را در مورد آیه ربا ذکر کرده بود؛ ولی نه با نام اعجاز اقتصادی. (۱) به هر حال نظریه اعجاز اقتصادی یکی از ابعاد جدید و ارزشمند در مورد قرآن است که به کار علمی بیشتری نیاز دارد.

۲۴. دکتر امیرعلی لطفی (معاصر) و اعجاز مدیریتی قرآن

دکتر امیرعلی لطفی از فضیله‌های معاصر، فارغ التحصیل رشته قرآن و علوم با گرایش مدیریت، (۲) مدرس حوزه و دانشگاه و دارای آثار قلمی متعدد از جمله مقاله «اعجاز مدیریتی قرآن» (۳) است. او اعجاز مدیریتی قرآن را با دو رویکرد مطرح می‌کند:

دو تبیین و تصویر مستقل از اعجاز مدیریتی قرآن وجود دارد. در یک نگاه، منظور وجود آیات و آموزه‌هایی در قرآن است که مطالب و دقایق علمی را در قلمرو مسائل و موضوعات دانشی سازمان و مدیریت مطرح کرده‌اند؛ اعم از مطالب علمی که تاکنون از سوی دانش کشف و تبیین شده است. بدیهی است که وجود چنین مطالب علمی در قرآن، نوعی رازگویی علمی در این عرصه از دانش بشری شمرده می‌شود و کشف و تبیین آنها از سوی دانشمندان، وحیانی بودن قرآن و صدق رسالت و پیام آوری نبی

ص: ۱۹۳

-
- ۱- (۱). ما در فصول بعدی برخی از مصادیق اعجاز اقتصادی را بررسی خواهیم کرد.
 - ۲- (۲). رشته قرآن و علوم با ده گرایش (مدیریت، اقتصاد، علوم تربیتی، سیاست، روان شناسی، جامعه شناسی، حقوق، نجوم، بهداشت و سلامت، تاریخ) در سال ۱۳۸۶ ش در مدرسه عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه با مجوز رسمی وزارت علوم ایران شروع به کار کرده و تاکنون چند دوره به صورت موفق برگزار شده است.
 - ۳- (۳). مجله تخصصی قرآن و علم، شماره ۷، زمستان ۱۳۸۹ ش.

اکرم (صلی الله علیه و آله) از سوی خدا را اثبات می کند.

در نگاه دوم منظور این است که قرآن کریم از زمان نزول تاکنون در حوزه مدیریت و رهبری انسان و جامعه کارکرد اعجاز گونه داشته و جلوه هایی از اعجاز خود را در پرورش مدیران و نهادسازی و هدایت و رهبری نهادها و سازمانها به اثبات رسانده است. شخصیت عظیم پیامبر گرامی و ائمه عصمت و طهارت -صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین- و تحول چشم گیر جامعه عربستان و شکل گرفتن کانون های عشق و ایمان و جهاد و شهادت در طول تاریخ اسلام از بارزترین مصادیق اعجاز مدیریتی قرآن می باشد.

فراخوانی مخاطبان به همآوردی و معارضه، ایجاد انگیزه برای معارضه و اقدام و رویارویی عملی آنان با قرآن، تسلیم شدن معارضان در برابر قرآن و عجز آنان از آوردن مثل آن، پیش بینی قطعی نوع رویارویی و معارضه مخاطبان با قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، پاسخ به شبهه های مخالفان عصر نزول (قدرت تصمیم و اقدام)، رفع زمینه شبهه های قطعی الوقوع از سوی معاندان (قدرت پیش بینی آینده و برنامه ریزی اقدام و رویارویی مؤثر)، عرضه محتوای هماهنگ با فطرت بشری و متناسب با همه نمودهای عینی آن، بیان نمادین و رمز گونه از سبک های متنوع و موفق هدایت، رهبری و مدیریت پیامبران، اشاره های دقیق و علمی به مبانی و گونه های رفتار مؤمنان، کفار و منافقان، ایجاد نظام معنایی جامع و جاودانه برای جذب، هدایت و رهبری انسان ها، پرورش انسان های وارسته، رهبرانی مقتدر و پیروانی ثابت قدم، رویارویی پیروزمندانه با مکاتب و اندیشه های رقیب و انحرافی، زدودن نقاب از باطل های حق نما و... از جمله نشانه های رهگیری و تبیین اعجاز مدیریتی قرآن کریم است. (۱)

بررسی: طرح اعجاز مدیریتی قرآن مسئله ای نوآمد است؛ هر چند اثبات آن به کاوش و تلاش نیاز دارد. طرح این دیدگاه می تواند فضای جدیدی را در ابعاد

ص: ۱۹۴

اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی بگشاید؛ به ویژه که طراح آن شخصی فاضل و متخصص در حوزه تفسیر قرآن و دانش مدیریت است.

۲۵. دکتر علی رضا قائمی نیا (معاصر) و اعجاز شناختی قرآن

وی اولین بار در مجله ذهن (ش ۳۱) طی مقاله ای «اعجاز شناختی قرآن» را مطرح کرد؛ سپس در مجله قرآن و علم (ش ۹) آن را به طور کامل تری ارائه و به عنوان کرسی نظریه پردازی علمی در ایران مطرح کرد. (۱) نظریه بدین شرح است:

قرآن نوعی اعجاز بنیادی دربردارد که می توانیم آن را «اعجاز شناختی» بنامیم. این نوع اعجاز بر اساس تحلیل های زبان شناسی شناختی قابل تبیین است.

مراد از اعجاز شناختی قرآن این است که مفهوم سازی های قرآن از موقعیت های مختلف بی نظیر هستند. این نظریه در واقع به پردازش اطلاعات در آیات مربوط می شود. آیات قرآن هم مانند تعابیر زبانی با موقعیت هایی ارتباط دارند و به واسطه پردازش خاصی از اطلاعات راجع به آن موقعیت، آنها را نشان می دهند.

واژه ها نقش شناختی مهمی دارند. آنها - به تعبیر لنگ اکر (Lang Acker) - از حوزه های مختلف معرفتی نمابرداری می کنند. از این رو، گزینش یک واژه، حوزه معرفتی خاصی در ذهن مخاطب برمی انگیزد. به واژه «رقبه و «عبد» در قرآن توجه کنید:

(وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ ...) ؛ (۲) «و هیچ مؤمنی را نسزد که مؤمنی را - جز

ص: ۱۹۵

۱- (۱). اعجاز شناختی قرآن، دکتر علیرضا قائمی نیا، کرسی نظریه پردازی شماره ۲۱، شورای عالی انقلاب فرهنگی، دبیرخانه هیئت حمایت از کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره (ویژه علوم انسانی و معارف دینی)، ۱۳۸۸ش.

۲- (۲). نساء، آیه ۹۲.

به اشتباه- بکشد. و هر کس مؤمنی را به اشتباه کشت، باید بنده مؤمنی را آزاد و به خانواده او خون بها پرداخت کند».

در این آیه واژه «رقبه» به کار رفته است که معنای خاصی دارد. از آنجا که رقاب (گردن های) بردگان را با طناب می بستند و آنها را به دنبال خود می کشیدند، به بردگان «رقبه» گفته می شد. در نتیجه، این واژه از لحاظ وضع لغوی رنج و محنت های برده ها را به ذهن می آورد. آیه فوق در سیاق آزاد کردن برده ها نازل شده است و در چنین سیاقی باید واژه ای به کار می رفت که با اشاره کردن به رنج ها و محنت ها بردگان مخاطب را از لحاظ عاطفی تحریک کند.

در دیگر سیاق ها به جای «رقبه» واژه «عبد» به کار رفته است که بار معنایی فوق را ندارد؛ مانند:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ...؛ (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! درباره کشتگان، بر شما [حق] قصاص مقرر شده: آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده...).

این آیه به بیان مسئله قصاص می پردازد. بی تردید در این سیاق باید واژه ای به کار برود که مخاطب را از لحاظ عاطفی تحریک نکند. به همین دلیل، واژه «عبد» به کار رفته که رنج ها و محنت های بردگان را نشان نمی دهد. همچنین آیه:

(... وَ لَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَ لَوْ أَعْجَبَكُمْ...؛ (۲) «و با مردان مشرک ازدواج مکنید، تا ایمان بیاورند. قطعاً بنده با ایمان بهتر از مشرک است؛ هرچند [زیبایی] او شما را به شگفت آورد».

در مقام بیان مسئله ازدواج است. در این مورد هم «عبد» به کار رفته است که به رنج ها و محنت های بردگان اشاره نمی کند. خلاصه، در این مورد

ص: ۱۹۶

۱- (۱). بقره، آیه ۱۷۸.

۲- (۲). همان، آیه ۲۲۱.

با دو مقوله «عبد» و «رقبه» روبه رو هستیم که قرآن هر یک از آنها را به تناسب با سیاق به کار می برد.

۲۶. دکتر محمدرفعت احمد زنجیر، اعجاز دینامیکی قرآن

ایشان استاد دانشگاه عجمان بوده و کتابی تحت عنوان دینامیکه القرآن الکریم وجه من وجوه اعجازه در سال ۱۴۳۱ق توسط «دار اقرء» در سوریه منتشر کرده است. وی پویایی قرآن در لغات، صوت، حرکت اجتماعی و قانون گذاری را از ابعاد اعجاز قرآن شمرده است.

۲۷. حسام البیطار، اعجاز کلمات در قرآن

ایشان در کتابی تحت عنوان اعجاز الکلمه فی القرآن الکریم وجه غیر مسبوق فی اعجاز الکلمه المفرده که در سال ۲۰۰۵ در اردن توسط «مطابع الدستور التجاریه» منتشر کرده است. شماره برخی کلمات قرآن و اسرار آنها را بررسی کرده است؛ از جمله کلمه جن، حج و... و اعجاز کلمات را پذیرفته است.

۲۸. خمیس جابر صفر، اعجاز جدلی در قرآن

ایشان که از اساتید دانشگاه الازهر است در کتابی تحت عنوان الاعجاز الجدلی فی القرآن که در سال ۱۴۳۱ق توسط دارالصحابه بطنطنا منتشر کرده است. جدل های خاص در قرآن را بررسی و اعجاز جدلی قرآن را پذیرفته است.

۲۹. دکتر بدرالدین عبدالکریم احمد، اعجاز هندسی قرآن

ایشان در کتاب الاعجاز الهندسی فی القرآن الکریم که در سال ۱۴۳۲ق توسط دارالصحابه بطنطنا منتشر کرده است. و اعجاز هندسی قرآن را در مورد مرکز زمین، عرض زمین و آسمان و... پذیرفته است.

فهرست ابعاد اعجاز قرآن (از آغاز تا پانزدهم قمری)

ردیف	وجه اعجاز	زمان	مبتکر	توضیح
۱	عدم اختلاف در قرآن (استقامت بیان)	قرن سوم	ابوالهدیل علاف	عدم اختلاف در قرآن آمده و در احادیث اشاره شده است.
۲	صرفه	قرن سوم	نظام	
۳	نظم و اسلوب	قرن سوم	جاحظ	
۴	اعجاز بلاغی (اعجاز ادبی)	قرن چهارم	ابو عیسی رمانی	به اعجاز ادبی برمی گردد که در احادیث اشاره شده و در عصر نزول مطرح بوده است
۵	انتخاب غیبی (گذشته و آینده)	قرن چهارم	ابو عیسی رمانی	در آیات و روایات اشاره شده است
۶	تحدی (چالش قرآن با مخالفان)	قرن چهارم	ابو عیسی رمانی	در آیات و روایات اشاره شده است
۷	اعجاز تطبیقی (مقایسه قرآن با معجزات پیامبران گذشته)	قرن چهارم	ابو عیسی رمانی	
۸	نقض عادت	قرن چهارم	ابو عیسی رمانی	
۹	شیرینی و جذبه (موسیقی و روحانیت قرآن)	قرن چهارم	خطابی	در احادیث اشاره شده است
۱۰	معارف علمی عالی از فرد امی	قرن پنجم	باقلانی	در آیات و روایات اشاره شده است
۱۱	فصاحت	قرن پنجم	شیخ مفید	به اعجاز ادبی برمی گردد که در احادیث اشاره شده و در عصر نزول مطرح بوده است
۱۲	وجود همه علوم در قرآن	قرن ششم	غزالی	در آیات و احادیث اشاره شده است
۱۳	ایجاد بیم در دل مخالفان	قرن ششم	فاضی عیاز	

ردیف	وجه اعجاز	زمان	مبتکر	توضیح
۱۴	اشتمال بر علوم و معارف در کلمات اندک	قرن ششم	قاضی عیاز	
۱۵	اعجاز ذوقی (درک می‌شود ولی توصیف نمی‌شود)	قرن ششم	سکاکی	
۱۶	زیبایی معنا	قرن ششم	طبرسی	
۱۷	اعجاز محتوایی (مطلب مورد تأیید عقل)	قرن ششم	راوندی	
۱۸	جزالت (فخامت و صلاحیت)	قرن هفتم	قرطبی	
۱۹	وفای به عهد (وعده‌های قرآن عملی شده‌اند)	قرن هفتم	قرطبی	می‌تواند زیر مجموعه اخبار غیبی قرار گیرد
۲۰	حکمت‌های رسا	قرن هفتم	قرطبی	می‌تواند زیر مجموعه اعجاز محتوایی قرار گیرد
۲۱	تحریف‌ناپذیری	قرن هشتم	ابن جزری کلبی	می‌تواند زیر مجموعه اخبار غیبی قرار گیرد
۲۲	توصیف خدا و اسماء و صفات او	قرن هشتم	ابن جزری کلبی	می‌تواند زیر مجموعه اخبار محتوایی قرار گیرد
۲۳	آسان بودن حفظ قرآن	قرن هشتم	ابن جزری کلبی	
۲۴	ملول‌شدن خواننده و شتونده قرآن (طراوت در هر زمان)	قرن هشتم	ابن جزری کلبی	می‌تواند زیر مجموعه وجه جذب و موسیقی قرار گیرد
۲۵	نوآوری در ابتدا و پایان و اهداف سوره‌ها و نیز مبادی آیات و فواصل آنها	قرن هشتم	الامیر العلوی	
۲۶	زیبایی تألیف	قرن دهم	سیوطی	می‌تواند زیر مجموعه اعجاز ادبی قرار گیرد
۲۷	مناسبت بین آیات	قرن دهم	سیوطی	می‌تواند زیر مجموعه اعجاز ادبی قرار گیرد

ردیف	وجه اعجاز	زمان	مبتکر	توضیح
	و سوره‌ها			قرار گیرد
۲۸	بلاغت آغاز و پایان سوره‌ها	قرن دهم	سیوطی	می‌تواند زیر مجموعه بلاغت قرآن قرار گیرد
۲۹	آیات شبیه به یکدیگر	قرن دهم	سیوطی	
۳۰	آیات مشکل و به ظاهر متعارض	قرن دهم	سیوطی	
۳۱	تأثیر در مخاطب	قرن دهم	سیوطی	
۳۲	اختصار و تفصیل برخی آیات	قرن دهم	سیوطی	
۳۳	بدیع‌های بلیغ	قرن دهم	سیوطی	می‌تواند زیر مجموعه اعجاز ادبی قرار گیرد
۳۴	آیات مبهم و موجب تحیر عقول	قرن دهم	سیوطی	
۳۵	الفاظ مشترک	قرن دهم	سیوطی	
۳۶	وجود ناسخ و منسوخ	قرن دهم	سیوطی	می‌تواند زیر مجموعه اعجاز محتوایی قرار گیرد
۳۷	تقسیم آیات به محکم و متشابه	قرن دهم	سیوطی	می‌تواند زیر مجموعه اعجاز محتوایی قرار گیرد
۳۸	اختلاف قرائات (الفاظ حروف)	قرن دهم	سیوطی	
۳۹	تقدیم و تأخیر الفاظ	قرن دهم	سیوطی	می‌تواند زیر مجموعه اعجاز ادبی قرار گیرد
۴۰	افاده حصر و اختصاص	قرن دهم	سیوطی	
۴۱	اشتمال بر لغات	قرن دهم	سیوطی	می‌تواند زیر مجموعه اعجاز محتوایی قرار گیرد
۴۲	الفاظ عام و خاص	قرن دهم	سیوطی	می‌تواند زیر مجموعه اعجاز محتوایی

سیر تطور اعجاز قرآن ۲۰۱

ردیف	وجه اعجاز	زمان	مبتکر	توضیح
				قرار گیرد
۴۳	اجمال و تبیین	قرن دهم	سیوطی	می تواند زیر مجموعه اعجاز محتوایی قرار گیرد
۴۴	استدلال بر مفهوم و منطوق آیات	قرن دهم	سیوطی	می تواند زیر مجموعه اعجاز محتوایی قرار گیرد
۴۵	تنوع خطاب ها	قرن دهم	سیوطی	می تواند زیر مجموعه اعجاز ادبی قرار گیرد
۴۶	حقایق و مجاز	قرن دهم	سیوطی	می تواند زیر مجموعه اعجاز ادبی قرار گیرد
۴۷	تشبیهات و استعارات	قرن دهم	سیوطی	می تواند زیر مجموعه اعجاز ادبی قرار گیرد
۴۸	گونه های خبری و انشایی	قرن دهم	سیوطی	می تواند زیر مجموعه اعجاز ادبی قرار گیرد
۴۹	کناپات و تعریض قرآن	قرن دهم	سیوطی	می تواند زیر مجموعه اعجاز ادبی قرار گیرد
۵۰	قسم های قرآن	قرن دهم	سیوطی	می تواند زیر مجموعه اعجاز محتوایی قرار گیرد
۵۱	امثال قرآن	قرن دهم	سیوطی	می تواند زیر مجموعه اعجاز محتوایی قرار گیرد
۵۲	برهان های قرآن	قرن دهم	سیوطی	می تواند زیر مجموعه اعجاز محتوایی قرار گیرد
۵۳	گستره قرآن (اشتمال بر موضوعات زیاد)	قرن دهم	سیوطی	می تواند زیر مجموعه اعجاز محتوایی قرار گیرد
۵۴	مطالب علمی دقیق نسبت به مبدأ و معاد (عدم خلل در معارف قرآن)	قرن دوازدهم	علامه مجلسی	می تواند زیر مجموعه اعجاز محتوایی قرار گیرد

ردیف	وجه اعجاز	زمان	مبتکر	توضیح
۵۵	اشتمال بر مکارم اخلاق	قرن دوازدهم	علامه مجلسی	
۵۶	تشابه کلام خدا و ذات او	قرن دوازدهم	حقی بروسوی	در احادیث اشاره شده بود
۵۷	تأثیر در اصلاح قلوب	قرن دوازدهم	حقی بروسوی	می تواند زیرمجموعه اعجاز اخلاقی یا جذبه و تأثیر قرار گیرد
۵۸	خبر از حیات داشتن موجودات	قرن دوازدهم	حقی بروسوی	می تواند زیرمجموعه اخبار غیبی یا اعجاز علمی قرار گیرد
۵۹	اعجاز علمی در حوزه طبیعت	قرن چهاردهم	اسکندرانی	
۶۰	اعجاز تاریخی	قرن چهاردهم	بلاغی	می تواند زیرمجموعه اخبار غیبی قرار گیرد
۶۱	اعجاز تشریحی (قانون گذاری)	قرن چهاردهم	بلاغی	
۶۲	اعجاز اخلاقی (و تربیتی)	قرن چهاردهم	بلاغی	ریشه سخن او در سخن علامه مجلسی وجود داشت
۶۳	اعجاز نفسی (روان شناختی)	قرن چهاردهم	امین خولی	
۶۴	تصویر هنری قرآن	قرن چهاردهم	سید قطب	
۶۵	وحدت موضوعی	قرن چهاردهم	عبدالمتعال صعیدی	
۶۶	اعجاز نجومی قرآن	قرن چهاردهم	سید هبة الدین شهرستانی	
۶۷	اعجاز طبی	قرن چهاردهم	زرقانی - عبدالعزیز پاشا	
۶۸	اعجاز صوتی	قرن چهاردهم	عبدالله دراز	

سیر تطور اعجاز قرآن ۲۰۳

ردیف	وجه اعجاز	زمان	مبتکر	توضیح
۶۹	ایجاد انقلاب	قرن چهاردهم	عبدالله دراز	
۷۰	اعجاز ریاضی (عددی)	قرن پانزدهم	رشاد خلیفه	
۷۱	معارف بلند عرفانی	قرن پانزدهم	امام خمینی	
۷۲	بطون قرآن	قرن پانزدهم	امام خمینی	
۷۳	اعجاز سیاسی	قرن پانزدهم	علامه طباطبایی و محمود مهدی استانبولی	
۷۴	اعجاز اجتماعی	قرن پانزدهم	علامه طباطبایی و محمود مهدی استانبولی	
۷۵	اعجاز مدیریتی	قرن پانزدهم	امیرعلی لطفی	
۷۶	اعجاز تربیتی	قرن پانزدهم	مصطفی رجب	
۷۷	اعجاز رنگ‌ها در قرآن	قرن پانزدهم	دکتر سید رضا پاک‌نژاد	
۷۸	تکرار قصه‌ها با حکمت و لذت جدید	قرن پانزدهم	سید ابوالقاسم خویی	
۷۹	تصدیق امام علی <small>علیه السلام</small> بر اعجاز قرآن	قرن پانزدهم	سید ابوالقاسم خویی	
۸۰	اعجاز اقتصادی	قرن پانزدهم	رفیق یونس المصری	ریشه‌های اعجاز اقتصادی در تفسیر الجواهر المنطوقی وجود داشت
۸۱	اعجاز شناختی	قرن پانزدهم	دکتر علیرضا قائم‌نیا	
۸۲	اعجاز دینامیکی	قرن پانزدهم	دکتر محمدرفعت احمد زنجیر	
۸۳	اعجاز کلمات در	قرن پانزدهم	حسام البیطار	

از تحلیل مجموع ابعاد اعجاز قرآن نکات زیر استفاده می شوند:

الف) تمام وجوه اعجاز قرآن را می توان به سه وجه اصلی برگرداند:

یکم) اعجاز لفظی؛ مثل: وجوه فصاحت و بلاغت؛

دوم) اعجاز محتوایی؛ مثل: اعجاز در علوم طبیعی و تشریحی؛

سوم) نقش اعجاز آمیز قرآن در تحول تربیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی.

ب) برخی از ابعاد اعجاز قرآن در آیات و احادیث ریشه دارند. مثل: عدم اختلاف در قرآن و اعجاز تاریخی.

ج) در برخی قرن ها بحث اعجاز قرآن با رکود روبه رو بوده است؛ مثل: قرن های هفتم تا نهم، دوازدهم و سیزدهم قمری. مرحله اول می تواند در اثر عواملی همچون حمله مغول به کشورهای اسلامی و رکود عمومی علمی مسلمانان باشد و مرحله دوم نتیجه عواملی مثل رشد اخباری گری در جهان اسلام.

د) قرن سیزدهم قمری، دوره رشد بحث اعجاز قرآن در علوم طبیعی است. این مسئله می تواند تحت تأثیر رشد علوم طبیعی در غرب و انتقال آن به کشورهای اسلامی باشد. قرن چهاردهم قمری نیز دوران رشد مبحث اعجاز قرآن در علوم انسانی است که همچنان ادامه دارد.

۱. یکی از ابعاد هشتادویک گانه اعجاز قرآن را انتخاب و دلایل آن را بررسی کنید.

۲. پژوهش های جدید قرآنی چند سال اخیر را بررسی و بیان کنید چه وجوه تازه ای از اعجاز قرآن ادعا شده اند، سپس آنها را بررسی کنید.

منابع جهت مطالعه بیشتر

۱. کتاب های اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب آمده اند.

۲. مقالات اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب ذکر شده اند.

۳. پایگاه های اینترنتی اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب آمده اند.

۴. مجلات میان رشته ای قرآن و علوم اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب به آنها اشاره شده است.

۵. پایان نامه های میان رشته ای قرآن و علوم اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب ذکر شده اند.

اشاره

اهداف: در این فصل انتظار می رود مباحث زیر را بشناسیم:

۱. چیستی اعجاز علمی؛ ۲. تاریخچه و اقسام اعجاز علمی؛ ۳. مبانی و روش شناسی اعجاز علمی

درآمد

در فصل قبل مطالب مفصلی در مورد مفهوم شناسی اعجاز، آیات تحدی و سیر تطور اعجاز علمی قرآن بیان شدند که در ضمن آنها به ریشه های اعجاز علمی قرآن در صدر اسلام نیز اشاراتی شد. سپس شروع آن با غزالی (م ۵۰۵ ق) و اوج گیری آن در قرن های چهاردهم و پانزدهم یادآوری گردید. اما بعد اعجاز علمی قرآن در عصر ما مورد توجه قرار گرفته و هر روز در حال گسترش است؛ از این رو در این فصل ابتدا به مفهوم شناسی آن در علوم طبیعی و انسانی و بیان اقسام آن می پردازیم و در ادامه مبانی و روش شناسی اعجاز علمی قرآن را مورد بررسی قرار می دهیم و آسیب های این مبحث را روشن می سازیم.

۱. چیستی اعجاز علمی قرآن

اشاره

مقدمه

قرآن کریم کتاب آسمانی مسلمانان و معجزه جاویدان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است.

ص: ۲۰۷

این کتاب که دلیل حقانیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اسلام بوده و هست، در طی چهارده قرن گذشته همگان را به مبارزه فراخوانده تا هر کس می تواند سوره ای مانند آن را بیاورد. (۱) البته تاکنون کسی نتوانسته است به این مبارزه طلبی قرآن پاسخ دهد.

اعجاز قرآن ابعاد و وجوه مختلفی دارد؛ یکی از آنها اعجاز علمی است که در عصر حاضر مورد توجه ویژه قرآن پژوهان و متخصصان علوم طبیعی و انسانی قرار گرفته است. (۲) هنوز در مورد تعریف و چیستی اعجاز علمی، پرسش ها و شبهاتی وجود دارند که لازم است مورد مذاقه قرار گیرند. این نوشتار بر آن است که به این پرسش ها پاسخ دهد و دیدگاه های مختلف را مورد آن بررسی کند.

تعریف اعجاز علمی قرآن

مراد آیاتی از قرآن کریم است که بدین صورت باشند:

۱. رازگویی علمی باشند؛ یعنی مطلبی علمی را که قبل از نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته بیان کنند؛ طوری که مدت ها بعد از نزول آیه مطلب علمی کشف شود و این مسئله علمی طوری باشد که با وسایل عادی که در اختیار بشر عصر نزول بوده قابل اکتساب نبوده باشد.

۲. اخبار غیبی در مورد وقوع حوادث طبیعی و جریانات تاریخی ای باشند که در هنگام نزول آیه کسی از آنها اطلاع نداشته و پس از خبر دادن قرآن طبق همان خبر واقع شده باشند؛ این اخبار باید طوری باشند که به وسیله وسایل عادی قابل پیش بینی نباشند. پس اگر قرآن از مطلبی خبر داده که در کتاب های آسمانی گذشته

ص: ۲۰۸

۱- (۱). بقره، آیه ۲۳.

۲- (۲). ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱ و ۲، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی، و نیز اعجاز التربوی للقرآن، دکتر مصطفی رجب و

به آن اشاره شده باشد یا در مراکز علمی یونان و ایران و... در لابه لای کتاب های علمی و آرای دانشمندان ذکر شده باشد یا مطلبی باشد که طبیعتاً و به صورت غریزی قابل فهم است، معجزه علمی نیست. (۱)

۳. قابلیت استنباط نظام های علمی (سیاسی، اقتصادی، تربیتی و...) را داشته باشند؛ طوری که دیگران نتوانند مثل آن را بیاورند.

۴. بیان کننده نقش قرآن در تحول اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تربیتی جامعه صدر اسلام و هر جامعه ای که قرآن در آن اجرا می گردد باشند؛ به شرط آن که دیگران به صورت عادی از ایجاد چنین تحوّل عاّز باشند.

بنابراین اعجاز علمی قرآن را به دو صورت درون متنی و برون متنی و در مجموع به سه گونه می توان تصور کرد:

یکم) وجود گزاره های علمی در قرآن که شامل اخبار غیبی نسبت به امور طبیعی یا تاریخی باشند و بعد از مدتی کشف و اثبات شوند؛ مثل: خبر قرآن در مورد پیروزی رومیان بر ایرانیان (۲) و خبر قرآن در مورد زوجیت عام موجودات (وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ...). (۳)

این گونه اعجاز علمی غالباً به صورت تفسیر تربیتی و استخدام علوم در فهم آیات قرآن صورت می گیرد.

دوم) استنباط نظام علمی از قرآن در رشته ای خاص، به صورت تفسیر موضوعی و استنباطی انجام می گیرد؛ مثلاً- نظام اقتصادی قرآن (که شامل: مبانی اقتصاد، اهداف، قلمرو، اصول، آموزه ها و... است) و نیز نظام های تربیتی سیاسی قرآن؛ به صورتی که

ص: ۲۰۹

۱- (۱). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱، ص ۸۵.

۲- (۲). روم، آیه ۲.

۳- (۳). ذاریات، آیه ۴۹.

دانشمندان مکاتب مادی از آوردن مثل آنها عاجز باشند. به عبارت دیگر نظامی که قرآن ارائه می کند کار آمدتر، جامع تر و منسجم تر است و تمام ابعاد جسمی و روحی بشر را دربر می گیرد و نتایج بهتری برای رسیدن بشر به سعادت دارد.

سوم) اعجاز علمی برون متنی یعنی نقش تاریخی قرآن در تحول مردم از زاویه یک علم خاص؛ مثلاً نقش قرآن در تحول جامعه عرب جاهلی (با خصوصیات جهل، خرافه پرستی، شرک، دخترکشی، انحرافات اخلاقی، جنگ طلبی، تعصب و...) به یک جامعه متمدن، آن هم در کم تر از دو قرن. به دیگر سخن منظور نقش قرآن در تحولات تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... در جامعه است؛ به صورتی که دیگران از انجام چنان تحولی در آن مدت کوتاه عاجز باشند. این اعجاز علمی قرآن با مطالعه فرهنگ قرآن، فرهنگ عرب جاهلی قبل از اسلام و تاریخ مسلمانان و نیز تحلیل تحولات فرهنگی و علمی آنها به دست می آید.

نکته جالب این است که اعجاز علمی قرآن در هر یک از سه گونه فوق قابل طرح و بررسی است و کتاب هایی که در تاریخچه بحث معرفی کردیم، هر کدام به گونه ای از اعجاز علمی قرآن اشاره کرده اند. البته لازم نیست در زمینه هر علمی هر سه گونه وجود داشته باشند، هر چند گونه اول بیشتر در علوم طبیعی و دو گونه دیگر بیشتر در علوم انسانی ادعا شده و کاربرد دارند.

در قرآن کریم چهار دسته آیات علمی وجود دارند که فقط یک دسته از آنها اعجاز علمی است:

۱. اعجازهای علمی قرآن: یعنی رازگویی های علمی قرآن که در آیات به صورت واضح آمده اند و در زمان نزول آیه کسی از آنها اطلاع نداشته و حتی مدت ها بعد از نزول آیه، مطلب علمی آن توسط دانشمندان کشف شده است؛ (۱)

ص: ۲۱۰

مثل اشاره عملی قرآن به نیروی جاذبه، (۱) حرکت های خورشید، (۲) لقاح ابرها (۳) و زوجیت عام موجودات (۴) و مراحل خلقت انسان (۵) که قرن ها بعد از نزول قرآن بشر به این مطالب علمی دست یافت. از این رو برخی مفسران قرآن این مطالب را اعجازهای علمی قرآن دانسته اند. البته ادعاهای دیگری نیز در مورد اعجازهای علمی قرآن شده که مورد نقد قرار گرفته اند. (۶)

۲. اشارات علمی شگفت آمیز قرآن: برخی آیات قرآن به مطالب علمی و قوانین جهان اشاره می کنند و شگفتی هر خواننده ای را برمی انگیزند؛ اما از آنجا که این مطالب به صورت دیدگاه های غیرمشهور در مراکز علمی، توسط برخی دانشمندان مطرح شده بود، اعجاز علمی قرآن به شمار نمی آیند؛ بلکه نوعی مخالفت با دیدگاه ها و نظریه های مشهور در علوم آن عصر هستند. این مطالب شگفت آور، بر عظمت علمی قرآن دلالت دارند. اشارات قرآن به حرکت زمین، (۷) پیدایش حیات از آب، (۸) ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه (۹) و ممنوعیت شراب خواری (۱۰) نمونه هایی از این مطالب شگفت آورند.

ص: ۲۱۱

-
- ۱- (۱). رعد، آیه ۲ و لقمان، آیه ۱۰.
 - ۲- (۲). یس، آیه ۳۸ و رعد، آیه ۲.
 - ۳- (۳). حجر، آیه ۱۲.
 - ۴- (۴). رعد، آیه ۲ و یس، آیه ۳۶ و شعراء، آیه ۷.
 - ۵- (۵). مومنون، آیات ۱۲ - ۱۴ و حج، آیه ۵ و غافر، آیه ۶۷ و قیامت، آیات ۳۷-۳۹.
 - ۶- (۶). ر.ک: مدخل «اعجاز علمی قرآن» از همین دانشنامه و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین.
 - ۷- (۷). ر.ک: نمل، آیه ۸۹ و... (صاحب تفسیر نمونه این مطلب را از اعجازهای علمی قرآن می شمارد، نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۸ و ۵۶۹).
 - ۸- (۸). ر.ک: نور، آیه ۴۵ و انبیاء، آیه ۳۰ (صاحب التمهید این مطلب را از اعجازهای علمی قرآن بشمار می آورد، التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۳۶).
 - ۹- (۹). ر.ک: بقره، آیه ۲۲۲ و تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹۳-۹۴ و طب در قرآن، ص ۵۰-۵۱.
 - ۱۰- (۱۰). ر.ک: مائده، آیات ۹۰ و ۹۱ و بقره، آیه ۲۱۹.

۳. اشارات علمی اندیشه ساز قرآن: آیاتی که به آسمان، زمین، انسان، حیوانات و طبیعت اشاره و انسان را به تفکر در آنها دعوت می کنند و گاهی آنها را نشانه وجود خدا و حقیقت معاد برمی شمارند. البته از ظاهر این آیات نمی توان مطلب شگفت آمیز یا اعجاز آمیزی را استفاده کرد. این گونه آیات توجه انسان را به جلوه های زیبای آفرینش الهی جلب می کنند و زمینه رشد علمی بشر را - به ویژه در علوم تجربی - فراهم می سازند؛ مانند این آیه: (أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ)؛ (۱) «و آیا به شتر نظر نمی کنند که چگونه آفریده شده است؟!».

همچنین در آیات ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۳ و ۱۴ سوره نحل به منافع حیوانات، نزول باران، رویش گیاهان رنگارنگ، دریاها و کشتی رانی در آنها و فواید غذایی و زیور آلاتی که از آنها به دست می آید، به عنوان نشانه هایی برای اندیشمندان اشاره شده است تا به آفریننده جهان پی برند و سپاسگزاری کنند. (۲)

۴. نظریه پردازی های علمی قرآن (جهت دهی به مبانی علوم انسانی و موضوع سازی برای علوم):

برخی اشارات علمی قرآن که به صورت پیشگویی علمی مطرح شده اند، و هنوز توسط علوم تجربی اثبات یا نفی نشده اند. دورنمای مثبتی برای این مطالب وجود دارد و می توان آنها را در هر علمی به صورت حقایق قرآنی و نظریه های علمی قرآن ارائه کرد. (۳)

ص: ۲۱۲

۱- (۱). غاشیه، آیه ۱۷.

۲- (۲). البته در میان آیات ۵- ۱۷ سوره نحل نکات علمی شگفت آوری به چشم می خورند که آنها را به قسم بعدی ملحق می کنیم.

۳- (۳). مسئله گسترش جهان در کیهان شناسی (و السَّمَاءَ بَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ) (ذاریات، آیه ۴۷) و مسئله موجودات زنده در آسمان ها (وَمَا بَثُّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ) (شوری، آیه ۲۹) و نمونه های دیگری از این اشارات قرآن هستند.

همچنین در بسیاری از آیات قرآن از مبانی، اصول و قوانین سیاست، اقتصاد، مدیریت و... مطالبی بیان شده اند که می توان از آنها در نظام سازی و جهت دهی به علوم انسانی استفاده کرد؛ (۱) مثلاً براساس آیات نفی ربا می توان نظریه اقتصاد بدون ربا را مطرح کرد.

مبانی و معیارهای اعجاز علمی قرآن

تفسیر آیات علمی قرآن گاهی به اثبات اعجاز علمی آن منتهی می شود؛ بنابراین اعجاز علمی زیرمجموعه تفسیر علمی قرآن است و مبانی و ضوابط چنین تفسیری بر آن حاکم است. همچنین با توجه به این که اعجاز علمی قرآن زیرمجموعه مبحث اعجاز آن است، باید ضوابط و معیارهای اعجاز را نیز دارا باشد. بنابراین لازم است در مورد اعجاز علمی قرآن به این موارد توجه شود:

الف) مبانی تفسیر علمی، شامل مبانی عام تفسیر: مثل امکان و جواز تفسیر و عدم تحریف قرآن. مبانی خاص تفسیر علمی مواردی از این قبیل است:

۱. قرآن کتاب هدایت است و درصدد بیان همه جزئیات علوم بشری نیست و نباید انتظار داشته باشیم که همه جزئیات علوم از ظواهر قرآن استخراج شود.

۲. قرآن و علم رابطه ای سازگارانه دارند؛ بلکه بسیاری از یافته های اطمینان آور علمی با آیات قرآن مطابقت دارند. (۲)

۳. در قرآن آیات علمی ای وجود دارند که دربردارنده اشارات اعجاز آمیز علمی و خبرهای غیبی در مورد علوم است.

ص: ۲۱۳

۱- (۱). برای مثال از جریان طالوت (وَ زَادَهُ بَسِيطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ) (بقره، آیه ۲۴۷) و داستان یوسف (إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْم) (یوسف، آیه ۵۵) و موارد مشابه می توان شرایط مدیر را از قرآن استنباط کرد.

۲- (۲). ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱، محمدعلی رضایی اصفهانی.

۴. تحدی و مبارزه طلبی قرآن شامل جنبه اعجاز علمی نیز می شود.

ب) معیارهای تفسیر علمی، شامل معیارهای عام تفسیر قرآن: از روش ها و قراین معتبر تفسیر بهره گیری شود، تفسیر به رأی صورت نگیرد، مفسر دارای شرایط آن را انجام دهد و.... (۱)

ضوابط خاص تفسیر علمی نیز رعایت شوند؛ مثل این که مفسری وارد حوزه های تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن گردد که با دو حوزه تفسیر و علم مربوط آشنا باشد. او باید از مطالب قطعی یا اطمینان آور علمی استفاده کند و از تحمیل نظریه های علمی بر قرآن و استخراج تمام جزئیات علوم از ظواهر بپرهیزد و به دنبال استخدام علوم در فهم و تفسیر قرآن باشد. (۲)

ج) ضوابط اعجاز قرآن که شامل ضوابط عام و خاص اعجاز علمی می شود. از جمله ضوابط عام اعجاز آن است که مطلبی خارق العاده (مثل خبر از غیب) باشد که دیگران نتوانند مانند آن را بیاورند و مدعی نبوت آن را آورده باشد؛ (۳) همان طور که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) قرآن را برای اثبات نبوت خویش ارائه کرد. ضوابط خاص اعجاز علمی نیز مواردی از این قبیل است:

۱. مطلب علمی با ظاهر یا نص آیه سازگار باشد تا تحمیل بر قرآن و تفسیر به رأی نشود.

۲. مطلب علمی قابل اطمینان یا قطعی باشد؛ نه نظریه ها و تئوری های اثبات نشده علمی. در غیر این صورت احتمالی تفسیری است و نمی توان به صورت قطعی آن را به قرآن نسبت داد و اعجاز علمی نخواهد بود.

ص: ۲۱۴

۱- (۱). ر.ک: منطق تفسیر قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی و روش شناسی تفسیر قرآن، رجیبی و دیگران.

۲- (۲). ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی.

۳- (۳). در این مورد در مباحث مفهوم شناسی اعجاز مطالبی بیان شد.

۳. قبل از قرآن کسی آن مطلب علمی را نگفته باشد و گرنه شگفتی علمی قرآن محسوب می شود؛ نه اعجاز علمی.

۴. در صدر اسلام مردم نتوانسته باشند به صورت عادی و با استفاده از ابزارهای علمی آن عصر آن مطلب را کشف کنند.

۵. بعد از قرآن صحت و درستی آن مطلب علمی اثبات شود. (۱)

چالش های مفهوم اعجاز علمی

در مورد اعجاز علمی قرآن شبهات و اشکالات متعددی مطرح شده و این جنبه از اعجاز قرآن را با چالش هایی روبه رو کرده اند. در اینجا مهم ترین آنها را بیان و بررسی می کنیم.

بعضی مخالفین اعجاز علمی می گویند که تفسیر علمی، اعجاز قرآن را اثبات نمی کند؛ زیرا:

۱. این که بعضی مطالب علمی قرآن، با اکتشافات جدید مطابق است، ثابت می کند که قرآن را انسانی عادی بیان نکرده و از طرف خدای دانا به حقایق نازل شده است؛ ولی این مطلب نشان دهنده اعجاز قرآن نیست؛ چون تورات و انجیل اصلی هم از طرف خدا نازل شده اند؛ درحالی که معجزه نیستند. اعجاز قرآن - که تحدی قرآن نیز برای آن است - اعجاز بیانی و ادبی است که کسی مثل آن را نمی توانست و نمی تواند بیاورد.

۲. آیات و مطالب علمی قرآن در همه سوره ها نیامده اند؛ درحالی که تحدی قرآن این است: (أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَلَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّ)

ص: ۲۱۵

۱- (۱). در این مورد در مباحث مفهوم شناسی اعجاز علمی مطالبی بیان شد.

(كُنْتُمْ صَادِقِينَ) ، (۱) (وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عِبَادِنَا فَآتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ) ؛ (۲) «یک سوره مانند قرآن را بیاورید».

پس اعجاز قرآن با آوردن هر سوره ای اثبات می شود؛ درحالی که طبق نظریه اعجاز علمی، فقط سوره هایی که آیات علمی دارند، اعجاز را ثابت می کنند.

۳. اعجاز علمی قرآن را فقط افراد متخصص درک می کنند؛ نه همه مردم؛ درحالی که تحدی قرآن برای همگان است.

۴. اعجاز علمی قرآن موجب می شود که قرآن تابع علم شود؛ یعنی باید منتظر پیشرفت علوم بشری بود تا اعجاز قرآن اثبات شود.

۵. اگر قرآن را بر اساس علوم بشری متغیر پایه گذاری کنیم، هرگاه نظریه های علمی تغییر کنند، اعجاز علمی باطل می شود.

۶. مطلب علمی کشف شده، قبل از کشف، خارق عادت و معجزه نیست و بعد از کشف هم یک مطلب علمی عادی است و خارق عادت نیست. به عبارت دیگر مطلب علمی قبل از کشف روشن نیست تا قابل تصدیق و تکذیب باشد و بعد از کشف هم خرق عادت نیست؛ بلکه از طرق عادی می توان بدان رسید و قابل تکرار است.

۷. معجزه، کاری خارق العاده است که برای اثبات منصب الهی انجام می دهند؛ حال آن که در صدر اسلام برای اثبات نبوت ادعای اعجاز علمی نبود و در قرآن هم به آن تحدی نشده است.

۸. آیا دانشمندانی که مطالب علمی را قبل از کشف حدس می زنند و حدس آنها به وقوع می پیوندد، اعجاز علمی دارند؟

ص: ۲۱۶

۱- (۱) . یونس، آیه ۳۸.

۲- (۲) . بقره، آیه ۲۲.

۹. در علوم طبیعی اخبار غیبی درباره طبیعت معنا دارد و مطابقت خبر غیبی قرآن با واقعیت نیز توسط دانشمندان قابل کشف است؛ اما در علوم انسانی این گونه نیست؛ چون در برخی علوم نظریه های علمی رقیب وجود دارند (مثل اقتصاد سوسیالیستی و کاپیتالیستی و نیز نظریه های هم عرض در علوم تربیتی، جامعه شناسی و روان شناسی) پس در این موارد واقعیت در اختیار ما نیست تا با مطالب علمی قرآن تطبیق شود.

۱۰. تفاوت معجزه علمی با خبر غیبی چیست؟

۱۱. با اعجاز علمی ناتوانی مخاطبان احراز نمی شود؛ چون دانشمندانی که مطالب علمی را کشف می کنند رقیب قرآن می شوند.

بررسی

می توان برای اشکالات و شبهات مطرح شده درباره اعجاز علمی قرآن پاسخ هایی مطرح کرد (که برخی قبلاً مطرح شده اند)؛ از جمله:

۱. معجزه عملی خارق عادت است از کسی که ادعای نبوت دارد برای اثبات صدق ادعایش. این عمل با اذن خدا انجام می شود و دیگران از آوردن مثل آن ناتوان هستند.

کسانی که می گویند مطالب علمی قرآن، بر اعجاز آن دلالت دارد، منظورشان این است که آورده شدن مطالب علمی در چهارده قرن قبل - که دانشمندان، بعد از قرن ها آنها را از طریق علوم تجربی کشف کردند- نشان می دهد که قرآن کلام صادر شده از یک انسان معمولی نیست؛ بلکه از طرف خدا آمده است (تا اینجا با اشکال کننده توافق داشتیم). پس انسان عادی نمی تواند مانند این مطالب علمی را بیاورد؛ نه در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) می توانستند و نه الان کسی می تواند، مطالب علمی قرن ها بعد را

ص: ۲۱۷

بیان کند. پس قرآن معجزه بوده و الان هم نسبت به مطالب علمی ای که مثلاً یک قرن بعد کشف می شود معجزه است (در عین حال که اعجاز ادبی آن هم پابرجاست).

این که ما در هر زمان، مطلب جدیدی از قرآن به دست می آوریم، خود اعجاز این کلام را می رساند و برای اثبات اعجاز قرآن (یا از طرف خدا بودنش) احتیاج به دلیلی غیر خودش نداریم. تورات و انجیل از طرف خدا بودند؛ ولی اثبات صدق موسی و عیسی (علیهما السلام) به وسیله این دو کتاب نبود (پس نفس تورات و انجیل معجزه نبودند؛ به خلاف قرآن)؛ بلکه اثبات تورات و انجیل (که کلام خدا باشند) احتیاج به معجزه و دلیل صدق (مثل عصای موسی) داشت؛ همان طور که این معجزه اصل نبوت آنان را نیز اثبات می کرد. به عبارت دیگر در مورد قرآن، معجزه و کتاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) (که کلام خداست) یکی شده اند؛ اما در مورد تورات و انجیل این دو از هم جدا می شوند؛ یعنی مطالب علمی قرآن دو چیز را اثبات می کند: اول معجزه بودن قرآن و دوم این که از طرف خدا نازل شده است.

۲. اعجاز علمی قرآن، در بعضی سوره ها برای ما آشکار و در برخی دیگر آشکار نشده است و این آشکار نشدن دلیل بر عدم اعجاز علمی آن سوره ها نیست. از

طرف دیگر کسی که ادعا می کند قرآن اعجاز علمی دارد، نمی گوید تک تک آیات و سوره ها اعجاز علمی دارند تا این اشکال به او وارد شود که تحدی قرآن در مورد تک تک سوره هاست. اعجاز قرآن جهات مختلف (ادبی، علمی، عدم وجود اختلاف، قوانین عالی و...) دارد و لازم نیست هر سوره از همه جهات معجزه باشد؛ بلکه از یک جهت هم که معجزه باشد تحدی قرآن صحیح است.

۳. اشکال سوم به همه جهات اعجاز قرآن وارد است؛ چون اعجاز ادبی قرآن را هم همه انسان ها خصوصاً غیر عرب هایی که اهل علم نیستند نمی توانند تشخیص دهند؛ ولی این دلیل بر بی اعتباری اعجاز ادبی یا اعجاز علمی قرآن نیست. از طرف دیگر تحدی برای هر کس در حد معلومات اوست؛ اگرچه اطلاع او از اعجاز قرآن و ناتوانی خویش برای همآوردی با قرآن، از طریق واسطه ای باشد؛ یعنی از متخصص پرسش کند. همچنین تحدی قرآن برای هر گروه مخاطبان، متناسب با علم و تخصص آنان است.

۴. در مورد تبعیت باید به دو نکته توجه نمود:

اولاً- در اعجاز علمی قرآن، علم تابع قرآن است؛ زیرا قرآن پیش گام است؛ قرآن مطلبی علمی را قرن ها قبل مطرح نموده (که به صورت نظریه علمی قرآن باقی مانده است) و بعدها علم آن را کشف می کند.

ثانیاً اعجاز علمی قرآن (و حتی ابعاد دیگر اعجاز، مانند: ادبی، تشریحی و معارف بلند قرآن) مستمر است و در هر عصر مصادیق جدیدی از آن کشف می شود. به عبارت دیگر مفهوم کلی اعجاز علمی (و دیگر وجوه اعجاز) با یک مصداق ثابت می شود و در هر عصری که مصداق جدیدی از آن کشف می شود، استمرار می یابد و نوبه نو می شود. پس اعجاز علمی قرآن یک گام از علم جلوتر است.

۵. اگر معیارهای اعجاز علمی رعایت نشوند، اشکال ابطال نظریه های علمی و به تبع آن ابطال اعجاز علمی وارد خواهد بود؛ اما اگر معیارها رعایت شوند اشکال برطرف می شود.

از جمله این معیارها آن است که اعجاز علمی قرآن بر اساس یافته های اطمینان آور علمی پایه گذاری شود؛ چون یافته های علوم بشری دو دسته اند: نظریه های علمی ثابت نشده (که تعدادشان بسیار است) و نظریه های ثابت شده و قطعی. (۱) شخصی که به دنبال اثبات اعجاز علمی قرآن است، باید دقت کند که نظریه های علمی ناپایدار

ص: ۲۱۹

را به صورت قطعی به قرآن نسبت ندهد و بر آن تحمیل نکند؛ چون تفسیر به رأی و حرام است. اما اگر یافته علمی، قطعی یا اطمینان آور بود و با نص یا ظاهر قرآن تطابق داشت - با فرض داشتن شرایط دیگر اعجاز علمی - می توان تطابق آن را با آیه قرآن اعجاز علمی دانست.

لازم به یادآوری است که احتمال تغییر در مطالب اطمینان آور علوم، در مورد همه علوم وجود دارد؛ همان طور که در تاریخ منطق، فلسفه، فقه و... ملاحظه می شود. اصولاً رشد علوم به تغییر و تکامل است و این تغییرات جزئی علوم، مانع استفاده از نتایج و دست آوردهای علوم نمی شود؛ نه در تفسیر و علوم قرآن و نه در علوم دیگر.

۶. اعجاز علمی قرآن زیرمجموعه اخبار غیبی است و در این گونه معجزات، خرق عادت آن است که مدعی معجزه، قبل از دیگران و بدون استفاده از وسایل عادی همان عصر هم نمی توانند از آن اطلاع یابند. همین عجز مخاطبان برای اثبات اعجاز کافی است و به نوعی به نسل های بعدی خبر می دهد که معجزه واقع شده است. مثلاً در مورد حضرت عیسی (علیه السلام) در قرآن می خوانیم:

(وَ رَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْمَأْبْرَصَ وَ أَحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبَيِّنُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ) ؛ (۱) «او (او را به عنوان) فرستاده ای به سوی بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) قرار داده (که او به آنان می گوید) که من از طرف پروردگارتان نشانه ای [معجزه وار]، برایتان آورده ام؛ من از گل برای شما [چیزی] همانند شکل پرنده می سازم و در آن می دمم؛ پس به رخصت خدا، پرنده ای می گردد؛ و نابینای مادرزاد و (مبتلایان به)

ص: ۲۲۰

پیس را بهبود می بخشم و مردگان را به رخصت خدا زنده می کنم؛ و از آن چه می خورید و آن چه در خانه هایتان ذخیره می کنید، به شما خبر می دهم؛ که مسلماً در این [معجزات]، نشانه ای برای شماست، اگر مؤمن باشید».

در این آیه حضرت عیسی (علیه السلام) از چیزهایی که مردم در خانه ذخیره کرده یا می خورند خبر غیبی می دهد؛ در حالی که با وسایل عادی آن زمان اطلاع از داخل خانه ها ممکن نبود؛ ولی این معجزه واقع شد و الآن خبر آن به ما می رسد. معجزه علمی نیز همین گونه است؛ قرآن می فرماید: (وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ)؛ (۱) «و از هر چیز جفتی آفریدیم؛ باشد که شما متذکر شوید». وقتی که زوجیت عام موجودات در قرن بیستم میلادی کشف شد، اعجاز علمی قرآن اثبات گردید و بعد از اثبات، خبر این معجزه به نسل های بعدی می رسد. این ماهیت اعجاز غیبی و اخبار غیبی است؛ یعنی اعجاز آن در تقدم زمانی در خبر دادن بدون استفاده از وسایل عادی است و دیگران از آوردن مثل آن در همان عصر عاجزند. البته اعجاز قرآن با معجزات پیامبران پیشین از این جهت متفاوت است که اعجاز قرآن جاویدان است. در مورد اعجاز علمی نیز استمرار آن به کشف مصادیق جدید در طول اعصار است؛ از این رو اعجاز علمی تمام شدنی نیست.

۷. قرآن معجزه ای جاویدان برای همه زمان ها و مکان هاست و ابعاد اعجاز آن متعدد است و در هر عصری یک - یا چند - بُعد از اعجاز آن جلوه گری بیشتری دارد. پس لازم نیست که همه ابعاد اعجاز قرآن در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حتی در عصر ما مطرح شده باشند.

از طرف دیگر - همان طور که گذشت - تحدی و مبارزه طلبی قرآن مطلق و

ص: ۲۲۱

شامل همه ابعاد اعجاز آن است؛ اما نسبت به هر مخاطب در مورد علم او تحدی می کند. قرآن به ادیان صدر اسلام می فرماید: اگر می توانید کتابی با این فصاحت و بلاغت بیاورید و به دانشمندان عصر ما می فرماید: اگر می توانید کتابی مثل قرآن بیاورید که مطالب علمی را قبل از کشف بیان کرده باشد. پس تحدی به قرآن (اعم از لفظ و محتوا) کافی است و این شامل اعجاز علمی هم می شود؛ ابعاد جدید اعجاز قرآن، بر اساس مخاطب و پیشرفت علمی بشر در هر عصر روشن می شوند؛ همان طور که اعجازهای محتوایی دیگر (مثل اعجاز تشریحی) بعداً پیدا شدند. پس لازم نیست پیامبر یا مردم صدر اسلام نامی از اعجاز علمی قرآن برده باشند.

۸. دانشمندانی که حدس می زنند، اولاً پیش بینی می کنند و از آینده خبر قطعی نمی دهند؛ درحالی که قرآن خبر قطعی می دهد. ثانیاً معلوم نیست حدس دانشمندان مطابق واقع باشد؛ درحالی که اخبار غیبی قرآن مطابق واقعند و این مطلب بارها به اثبات رسیده است (علاوه بر آن که کلام صادق الهی است). ثالثاً حدس های دانشمندان شرط معجزه را ندارد؛ چون همراه با ادعای نبوت و مانند آن نیست و تحدی هم ندارد.

۹. همان طور که گذشت، اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی، به انطباق اخبار غیبی قرآن با یافته های اطمینان آور علوم طبیعی است. اما در حوزه علوم انسانی اعجاز علمی قرآن اولاً به نظام های اقتصادی، تربیتی، سیاسی و... است که می توان آنها را از قرآن استنباط کرد؛ و مبانی، اهداف و روش های آنها بر نظام های دیگر برتری دارد؛ چون نگاهی جامع به همه ابعاد وجودی انسان دارد و کارآمدتر است. ثانیاً به تحوّل تاریخی و علمی ای است که در جامعه جاهلیت عرب به وجود آورد؛ تحوّل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تربیتی که زندگی آنان را دگرگون کرد و ارتقا بخشید؛ درحالی که دیگر کتاب ها نمی توانند چنین تحول علمی ای را ایجاد کنند.

۱۰. معجزه علمی زیرمجموعه اخبار غیبی قرآن است و این قرآن همراه با تحدّی توسط مدعی منصب الهی آورده شده است. اما هر خبر غیبی ای معجزه نیست و ممکن است از باب کرامت باشد. همچنین هر خبر غیبی ای خبر علمی نیست. بنابراین رابطه بین خبر غیبی و اعجاز علمی «عموم خصوص من وجه» است.

۱۱. در اعجاز علمی قرآن ناتوانی مخاطبان قرآن در آوردن مثل آن محقق شده است؛ زیرا از صدر اسلام که اخبار غیبی علمی در قرآن آمده تا هنگامی که مطالب علمی کشف می شوند، دانشمندان علوم از آوردن مثل آن خبرهای غیبی عاجز بوده اند و بعد از کشف مطالب علمی نیز خبر اعجاز به صورت متواتر به ما می رسد. به عبارت دیگر ناتوانی و عجز مخاطبان اعجاز در ظرف زمانی انجام آن کافی است؛ همان طور که خبر غیبی حضرت عیسی (علیه السلام) در مورد غذاهای ذخیره شده و خورده شده در خانه ها (۱) تحقق یافت و بعد از آن خبر، اعجاز عیسی (علیه السلام) معتبر است.

پس نقش دانشمندان، کشف مطابقت کتاب تشریح (قرآن) با کتاب تکوین (طبیعت) است. کشف علمی دانشمندان معجزه نیست تا رقیب قرآن باشد؛ چون بدون تحدّی و ادعای منصب الهی است و اصولاً خبر غیبی نیست.

تذکر پایانی

در طول اعصار، مطالب جدید علمی از قرآن برداشت می شود و پرونده اعجاز علمی هر آیه علمی با یک مورد بسته نمی شود و در هر عصری به آوردن مثل آن اعجاز علمی تحدّی می شود؛ یعنی کسی بتواند خبری غیبی در مورد مسئله ای علمی قبل از اثبات آن بیاورد که دیگران (در شرایط ادعاکننده) از آوردن مانند آن عاجز باشند.

ص: ۲۲۳

آوردن اخبار علمی با وسایل عادی در صدر اسلام معجزه بود؛ نه با وسایل جدید در عصر ما؛ همان طور که قرآن در مورد اعجاز اخبار غیبی حضرت عیسی (علیه السلام) در مورد غذاهای داخل منازل مردم بیان کرده است، با وسایل آن زمان مردم قادر به آوردن مثل آن نبوده اند؛ اما امروز با دوربین ها و اشعه های خاص می توان این کار را انجام داد. در زمان ما خبر متواتر سخن حضرت عیسی (علیه السلام) و واکنش مخاطبان به عنوان معجزه مطرح است.

۲. تاریخچه و اقسام اعجاز علمی قرآن

اشاره

درآمد

در فصل اول، ابتدا ریشه های اعجاز علمی در صدر اسلام را به کمک احادیث بررسی کردیم. سپس شروع این بحث با سخنان غزالی و اوج گیری آن در قرن چهاردهم و پانزدهم بررسی شد. در این بخش به مراحل رشد و اقسام اعجاز علمی قرآن خواهیم پرداخت و به برخی از مهم ترین قائلان اعجاز علمی در عصر حاضر می پردازیم.

مراحل رشد اعجاز علمی قرآن

اول) سرچشمه ها در قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم السلام)

سرچشمه اعجاز علمی را می توانیم در آیات قرآن و احادیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) بیابیم. این سرچشمه ها از چند جهت قابل بررسی هستند:

الف) آیات قرآن

برخی آیات قرآن کریم زمینه مطالعات علمی مفسران و قرآن پژوهان را فراهم ساخته اند و نتیجه این امر توضیح و تفسیر علمی آیات است که در برخی موارد

ص: ۲۲۴

اعجاز علمی قرآن را به ارمغان می آورد. برخی از این آیات عبارتند از:

۱. آیاتی که فلسفه احکام را بیان می کنند؛ مثال:

(يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْئَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ) ؛ (۱) «از تو درباره شراب و قمار می پرسند؛ بگو: در آن دو، گناه [و زیانی] بزرگ و سودهایی برای مردم است؛ و [لی] گناه آن دو از سود آن دو بزرگ تر است. و از تو می پرسند: چه چیزی [در راه خدا] مصرف کنند؟ بگو: بخشش (متعادل، یا از مازاد مال یا از بهترین قسمت آن). این چنین خدا آیات را برای شما روشن بیان می کند، تا شاید شما تفکر کنید».

در آیه فوق، فلسفه حرمت قمار و شراب بیان گردیده و باعث تحقیقات مفصلی در این باره شده است؛ و حتی برخی ادعای اعجاز علمی قرآن را در این باره مطرح کرده اند؛ (۲) که این ادعا قابل نقد و بررسی است.

۲. آیاتی که انسان را به تفکر در طبیعت، آسمان و مراحل خلقت انسان دعوت و گاهی برخی گزاره های علمی را بیان می کند؛ مثال:

(اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بَلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوفَّقُونَ * وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغِشِّي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) ؛ (۳) «خدا کسی است که آسمان ها را، بدون ستون هایی که آنها را ببینید برافراشت؛ سپس بر تخت (جهان داری) تسلط یافت و خورشید

ص: ۲۲۵

۱- (۱). بقره، آیه ۲۱۹.

۲- (۲). ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۳۱-۳۴۶.

۳- (۳). رعد، آیات ۲-۳.

و ماه را رام ساخت؛ هر کدام تا سرآمد معینی روان اند. کارها را تدبیر می کنند؛ آیات (و نشانه های خود) را شرح می دهد؛ تا شاید شما به ملاقات پروردگارتان یقین پیدا کنید. و او کسی است که زمین را گسترانید و در آن [کوه های] استوار و جوی ها قرار داد و از همه محصولات، در آن، یک جفت دوتایی قرار داد؛ روز را به شب می پوشاند. قطعاً در آن [ها] نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند».

در این آیات بحث نیروی جاذبه (بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرْوُنَهَا) و زوجیت گیاهان مطرح شده که از اعجازهای علمی قرآن هستند. (۱) آیات مراحل خلقت انسان (۲) نیز زمینه ساز طرح اعجاز علمی قرآن در مراحل خلقت شدند. (۳)

۳. آیاتی که اخبار غیبی گذشته یا آینده را بیان می کنند؛ (۴) این آیات زمینه ساز طرح اعجاز تاریخی قرآن شدند و این یکی از اقسام اعجاز علمی قرآن است. (۵)

ب) احادیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام)

۱. برخی احادیث به صورت کلی از اخبار غیبی قرآن نسبت به گذشته و آینده خبر داده اند؛ مثلاً امام علی (علیه السلام) می فرماید:

«انّ فيه علم ما يأتي والحديث من الماضي...»؛ (۶) «به راستی که در قرآن آگاهی نسبت به حوادث آینده و اخبار گذشته است». این گونه احادیث زمینه ساز طرح اعجاز تاریخی قرآن شدند.

ص: ۲۲۶

۱- (۱). در فصول بعد به طور مفصل در این باره بحث خواهد شد.

۲- (۲). حج، آیه ۵؛ مؤمنون آیه ۱۲.

۳- (۳). ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، جلد دوم.

۴- (۴). مثل: روم، آیه ۲ - ۴ و آیات قصص قرآن.

۵- (۵). در مباحث تاریخیچه اعجاز قرآن به نمونه های متعددی در این باره اشاره شد؛ در فصول آینده نیز اعجاز تاریخی قرآن به صورت مستقل مورد بررسی قرار می گیرد.

۶- (۶). نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸.

۲. برخی احادیث از اخبار آسمان و زمین در قرآن سخن گفته اند. (۱) این گونه احادیث زمینه ساز طرح اعجاز علمی قرآن (بیان اخبار غیبی نسبت به طبیعت و کیهان) در حوزه علوم طبیعی شدند.

۳. برخی احادیث مطالب کیهان‌شناختی را بیان می‌کنند که علامه مجلسی آنها را در دو جلد ۵۶ و ۵۷ بحار الانوار گردآوری کرده است. در این احادیث گاهی به روشنی، آیات علمی قرآن در زمینه کیهان‌شناسی توضیح داده شده اند؛ مثال: (اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْبَغَ عَلَيْهَا السَّمَاءَ عَلَى الْعَرْشِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ)؛ (۲) «خدا کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آنها را ببینید، برافراشت؛ سپس بر تخت (جهان‌داری) تسلط یافت و خورشید و ماه را رام ساخت؛ هر کدام تا سرآمد معینی روان اند. کارها را تدبیر می‌کند؛ آیات (و نشانه‌های خود) را شرح می‌دهد؛ تا شاید شما به ملاقات پروردگارتان یقین پیدا کنید».

از امام رضا(علیه السلام) نقل شده که فرمود:

«ثم عمد ولكن لا ترونها»؛ (۳) «در آنجا ستون‌هایی است؛ اما شما آنها را نمی‌بینید».

این گونه احادیث مورد توجه مفسران قرآن قرار گرفته (۴) و بر اساس آنها اعجاز علمی قرآن در مورد اشاره به نیروی جاذبه - در آیه فوق - تثبیت شده است.

۴. برخی احادیث مطالب پزشکی را بیان می‌کنند که در کتاب‌هایی مانند

ص: ۲۲۷

۱- (۱). کافی، ج ۲، ص ۵۹۹ (این احادیث در مبحث سیر تطور اعجاز قرآن، ذیل مبحث قرآن اول و دوم گذشت).

۲- (۲). رعد، آیه ۲.

۳- (۳). تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۸۵ که از تفسیر علی ابراهیم و تفسیر عیاشی نقل کرده است.

۴- (۴). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹ و ج ۱۰، ص ۱۰ و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، از نگارنده، ج ۱، ص ۱۶۲.

«طب النبي (صلى الله عليه و آله)»، «طب الصادق (عليه السلام)»، «طب الرضا (عليه السلام)»، «رساله ذهبيه امام رضا (عليه السلام)» و «دانشنامه احاديث پزشكي» جمع آوري شده اند. برخي از اين احاديث آيات طبي قرآن را توضيح مي دهند و زمينه طرح اعجاز طبي در احاديث و آيات را فراهم کردند.

آري؛ سرچشمه ها و زمينه هاي اعجاز علمي قرآن را مي توان در آيات و روايات پيدا کرد؛ هرچند در صدر اسلام به صراحت از اعجاز علمي قرآن نام برده نشده است.

دوم) طرح نظريه هاي اعجاز علمي قرآن در حوزه علوم طبيعي

همان طور که در فصل قبل گذشت، اعجاز علمي قرآن با تقريرها و مصاديق مختلف در طول تاريخ مطرح شده است. با توجه به اين که اين دیدگاه ها در فصل قبل به صورت مفصل بيان شدند، در اینجا اشاره ای به آنها می کنیم و مواردی را نیز می افزاییم:

۱. غزالی (م ۵۰۵ ق): طرح اشتمال قرآن بر همه دانش های مورد نیاز انسان؛ از جمله علوم تجربی؛ (۱)

۲. محمد بن احمد اسکندرانی (م ۱۳۰۶ ق): طرح اعجاز علمي قرآن در حوزه طبيعت و کيهان؛ (۲)

۳. عبدالرحمن کواکبي (۱۳۲۰ ق): طرح اعجاز علمي قرآن در حوزه علوم طبيعي؛ (۳)

۴. طنطاوی جوهری (م ۱۳۸۵ ق): طرح اعجاز علمي قرآن در حوزه علوم طبيعي؛ (۴)

ص: ۲۲۸

۱- (۱). ر.ک: احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۳۸۳ و جواهر القرآن، ص ۳۱.

۲- (۲). ر.ک: کشف الاسرار النواریه القرآنیه فیما يتعلق بالاجرام السماویه والارضیه والحيوانات والنباتات والجواهر المعدنیه.

۳- (۳). ر.ک: سیر تطور اعجاز قرآن، مبحث قرن چهاردهم، از همین نوشتار.

۴- (۴). همان.

۵. شیخ محمد عبده (۱۲۶۶ - ۱۳۲۳ق): بیان مصادیق جدید اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی و کیهان شناسی؛ (۱)
۶. رشید رضا (۱۳۵۴ق): ذکر مصادیق جدید اعجاز علمی قرآن در تفسیر المنار. (۲)
۷. محمد صادق رافعی (۱۳۵۶ق): طرح مصادیق جدید اعجاز علمی قرآن؛ (۳)
۸. عبدالعظیم زرقانی (م ۱۳۶۷ق): طرح اعجاز پزشکی قرآن؛ (۴)
۹. محمد مصطفی مراغی (م ۱۹۴۵م) و احمد مصطفی مراغی (م ۱۳۷۱ق): بیان مصادیق جدید اعجاز علمی قرآن و رابطه آن با پیشرفت علوم بشری؛ (۵)
۱۰. عبدالله دراز (م ۱۳۷۷ق): طرح اعجاز صوتی؛ (۶)
۱۱. سید هبه الدین شهرستانی (۱۳۰۱ - ۱۳۶۹ق): طرح اعجاز نجومی قرآن؛ (۷)
۱۲. یدالله نیازمند شیرازی (زنده در ۱۳۲۶ش): بیان مصادیق جدید اعجاز علمی قرآن؛ مثل اعجاز فیزیولوژی کی و اعجاز در طرح نظریه تکامل؛ (۸)
۱۳. آیت الله احمد اهتمام (م ۱۳۴۶ش): طرح مصادیق جدید اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی؛ (۹)

ص: ۲۲۹

-
- ۱- (۱) . همان.
۲- (۲) . همان.
۳- (۳) . همان.
۴- (۴) . همان.
۵- (۵) . همان.
۶- (۶) . همان.
۷- (۷) . همان.
۸- (۸) . همان.
۹- (۹) . همان.

۱۴. آیت الله مکارم شیرازی (معاصر): بیان مصادیق متعدد اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی؛ (۱)
۱۵. آیت الله معرفت (م ۱۳۸۵): طرح مصادیق متعدد اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی؛ (۲)
۱۶. آیت الله سید ابوالقاسم خویی (م ۱۳۷۱ ش): بیان اسرار خلقت در طبیعت و جهان؛ (۳)
۱۷. شهید مطهری (م ۱۳۵۸ ش): طرح اعجاز علمی قرآن در حوزه طبیعت و کیهان؛ (۴)
۱۸. آیت الله فاضل لنکرانی (م ۱۳۸۶ ش): بیان اسرار خلقت در قرآن؛ (۵)
۱۹. دکتر سید رضا پاک نژاد (م ۱۳۶۰ ش): طرح اعجاز رنگ ها در قرآن؛
۲۰. آیت الله سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش): طرح اعجازهای قرآن در علوم طبیعی؛
۲۱. محمدتقی شریعتی (م ۱۳۶۶ ش): طرح اعجازها و نظریه پردازی قرآن در زیست شناسی و فیزیک؛
۲۲. مهندس مهدی بازرگان (م ۱۳۷۲ ش): بیان اعجاز قرآن در هواشناسی و خاک شناسی؛
۲۳. آیت الله سبحانی (معاصر): طرح اعجازهای کیهان شناختی و زیست شناسی قرآن؛

ص: ۲۳۰

-
- ۱- (۱) . همان.
- ۲- (۲) . همان.
- ۳- (۳) . همان.
- ۴- (۴) . همان.
- ۵- (۵) . همان.

۲۴. احمد امین (م ۱۹۵۴م - ۱۳۷۳ ق): بیان اعجازهای علمی قرآن در علوم طبیعی؛

۲۵. آیت الله صافی گلپایگانی (معاصر): ذکر اعجاز قرآن در تسخیر ماه؛

۲۶. دکتر موریس بوکای (معاصر): طرح اعجاز علمی قرآن در مقایسه با تورات و انجیل؛

۲۷. عبدالرزاق نوفل (معاصر): طرح اعجاز علمی قرآن در علوم طبیعی؛

۲۸. دکتر لیب بیضون (معاصر): بیان اعجاز علمی قرآن در علوم طبیعی و ریاضیات؛

۲۹. دکتر ذاکر عبدالکریم نائیک (ت ۱۹۶۵م): قرآن و علم جدید؛

۳۰. دکتر بدرالدین عبدالکریم احمد: اعجاز هندسی قرآن.

سوم) طرح نظریه های اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی

۱. علامه محمدجواد بلاغی نجعی (م ۱۳۵۲ق): طرح اعجاز تاریخی، تشریحی (قانون گذاری) و اخلاقی (و تربیتی) قرآن؛ (۱)

۲. امین خولی (م ۱۹۶۹م): طرح اعجاز نفسی (روان شناختی) قرآن؛ (۲)

۳. سید قطب (م ۱۳۸۷ق): طرح تصویر هنری قرآن و قوانین فرازمانی و فرامکانی؛ (۳)

۴. عبدالله دراز (م ۱۳۷۷ق): طرح اعجاز در انقلاب تاریخی قرآن؛ (۴)

۵. علامه طباطبایی (م ۱۳۶۰ ش / ۱۴۰۵ق): طرح اعجاز تشریحی و سیاسی قرآن (تفاوت اعجاز قرآن نسبت به معلومات

مخاطبان)؛ (۵)

ص: ۲۳۱

۱- (۱). ر.ک: سیر تطور اعجاز قرآن، مبحث قرن چهاردهم، از همین نوشتار.

۲- (۲). ر.ک: همان.

۳- (۳). همان.

۴- (۴). همان.

۵- (۵). همان.

۶. آیت الله محمدهادی معرفت (م ۱۳۸۵ ش): طرح اعجاز تشریحی قرآن؛ (۱)

۷. آیت الله سید ابوالقاسم خویی (م ۱۳۷۱ ش): بیان اعجاز تشریحی قرآن و اخبار غیبی؛ (۲)

۸. شهید مرتضی مطهری (م ۱۳۵۸ ش): طرح اعجاز قرآن در زمینه های هنری، تشریحی، اخلاقی و تربیتی؛ (۳)

۹. آیت الله محمد فاضل لنکرانی (م ۱۳۸۶ ش): طرح اعجاز تشریحی و اخبار غیبی قرآن؛ (۴)

۱۰. محمود مهدی استانبولی: طرح اعجاز سیاسی و اجتماعی قرآن؛ (۵)

۱۱. دکتر امیرعلی لطفی (معاصر): بیان اعجاز مدیریتی قرآن؛ (۶)

۱۲. دکتر مصطفی رجب (معاصر): طرح اعجاز تربیتی قرآن (الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم)؛ (۷)

۱۳. دکتر رفیق یونس المصری: طرح اعجاز اقتصادی قرآن (الاعجاز الاقتصادي للقرآن الکریم)؛

ص: ۲۳۲

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . همان.

۵- (۵) . ر.ک: سیر تطور اعجاز قرآن، قرن پانزدهم، و نیز فصل سوم اعجاز علمی در حوزه علوم انسانی (اقتصاد) در همین نوشتار.

۶- (۶) . ر.ک: سیر تطور اعجاز قرآن، قرن پانزدهم، و نیز مجله قرآن و علم، ش ۷، مقاله اعجاز مدیریتی قرآن.

۷- (۷) . ر.ک: سیر تطور اعجاز قرآن، قرن پانزدهم.

۸- (۸) . ر.ک: سیر تطور اعجاز قرآن، قرن پانزدهم، و نیز فصل سوم اعجاز علمی در حوزه علوم انسانی (اقتصاد) در همین نوشتار.

۱۴. دکتر اسامه سید عبدالسمیع: طرح اعجاز اقتصادی قرآن (۱) (الاعجاز الاقتصادي فی القرآن الکریم) (دراسه تأصیلیه تطبیقیه)؛

۱۵. دکتر نیاز علیشاه: طرح اعجاز قرآنی در نظام بین الملل حقوق بشر؛

۱۶. دکتر علی رضا قائمی نیا: اعجاز شناختی قرآن؛

۱۷. دکتر محمدرفعت احمد زنجیر: اعجاز دینامیکی قرآن؛

۱۸. خمیس جابر صفر: اعجاز جدلی در قرآن.

تذکر: در بخش منبع شناسی اعجاز علمی در پایان کتاب، فهرست مفصلی از کتاب ها در این موارد خواهد آمد.

چهارم) اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم عقلی

۱. قطب راوندی (م ۵۷۳ق): طرح اعجاز محتوایی مورد تأیید عقل؛ (۲)

۲. سید محمود شهاب الدین افندی آلوسی (م ۱۲۷۰ق): طرح اعجاز قرآن در موافقت با عقل و معانی دقیق آن؛ (۳)

۳. آیت الله محمد فاضل لنکرانی (م ۱۳۸۶ش)؛ بیان اعجاز قرآن در معارف اعتقادی عالی سازگار با عقل؛ (۴)

۴. رشاد خلیفه (معاصر): ذکر اعجاز ریاضی (عددی) قرآن؛ (۵)

تذکر: مبحث اعجاز عقلی زیر مجموعه «علم» به معنای اعم است؛ اما اگر «علم» را به معنای اخص یعنی علوم تجربی بدانیم، اعجاز عقلی خارج از موضوع خواهد بود.

ص: ۲۳۳

۱- (۱). همان.

۲- (۲). ر.ک: سیر تطور اعجاز قرآن، مبحث قرن ششم از همین نوشتار.

۳- (۳). ر.ک: همان، قرن سیزدهم.

۴- (۴). ر.ک: همان، قرن سیزدهم.

۵- (۵). ر.ک: سیر تطور اعجاز قرآن، مبحث قرن پانزدهم از همین نوشتار.

۱. شیخ اسماعیل حقی بروسوی (قرن سیزدهم): طرح اعجاز قرآن در تشابه کلام خدا و ذات او و تأثیر قرآن در اصلاح قلوب؛
(۱)

۲. امام خمینی (م ۱۳۶۷ ش): طرح اعجاز قرآن در معارف بلند عرفانی. (۲)

تذکر: «عرفان» زیرمجموعه «علم» به معنای اعم است و اگر «علم» را به معنای اخص یعنی علوم تجربی بدانیم، علوم عقلی خارج از موضوع خواهد بود.

۳. مبانی و روش شناسی اعجاز علمی

اشاره

در این مورد لازم است به مطالب زیر توجه شود تا اعجازهای علمی معتبری ارائه گردند.

الف) چیستی علم و تقسیم اجمالی علوم بشری

مفهوم لغوی کلمه «علم» و معادل های آن (مثل دانش و دانستن) روشن است (۳) ولی علم معانی اصطلاحی مختلفی دارد که ما برای روشن کردن مقصود خود از این کلمه، ناچاریم اشارات مختصری به آنها داشته باشیم. واژه علم در این موارد و معانی به کار می رود:

۱. اعتقاد یقینی مطابق با واقع؛ در برابر جهل بسیط و مرکب؛

ص: ۲۳۴

۱- (۱). ر.ک: همان، قرن سیزدهم.

۲- (۲). ر.ک: سیر تطور اعجاز قرآن، قرن پانزدهم در همین نوشتار.

۳- (۳). منطقیین علم را «حصول صورہ الشیء عند العقل» (حاصل شدن صورت چیزی در ذهن انسان) می دانند؛ چنانچه مرحوم مظفر در مقدمه کتاب المنطق می گوید. از سوی دیگر فلاسفه آن را به علم حصولی و حضوری تقسیم می کنند و بحث ما نیز در علم حصولی است که همان معنای منطقی علم است؛ هرچند در این زمینه فلاسفه غرب سخنان دیگری دارند که در خلال بحث به آنها اشاره خواهد شد.

۲. مجموعه قضایایی که مناسبتی بین آنها در نظر گرفته شود؛ هر چند قضایایی شخصی و خاص باشند؛ مانند علم تاریخ (دانستن حوادث خاص تاریخی) و علم رجال؛

۳. مجموعه قضایای کلی ای که محور خاصی برای آنها لحاظ شده و هر کدام قابل صدق و انطباق بر موارد و مصادیق متعدد می باشند؛ هر چند قضایایی اعتباری و قراردادی باشند. به این معنا علوم غیر حقیقی و قراردادی (مانند دستور لغت زبان) نیز علم خوانده می شوند؛

۴. مجموعه قضایای کلی حقیقی ای (غیر قراردادی) که دارای محور خاصی باشند؛ این اصطلاح، علوم نظری و عملی، از جمله الهیات و ما بعدالطبیعه را در بر می گیرد؛

۵. مجموعه قضایای حقیقی ای که از راه تجربه حسی قابل اثبات باشند. این همان اصطلاحی است که پوزیتیویست ها (اثبات گرایان) به کار می برند و بر اساس آن، علوم و معارف غیر تجربی را علم نمی دانند. این اصطلاح امروزه در جهان رونق گرفته است و طبق آن، علم را در مقابل فلسفه قرار می دهند. (۱)

هر چند جعل اصطلاح اشکال ندارد، اما اصطلاح اخیر، دیدگاه خاص پوزیتیویست ها (۲) در دایره معرفت یقینی و شناخت واقعی انسان است که آن را محدود به امور حسی و تجربی می پندارند؛ از این رو اندیشیدن، در ماورای طبیعت را لغو و بی حاصل می دانند. (۳)

ص: ۲۳۵

۱- (۱). علم در نظر آنان مطابق با کلمه Science است.

۲- (۲). Positivisme مکتبی است که توسط آگوست کنت (۱۸۵۷ - ۱۷۹۸ م Auguste Conte) بنیاد نهاده شد و ریشه آن در بحث اصالت حس «هیوم» بود که معرفت بشر را محدود به تجربه حسی می دانست.

۳- (۳). استاد مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۶۱، با تلخیص.

۶. در روایات اسلامی علم به معنای دیگری نیز آمده است: «نوری که توسط خدا در قلب می تابد». ولی این علم حقیقی یا نورانی، (۱) از مورد بحث ما خارج است و ما اینجا در مورد علوم ظاهری سخن می گوئیم.

منظور ما از علم در اعجاز علمی معنای پنجم است (علوم قابل تجربه حسی که پوزیتیویست ها می گویند). پس علم به معنای فلسفه و یا الهیات، از دایره بحث ما خارج است؛ زیرا کسانی که قرآن را با علوم تجربی تطبیق می کنند، بیشتر به همین علوم قابل تجربه حسی نظر دارند.

تقسیم بندی علوم بر اساس روش

در این تقسیم بندی، علوم بشری به چهار گروه تقسیم می شوند:

الف) علوم تجربی (۲): به دو دسته تقسیم می شوند: اول) علوم طبیعی (۳) (مانند: فیزیک، شیمی و زیست شناسی)؛ دوم) علوم انسانی (۴) (مانند: جامعه شناسی و اقتصاد). روش این علوم، براساس مشاهده و تجربه حسی است.

ب) علوم عقلی: این علوم نیز به دو گروه عمده تقسیم می شوند: اول) علوم منطق و ریاضیات؛ دوم) علم راجع به واقع؛ یعنی فلسفه که شامل فلسفه های مضاف (مانند: فلسفه اخلاق و فلسفه تاریخ) و فلسفه های غیر مضاف (مانند متافیزیک یا امور عامه) می شود.

ج) علوم نقلی: مانند تاریخ و لغت که در آنها از نقل استفاده می شود (البته منظور در اینجا علوم تعبدی شرعی نیست).

ص: ۲۳۶

۱- (۱). ر.ک: محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۶، ماده علم.

۲- (۲). Experimental Sciences.

۳- (۳). Natural Sciences.

۴- (۴). Humanities Sciences.

د) علوم شهودی: با علم حضوری به دست می آیند (مانند: علوم پیامبران(علیهم السلام) و عرفا).

شاید این طبقه بندی، کامل ترین تقسیمی باشد که تاکنون از علوم ارائه شده است. (۱)

ب) وجودناشتن همه علوم بشری در ظواهر قرآن

در این مورد سه دیدگاه عمده وجود دارند که به صورت مختصر به آنها اشاره و دلایل آنها را بررسی می کنیم:

دیدگاه اول: همه علوم بشری در قرآن وجود دارد:

این دیدگاه برای اولین بار در کتاب احیاء العلوم و جواهر القرآن ابو حامد غزالی (م ۵۰۵ق) دیده شده است. او سعی کرد نشان دهد که همه علوم را می توان از قرآن استخراج کرد:

«پس علوم، همه آنها در افعال و صفات خدا داخل هستند و خداوند در قرآن، افعال ذات و صفات خود را توضیح می دهد و این علوم بی نهایت اند و در قرآن به اصول و کلیات (مجامع) آنها اشاره شده است». (۲)

پس از غزالی ابوالفضل المرسی (۵۷۰ - ۶۵۵ق) که صاحب کتاب تفسیر است، این دیدگاه را به صورت افراطی می پذیرد و می گوید: «همه علوم اولین و آخرین در قرآن وجود دارند». (۳)

بدرالدین زرکشی (م ۷۶۴ق) در البرهان نیز این نظریه را می پذیرد. (۴)

پس از او جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ق) در دو کتاب الاتقان فی علوم القرآن

ص: ۲۳۷

۱- (۱) . برای آگاهی از تقسیم بندی های دیگر علوم ر. ک: در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده.

۲- (۲) . احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۸۹ چاپ دار المعرفه، بیروت.

۳- (۳) . ر. ک: التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۷۸-۴۸۲.

۴- (۴) . البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۸۱ چاپ دارالمعرفه، بیروت.

و الاكلیل فی استنباط التنزیل دیدگاه غزالی و المرسی را تقویت می کند. (۱)

مرحوم فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق) هم در مقدمه تفسیر صافی این دیدگاه را به صورت خاصی در قسمتی از علوم می پذیرد. (۲)

در عصر جدید نیز با پیشرفت علوم، این دیدگاه تقویت شد و کسانی مثل طنطاوی جوهری (ت ۱۸۶۲م) در تفسیر مشهور الجواهر فی تفسیر القرآن سعی کرد تا بسیاری از علوم جدید را به قرآن نسبت دهد.

جدیدترین تمایل نسبت به این نظریه از طرف شخصی به نام رضا نیازمند در سال (۱۳۷۵ش) اظهار شد که در مقاله ای نوشت: «کسی که قرآن را قبول داشته باشد، باید قبول کند که مطالب آن شامل کلیه علوم هم هست و در آن هر چیز بر اساس دانش تفصیل داده شده است». (۳)

دلایل دیدگاه اول:

۱. ظاهر برخی آیات قرآن دلالت می کند که همه چیز در قرآن وجود دارد؛ مثل: (...نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ...); (۴) «و کتاب (قرآن) را بر تو فرو فرستادیم که بیان گر هر چیز (از کلیات دین) است».

۲. آیاتی که به علوم مختلف اشاره می کنند؛ مثلاً آیه ای که از حساب سخن می گوید اشاره به علوم ریاضی دارد: (... وَ كَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ) . (۵) از آیه (رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ...) (۶)

ص: ۲۳۸

۱- (۱) . الاكلیل فی استنباط التنزیل، ص ۲ و الاتقان، ج ۲، ص ۲۷۱-۲۸۲ دار الکتب العلمیه، بیروت.

۲- (۲) . تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۷.

۳- (۳) . مجله بینات، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۲۱، تابستان ۱۳۷۵ ش.

۴- (۴) . نحل، آیه ۸۹.

۵- (۵) . انبیاء، آیه ۴۷.

۶- (۶) . غافر، آیه ۱۵.

نیز با حساب ابجد، ۳۶۰ درجه بودن درجات دایره در هندسه استخراج می شود. علم پزشکی را هم می توان از آیه (وَ إِذَا مَرَضْتُمْ فَهُوَ يَشْفِيكُمْ) (۱) به دست آورد.

۳. روایاتی که دلالت می کنند همه علوم در قرآن کریم وجود دارند؛ مثلاً از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود:

« ان الله تبارك وتعالى لم يدع شيئاً يحتاج اليه الامه الا نزله في كتابه وبينه لرسوله »؛ (۲) «خداوند تبارك و تعالی هیچ چیزی را که مسلمانان به آن محتاج باشند، فروگذار نکرده است؛ مگر آن که آنها را در قرآن نازل و برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بیان کرده است».

۴. دلیل دیگر بر وجود همه علوم در قرآن، مسئله بطون آن است. در روایات متعددی وارد شده که قرآن بطون مختلفی دارد. (۳) غزالی در احیاء العلوم به همین مطلب استشهاد می کند و تعداد علوم قرآن را تا هفتاد و هفت هزار و دوست علم ذکر کرده است. وی می گوید این عدد چهار برابر می شود؛ چون هر کلمه ای ظاهر و باطن و حد و مطلع دارد. (۴)

تذکر: دلایل این دیدگاه را هنگام ذکر دلایل دیدگاه های دوم و سوم بررسی و نقد خواهیم کرد.

دیدگاه دوم: قرآن برای هدایت و دین است؛ نه برای بیان مسائل علوم تجربی

این دیدگاه را می توان از سخنان برخی از صاحب نظران و مفسران استفاده کرد؛ مثلاً ابواسحاق شاطبی (م ۷۹۰ ق) - که اولین مخالف نظریه غزالی و المرسی بود

ص: ۲۳۹

۱- (۱). شعراء، آیه ۸۰.

۲- (۲). نورالثقلین، ج ۲، ص ۷۴.

۳- (۳). بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۹۵.

۴- (۴). احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۸۹.

چنان چه - می گوید: «قرآن برای بیان احکام آخرت و مسائل جنبی آن آمده است». (۱) نویسندگان تفسیرهای مجمع البیان و کشف نیز می نویسند: «منظور از بیان همه چیز در قرآن، مسائل مربوط به هدایت و دین است». (۲)

تذکر ۱: دلایل این دیدگاه همراه با دیدگاه سوم بیان می شود.

تذکر ۲: سخنان این بزرگان قابل توجیه و تأویل است و نمی توان گفت که آنان متمایل به دیدگاه سوم نبوده اند و گرنه ظاهر سخن آنان با ظواهر آیات قرآن ناسازگار است؛ زیرا در قرآن احکام، حدود، قوانین ارث، دستورات جنگ، حکومت، اقتصاد و... بیان شده اند؛ مسائلی که مربوط به دنیای مردمند. (۳)

دیدگاه سوم) دیدگاه تفصیل

یعنی از یک سو همه علوم بشری در ظواهر قرآن وجود ندارند و هدف اصلی قرآن نیز هدایت بشر به سوی خداست و از سوی دیگر قرآن کریم به تفکر و علم دعوت می کند و برخی از مثال ها و مطالب علمی صحیح و حق را بیان می کند که بیان گر اعجاز علمی آن هستند.

دلایل وشواهد:

در اینجا دلایل این دیدگاه را همراه با ردّ دلایل دیدگاه اول ذکر می کنیم:

۱. قرآن کتاب هدایت، اخلاق، تربیت و دین است و نازل شده تا انسان ها را به سوی فضیلت ها و خداشناسی هدایت کند. بنابراین ضرورتی ندارد که قرآن

ص: ۲۴۰

۱- (۱). الموافقات، ج ۲، ص ۷۶ - ۷۹ به نقل از التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۸۵.

۲- (۲). طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۸۹ و زمخشری، کشف، ج ۲، ص ۶۲۸.

۳- (۳). آیات مربوط به آیات الاحکام حدود پانصد آیه است که در کتاب هایی تحت همین عنوان جمع آوری شده است.

همه مسائل علوم تجربی، عقلی و نقلی را با تفصیلات و فرمول های آنها بیان کند؛ هرچند گاهی اشارات حق و صادقی به این مسائل شده است. این مطلب مورد تأکید مفسران قدیمی (۱) و صاحب نظران معاصر (۲) است.

۲. ظهور آیاتی که می گویند: «همه چیز در قرآن است» قابل اخذ نیست؛ زیرا:

اولاً) این ظهور برخلاف بداهت است؛ چون بسیاری از فرمول های شیمی و فیزیک در قرآن کریم نیست.

ثانیاً) برخی مفسران، ظهور این آیات را به طور صریح انکار کرده و گفته اند که منظور، وجود چیزهایی است که در مورد هدایت انسان لازم است و این ها در قرآن وجود دارند (۳) (کل شیء امور دینی).

ثالثاً) لفظ «کتاب» در آیات مورد بحث مانند (... نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ...) (۴) ممکن است معانی مختلفی داشته باشد؛ مثل: «قرآن کریم»، «لوح محفوظ»، «اجل»، «علم خدا» و «امام مبین». (۵) پس نمی توان گفت که حتماً مراد، قرآن است و همه چیز در آن وجود دارد. این اشکال در مورد روایاتی که مورد استناد واقع شده بودند نیز وارد است.

رابعاً) این آیات با دلیل عقل (قرینه لیبی) تخصیص می خورد و محدود می شود؛

ص: ۲۴۱

۱- (۱). ر.ک: مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۹۸ و کشاف، ج ۲، ص ۶۲۸.

۲- (۲). ر.ک: المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۵؛ استاد مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۲۹ و تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۶۱ و ۳۶۲.

۳- (۳). ر.ک: تفسیر القرآن الحکیم (معروف به المنار)، ج ۷، ص ۳۹۵ و تفسیر الجواهر، طنطاوی، ج ۸، ص ۱۳۰ و التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۸۹.

۴- (۴). نحل، آی ۸۹.

۵- (۵). ر.ک: مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۹۸ و ج ۶، ص ۳۸۰ و کشاف، ج ۲، ص ۶۲۸ و المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۵ و تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۸۱ و....

چون عقل انسان حکم می‌کند که قرآن در مورد هدف خود (هدایت معنوی انسان) همه چیز را بیان کند، نه در اموری که خارج از حوزه هدف آن است.

۳. هدف آیاتی که اشاراتی به علوم طبیعی دارند، کشف فرمول‌های هندسه و شیمی و... نیست؛ بلکه به طور استطرادی و حاشیه‌ای این مباحث را مطرح کرده‌اند؛ یعنی صرفاً ذکر مثال (البته حق و واقعی) است و هدف آنها آموزش علوم نیست.

همچنین برخی از آیاتی که مورد استشهاد طرفداران دیدگاه اول قرار گرفته‌اند، از لحاظ موازین تفسیری قابل نقد هستند؛ مثلاً: آیه (رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ) ربطی به درجات دایره ندارد. حمل آیات بدون قرینه عقلی یا نقلی معتبر بر یک مطلب، تفسیر به رأی است.

۴. مسئله بطون قرآن و علم ائمه (علیهم السلام) از مورد بحث ما خارج است؛ چون موضوع بحث در اینجا این است که آیا همه علوم بشری را می‌توان از ظواهر قرآن استخراج کرد یا نه؟

جمع بندی و نتیجه گیری

بنا بر آن چه بیان کردیم، به این نتیجه می‌رسیم که ظاهر آیات قرآن بر تمام علوم بشری (با فرمول‌ها و جزئیات آن) دلالت ندارد. در قرآن به بعضی از علوم و مطالب علمی اشاراتی شده است که استطرادی و عرضی هستند؛ ولی همه علوم بالفعل در قرآن نیستند. آیاتی که در این زمینه آمده‌اند، [\(۱\)](#) بر این دلالت دارند که همه احتیاجات دینی و هدایتی مردم، در قرآن به تفصیل یا اجمال ذکر شده‌اند. [\(۲\)](#)

ص: ۲۴۲

۱- (۱). مانند: نحل، آیه ۸۹ و انعام آیات ۳۸ و ۵۹.

۲- (۲). برای اطلاعات بیشتر در این زمینه و بررسی تفصیلی دلایل طرفین ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۷۵ ش.

در مبحث قبل روشن شد که قرآن دارای مطالب و اشارات علمی است؛ ولی همه علوم در قرآن وجود ندارند. اینک می‌خواهیم بدانیم آیا اشارات علمی قرآن، هدف اصلی آن است و یا اصلاً قرآن به صورت سمبلیک سخن گفته است. در این مورد سه نظریه ارائه می‌کنیم:

اول) ذکر مطالب و مثل‌های علمی در قرآن کریم، هدف اصلی و نهایی قرآن نیست و هدف اصلی قرآن هدایت انسان به سوی خداست؛ اما برای مثال زدن و شاهد آوردن، از مطالب علمی حق و واقعی استفاده می‌کند. این دیدگاه مطابق نظر بعضی از بزرگان و کسانی است که می‌گفتند: «قرآن تبیان (بیان‌کننده) هر چیزی است که در رابطه با هدایت دینی باشد.» (۱) یکی از مفسران معاصر می‌گوید:

طبق این دیدگاه گرچه قرآن در ظاهرش علوم و دانش‌های دیگر را مطرح نکرده، اما آیات قرآن برای علم و معرفت‌انگیزه ایجاد نموده که به چهار طریق انجام گرفته است:

۱. تجلیل از علم و دانش؛

۲. مهم‌ترین راه شناخت خدا مطالعه آیات آفاقی و انفسی است؛

۳. تکیه قرآن بر منابع شش‌گانه شناخت که این به معنای لزوم به کارگیری این منابع است؛

۴. بحث از صفات خدا و جنبه تربیتی آن؛ وقتی سخن از صفات خداوند به میان می‌آید، معنایش این است که این صفات در انسان هم منعکس شوند. (۲)

ص: ۲۴۳

۱- (۱). المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۵؛ مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۹۸ (در یک احتمال که ذکر کرده است)؛ کشف، ج ۲، ص ۲۱ و ۳۱.
۲- (۲). مجموعه سخنرانی‌های سومین کنفرانس دارالقرآن کریم، قم، ص ۴۰، سخنرانی استاد آیت الله مکارم شیرازی، دامت برکاته (با اندکی تصرف در عبارات).

دوم) هدایت و بیان مطالب علمی، دو هدف اصلی قرآن هستند. به عبارت دیگر همان طور که بیان هدایت دینی و معنوی انسان و بیان معارف الهی، از اهداف اولیه و اصلی قرآن کریم هستند، بیان مطالب علمی هم از هدف های اصلی قرآن به شمار می آیند. این کلام می تواند مطابق نظر کسانی باشد که می گفتند: «در قرآن همه معارف دینی و علوم بشری وجود دارند».

(۱)

البته چون در بحث قبل، وجود همه علوم در ظواهر قرآن را رد کردیم، مبنای دیدگاه دوم باطل شده است؛ اما برای روشن شدن مطلب، کلام یکی از نویسندگان در مورد مطالب علمی قرآن را می آوریم:

بعضی از بزرگان معاصر این طور فرموده اند: در قرآن کریم، بحث درباره جهان، طبیعت و انسان به طور استطرادی و تطفلی (حاشیه ای) به میان آمده است و شاید هیچ آیه ای نیابیم که مستقلاً به ذکر آفرینش جهان و کیفیت وجود آسمان ها و زمین پرداخته باشد.

هماره این بحث ها به منظور دیگر عنوان شده است. در موارد بسیار گفت و گو از آفرینش جهان و انواع آفریده ها برای آگاهانیدن انسان و رهنمونی اوست به عظمت الهی و سترگی حکمت که خدا در آفرینش به کار برده است.

در همه جا نیز این هدف ممکن است منظور باشد که انسان با نگرشی به عالم -از آن جهت که آفریده خدا و در چنبره تدبیر اوست- معرفت فطری و شناخت حضوری خود را شکوفایی دهد و شدت و نیروی بیشتری بخشد (و عقربه دل او را در جهت خدا نگه دارد). به عبارت دیگر، قرآن کتاب فیزیک، گیاه شناسی، زمین شناسی و یا کیهان شناسی نیست. قرآن کتاب انسان سازی است و نازل شده است تا آن چه را که بشر در راه تکامل حقیقی (تقرب به خدای متعال) نیاز دارد به او بیاموزد و از این رو آیات مربوط به جهان و کیهان در هیچ زمینه، هیچ گاه به بحث های تفصیلی در مورد موجودات نپرداخته است؛

ص: ۲۴۴

۱- (۱). تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۷، مجمع البیان (در یکی از احتمالاتی که ذکر کرده است)، ج ۴، ص ۲۹۸.

بلکه به همان اندازه هایی که هدف قرآن در هدایت مردم تأمین می شده، بسنده کرده است. به همین جهت برخلاف بسیاری از آیات دیگر، این آیات دارای ابهام هایی است و کم تر می توانیم یک نظر قطعی به قرآن نسبت دهیم. (۱)

سوم) قرآن در داستان ها و مثال های علمی، به صورت سمبلیک و طبق فرهنگ مخاطبین خود سخن می گوید و هدفش، بیان مطالب علمی به صورت اصلی یا عرضی نیست. در اینجا به نمونه ای از این کلمات اشاره می شود:

به زبان قرآن سخن می گویم که عمیق ترین و مترقی ترین اومانیزم را در قصه آدم و خلقت وی یافتیم. آدم مظهر نوع انسان است. حقیقت نوعی انسان به معنای فلسفی نه بیولوژیک... در آفرینش آدم زبانش زبان متشابه معنا و رمزی و فلسفی است. خلقت انسان، یعنی حقیقت و سرنوشت معنوی و صفات نوعی او، در قصه آدم فرمول دارد: روح خدا - لجن متعفن - انسان؛ لجن متعفن و روح خدا، دو رمز است، دو اشاره سمبلیک است. انسان واقعاً نه از لجن بدبو (حَمًا مَسْنُونٍ) (۲) ساخته شده و نه از روح خدا؛ بلکه اولی پستی، رکود و توقف مطلق را نشان می دهد و دیگری تکامل بی نهایت و برتری لایتناهی را می رساند. برای رساندن این معنای ترکیبی بهتر از روح خدا نمی توان یافت.

در جای دیگر می گوید:

اگر قصه های متشابه را به عنوان وقایع تاریخی بگیریم، نامفهوم و بی نتیجه است؛ اما اگر به عنوان حقایق سمبلیک بگیریم، مملو از اسرار علمی، انسان شناسی و تاریخ شناسی است. پس وقتی داستان هایبیل و قابیل گفته می شود، داستان آغاز بشریت را می خواهد به صورت رمزی و سمبلیک (همان طور که آلبر کامو، در داستان اوران می گوید) بگوید.

پس هایبیل نماینده یک مرحله از تاریخ بشری است.

انسان ها در آن دوره، هایبیلی هستند؛ دوره ای که اصولاً همه منابع

ص: ۲۴۵

۱- (۱). استاد محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۲۵ - ۲۲۸ با تلخیص.

۲- (۲). سوره حجر، آیه ۲۶.

اقتصادی در اختیار همه انسان ها به تساوی بوده است.

قابیل نماینده دوره ای است که یک قطعه زمین خدا را محصور می کند و نام خودش را بر آن منبع تولید می گذارد و بعد دیگران را به استثمار و بردگی می کشد و با از بین رفتن هابیل و ماندن قابیل، ما همه فرزندان قابیل هستیم. (۱)

برایت ویت، یکی از طرفداران تحلیل زبانی، در مورد داستان های خاص نظیر سیره مسیح می گوید:

درواقع یک داستان، شاید اگر بی انسجام باشد، پشتوانه بهتری برای سلوک علمی درازمدت ایجاد می کند. داستان ها معمولاً مفیدند که نه تأکید اکیدی در باب آنها هست و نه ایمان شدیدی؛ ولی همواره چون منبع الهامی برای عمل بوده اند. دین یک نقش ارزشمند ایفا می کند؛ بی آن که احکامی راجع به واقعیت صادر کرده باشد. (۲)

بررسی

نظریه اخیر ریشه در همان نظریات تحلیل زبانی اروپا دارد؛ زیرا یکی از نظریات آنان این است که زبان دین، واقعیت تاریخی یا علمی را نشان نمی دهد و احکامی راجع به واقعیت نیز ندارد. (۳)

یکی از مفسران معاصر در این زمینه می گوید:

ص: ۲۴۶

۱- (۱). برای اطلاع بیش تر، به مکارم شیرازی، تفسیر به رأی، ص ۷۳ - ۷۵ و دکتر علی شریعتی، اسلام شناسی، و جزوه های ۱۵ و ۱۶، حسینیه ارشاد ۴۳ به بعد مراجعه فرمایید.

۲- (۲). ایان باربور، علم و دین، ص ۲۸۳، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی (نشر دانشگاهی).

۳- (۳). از بزرگان این مکتب می توان از «برتراند راسل» و «مور» نام برد. شعار آنها این بود: «از مفهوم یک گزاره سؤال نکن؛ از کاربرد آن پرس». آنها برای زبان دینی و علمی نقش های جداگانه قائل بودند. (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: تاریخ فلسفه، کاپلستون، ج ۸، از بنتام تا راسل، ترجمه خرمشاهی، ص ۴۳۸ - ۵۳۵ و نیز کتاب درآمدی بر تفسیر علمی قرآن کریم، نگارنده، ص ۲۵۶ به بعد).

مسئله رمزی بودن آیات و شکل سمبلیک به آنها دادن، درحالی که هیچ مانع عقلی و نقلی وجود ندارد که انسان در اصل از لجن متعفن آفریده شده باشد، همان چیزی که به عقیده زیست شناسان، آماده ترین ماده بی جان برای پیدایش حیات و زندگی است و نخستین جوانه حیات در جهان، طبق تحقیقات دانشمندان، به احتمال قوی از آن پیدا شده است و نیز هیچ مانع عقلی و نقلی برای این که یک روح الهی در انسان قرار گرفته باشد وجود ندارد و با نبودن هیچ قرینه ای بر خلاف مفهوم اصلی لغات و جمله هایی که در زمینه خلقت انسان به کار رفته، آنها را به صورت رمزی و سمبلیک تفسیر کردن، چیزی جز تفسیر به رأی نیست.

فتح این باب سبب می شود که یکی موسی را کنایه از روح انقلاب توده های زحمتکش و فرعون را اشاره به رژیم های جبار می گیرد و دیگری عیسی را به معنای افکار زنده کننده اجتماع و مریم را کنایه از روح پاکی و عفت می داند و کم کم دامنه این تفسیر به رأی، به احکام و قوانین اسلام کشیده می شود؛ یکی می گوید: منظور از نماز توجه باطنی به خداست؛ دیگری می گوید روزه به معنای خویشستن داری از گناه است و به این ترتیب همه قوانین زیر چرخ های تفسیر به رأی در هم کوبیده می شود. (۱)

همچنین مثال های علمی قرآن گاهی به صورت گزاره های خبری (نه قصه و مثال) هستند و نمی توان آنها را بر مثال های سمبلیک حمل کرد؛ مثل آیه شریفه (وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا...) (۲) که به حرکت - بلکه جریان - خورشید اشاره می کند و امروز از نمونه های اعجاز آمیز قرآن محسوب می شود.

فواید ذکر مثال های علمی در قرآن کریم

۱. مطالب و مثال های علمی قرآن، راه قرآن را در زمینه خدانشناسی هموار می کنند؛

ص: ۲۴۷

۱- (۱). استاد مکارم شیرازی، تفسیر به رأی، ص ۷۳ به بعد.

۲- (۲). یس، آیه ۳۶.

چون هدف قرآن بیان آیات الهی و توجه دادن مردم به جلوه های فیض و قدرت الهی است تا مردم را بیشتر متوجه خدا کند. این مطلب از راه ذکر مثال های علمی و آیات الهی در آسمان ها، زمین، دریاها، عجایب خلقت انسان و جانوران تأمین شده است؛ از این رو به ذکر فرمول ها و تفصیل هر مطلب نیاز نیست و اشاره ضمنی کافی است.

۲. برخی مطالب علمی قرآن، اعجاز علمی قرآن را ثابت می کنند. این مثال های حق و واقعی - که با مطالب اثبات شده و یقینی علوم (نه نظریه های متزلزل و ظنی) مطابقت دارند- ما را متوجه می کنند که قرآن این مسائل را از محیط اجتماعی خود الهام نگرفته است؛ چون قرآن در جزیره العرب فاقد تمدن نازل شده است و حتی تمدن های آن زمان (مثل ایران و روم) نیز آن قدر پیشرفت علمی نداشته اند تا بتوانند نظریه های علمی قرآن را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) القا کنند. بنابر این قرآن از طرف خدای حکیم و عالم نازل شده است.

جالب است که بعضی مسائل علمی مطرح شده در قرآن (مثل حرکت زمین یا زوجیت گیاهان) با دیدگاه های علمی موجود در عصر نزول قرآن مطابقت نداشتند؛ ولی قرآن با شجاعت، مطالب علمی محکم و به دور از خرافات را بیان می کند. (۱)

۳. مثال های علمی واقعی در قرآن موجب کنجکاوی بشر و تفکر او در عجایب آسمان ها، خلقت انسان و دیگر موجودات می شوند و بشر را متوجه نیروهای ناشناخته طبیعت می کنند؛ یعنی کار مهم قرآن ایجاد سؤال در ذهن انسان است؛ زیرا انسان تا سؤال نداشته باشد، به دنبال کشف علم نمی رود؛ چون فکر می کند همه چیز را می داند و دچار یک جهل مرکب می گردد. قرآن مسائل ناشناخته کهکشان ها و موجودات ناشناخته را بزرگ جلوه می دهد و انسان را به تفکر در

ص: ۲۴۸

۱- (۱). سوره نحل، آیه ۸۹، یس، آیه ۳۶ و دخان، آیه ۱۰ - برای اطلاعات بیشتر به بخش های بعدی همین نوشتار رجوع کنید.

طبیعت دعوت می کند و این موجب پیشرفت علوم و صنایع بشر می گردد؛ چنان که در چند قرن اولیه تمدن اسلامی، همین امر موجب پیشرفت - بلکه جهش - علمی مسلمانان شد. (۱)

۴. توجه اسلام و قرآن به علم و مطالب علمی منشأ بسیاری از علوم و الهام بخش بسیاری از معارف بشری گردید و رشد علوم را تسریع کرد (هرچند گفتیم که تمام علوم با جزئیات آنها در قرآن وجود ندارد). مثلاً - توجه قرآن به آسمان ها، حرکت خورشید، ستارگان و سیارات موجب شد تا علم کیهان شناسی (نجوم) در میان مسلمانان به سرعت رشد کند؛ هرچند مسئله قبله در نماز و احتیاج به جهت شناسی هم تأثیر زیادی در این مسئله داشت.

جمع بندی و نتیجه گیری

یکم) در مورد مطالب علمی قرآن می توانیم چند هدف را بیان کنیم:

الف) ظاهر مطالب علمی قرآن گاهی در رابطه با شناخت آیات الهی و توجه به مبدأ هستی است؛ همان گونه که قرآن می فرماید: (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ) ؛ (۲) «در پیدایش آسمان ها و زمین و آمدن شب و روز نشانه هایی برای صاحبان خرد وجود دارند».

ب) گاهی آیات علمی قرآن نشانه عظمت مطلب (یا مطالب) است؛ یعنی گوینده سخن به ظاهر قصد دارد که اهمیت یک مطلب علمی را برساند و آن را ذکر می کند؛ قسم های قرآن به خورشید، ماه و... (۳) از این قبیلند.

ص: ۲۴۹

۱- (۱). سرفرازی، رابطه علم و دین، ص ۴۳ به بعد با تلخیص و اضافات.

۲- (۲). آل عمران، آیه ۱۹۰.

۳- (۳). شمس، آیه ۱ به بعد.

ج) گاهی آیات علمی قرآن برای اثبات معاد است؛ مثلاً می فرماید: (فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ * خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ * يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ * إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ) ؛ (۱) پس انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است!؛ از آبی جهنده آفریده شده است، آبی که از میان پشت و (دو استخوان) پیش (مرد) بیرون می آید، مسلماً او بر بازگرداندن وی (در رستاخیز) تواناست».

دوم) پایین آوردن مطالب علمی قرآن تا حد مثال های ساده خلاف انصاف است؛ چون «مثال» برای ساده کردن فهم مطالب گوینده است و گاهی واقعیت و حقیقت ندارد؛ اما مطالب علمی قرآن حقایق کشف نشده ای را دربر دارند که پس از قرن ها باعث تعجب دانشمندان می شوند و اعجاز علمی قرآن را اثبات می کنند.

ساده اندیشی است که بگوییم قرآن برای بیان مطلبی مثالی علمی زده و اتفاقاً درست از آب درآمده است! همچنین گفتیم که این مطالب علمی، یک بعد از اعجاز قرآن را نشان می دهند؛ پس از حد مثال بالاترند.

سوم) می توان این طور گفت که قرآن یک هدف اصلی و عمده دارد و آن به کمال رساندن انسان (تقرب الی الله) و اهداف فرعی دیگری هم در مسیر همان هدف اصلی دارد؛ از جمله آن اهداف اثبات معاد، نبوت و اعجاز خود قرآن (که مقدمه ای است برای پذیرش وحی توسط مردم) می باشد.

بر این اساس بیان مطالب علمی از اهداف قرآن است؛ چون اعجاز قرآن را ثابت می کنند؛ ولی هدف اصلی و عمده قرآن نیست. این مطلب به ویژه با این نکته روشن می شود که آیاتی که همه چیز را به قرآن نسبت می دهند، در مورد هدایت و دینند؛ پس هدف اصلی هدایت انسان و بیان معارف دینی است. یکی از امور مربوط به دین

ص: ۲۵۰

اثبات اعجاز قرآن است و یکی از ابعاد اعجاز قرآن اعجاز علمی آن است؛ از این رو مطالب علمی قرآن (در بعضی موارد) از اهداف قرآند؛ اما نه اهداف عمده و اصلی.

چهارم) در تطبیق آیات قرآن با نظریات و قوانین علمی باید کاملاً محتاط باشیم تا به تحمیل نظریات اثبات نشده علمی بر قرآن کریم گرفتار نشویم. صحیح آن است که علوم تجربی را در فهم قرآن - آن هم با شرایط متعددی - استخدام کنیم. (۱)

(د) شیوه های انطباق قرآن با مطالب علمی

تفسیر علمی روشی است که خود روش های فرعی متفاوتی دارد؛ بعضی باعث تفسیر به رأی و شماری منجر به تفسیر معتبر و صحیح می شوند. این مطلب موجب شده برخی تفسیر علمی را به کلی رد کنند و آن را نوعی تفسیر به رأی یا تأویل بنامند و گروهی آن را قبول نمایند و بگویند: تفسیر علمی یکی از راه های اثبات اعجاز قرآن است.

ما در اینجا شیوه های فرعی تفسیر علمی را مطرح می کنیم تا هر کدام جداگانه به معرض قضاوت گذارده شوند و از خلط مباحث جلوگیری شود.

۱. استخراج همه علوم از قرآن کریم

علمای قدیم (مانند: ابن ابی الفضل المرسی و غزالی) کوشیده اند همه علوم را از قرآن استخراج کنند؛ زیرا عقیده داشتند که همه چیز در قرآن وجود دارد و در این سمت و سو، آیاتی را که ظاهر آنها با قانونی علمی سازگار بود، بیان می کردند. هرگاه ظواهر قرآن کفایت نمی کرد، دست به تأویل می زدند و ظواهر آیات را به

ص: ۲۵۱

۱- (۱). برای اطلاع بیشتر از روش ها و معیارهای انطباق قرآن با علوم تجربی ر.ک: مقاله علم محوری در تفسیر قرآن، مجله بینات، ش ۹، بهار ۱۳۷۵، به قلم نگارنده.

نظریات و علوم‌ی که در نظر داشتند، برمی‌گرداندند. از اینجا بود که علوم‌ی مانند: هندسه، حساب، پزشکی، هیأت، جبر، مقابله و جدل از قرآن استخراج شدند؛ مثلاً از آیه شریفه (وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ) (۱) آنجا که خداوند از قول حضرت ابراهیم (علیه السلام) نقل می‌کند که: «وقتی بیمار شدم، اوست که شفا می‌دهد»، علم پزشکی را استخراج کردند. (۲) علم جبر را نیز از حروف مقطعه اوایل سوره‌ها استفاده کردند. (۳) از آیه شریفه (إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا) نیز زمین لرزه سال ۷۰۲ قمری را پیش‌بینی کردند. (۴)

روشن است که این نوع تفسیر علمی منجر به تأویلات زیادی در آیات قرآن - بدون رعایت قواعد ادبی، ظواهر الفاظ و معنای لغوی آنها- می‌شود.

از همین رو بسیاری از مخالفان، تفسیر علمی را نوعی تأویل و مجاز‌گویی دانسته‌اند. (۵) البته در این قسم از تفسیر علمی حق با آنان است و ما پیش‌تر اقوال و دلایل مختلف این مسئله (وجود همه علوم در ظواهر قرآن) را بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که این سخن مبنای درستی ندارد.

۲. تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن کریم

این شیوه از تفسیر علمی در یک قرن اخیر رواج یافت و بسیاری از افراد با مسلم‌پنداشتن قوانین و نظریات علوم تجربی سعی کردند آیاتی موافق با آنها را در قرآن بیابند و هرگاه آیه‌ای موافق با آنها نمی‌یافتند، با تمسک به تأویل یا تفسیر به رأی، آیات را برخلاف معانی ظاهری حمل می‌کردند؛ مثلاً در آیه شریفه

ص: ۲۵۲

۱- (۱). شعراء، آیه ۸۰.

۲- (۲). ابوحامد غزالی، جواهر القرآن، ص ۲۷، فصل خامس (المركز العربي للكتاب، بیروت).

۳- (۳). التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۸۱؛ از ابن ابی‌الفضل مرسی نقل می‌کند.

۴- (۴). البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۸۱ و ۱۸۲ (دارالمعرفه، بیروت).

۵- (۵). ر.ک: التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۸۵-۴۹۴.

(هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا...) (۱) (او کسی است که شما را از یک شخص آفرید و از او همسرش را قرار داد تا بدان آرام گیرد) کلمه نفس را پروتون و زوج را الکترون معنا کردند و گفتند منظور قرآن این است که همه شما را از پروتون و الکترون - که اجزای مثبت و منفی اتم هستند - آفریدیم و در این تفسیر حتی معنای لغوی و اصطلاحی نفس را رعایت نکردند. (۲)

این گونه تفسیر علمی، در یک قرن اخیر، در مصر و ایران رایج و موجب بدبینی بعضی دانشمندان مسلمان به اصل تفسیر علمی گردید و باعث شد تفسیر علمی را به عنوان تفسیر به رأی و تحمیل نظریات و عقاید بر قرآن طرد کردند؛ چنان که علامه طباطبایی تفسیر علمی را نوعی تطبیق اعلام کرد. (۳)

البته در مورد این نوع تفسیر علمی حق با مخالفان است؛ زیرا ذهن مفسر هنگام تفسیر باید از هرگونه پیش داوری خالی باشد تا بتواند درست تفسیر کند. اگر مفسر یک نظریه علمی را انتخاب و بر قرآن تحمیل کند، پا در طریق تفسیر به رأی گذاشته که در روایات وعده عذاب برای آن داده شده است.

۳. استخدام علوم برای فهم بهتر قرآن

در این شیوه از تفسیر علمی، مفسر با دارا بودن شرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر، به تفسیر علمی قرآن اقدام می کند. او سعی دارد با استفاده از مطالب قطعی علوم (که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می شوند و با ظاهر آیات قرآن - طبق معنای لغوی و اصطلاحی - موافق اند) به تفسیر علمی پردازد و معانی مجهول

ص: ۲۵۳

۱- (۱). اعراف، آیه ۱۸۹، با ترجمه الهی قمشه ای.

۲- (۲). القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۵۶.

۳- (۳). مقدمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶ به بعد.

قرآن را کشف و در اختیار انسان های تشنه حقیقت قرار دهد. این شیوه تفسیر علمی، بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح تفسیر علمی است. ما در مبحث آینده، معیار این گونه تفسیر را به طور کامل بیان خواهیم کرد؛ اما در اینجا تاکید می کنیم که در این شیوه تفسیری، باید از هر گونه تأویل و تفسیر به رأی پرهیز کرد و تنها به طور احتمالی از مقصود قرآن سخن گفت؛ زیرا علوم تجربی به خاطر ظنی بودن و اسقرای ناقص در روش، نمی توانند نظریات قطعی بدهند.

مثال: هنگامی که آیه شریفه (وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا...)؛ [\(۱\)](#) «و خورشید که تا قرارگاهش روان است» نازل شد، مردم آن زمان همین حرکت حسی و روز مره خورشید را از این آیه می فهمیدند؛ در حالی که حرکت خورشید از مشرق به مغرب کاذب است و نتیجه خطای حس باصره ماست. در حقیقت، زمین در حرکت است و ما خورشید را متحرک می بینیم؛ همان طور که شخص سوار بر قطار خانه های کنار جاده را در حرکت می بیند. با پیشرفت علوم بشری و کشف حرکت زمین و خورشید، روشن شد که خورشید هم خود دارای حرکت انتقالی است (نه حرکت کاذب بلکه واقعی) و خورشید و بلکه تمام منظومه شمسی - و حتی کهکشان راه شیری - در حرکت هستند و کهکشان ها و ستارگان با سرعت سرسام آوری از هم دیگر دور می شوند و عالم انبساط پیدا می کند. [\(۲\)](#) پس می گوئیم اگر به طور قطعی اثبات شد که خورشید در حرکت است و ظاهر آیه قرآن هم می گوید که خورشید در جریان است، منظور قرآن حرکت واقعی و انتقالی خورشید است. [\(۳\)](#)

ص: ۲۵۴

۱- (۱). یس، آیه ۳۸.

۲- (۲). دکتر اریک - اوبلاکر، کتاب فیزیک نوین، ص ۴۵ - ۴۸، ترجمه بهروز بیضایی (انتشارات قدیانی زمستان ۱۳۷۰).

۳- (۳). در مباحث آینده این آیه را به صورت کامل مورد بررسی قرار خواهیم داد.

از این نوع تفسیر علمی، اعجاز علمی قرآن نیز اثبات می شود؛ برای مثال قانون زوجیت عمومی گیاهان، در قرن هفدهم میلادی کشف شد؛ اما قرآن حدود ده قرن قبل از آن، از زوج بودن همه گیاهان سخن گفته است. (۱)

ه) معیارهای انطباق قرآن با علوم

با توجه به این که ما از سه شیوه تفسیر علمی، یک قسم را پذیرفتیم (استخدام علوم در فهم قرآن) و با عنایت به مبانی و مطالبی که در مورد عدم قطعیت علوم تجربی ذکر کردیم و نیز با توجه به شرایط مفسر و تفسیر معتبر، معیارهای زیر را برای صحت و اعتبار تفسیر علمی لازم می دانیم:

۱. تفسیر علمی توسط مفسری صورت پذیرد که دارای شرایط لازم باشد؛ مانند آشنایی با ادبیات عرب، آگاهی به شأن نزول آیه، آشنایی با تاریخ پیامبر (صلی الله علیه و آله) و صدر اسلام (در حدودی که به آیه مربوط است)، اطلاع از علوم قرآن (مانند ناسخ و منسوخ) مراجعه به احادیث و اصول فقه، آگاهی از بینش های فلسفی، علمی، اجتماعی و اخلاقی، پرهیز از هرگونه پیش داوری، تطبیق و تحمیل و آشنایی با تفسیر و عدم تقلید از مفسران. (۲)

۲. معیارهای تفسیر معتبر در آن رعایت شده باشد؛ مانند: پیروی از روش صحیح تفسیر، عدم منافات تفسیر با سنت قطعی، تفسیر بدون پیش داوری غیر ضروری، منافات نداشتن تفسیر با آیات دیگر و حکم قطعی عقل و استفاده از منابع صحیح در تفسیر. این معیارها باید در تفسیر علمی نیز رعایت گردند. (۳)

ص: ۲۵۵

۱- (۱). یس، آیه ۳۶.

۲- (۲). ر.ک: در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، ص ۱۸۵-۲۰۵.

۳- (۳). همان.

۳. تفسیر علمی باید به وسیله علوم قطعی صورت گیرد (علمی که علاوه بر تجربه، به وسیله دلیل عقلی و... تأیید شوند). در جای خود اثبات شده که علوم تجربی، به تنهایی نمی توانند یقین - به معنای اخص - بیاورند؛ زیرا قوانین علوم تجربی، از طریق استقرای ناقص تعمیم می یابند یا اطمینان می آورند، اما احتمال طرف مقابل را به صفر نمی رسانند؛ بنابراین، یقین به معنای اخص (اطمینان به یک طرف و عدم احتمال طرف مقابل؛ یعنی یقین مطابق واقع) نمی آورد و حتی طبق آخرین نظریات دانشمندان، قوانین علمی نداریم؛ بلکه نظریه ها یا افسانه های مفید هستند. (۱) از این جهت در قضایای علمی چند احتمال را می توانیم مطرح کنیم:

اول) قضیه علمی ای که یقین به معنای اخص بیاورد (یا به مرحله بداهت حسی رسیده باشد)، قطع مطابق واقع می آورد؛ زیرا تجربه علمی همراه با دلیل عقلی است. (۲)

دوم) قضیه علمی یقین به معنای اعم می آورد؛ یعنی اطمینان حاصل می شود، ولی احتمال طرف مقابل به صفر نمی رسد؛ چنان که بیشتر قضایای اثبات شده علوم تجربی، این گونه اند.

سوم) قضیه علمی به صورت تئوری یا نظریه ظنی ای باشد که هنوز به مرحله اثبات نرسیده است.

در صورت نخست تفسیر علمی جایز است؛ زیرا قرآن و علم قطعی (که به قطع عقلی برمی گردد) معارضت ندارند؛ بلکه قراین قطعی «نقلی»، «عقلی» و

ص: ۲۵۶

۱- (۱). همان، ص ۵۳ - ۷۴.

۲- (۲). برای این مورد، مثال حرکت زمین یا تسخیر ماه را می آورند و با آیات قرآن تطبیق می دهند؛ اما این مثال ها قابل خدشه اند؛ زیرا بداهت حسی دارند، اما بداهت عقلی (مانند قضایای اولیه، اجتماع نقیضین و کل اعظم از جزء است) ندارند. اما بحث ما در تقسیم علوم است؛ اگرچه مثال فعلی در قرآن و علم نداشته باشد و این ضروری به صحت مطلب نمی زند.

«علمی» برای تفسیر قرآن لازم اند. در صورت دوم نیز تفسیر علمی اگر به صورت «احتمال» ذکر شود، صحیح به نظر می رسد؛ مثلاً گفته شود: چون ظاهر قرآن، با حرکت انتقالی خورشید مطابق است، به احتمال قوی منظور قرآن، همین حرکت است. در صورت سوم تفسیر علمی صحیح نیست؛ زیرا همان اشکالاتی را پدید می آورد که مخالفان تفسیر علمی می گفتند (مانند: انطباق قرآن با علوم متغیر و شک کردن مردم در صحت قرآن).

تذکر: در چه صورت نتیجه تفسیر علمی اثبات اعجاز علمی قرآن خواهد بود؟ پاسخ این پرسش را در مباحث آینده بیان خواهیم کرد.

معیار شناخت مصادیق تفسیر علمی غیرمعتبر

با توجه به معیارهای تفسیر علمی معتبر، هر تفسیر علمی ای که از این دایره خارج باشد و دارای اموری به شرح زیر باشد، معتبر و صحیح نیست:

۱. تفسیر به رأی: هرگاه مفسر سعی کند آیات علمی قرآن را طبق نظر خود تفسیر کند و به اصطلاح، استقلال در تفسیر داشته باشد و بدون مراجعه به قراین عقلی و نقلی به تفسیر علمی بپردازد، موجب تفسیر به رأی می شود که وعده عذاب بر آن داده شده است. (۱)

۲. تحمیل نظریه علمی یا نظر مفسر بر قرآن: اگر تفسیر علمی، بدون هماهنگی و توافق با ظواهر الفاظ و معانی لغوی و اصطلاحی آنها صورت گیرد، نتیجه اش تفسیر به رأی یا تأویل های غیرمعتبر در قرآن خواهد بود.

۳. استخراج علوم، با تمسک به تأویل غیر صحیح آیات قرآن: هرچند نظریه

ص: ۲۵۷

۱- (۱). ر.ک: تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۱۹ و سنن ترمذی، ج ۲۵، ص ۱۹۹. (عن النبی (صلی الله علیه و آله): من قال فی القرآن برأیه فلیتبعه مقعده من النار).

«وجود تمام علوم در قرآن» مردود است (چنان که در بخش قبل متذکر شدیم) اما این عقیده پایه ای برای تأویل های غیر صحیح است که نمونه های آن را در بخش های بعدی کتاب می آوریم.

۴. تفسیر علمی افراد غیر متخصص در علم تفسیر: این افراد اگرچه در رشته ای از علوم تجربی متخصص باشند، تفسیرشان ارزشی ندارد؛ بلکه گاهی تفسیر به رأی نیز می کنند؛ همان طور که اظهار نظر یک مفسر در علوم پزشکی (بدون داشتن تخصص) ارزشی ندارد.

۵. تفسیر قرآن به وسیله علوم ظنی، نظریه ها و تئوری ها: این گونه تفسیر علمی معتبر نیست؛ زیرا تطبیق وحی قطعی مطابق واقع با علوم ظنی متغیر، پیامدی جز در تغییر قرآن ندارد؛ امری که در صورت تغییر علوم، موجب شک مردم در آیات و اخبار قرآنی می شود.

۶. تفسیر قرآن به وسیله قضایای یقینی (یقین به معنای اعم اطمینان با احتمال ضعف طرف مقابل): چنین تغییری جایز نیست؛ مگر به صورت احتمالی؛ یعنی بگوید به احتمال قوی مقصود قرآن این است؛ زیرا در قضایای علوم تجربی (که با عقل تأیید نشده اند) احتمال خطا وجود دارد و اسناد قطعی این علوم به قرآن، همانا تحمیل یک نظریه علمی بر قرآن است.

۱. یکی از ابعاد هشتادویک گانه اعجاز قرآن را انتخاب و دلایل آن را بررسی کنید.

۲. پژوهش های جدید قرآنی چند سال اخیر را بررسی و بیان کنید چه وجوه جدیدی از اعجاز قرآن ادعا شده است، سپس آن را بررسی کنید.

۳. روش شناسی هر یک از شخصیت هایی را که مدعی اعجاز علمی قرآن بوده اند بررسی و نقد کنید.

منابع جهت مطالعه بیشتر

۱. کتاب های اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب آمده اند.

۲. مقالات اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب آمده اند.

۳. پایگاه های اینترنتی اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب ذکر شده اند.

۴. مجلات میان رشته ای قرآن و علوم اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب آورده شده اند.

۵. پایان نامه های میان رشته ای قرآن و علوم اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب نوشته شده اند.

۶. شخصیت های میان رشته ای قرآن و علوم که در منبع شناسی پایان همین کتاب آمده اند.

اشاره

اهداف: در این فصل انتظار می رود مباحث زیر را بررسی کنیم:

۱. اعجاز علمی در حوزه علوم طبیعی (کیهان شناسی، زیست شناسی، پزشکی)؛ ۲. اعجاز علمی در حوزه علوم انسانی (علوم تربیتی، اقتصاد، جامعه شناسی، تاریخ)؛ ۳. اعجاز ریاضی قرآن

اول) اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی

اشاره

درآمد

قرآن کریم کتاب علوم طبیعی نیست تا انتظار داشته باشیم که جزئیات این علوم را بیان کند؛ اما صدها آیه در قرآن به علوم طبیعی اشاره کرده اند؛ در زمینه هایی مانند: کیهان، زمین، جانوران، مراحل آفرینش انسان - از جنین تا مرگ - مقوله های پزشکی و فیزیکی.

مشابه این مباحث با تفصیل بیشتر در احادیث اسلامی نیز آمده اند؛ به طوری که هر دسته از این آیات به تفسیر موضوعی خاصی نیاز دارند؛ مثلاً- تفسیر آیات نجومی و طبی. حتی ممکن است همه آیات مربوط به علوم طبیعی در قالب یک تفسیر ترتیبی قابل ارائه باشند.

در این بخش ما درصدد طرح اصل بحث هستیم و در هر مورد به شمارگان آیات، تاریخچه بحث و مهم ترین محورهای آیات در زمینه هر علم اشاره می کنیم

ص: ۲۶۱

و برخی از مصادیق مهم را نیز توضیح می دهیم، اما باید توجه داشت که هر کدام از این محورها نیازمند پژوهش مستقلی است.

مفهوم شناسی

اشاره

مقصود از علوم طبیعی (Natural sciences) شاخه ای از دانش علوم تجربی است که بر اساس حس، تجربه و مشاهده طبیعت شکل می گیرد. البته طبیعت در اینجا شامل کیهان، زمین، گیاهان، حیوانات و حتی بدن انسان می شود؛ یعنی مطالعه کوچک ترین ذرات هستی مثل اتم ها و کوراک ها تا بزرگ ترین اجرام آسمانی را شامل می شود.

علوم طبیعی که شاخه های متعددی مثل: فیزیک، شیمی، کیهان شناسی، زمین شناسی، زیست شناسی و پزشکی را شامل می شود، در برابر علوم انسانی است و در مجموع علوم تجربی را شکل می دهد. علوم تجربی در برابر علوم عقلی، نقلی و شهودی به کار می رود. (۱)

تذکر: معانی علم و چیستی آن را به طور مبسوط در فصل اول بیان کردیم.

ص: ۲۶۲

۱- (۱). برای اطلاع بیشتر از تقسیمات متعدد علوم بشری و تعاریف و نقد آنها ر.ک: احصاء العلوم، فارابی ص ۱۱۱ - ۱۲۰؛ مبانی فلسفه، دکتر علی اکبر سیاسی، ص ۲۱۲ - ۲۵۳؛ مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۹؛ آموزش فلسفه، محمدتقی مصباح، ج ۱، ص ۷۱؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، نگارنده، ص ۱۵۱-۱۶۰.

در مباحث نجومی در مورد آیات متعددی ادعای اعجاز علمی شده است. در اینجا دو مورد از آنها را که مهم تر هستند بیان می‌کنیم. (۱)

الف) جاذبه عمومی موجودات

نیروی جاذبه - یا قانون جاذبه عمومی - بدین معناست که کلیه اجسام بزرگ و کوچک در یکدیگر تأثیر متقابل دارند و همدیگر را جذب می‌کنند. برخی صاحب نظران و مفسران معتقدند که قرآن کریم در چند مورد به نیروهای جاذبه اشاره کرده است که عبارتند از:

(اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا)؛ (۲) «خدا کسی است که آسمان‌ها را، بدون ستون‌هایی که آنها را ببینید، برافراشت»؛

(خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا)؛ (۳) «(خدا) آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آنها را ببینید آفرید»؛

(أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا)؛ (۴) «آیا زمین را فراگیرنده قرار نداده ایم»؛ (۵)

(إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكْتَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا)؛ (۶) «در حقیقت، خدا (اجرام) آسمان‌ها و زمین را نگاه می‌دارد تا

ص: ۲۶۳

۱- (۱). برای اطلاع از موارد دیگر و نقدهای آنها ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، جلد اول، از نگارنده و نیز کتاب «قرآن و کیهان‌شناسی» از دکتر سید عیسی مسترحمی.

۲- (۲). رعد، آیه ۲.

۳- (۳). لقمان، آیه ۱۰.

۴- (۴). مرسلات، آیه ۲۵.

۵- (۵). برخی از مترجمان قرآن، آیه را اینگونه ترجمه کرده‌اند: «مگر زمین را محل اجتماع نگردانیدیم». (ترجمه قرآن استاد فولادوند).

۶- (۶). فاطر، آیه ۴۱.

مبادا (از مسیر منحرف و) فنا شوند و اگر در (آستانه) فنا قرار گیرند، هیچ کس بعد از او آنها را نگاه نمی دارد؛ که او بردباری بسیار آمرزنده است».

این مضمون در آیه ۶۵ سوره حج نیز آمده است.

نکات تفسیری

۱. آیات فوق نشانه ها و نعمت های خدا را برمی شمارند. تا مردم به لقای خدا ایمان آورند (رعد) و ببینند دیگران نمی توانند مثل خدا چنین مخلوقاتی داشته باشند (لقمان). هنگامی که این آیات برای انسان ها گفته شد، اگر کسی باز هم آیات الهی را تکذیب کند، بد عاقبتی دارد و وای به حال او (مرسلات).

۲. کلمه «عمد» (بر وزن قمر) جمع عمود به معنی «ستون» است. برای عبارت «ترونها» دو تفسیر گفته اند؛ یکی این که صفت برای «عمد» باشد؛ یعنی: «آسمان ها را بدون ستونی که دیدنی باشد برافراشتیم» که لازمه آن وجود ستون های نامریی برای آسمان است. دیگر آن که «بغیر عمد» متعلق به عبارت «ترونها» باشد: «ترونها بغیر عمد»؛ یعنی: «همان گونه که می بینید آسمان بدون ستون است». البته برخی نیز عبارت «ترونها» را معترضه گرفته. و همین معنای دوم را پذیرفته اند. (۱)

تفسیر دوم خلاف ظاهر آیه است؛ چون لازمه آن تقدیم و تأخیر است. (۲)

تاریخچه

برخی معتقدند که (بعد از اشارات علمی قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام)

ص: ۲۶۴

۱- (۱). ر.ک: استاد مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۴۹. تذکر: شاید نظر ایشان جمله استینافیه باشد؛ وگرنه جمله معترضه در اینجا معنای محصّی ملی ندارد و از نظر ادبی صحیح نیست. و اصولاً با همان معنای دوم (بغیر عمد متعلق به ترونها باشد) یک معنا کرده اند؛ پس تفاوتی از نظر معنی ندارد.

۲- (۲). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۱۰ و نیز، ج ۱۷، ص ۲۹.

ابوریحان بیرونی (۴۴۰ق) اولین کسی بود که به نیروی جاذبه پی برد؛ (۱) اما مشهور آن است که نیروی جاذبه عمومی اولین بار توسط نیوتن (۲) (در قرن هفدهم میلادی) کشف شد. (۳) داستان افتادن سیب از درخت و انتقال ذهنی نیوتن به نیروی جاذبه معروف است. (۴) نیوتن بر اساس قوانین کلی حرکت سیارات را این گونه تبیین کرد:

الف) طبق قانون جاذبه عمومی، کلیه اجسام هم دیگر را جذب می کنند و این کشش به دو چیز بستگی دارد: جرم و فاصله؛ یعنی با جرم نسبت مستقیم دارد و هر قدر جرم یک جسم بیشتر باشد نیروی کشش آن نیز زیادتر می شود؛ مثلاً جرم خورشید ۳۳۰ هزار برابر جرم زمین است و از این رو نیروی جاذبه خورشید نیز ۳۳۰ برابر نیروی جاذبه زمین است و بر همین اساس، زمین تحت تأثیر جاذبه خورشید قرار می گیرد. از طرفی چون جرم زمین ۸۱ برابر جرم ماه است، ماه نیز تحت تأثیر نیروی جاذبه زمین قرار گرفته و دور زمین می چرخد. اما هرچه فاصله دو جسم بیشتر باشد، تأثیر جاذبه کمتر می شود و به نسبت مجذور این فاصله، نیروی جاذبه کاهش می یابد؛ مثلاً اگر این فاصله دو برابر شد، نیروی جاذبه چهار برابر کمتر می شود.

ص: ۲۶۵

۱- (۱). گودرز نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۴۱.

۲- (۲). اسحاق نیوتن (۱۶۴۳ - ۱۷۲۷م) منجم و ریاضی دان معروف انگلیسی، کاشف نیروی جاذبه و بنیان گذار حساب عنصرهای بی نهایت کوچک و تئوری نور است. معروف ترین اثر او اصول ریاضی فلسفه طبیعت نام دارد.

۳- (۳). برخی معتقدند که نیوتن در کشف قانون جاذبه، مبتکر نبود، زیرا «کوپرنیک» و «کپلر» هر دو قبل از او به این مطلب توجه کرده بودند. اما نیوتن نخستین کسی است که این موضوع را با فرمول و تدوین شده بیان کرد (ر.ک: تاریخ علوم، ص ۲۶۴ و دانش عصر فضا، ص ۴۴).

۴- (۴). برخی کتاب ها مثل: جهان های دور (ص ۲۰۱ و ۴۲)، دنیای ستارگان (ص ۱۵۰) و قهرمانان تمدن (ص ۱۸۲) داستان سیب را نقل می کنند و حتی می گویند هر چند این درخت در سال ۱۸۱۴م از بین رفت، ولی پیوندی از آن درخت را در باغ نیوتن کالج کامبریج کاشتند. اما کتاب تاریخ علوم (ص ۲۶۲) به صحت این داستان مشکوک است.

ب) طبق قانون گریز از مرکز، هر جسمی که بر گرد مرکزی حرکت کند، در آن جسم طبعاً کششی به وجود می آید که می خواهد از آن مرکز دور شود؛ مثل قطعه سنگی که به ریسمانی بسته ایم و می گردانیم.

حرکت زمین، سیارات، قمرها و اجرام آسمانی در مدارهای خود و گرد همدیگر، در نتیجه ترکیب دو نیروی جاذبه و گریز از مرکز است. این دو نیرو اجرام فضایی را در مدار خود نگاه می دارند و از سقوط آنها و نیز از تصادم و اصطکاک آنها با یکدیگر جلوگیری می کنند. (۱)

اسرار علمی

در مورد انطباق آیات فوق با یافته های اخترشناسی نوین، بسیاری از صاحب نظران و مفسران سخن گفته اند که در این جا به پاره ای از آنها اشاره می کنیم:

الف) اسرار علمی آیات اول و دوم (بَغِيْرٍ عَمَدٍ تَرْوُنَهَا) (۲):

۱. آیت الله مکارم شیرازی در هر دو مورد به نکات علمی آیه اشاره می کند و آن را یکی از معجزات علمی قرآن مجید می داند. وی پس از ذکر دو تفسیر برای آیه - و ترجیح تفسیری که «ترونها» را صفت «عمد» می داند - می نویسد:

مقید ساختن آن (عمد) به «ترونها» دلیل بر این است که آسمان ستون های مریی ندارد. مفهوم این سخن آن است که ستون هایی دارد؛ اما قابل رؤیت نیست... این تعبیر لطیفی است به قانون جاذبه و دافعه که همچون ستونی بسیار نیرومند - اما نامریی - کرات آسمانی را در جای خود نگه داشته.

وی سپس به این حدیث از امام رضا (علیه السلام) استشهد می کند:

ص: ۲۶۶

۱- (۱). برگرفته از استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۴۴ - ۴۸ با تلخیص و نیز ر.ک: اندیشه پرواز، ص ۱۶۲ و از جهان های دور، ص ۲۰۱.

۲- (۲). رعد، آیه ۲ و لقمان، آیه ۱۰.

حسین بن خالد می گوید از امام رضا(علیه السلام) پرسیدیم این که خداوند فرموده: (وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ) ؛ «سوگند به آسمان که دارای راه هاست» یعنی چه؟

فرمود: این آسمان راه هایی به سوی زمین دارد.

حسین بن خالد می گوید: عرض کردم چگونه می تواند راه ارتباطی با زمین داشته باشد درحالی که خداوند می فرماید: آسمان ها، بی ستون است.

امام فرمود: «سبحان الله! اليس الله يقول بغير عمد ترونها؟ قلت بلى. فقال ثم عمد و لكن لا ترونها»؛ «عجیب است! آیا خداوند نمی فرماید: بدون ستونی که قابل مشاهده باشد؟ من عرض کردم: آری. فرمود پس ستون هایی هست لکن شما نمی بینید».

(۱)

آیت الله مکارم متذکر می شود که این آیات و احادیث بر خلاف تفکرات نجومی آن زمان (بر پایه) هیئت بطلمیوسی بود. (۲)

۲. آیت الله نوری همدانی نیز با ذکر آیه دوم سوره رعد همین مطلب را از آیه برداشت کرده و حدیث مذکور را از امام رضا(علیه السلام) در تفسیر آن می آورد. وی سپس نکته لطیفی را در تعبیر «عمد» متذکر می شود:

میان «ستون» که تکیه گاه و نگاه دارنده است، با جسمی که بر آن تکیه کرده است، لازم است تناسب و محاسبه کامل رعایت شود؛ یعنی هر اندازه جسم سنگین تر است بهمان نسبت باید «ستون» دارای قدرت و مقاومت بیشتری باشد....

بنابراین نیروی جاذبه و سایر قوانین حرکت مربوط به این اجرام، با نظام دقیق و فرمول مخصوص خود مورد محاسبه قرار گرفته است تا توانسته هر یک از آنها را در ارتفاع و مدار معین در طی میلیاردها سال نگاه بدارد.

با توجه به این نکته روشن می شود که تعبیرات قرآن - که راهنمای سعادت بشر است - چه اندازه اعجاز آمیز و لطیف است.

(۳)

ص: ۲۶۷

۱- (۱). ر.ک: تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۷۸، که از تفسیر علی ابراهیم و تفسیر عیاشی نقل کرده است.

۲- (۲). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹ و ج ۱۰، ص ۱۱۰ و ۱۱۱ و نیز پیام قرآن، ج ۸، ص ۱۴۶.

۳- (۳). دانش عصر فضا، ص ۵۵ و ۵۶.

تذکر: منظور ایشان این است که تعبیر عمد (ستون) علاوه بر اصل نیروی جاذبه، به لزوم تناسب کمی و کیفی بین ستون (نیروی جاذبه) و دو طرف ستون نیز اشاره دارد.

۳. برخی نویسندگان معاصر نیز به این دو آیه استناد کرده و ستون نامریی را به معنای نیروی جاذبه دانسته اند - مسئله ای که قرآن هزار و چهار صد سال قبل از نیوتن از آن پرده برداشته است - و روایت مذکور را نیز از امام رضا (علیه السلام) ذکر کرده اند. (۱)

۴. آیت الله مصباح پس از ارائه دو تفسیر برای آیه (بَعِثِ عَمَدٍ تَرْوُنَهَا) (ترونها صفت عمد باشد یا جمله معترضه (۲) باشد) می نویسد: «به هر حال هر دو تفسیر قابل تصور است و ظاهراً مانعی برای تصور هیچ یک از دو وجه وجود ندارد». (۳)

۵. برخی دیگر از نویسندگان و صاحب نظران معاصر نیز به دو آیه مورد بحث در مورد نیروی جاذبه استناد کرده اند که عبارتند از: محمد حسن هیتو (۴) و آیت الله معرفت که بحث مفصلی پیرامون نیروی جاذبه و آیات فوق دارند (۵) و نیز لطیف راشدی. (۶)

ب) اسرار علمی آیه سوم (کفاتاً) (۷):

۱. آیت الله مصباح یزدی در مورد آیه فوق می نویسد:

کفات موضوعی است که اشیا در آن جمع آوری می گردد و در اصل معنای آن، گرفتن و ضمیمه کردن (قبض و ضم) وجود دارد. از همین جا می توان

ص: ۲۶۸

۱- (۱). گودرز، نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۴۱-۴۶.

۲- (۲). در این مورد در پاورقی نکات تفسیری، توضیح دادیم.

۳- (۳). استاد محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۴۷-۲۴۸.

۴- (۴). ر.ک: دکتر محمد حسن هیتو، المعجزه القرآنیة (الاعجاز العلمی و الغیبی)، ص ۱۸۰.

۵- (۵). ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۱۲۲-۱۲۸.

۶- (۶). لطیف راشدی، نگرشی به علوم طبیعی در قرآن، ص ۵۰.

۷- (۷). مراسلات، آیه ۲۵.

بهره برد که زمین اشیا را به خود جذب می کند، می گیرد. و بعید نیست که اشاره به نیروی جاذبه زمین باشد که با توجه به سرعت شگرف حرکت زمین، اگر این نیروی جاذبه نمی بود، همه اشیا روی زمین در فضا پراکنده می شد.

وی سپس اشاره می کند که کفات به معنای سرعت هم آمده است؛ اما این معنا را ضعیف تر می داند. (۱)

۲. یکی دیگر از صاحب نظران چند مطلب را از معنای لغوی کلمه کفات استخراج می کند:

حرکت وضعی و انتقالی زمین و سرعت طیران آن در فضا، وجود مواد مذاب داخل زمین، تغییرات سطحی و عمقی کره خاک و نیروی جاذبه زمین. وی به معنای لغوی کفات استناد می کند که «الكفات: موضع یکفت فیہ الشیء ای یضم و یجمع». (۲)

۳. برخی از نویسندگان و یکی از مفسران معاصر نیز از این آیه نیروی جاذبه را استفاده کرده اند. (۳)

ج) اسرار علمی آیه چهارم (...يُمسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا...) (۴)

۱. آیت الله نوری همدانی پس از بحث مفصلی در مورد نیروی جاذبه و استشهاد به آیه فوق، کلمه «تزولا» را «انحراف» معنا کرده است. (۵)

۲. برخی از نویسندگان معاصر نیز درباره این آیه می نویسند: «مگر این نگاه داشتن، غیر از همان نیروی جاذبه عمومی است که خداوند در بین کرات

ص: ۲۶۹

۱- (۱). معارف قرآن، ص ۲۵۴.

۲- (۲). ر.ک: یدالله نیازمند شیرازی، اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، ص ۸۸ - ۹۹.

۳- (۳). دکتر صادقی، الفرقان فی تفسیر القرآن، ج ۲۹، ص ۳۴۱؛ گودرز نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۴۳.

۴- (۴). فاطر، آیه ۴۱.

۵- (۵). دانش عصر فضا، ص ۵۵.

۳. برخی از مفسران آیه فوق را دو گونه تفسیر کرده اند: یکم) این که تأکید آیه بر مسئله حفظ نظام عالم هستی است؛ یعنی همان چیزی که در بحث های فلسفی به اثبات رسیده است: ممکنات در بقای خود همان گونه نیازمند به مبدأ هستند که در حدوث نیازمندند. دوم آنکه کرات آسمانی میلیون ها سال در مدار خود حرکت می کنند و این از نیروی جاذبه و دافعه سرچشمه می گیرد. (۲)

بررسی

در مورد انطباق قانون جاذبه عمومی با آیات مورد بحث تذکر چند نکته لازم است:

۱. در تفسیر آیه اول و دوم (بَغِيْرِ عَمَدٍ تَرْوُنَهَا) به نیروی جاذبه دو نکته قابل تأمل است:

اول) کلمه «عمد» جمع و به معنی «ستون ها» است؛ پس هرچند تفسیر آن به نیروی جاذبه ممکن است، ولی امکان دارد که مقصود از ستون ها چندین نیروی متفاوت باشد که یکی از آنها نیروی جاذبه است و چه بسا دانشمندان دیگری پیدا شوند و آنها را کشف کنند. پس حصر عمده (ستون ها) در نیروی جاذبه درست به نظر نمی رسد.

دوم) کلمه «سماوات» در قرآن معانی متعددی دارد (مثل: جهت بالا، جو زمین، کرات آسمانی، آسمان های معنوی و ستارگان و سیارات) (۳) و در اینجا در

ص: ۲۷۰

۱- (۱). گودرز نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۴۳.

۲- (۲). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۲۸۷.

۳- (۳). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۶۵؛ حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ماده سمو؛ بحث «آسمان های هفت گانه» در همین نوشتار.

صورتی تفسیر آیه به نیروی جاذبه صحیح است که آسمان را «کرات آسمانی» معنا کنیم. با توجه به سیاق آیه دهم سوره لقمان که در مورد نزول باران از آسمان سخن می گوید و آسمان ها را در مقابل زمین به کار می برد و نیز آیه دوم سوره رعد که به دنبال آسمان ها از خورشید و ماه و سپس زمین (در آیه بعد) سخن می گوید، معلوم می شود که قدر متیقن از آسمان در این موارد همان آسمان مادی (یعنی کرات آسمانی یا طبقات جو زمین) است.

۲. در مورد آیه چهارم، یعنی: (إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا...؛ [\(۱\)](#)) «در حقیقت، خدا (اجرام) آسمان ها و زمین را نگاه می دارد تا مبادا (از مسیر منحرف و) فنا شوند» (یا تا منحرف نشوند) نیز سه نکته قابل تأمل است:

اول) در اینجا هم باید آسمان ها را به معنای کرات آسمانی فرض کنیم.

دوم) نگهداری آسمان و زمین توسط خدا را به معنای نگهداری آنها توسط نیروی جاذبه معنا کنیم. آری، ممکن است خداوند توسط وسایل و نیروهای متعددی آسمان ها و زمین را نگهداری کند تا منحرف نشوند که نیروی جاذبه یکی از آنهاست؛ نه تمام آنها. پس انحصار معنای آیه فوق نیز در نیروی جاذبه صحیح نیست.

سوم) این آیه دو تفسیر دارد (همان طور که گذشت) که بر اساس یکی از آنها قابل انطباق بر نیروی جاذبه است.

۳. کفاتی در لغت حداقل به معنای جمع سرعت آمده است. [\(۲\)](#) برخی نیز آن را جمع انسان ها (مرده و زنده) در زمین و عده ای دیگر حرکت زمین معنا کرده اند؛ همان گونه که برخی به معنای جاذبه گفته اند. پس تفسیر نیروی جاذبه زمین در

ص: ۲۷۱

۱- (۱). فاطر، آیه ۴۱.

۲- (۲). ر.ک: راغب اصفهانی، مفردات، ماده کفت.

مورد کفات یکی از احتمالات آیه است و به صورت قطعی نمی توان این مطلب را به آیه فوق استناد داد.

مفسران بزرگی مثل علامه طباطبایی و صاحب تفسیر نمونه اشاره ای به این احتمال (استفاده نیروی جاذبه از آیه) نکرده و آیه را به معنای جمع مردم (زنده و مرده) در زمین گرفته اند؛ یعنی معنای جمع را برای کفات ترجیح داده اند. (۱)

نتیجه: احتمال دلالت آیات اول و دوم بر نیروی جاذبه قوی است؛ ولی معنای آیات فوق منحصر در نیروی جاذبه نیست و نیروی جاذبه یکی از مصادیق «عمد» (ستون ها) است. به هر حال این یک اشاره علمی قرآن است که با توجه به اطلاع نداشتن مردم و دانشمندان عصر نزول قرآن از نیروی جاذبه، عظمت قرآن کریم را در بیان اسرار علمی روشن می سازد و می تواند از جلوه های اعجاز علمی قرآن به شمار آید.

(ب) خورشید و حرکات آن

خورشید یکی از نشانه های الهی است که خداوند در قرآن به آن قسم یاد کرده و در آیات متعددی خورشید و حرکت های آن ذکر فرموده است؛ از این رو بسیاری از مفسران و صاحب نظران و متخصصان کیهان شناسی در این مورد اظهار نظر کرده اند. آیاتی که در این مورد به آنها استناد شده عبارتند از:

(وَ آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ * وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ) ؛ «و برای آنان شب، نشانه (ی خدا) است که روز را از آن

ص: ۲۷۲

۱- (۱). ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۱۶۸ و نمونه، ج ۲۵، ۴۱۱ و ۴۱۲.

برمی کنیم و ناگهان آنان در تاریکی فرو می روند؛ و خورشید که تا قرارگاهش روان است؛ این اندازه گیری (خدای) شکست ناپذیر داناست»؛

(لَا- الشَّمْسُ يَتَّبِعِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَ كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبِقُ بَحُونَ) ؛ (۱) «نه خورشید برایش سزاوار است که ماه را دریابد، و نه شب بر روز پیشی گیرنده است؛ درحالی که هر یک در مداری شناورند»؛

(وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبِقُ بَحُونَ) ؛ (۲) «و او کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید؛ درحالی که هر یک در مداری شناورند»؛

(... وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ لِيَجْرِيَ لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ...) ؛ (۳) «و خورشید و ماه را رام ساخت؛ هر کدام تا سرآمد معینی روان اند».

(وَ سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ ...) ؛ «و (منافع) خورشید و ماه را، که پیوسته روان اند، برای شما مسخر گردانید». (۴)

نکات تفسیری

۱. آیات فوق نشانه های حق را به مردم یادآوری می کنند تا ایمان آورند یا ایمانشان تقویت گردد؛ از این رو آیات سوره یس با کلمه (وَ آيَةٌ لَهُمْ ...) شروع می شود و آیه دوم سوره رعد نیز با جمله (لَعَلَّكُمْ يَلْقَاءُ رَبُّكُمْ تَوْقِنُونَ) «امید که به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید» پایان می یابد.

ص: ۲۷۳

۱- (۱) . یس، آیه ۴۰.

۲- (۲) . انبیاء، آیه ۳۳.

۳- (۳) . رعد، آیه ۲؛ فاطر، آیه ۱۳؛ زمر، آیه ۵. همین آیه در سوره لقمان (آیه ۲۹) به این صورت آمده است: (كُلٌّ يَجْرِي إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى) .

۴- (۴) . ابراهیم، آیه ۳۳.

۲. «لام» در کلمه «لمستقر» ممکن است به چند معنا باشد:

الف) به معنای «الی» (خورشید به سوی قرارگاه خود روان است)؛ (۱)

ب) به معنای «فی» (خورشید در قرارگاه خود روان است)؛ (۲)

ج) برای غایت «تا» باشد (خورشید تا قرارگاه خود روان است)؛ (۳)

د) به معنای تأکید باشد (خورشید روان است مگر قرارگاه خود را).

۳. آیه فوق به نحو دیگری نیز قرائت شده است: (الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا...) یعنی روان است و قرارگاه ندارد. (۴)

۴. کلمه مستقر در «لمستقر» ممکن است مصدر میمی یا اسم زمان یا اسم مکان باشد. معنا آن است که «خورشید به طرف قرار گرفتن خود حرکت می کند و تا آنجا که قرار گیرد حرکت می کند (یعنی تا سر آمدن اجل آن) یا زمان استقرار و یا محل استقرارش حرکت می کند». (۵)

این احتمال (سر آمدن اجل یا زمان استقرار) به وسیله آیه (... كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ...) (۶) تأیید می شود؛ زیرا «لاجل مسمی» به جای «لمستقر لها» به کار رفته است. مگر

ص: ۲۷۴

۱- (۱). ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۷۹، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت - ۱۴۱۷ق.

۲- (۲). سید هبه الدین شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۱۸۴ و تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲.

۳- (۳). ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۸۹، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت - ۱۴۱۷ق.

۴- (۴). ر.ک: طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۷۲ (ده جلدی)، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت ۱۴۱۵ق. این قرائت از امام سجاده، امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) و نیز ابن عباس، ابن مسعود، عکرمه و عطاء نقل شده است. طبرسی در توجیه آن می گوید: «ظاهر این قرائت عموم امّا معنای آن خاص است؛ یعنی تا وقتی آسمان ها همان طور برپاست خورشید محل استقرار ندارد؛ اما هنگامی که آسمان ها در هم فرو ریخت خورشید نیز مستقر می شود».

۵- (۵). ر.ک: المیزان، ج ۱۷، ص ۸۹، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت - ۱۴۱۷ق.

۶- (۶). فاطر، آیه ۱۳؛ رعد، آیه ۲؛ زمر، آیه ۵.

آن که ادعا شود آیه (وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا) (۱) می خواهد در مورد خورشید به مطلب تازه ای اشاره کند که در آیات دیگر (۲) به آن اشاره نشده بود؛ یعنی خورشید و ماه هر دو زمان استقرار و پایان زمانی حرکت دارند و خورشید پایان مکانی نیز دارد.

۵. ابن کثیر نیز در تفسیر خود در مورد «لمستقر لها» دو احتمال را مطرح می کند:

اول) مقصود مستقر مکانی باشد؛ یعنی تحت عرش الهی که نزدیک زمین است؛

دوم) مقصود انتهای سیر خورشید در قیامت باشد. (۳)

۶. «فُلُكٌ» در لغت به معنای کشتی و «فَلَکٌ» به معنای مجرای کواکب است (که به خاطر شباهت آن با کشتی در شناور بودن، فَلَکٌ نامیده شده است). (۴) برخی از مفسران می نویسند:

کلمه فَلَکٌ در لغت به معنی برآمدن پستان دختران و شکل دورانی به خود گرفتن است؛ سپس به قطعاتی از زمین که مدور است و یا اشیای مدور دیگر نیز اطلاق شده و از همین رو به مسیر دورانی کواکب نیز اطلاق می شود. (۵)

سید هبه الدین شهرستانی با چهارده دلیل اثبات می کند که کلمه «فَلَکٌ» در قرآن به معنای مدار نجوم و مجرای کواکب است. (۶)

۷. «یسبحون» از ماده «سباح» در اصل به معنای حرکت سریع در آب و هواست. (۷)

۸. «دائین» از ریشه «دأب» (به معنی ادامه دادن به سیر) است که به معنی

ص: ۲۷۵

۱- (۱). یس، آیه ۳۸.

۲- (۲). فاطر، آیه ۱۳؛ رعد، آیه ۲؛ زمر، آیه ۵.

۳- (۳). ر. ک: مختصر ابن کثیر، ۳/ ۱۶۲ و نیز دکتر السید الجمیلی، الاعجاز العلمی فی القرآن، ص ۳۲.

۴- (۴). راغب اصفهانی، مفردات، ماده فَلَکٌ.

۵- (۵). تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۷.

۶- (۶). اسلام و هیئت، ص ۱۹ به بعد.

۷- (۷). مفردات راغب، ماده سبح.

عادت مستمره هم می آید. (۱) البته صاحب تفسیر نمونه می گوید: «دائب از ریشه دثوب به معنی استمرار چیزی در انجام یک برنامه به صورت یک حالت و سنت است... ولی در معنی دائب حرکت در مکان نیفتاده است. و ازاین رو نورافشانی و اثر تربیتی، خورشید را مدلول دائب می کند». (۲)

امّا به نظر می رسد وی -با توجه به سخن راغب اصفهانی- به یکی از معانی دائب توجه نکرده است (ادامه دادن به سیر)؛ هرچند تفسیر نمونه هیچ منبع لغوی ای را نیز در این مورد معرفی نکرده است.

تاریخچه

خورشید ستاره ای است که هر انسانی می تواند هر روز آن را ببیند و حرکت کاذب روزانه آن (از طرف مشرق به مغرب) (۳) همیشه توجه انسان را به خود جلب کرده است. انسان ها تا قرن ها فکر می کردند خورشید به دور زمین می چرخد و هیئت پیچیده بطلمیوسی نیز بر همین اساس پایه گذاری شده بود که زمین مرکز جهان است. (۴) بطلمیوس کره زمین را ساکن و مرکز کلیه کرات می پنداشت و می گفت:

ص: ۲۷۶

۱- (۱) . مفردات راغب، ماده دثب.

۲- (۲) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۵۰ و ۳۵۷.

۳- (۳) . حرکت روزانه خورشید از مشرق به مغرب در حقیقت کاذب است و حقیقی نیست، چون در اثر حرکت زمین از مغرب به مشرق برای انسان خطای دید حاصل می شود. و گمان می کند که خورشید حرکت می کند.

۴- (۴) . در تاریخ حکماء آمده است که چند دانشمند یونانی به نام بطلمیوس خوانده می شدند که عبارتند از: بطلمیوس غریب، بطلمیوس دلس و بطلمیوس قلوذی که این سومی همان است که هیئت بطلمیوسی به نام اوست و ۱۴۰ سال قبل میلاد می زیسته است. ر.ک: اسلام و هیئت، گفتار سوم (کج) و ص ۵. (محمد نژد در فرهنگ دانستنی ها، ج ۱، ص ۷۵۲، بطلمیوس را از دانشمندان قرن دوم میلادی می داند).

سه چهارم از سطح زمین را آب فرا گرفته و کره هوا را مجموع خاک و آب احاطه کرده و کره هوا را کره آتش در میان گرفته و آتش را کره قمر در آغوش دارد. (فلک قمر را جز خود ماه ستاره ای نیست) و پس از فلک قمر افلاک عطارد و زهره و شمس و مریخ و مشتری و زحل به ترتیب هر فلک بعدی محیط بر فلک قبلی است و هریک را فقط یک ستاره است که هم به نام آن نامیده می شود.

و پس از فلک زحل کره هشتم یا فلک ثوابت است که جمیع کواکب ثابتة مانند میخ بر پیکر آن کوبیده است. و پس از فلک هشتم کره نهم یا فلک اطلس است که تمام افلاک هشتگانه به ترتیبی که ذکر شد در شکم آن جا دارد (مثل پیازی که لایه لایه بر هم دیگر هستند). فلک مزبور خالی از ستاره و دارای قطر نامحدود است... و در یک شبانه روز با کلیه افلاکی که در جوف آن است به گرد زمین می چرخد. (۱)

هیئت بطلمیوسی هفده قرن بر فکر بشر حکومت کرد و پس از آن کوپرنیک (۱۵۴۴م) هیئت جدید (هیئت کوپرنیکی) را ارائه داد که بر اساس آن زمین به دور خورشید می چرخید؛ ولی شکل چرخش را دایره ای می دانست. پس از او کپلر (۱۶۵۰م) شکل بیضوی گردش زمین به دور خورشید را کشف کرد. عقیده این دو نفر توسط گالیله ایتالیایی مستقر و مدلل گردید (۲) و از آن پس نظام منظومه شمسی به صورت نوین پایه گذاری شد؛ یعنی سیارات (عطارد، زهره، زمین، مریخ، مشتری، زحل، اورانوس، نپتون و پلوتون) به دور خورشید می چرخند.

البته اخترشناسان (حتی کوپرنیک، کپلر و گالیله) همچنان معتقد بودند که خورشید ثابت ایستاده است (۳) و حتی در ادعاینامه ای که ضد گالیله در دادگاه

ص: ۲۷۷

۱- (۱). اسلام و هیئت، ص ۵-۷.

۲- (۲). ر.ک: همان، ص ۹-۱۰.

۳- (۳). مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۲۴؛ احمد امین، راه تکامل، ج ۵، ص ۹؛ شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۱۷۹. وی پس از نقل سخن کوپرنیک در این که خورشید را مرکز و ساکن می داند، توجیه می کند که او خورشید را نسبت به زمین (داخل منظومه شمسی) ساکن می دانست؛ نه نسبت به خارج آن.

قرائت شد، اتهام او اعتقاد به سکون خورشید (برخلاف گفته کتاب مقدس که خورشید را متحرک می دانست) (۱) بود و او حاضر نشد حرکت خورشید را بپذیرد. (۲)

در اعصار جدید روشن شد که خورشید چند حرکت دارد:

اول) حرکت وضعی که هر ۲۵/۵ روز یک بار به دور خود می چرخد؛

دوم) حرکت انتقالی از جنوب آسمان به شمال آن که هر ثانیه ۱۹/۵ کیلومتر همراه با منظومه شمسی حرکت می کند.

سوم) حرکتی انتقالی که با سرعت ۲۲۵ کیلومتر در ثانیه دور مرکز کهکشان می گردد و در این حرکت نیز منظومه شمسی را همراه خود می برد. (۳)

البته برای خورشید حرکت های دیگری نیز گفته شده که در نکات علمی اشاره می کنیم.

اسرار علمی

در مورد آیات مربوط به حرکت خورشید مفسران قرآن دو گروه شده اند:

اول) مفسران قدیمی

مفسران قرآن کریم از دیرزمان به دنبال فهم آیات مربوط به حرکت خورشید بودند؛

ص: ۲۷۸

-
- ۱- (۱). کتاب مقدس، کتاب مزامیر، زبور داود، مزمور ۱۹ / ۵: «و [خورشید] مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی می کند».
 - ۲- (۲). ر. ک: آرتور کوستلر، خوابگردها، ترجمه منوچهر روحانی، ص ۵۹۰.
 - ۳- (۳). شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۱۸۰ و استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۲۶ و جهان های دور، ص ۲۹۳ و تاریخ علوم، ص ۳۴۷ و دنیای ستارگان، ص ۱۴۶ و مرزهای نجوم، ص ۲۴۶.

ولی از طرفی نظریه هیئت بطلمیوسی در جهان رواج داشت و از طرف دیگر ظاهر آیات قرآن (در مورد حرکت خورشید و زمین در مدار خاص خود) هیئت بطلمیوسی را بر نمی تافت؛ از این رو برخی از مفسران سعی کردند با توجیه خلاف ظاهر، آیات قرآن را با هیئت بطلمیوسی و حرکت کاذب روزانه خورشید سازگار کنند.

طبری (۳۱۰ ق) در تفسیرش حرکت خورشید را همان حرکت روزانه و محل استقرار آن را دورترین منازل در غروب می داند.

(۱)

طبرسی مفسر گران قدر شیعه (م ۵۴۸ ق) می گوید:

در مورد استقرار خورشید سه قول است:

اول) خورشید جریان می یابد تا این که دنیا به پایان برسد. بنابراین به معنای این است که محل استقرار ندارد.

دوم) خورشید برای زمان معینی جریان دارد و از آن تجاوز نمی کند.

سوم) خورشید در منازل خود در زمستان و تابستان حرکت می کند و از آنها تجاوز نمی نماید؛ پس همان ارتفاع و هبوط

خورشید محل استقرار اوست. (۲)

شهرستانی در مورد آیه: (... وَ كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبُحُونَ) (۳) می نویسد:

هریک در فلکی شنا می کنند. و مکرر گفتیم که ظاهر این آیه با هیئت قدیم راست نمی آمد؛ زیرا بنابر آن هیئت، حرکت کوکب در جسم فلک ممتنع است و از این جهت قدما ظاهر آیه را حمل بر مجاز کرده، سیاحت را هم به معنی مطلق حرکت گرفته و گفته اند مقصود این است که هر ستاره ای با فلک خود بالتبع حرکت می کند.

این در حالی است که در آیه واژه «فی» (در) آمده است؛ یعنی خورشید «در» فلک و مدار شناور است.

ص: ۲۷۹

۱- (۱). تفسیر طبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن)، ج ۲۳، ص ۵ و ۶ (چاپ دارالمعرفه، بیروت).

۲- (۲). مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۲۴ و ۴۲۵ ذیل یس، آیه ۳۸ (چاپ دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۹ ق).

۳- (۳). یس، آیه ۴۰.

وی همچنین در مورد آیه (وَ الشَّمْسُ تَجْرِي) (۱) می نویسد: «متقدمین بدین آیه احتجاج کرده حرکتی را که از طلوع و غروب آفتاب مشاهده می شود، متعلق به جرم خورشید دانسته اند؛ ولی در معنای کلمه مستقر، دچار اضطراب و اختلاف عقیده شده اند.

...برخی گفته اند آفتاب سیر می کند تا مستقر خود که برج حمل است (که لازمه آن سکون خورشید در برج حمل است؛ پس این معنا صحیح نیست).

...برخی نیز گفته اند شمس حرکت می کند در فلک خود (که از نظر هیئت قدیم باطل است). (۲)

عجیب است که صاحب تفسیر نمونه نیز در تفسیر آیه (... وَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ) (۳) احتمال می دهد که مقصود همین حرکت خورشید بر حسب حسّ ما یا حرکت ظاهری (کاذب و خطای دید) باشد و آن احتمال را در کنار احتمالات دیگر می آورد و رد نمی کند؛ (۴) در حالی که این آیات در مقام شمارش آیات خداوند هستند و حرکت کاذب نمی تواند آیه و نشانه الهی باشد. (۵)

ص: ۲۸۰

۱- (۱). یس، آیه ۳۸.

۲- (۲). اسلام و هیئت، ص ۱۸۳-۱۸۵ با تلخیص.

۳- (۳). یس، آیه ۴۰.

۴- (۴). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۶ - ۳۸۹.

۵- (۵). این سخن از ایشان عجیب است؛ چون قرآن کریم هنگامی که می خواهد سخن از حرکت کاذب (طلوع و غروب با توجه به خطای دید بیننده) بگوید می فرماید: (وَ تَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ...) (کهف، آیه ۱۷)؛ «و آفتاب را می بینی که چون بر آید از غارشان». در این آیه جمله با «تری» شروع می شود؛ یعنی شما می بینید و گمان می کنید خورشید طلوع می کند. اما هنگامی که در مقام بیان حقیقت امر حرکت خورشید است می فرماید: (الشَّمْسُ تَجْرِي ... * كُلٌّ فِي فَلَكٍ ...) و چیزی که دلالت بر حرکت کاذب باشد نمی آورد.

پس از آن که در هیئت جدید، حرکت زمین به دور خورشید و سپس حرکت های چندگانه خورشید به اثبات رسیدند، آیات مربوط به حرکت خورشید معنای جدیدی پیدا کردند و متخصصان، صاحب نظران و مفسران قرآن در این مورد اظهار نظرهای متفاوت و برداشت های زیبایی کردند، که بدان ها اشاره می کنیم:

الف) حرکت انتقالی خورشید درون کهکشان راه شیری (حرکت طولی)

مفسر معاصر آیت الله مکارم شیرازی پس از اشاره به تفسیرهای «تجری» (۱) می نویسد:

آخرین و جدیدترین تفسیر برای آیه فوق همان است که اخیراً دانشمندان کشف کرده اند و آن حرکت خورشید با مجموعه منظومه شمسی در وسط کهکشان ما به سوی یک سمت معین و ستاره دوردستی که آن را ستاره «وگا» نامیده اند، می باشد.

(۲)

وی در جای دیگر «جریان» را اشاره به حرکت طولی می داند. (۳)

تذکر: در این معنا باید «لام» را در «لمستقر لها» به معنای «الی» بگیریم؛ یعنی: «خورشید به سوی قرارگاه خود جریان دارد.» همان گونه که برخی از نویسندگان عرب بدان تصریح کرده اند. (۴)

یکی از صاحب نظران پس از این که حرکت خورشید از جنوب به شمال آسمان را ۱۹/۵ کیلومتر در ثانیه می داند، به آیه های ۲ سوره رعد و ۳۳ سوره

ص: ۲۸۱

۱- (۱) . یس، آیه ۳۸.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲.

۳- (۳) . همان، ص ۳۸۸.

۴- (۴) . ر.ک: احمد محمد سلیمان، القرآن و العلم، ص ۳۵.

ابراهیم در مورد حرکت خورشید استناد می‌جوید. (۱)

یکی دیگر از نویسندگان معاصر در مورد کلمه «مستقر» در آیه (تَجْرِي لِمُسْتَقَرًّا) می‌نویسد: «این حرکت به سوی قرارگاه، شاید همان حرکت خورشید به سوی ستاره وگا باشد که علم نجوم امروز بدان پی برده است» و آن را معجزه علمی قرآن می‌داند. (۲)

علامه طباطبایی پس از آن که جریان شمس را همان حرکت خورشید ذکر می‌کند، می‌نویسد:

امّا از نظر علمی تا آنجا که اباحت علمی حکم می‌کند، قضیه درست بر عکس (حس) است؛ یعنی خورشید دور زمین نمی‌گردد؛ بلکه زمین به دور خورشید می‌گردد. و نیز اثبات می‌کند که خورشید یا سیاراتی که پیرامون آن هستند، به سوی ستاره (نسر ثابت) حرکت انتقالی دارند... (۳)

سید هبه‌الدین شهرستانی حرکت خورشید را به طرف ستاره ای بران راست «جایی» معرفی می‌کند و در جای دیگر آن را به طرف مجموعه نجوم (هرکیل) (۷۷) (۴) و کلمه «تجری» را اشاره به حرکت انتقالی خورشید می‌داند. (۵)

طنطاوی نیز در تفسیرش پس از ذکر مقدمه ای در انواع حرکات، آیه فوق را بر حرکت خورشید و مجموعه همراه او به دور یک ستاره (کوکب) حمل می‌کند و سپس در مورد حرکت های هواپیماها، اتومبیل ها و... مطالبی طولانی بیان می‌کند که ربطی به تفسیر آیه ندارند. (۶)

ص: ۲۸۲

-
- ۱- (۱). استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۲۶ و ۲۵-۳۶.
 - ۲- (۲). گودرز، نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۲۵-۲۶.
 - ۳- (۳). المیزان، ج ۱۷، ص ۸۹.
 - ۴- (۴). اسلام و هیئت، ص ۱۸۱.
 - ۵- (۵). همان.
 - ۶- (۶). طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۷۲ و ۱۷۳، دارالفکر.

در این مورد کتاب های زنده جاوید و اعجاز قرآن اثر مهندس محمد علی سادات، (۱) قرآن و آخرین پدیده های علمی اثر مهندس جعفر رضایی فر (۲) و القرآن الکریم و العلم الحدیث، اثر دکتر منصور محمد حسب النبی، (۳) مطالب مشابهی دارند.

ب) حرکت انتقالی خورشید همراه با کهکشان (حرکت دورانی)

آیت الله مکارم شیرازی در مورد آیه (... وَ كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبُحُونَ) (۴) «و هر کدام از آنها در مسیر خود شناورند.» دو احتمال را ذکر می کند:

اول) حرکت خورشید به حسب حس ما یا حرکت ظاهری [حرکت کاذب روزانه خورشید که در اثر حرکت زمین به خطا دیده می شود و عرف مردم این حرکت را به خورشید نسبت می دهند (۵)؛

دوم) منظور از شناور بودن خورشید در فلک خود، حرکت آن همراه با منظومه شمسی و همراه با کهکشانی که ما در آن قرار داریم می باشد؛ چه این که امروزه ثابت شده است که منظومه شمسی ما جزیی از کهکشان عظیمی است که به دور خود در حال گردش است.

وی در پایان این آیه را اشاره به حرکت دورانی خورشید - که بر خلاف هیئت بطلمیوسی حاکم در زمان نزول قرآن سخن گفته است - و معجزه علمی دیگری از قرآن می داند. (۶)

ص: ۲۸۳

-
- ۱- (۱) . زنده جاوید و اعجاز قرآن، ص ۲۸-۳۰.
 - ۲- (۲) . قرآن و آخرین پدیده های علمی، ص ۱۳۱.
 - ۳- (۳) . القرآن الکریم و العلم الحدیث، ص ۲۶۴.
 - ۴- (۴) . یس، آیه ۴۰.
 - ۵- (۵) . ر.ک: پاورقی صفحات قبل که در مورد حرکت صادق و کاذب خورشید مطالبی بیان کردیم.
 - ۶- (۶) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۶-۳۸۹.

یکی از صاحب نظران نیز پس از آن که حرکت دورانی خورشید را هر ۲۰۰ میلیون سال یک بار با سرعت ۲۲۵ کیلومتر در ثانیه به دور مرکز کهکشان می داند، به آیات ۲ سوره رعد و ۳۳ سوره ابراهیم برای اثبات حرکت خورشید استناد می جوید.

(۱)

دکتر موریس بوکای با استناد به آیه های ۳۳ سوره انبیاء و ۴۰ سوره یس (... وَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ) نتیجه می گیرد که قرآن تصریح کرده که خورشید روی مداری حرکت می کند و این مطلب بر خلاف هیئت بطلمیوسی رایج در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود. او می گوید: «با این که نظر بطلمیوس در زمان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) هم مورد گرایش بود، در هیچ جای قرآن به چشم نمی خورد.» وی سپس با اشاره به ترجمه های غلط قرآن به زبان فرانسه که فلک را به معنای مغشوش (کره آسمانی - میله آهنی) آورده اند - چون نمی توانستند حرکت دورانی خورشید را تصور کنند - می گوید: «اولین ترجمه قرآن که به زبان فرانسوی کلمه فلک را مدار ترجمه کرد، ترجمه حمیدالله دانشمند پاکستانی بود.» (۲)

سید هبه الدین شهرستانی در مورد حرکت خورشید و منظومه شمسی (از قول برخی) این گونه نقل می کند: «خورشید با همه اتباع خود به دور روشن ترین ستاره ای که در ثریاست می چرخد و نام آن ستاره به زبان فرنگی الکبوتی و به زبان عربی عقد الثریا است.»

برخی دیگر از نویسندگان (۳) نیز این حرکت دورانی را به آیات قرآن (یس، آیه ۴۰) نسبت داده اند.

ص: ۲۸۴

۱- (۱). ر.ک: استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۲۶ و ۳۵-۳۶.

۲- (۲). مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، تألیف دکتر بوکای، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، ص ۲۱۵ و ۲۱۶.

۳- (۳). عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۷۸ به بعد.

استاد مصباح یزدی نیز با طرح آیه فوق می نویسد:

قرآن، فلک را چون دریایی می داند که اجرام در آن حرکت دارند و شناورند. پیداست که منظور فضایی است که این اجرام در آن حرکت می کنند و مدار حرکتشان را در آن فضا، تعیین می کنند؛ نه آن چنان که قدما می گفتند: فلک حرکت می کند و آنها در فلک ثابتند.

قرآن از ابتدا «فرضیه فلکیات» قدیم را مردود می دانسته است... پس از این آیه می توان استفاده برد که اجرام علوی، همه در حرکتند و این چیزی است که نجوم جدید اثبات می کند. (۱)

تذکر: به نظر می رسد که ظاهر آیه همین معنای دوم (حرکت خورشید در یک مدار) است که با توجه به جمله ذیل آیه یعنی (...كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ) تأیید می شود.

(ج) حرکت وضعی خورشید به دور خود

در تفسیر نمونه آمده است: «بعضی دیگر آن [تجری] را اشاره به حرکت وضعی کره آفتاب دانسته اند؛ زیرا مطالعات دانشمندان به طور قطع ثابت کرده که خورشید به دور خود گردش می کند». (۲) سپس در پاورقی توضیح می دهد که طبق تفسیر، «لام» در «لمستقر لها» به معنای «فی» (در) است. (۳)

تذکر: در این صورت معنای این گونه می شود: «خورشید در قرارگاه خود جریان دارد». [و به دور خود می چرخد].

احمد محمد سلیمان نیز در کتاب القرآن و العلم می گوید: «کلمه لام در عربی ۱۳ معنی دارد». وی سپس توضیح می دهد که اگر لام به معنای «فی» باشد حرکت

ص: ۲۸۵

۱- (۱). معارف قرآن، ص ۲۵۲.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲.

۳- (۳). همان.

وضعی خورشید و اگر به معنای «الی» باشد حرکت انتقالی خورشید را می رساند. سپس می گوید: «این معجزه بلاغی قرآن است که یک کلمه لمستقر لها دو معجزه علمی را با هم می رساند».^(۱)

سید هبه الدین شهرستانی نیز از علامه مرعشی شهرستانی (سید محمد حسین) و غیر او نقل می کند که احتمال داده اند کلمه «مستقر» به معنی محل استقرار و حرف لام به معنی «فی» و مقصود، حرکت وضعی آفتاب باشد.^(۲)

یکی از صاحب نظران نیز پس از آن که حرکت وضعی خورشید را ۲۵/۵ روز یک مرتبه به دور خود معرفی می کند، به آیات ۲ سوره رعد و ۳۳ سوره ابراهیم در مورد اثبات حرکت خورشید استناد می جوید.^(۳)

برخی دیگر از نویسندگان مثل محمد علی سادات، آیات ۳۸ و ۴۰ سوره یس را دلیل حرکت وضعی خورشید می دانند.^(۴) صاحب نظر دیگری نیز با ذکر این که ممکن است لام در کلمه «لمستقر» به معنای «فی» یا «تأکید» باشد، آن را اشاره به حرکت وضعی خورشید می داند.^(۵)

(د) ادامه حیات خورشید تا زمان معین

یکی از صاحب نظران در مورد آیه (...كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَيَّمٍ ...)؛^(۶) «و خورشید و ماه را رام ساخت؛ هر کدام تا سرآمد معینی روان اند» می نویسد: ظاهر مقصود از این که

ص: ۲۸۶

۱- (۱). احمد محمد سلیمان، القرآن و العلم، ص ۳۵-۳۶.

۲- (۲). ر.ک: اسلام و هیئت، ص ۱۸۶.

۳- (۳). ر.ک: دانش عصر فضا، ص ۲۶، ۳۵ و ۳۶.

۴- (۴). ر.ک: زنده جاوید و اعجاز قرآن، ص ۲۸ - ۳۰.

۵- (۵). مصطفی زمانی، پیشگویی های علمی قرآن، ص ۳۴.

۶- (۶). رعد، آیه ۲.

خورشید و ماه تا زمان معینی به گردش خود ادامه می دهند این است که زمانی فراخواهد رسید که این چراغ های آسمانی خاموش گردند و آن روز قیامت است». (۱)

این معنا را سید هبه الدین شهرستانی نیز در مورد آیه (وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا...) (۲) می پذیرد و می گوید: «مقصود از «تجری» جریان حرکت انتقالی آفتاب است در اعماق فضا و مراد از «مستقر» زمان استقرار است؛ نه مکان آن و معنا چنین می شود: آفتاب حرکت می کند تا هنگامی که باید قرار گیرد؛ یعنی روز قیامت».

تذکر: در این صورت «مستقر» را در این آیه، اسم زمان معنا کرده اند.

فیزیک دانان جدید می نویسند: «خورشید می تواند تا ده میلیارد سال بدرخشد و از این عمر طولانی پنج میلیارد سال آن گذشته است. بنابراین اکنون خورشید در نیمه راه زندگی خود قرار دارد». (۳)

ه) حرکات درونی خورشید

به نظر می رسد کلمه «تجری» در آیه (وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا...) (۴) معنای دیگری نیز داشته باشد؛ یعنی بین کلمه «تحرك» و «تجری» تفاوتی هست و آن این که کلمه «تحرك» فقط حرکت را می رساند؛ مثل حرکت اتومبیلی که به جلو یا عقب می رود، ولی زیوررو نمی شود. اما کلمه «تجری» در مورد مایعات به کار

ص: ۲۸۷

۱- (۱) . دانش عصر فضا، ص ۳۵.

۲- (۲) . یس، آیه ۳۸.

۳- (۳) . ر.ک: دکتر اریک اوبلا-کر، فیزیک نوین، ترجمه بهروز بیضاوی، ص ۲۰-۲۱. او می نویسد: «خورشید در ثانیه ۵۶۴ میلیون تن هیدروژن به عنوان سوخت مصرف می کند که از این مقدار ۵۶۰ تن هلیوم به وجود می آید. ۴ میلیون تن مواد باقی مانده (که فقط ۰.۷٪ سوخت مصرفی می باشد) تبدیل به انرژی می شوند که در نهایت به صورت نور و گرما انتشار می یابند».

۴- (۴) . یس، آیه ۳۸.

می رود که هنگام حرکت، علاوه بر جلورفتن زیرورو هم می شوند؛ مثل آب.

امروزه دانشمندان کشف کرده اند که خورشید علاوه بر حرکت های وضعی، انتقالی طولی و انتقالی دورانی یک حرکت دیگر هم دارد: درون خورشید دائماً انفجارات هسته ای صورت می گیرد تا انرژی نورانی و گرما تولید شود و روشنی بخش ما باشد. (۱) این انفجارها باعث می شوند مواد مذاب داخل خورشید زیرورو و گاه تا صدها کیلومتر به خارج از آن پرتاب شوند. (۲)

به عبارت دیگر خورشید فقط حرکت نمی کند، بلکه مثل آب جریان دارد و دائماً زیرورو می شود. این لطافت تعبیر قرآنی نمی تواند جز غیر از طریق وحی صادر شده باشد و از همین رو ممکن است اعجاز علمی قرآن را برساند.

تذکر: در اینجا ممکن است گفته شود که در قرآن واژه «تجری» هم در مورد حرکت ماه و هم در مورد حرکت خورشید به کار رفته است: (... وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِی لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ...)؛ (۳) در حالی که ماه از مواد مذاب تشکیل نشده است. پس همیشه واژه تجری به معنای مذاب بودن متعلق جریان (مثل آب و خورشید)

ص: ۲۸۸

۱- (۱). ر.ک: فیزیک نوین، ص ۲۰. مؤلف می نویسد: «در درجه حرارت ۱۵ میلیون سانتیگراد و فشار اتمسفری ۲۰۰ میلیارد اتمسفر، به بیان خیلی ساده هسته های اتم های هیدروژن به هسته های هلیوم تبدیل می شوند... بنابراین در این میان مقداری جرم از دست می رود که برابر فرمول (انشستین) به انرژی تبدیل می شود. این عمل ذوب هسته ای یا جوشش هسته ای نام دارد».

۲- (۲). مجله اطلاعات علمی (ش ۱۹۳، مهر ۱۳۷۴ ش) در یک گزارش علمی می نویسد: «خورشید هر دو ساعت و ۴۰ دقیقه، سطح آن با سرعت ۶ کیلومتر به داخل و خارج می رود و قطر آن ۱۰ کیلومتر تغییر می کند و این طپش خورشید است. و در اثر میدان های مغناطیسی اطراف، لکه ها به وجود می آیند و با سرعت ۱/۶۰۰/۰۰۰ کیلومتر در ساعت از خورشید فوران می کنند و دور می شوند و به سرعت خاموش می شوند».

۳- (۳). فاطر، آیه ۱۳؛ زمر، آیه ۵؛ لقمان، آیه ۲۹.

نیست، بلکه این تعبیر کنایه از این است که - در این موارد - فضا مانند اقیانوسی است که ماه و خورشید مثل یک کشتی در آن شناورند. پس این واژه دلالت قطعی بر یک معنا (شناور بودن یا مذباب بودن) در مورد خورشید ندارد و نمی توان گفت که اعجاز علمی قرآن را ثابت می کند.

تذکر دیگر: برخی از صاحب نظران (مانند دکتر السید الجمیلی) نیز با ذکر آیه ۳۶ سوره یس، حرکت خورشید و منظومه شمسی را ۷۰۰ کیلومتر در ثانیه دانسته اند؛ ولی نوع حرکت را مشخص نکرده اند (که دورانی به دور مرکز کهکشان یا مستقیم است). (۱)

بررسی

در مورد انطباق حرکت های خورشید با آیات مورد بحث، تذکر چند نکته لازم است:

۱. گفتیم که سه احتمال درباره کلمه «مستقر» (مصدر میمی، اسم مکان و اسم زمان)، چند احتمال در معنای لام «لمستقر» (الی، فی و غایه) و چهار احتمال در مورد کلمه «جریان» (حرکت انتقالی طولی، حرکت وضعی، ادامه حیات زمانی و حرکت درونی خورشید) وجود دارد. حاصل ضرب این احتمالات در یکدیگر عدد ۳۶ است؛ (۲) یعنی ۳۶ احتمال در معنای آیه متصور و ممکن است در واقع همه این احتمالات مراد آیه باشند. پس این احتمال هم وجود دارد که جریان (حرکت) دیگری هم برای خورشید وجود داشته باشد که کشف نشده و آن هم مقصود باشد. از این رو نمی توان به طور قطعی گفت که مقصود آیه یکی از این احتمالات است و احتمالات (شناخته شده یا کشف نشده) دیگر را نفی کرد.

ص: ۲۸۹

۱- (۱). ر.ک: دکتر السید الجمیلی، الاعجاز العلمی فی القرآن، ص ۳۱.

۲- (۲). ۳۶۴ (علیه السلام) ۹۳ (علیه السلام) ۳.

البته همان طور که گفتیم ظاهر آیه همان معنای دوم (حرکت دورانی خورشید در یک مدار ثابت) است که با واژه «یسبحون» در ذیل آیه تأیید می شود.

۲. حرکت انتقالی خورشید به طرف یک مکان نامعلوم را می توان از کلمه «المستقر» استفاده کرد؛ اما تعیین این مکان (ستاره و گاه، جایی، هر کیل یا...) و یا تحمیل آن بر آیه قرآن صحیح به نظر نمی رسد؛ چون تعیین قطعی این مکان مشخص نیست و نمی توان مکان های حدسی را به قرآن نسبت داد.

۳. اشارات صریح قرآن به حرکت خورشید (هر کدام از معانی حرکت و جریان را که در نظر بگیریم) از مطالب علمی قرآن و نوعی رازگویی است؛ زیرا قرآن کریم زمانی از مدار (فلک) خورشید و جریان و حرکت واقعی آن سخن گفت که هیئت بطلمیوسی فقط همین حرکت کاذب را به رسمیت می شناخت. این مطلب، عظمت علمی قرآن و آورنده آن (پیامبر اسلام) صلی الله علیه و آله را نشان می دهد.

۴. آیا این اشارات علمی قرآن، اعجاز علمی آن را اثبات می کنند؟ در این مورد می توان تفصیل قائل شد؛ یعنی بگویم بخشی از این حرکت ها قبلاً توسط کتاب مقدس گزارش شده بودند (۱) و از این رو اخبار قرآن در این موارد اعجاز علمی نیستند؛ اما مواردی که توسط کتاب مقدس گزارش نشده بودند و توسط قرآن - برخلاف هیئت بطلمیوسی - بیان شدند اعجاز علمی قرآن هستند.

قسم اول - یعنی بخشی که کتاب مقدس خبر داد - همان جمله ای است که می گوید: «و [خورشید] مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی می کند». (۲) از این جمله فقط حرکت انتقالی دورانی خورشید برداشت می شود؛ چون پهلوانان در

ص: ۲۹۰

۱- (۱). کتاب مقدس، کتاب مزامیر، زبور داود، مزبور نوزدهم / ۵.

۲- (۲). همان.

میادین به طرف جلو و به صورت دورانی می‌دوند. (۱) اما بیان حرکت‌های دیگر (مثل: حرکت انتقالی طولی، حرکت وضعی، حرکت زمانی و حرکت درونی) خورشید از ابتکارات قرآن است و اعجاز علمی آن را ثابت می‌کند.

۲. زیست‌شناسی

اشاره

در مباحث زیست‌شناختی مورد آیات متعددی از قرآن ادعای اعجاز علمی شده است که به دو مورد از مهم‌ترین آنها می‌پردازیم (۲):

الف) زوجیت

زوجیت به معنای دو تا بودن و نر و ماده بودن می‌آید و قرآن کریم در آیات متعدد به زوجیت گیاهان بلکه همه اشیا اشاراتی کرده است؛ این آیات عبارتند از:

(... وَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) ؛ (۳) «و از همه محصولات، در آن، یک جفت دوتایی قرار داد؛ روز را به شب می‌پوشاند؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند» (همین مضمون در آیات ۵۲ سوره رحمن و ۵۳ سوره طه نیز آمده است)؛

(أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْمَآرِضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ * إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً) ؛ (۴) «و آیا به سوی زمین نظر نکرده‌اند که چه بسیار (انواع گیاهان) از هر جفتِ ارجمند در

ص: ۲۹۱

۱- (۱) . هرچند ممکن است ارباب کلیسا در قرون وسطی از این جمله حرکت کاذب روزانه خورشید را برداشت می‌کردند، ولی این جمله به خودی خود حرکت انتقالی دورانی را نتیجه می‌دهد.

۲- (۲) . برای اطلاع از موارد دیگر ر. ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، جلد دوم از نگارنده؛ همچنین کتاب‌های دیگری که در منبع‌شناسی پایان این کتاب ذکر می‌کنیم.

۳- (۳) . رعد، آیه ۳.

۴- (۴) . شعراء، آیه ۷.

آن رویانیدیم؟! قطعاً، در آن [ها] نشانه ای است». (همین مضمون در آیات ۵ سوره حج، ۱۰ سوره لقمان، ۷ سوره ق و ۵۳ سوره طه نیز آمده است)؛

(سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ)؛ (۱) «منزه است کسی که همه آن زوج ها را آفرید؛ از آن چه زمین می رویاند و از خودشان و از آن چه نمی دانند»؛

(وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ)؛ (۲) «و از هر چیز جفتی آفریدیم، باشد که شما متذکر شوید». عده ای نیز برای اثبات زوجیت اتم (الکتر و پروتون) به این آیه استناد کرده اند (۳):

(هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...)؛ (۴) «او کسی است که شما را از یک شخص آفرید؛ و از او همسرش را قرار داد، تا بدان آرام گیرد».

نکات تفسیری

۱. به نظر می رسد که آیات فوق را می توان بدین صورت دسته بندی کرد:

- گاهی قرآن از زوجیت میوه ها سخن می گوید؛

- در مرتبه بعد زوجیت گیاهان را بیان می کند؛

- در مرتبه بعد، زوجیت چیزهایی را مطرح می کند که انسان ها نمی دانند؛

- در مرتبه بعد از زوجیت همه اشیای جهان سخن می گوید.

۲. هدف نهایی بیان زوجیت، تذکر نشانه های الهی و به کار انداختن اندیشه

ص: ۲۹۲

۱- (۱). یس، آیه ۳۶.

۲- (۲). ذاریات، آیه ۴۹.

۳- (۳). عبد الرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۵۶-۱۵۷ استدلال ایشان در ادامه می آید.

۴- (۴). اعراف، آیه ۱۸۹.

انسان است: (إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لآيَاتٍ) ؛ (إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) . (۱)

۳. کلمه زوج در لغت به معنای زیر می آید:

الف) در حیوانات به هر کدام از نر و ماده ای که قرینه یکدیگرند؛

ب) در غیر حیوانات به هر کدام از دو چیز قرینه همدیگر (مثل یک لنگه کفش)؛

ج) به هر چیزی که مقارن دیگری و مشابه آن باشد؛

د) به هر چیزی که مقارن دیگری و متضاد آن باشد. (۲)

تاریخچه

انسان تا قرن ها گمان می کرد که مسئله زوجیت و وجود جنس نر و ماده فقط در مورد بشر و حیوانات و برخی گیاهان مثل خرما صدق می کند؛ اما «کارل لینه» (۱۷۰۷-۱۷۸۷م) گیاه شناس معروف سوئدی، در سال ۱۷۳۱م نظریه ای مبنی بر وجود نر و ماده در بین همه ارائه کرد که مورد استقبال دانشمندان قرار گرفت. (۳) امیا وی پس از مدتی توسط ارباب کلیسا توقیف گردید و کتاب هایش ضالّه اعلام شدند. (۴)

پس از آن، دانشمندان کشف کردند که ماده از تراکم انرژی به صورت ذرات بی نهایت ریزی که اتم نامیده می شوند تشکیل شده است. پس از مدتی مسئله زوجیت به همه اشیا تعمیم داده شد؛ زیرا دانشمندان کشف کردند که واحد ساختمانی موجودات - یعنی اتم - از الکترون ها (با بار منفی) و پروتون ها (با بار مثبت) تشکیل

ص: ۲۹۳

۱- (۱) . رعد، آیه ۳؛ شعراء، آیه ۷.

۲- (۲) . ر.ک: مفردات راغب اصفهانی، ماده زوج.

۳- (۳) . ر.ک: پی یر روسو، تاریخ علوم، ص ۳۵۴ و ۴۰۸ به بعد، ترجمه حسن صفاری، و نیز گودرز نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۵۷ و نیز تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۷۷-۳۷۸.

۴- (۴) . ذکر الله احمدی، ارمان روشنفران، ص ۷۳ و م. حقیقی، فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، ج ۲، ص ۲۲ و نیز گودرز نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۵۷.

شده است. «ماکس پلانک» فیزیک دان نامی قرن بیستم گفت: «هر جسم مادی مرکب است از الکترون ها و پروتون ها.»
(۱) هر الکترون با سرعت سرسام آوری (۵۰/۰۰۰ دور در ثانیه) به دور مرکز اتم یعنی پروتون ها می چرخد. البته در اتم ذرات
سومی به نام نوترون نیز یافت شدند که از لحاظ بار الکتریکی خنثی هستند. (۲)

اخيراً فیزیک دانان در دوران اتم ذرات بنیادی دیگری به نام «کوارک» (۳) کشف کرده اند که ذرات تشکیل دهنده الکترون،
نوترون و پروتون هستند و باعث به وجود آمدن بار الکتریکی مثبت، منفی و خنثی در آنها می شوند.

تاکنون شش نوع کوارک شناخته شده اند که دو نوع «D» و «U» در تشکیل مواد پایدار معمولی نقش مهمی دارند. کوارک
U دارای بار الکتریکی ۲۳ و کوارک D دارای بار الکتریکی ۱۳ است. پروتون که بار مثبت دارد، از دو کوارک U و یک
کوارک D تشکیل شده است و به این دلیل حاصل بار آن مثبت می شود:

$$۱۳ + ۲۳ - ۱ = ۲۳$$

برعکس پروتون، یک نوترون دو کوارک D و یک کوارک U دارد و بار آن خنثی است: $۱۳ + ۲۳ - ۰ = ۱۳$

اسرار علمی

بسیاری از مفسران و صاحب نظران، در مورد زوجیت گیاهان - و بلکه همه اشیا - به آیات فوق استدلال کرده اند که در اینجا
به پاره ای از آنها اشاره می کنیم:

۱. مرحوم طبرسی حدود ۹ قرن قبل در تفسیر مجمع البیان، بر اساس نصوص

ص: ۲۹۴

۱- (۱). ماکس پلانک، تصویر جهان در فیزیک جدید، ص ۹۵، ترجمه مرتضی صابر.

۲- (۲). ر.ک: مهندس محمد علی سادات، زنده جاوید و اعجاز قرآن، ص ۴۰-۴۲.

۳- (۳). Quark.

قرآنی، مسئله زوجیت گیاهان، حیوانات و حتی اشیای دیگر را مطرح می کند و آن را می پذیرد. (۱)

۲. صاحب تفسیر نمونه ذیل آیه ۳۶ سوره یس می نویسد:

آن چه مسلم است ازواج - جمع زوج - معمولاً به دو جنس مذکر و مؤنث گفته می شود؛ خواه در عالم حیوانات باشد یا غیر آنها. سپس توسعه یافته و به هر دو موجودی که قرین یکدیگر و یا حتی ضد یکدیگرند زوج اطلاق می شود... وجود زوجیت در جهان گیاهان نیز - چنان که گفتیم - در عصر نزول قرآن جز در موارد خاصی مانند درختان نخل و امثال آن ناشناخته بود و قرآن از آن پرده برداشته و در قرون اخیر از طرق علمی این مسئله به ثبوت رسید که مسئله زوجیت در عالم گیاهان یک مسئله عمومی و همگانی است. (۲)

وی ذیل آیه ۴۹ سوره ذاریات نیز پس از تذکر اینکه بسیاری از مفسران کلمه زوج را به معنی اصناف (مثل شب و روز و...) دانسته اند می نویسد:

واژه زوج را معمولاً به دو جنس نر و ماده می گویند؛ خواه در عالم حیوانات باشد یا گیاهان و هرگاه آن را کمی توسعه دهیم، تمام نیروهای مثبت و منفی را شامل می شود.

با توجه به این که قرآن در آیه فوق می گوید (مِنْ كُلِّ شَيْءٍ) (از همه موجودات) نه فقط موجودات زنده، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که تمام اشیای جهان از ذرات مثبت و منفی ساخته شده و امروز از لحاظ علمی مسلم است که اتم ها از اجزای مختلفی تشکیل یافته اند؛ از جمله اجزایی که دارای بار الکتریسته منفی هستند و الکترون نامیده می شوند و اجزایی که دارای بار الکتریسته مثبت هستند و پروتون نام دارند. بنابراین الزامی نیست که شیء را حتماً به معنی حیوان یا گیاه تفسیر کنیم و یا زوج را به معنی صنف بدانیم. (۳)

ص: ۲۹۵

۱- (۱). ر.ک: مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۲۴. (دار احیاء التراث العربی).

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۷۷-۳۷۸.

۳- (۳). تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۳۷۶.

۳. علامه طباطبایی در مقدمه کتاب اعجاز قرآن می نویسد: «هنگامی که جهان در تاریکی جهالت به سر می بُرد، قرآن در بیش از ده آیه از زوجیت گیاهان بحث کرده، تصریح می نماید که خدا همه گیاهان را جفت آفرید (رعد، آیه ۳؛ شعراء، آیه ۷ و...)» (۱).

۴. یکی از نویسندگان از آیه (سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ) چنین استفاده می کند:

کاملاً روشن است که این آیه بر جفت داشتن گیاهان دلالت دارد و نیز از ذیل آیه که جفت داشتن را در مورد چیزهایی که خبر ندارند بیان می کند، چه بسا بتوانیم نیروی مثبت و منفی برق و نیز محیط میکروب یا ویروس ها و نیز اجزای اتم را استفاده کنیم. (۲)

۵. برخی دیگر از نویسندگان نیز از آیات مورد بحث، زوجیت گیاهان و حتی زوجیت بین الکترون و پروتون -درون اتم- را استفاده می کنند. (۳)

۶. احمد محمد سلیمان نیز در بحثی که به صورت سؤال و جواب تنظیم شده است، زوجیت ماده را از آیه ۴۹ سوره ذاریات به دست می آورد. (۴)

۷. مهندس محمدعلی سادات نیز پس از مقدمه ای طولانی -که ساختمان اتم و سابقه تاریخی بحث درباره اتم را توضیح می دهد- آیه ۴۹ سوره ذاریات را یادآور می شود و می نویسد: «و از این رو می توان اتم را موجودی زوج نامید و از طریق تعمیم زوجیت در دل اتم ها نتیجه گرفت که اساساً عالم ماده بر اساس زوجیت بنا گردیده و هیچ موجود مادی ای از این قاعده کلی مستثنی نیست.» (۵)

ص: ۲۹۶

۱- (۱). علامه طباطبایی، اعجاز قرآن، ص ۱۵، ویراسته علیرضا میرزا محمد.

۲- (۲). عباسعلی سرفرازی، رابطه علم و دین، ص ۳۵ - ۳۶.

۳- (۳). گودرز نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۵۷ - ۶۰.

۴- (۴). احمد محمد سلیمان، القرآن و الطب، ص ۲۷ و ۲۸، چاپ پنجم، دارالعودة، بیروت، ۱۹۸۱م.

۵- (۵). مهندس محمدعلی سادات، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، ص ۳۹ - ۴۳.

۸. یکی از نویسندگان معاصر نیز پس از طرح زوجیت ماده (Duality Of Matter) به آیات ۴۹ سوره ذاریات، ۵۲ سوره رحمن و ۵۳ سوره طه استناد کرده است. (۱)

۹. صاحب تفسیر نوین نیز با ذکر آیات مورد بحث، آنها را اعجاز علمی قرآن می داند که اشاره به زوجیت کرده اند و سپس توضیحات مفصلی در این مورد ارائه می کند. (۲)

۱۰. عبدالرزاق نوفل در مورد آیه (هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا)؛ (۳) «او کسی است که شما را از یک شخص آفرید؛ و از او همسرش را قرار داد، تا بدان آرام گیرد».

پس از ذکر مقدمه ای در مورد «وحدت خلق» و یکسان بودن ذرات بنیادی همه موجودات می گوید: «این حقیقت علمی را که عصر جدید کشف کرده، قرآن ۱۴۰۰ سال قبل با صراحت و وضوح بیان کرده که همه خلق الهی از نفس واحدی بوده است.» سپس آیه فوق را می آورد و می گوید: «آیا این [نفس واحده] پروتون و الکترون... برق واحدی که مثبت و منفی دارد... یعنی نفس واحده نیست...» وی حتی در مورد عبارت «لیسکن إليها» می گوید: «سبب سکون نفس واحد همان زوج است و این مطلبی است که علم بیان کرده که سکون پروتون و الکترون به خاطر اختلاف و تساوی آنها در برق است...» (۴)

۱۱. طنطاوی در تفسیرش -ذیل آیه ۴۹ سوره ذاریات- بحث گسترده ای در زمینه زوجیت گیاهان آورده است و اقسام دسته بندی گیاهان و حیوانات و... را

ص: ۲۹۷

۱- (۱). ر.ک: لطیف راشدی، نگرشی به علوم طبیعی در قرآن، ص ۲۴.

۲- (۲). محمدتقی شریعتی، تفسیر نوین، ص ۱۱.

۳- (۳). اعراف، آیه ۱۸۹.

۴- (۴). ر.ک: عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۵۴-۱۵۷.

بررسی و شکل های آنها را بیان کرده است که ربطی به تفسیر آیه ندارد و فقط مطالب علمی ای است که به مناسبت آورده شده است. (۱)

بررسی

در اینجا تذکر چند نکته لازم است:

۱. مطلبی را که عبدالرزاق نوفل در مورد آیه ۱۸۹ سوره اعراف نوشته از چند جهت قابل اشکال است:

اول) کلمه های «نفس» و «زوج» از نظر لغوی و اصطلاحی دلالت بر الکترون و پروتون نمی کنند و او نیز در این مورد قرینه ای نیاورده است.

دوم) از نظر علمی صحیح نیست که کسی بگوید پروتون از الکترون پدید آمده است (جعل منها زوجها)؛ بلکه - همان طور که گذشت - الکترون و پروتون هر کدام از تعدادی کوارک U و D تشکیل شده اند.

سوم) سیاق آیه مورد نظر با تفسیری که ایشان کرده تناسب ندارد؛ چون در آیه می خوانیم:

(هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَتَقَلَّتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ) ؛ «او کسی است که شما را از یک شخص آفرید؛ و از او همسرش را قرار داد، تا بدان آرام گیرد؛ و هنگامی که او را تحت پوشش قرار داد، با حملی سبک باردار شد و با آن (بار سبک، مدتی) گذراند و هنگامی که سنگین شد، (هر دو) از خدایی که پروردگارشان است خواستند: اگر [فرزند] شایسته ای به ما دهی، قطعاً از سپاس گزاران خواهیم بود».

ص: ۲۹۸

۱- (۱). طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۱۷۰-۲۰۱، دارالفکر.

سیاق آیه در مورد باردار شدن زن از مرد (حوا از آدم) و به وجود آمدن فرزند است و عبارت های «نفس واحد» و «زوج» در اول آیه نیز اشاره به این موضوع دارند؛ یعنی مراد، مرد و زن هستند؛ نه الکترون و پروتون.

۲. آیات دیگر رعد، (۱) ظاهر در زوجیت میوه ها و گیاهان هستند و همان طور که گذشت، این مطلب از قرن هیجدهم کشف گردید و قبل از آن زوجیت - به جز در مواردی مثل نخل - مشخص نبود؛ پس این آیات نوعی رازگویی و اعجاز علمی قرآن هستند.

۳. زوجیت عمومی همه اشیا را نیز می توان به خوبی با استفاده از آیه ۴۹ سوره ذاریات دریافت کرد؛ ولی تطبیق آن بر الکترون و پروتون قطعی نیست؛ زیرا همان طور که گفته شد، امروزه ذرات بنیادین دیگری به نام کوارک ها شناخته شده اند که بار مثبت و منفی دارند؛ از این رو باز هم نمی توان به طور قطعی ادعا کرد که منظور از کلمه «زوجین» در آیه مذکور، همان کوارک های U و D باشد؛ بلکه احتمال دارد این مطالب (الکترون، پروتون، کوارک ها و...) از مصادیق «زوجین» باشند؛ همان گونه که ممکن است اصناف موجودات (شب و روز و...) نیز از مصادیق آن محسوب شوند.

۴. هرچند مصداق دقیق «زوجین» در آیه ۴۹ سوره ذاریات مشخص نیست، ولی بیان زوجیت عمومی در همه اشیا یکی از اشارات علمی و رازگویی های قرآن است که در صدر اسلام کسی از آن مطلع نبود. پس این مطلب نیز می تواند اعجاز علمی قرآن محسوب شود.

۵. ممکن است کسی ادعا کند که زوجیت عمومی موجودات با مسئله

ص: ۲۹۹

بکرزایی (تولید مثل برخی تک سلولی ها بدون نیاز به جنس مخالف) منافات دارد. در این جا بررسی و بیان خواهیم کرد که منافاتی بین آنها نیست.

تعارض زوجیت عمومی و بکرزایی

برخی از صاحب نظران می نویسند:

کسانی که این آیه شریفه قرآن (آیه زوجیت) را به این معنا گرفته اند که هر یک از انواع موجودات زیستی، نر و ماده دارند، یعنی هیچ موجود زیستی ای، اعم از حیوانات و نباتات وجود ندارد که نر و ماده نداشته باشد. حال ممکن است کسی بگوید علم زیست شناسی امروز این را نمی پذیرد؛ بلکه خلاف این را به ما می گوید؛ یعنی می گوید انواعی از موجودات زیستی وجود دارند که نر و ماده در میان آنها وجود ندارند. (۱)

برای روشن شدن اشکال لازم است به دو مطلب اشاره کنیم:

اول (برخی آیات مربوط به زوجیت، زوجیت میوه ها، (۲) برخی زوجیت گیاهان (۳) و برخی زوجیت عمومی همه موجودات (۴) را ذکر می کنند:

دوم) پدیده بکرزایی در میان تک یاختگان (تک سلولی ها) رواج دارد که مناسب است در ابتدا اطلاعاتی را در مورد این موجودات و نحوه تکثیر آنها بیان کنیم.

تک یاختگان (تک سلولی ها) (۵) پست ترین طبقه از سلسله حیوانات هستند که بدن آنها تنها از یک سلول (Unicellular) ساخته شده و دارای هسته مشخص و

ص: ۳۰۰

۱- (۱) . مصطفی ملکیان، فصلنامه مصباح، ش ۱۰، ص ۶۶ (البته ایشان اضافه می کند که هر دو طرف این قضیه را بنا بر فرض می گوید).

۲- (۲) . رعد، آیه ۳.

۳- (۳) . شعراء، آیه ۷.

۴- (۴) . ذاریات، آیه ۴۹.

۵- (۵) . Protozoa.

کاملی هستند که به وسیله غشای هسته ای محصور است. تا کنون بیش از سی هزار نوع تک یاخته تشخیص داده شده که بیشتر به طور آزاد در آب و خاک زندگی می کنند و برخی نیز انگلی هستند. اندازه هر کدام از آنها میکرون است و برخی با چشم غیر مسلح دیده می شوند.

تک یاخته ها گونه های مختلفی مثل: آمیب ها، مژک داران و تاژک داران دارند و تکثیر آنها به سه صورت است:

الف) تکثیر غیرجنسی (Asexual) که خود صورهای مختلف دارد:

۱. تقسیم دوتایی (Binary Fission): تک یاخته مادر از جهت طولی به دو تک یاخته دختر تقسیم می شود؛ مژک داران از عرض تقسیم می شوند.

۲. شیزوگونی (Schizogony) یا تکثیر چندتایی: هسته مادر مکرر به چندین هسته دختر تقسیم می شود و سپس سیتوپلاسم تقسیم شده و اطراف هر هسته را می گیرد.

۳. جوانه زدن (Budding): بعد از رشد کامل سلول، مقاومت غشای سلولی در نقطه ای کم و جوانه ای تشکیل می شود و مقداری از هسته و سیتوپلاسم مادر وارد آن می شود و رشد می کند؛ سپس از مادر جدا شده، زندگی مستقلی را شروع می کند.

تذکر: این سه قسم تکثیر را می توان نوعی بکرزایی دانست.

ب) تکثیر جنسی (Sexual) نیز به چند صورت است که در مژک داران دیده می شود:

۱. آمیختگی (Coniugdion): در این روش دو تک یاخته با یکدیگر جفت می شوند و آن گاه محتویات هسته های آنها (میکرونوکلئوس ها) با یک دیگر تبادل می کنند. سپس به صورت تک یاختگانی که هسته آنها تجدید سازمان یافته است از هم جدا می شوند.

۲. سنگامی (Syngamy): دو سلول جنسی نر و ماده به نام گامت به یک دیگر ملحق می شوند و تشکیل تخم می دهند.

۳. اسپوروگونی (Sporogony): ابتدا در داخل اووسیست تک یاخته تعداد

زیادی اسپوروزوئیت (Sporozoties) به وجود می آیند (به طور غیرمستقیم تقسیم چندتایی) که بعداً طی مراحل سلول های جنسی تشکیل و به طریق سنگامی با یکدیگر جفت می شوند. (۱)

بررسی تعارض زوجیت و بکرزایی

در اینجا تذکر چند نکته لازم است:

۱. همان طور که گذشت، کلمه «زوج» در لغت به هر یک از دو چیزی گفته می شود که قرینه هم دیگر باشند یا مقارن، مشابه یا متضاد باشند. (۲) و (۳) پس نمی توان گفت که معنای لغت زوج منحصر در «نر و ماده» است. ازاین رو در تک یاختگان که از طریق تقسیم سلولی دوتا می شوند، دو زوج خلق شده اند؛ ازاین رو مشمول کلمه زوج هستند؛ چون از هر کدام از آنها دو چیز مقارن و مشابه پیدا می شود.

۲. در مسئله زوجیت عمومی همه اشیا، هم زمان بودن یا هم مکان بودن هر دو زوج ملاک نیست و ممکن است دو زوج در دو مکان (مثل الکترون و پروتون که در هسته اتم و مدار اطراف آن هستند) و یا در دو زمان باشند.

۳. اشکال مهمی که باعث پیدایش پندار تعارض بین قانون زوجیت عمومی موجودات قرآن با مسئله بکرزایی شد این است که گمان کرده اند لغت زوج همیشه به معنای نر و ماده اصطلاحی است؛ درحالی که معنای کلمه زوج اعم است و هر دو چیز مقارن، مشابه یا متضاد را شامل می شود. پس تعارضی بین آیات قرآن در مورد قانون عمومی زوجیت و مسئله بکرزایی نیست.

ص: ۳۰۲

۱- (۱). دکتر هرمز داورمزدی، انگل شناسی پزشکی، ص ۳۷-۴۶، چاپ چهارم، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲ش.

۲- (۲). ر.ک: مفردات راغب، ماده زوج.

۳- (۳). تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۷۷-۳۷۸ و ج ۲۲، ص ۳۷۶.

ب) لقاح (زایا کردن گیاهان و ابرها)

هر موجود نر و ماده ای وقتی ثمر می دهند که زایا باشند و زایا شدن آنها به آمیزش دو جنس است. آمیزش هر نوعی با نوع دیگر متفاوت است؛ آمیزش گیاهان از راه گردافشانی، آمیزش ابرها به وسیله برخورد ابرهایی با بار مثبت و منفی و آمیزش حیوانات و انسان غالباً با انتقال اسپرم هاست. قرآن کریم به مسئله آمیزش و زایا شدن ابرها و گیاهان اشاره می کند و می فرماید:

﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ﴾ (۱) «و باد [ها] را بارور کننده (ی ابرها و گیاهان) فرستادیم؛ و از آسمان آبی فرو فرستادیم و شما را با آن سیراب ساختیم؛ درحالی که شما ذخیره ساز آن نیستید».

در جای دیگر نیز به نقش بادها در شکل گیری ابرها اشاره می کند:

﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُبْرِئُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَنُزِّلُ الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ﴾ (۲) «خدا کسی است که بادها را می فرستد و (آن بادها) ابری را برمی انگیزند و (خدا) آن را در آسمان، هرگونه که بخواهد می گستراند؛ و آن را قطعه قطعه می گرداند. پس باران را می بینی درحالی که از لابه لای آن خارج می شود؛ و هنگامی که آن (باران) را به هرکس از بندگانش که بخواهد، برساند، ناگهان آنان شادی می کنند (و مژده می دهند)!».

این مضمون در آیه ۹ سوره فاطر نیز آمده است.

نکات تفسیری

۱. از سیاق آیات برمی آید که آیات اول و دوم در مقام شمارش نعمت ها و آیات الهی هستند و در آیه اول به بحث قیامت نیز اشاره ای می شود.

ص: ۳۰۳

۱- (۱). حجر، آیه ۲۲.

۲- (۲). روم، آیه ۴۸.

۲. شاید بهترین معادل فارسی کلمه لقاح واژه «زایا» است. این کلمه گاهی لازم است (مثل آن که می گویند: شتر زایاست) و گاهی متعدی است (مثل آن که بگویند: شتر نر شتر ماده را لقاح کرد؛ زایا کرد) و در لغت به شتر ماده ای که شیر می دهد «اللقحه»، به بچه ای که در شکم است «ملاقیح» و به منی جنس مذکر «لقاح» می گویند. (۱)

در یک جمع بندی می توان گفت که لقاح و لقاح، به معنای «نتیجه دادن»، «زایا بودن» یا «زایا کردن» هستند و «لواقح» جمع «لاقح» است.

تاریخچه

درباره این بحث به دو تاریخچه اشاره می کنیم:

الف) بشر از دیر زمان -حتی قبل از اسلام- اطلاع داشت که اگر نرینه های گیاهان را برای گرده افشانی بر سر شاخه های درختان میوه به کار نبرند، عملاً محصول گیاهان بسیار کم می شود؛ مثلاً در عربستان معمول بود که خوشه های نرینه خرما را برای گردافشانی بر سر شاخه های گل دار درختان خرما بپاشند.

در اواخر قرن ۱۸ یا اوایل قرن ۱۹ با پیدایش وسایل تحقیقاتی جدید مانند میکروسکوپ، و نیز ظهور نوابغ و دانشمندان، کشف شد که بدون جفت گیری و تلقیح در حیوانات و گیاهان تولید مثل امکان پذیر نیست (مگر در برخی گیاهان و حیوانات که تکثیرشان از طریق تقسیم سلول و راه های دیگر است). پس از آن معلوم شد تولیدمثل گیاهان عموماً بر اساس تلقیح ذرات خیلی ریز و ذره بینی به نام گرده یا پولن (Polin) است که از راه های مختلف مثل حشرات و جریان های شدید هوا منتقل می شوند. (۲)

ص: ۳۰۴

۱- (۱). ر.ک: مفردات راغب، ماده لقح.

۲- (۲). ر.ک: احمد محمد سلیمان، القرآن و الطب، ص ۲۳ - ۲۶ و نیز مهندس محمد علی سادات، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، ص ۳۱ به بعد.

ب) بشر قرن ها اطلاعی از کیفیت دقیق نزول باران از ابرها نداشت؛ ولی در سال های اخیر پس از پیشرفت هایی که در علم فیزیک صورت گرفت - و در نتیجه رشته های جدیدی مانند هواشناسی (مترولوژی) تأسیس شدند - به مسئله تلقیح ابرها پی برده شد و حتی از باران مصنوعی بحث شد.

دانشمندان متوجه شدند که بادهای نقش عجیبی در زایا شدن ابرها دارند؛ یعنی از طرفی باعث تشکیل قطرات باران و دانه های برف می شوند و از طرف دیگر در باردار شدن ابرها به الکتریسته و تخلیه این بار نقش دارند (۱) (در قسمت بعدی توضیح بیشتری خواهد آمد).

اسرار علمی

در مورد آیات مورد بحث - به ویژه کلمه «لقاح» در آیه ۲۲ سوره حجر - مفسران و صاحب نظران سخنان مبسوطی دارند. سه دیدگاه مختلف در مورد آیه فوق را - که هر کدام به نوعی لقاح را اشاره به مسائل علمی دانسته اند - انتخاب کردیم که به آنها اشاره می کنیم:

الف) مقصود لقاح گیاهان است

یکی از نویسندگان معاصر می نویسد: «ما بادهای را فرستادیم که گیاهان را آبتن می کنند؛ در آیه موضوع تلقیح گیاهان به وسیله باد به روشنی بیان شده است. ضمناً مسئله نر و ماده داشتن گیاهان نیز استفاده می شود». (۲)

ملافتح الله کاشانی (م ۹۸۸ ق) نیز در تفسیر منهج الصادقین لقاح گیاهان را به عنوان

ص: ۳۰۵

۱- (۱). ر.ک: مهندس بازرگان، باد و باران در قرآن، ص ۵۹؛ سادات، زنده جاوید و اعجاز قرآن، ص ۳۵ به بعد.

۲- (۲). عباسعلی سرفرازی، رابطه علم و دین، ص ۳۶.

یکی از دو احتمال در معنای آیه مطرح می‌کند و می‌نویسد: «فرستادیم بادهای را آبستنتان به ابر؛ یعنی بردارندگان ابرها یا آبستن کنندگان درخت‌ها را به میوه؛ چه لواقح لازم و متعددی هر دو آمده». (۱)

برخی دیگر از نویسندگان نیز آیه فوق را در مورد گیاهان دانسته و می‌نویسند: «چون گیاهان و گل‌ها برای رسیدن به یک دیگر هیچ‌گونه حرکتی ندارند، بعضی از حشرات و خصوصاً باد عامل اصلی این وصال هستند». (۲) ایشان حتی استفاده می‌کنند که قرآن قانون ازدواج را مخصوص انسان و حیوان قرار نداده است. (۳)

احمد محمد سلیمان در کتاب القرآن و الطب آیه مورد بحث را اشاره به لقاح گیاهان دانسته است و آن‌گاه عوامل لقاح را به عوامل رئیسی (مثل حشرات) و عوامل غیر رئیسی (مثل آب و انسان و...) تقسیم می‌کند. وی نقش بادهای را در این زمینه مهم می‌داند و معتقد است علم کشف کرده که مهم‌ترین گیاهان خشکی و آبی به وسیله باد تلقیح می‌کنند و به همین دلیل قرآن از میان عوامل لقاح، باد را ذکر کرده است. او این مطلب را اعجاز قرآن می‌داند؛ زیرا بشر در اواخر قرن ۱۸ یا اوایل قرن ۱۹ به مسئله تلقیح پی برد؛ درحالی که قرآن قرن‌ها قبل آن را ذکر کرده بود. (۴)

برخی دیگر از صاحب‌نظران عرب بدون هیچ توضیحی آیه ۲۲ سوره حجر را بر لقاح اشجار حمل کرده‌اند. (۵)

ص: ۳۰۶

-
- ۱- (۱). منهج الصادقین، ج ۵، ص ۱۵۸، چاپ کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۴۶ ق.
 - ۲- (۲). عبد الکریم هاشمی نژاد، رهبران راستین، ص ۲۵۹ و ۲۶۳ و م. حقیقی، فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، ج ۲، ص ۲۳.
 - ۳- (۳). ر.ک: آیت الله خویی، مرزهای اعجاز، ص ۱۱۸ ترجمه استاد جعفر سبحانی.
 - ۴- (۴). برگرفته از احمد محمد سلیمان، القرآن و الطب، ص ۲۴-۲۶ دار العوده، بیروت.
 - ۵- (۵). الشیخ خالد عبد الرحمن العکک، الفرقان و القرآن، ص ۵۱۱.

طبرسی (۵۴۸ق) از اولین کسانی است که لقاح را به معنای آبستنی ابرها دانسته است و می نویسد: «بادها را لقاح کننده فرستادیم، یعنی وسیله لقاح و آبستنی ابرها به باران می شوند. پس از آسمان آب نازل کردیم، یعنی باران فرستادیم». (۱)

همین معنا را مهندس بازرگان می پذیرد و می نویسد: «آیه دلالت بر لقاح ابرها و بارور شدن آنهاست که در نتیجه آن لقاح، باران می بارد...».

وی در جای دیگر می نویسد:

اما باید دانست تأمین دو شرط فوق (وجود بخار آب در هوا و اشباع شدن و تقطیر آن در رسیدن هوای جوّ به حالت اشباع) کافی برای تشکیل ابر و ریزش باران نیست؛ یک عمل یا شرط سوم نیز ضرورت دارد: «بارور شدن» یا عمل لقاح... (Germination Stimulation). بخار آب ممکن است با وجود رسیدن به حالت اشباع تقطیر نشود و وقتی تقطیر شد، دانه ها آن قدر ریز و معلق در هوا بمانند که سقوط نکنند و باران نبارد؛ مگر آن که با ذرات نامریی نمک که به وسیله باد از روی دریاها آورده شده است، نطفه های جذب و آماس کننده ای تشکیل شود. یا مهم تر از آن، رطوبت هوا به دور برگه های متبلور برف که در ارتفاعات بالاتر منعقد شده و به وسیله باد پوشیده می شود، جمع گردد و بالاخره قطرات ریز اولیه باران در اثر اختلاط و تلاطم و تصادم بادها به هم بپیوندند تا رفته رفته درشت شده، در اثر وزن نسبتاً زیاد خود از خلال توده های ابر ساقط گردد....

تخلیه برق مابین توده های مختلف ابر که در اثر اصطکاک با عوارض زمین و اجسام معلق در باد دارای الکتریسته های مخالف می شوند و این تخلیه توأم با روشنایی و غرش شدید، یونیزه شدن هوا و تشکیل ازن است کمک فراوان به پیوستن و درست شدن و پختن قطرات می نماید....

ص: ۳۰۷

خلاصه آن که تشکیل و تقویت ابر و مخصوصاً نزول باران یا برف بدون عمل لقاح که با دخالت و تحریک باد صورت می گیرد، عملی نمی شود. (۱)

وی سپس بقیه مفسران را تخطئه می کند که صراحت نداشته اند؛ زیرا از کیفیت موضوع بی اطلاع بوده اند. (۲)

احمد امین نیز می نویسد: «منظور (از آیه) همان تأثیری است که باد در اتحاد الکتریسته مثبت و الکتریسته منفی در دو قطعه ابر و آمیزش و لقاح آنها دارد؛ بنابراین آیه شریفه یک معجزه جاودانی است؛ زیرا حدود هزار و سیصد و نود سال پیش، موضوعی را بیان کرده که عصاره و نتیجه تحقیقات علمی جدید است». (۳)

آیت الله مکارم شیرازی نیز تفسیر لقاح ابرها را برای آیه می پذیرد و تفسیر لقاح گیاهان را رد می کند:

«لواقح» جمع «لاقح» به معنای بارورکننده است؛ در اینجا اشاره به بادهایی است که قطعات ابر را به هم پیوند می دهد و آنها را آماده باران می سازد.

وی سپس دلیل رد تفسیر لقاح گیاهان را این گونه بیان می کند:

نمی توان آیه فوق را اشاره به (لقاح گیاهان) دانست؛ چرا که بعد از این کلمه بلافاصله نازل شدن باران از آسمان (آن هم با فاء تفریع) آمده است که نشان می دهد تلقیح کردن بادها مقدمه ای برای نزول باران است.

البته وی تذکر می دهد که لقاح گیاهان را برخی به عنوان اعجاز علمی آیه فوق مطرح کرده اند. (۴)

ص: ۳۰۸

۱- (۱). ایجاد باران مصنوعی مانند تلقیح مصنوعی حیوانات است؛ به این ترتیب که در هوای صاف یا با قطعات متفرق ابر که گرم و مرطوب و آماده برای ابر شدن هستند -ولی در حال تأخیر تعادل باشند- به وسیله هواپیما گرد یخ متبلور (انیدرید کربنیک) یا بعضی املاح سرد و جاذب الرطوبه یا غبار آب می پاشند.

۲- (۲). ر.ک: باد و باران در قرآن، ص ۱۲۶ و ۵۹.

۳- (۳). احمد امین، راه تکامل، ص ۵۷.

۴- (۴). تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۶۱ و نیز قرآن آخرین پیامبر، ص ۱۹۷.

احمد عمر ابو حجر نیز آیه ۲۲ سوره حجر را لقاح ابرها معنا می کند و توضیحات مفصلی می دهد. (۱)

ج) مقصود لقاح ابرها و گیاهان است

برخی از نویسندگان آیه ۲۲ سوره حجر را ناظر به تلقیح در عالم نباتات (گیاهان) و دنیای ابرها دانسته اند. (۲)

یکی دیگر از نویسندگان دو آیه مورد بحث (۳) را اشاره به «بادهای نر» که ابرها را حرکت می دهند و به سرزمین های دیگر می برند - و این ابرها به باران تبدیل می شوند - می داند.

وی سپس ذیل آیات فوق، نقش بادها را در گرده افشانی گل ها و کشاورزی مطرح می کند و آن را یکی از پیش گویی های علمی قرآن می داند. (۴)

مهندس محمد علی سادات درباره آیه ۲۲ سوره حجر می نویسد:

با در نظر گرفتن اطلاعات و معلوماتی که علوم جدید تا به امروز در اختیار بشر قرار داده، به وضوح پیداست که آیه مذکور با معرفی باد به عنوان وسیله تلقیح در حالت کلی، پرده از روی دو راز بزرگ عالم خلقت (تلقیح گیاهان و تلقیح ابرها) برداشته و قرن ها قبل از این که بشر به اتکای علم و دانش خود پی به وجود آنها برد، آنها را برای بشر تعلیم فرموده. یکی از این دو اصل مسلم علمی، همانا نقش اصلی و اساسی باد در تلقیح نباتات می باشد و اما اصل دیگر موضوع تلقیح ابرها می باشد. (۵)

ص: ۳۰۹

۱- (۱). ر.ک: احمد ابو حجر، التفسیر العلمی للمیزان، ص ۴۶۱-۴۶۳.

۲- (۲). گودرز نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۶۲.

۳- (۳). حجر، آیه ۲۲، روم، آیه ۴۷.

۴- (۴). ر.ک: مصطفی زمانی، پیشگویی های علمی قرآن، ص ۹۱ - ۹۳.

۵- (۵). زنده جاوید و اعجاز جاویدان، مهندس محمد علی سادات، ص ۳۵ و ۳۶ با تلخیص.

وی با رد انحصار معنای آیه به تلقیح گیاهان به خاطر حرف «فاء» در عبارت (فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً) می نویسد:

با اندک تعمقی در متن آیه و مقایسه آن با سایر آیات مشابه، به وضوح پیداست که قسمت اول آیه حالت کلی داشته و حالت حصر و انحصاری در بین نیست. به عنوان مثال شواهدی از خود قرآن نقل می شود:

(وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ...؛ (۱) «و او کسی است که از آسمان آبی فرو فرستاد؛ و به وسیله ی آن، گیاهان (گوناگون) هر چیز را رویاندیم»؛

و همین طور آیه ۵۷ سوره اعراف می فرماید: (...فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ...)؛ «و به وسیله آن، آب را فرود می آوریم و با آن، از (خاک) هر گونه محصولات برمی آوریم».

در هر کدام از آیات مذکور، تنها به یک فونکسیون آب و صرفاً به یکی از نتایج و اثرات نزول آن که روئیدن نباتات باشد، اشاره گردیده است؛ در صورتی که می دانیم نتایج حاصله از نزول آب تنها به این یک مورد خلاصه نمی گردد (درحالی که هر دو مورد حرف «ف» به اول «اخرجنا» اضافه شده است).

پس اگر در آیه شریفه مورد بحث، نزول آب از آسمان را تنها یکی از نتایج عمل تلقیح به وسیله باد بدانیم، نه تنها تناسب با مورد خواهد داشت، بلکه در غیر این صورت انحصار بی جایی از پیش خود بر آیه تحمیل کرده ایم. (۲)

بررسی

در اینجا تذکر چند نکته لازم است:

۱. کلمه «لواقح» در آیه (وَ أَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ ...) (۳) می تواند به چهار معنا تصور شود:

ص: ۳۱۰

۱- (۱). انعام، آیه ۹۹.

۲- (۲). زنده جاوید و اعجاز جاویدان، ص ۳۹.

۳- (۳). حجر، آیه ۲۲.

الف) و بادها را زایا و آبستن (حامل ابر) فرستادیم؛

ب) و بادها را زایا و آبستن (گرده گیاهان) فرستادیم؛

ج) و بادها را زایاکننده و آبستن کننده (ابرها) فرستادیم؛

د) و بادها را زایاکننده و آبستن کننده (گیاهان) فرستادیم.

از آنجا که لواقع در آیه به صورت مطلق آمده و مشخص نشده که لازم است یا متعدی - و در صورت متعدی بودن، متعلق آن ابرها یا گیاهان است - پس نمی توانیم هیچ کدام از چهار احتمال را از آیه نفی کنیم.

البته با توجه به ادامه آیه که می فرماید: (... فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً...) (۱) می تواند تفریح و نتیجه گیری نزول باران از آسمان به دنبال فرستادن ابرها قرینه باشد که در این صورت مراد آیه احتمال های «الف» یا «ج» است. (حامل ابر بودن یا زایا کردن ابرها)؛ اما می توان گفت که صدر آیه مطلبی کلی را می گوید (لقاح بادها) اعم از لقاح ابرها یا گیاهان و در دنباله آیه یکی از نتایج این لقاح یا مصداق اکبر آیه را ذکر می کند یا مصداقی از آیه را بیان می کند که بشر از آن اطلاع نداشته تا اعجاز قرآن را اثبات کند.

همان طور که گذشت، این مطلب در برخی از آیات دیگر قرآن نیز مشابه دارد؛ مثل: (وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ...)؛ (۲) پس انحصار آیه در لقاح ابرها (دیدگاه دوم) یا لقاح گیاهان (دیدگاه اول) دلیل قاطعی ندارد و معنای آیه اعم است.

۲. لقاح در آیه مورد بحث می تواند چیزی فراتر از لقاح ابرها و گیاهان باشد. لقاح ابرها و گیاهان دو مصداق برای لقاح باد هستند و ممکن است در آینده با

ص: ۳۱۱

۱- (۱). حجر، آیه ۲۲.

۲- (۲). انعام، آیه ۲۹ و مشابه آن اعراف، آیه ۵۷. (پس از فاء در «فأخرجنا» یکی از ثمرات باران بیان شده، یعنی روئیدن گیاهان؛ ولی ثمرات باران منحصر در این مورد نیست).

پیشرفت علمی بشر، تأثیرات ابرها در موارد دیگری نیز اثبات شود.

۳. اشاره علمی قرآن به لقاح ابرها در آیه ۲۲ سوره حجر می تواند نوعی اعجاز علمی قرآن به شمار آید؛ زیرا این مطلب تا سال های اخیر برای بشر روشن نشده بود. اما اشاره قرآن به لقاح گیاهان - هرچند مطلب شگفت آوری است - اعجاز علمی نیست؛ چون انسان ها حتی قبل از اسلام به صورت اجمالی از تأثیر گرده افشانی برخی گیاهان اطلاع داشتند.

۰۳. پزشکی

درآمد

در زمان نزول قرآن کریم، علم پزشکی نوپا بود و پزشکان اطلاعات زیادی از کارکرد دستگاه های درون بدن انسان نداشتند و اسرار آنها را نمی دانستند. طب های یونانی و ایرانی بر مجامع علمی آن روزگاران حاکم بودند که البته در زمینه تشریح بدن انسان، پیشرفته نبودند. کالبد شکافی و تشریح اعضای درونی انسان، در چند قرن اخیر مورد توجه جدی پزشکان قرار گرفته و در دستور کار دانشگاه های بزرگ واقع شده است.

در بین جوامع صدر اسلام، جامعه عرب بهره کم تری از علوم پزشکی داشت. درست در همان زمان برخی از آیات قرآن به اسرار پنهان آفرینش بدن انسان اشاره می کنند؛ اسراری که قرن ها بعد و با استفاده از وسایل پیشرفته کشف شدند. بیان این گونه مطالب در قرآن کریم نوعی رازگویی، خبر از غیب و ذکر مطالب کشف نشده بود.

در مورد آیات پزشکی قرآن در موارد متعددی ادعای اعجاز علمی شده است که ما به مهم ترین آنها اشاره می کنیم. (۱)

ص: ۳۱۲

۱- (۱). برای اطلاع از موارد دیگر ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، جلد دوم، از نگارنده، و نیز کتاب هایی که تحت عنوان اعجاز طبی نگارش یافته است که در منبع شناسی پایان کتاب ذکر می کنیم.

قرآن کریم در موارد متعددی از خلقت انسان سخن گفته و مراحل آن را تذکر داده است. هرچند این آیات به ما درس خدانشناسی و معادشناسی می دهند، اما نکات و اشارات علمی ای را دربر دارند که موجب حیرت متخصصان علوم پزشکی در اعصار مختلف شده است و این نکات را نه تنها دلیل اعجاز علمی قرآن، که دلیل اعجاز بلاغی قرآن نیز بیان کرده اند. (۱)

در این بخش ابتدا این آیات را از نظر می گذرانیم، سپس مراحل خلقت کودک را از نظر قرآن بیان و آن گاه هر مرحله را جداگانه بررسی می کنیم:

(وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سِيلَالٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا * ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ) ؛ (۲) «و به یقین، انسان را از چکیده ای از گل آفریدیم؛ سپس او را آب اندک سیالی در جایگاه استوار [رحم] قرار دادیم؛ سپس آب اندک سیال را به صورت [خون بسته] آویزان آفریدیم؛ و [خون بسته] آویزان را به صورت (چیزی شبیه) گوشت جویده شده آفریدیم و گوشت جویده شده را به صورت استخوان هایی آفریدیم و بر استخوان ها گوشتی پوشاندیم؛ سپس آن را به صورت آفرینش دیگری پدید آوردیم؛ و خجسته باد خدا که بهترین آفرینندگان است!»؛

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبُعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لُبِّئِنَّا لَكُمْ وَنُقَرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُؤَفِّي وَيَوْمَئِذٍ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمَرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا...) (۳) «ای مردم! اگر از برانگیخته شدن (در رستاخیز) در

ص: ۳۱۳

۱- (۱) . دکتر دیاب و قرقوز، طب در قرآن، ص ۸۴.

۲- (۲) . مؤمنون، آیات ۱۲ - ۱۴.

۳- (۳) . حج، آیه ۵.

تردید هستید، پس (بنگرید:) که ما شما را از خاکی آفریدیم، سپس از آب اندک سیال، سپس از [خون بسته] آویزان، سپس از (چیزی شبیه) گوشت جویده شده، شکل یافته (متمایز) و شکل نیافته (غیر متمایز آفریدیم؛) تا برای شما روشن سازیم (که خدا بر انجام رستاخیز تواناست)؛ و آن چه را بخواهیم، تا سرآمد معینی در رحم ها قرار می دهیم؛ سپس شما را به صورت کودکی بیرون می آوریم؛ سپس (زندگی می کنید) تا به حدّ رشدتان برسید؛ و از شما کسی است که (جانش) به طور کامل گرفته می شود؛ و از شما کسی است که به خوارترین (دوران) عمر برگردانده می شود، تا بعد از آگاهی، هیچ چیزی نداند...».

(هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِيَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِيَتَّكِنُوا شُهُوبًا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَ لِيَبْلُغُوا أَجْلًا مُّسَدَّمًا وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) ؛ (۱) «او کسی است که شما را از خاک آفرید؛ سپس از آب اندک سیال، سپس از (خون بسته) آویزان؛ سپس شما را به صورت کودکی بیرون می آورد؛ سپس (زندگی می کنید) تا به حدّ رشدتان برسید؛ سپس (ادامه می دهید) تا پیرانی شوید؛ و برخی از شما کسانی هستند که پیش از (آن مرحله، جانش) به طور کامل گرفته می شود؛ و تا به سرآمد معین (مرگ) می رسید؛ و باشد که شما خردورزی کنید».

(أَلَمْ لَمْ يَكْ نُطْفَةٍ مِنْ مَيِّ يُمْنِي * ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَيَوَى * فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَى) ؛ (۲) «آیا (او) آب اندک سیالی از منی ای که ریخته می شود، نبوده است؟!؛ سپس [خون بسته] آویزان شد و (خدا آن را) آفرید و مرتب ساخت؛ و از آن، دو جفت، مرد و زن قرارداد»؛

(خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ) ؛ (۳) (اشاره به یک مرحله، یعنی علق کرده است)؛

ص: ۳۱۴

۱- (۱) . غافر، آیه ۶۷.

۲- (۲) . قیامت، آیات ۳۷-۳۹.

۳- (۳) . علق، آیه ۲.

(خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ) ؛ (۱) اشاره می کند که انسان از آبی جهنده خلق شده است؛

(إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَيْمِعًا بَصِيرًا) ؛ (۲) «در حقیقت، ما انسان را از آب اندک سیال مخلوط آفریدیم؛ درحالی که او را می آزماییم و او را شنوا و بینا قرار دادیم»؛

(ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ * الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ * ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ) ؛ (۳) «آن (خدا) دانای نهان و آشکار است؛ [و] شکست ناپذیر مهرورز است؛ (همان) کسی که هر چیزی را که آن را آفرید، نیکو گردانید؛ و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد؛ سپس نسل او را از چکیده ای از آبی پست قرارداد؛ سپس او را مرتب نمود و از روح خود در او دمید و برای شما شنوایی و دیدگان و دل ها (ی سوزان) قرارداد؛ چه اندک سپاسگزاری می کنید!».

فهرست مراحل خلقت انسان تا مرگ

بر اساس آیات قرآن می توان مراحل خلقت انسان را از ابتدای کار پدر و مادر تا تولد کودک این گونه دسته بندی کرد:

۱. مرحله خاک (تراب و طین)؛

۲. مرحله آب (ماء، ماء دافق و ماء مهین)؛

۳. مرحله منی (نطفه من منی)؛

ص: ۳۱۵

۱- (۱) . طارق، آیه ۶.

۲- (۲) . دهر (انسان)، آیه ۲.

۳- (۳) . سجده، آیات ۶-۹.

۴. مرحله نطفه مخلوط (نطفه امشاج)؛

۵. مرحله علقه (علقه)؛

۶. مرحله مضغه (مضغه)؛

۷. مرحله تنظیم و تصویر و شکل گیری (تسویه و تصویر)؛

۸. مرحله شکل گیری استخوان ها (عظاماً)؛

۹. مرحله پوشاندن گوشت بر استخوان ها (فکسونا العظام لحمًا)؛

۱۰. مرحله آفرینش جنس جنین (مذکر و مؤنث)؛

۱۱. مرحله آفرینش روح یا دمیدن جان در انسان (خلقاً آخر، و نفخ فيه من روحه)؛ مطالبی پیرامون پیدایش گوش و چشم (و جعل لكم السمع و الابصار و الافئده)؛

۱۲. مرحله تولد طفل (نخرجکم طفلاً)؛

۱۳. مرحله بلوغ؛

۱۴. مرحله کهن سالی؛

۱۵. مرحله مرگ.

البته برخی مفسران و پزشکان به گونه ای دیگر از آیات استفاده کرده و مراحل خلقت انسان را هفت مرحله دانسته اند. (۱)

اینک هر کدام از این مراحل را از نظر قرآن کریم و علوم پزشکی بررسی می کنیم.

تاریخچه

دکتر «موریس بوکای» در مورد تاریخچه جنین شناسی و شناخت پیدایش انسان از تخم مخلوط زن و مرد و تطورات مراحل جنین می نویسد:

ص: ۳۱۶

۱- (۱). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۶۵ و ج ۱۴، ص ۲۳ و نیز شیخ خالد عبد الرحمن العکک، الفرقان و القرآن، ص ۴۹۳ و نیز استاد معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۸۰.

باید همه بیانات قرآنی را با معلومات اثبات شده عصر جدید مقایسه کرد؛ موافق بودنشان با این ها واضح است؛ اما بی نهایت مهم است که آنها را با عقاید عمومی ای که در این خصوص در جریان دوره وحی قرآنی شایع می بود مواجهه داد تا معلوم گردد انسان های آن زمان تا چه اندازه از نظراتی شبیه آن چه در قرآن درباره این مسائل عرضه شده دور بودند.

فی الواقع این فقط در جریان قرن نوزدهم است که دید تقریباً روشنی از این مسائل پیدا می کنیم. در تمام مدت قرون وسطی، اساطیر و نظرات صوری بی پایه، منشأ متنوع ترین آرا و تا چندین قرن پس از آن ساری و جاری بود.

آیا می دانید که مرحله ای اساسی در تاریخ جنین شناسی تصدیق «هاروی» (۱) در سال ۱۶۵۱ میلادی بود مشعر بر این که «هر چیز که می زید در آغاز از تخمی می آید.» و این که جنین به تدریج بخشی از پس بخشی درست می شود؟

اما در آن عصر با وجود این که دانش نوزاد از اختراع جدید میکروسکوپ برای موضوع مورد توجه ما بسیار استفاده می کرده است، همچنان درباره نقش های متقابل تخم و اسپرماتوزوئید بحث وجود داشت. طبیعی دانان بزرگ مثل «بوفن» (۲) و «بونه» (۳) از تودرهم بودن جرثومه ها دفاع می کردند (یعنی) تخمدان حوا، مادر نوع انسان، حاوی جرثومه های تودرتوی هم قرار گرفته همه موجودات بشری بوده است.

این بیش از هزاره ای پیش از آن عصر است که در آن عقایدی تخیلی شایع بود و انسان ها قرآن را می شناختند. بیانات قرآن در باب تولید مثل انسان، حقایق اساسی ای را که انسان ها قرون چند برای کشف آنها گذراندند، با اصطلاحات ساده اشعار داشته است. (۴)

ص: ۳۱۷

۱- (۱). Harvey پزشک انگلیسی (۱۵۷۶-۱۶۵۷م).

۲- (۲). Buffon طبیعی دان و نویسنده فرانسوی (۱۷۰۷-۱۷۸۸م).

۳- (۳). Bnnet فیلسوف و طبیعی دان سویسی (۱۷۲۰-۱۷۹۳م).

۴- (۴). مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۲۷۶-۲۷۷ با تخلص.

مرحله اول: آفرینش انسان از خاک

قبل از ورود به بحث لازم است که دو مطلب از هم جدا شوند؛ یکی خلقت حضرت آدم (علیه السلام) از خاک که در برخی آیات بدان اشاره شده است (۱) و دوّم خلقت همه انسان ها از خاک که به آن نیز در برخی آیات اشاره شده است. (۲)

در برخی آیات از خلقت همه انسان ها از خاک، به عنوان «تراب» (۳) و در برخی دیگر به عنوان «طین» یاد شده است. (۴)

تذکر: تراب به خاک و خود زمین گفته می شود؛ ولی طین به خاکی می گویند که با آب مخلوط شده است. (۵)

اسرار علمی

گروهی از مفسران، متخصصان و صاحب نظران در مورد این آیات و انطباق آنها با یافته های علوم تجربی اظهار نظر کرده و دو تفسیر ارائه کرده اند:

الف) همه انسان ها از نطفه ای آفریده شده اند که مواد اولیه آن از غذاها و غذاها نیز از خاک به وجود آمده اند.

صاحب تفسیر نمونه می نویسد: «آیه ۱۲ سوره مؤمنون: (وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ)؛ به آغاز وجود همه انسان ها اعم از آدم و فرزندان او اشاره می کند که همه به خاک باز می گردند و از گل برخاسته اند». (۶) البته در مورد آیه ۶ سوره سجده

ص: ۳۱۸

۱- (۱). مثل: آل عمران، آیه ۵۹؛ سجده، آیه ۶.

۲- (۲). مثل: مؤمنون، آیه ۱۲؛ حج، آیه ۵؛ غافر، آیه ۶۷.

۳- (۳). غافر، آیه ۶۷؛ حج، آیه ۵.

۴- (۴). مؤمنون، آیه ۱۲.

۵- (۵). ر.ک: مفردات راغب، ماده «ترب» و «طین».

۶- (۶). تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۰۷.

(... وَ يَدَأُ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ) می گوید: «پیداست این آیه سخن از آفرینش آدم می گوید؛ نه همه انسان ها. چرا که ادامه نسل او در آیه بعد مطرح است». (۱) وی در مورد آیات ۵ سوره حج و ۶۷ سوره غافر هر دو احتمال (خلقت همه انسان ها از خاک یا خلقت حضرت آدم از خاک) را مطرح می کند (۲) و می نویسد:

ممکن است منظور از خاک در اینجا خاکی باشد که آدم از آن آفریده شد و نیز امکان دارد اشاره به این باشد که همه انسان ها قطع نظر از این نیز از خاکند؛ چرا که تمام مواد غذایی که نطفه را تشکیل می دهند و سپس مواد تغذیه کننده آن هم از خاک گرفته می شوند.

البته بدون شک قسمت قابل توجهی از بدن انسان را «آب» و قسمتی را «اکسیژن» و «کربن» تشکیل می دهند که از خاک گرفته نشده ولی از آنجا که ستون اصلی تمام اعضای بدن را موادی که از خاک گرفته شده تشکیل می دهند، این تعبیر کاملاً صحیح است که: انسان از خاک است. (۳)

یکی از نویسندگان معاصر می نویسد:

اگر در آفرینش کمی دقت و تأمل کنیم، درخواهیم یافت که تمام چیزهایی که به جسم آدمی حیات می بخشند از قبیل میوه جات، سبزیجات، غلات، خشکبار، گندم، برنج و خلاصه آن چه موتور بدن انسان را به کار می اندازد، همه از خاک گرفته شده اند. نطفه انسان نیز خود مولود غذاهای گوناگونی است که مستقیماً از خاک مایه می گیرند.

از جمله عناصر لازم برای بدن که در زمین نیز یافت می شوند عبارتند از: کلسیم، سدیم، پتاسیم، آهن، مس، مولیبدن، گوگرد، کامیول، کبالت، منیزیم، منگنز، روی، آلومینیم و روییدم. که مقادیر آنها کم و بیش (به استثنای یکی دوتا) در حدود میکروگرم یعنی یک هزارم گرم در ۱۰۰ سی سی خون است. و عناصری

ص: ۳۱۹

۱- (۱). همان، ج ۱۷، ص ۱۲۵.

۲- (۲). ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۶۵ و ج ۱۴، ص ۲۳.

۳- (۳). تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۳.

که در بدن بسیار یافت می شوند عبارتند از: اکسیژن، کربن، ازت و هیدروژن.

آری؛ این مطلبی است که چهارده قرن پیش بیان می دارد و دقیقاً مطابق کشفیات علم جدید در زمینه جنین انسانی است؛ زیرا علم، بنیان ساختمانی انسان را از خاک می داند. علم جدید می گوید: نطفه زن و مرد متشکل از همان مواد و عناصر متشکله زمین است. (۱)

عبدالفتاح طباره می نویسد: «علم جدید بنیان ساختمان وجود انسان را از خاک می داند». (۲)

دکتر بی آزار شیرازی نیز کلمه «طین» در آیه ۱۲ سوره مؤمنون را همین گونه تفسیر می کند. (۳)

ب) فقط حضرت آدم از خاک آفریده شد و بقیه انسان ها از نطفه آفریده شدند؛ امّا می توان گفت انسان ها با واسطه آدم (علیه السلام) از خاک آفریده شدند.

آیت الله مصباح یزدی می نویسد: «انسان نخستین، تنها از تراب یا طین خلق شده است؛ ولی انسان های مراحل بعدی از نطفه آفریده شده اند. پس به سایر انسان ها نیز به لحاظ مبدأ بعید می توان گفت از تراب و به لحاظ مبدأ قریب، از نطفه آفریده شده اند». (۴)

بررسی

در مورد دو تفسیر آیات مورد بحث (طین و تراب) و اسرار علمی آنها توجه به چند نکته لازم است:

ص: ۳۲۰

۱- (۱). گودرز، نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۸۶ - ۸۸ با تلخیص و نیز ر.ک: محمد رضا جوهری زاده، تمدن و علوم اسلامی، ص ۲۲۵.

۲- (۲). عبد الفتاح طباره، سیری در قرآن، ترجمه رسول دریایی، ص ۲۲۵.

۳- (۳). دکتر بی آزار شیرازی، گذشته و آینده جهان، ص ۵۲.

۴- (۴). معارف قرآن، ص ۳۳۰.

۱. در آیات فوق دو تفسیر عمده مطرح بودند. و هر دو نیز قرائنی داشتند؛ ظاهر آیه (خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ) (۱) این است که همه انسان ها از خاک آفریده شده اند و بدین ترتیب تفسیر اول تقویت می شود. اما آیه (... وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْ نَسِيلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ) (۲) می تواند قرینه ای برای تفسیر خلقت انسان از تراب باشد و آیات دیگر را این گونه تفسیر کند که مقصود، خلقت انسان اولیه (حضرت آدم) (علیه السلام) از خاک است و بقیه را از نطفه آفریده اند. بر این اساس تفسیر دوم تقویت می شود.

البته ممکن است کسی در مورد حضرت آدم (علیه السلام) هم نظریه تکامل را بپذیرد و بگوید او هم با واسطه از مواد خاکی آفریده شده است و بدین ترتیب همان ظاهر تفسیر اول را تقویت کند (تفصیل این بحث را به مبحث تکامل و خلقت آدم (علیه السلام) وا می گذاریم).

۲. اگر تفسیر دوم را بپذیریم، اعجاز علمی در کار نیست و اگر تفسیر اول را بپذیریم صرفاً اشاره ای علمی از جانب قرآن و از لطایف قرآنی خواهد بود؛ نه اعجاز علمی. استفاده انسان از گیاهان، حیوانات و مواد زمین برای همه افراد در طول تاریخ قابل مشاهده حسی بوده است و اشاره مبهم قرآن در این زمینه چیزی بیشتر از همان مطلب نیست. علم جدید حتی مقدار و مواد تشکیل دهنده خاک و بدن را کشف کرده است؛ ولی قرآن با این اشاره مبهم به آن مواد اشاره ای ندارد.

مرحله دوم: آفرینش انسان از آب

قرآن کریم در آیات متعددی به خلقت همه موجودات زنده یا خلقت

ص: ۳۲۱

۱- (۱). غافر، آیه ۶۷.

۲- (۲). سجده، آیه ۶.

انسان از «آب» اشاره می کند؛ گاهی به مطلق آب و گاهی نیز به آب با صفتی خاص اشاره می کند؛

مثلاً در این آیات به خلقت موجودات زنده از آب به صورت مطلق اشاره می کند:

(... وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ...) ؛ (۱) «و هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم؟!»؛

(وَ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ...) ؛ (۲) «و خدا هر جنبنده ای را از آبی آفرید».

در این آیه نیز به خلقت انسان از مطلق آب اشاره می کند:

(وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا...) ؛ (۳) «و او کسی است که از آب، بشری را آفرید و او را (دارای خویشاوندی) نسبی و دامادی قرار داد».

در این آیات هم به خلقت انسان از آب با صفتی خاص اشاره می کند:

(... مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ) ؛ (۴) «... از چکیده آبی پست»؛ (۵)

(... مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ) ؛ (۶) «از آبی پست»؛

(خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ) ؛ (۷) «از آب جهنده».

ص: ۳۲۲

۱- (۱) . انبیاء، آیه ۳۰.

۲- (۲) . نور، آیه ۴۵.

۳- (۳) . فرقان، آیه ۵۴.

۴- (۴) . سجده، آیه ۸.

۵- (۵) . این آب (منی) ظاهراً آبی بی ارزش و بی مقدار است؛ امّا از نظر ساختمان و سلول های حیاتی شناور در آن و همچنین ترکیب مخصوص مایعی که سلول ها در آن شناورند، بسیار ظریف و فوق العاده دقیق و پیچیده است و از نشانه های عظمت پروردگار و علم و قدرت او محسوب می شود. پس کلمه مهین در آیه - که به معنی ضعیف، حقیر و ناچیز است - به وضع ظاهری آن اشاره دارد. (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۲۶).

۶- (۶) . مرسلات، آیه ۲۰.

۷- (۷) . طارق، آیه ۶.

واژه «آب» در لغت: اصل عبری آن «مَی، میم» و سریانی آن «مَیا» است که در عربی تغییر شکل داده و «ماء» شده است.

این لغت در اصل به معنی «هر مایع غیر جامدی» است؛ چه آب مطلق باشد یا آب های مضاف (مثل آب میوه) ولی وقتی به صورت مطلق (ماء) استعمال شود منصرف به آب خالص است؛ (۱) پس مقصود آب خالص است.

اسرار علمی: بررسی خلقت موجودات زنده غیر از انسان از آب، نیازمند بحثی مستقل است؛ اما در مورد خلقت انسان از آب صاحب نظران علوم تجربی و مفسران قرآن چند بحث علمی را مطرح کرده اند که ما در اینجا به آنها می پردازیم:

مقصود از خلقت انسان از آب چیست؟

دانشمندان دو دیدگاه را در این مورد مطرح کرده اند:

الف) مقصود از خلقت انسان از آب این است که مقدار زیادی آب در بدن انسان وجود دارد؛ یعنی آب بیشترین ماده تشکیل دهنده بدن انسان است. برخی از صاحب نظران به این دیدگاه تصریح کرده اند:

۱. آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر آیه (وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا) (۲) حداقل دو احتمال را مطرح می کند که یکی از آنها همین مطلب مورد بحث ماست:

حیات همه موجودات زنده - اعم از گیاهان و حیوانات - به آب بستگی دارد... این موضوع نیز قابل توجه است که طبق تحقیقات دانشمندان، قسمت عمده بدن انسان و بسیاری از حیوانات را آب تشکیل می دهد (در حدود هفتاد درصد). (۳)

ص: ۳۲۳

۱- (۱). ر.ک: مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۲۲۰ (ماده ماء).

۲- (۲). انبیاء، آیه ۳۰.

۳- (۳). تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۶. ایشان در ادامه توضیح می دهند: «جالب این که دانشمندان امروز معتقدند که نخستین جوانه حیات در اعماق دریاها پیدا شده و به همین دلیل آغاز حیات و زندگی را از آب می دانند و اگر قرآن آفرینش انسان را از خاک می شمرد، نباید فراموش کنیم منظور از خاک همان طین (گل) است که ترکیبی است از آب و خاک». وی سپس به یک پرسش پنهان پاسخ می دهد: «این که بعضی ایراد کرده اند که آفرینش فرشتگان و جن با این که موجودات زنده ای هستند مسلماً از آب نیست، پاسخش روشن است؛ زیرا هدف موجودات زنده ای است که برای ما محسوسند».

آیت الله مکارم همچین در تفسیر آیه (وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا...) (۱) می نویسد:

جمعی معتقدند منظور از بشر نخستین، انسان، یعنی آدم (علیه السلام) است؛ چرا که آفرینش او از «طین»، یعنی معجونی از آب و خاک بود. نکره بودن بشراً (انسانی را) گواه این معنا است... از این گذشته بدون شک بیشترین قسمت وجود انسان را آب تشکیل می دهد؛ به طوری که می توان گفت ماده اصلی وجود هر انسانی آب است....

وی جمع بین معانی آیه را ممکن می داند. (۲)

۲. آیت الله مصباح یزدی ذیل آیه (وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا) (۳) می نویسد:

می توان گفت منظور از ماء همان آب معروف است. و اگر می گوید انسان از آب آفریده شده است بنا بر آن است که: (وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا)؛ (۴) چون به هر حال انسان موجود زنده ای است و قرآن مبدأ پیدایش هر موجود زنده ای را آب می داند. (۵)

۳. یکی از نویسندگان معاصر در مورد آیه ۵۴ سوره فرقان می نویسد:

دانشمندان زیست شناس بر این عقیده اند که دوسوم بدن انسان را آب تشکیل داده است؛ مثلاً یک فرد هفتاد کیلویی، پنجاه لیتر آب در بدن خود

ص: ۳۲۴

۱- (۱). فرقان، آیه ۵۴.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۲۶.

۳- (۳). فرقان، آیه ۵۴.

۴- (۴). انبیاء، آیه ۳۰.

۵- (۵). معارف قرآن، سه جلدی، ص ۳۲۹ و ۳۳۰. (البته در عبارت ایشان دو احتمال وجود دارد: یکی همان مطلب مورد بحث ماست و دیگر این که مقصود منشأ پیدایش اولیه انسان باشد).

نگهداری می کند و این نسبتی است ثابت. و باز همین دانشمندان بر این نظر و عقیده اند که اگر انسانی ۲۰٪ از آب بدن خود را از دست بدهد، دوباره سلامتی خود را بازخواهد یافت.

وی این مطلب را اعجاز علمی قرآن می داند. (۱)

۴. یکی دیگر از صاحب نظران معاصر نیز با ذکر مطلب فوق اضافه می کند:

آبِ یاخته های بدن انسان دارای مقدار زیادی پتاسیم بوده و عملاً فاقد نمک است؛ ولی آب خارج از یاخته ها عملاً پتاسیم ندارد؛ بلکه دارای مقدار زیادی نمک است. این ترکیب آب خارج از یاخته ها جزء به جزء به آب دریایی شباهت دارد که میلیون ها سال قبل اولین اشکال حیات در آن شکل می گرفت و بعدها وقتی که موجودات آبی به خشکی روی آوردند «دریای درون» را نیز با خود آوردند؛ چون بدون آن زندگی برایشان در خشکی ممکن نبود. این پدیده شگفت انگیز گفته قرآن را تأیید می کند که می فرماید: اوست خدایی که انسان را از آب آفرید. (۲)

وی در جایی دیگر می نویسد: «تحقیقاتی که راجع به ساختمان عمومی جسم زنده به عمل آمده است، می رساند که آب و کربن قریب ۹۸٪ جسم موجود زنده را تشکیل می دهند». (۳)

ب) مقصود از خلقت انسان از آب این است که انسان از نطفه و منی آفریده شده است. برخی از صاحب نظران نیز به این مطلب اشاره کرده اند:

۱. آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر آیه (وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا) (۴) دو احتمال را مطرح می کند که یکی همین مطلب مورد بحث ماست. وی در احتمال

ص: ۳۲۵

۱- (۱). گودرز نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۹۷.

۲- (۲). بی آزار شیرازی، گذشته و آینده جهان، چاپ دوم، ص ۵۲-۵۳.

۳- (۳). همان، ص ۳۹.

۴- (۴). انبیاء، آیه ۳۰.

دوم می نویسد: «ماء در اینجا اشاره به آب نطفه است که موجودات زنده معمولاً از آن به وجود می آیند».^(۱)

وی در تفسیر آیه (وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا)^(۲) سه احتمال را مطرح می کند و در احتمال دوم می نویسد: «اما جمعی دیگر معتقدند که منظور از ماء، آب نطفه است که همه انسان ها به قدرت پروردگار توسط آن به وجود می آیند... گواه این تفسیر جمله ذیل آیه (فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا) است».^(۳)

آیت الله مکارم در تفسیر آیه (ثُمَّ جَعَلَ نَسَبَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ)^(۴)(۴۸) فقط یک احتمال را مطرح می کند: «جعل در اینجا به معنی آفرینش و نسل به معنی فرزندان و نوه ها در تمام مراحل است. سلاله در اصل به معنی عصاره و فشرده خالص هر چیز است و منظور از آن در اینجا نطفه آدمی است که درحقیقت عصاره کل وجود او می باشد».^(۵)

۲. آیت الله مصباح یزدی با طرح آیات (وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا)^(۶) و (خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ)^(۷) می نویسد:

نطفه و ماء دافق و ماء، همه «آب» هستند و قابل جمعند و هریک از جهتی اطلاق شده است و از این جا، نیز به دست می آید که «ماء» در اصطلاح قرآن منحصر به همان ماده ویژه ای که از ترکیب اکسیژن و نئیدروژن به دست

ص: ۳۲۶

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۶.

۲- (۲). فرقان، آیه ۵۴.

۳- (۳). همان، ج ۱۵، ص ۱۲۶.

۴- (۴). سجده، آیه ۸.

۵- (۵). تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۲۶.

۶- (۶). فرقان، آیه ۵۴.

۷- (۷). طارق، آیه ۶.

می آید - و خاصیت یونیزاسیون دارد - نیست؛ بلکه اصطلاحی است با گستره وسیع که شامل نطفه هم می شود. ماء دافق بسیار است که چیزی جز نطفه نیست... تقریباً می توان گفت که ماء در این موارد به معنای مایع است؛ امّا آیا این اطلاق مجازی است یا حقیقی، بحث دیگری است.

می توان گفت ماء در اصل لغت وضع شده است برای مایع سیال خاصی مرکب از ئیدروژن و اکسیژن؛ ولی از باب توسع - که نوعی مجاز است - به هر مایعی اطلاق شده است. (۱)

وی سپس همین احتمال را ترجیح می دهد. (۲)

۳. دکتر موریس بوکای نکته ای ظریف را از آیه (ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ ماءٍ مَهینٍ) (۳) استفاده می کند و می نویسد:

اگر قرآن از مایعی بارور کننده متشکل از عناصر گوناگون صحبت می دارد، ما را از این امر مطلع می سازد که نسل انسان از چیزی که از این مایع استخراج می شود فراهم می گردد؛ این است معنای آیه ۸ سوره سجده.

کلمه عربی که در اینجا «کنتیسانس» (۴) (سالله) ترجمه شده شیء استخراج شده از شیء دیگر، بهترین بخش یک چیز را تعیین می کند که آن را بدین طریق یا طریق دیگر ترجمه کنند، موضوع جزئی از یک کل است. (۵)

وی سپس اشاره می کند که از بین چندین ده میلیون اسپرما توزوئید صادر شده از مرد تنها یکی موفق می شود به درون تخمک نفوذ کند و تعداد بی شماری در راه می مانند و موفق نمی شوند. پس این بخش بسیار ناچیز مستخرج از مایعی با ساختمانی پیچیده خواهد بود که فعالیت خواهد کرد.

ص: ۳۲۷

۱- (۱). معارف قرآن، سه جلدی، ص ۳۲۹.

۲- (۲). همان، ص ۳۳۰.

۳- (۳). سجده، آیه ۸.

۴- (۴). Quintessence.

۵- (۵). مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، ص ۲۷۲.

وی در پایان این گونه نتیجه می گیرد: «در نتیجه چطور می شود از توافق متن قرآنی با شناخت علمی ای که از این پدیده در عصرها داریم تحت تاثیر قرار نگرفت». (۱)

۴. دکتر دیاب و دکتر قرقوز نیز نکته ای ظریف را از آیه (...مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ) (۲) استفاده کرده اند:

مشاهده می کنیم که از میان صدها میلیون اسپرماتوزوئید فقط تعداد کمی به تخمک می رسند و الباقی در میان راه می میرند و از میان ده ها اسپرمی که به تخمک رسیده اند فقط یک عدد موفق به شکافتن دیواره شفاف تخمک شده و در لقاح سرنوشت ساز شرکت می کند؛ این معنا از کلام خداوند (در دو آیه ۸ سوره سجده و ۳۷ سوره قیامت) کاملاً استنباط می شود؛ زیرا حرف «مِن» حرف تبعیض است؛ یعنی: اندکی از بسیار. لفظ «سلاله» نیز همین معنا را دارد. (۳)

بررسی

در اینجا تذکر چند مطلب لازم است:

۱. در مورد تفسیر آیات مورد بحث می توان گفت که دو احتمال الف (وجود آب زیاد در تشکیل بدن موجودات زنده) و ب (خلقت موجودات زنده از منی) در مورد آیات ۳۰ سوره انبیاء، ۴۵ سوره نور و ۵۴ سوره فرقان وجود دارند؛ اما ظهور این آیات در احتمال الف بیشتر است. برعکس در آیات ۸ سوره سجده، ۲۰ سوره مرسلات و ۶ سوره طارق احتمال ب ظاهر است؛ بلکه می توان گفت ظهوری در احتمال الف ندارند؛ از این رو برخی مفسران در تفسیر این آیات اصلاً اشاره ای به احتمال الف نکرده اند.

ص: ۳۲۸

۱- (۱). همان، ص ۲۷۳.

۲- (۲). سجده، آیه ۸.

۳- (۳). طب در قرآن، ص ۸۱ با تلخیص.

تذکر: اگر مقصود از آیات، احتمال ب (خلقت موجودات زنده از منی) باشد، این بحث مربوط به مرحله سوم خلقت انسان می شود که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

۲. بنا بر پذیرش احتمال الف (تشکیل بدن موجودات زنده از آب زیاد) این مطلب رازی علمی است که قرآن قرن ها قبل آن را گوشزد کرده و نشانه عظمت علمی این کتاب الهی است. ولی این مطلب نمی تواند دلیل اعجاز علمی قرآن باشد؛ زیرا تاثیر آب در حیات انسان و موجودات زنده، از دیرباز برای بشر معلوم بوده است و حتی برخی دانشمندان یونان قدیم به آن اشاره کرده اند. (۱)

بعلاوه این آیات (انبیاء، آیه ۳۰؛ نور، آیه ۴۵؛ فرقان، آیه ۵۴) احتمالات متعددی دارند و نمی توان یک مطلب قطعی را در این مورد به قرآن نسبت داد یا آن را با مطلبی علمی انطباق داد تا دلیل اعجاز علمی قرآن باشد.

۳. در مورد استفاده دکتر دیاب و دکتر قرقوز از آیه ۸ سوره سجده لازم است تذکر دهیم که «سالله» قسمت خوب هر چیز را گویند که از آن جدا شده باشد (۲) و ظهور «من» در آیه مورد نظر، در معنای «بیان» است (من بیانیه)؛ یعنی جنس این سالله از آب پست است. به علاوه اگر معنای «من» را تبعیض بگیریم، با معنای سالله (جدا شده از چیزی) یکی می شود و در حقیقت، قسمت دوم آیه (مِنْ مَاءٍ مَّهِينٍ) تکرار معنای کلمه «سالله» می شود؛ درحالی که اگر «من» به معنای

ص: ۳۲۹

۱- (۱). ر.ک: عبد الغنی، الخطیب، قرآن و علم امروز، ترجمه دکتر اسد الله مبشری، ص ۱۲۱. وی از قول «آمیدوکل» فیلسوف یونانی نقل می کند که عامل تکوین زندگی در اثر چهار عنصر است: گرمی آتش، سردی هوا، رطوبت آب و خشکی خاک (و نیز ر.ک: دکتر غلاب، فلسفه یونان، ج ۱، ص ۴۱).

۲- (۲). ر.ک: مفردات راغب، ماده سلّ.

بیانیه باشد، این تکرار لازم نمی آید. پس برداشت این دو پزشک از آیه ۸ سوره سجده، با ظاهر آیه مناسبت ندارد.

۴. در مورد برداشت دکتر بوکای از آیه ۸ سوره سجده باید بگوییم که در مورد واژه سلاله دو احتمال وجود دارد: نخست آن که مقصود خلاصه و جزئی برتر از انسان (اسپرماتوزئید) باشد؛ دوم آن که مقصود جزئی نیکو و برتر از کل منی مرد (که شامل ده ها میلیون اسپرم است) باشد؛ یعنی اسپرمی که موفق می شود با اوول زن لقاح کند و تخمک را تشکیل دهد.

سخن دکتر بوکای با احتمال دوم سازگار است؛ اما با احتمال اول که مورد نظر برخی مفسران (مثل صاحب تفسیر نمونه) بود سازگار نیست.

مرحله سوم: آفرینش انسان از منی

قرآن کریم در چند مورد از «منی» سخن گفته است و خلقت انسان را از آن می داند:

(أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ * أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ) ؛ (۱) «و آیا آن چه را از منی می ریزید، ملاحظه کرده اید؟! آیا شما آن را آفریدید یا ما آفریننده ایم؟!»؛

(وَ أَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْمُنْثَى * مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى) ؛ (۲) «و این که او دو جفت نر و ماده آفرید؛ از آب اندک سیال هنگامی که ریخته می شود»؛

(أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيِّ يُمْنَى) ؛ (۳) «آیا (او) آب اندک سیالی از منی ای که ریخته می شود، نبوده است؟!».

ص: ۳۳۰

۱- (۱) . واقعه، آیه ۵۸ - ۵۹.

۲- (۲) . نجم، آیه ۴۵ - ۴۶.

۳- (۳) . قیامت، آیه ۳۷.

تذکر: آیاتی که در بحث «خلقت انسان از آب» مورد استناد قرار گرفته اند، بنا بر یک تفسیر نظر به منی داشته اند؛ پس آن آیات نیز می توانند در اینجا مورد استناد قرار گیرند. آیات مورد نظر عبارتند از: انبیاء، آیه ۳۰؛ نور، آیه ۴۵؛ فرقان، آیه ۵۴؛ سجده، آیه ۸؛ مرسلات، آیه ۲۰؛ طارق، آیه ۶.

منی در لغت

راغب اصفهانی منی را به معنای تقدیر (اندازه زدن) می داند و آیات فوق را تقدیر کردن الهی معنا می کند. (۱)

صاحب مقایس اللغه نیز اصل کلمه را از تقدیر می داند و معتقد است منی انسان را منی گویند، چون خلقت انسان از آن مقدر می شود.

اما صاحب التحقیق می گوید: «اصل واژه منی به معنی آرزو و درخواست به دست آوردن چیزی همراه با تقدیر است. به منی انسان نیز منی گویند، چون ظهور شهوت انسان (خواستن و آرزوی چیزی) است». (۲)

کلمه منی در لغت مکرراً در مورد «ماء الرجل» (آب مرد) به کار رفته است؛ امّا در مورد زن استفاده نشده است؛ مگر در التحقیق که در قسمت اظهار نظر نویسنده ذیل کلمه نطفه (۳) «منی مرد و زن» آمده است. امّا از آنجا که وی از لغویان معاصر است و این معنا در لغات قدیمی به کار نرفته، در مورد قرآن قابل قبول نیست.

منی از نظر علم پزشکی

از نظر اصطلاحی به مایعی که از مردان در هنگام نزدیکی (یا انزال) خارج

ص: ۳۳۱

۱- (۱). مفردات راغب اصفهانی، ماده منی.

۲- (۲). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۱۸۵ - ۱۸۶.

۳- (۳). همان، ج ۱۲، ص ۱۶۰.

می شود منی گویند و معمولاً حاوی ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون اسپرماتوزوئید است. (۱)

گاهی به نطفه مرد (اسپرماتوزوئید) کرمک نیز گفته می شود. این اسپرم ها در طول مجاری منی ساز بیضه - که چندین متر هستند - ساخته و پرداخته می شوند و به تدریج برای خروج تکامل می یابند.

کرمک ها درازند و طول آنها ۱۰ تا ۱۰۰ مو (هر مو یک میلیونم متر) است؛ دارای سر و گردن و یک دم بسیار متحرکند که با آن در هر ثانیه می توانند ۱۴ تا ۲۳ میکرون حرکت نمایند.

کرمک ها (اسپرم ها) در مهبل زن ریخته می شوند؛ به عبارت دیگر کرمک ها با جهش به طرف دهانه رحم پرتاب می شوند. کرمک ها با مقداری از ترشحات نامبرده (مذی، وذی، ترشحات غده های پرستات و غدد داخلی) در مهبل می مانند و قسمت اعظم آنها از مخاط مهبل وارد دستگاه گردش خون می گردند و طراوت و تازگی خاصی به زن می دهند. بسیاری از کرمک ها نیز به طرف سوراخ بسیار تنگ دهانه رحم هجوم می آورند. این سوراخ که به اندازه چشم سوزنی است همیشه مملو از ترشحاتی است که اجازه ورود بسیاری از جنیندگان و موجودات ذره بینی را به رحم نمی دهد؛ ولی نسبت به کرمک ها خاصیت «شیمو تاکسی» مثبت از طرف مهبل و منفی از داخل رحم دارد؛ یعنی وقتی کرمک ها در مهبل هستند آنها را به داخل رحم می کشاند و هنگامی که در رحم هستند آنها را از خود دور می سازد.

رحم که پشت مثانه راست روده قرار گرفته، جسمی است گوشتی و تو خالی تقریباً به اندازه یک گردو؛ یک سوراخ از جلو دارد که به مهبل باز می شود و دو

ص: ۳۳۲

۱- (۱). پروفیسور توماس وی سادلر، رویان شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه دکتر بهادری و شکور، ص ۳۰. البته برخی از پزشکان تعداد اسپرم های مرد را بین ۲ تا ۵۰۰ میلیون عدد در هر انزال متغیر می دانند (ر. ک: دکتر پاک نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۴۱).

سوراخ در دو زاویه فوقانی، طرفی که به لوله های رحم بازمی گردد. لوله های رحم ۱۰ تا ۱۴ سانتی متر طول دارند و سرهایشان - که تقریباً آزادند- مجاور تخمدان ها قرار می گیرند. کرمک ها از رحم به طرف لوله ها می روند و با سرعت ۱۱ میلی متر در ساعت در مدت ۴ ساعت به وصال تخمک (که در لوله رحم قرار گرفته است) می رسند. (۱) و (۲)

اسپرم ها که همراه با مایعی لزج از مجرای تناسلی مرد خارج می شوند، در مجرای تناسلی (مهبل) زن ریخته می شوند و فقط ۳۰۰ تا ۵۰۰ عدد آن به ناحیه باروی می رسند و تنها یکی از آنها برای باروری کافی است. اسپرماتوزوئیدها به سرعت از مهبل وارد زهدان و متعاقباً وارد لوله های زهدانی می گردند. (۳)

دکتر دیاب و دکتر قرقوز این جریان را این گونه تشریح می کنند:

کاروان داماد (اسپرم ها) مسابقه هیجان انگیزی است که بین حدود ۵۰۰ میلیون اسپرماتوزوئید برگزار می گردد. این مسابقه از مهبل زن شروع می شود و با رسیدن اسپرم ها به تخمک (اوول زن) ختم نمی شود؛ بلکه با اختراق جداره شفاف تخمک به وسیله یکی از اسپرم ها به پایان می رسد؛ زیرا ممکن است ده ها اسپرم به تخمک برسند؛ ولی تنها یکی از آنها موفق به عبور از دیواره تخمک گردد. (۴)

مسئله قابل توجهی که هنگام رها شدن تخمک به چشم می خورد، مایع شفاف و چسبنده ای است با خاصیت قلیایی که در دهانه رحم ظاهر می شود و فقط مدت دو روز ادامه می یابد. این ماده نطفه ها را جذب و آنها را قادر می کند که به راحتی از

ص: ۳۳۳

۱- (۱). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۴۱ تا ۲۴۷ با تلخیص.

۲- (۲). آقای بی آزار شیرازی در کتاب گذشته و آینده جهان (ص ۵۶) سرعت حرکت اسپرم ها را ۱۵ کیلومتر در ساعت اعلام می کند؛ اما منبعی علمی برای این سخن ارائه نکرده است.

۳- (۳). ر. ک: رویان شناسی لانگمن، ص ۲۹ و ۳۰.

۴- (۴). طب در قرآن، ص ۸۱.

لوله رحم بگذرند و در مسابقه هیجان انگیز رسیدن به تخمک شرکت کنند. (۱)

در تفسیر نمونه نیز ذیل آیه ۵۸ سوره واقعه مشابه همین مطالب علمی ذکر شده است. (۲) عبدالرزاق نوفل نیز با ذکر آیات ۵ و ۶ سوره طارق مشابه همین مطالب علمی را در مورد منی و اسپرم بیان می کند. (۳)

تذکر ۱: برای اطلاع بیشتر به شکل الف و ب در ضمیمه شماره ۱ توجه کنید.

تذکر ۲: نکته قابل توجهی در تعبیر قرآنی «منی» وجود دارد؛ خداوند می تواند به جای این واژه از واژه های دیگر استفاده کند؛ اما این واژه را که دلالت بر تقدیر و اندازه گیری دارد انتخاب کرده است و امروزه می دانیم که صفات ارثی مردان از طریق همین اسپرم ها منتقل می شوند و در حقیقت تقدیر می شوند.

بررسی

در اینجا تذکر چند مطلب لازم است:

۱. در تفسیر نمونه ذیل آیه (أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ) (۴) می خوانیم: «آیا از نطفه ای که در رحم می ریزید آگاهید؟» (۵)

در تفسیر آیه (مِنْ نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى) (۶) نیز می خوانیم: «و از نطفه ای که خارج می شود و در قرارگاه رحم می ریزد». (۷)

ص: ۳۳۴

۱- (۱). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۸۰ و ۸۱.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۲۴۱-۲۴۲.

۳- (۳). عبد الرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۱۴.

۴- (۴). واقعه، آیه ۵۸.

۵- (۵). تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۲۴۱.

۶- (۶). نجم، آیه ۴۶.

۷- (۷). تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۲۴۱.

در ترجمه قرآن استاد فولادوند ذیل آیه (أَلَمْ يَكْ نُطْفَهٗ مِنْ مَنِيِّ يُمْنِي) (۱) می خوانیم: «مگر او [قبلاً] نطفه ای نبود که [در رحم] ریخته می شود؟!». (۲)

نکته قابل توجه در موارد ذکرشده این است که در هر سه مورد بر این نکته تأکید شده که منی یا نطفه مرد در رحم زن ریخته می شود؛ درحالی که:

یکم) منی مرد در مهبل یا مجرای تناسلی زن ریخته می شود (همان طور که در مبحث علمی گذشت)؛

دوم) در آیات فوق مکان ریختن منی مشخص نشده و به صورت مطلق بیان شده است.

شاید آن چه موجب این ترجمه و تفسیر شده است این باشد که منی مرد غالباً در حال آمیزش با زنان خارج می شود و پس از ریختن منی در مهبل (مجرای تناسلی) اسپرم ها تلاش می کنند با کمک مایعی که از دهانه رحم ترشح می شود از لوله رحم عبور کنند تا به تخمک برسند و پس از لقاح برای لانه گزینی به دیواره رحم بروند. این مطالب به معنی ریخته شدن منی مرد داخل رحم زن نیست؛ ضمن این که همیشه هم منی مرد داخل مجرای زنان ریخته نمی شود. پس ترجمه و تفسیر فوق صحیح به نظر نمی رسند.

تذکر: در ترجمه استاد فولادوند کلمه «منی» ترجمه نشده است (مگر او نطفه ای از منی نبود که ریخته می شود؟).

۲. قرآن مسئله خلقت انسان از منی را به صورت کلی و سربسته بیان کرده است. هرچند تعبیر منی در مورد مایع جنسی مردان، بسیار ظریف و دقیق انتخاب

ص: ۳۳۵

۱- (۱). قیامت، آیه ۳۷.

۲- (۲). استاد محمد مهدی فولادوند، ترجمه قرآن، نشر دار القرآن الکریم، قطع جیبی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷ش.

شده است و این یکی از اشارات علمی قرآن است که عظمت این کتاب الهی را نشان می دهد؛ اما از آنجا که انسان ها به صورت محسوس این مرحله از خلقت بشر را می دیدند - و فی الجمله از دخالت منی در تشکیل طفل اطلاع داشتند؛ اگرچه تمام رموز و اسرار علمی آن را نمی دانستند - پس نمی توان گفت که تذکر این مطلب از جانب قرآن، اعجاز علمی است.

مرحله چهارم: خلقت انسان از نطفه

قرآن کریم در موارد متعددی «نطفه» را به عنوان یکی از مراحل خلقت انسان معرفی می کند. این معرفی به چند صورت انجام پذیرفته است:

الف) گاهی سخن از مطلق نطفه می کند:

(خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ) ؛ (۱) «انسان را از آب اندک سیالی آفرید؛ و آن گاه او دشمنی آشکار (و مدافعی روشن گر) شد»؛

(...فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ نَعْمٍ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ...) ؛ (۲) «پس (بنگرید:) که ما شما را از خاکی آفریدیم، سپس از آب اندک سیال، سپس از [خون بسته] آویزان»؛

(ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً ...) ؛ (۳) «سپس او را آب اندک سیالی در جایگاه استوار [رحم] قرار دادیم؛ سپس آب اندک سیال را به صورت [خون بسته] آویزان آفریدیم»؛

(مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ) ؛ (۴) «او را از آب اندک سیال آفرید و (اندازه) او را معین کرد».

ص: ۳۳۶

۱- (۱) . نحل، آیه ۴؛ یس، آیه ۷۷.

۲- (۲) . حج، آیه ۵ و نیز نزدیک به همین مضمون در سوره های غافر، آیه ۶۷، کهف، آیه ۳۷ و فاطر، آیه ۱۱.

۳- (۳) . مؤمنون، آیات ۱۳ و ۱۴.

۴- (۴) . عبس، آیه ۱۹.

ب) گاهی سخن از نطفه مخلوط می کند:

(إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ ...)؛ (۱) «در حقیقت، ما انسان را از آب اندک سیال مخلوط آفریدیم، درحالی که او را می آزماییم»؛ «انسان را خلق کردیم از مخلوط نطفه (زن و مرد) که از حالی به حالی شده است»؛ «ما او را از آب نطفه مختلط بی حس و شعور خلق کردیم». (۲)

ج) انسان از نطفه ای از جنس منی آفریده شده است:

(أَلَمْ يَكُنْ مِنْ نُطْفَةٍ مِنْ مَنِيِّ يَمْنَى) ؛ (۳) «آیا (او) آب اندک سیالی از منی ای که ریخته می شود، نبوده است؟!»؛

(مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى) ؛ (۴) «از آب اندک سیال هنگامی که ریخته می شود».

نطفه در لغت

نطفه در لغت به معنای سیلان ضعیف چیزی است و به معنای آب صاف کم یا زیاد نیز آمده است. نطفه چیزی است که از مرد و زن برای آمیزش خارج می شود. پس به منی مرد و زن نطفه گویند؛ چون سیلان دارند (۱۶۴). (۵)

تذکر: همان طور که مشاهده شد، کلمه نطفه در لغت، مخصوص مردان نیست و شامل آب مرد و زن می شود.

ص: ۳۳۷

۱- (۱) . انسان، آیه ۲.

۲- (۲) . ترجمه اول آیه از استاد فولادوند و موافق نظر استاد مکارم شیرازی است و ترجمه دوم از دکتر پاک نژاد است که موافق نظر علامه طباطبایی در المیزان نیز هست. معنای سوّم نیز از الهی قمشه ای است (به زودی این مورد را بررسی خواهیم کرد).

۳- (۳) . قیامت، آیه ۳۷.

۴- (۴) . نجم، آیه ۴۶.

۵- (۵) . ر.ک: فیومی، مصباح اللغه - راغب اصفهانی، مفردات و نیز مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۲، ص ۱۵۸ تا ۱۶۰.

نطفه در اصطلاح عبارت است از چیزی که از مردان یا زنان برای لقاح و تشکیل جنین خارج می شود؛ در مورد آب مردان به آن منی گویند و از نظر پزشکی شامل میلیون ها اسپرماتوزئیدها است (که در بحث قبل گذشت) و در مورد آب زنان به آن تخمک (اوول) (۱) گویند. این تخمک ها دایره ای هستند به قطر متوسط ۱۳۵ مو و گاهی تا ۲۰۰ مو بزرگ می شوند که در این حالت با چشم دیده می شوند. تعداد آنها کلاً حدود چهارصد هزار عدد است که در دوران بارداری نزدیک به چهارصد عدد آنها از زن خارج می شوند؛ یعنی در هر ماه سیزده عدد. (۲) البته فقط یک عدد از این تخمک ها کامل شده و خارج می شوند؛ بقیه (حدوداً ۱۲ عدد دیگر) تحلیل می روند.

اسپرماتوزوئید به سرعت از مهبل (مجرای تناسلی زن) وارد زهدان و متعاقباً وارد لوله های زهدانی می گردد. این صعود احتمالاً به دلیل انقباضات ماهیچه ای زهدان و لوله است.

باروری (گشاینده شدن؛ لقاح) (۳) فرایندی است که در آن گامت های مرد و زن با هم ادغام می شوند. باروری در ناحیه حبابی لوله زهدان اتفاق می افتد. این ناحیه وسیع ترین قسمت لوله بوده و نزدیک تخمدان قرار گرفته است. درحالی که اسپرماتوزوئید می تواند ۲۴ ساعت در مجرای تولید مثل زن زنده بماند، تصور می شود که تخمک ثانوی اگر باروری نشود، ۱۲ تا ۱۴ ساعت پس از تخمک گذاری می میرد. (۴)

تذکر: به شکل الف و ب در ضمیمه مراجعه فرمایید.

ص: ۳۳۸

۱- (۱) . Ovum.

۲- (۲) . اولین دانشگاه و آخرین پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ج ۱، ص ۲۴۱ و نیز طب در قرآن، ص ۷۷ - ۷۸.

۳- (۳) . Fertilization, Fecondation.

۴- (۴) . رویان شناسی پزشکی لانگمن، ص ۲۳ و ص ۲۹.

آیت الله معرفت می نویسد:

نطفه بر سه چیز اطلاق می شود:

۱. نطفه مرد که همان اسپرم ها (حیوانات منی) هستند؛

۲. نطفه زن که همان اوول (البویضه) است؛

۳. نطفه مخلوط (یا امشاج) که از آب مرد و زن تشکیل می شود. (۱)

علامه طباطبایی ذیل آیه ۲ سوره انسان (دهر) می نویسد:

«نطفه در اصل بمعنی آب کم است که استعمال آن غالباً در مورد آب جنس نر از حیوانات است آبی که از آن تولید مثل می شود».

سخن علامه از دو جهت قابل اشکال است:

۱. نطفه به معنی آب -چه کم یا زیاد- می آید؛ نه آب کم؛ همان طور که برخی از لغویان قدیمی بدین مطلب تصریح کرده اند. (۲)

۲. نطفه به معنی آب مردان و زنان استعمال شده است و برخی از مفسرین و لغویان قدیم و جدید بدان تصریح کرده اند (۳) و دلیلی بر غلبه آن در آب مردان نیافتیم؛ بلکه برخی استعمالات آن در قرآن کریم (نطفه فی قرار مکین؛ نطفه امشاج؛ خلقنا النطفه علقه) نشان می دهند که مقصود نطفه ای است که شامل آب مرد و زن (اسپرماتوزوئید و اوول) می شود.

نطفه در قرآن کریم

همان طور که گذشت، قرآن کریم گاهی سخن از «مطلق نطفه»، گاهی سخن

ص: ۳۳۹

۱- (۱). التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۸۱.

۲- (۲). ر.ک: الفیومی، مصباح اللغه و نیز الخلیل الفراهیدی، العین (النطفه الماء الصافی قل او کثر).

۳- (۳). ر.ک: الفیومی، مصباح اللغه و مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۲، ص ۱۵۹ و مجمع البیان، ج ۵، زیر آیه ۲ سوره دهر.

از «نطفه مخلوط» و گاهی نیز سخن از «نطفه ای از جنس منی» می‌کند. همچنین مشاهده کردیم که واژه نطفه معنایی وسیع دارد و شامل عوامل تولید مثل مرد و زن می‌شود. با توجه به این دو مقدمه می‌توان گفت که هرگاه قرآن از نطفه ای از جنس منی سخن می‌گوید، مقصودش همان منی مرد است و این مطلب از نظر استعمال لغت نیز صحیح است.

ما نیز آیات ۳۷ سوره قیامت و ۴۶ سوره نجم را در بحث منی آوردیم و مورد بحث قرار دادیم.

اما وقتی قرآن سخن از نطفه مخلوط می‌کند مقصودش همان تخمک (اوول) زن و اسپرماتوزوئید مرد پس از لقاح است؛ یعنی هنگامی که این دو با هم ترکیب شدند نطفه امشاج خوانده می‌شوند.

اما هنگامی که قرآن از مطلق نطفه (بدون قید «من منی» و «امشاج») سخن می‌گوید مقصود چیست؟ به نظر می‌رسد در این مورد نیز تخمک لقاح یافته و ترکیب شده با اسپرم مقصود است؛ به دلایل و شواهد زیر:

۱. در سوره مؤنون دو قید آورده شده که فقط بر تخمک لقاح یافته قابل تطبیقند؛ در آنجا می‌فرماید: (ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً ...)؛ (۱) «سپس او را آب اندک سیالی در جایگاه استوار [رحم] قرار دادیم؛ سپس آب اندک سیال را به صورت [خون بسته] آویزان آفریدیم».

مفسران تصریح می‌کنند که مقصود از «قرار مکین» در این آیه رحم است و نطفه پس از لقاح در رحم قرار می‌گیرد.

به علاوه چیزی که تبدیل به علقه (خون بسته آویزان زالوشکل) می‌شود، همان

ص: ۳۴۰

نطفه لقاح یافته با اسپرم است و گرنه نطفه مرد یا زن به تنهایی نمی توانند به صورت علقه درآیند یا در رحم بمانند.

۲. سیاق آیات ۵ سوره حج، ۷۷ سوره یس، ۶۷ سوره غافر، ۳۷ سوره کهف، و ۱۱ سوره فاطر نیز شبیه سیاق آیه ۱۴ سوره مؤمنون است.

۳. همان گونه که گذشت، واژه نطفه در لغت اعم از نطفه مرد و زن است؛ پس هر جا این واژه به کار رود، اگر قرینه ای قوی وجود داشته باشد، بر نطفه خاص مرد یا زن حمل می شود (مثل نطفه من منی)؛ اما اگر قرینه ای نبود، ناچاریم آن را بر معنای اعم حمل کنیم که شامل نطفه مرد و زن می شود.

۴. در آیات ۹ سوره عبس و ۴ سوره نحل نیز می توان قرینه ای برای اعم بودن پیدا کرد: (قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ * مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ * مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ) (۱) و (خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ ...). (۲) در این دو آیه از جنس انسان و خلقت آن سخن گفته شده و روشن است که جنس انسان فقط از نطفه مرد خلق نشده، بلکه از مجموع نطفه مرد و زن آفریده شده است.

نتیجه گیری

واژه نطفه - که در لغت اعم از نطفه مرد و زن است - در قرآن کریم در مورد نطفه زن و مرد (اوول و اسپرماتوزوئید) یعنی نطفه لقاح یافته و بارور شده به کار می رود؛ مگر آن که قرینه ای مشخص کند که منظور خصوص نطفه مرد است.

اسرار و نکات علمی

در مورد آیات مربوط به نطفه، مفسران و صاحب نظران اظهار نظرهایی کرده اند

ص: ۳۴۱

۱- (۱). عبس، آیات ۱۷ - ۱۹.

۲- (۲). نحل، آیه ۴.

که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. طبرسی (رحمه الله) در مجمع البیان در مورد آیه (... مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ...) (۱) چند دیدگاه را مطرح می‌کند:

الف) مراد آب مرد و زن است که با هم مخلوط می‌شوند.

این سخن از ابن عباس، عکرمه و مجاهد نقل شد و مورد قبول طبرسی نیز هست؛

ب) نطفه ای که مخلوط از حالات است؛ حالت علقه، حالت مضغه و حالت استخوان... تا انسان شود؛

ج) نطفه ای که مخلوط از رنگ‌های نطفه زن و مرد است؛

د) نطفه ای که مخلوط با خون حیض است و از این رو پس از حاملگی خون حیض قطع می‌شود؛

ه) نطفه ای که مخلوط از رگ‌هایی است؛

و) نطفه ای که مخلوط از طبایع مختلفی است که در انسان وجود دارد (مثل حرارت، برودت و...). (۲)

۲. علامه طباطبایی در مورد آیه فوق می‌نویسد:

«أَمْشَاجٍ» جمع مشیج به معنی مخلوط و ممزوج است. و این وصف که برای نطفه آورده شده، یا به اعتبار اجزای نطفه است که مختلف است و یا به اعتبار اختلاط آب مرد و زن است. و «ابتلاء» به معنی تبدیل حالات چیزی از حالی به حالی و از صورتی به صورتی مثل تغییر حالت طلا در کوره است و مقصود از ابتلاء خداوند نسبت به خلق انسان در نطفه، همان است که در آیات دیگر بیان شده که نطفه را علقه و مضغه و... می‌کند تا به خلق آخر برسد.

برخی گفته‌اند ابتلاء به معنی امتحان به وسیله تکلیف است و این معنا

ص: ۳۴۲

۱- (۱). انسان، آیه ۲.

۲- (۲). مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۰۶ - ۴۰۷، ذیل آیه ۲ سوره انسان.

به وسیله فاء تفریع در ادامه آیه (...فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا) دفع می شود؛ زیرا اگر مراد از ابتلاء تکلیف بود، باید آیه برعکس می شد؛ چون امتحان متفرع بر سمیع و بصیر بودن است. (۱)

۳. آیت الله مکارم شیرازی آیه مذکور را این گونه ترجمه کرده است: «ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می آزماییم.» وی سپس می نویسد: «امشاج جمع مشج یا مشیج، به معنی شیء مخلوط است.» وی در مورد آفرینش انسان از نطفه مخلوط چند احتمال را مطرح می کند:

الف) اختلاط نطفه مرد و زن و ترکیب اسپرم و اوول؛ همان گونه که در روایات اهل بیت (علیهم السلام) اجمالاً به آن اشاره شده است؛

ب) اشاره به استعدادهای مختلف درون نطفه (مانند عامل وراثت از طریق ژن ها و مانند آن) باشد؛

ج) اشاره به اختلاط مواد مختلف ترکیبی نطفه باشد؛

د) اختلاط همه این ها با هم دیگر باشد.

ه) أمشاج اشاره به تطورات نطفه در دوران جنینی باشد (به صورت احتمال مطرح می شود).

آیت الله مکارم ضمن آن که معنای چهارم (د) را جامع تر و مناسب تر می داند، «نبتلیه» را رسیدن انسان به مقام تکلیف، تعهد، مسئولیت، آزمایش و امتحان تفسیر می کند. وی همچنین چشم و گوش را که در آخر آیه مطرح شده اند ابزار شناخت - که مقدمه آزمایش است - می داند و این معنا را به احتمال دیگر (ابتلاء به معنای تطورات و تحولات جنین) ترجیح می دهد.

صاحب تفسیر نمونه همچنین به نکات علمی آیه اشاره می کند؛

ابتدا نکاتی در مورد اسپرم و اوول می گوید و آنها را از عجایب و شگفتی های

ص: ۳۴۳

بزرگ جهان آفرینش معرفی می کند که با پیشرفت علم جنین شناسی پرده از اسرار آنها برداشته شد:

برخی از دانشمندان معتقدند که نطفه زن دارای الکتریسته مثبت است و اسپرم دارای الکتریسته منفی و از این رو به سوی هم کشیده می شوند. امّا هنگامی که اسپرم وارد تخمک شد، بار الکتریکی آن را منفی می کند و به همین دلیل اسپرم های بی شمار دیگر که در اطراف آن وجود دارند از آن رانده می شوند. بعضی نیز گفته اند با ورود اسپرم، ماده شیمیایی مخصوصی ترشح می شود که سایر اسپرم ها را می راند. (۱)

آیت الله مکارم در تفسیر واژه «خصیم» در آیه (خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ) (۲) دو احتمال را ذکر می کند؛ یکی این که به معنی قدرت انسان بر سخن گفتن، محاجه و استدلال باشد - که برخی مفسران گفته اند - و دیگر این که به معنی مسابقه و منازعه ای باشد که میان اسپرم ها هنگام حرکت به سوی اوول در رحم مادر صورت می گیرد و سرانجام یکی از آنان موفق می شود با اوول ترکیب شود و بقیه شکست خورده و نابود می شوند. وی این مطلب علمی را از شگفتی ها و نکات بدیع و ظریف جنین می داند. (۳)

همچنین در تفسیر آیه (ثُمَّ جَعَلْنَا نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ) (۴) نکته ای علمی درباره «قرار مکین» بیان می کند:

تعبیر از رحم به قرار مکین (قرار گاه امن و امان) اشاره به موقعیت خاص رحم در بدن انسان است؛ در واقع محفوظترین نقطه بدن که از هر

ص: ۳۴۴

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۳۴ تا ص ۳۳۹.

۲- (۲). نحل، آیه ۴؛ یس، آیه ۷۷.

۳- (۳). پیام قرآن، ج ۲، ص ۸۴.

۴- (۴). مومنون، آیه ۱۳.

طرف کاملاً تحت حفاظت قرار گرفته ستون فقرات و دنده ها از یک سو، استخوان نیرومند لگن خاسره از سوی دیگر، پوشش های متعدد شکم از سوی سوم، حفاظتی که از سوی دست ها به عمل می آید از سوی چهارم، همگی شواهد این قرارگاه امن و امان است. (۱)

۴. دکتر پاک نژاد به زیبایی آمیزش تخمک و اسپرم را تشریح می کند:

حدود ۲ تا ۵۰۰ میلیون اسپرم که در مهبل زن ریخته شده است در یک مسابقه به طرف سوراخ ریز مهبل می روند. تعدادی از آنها از سوراخ عبور کرده و طول رحم را طی می کنند و سپس به لوله های رحم که ۱۰ تا ۱۴ سانتی متر طول دارد می رسند. آنها با سرعت ۱۱ میلی متر در ساعت در حال حرکت هستند. از طرف دیگر تخمکی از جداره تخمدان زن جدا شده و به وسیله دهانه لوله رحم که خاصیتی مکنده دارد بلعیده می شود. در لوله های رحم کرک های بسیار ملایم و ظریف وجود دارد که سرهایشان به طرف رحم تمایل دارند. همین که تخمک بین آنها قرار گرفت، به کمک ترشحات داخلی لوله او را به طرف رحم می رانند.

ناگهان تخمک و اسپرم ها به هم می رسند و هزاران کرک (اسپرم) به وصال رسیده، معشوق خود (تخمک) را دربر می گیرند و سرهای خود را بر تخمک می گذارند. این حالت بیشتر به جنگ و جدال و مسابقه شبیه است. بالاخره یکی از کرک ها تخمک را سوراخ کرده، در آن وارد می شود.

وی با ذکر آیه (إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ ...) (۲) نتیجه می گیرد نطفه ای که انسان از آن ساخته می شود، مخلوطی از نطفه های زن و مرد است و نطفه های زن و مرد برای امشاج، مخلوط شدن و انسان درست کردن به بلایا و دگرگونی هایی دچار می شوند (نصف می شوند، کرموزم ها نصف می شوند و...)

ص: ۳۴۵

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۰۷ و ۲۰۸.

۲- (۲). دهر، آیه ۲.

گرچه برخی امشاج را مخلوطی از صفت ملائکه و حیوان یا نر و ماده یا ژن و ژنتیک دانسته اند.

دکتر پاک نژاد با بیان این که ذکر این مطالب از معجزات است، می گوید: «چون خدا آزمایش کننده است و امتحان (نبتلیه) در محیط آزاد معنا دارد، از این رو می توان گفت عقل در نطفه هم دخالت دارد». (۱)

۵. دکتر دیاب و دکتر قرقوز نیز با طرح آیه فوق آن را چنین ترجمه می کنند: «ما او را از نطفه ای مختلط (بی حس و شعور) خلق کردیم». آنها سپس توضیحات مفصلی راجع به حرکت تخمک و اسپرم ها می دهند:

پس از انجام لقاح، فعل و انفعالات سلولی دقیق و شگفت انگیزی صورت می پذیرد که منتهی به اتحاد نطفه و تخمک می گردد و بدین طریق تعداد کروموزوم ها به حد نصاب می رسد. از این پس تخمک لقاح یافته را تخم (Zygot) می نامند. تخمک لقاح یافته به قدرت تازه ای دست می یابد و از طریق این قدرت، کار تقسیم و نمو را برای تشکیل جنین آغاز می کند و بدین طریق پدر و مادر صفات ارثی خود را به طور مشترک به جنین منتقل می نمایند. (۲)

۶. یکی از نویسندگان معاصر نیز با طرح آیات مربوط به خلقت انسان، مراحل آن را مطابق با علم جدید امبریولوژی (جنین شناسی) (۳) معرفی می کند و سپس آیه ۲ سوره دهر را این گونه ترجمه می کند: «به درستی که ما خلق کردیم انسان را از نطفه (مخلوط اسپرم و اوول) مرد و زن در حالی که با هم آمیخته و مخلوط شدند...». (۴)

۷. یکی دیگر از صاحب نظران نیز آیه ۲ سوره دهر را این گونه ترجمه می کند:

ص: ۳۴۶

۱- (۱). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۴۳ تا ص ۲۴۹.

۲- (۲). طب در قرآن، ص ۸۰-۸۱.

۳- (۳). Embryology.

۴- (۴). گودرز، نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۸۹ - ۹۰.

«ما انسان را از نطفه مخلوط (سلول تخم) پدید آوردیم».

وی معتقد است این آیه را سه گونه می توان تفسیر کرد:

الف) ما بشر را مرکب از نیم سلول نر و نیم سلول ماده (تخمک و کرملک) آفریده ایم؛

ب) نطفه انسان، نیمی حیوان و نیمی فرشته (عقل) است؛

ج) ما انسان را از نطفه ای که مخلوط از مواد وراثتی پدر و مادر است آفریده ایم؛ چه این که یاخته های جنسی انسان شامل ۴۸ عدد کروموزم می باشد که هر کدام از ذرات متعددی به نام «ژن» ترکیب یافته اند. این ژن ها نقش مهمی در ساختمان سلول زنده به عهده دارند و بعضی از این ذرات بسیار ریز، حاصل حالات و صفات پدر و مادر می باشند. (۱)

۸. یکی دیگر از صاحب نظران با طرح این مطلب که در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نطفه انسان بیش از یک ماده متعفن چیز دیگری تلقی نمی شد و قرآن کریم آن را با عنوان امشاج بیان کرد، متذکر می شود که نطفه انسان ۴۶ عامل وراثت دارد که هر عامل نیز بین ده هزار تا صد هزار علامت و اطلاعات مخصوص به خود دارد.

وی در مورد کلمه امشاج چند احتمال را مطرح می کند:

الف) مقصود از کلمه امشاج (مخلوط متراکم) این است که عناصر انسان متراکم است؛

ب) مقصود از کلمه امشاج نطفه مخلوطی از اوصاف پدر و مادر است که به وسیله ژن ها به کودک منتقل می شود؛ (۲)

ج) مقصود از کلمه امشاج آمیزش نطفه زن و مرد و ترکیب یافتن دو نطفه و به صورت جنین در آمدن است.

ص: ۳۴۷

۱- (۱). بی آزار، شیرازی، گذشته و آینده جهان، ص ۵۷، چاپ دوّم.

۲- (۲). این نظر را به دکتر ید الله سبحانی در کتاب خلقت انسان (ص ۱۴۷) نسبت می دهند.

سپس این گونه نتیجه می گیرد:

هر چه هست کلمه امشاج به ما می فهماند که خلقت بشر از نظر قرآن دقیق تر از آن است که بشر فکر می کند و از طرف دیگر این کلمه چون معانی مختلفی دارد، به ما ثابت می کند که محمد (صلی الله علیه و آله) نمی توانسته این گونه حقایق را که برای پیروانش قابل رؤیت نبوده اند به طور صریح بیان کند و از سوی دیگر هم نمی توانسته حقایق را کتمان نماید؛ از این رو حقایق را ناگزیر طوری بیان فرموده که آنان بتوانند از آن به اندازه استعداد خویش درک نمایند. (۱)

۹. دکتر موریس بوکای در مورد آیه ۲ سوره دهر می نویسد:

بسیاری مفسران، مانند پرفسور حمید الله، در این مخلوطها عنصر مذکر و عنصر مؤنث را می بینند. مصنفان قدیم هم که نمی توانستند کمترین ایده ای از فیزیولوژی باروری و خصوصاً از آن چه که شرایط زیست شناختی (بیولوژیک) جانب زن است داشته باشند، همان نظر را می داشتند. اما مفسران جدید، مانند «منتخب» نشر شورای عالی امور اسلامی قاهره این طرز دید را اصلاح کرده و در اینجا تشخیص می دهند که قطره منی واجد عناصر گوناگونی است.

وی سپس توضیح می دهد که منی از عناصر گوناگون زیر تشکیل شده است:

الف) ترشحات بیضه ها؛ یعنی اسپرماتوزوئید غوطه ور در مایعی سرم گونه؛

ب) ترشحات کیسه های تخمی که نزدیک پروستات هستند و ترشح خاصی بدون عناصر بارورکننده دارند؛

ج) ترشحات پروستات که به منی، ظاهر خامه ای و بوی ویژه اش را می دهند؛

د) ترشحات غدد ملحق به مجاری ادرار (غدد کوپر، مری و لیتره).

این ها هستند منشأهای این «مخلوطها» که کاملاً به نظر می رسد قرآن از آنها صحبت می دارد. (۲)

۱۰. ممکن است گفته شود که بسیاری افراد در طول اعصار و به ویژه قبل از

ص: ۳۴۸

۱- (۱). مصطفی، زمانی، پیشگویی های علمی قرآن، ص ۱۱۷-۱۲۰.

۲- (۲). مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۲۷۱-۲۷۲.

ظهور اسلام گمان می کردند که زن یک مزرعه و ظرف است و نقشی در انعقاد نطفه و جنین ندارد و اختلاف فقط در این بود که آیا صفات کودک همه از پدر است یا نصف آن از پدر و نصف دیگر از جد پدری است یا آیا صفات از نسل های طولانی (غیر از مادر) به ارث می رسند. (۱)

جالب این است که مرحله اساسی، در تاریخ جنین شناسی تصدیق هاروی در ۱۶۵۱م بود که می گفت: «هر چیز که می زید، در آغاز از تخمی می آید». (۲)

با توجه کشفیات جدید در مورد انتقال صفات از پدر و مادر (از طریق کروموزوم ها و ژن ها) می توان گفت که تعبیر «نطفه امشاج» (مخلوط نطفه زن و مرد) نوعی رازگویی علمی برخلاف عقاید مردم زمان نزول قرآن است.

۱۱. یکی از نویسندگان معاصر در این مورد می نویسد:

باری؛ کلمه امشاج کلمه ای است که معنای وسیعی دارد و هرچه بر علم بشر افزوده شود اهمیت آن و قرآن کریم برای ما روشن تر می گردد؛ و اینک نمونه آن:

از جهت تحقیقات علمی در زمینه وراثت، تجزیه دقیق یک کروموزوم حائز کمال اهمیت است؛ زیرا ممکن می گردد در بیماری های موروثی و مظاهری مانند پیری به نحو مطلوب اعمال نفوذ کرد.

هر یک از ۴۶ عامل وراثت دارای ده ها هزار تا صدها هزار اطلاعاتی بیشتر از ویروس کروموزومی است. (۳)

جمع بندی

در مورد آیه (إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ...) (۴) چند تفسیر وجود دارد:

ص: ۳۴۹

۱- (۱). عبد الرزاق، نوفل، القرآن و العلم الحديث، ص ۱۱۲.

۲- (۲). دکتر موریس، بوکای، مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۲۷۷.

۳- (۳). مصطفی، زمانی، پیشگویی های علمی قرآن، ص ۱۱۹-۱۲۰.

۴- (۴). دهر، آیه ۲.

الف) در مورد نطفه دو دیدگاه مطرح است: برخی آن را به معنای نطفه مرد گرفته اند و برخی اعم معنا کرده اند؛ مثلاً دکتر پاک نژاد و بیشتر صاحب نظران آن را اعم از نطفه مرد و زن معنا کرده اند؛ ولی علامه طباطبایی و دکتر موریس بوکای آن را به معنای نطفه مرد می دانند.

تذکر ۱: بر اساس همین دو معنای نطفه، معانی کلمه امشاج هم متعدد شده است.

تذکر ۲: با توجه به مطالبی که در مورد واژه نطفه در لغت، قرآن و اصطلاح بیان کردیم، روشن شد که این واژه در قرآن به معنای عامل تولیدمثل (آب) مرد و زن به کار می رود. (معنای اعم)؛ مگر آن که قرینه خاصی موجب اختصاص آن به مرد شود.

ب) در مورد امشاج نیز چند دیدگاه مطرح است:

۱. اختلاط آب مرد و زن؛

۲. مخلوطی از اسپرم و اوول (تخمک)؛

۳. مخلوطی از ژن های زن و مرد؛

۴. مخلوطی از صفات پدر و مادر؛

۵. مخلوطی از رنگ های نطفه زن و مرد.

تذکر: این پنج معنا را می توان با هم جمع و ادغام نمود.

۶. مخلوطی از صفت حیوانیت و ملائکه (عقل)؛

۷. مخلوطی از عناصر تشکیل دهنده نطفه یا منی؛

۸. مخلوط نطفه با خون حیض؛

۹. مخلوطی از رگ ها؛

۱۰. مخلوطی از طبایع مختلف در انسان (برودت، حرارت...)

۱۱. مخلوطی از حالات مختلف (علقه، مضغه و...).

ج) در مورد کلمه نبتلیه نیز چند دیدگاه را مطرح کردیم:

۱. حالات مختلف نطفه (نظر مورد قبول علامه طباطبایی و دکتر پاک نژاد)؛

۲. آزمایش نطفه به وسیله تکلیف (نظر مورد قبول صاحب تفسیر نمونه).

نقد و بررسی

در اینجا تذکر چند مطلب لازم است:

۱. اگر واژه نطفه را به این صورت که در قرآن آمده است (یعنی اعم از آب زن و مرد است انسان یا مخلوطی از عناصر تشکیل دهنده منی و یا مخلوطی از نطفه زن و مرد) بگیریم، یکی از شگفتی های علمی قرآن کریم است؛ زیرا هر دو تفسیر بر خلاف تصور عرب معاصر نزول قرآن و بالاتر از فکر آنان بوده و این مطالب علمی در سده های اخیر کشف گردیده اند. پس این یکی از رازگویی های علمی قرآن کریم است. اما این مطلب دلیل اعجاز علمی قرآن نیست؛ چون:

۱. احتمالات متعددی در معنای امشاج مطرح شده اند و یک معنای قطعی ندارد؛

۲. قرآن اشاره ای به عناصر تشکیل دهنده نطفه نکرده و فقط مطلبی کلی و مبهم را بیان داشته است؛

۳. برخی پزشکان قدیمی مثل جالینوس حکیم گفته بودند که زن و مرد هر دو نطفه دارند، هر دو قدرت تصویر دارند، ولی قدرت بذر مرد قوی تر از زن است. (۱) علامه مجلسی نیز از ارسطو و برخی حکما نقل می کند که زن منی اصطلاحی ندارد؛ اما رطوبتی شبیه به منی دارد که مجازاً به آن منی می گویند که منی مرد با آن مخلوط می شود؛ هرچند منی مرد فاعل و منی زن منفعل است (۲) (یعنی مخلوط

ص: ۳۵۱

۱- (۱). القانون فی الطب، المقالة الاولى من الفن العشرين، ج ۲، ص ۵۳۲-۵۳۴.

۲- (۲). علامه مجلسی (رحمه الله)، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۳۹۰ من کتاب السماء و العالم و التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۷۲ - ۷۵.

بودن نطفه زن و مرد قبل از قرآن نیز مطرح بوده است).

۲. سخنان طبرسی در مجمع البیان از چند جهت قابل تأمل است:

الف) اگر مقصود از کلام وی در بند «د» (نطفه مخلوط با خون حیض) این باشد که نطفه مرد با خون حیض مخلوط شود، این سخن با مبانی علمی ناسازگار است؛ چون خون حیض یعنی خونی که در هنگام عادت ماهیانه دفع می شود؛ همان خونی که در هر ماه در عروق داخلی رحم برای تغذیه احتمالی جنین جمع می گردد و در صورت لقاح تخمک با اسپرماتوزوئید، خون موجود صرف تغذیه آن می شود؛ در غیر این صورت خون موجود بر اثر پوسته پوسته شدن مخاط رحم و شکافته شدن رگ های رحم به صورت خون حیض از رحم خارج می شود. (۱) پس خون حیض با منی مرد مخلوط نمی شود و نطفه تشکیل نمی دهد؛ بلکه منی مرد با تخمک زن ترکیب می شود و تشکیل جنین می دهد.

اگر مقصود از سخن وی در بند «د» این باشد که نطفه زن و مرد پس از ترکیب و تشکیل سلول تخم در دیواره رحم جایگزین می شوند و از خون رحم تغذیه می کنند (همان خونی که اگر این تخمک نبود تبدیل به خون حیض می شد) این سخن درستی است و با مبانی علمی نیز سازگار است.

ب) سخن طبرسی در بند «و» (مخلوط بودن نطفه انسان از طبایع مختلف مثل برودت، حرارت...) بر اساس طب قدیم است و این مطلب می رساند که مفسران قدیمی نیز از علوم طب زمان خویش برای تفسیر آیه استفاده می کردند.

۳. دو اشکال سخن علامه طباطبایی در تعریف لغوی و اصطلاحی نطفه بیان شد؛ از این رو تکرار نمی کنیم.

ص: ۳۵۲

۴. صدر و ذیل کلام دکتر پاک نژاد ناسازگار است؛ چون در صدر سخن ابتلاء را تغییر حالت و در ذیل سخن آن را آزمایش و امتحان معنا می کند؛ این دو معنا در آیه قابل جمع نیستند.

۵. واژه «بی حس و شعور» در ترجمه آیه ۲ سوره انسان در کتاب طب در قرآن (تألیف دکتر دیاب و دکتر قرقوز) و نیز در ترجمه استاد الهی قمشه ای آمده است (ما او را از نطفه ای مختلط بی حس و شعور خلق کردیم). البته احتمال دارد که مترجم کتاب طب در قرآن (علی چراغی) این ترجمه را از استاد الهی قمشه ای گرفته باشد. به هر حال واژه «بی حس و شعور» در آیه مورد بحث نیامده و این ترجمه غیر قابل قبول است.

۶. قرآن می فرماید: (نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ ...) (۱) «زنان شما کشتزار شما هستند»؛ پس مزرعه بودن زنان در قرآن پذیرفته شده است؛ ولی این مطلب مستلزم این نیست که زن نقشی در تشکیل نطفه نداشته باشد؛ بلکه همان طور که گذشت، قرآن نطفه را مخلوط (امشاج) می داند.

۷. امشاج جمع «مشج» یا «مشیح» است؛ به معنی چیز حقیری که با چیزی دیگر مخلوط شده باشد؛ ولی در کتب لغت سخنی از «تراکم» در ماده این لغت نیافتیم. (۲) از این رو سخن صاحب کتاب پیش گویی های علمی قرآن که آن را به معنی عناصر متراکم دانسته بود، خالی از دلیل است.

۸. اصرار دکتر بوکای بر معنا کردن امشاج به مخلوطی از عناصر تشکیل دهنده نطفه مرد و نیز اصرار دیگران بر معنا کردن امشاج به مخلوطی از نطفه زن

ص: ۳۵۳

۱- (۱). بقره، آیه ۲۲۳.

۲- (۲). ر.ک: الجوهری، صحاح اللغة، ابن فارس، مقایس اللغة، ابن منظور، لسان العرب و التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۱۱۵ ماده مشج.

و مرد یا مخلوط زن ها و صفات، صحیح به نظر نمی رسد؛ چون تعبیر قرآن امشاج (مخلوطها) است و این تعبیر می تواند با مخلوط نطفه زن و مرد و مخلوط عناصر تشکیل دهنده نطفه سازگار باشد. به عبارت دیگر نطفه امشاج (نطفه ای که از مخلوطهاست) افراد و مصادیق مختلفی دارد؛ یک فرد آن مخلوط اسپرماتوزوئید و اوول است و یک فرد آن مخلوط شدن از عناصر مختلف تشکیل دهنده نطفه زن یا نطفه مرد است. پس جمع این معانی در تفسیر آیه اشکالی ندارد؛ همان طور که برخی مفسران و لغویان بدان اشاره مختصری کرده بودند. (۱)

تذکر: بنابراین ترجمه های سه گانه ای که در صدر بحث از آیه ۲ سوره دهر (از آیت الله مکارم شیرازی، استاد فولادوند و مرحوم الهی قمشه ای) نقل شدند؛ خالی از اشکال نیستند؛ چون بهتر بود آیه را این گونه ترجمه می کردند: «همانا ما انسان را از مخلوطهای نطفه آفریدیم».

مرحله پنجم: آفرینش انسان از علق

قرآن کریم مراحل مختلفی را در مورد خلقت یادآوری می کند که یکی از آنها مرحله «علق» است. این تعبیر شش بار و در پنج آیه به صورت های مختلف در قرآن به کار رفته است:

(اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ) ؛ (۲) «بخوان به نام پروردگارت که (همه چیز را) آفرید؛ انسان را از خون بسته ی آویزان آفرید»؛

(...فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ ...) ؛ (۳) «پس (بنگرید):

ص: ۳۵۴

۱- (۱). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۳۴ به بعد و التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۱۱، ص ۱۱۶.

۲- (۲). علق، آیات ۱-۲.

۳- (۳). حج، آیه ۵.

که ما شما را از خاکی آفریدیم، سپس از آب اندک سیال، سپس از [خون بسته] آویزان، سپس از (چیزی شبیه) گوشت جویده شده؛»

(ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً ...) ؛ (۱) «سپس آب اندک سیال را به صورت [خون بسته] آویزان آفریدیم؛ و [خون بسته ی] آویزان را به صورت (چیزی شبیه) گوشت جویده شده آفریدیم؛»

(هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ...) ؛ (۲) «او کسی است که شما را از خاک آفرید؛ سپس از آب اندک سیال، سپس از (خون بسته) آویزان؛»

(أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنِي * ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى) ؛ (۳) «آیا (او) آب اندک سیالی از منی ای که ریخته می شود، نبوده است؟!؛ سپس [خون بسته] آویزان شد و (خدا آن را) آفرید و مرتب ساخت.»

نزول: به اعتقاد بیشتر مفسران، سوره علق نخستین سوره ای است که بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل شد. برخی نیز ادعا کرده اند که اتفاق مفسران بر آن است که پنج آیه نخست سوره علق در آغاز وحی بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل شده اند؛ بدین صورت که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به کوه (غار حرا) رفته بود؛ جبرئیل آمد و گفت: ای محمد بخوان! پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: من قرائت کننده نیستم. جبرئیل او را در آغوش گرفت و فشرد و بار دیگر گفت: بخوان! پیامبر (صلی الله علیه و آله) همان جواب را تکرار کرد. بار دوم نیز جبرئیل این کار را کرد و همان جواب را شنید و در سومین بار گفت: (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ) (تا آخر آیه پنجم). (۴)

علق در لغت: محور بحث علمی این آیه واژه «علق» است. علق بر وزن

ص: ۳۵۵

۱- (۱) . مؤمنون، آیه ۱۴.

۲- (۲) . غافر، آیه ۶۷.

۳- (۳) . قیامت، آیات ۳۸ و ۳۹.

۴- (۴) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۵۳ و نیز تفسیر ابو الفتوح رازی، ج ۱۲، ص ۹۶ که همین معنا را از بسیاری مفسران عامه و خاصه نقل می کنند.

فرس، جمع «علقه» است که در معانی متعددی مثل خون بسته، زالو و... استعمال شده است. ولی اصل همه معانی آن به یک معنا برمی گردد: «چیزی که به چیز بالاتر آویزان شود». از آنجا که زالو و خون بسته به چیز دیگر می چسبند و بدان آویزان می شوند علق نامیده شده اند. (۱) گاهی کلمه علقه در فارسی نیز به «آویزک» ترجمه می شود. (۲)

اسرار علمی

در مورد کلمه علق در آیه دوم سوره علق چهار احتمال مطرح شده اند:

الف) مراد همان خون بسته ای است که از اسپرم مرد با اوول زن ترکیب یافته است و سپس به رحم زن می رود و بدان آویزان می شود.

برخی از پزشکان می نویسند:

پس از پیوستن نطفه مرد به تخمک زن، تکثیر سلولی آغاز می شود و به صورت یک توده سلولی درمی آید که به شکل توت است (و به آن مارولا **Marula** می گویند) و در رحم لایه گزینی می کند، یعنی سلول های تغذیه کننده به درون لایه مخاطی رحم نفوذ کرده و به آن معلق (آویزان نه کاملاً چسبیده به رحم) می شوند. قرآن این مطلب را با تعبیر زیبای علق آورده است. (۳)

اگر این معنا را بپذیریم، اطلاق کلمه علق بر خون بسته در آیه فوق به چند مناسبت است:

۱. چسبنده بودن آن (۴) (خون بسته ای که برای مکیدن خون به بدن می چسبد)؛

ص: ۳۵۶

۱- (۱). ر.ک: حسن مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ماده علق. و نیز مفردات راغب همان ماده.

۲- (۲). ر.ک: فولادوند، ترجمه قرآن، قیامت، آیه ۳۸.

۳- (۳). دکتر عبدالحمید دیاب و دکتر احمد قرقوز، طب در قرآن، ص ۸۶ با تلخیص.

۴- (۴). این مناسبت را تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۵۶ ذکر کرده است.

۲. آویزان شدن آن (آویزک) به جدار رحم؛

۳ و ۴. مطلبی است که دکتر پاک نژاد می گوید:

آدمی از علقه خلق شد؛ بسیار عجیب است؛ زیرا ۱۵ قرن قبل اشاره به حالت اولیه جنین کرده که مشابه زالو است. وجه تشابه زالو با مرحله ایجاد جنین این که از هر دو ماده ای به نام «هپارین» ترشح می شود که خون در موضع منعقد نشود و قابل تغذیه باشد....

علقه چسبیده به عضو خود را جمع می کند و هر دو در اینجا تقریباً به یک شکل در می آیند. هر دو تقریباً در اصل ساختمان - که از خارج به داخل قوام خود را از دست می دهند- مشابه اند. (۱)

۵. تغذیه از خون (که در هر دو مشترک است).

آیت الله معرفت نیز همین معنای «علقه» را می پذیرد و توضیح می دهد که این علقه در روز هفتم به جداره رحم می چسبد. (۲)

دکتر حامد احمد حامد نیز مرحله علقه را روز هشتم می داند که به جدار رحم می چسبد. (۳)

برخی از پزشکان نیز تشبیه جنین به علقه را از آن جهت دانسته اند که شکلش مانند زالو (علقه) و کاملاً مستطیل است و این حالت تقریباً در چهار هفته اول ادامه دارد. (۴)

ب) مقصود از علق همان نطفه مرد (اسپرماتوزوئید) است.

ص: ۳۵۷

۱- (۱). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۱، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.

۲- (۲). ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۸۲ (وی احتمال دیگری نیز در ص ۱۰۴ همان کتاب مطرح می کند که بدان اشاره خواهیم کرد).

۳- (۳). ر.ک: دکتر حامد احمد حامد، الآیات العجابه فی رحله الانجاب، ص ۹۶، دار القلم، دمشق.

۴- (۴). دکتر عبد العزیز اسماعیل پاشا، اسلام و طب جدید یا معجزات علمی قرآن، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، ص ۱۸۲، انتشارات برهان، بی تا، بی جا.

علق یا زالو، کرم کوچک و سیاه رنگی است به طول هشت سانتی متر و وزن متوسط پنج گرم. زالو هر بار می تواند به اندازه یک فنجان قهوه خون انسان یا حیوانی را بمکد. نطفه مرد از میلیون ها حیوانک (اسپرم) (۱) تشکیل شده که همگی به شکل زالو هستند. و چون وارد رحم زن می شوند زالووار به دیواره رحم می چسبند. (۲)

اسپرم مردان شباهت هایی با زالو دارد:

۱. هر دو سری بزرگ و تنه ای نسبتاً دراز دارند؛
۲. حرکت هر دو در مایع به صورت مار پیچ است؛
۳. هر دو دو تاج نسبتاً بلندی بر سر دارند؛
۴. محل زندگی هر دو در مایع (آب یا منی) است؛
۵. تغذیه زالو از خون است و اسپرم هم پس از ترکیب با اوول به دهانه جفت (رحم مادر) می چسبند و از خون رحم تغذیه می کند. (۳)

این مطلب را صاحب تفسیر نمونه به صورت خلاصه آورده است: «درست است که در آن زمان اینگونه مسائل هنوز شناخته نشده بود، ولی قرآن مجید از طریق اعجاز علمی پرده از روی آن برداشته است». (۴)

ص: ۳۵۸

۱- (۱) . هنگام نزدیکی، تعداد ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون اسپرماتوزوئید از مرد خارج می شوند؛ ولی فقط یکی از آنها برای باروری مورد نیاز است. ر. ک: پروفیسور توماس. وی. سادلر، رویان شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه دکتر مسلم بهادری و دکتر عباس شکور (۱۹۹۰م)، ص ۳۰، انتشارات شرکت سهامی چهر، تهران، ۱۳۷۰ ش. LANGMAN'S MEDICAL EMBRYOLOGY – T. W. SADLER, Ph. D

۲- (۲) . گودرز، نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۹۹. و نیز ر. ک: محمد رضا جوهری زاده، تمدن و علوم اسلامی، ص ۳۲۰ و ماهنامه دانستی ها، ش ۳۰۲.

۳- (۳) . ر. ک: مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۱۰۰ و ۱۰۱ و نیز دکتر سید عباس ملانک، قرآن و دانش پزشکی، ص ۱۶ به بعد و ک. م. حقیقی، فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، ج ۱، ص ۱۱۳ با تلخیص.

۴- (۴) . تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۵۷.

آیت الله معرفت نیز همین معنای علق را به عنوان تفسیر دوم علقه می پذیرند و توضیح می دهند که تعداد آنها ۲۲۰ میلیون در هر بار دفع و طول آنها ۵۵ میکرون است که با چشم دیده نمی شوند. (۱)

برخی دیگر از صاحب نظران با ردّ معنای اوّل علق (خون بسته) آن را به تفاسیر قدیمی نسبت داده اند و معتقدند ریشه این تفسیر عدم اطلاع آنان از مبدأ تکوّن انسان و وجود اسپرماتوزوئید های زالوشکل بوده است؛ آنها می نویسند: «اما در لغت علق به معنی زالو هم آمده است؛ ممکن است آیه شریفه را حمل بر همین معنا کنیم که علق به معنی کرم هایست درشت یا ریزه که در آب شناورند». (۲)

برخی از نویسندگان مصری هم این مطلب را اعجاز علمی قرآن دانسته اند؛ چون در زمان نزول آیه میکروسکوپ وجود نداشت (میکروسکوپ حدود سال ۱۵۹۰م اختراع شد) و انسان ها نمی دانستند که هزاران موجود ریز شبیه به کرم (یا بچه قورباغه) در منی آنها وجود دارند؛ ولی قرآن از این راز پرده برداشت. (۳)

برخی دیگر از نویسندگان معاصر علق را به معنای کرمی که به دیواره رحم می چسبد و زالو و حیوان شناور خون خوار تصور کرده اند و می گویند: «اتفاقاً امروزه وقتی اسپرماتوزوئید را زیر میکروسکوپ می گذارند، انبوه کثیر کرم های زنده شناوری را مشاهده می کنند که این کرم ها وقتی وارد رحم می شوند مانند زالو به دیواره رحم می چسبند». (۴)

ص: ۳۵۹

۱- (۱). ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۱۰۴ به بعد.

۲- (۲). احمد اهتمام، فلسفه احکام، ص ۲۲ و ۲۳.

۳- (۳). ر.ک: احمد محمد سلیمان، القرآن و الطب، ص ۱۱۸ و ۱۱۹.

۴- (۴). ر.ک: بی آزار شیرازی، قرآن و طبیعت (گذشته و آینده جهان)، ص ۵۳، انتشارات طباطبایی، قم، ۱۳۴۹ ش، چاپ دوم. ایشان در سه مورد خطا کرده اند: الف) جمله «العلق دود يتعلق بالخلق» را ترجمه کرده است: «کرمی که به دیواره رحم می چسبد»؛ در حالی که جمله به معنای کرمی است که به حلق می چسبد. ب) می گویند: «اگر اسپرماتوزوئید را زیر میکروسکوپ قرار دهند...»؛ ظاهراً منظور وی این است که اگر منی انسان را زیر میکروسکوپ بگذارند. ج) می گویند: «این کرم ها (اسپرم ها) وقتی وارد رحم می شوند، به دیواره آن می چسبند»؛ این مطلب خطاست؛ چون این کرم ها پس از ترکیب با اوول زن (تخمک) به صورت تخم درمی آیند، سپس وارد رحم می شوند و به رحم می چسبند.

ج) علق به معنای موجود «صاحب علاقه» باشد که اشاره ای است به روح اجتماعی انسان ها و علقه آنها به یکدیگر که در حقیقت پایه اصلی تکامل بشر و پیشرفت تمدن ها را تشکیل می دهد.

د) مقصود از علق گل آدم (علیه السلام) بوده که حالت چسبندگی داشته است. در این صورت مراد از انسان در آیه فوق حضرت آدم (علیه السلام) است؛ نه مطلق انسان ها.

بررسی

در مورد اعجاز علمی قرآن در مسئله علق تذکر چند مطلب لازم است:

۱. تفسیرهای سوم و چهارم برای کلمه علق مناسب نیستند و با ظاهر و سیاق آیات تناسب ندارند. کسانی هم که احتمال این دو معنا را پذیرفته اند فقط در مورد آیه دوم سوره علق گفته اند؛ نه در مورد آیات دیگر. (۱)

۲. تفسیر دوم (علق به معنای زالو و اسپرماتوزوئید) نیز با آیات فوق مناسبت ندارد؛ چون مخالف سیاق آیات ۵ سوره حج، ۱۴ سوره مؤمنون، ۶۷ سوره غافر و ۴۸ سوره قیامت است. در این آیات علقه به عنوان واسطه بین دو مرحله تکامل انسان، یعنی نطفه (منی) و مضغه (گوشت) قرار گرفته است؛ درحالی که اسپرم ها

ص: ۳۶۰

۱- (۱). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۵۶ و ج ۱۴، ص ۲۴ و ص ۲۰۸.

در مرحله اول (نطفه یا منی) هستند و سپس با اوول زن ترکیب شده و به صورت خون بسته معلق به رحم می آیند.

اما در آیه دوم سوره علق کلمه علق به عنوان واسطه بین دو مرحله منی و مضغه مطرح نشده است؛ ازاین رو ابتدا به نظر می رسد که می تواند با تفسیر دوم (علق به معنای زالو و اسپرماتوزوئید) سازگار آید؛ اما این مطلب هم به دو دلیل صحیح نیست:

۱. با توجه به آیات دیگر (مؤمنون، حج، قیامت و غافر) کلمه علق در سوره علق تبیین می شود و معلوم می گردد که مقصود از آن همان خون بسته ایست که به رحم آویزان شده است.

۲. اگر علق را به معنای زالو گرفتیم، باید آیه را بر خلاف ظاهر آن تفسیر کنیم؛ چون معنای تحت اللفظی آیه این می شود: «خداوند انسان را از زالو آفرید.» و برای تصحیح معنا لازم است که بگوییم مراد آن است که: «خداوند انسان را از چیزی شبیه زالو (اسپرماتوزوئید) آفرید.» یعنی ترکیب «چیزی شبیه» را در تقدیر بگیریم (خلق الانسان من مثل علق) و این خلاف ظاهر آیه است.

۳. تفسیر اول آیه (علق به معنای خون بسته آویزان به رحم) با سیاق آیات متناسب است؛ به ویژه آن که این مرحله از خلقت انسان در علم جنین شناسی جدید به عنوان واسطه ای بین نطفه و مضغه (گوشت شدن) محسوب می شود؛ یعنی حدود ۲۴ ساعت این خون بسته به جدار رحم آویزان است و از خون آن تغذیه می کند تا شکل گیری علقه کامل شود.

خداوند نیز در قرآن با آن که می توانست از تعبیر «خون بسته» (الدم المنقبضه او المتصله) استفاده کند، اما تعبیر زیبای علق را به کار برد که هم خون بسته بودن و هم آویزان بودن آن را برساند. با توجه به عدم پیشرفت علم جنین شناسی در

۱۴ قرن قبل و عدم آگاهی مردم و پزشکان از این مرحله دقیق و ظریف تکامل انسان، می توان نتیجه گرفت این نوعی رازگویی قرآن است که بشر را به اسرار خلقت خویش آگاه می کند.

۴. آیه فوق از نظر مطلب و محتوا از مصادیق اعجاز قرآن نیست؛ زیرا معجزه آن است که دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند. اعجاز علمی قرآن نیز در غیب گویی آن است که دیگران نتوانند به طریق عادی از آن اطلاع یابند؛ درحالی که اگر مردم زمان صدر اسلام هم از طریق کالبدشکافی به پی گیری نطفه در درون زنان تازه حامله شده اقدام می کردند، متوجه می شدند که یک مرحله از خلقت انسان، خون بسته آویزان است؛ همان طور که بعدها این مطلب علمی روشن شد. پس هرچند خبر قرآن برای مردم آن زمان تازگی داشت - و این مطلب عظمت قرآن را می رساند - ولی دلیلی برای عجز مردم و معجزه بودن این مطلب نیست.

مرحله ششم: آفرینش انسان از مضغه

قرآن کریم در مراحل خلقت انسان پس از علقه مرحله ای دیگر به نام «مضغه» را مطرح می کند که در دو آیه و سه بار از آن سخن گفته است:

(...فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا...)؛ (۱) «و [خون بسته ی] آویزان را به صورت (چیزی شبیه) گوشت جویده شده آفریدیم؛ و گوشت جویده شده را به صورت استخوان هایی آفریدیم».

(...ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ...)؛ (۲) «سپس از [خون بسته] آویزان، سپس از (چیزی شبیه) گوشت جویده شده، شکل یافته (متمایز)

ص: ۳۶۲

۱- (۱) . مؤمنون، آیه ۱۴.

۲- (۲) . حج، آیه ۵.

و شکل نیافته (غیر متمایز آفریدیم؟) تا برای شما روشن سازیم (که خدا بر انجام رستاخیز تواناست)».

بررسی لغوی

الف) مضغه به معنای غذای جویده شده و گوشت جویده آمده است. پس مضغه عبارت است از قطعه ای از گوشت که شبیه گوشت جویده شده باشد. (۱)

ب) مخلقه تعبیری است که برای مبالغه در خلق به کار می رود و خلق به معنای ایجاد چیزی بر کیفیت مخصوص است. این کلمه برای مبالغه و تأکید و نسبت فعل به مفعول می آید؛ یعنی ناظر به جهت وقوع فعل است. پس تعبیر به مخلقه در مورد مضغه اشاره به این است که حقیقت خلق و تحقق آن (یعنی ایجاد بر کیفیت مخصوص و تعیین خصوصیات و مقدرات) در این مرتبه است. اما غیر مخلقه به این معناست که تعیین برخی خصوصیات (تماماً یا بعضاً) در این مرتبه مضغه نیست. (۲)

اسرار علمی

۱. آیت الله مکارم شیرازی در مورد آیه (...ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ...) (۳) می نویسند:

کم کم جنین شکل یک قطعه گوشت جویده شده به خود می گیرد؛ بی آن که اعضای مختلف بدن در آن مشخص باشد. اما ناگهان در پوسته «جنین» تغییراتی پیدا می شود و شکل آن متناسب با کاری که باید انجام دهد

ص: ۳۶۳

۱- (۱). ر.ک: مفردات راغب اصفهانی، و نیز التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۱۲۴ و ۱۲۵، ماده مضغ.

۲- (۲). ر.ک: التحقيق، ج ۳، ص ۱۱۲ و نیز ج ۱۱، ص ۱۲۶.

۳- (۳). حج، آیه ۵.

تغییر می یابد و اعضای بدن کم کم ظاهر می شوند. اما جنین هایی که از این مرحله نگذرند و همچنان به صورت سابق و یا ناقص بمانند ساقط می شوند و از رده خارج می گردند. جمله مخلقه و غیرمخلقه ممکن است اشاره به این مرحله باشد، یعنی «کامل الخلقه» و «غیر کامل الخلقه».^(۱)

۲. آیت الله مصباح یزدی در مورد مضغه می نویسد:

مفسرین گفته اند از ماده مضغ (جویدن) است؛ زیرا در این مرحله مانند گوشت جویده شده است. اما آن چه بیشتر نیاز به توضیح دارد تعبیر «مخلقه» و «غیر مخلقه» است.

بی شک منظور این نیست که هر انسانی هم از مضغه مخلقه و هم از غیر مخلقه، آفریده می شود؛ بنابراین چنین نیست که این دو، دو مرحله پیاپی برای مضغه است؛ بلکه منظور این است که مضغه در مرحله تکامل خود به دو قسم تقسیم می گردد: گاه به صورت مخلوق در می آید و گاه نه و ساقط می شود و به مرحله بعدی یعنی جنین نمی رسد.

و اما لغت مخلوق: اهل تفسیر و لغت در مورد آن اختلاف دارند: برخی گفته اند تخلیق به معنای تسویه است (خلق العود سواه)؛ صاف کردن چوب کج یا برطرف کردن ناهمواری آن تخلیق است. پس مخلقه به معنای مسواه می شود که در برخی آیات هم تعبیر (ثم سواه - سجده/ ۹) وجود دارد. پس در اینجا نیز بعد از مضغه می توان گفت مرحله کامل تر تسویه مضغه است.

برخی نیز گفته اند منظور تصویر است.

برخی دیگر گفته اند: مخلوق یعنی تام الخلقه. خلق الشیء یعنی اتم خلقه.

به هر حال، پس از مضغه گاهی جنین به حدی می رسد که اعضای آن معلوم است و تصویر پیدا می کند که در آن صورت مخلوق است و گاهی در همان حد قبل از تصویر ساقط می شود که در این صورت غیرمخلوق است.^(۲)

ص: ۳۶۴

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۴.

۲- (۲). معارف قرآن، ص ۳۳۸-۳۳۹.

۳. علامه طباطبایی مَخْلَقَه و غیر مَخْلَقَه را به معنی تام الخلقه و غیر تام الخلقه می داند و سپس با تصویر جنین تطبیق می کند که در هنگام نفخ روح تصویر آن کامل می شود. (۱)

۴. دکتر قرقوز و دکتر دیاب در تشریح مرحله مضغه می نویسند:

جنین در حالت مضغه دو مرحله عمده را پشت سر می گذارد:

یکم) مرحله مضغه نامتمایز (یا غیر مَخْلَقَه) که تا پایان هفته چهارم ادامه دارد و هیچ گونه تمایزی در اعضای بدن وجود ندارد.

دوم) مرحله مضغه متمایز (یا مَخْلَقَه) که از ابتدای هفته پنجم (۲) شروع می شود. در این مرحله تمایز لایه های زاینده و تغییر شکل و حرکت سلول های آنها (Defferentation) شروع می شود. خداوند از این مرحله به نام «تَخْلُق» یاد کرده است؛ زیرا هریک از این لایه ها مسئولیت تشکیل یکی از دستگاه ها یا اندام های بدن را به عهده می گیرند (مضغه متَخَلَّق). این مرحله تمایز لایه های زاینده تقریباً در ماه سوم بارداری پایان می پذیرد. در این زمان طول جنین ۱۰ سانتی متر و وزن آن معادل ۵۵ گرم است. بدین ترتیب پی به اعجاز قرآن می بریم؛ آنجا که می فرماید: (...ثُمَّ مِنْ مَّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَ غَيْرِ مُّخَلَّقَةٍ ...). (۳) و (۴)

پس از این که در مرحله علقه، جنین کاملاً (در رحم) جایگزین شد، مرحله

ص: ۳۶۵

۱- (۱). المیزان، ج ۱۴، ص ۳۴۴.

۲- (۲). در برخی کتاب های پزشکی معتبر دانشگاهی، مرحله تمایز لایه های سه گانه را «گاسترولاسیون» می نامند و شروع آن را از هفته سوم می دانند (پروفسور توماس. دی. سادلر، رویان شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه دکتر بهادری و شکور، ص ۵۷) با توجه به این که دکتر قرقوز و دکتر دیاب نیز بعداً تذکر سه هفته را می دهند. شاید منظور ایشان در اینجا ظهور تغییرات در نمای خارجی جنین است؛ به طوری که با چشم دیده شود.

۳- (۳). حج، آیه ۵.

۴- (۴). طب در قرآن، ص ۸۷ و ۸۸ با تلخیص.

مضغه از هفته سوم آغاز می شود و دو بخش مهم آن یعنی توده داخلی سلولی و لایه تروفوبلاست به ترتیب شروع به تشکیل جنین و اندام های فرعی آن می کنند. ابتدا سلول های توده داخلی تشکیل سه لایه زاینده جنینی می دهند که عبارتند از:

الف) لایه اکتودرم (۱): این لایه عامل به وجود آمدن نخاع، مغز، اعصاب، بشره پوست و غشاهای مخاطی دهان و بینی است.

ب) لایه مزودرم (۲): این لایه عامل به وجود آمدن قلب، رگ های خونی، خون، استخوان، عضلات، کلیه ها، قسمت میانی پوست و قسمتی از غدد داخلی است.

ج) لایه آندودرم (۳): این لایه عامل به وجود آمدن دستگاه های گوارش، تنفس، غده تیروئید، کبد و لوزالمعده است.

۵. دکتر پاک نژاد درباره مضغه می نویسد:

المضغه القطعه التي تمضغ من لحم و غيره، قطعه جویده شده ای از گوشت یا غیر آن که در ابتدا یکنواخت و مخلقه است و سپس تشکیلات و سلول های ناهم جور غیرمخلقه ای در او به وجود می آید (هموژن، هتروژن).

پس از این که به صورت مضغه در آمد، عروق شبکه ای در فواصل تشکیلات گوشت مانند ناهم جور به وجود می آید. (۴)

وی توضیحات جالبی در مورد رشد جنین می دهد که به صورت خلاصه می آوریم:

جنین در ۲۴ ساعت اول در رحم لانه گزینی می کند. روز دوم به اندازه یک بذر کوچک است. نزدیک به ۱۳۵ ساعت پس از مقاربت مانند یک دانه گیاه که یک تکمه مانند در آن در حال رویش است که به آن رویان گویند.

۱۶۰ ساعت پس از مقاربت در وسطش شیاری به وجود آمده که در این

ص: ۳۶۶

۱- (۱) . Ectoderm

۲- (۲) . Mesoderm

۳- (۳) . Mndoderm

۴- (۴) . اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۶۷.

هنگام تشکیلاتی که باید مغز، روده و پی‌ها و غیره را درست کنند از هم مجزا می‌شوند. وقتی ۲۰ روز از عمرش می‌گذرد ۱/۵ میلی‌متر طول دارد و در روز ۲۷ سلول‌های جای قلب می‌لرزد.

جنین قلبش در چهار هفتگی ۶۰ مرتبه در دقیقه می‌زند. که در این ماه ده هزار برابر وزن سلول اولیه است.

در آخر دو ماه، طول رویان ۲۳ میلی‌متر و وزن آن ۱/۲۵ گرم است؛ چون به ۱/۵ سانتی‌متر رسید، جوانه‌های دست و پا نیز پیداست و جای قلب بزرگ و بند ناف طویل و باریک است. در ۳۵ روزه دست و پا شکل جداگانه دارند. چون به ۴/۲ سانتی‌متر رسید شکل انسان حقیقی را دارد. (۱)

۶. دکتر موریس بوکای نیز در مورد آیات ۵ سوره حج و ۱۴ سوره مؤمنون نکات علمی جالبی را بیان می‌کند:

گوشت «جوییده» ترجمه کلمه «مضغه» است، مانند گوشت «تازه» که ترجمه کلمه «لحم» است. این تمایز شایسته تذکر است؛ جنین بدواً جرم کوچکی است که در مرحله‌ای از رشدش با چشم غیرمسلح کاملاً به صورت گوشت جوییده پدید می‌گردد....

می‌دانیم که در حین رشد جنین، برخی قسمت‌ها با آن چه که بعدها فردی خواهد شد، کاملاً نامتناسب ظاهر می‌گردند و برخی دیگر متناسب می‌مانند. آیا این، معنی کلمه «مخلقه» نیست که «با تناسب ساخته شده» معنی می‌دهد و در آیه ۵ سوره حج (از تکه گوشت متناسب و نامتناسب) برای تذکار همین امر به کار رفته است؟. (۲)

تذکر: در ضمیمه شماره ۱، شکل‌های، ث، ت، ج و چ را ملاحظه فرمایید. (۳)

ص: ۳۶۷

۱- (۱). همان.

۲- (۲). مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۲۷۵ و ۲۷۶.

۳- (۳). برای اطلاعات علمی بیش‌تر از رشد جنین در مرحله مضغه (هفته سوم رشد جنین به بعد) ر.ک: رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، ص ۵۷ به بعد.

از سخنان متخصصان علوم پزشکی برمی آید که جنین انسان از هنگام لقاح تخمک و کرمک (اوول و اسپرم) تا شش روز در راه است تا در رحم جایگزین شود. (۱) سپس در رحم لانه گزینی می کند و به صورت آویزک (علق) تا ۱۴ روز به رشد خود ادامه می دهد و از هفته سوم بارداری دوره تمایز لایه های زاینده (مضغه) را می گذارند (۲) که تا ماه سوم بارداری ادامه دارد.

امّا این مضغه همیشه به یک حالت نیست و مراحل و حالات گوناگونی دارد که در قرآن کریم از آن تعبیر به مخلّقه و غیرمخلّقه (۳) شده است. در مورد این تعبیر قرآن چند دیدگاه را مطرح کردیم:

الف) مقصود جنین کامل الخلقه و ناقص الخلقه باشد (نظر آیت الله مکارم شیرازی)؛

ب) مقصود از مخلّقه همان مرحله تسویه جنین باشد؛

ج) مقصود از مخلّقه همان مرحله تصویر جنین باشد؛ یعنی اعضای آن هویدا شوند (علامه طباطبایی و آیت الله مصباح یزدی)؛

د) مقصود از مخلّقه همان مضغه متخلق و شکل یافته و متمایز (تمایز لایه های زاینده اعضا) و مقصود از غیرمخلّقه، مضغه غیر متمایز (قبل از پایان هفته چهارم بارداری) باشد (نظر دکتر دیاب و دکتر قرقوز)؛

ه) مقصود از مخلّقه همان مضغه می باشد که در حالت یکنواخت است و غیرمخلّقه، مضغه ای است که متمایز شده و تشکیلات و سلول های ناهم جور دارد (نظر دکتر پاک نژاد)؛

ص: ۳۶۸

۱- (۱). ر.ک: رویان شناسی پزشکی لانگمن، ص ۳۸ و شکل های الف و ب در ضمیمه.

۲- (۲). ر.ک: همان، ص ۵۷ به بعد.

۳- (۳). حج، آیه ۵.

و) مقصود از مخلّقه همان قسمت هایی از مضغه اند که با آن چه بعداً می شود تناسب دارند. غیرمخلّقه نیز آن قسمت هایی از مضغه اند که با آن چه بعداً می شود تناسب ندارند (نظر دکتر موریس بوکای).

اگر مقصود از «مخلّقه» همان تسویه باشد (معنای ب) از بحث ما در این قسمت خارج است و در مرحله هفتم آن را بررسی خواهیم کرد.

معنای «ج» (جنین صورت یافته) با معنای «د» (مضغه متخلّق و متمایز) قابل جمع و ادغام است و شاید بتوان گفت که با معنای «ب» (تسویه) نیز قابل جمع است؛ چون تسویه، تصویر و تمایز مضغه معانی نزدیکی دارند. در این صورت مرحله مضغه به دو مرحله گوشت کوبیده غیر متمایز و متمایز تقسیم می شود که مرحله اوّل همان مضغه صرف (غیر مخلّقه) است و مرحله دوم مضغه مخلّقه یا متمایز یا تسویه شده است (که در بحث بعدی بررسی خواهد شد). معنای لغوی آیه با معنای «د» - که دکتر قرقوز و دکتر دیاب می گفتند - تناسب بیشتری دارد.

بررسی

در اینجا تذکر چند نکته لازم است:

۱. تعبیر بسیار زیبا و شگفت انگیز (...مُضْغَهُ مُخَلَّقِهِ وَ غَيْرِ مُخَلَّقِهِ ...) (۱) با یافته های پزشکی جدید هماهنگ است و جنین را در این دوره (هفته سوم به بعد) به صورت گوشت کوبیده معرفی می کند و در واقع اشاره ای لطیف است به تمایز لایه های آن (مخلّقه ایجاد بر کیفیت مخصوص و تعیین خصوصیات). این مطلب با توجه به عدم پیشرفت جنین شناسی در عصر نزول قرآن نوعی رازگویی قرآن کریم است و عظمت این کتاب الهی را نشان می دهد.

ص: ۳۶۹

۲. این اشاره علمی قرآن دلیل اعجاز علمی آن نیست؛ چون با توجه به احتمالات متعدد در معنای (مخلّقه و غیر مخلّقه) نمی توان یک معنای علمی خاص را به صورت قطعی به قرآن نسبت داد و اعجاز علمی آن را اثبات کرد.

۳. معنایی که دکتر دیاب و دکتر قرقوز از واژه مخلقه (مضغه متمایز و متخلق) ارائه کردند، با معنایی که دکتر پاک نژاد ارائه کرد کاملاً متضادند؛ معنایی که دکتر دیاب و دکتر قرقوز ارائه کردند با معنای لغوی مخلّقه (مبالغه در ایجاد بر کیفیت مخصوص و تعیین خصوصیات) سازگارتر است.

۴. معنای ارائه شده توسط آیت الله مکارم شیرازی در مورد غیرمخلّقه (غیر کامل الخلقه که به صورت سابق یا ناقص بمانند و ساقط شوند) با معنای لغوی سازگار نیست؛ زیرا معنای «سقوط و از رده خارج شدن» در معنای «غیر مخلّقه» لحاظ نشده است و غیرمخلّقه حداکثر می تواند بر عدم تعیین خصوصیات و مقدرات در مرحله مضغه دلالت کند.

این اشکال به آیت الله مصباح یزدی نیز وارد است؛ چون وی هم سقوط را در معنای غیرمخلّقه لحاظ کرده است؛ درحالی که در لغت یا آیه، تصریحی به این معنا (سقوط) نشده است؛ مگر آن که مقصود ایشان این باشد که نتیجه غیرمخلّقه بودن، یعنی غیر تام و غیر متمایز بودن و ناقص بودن، هلاک است.

تذکر: در تعبیر «غیر مخلّقه» دو احتمال را می توان مطرح کرد: یکی این که مقصود مضغه ای است که اصلاً خلق نشده است (غیر مخلوق)، دوم این که بگوییم مقصود مضغه ای است که خلق شده، اما مقدرات و خصوصیات آن مشخص نشده است. احتمال اول با سیاق آیه ناسازگار است؛ چون مطلب آیه در اینجا بعد از خلقت مضغه را می گوید و در ادامه آیه هم به خروج طفل منتهی می شود. پس اگر آیه بر احتمال اول معنا شود، بین صدر و ذیل آن تناقض پیش می آید

(مضغه ای که خلق شده است، این گونه صفتی دارد که دو قسم است: خلق شده و خلق نشده هلاک شده).

پس فقط احتمال دوم صحیح به نظر می رسد تا بتواند مجموع (مخلقه و غیرمخلقه) صفت برای مضغه باشد (گوشت کوبیده ای که این صفت را دارد دو قسم است؛ برخی اقسام آن مقدراتش مشخص است و برخی مشخص نیست - یابگویم - گوشت کوبیده ای که این صفت را دارد دو بخش است؛ بخشی از آن خصوصیات و مقدراتش مشخص شده و برخی مشخص نشده است).

مرحله هفتم: تصویر و تسویه انسان

قرآن کریم در چند مورد سخن از تسویه جنین انسان کرده است و گاهی آن را بعد از مرحله نطفه، گاهی بعد از مرحله علقه و گاهی بعد از کلمه خلق آورده است. در مجموع، قرآن تسویه را مرحله ای از آفرینش انسان معرفی می کند.

همچنین قرآن در برخی دیگر از آیات از نقاشی خداوند در رحم انسان سخن می گوید و او را صورت گر معرفی می کند.

از آنجا که مفاهیم و مضامین این آیات با هم دیگر نزدیک اند، آنها را در یک مرحله معرفی می کنیم:

(ثُمَّ جَعَلْنَا نَسِيلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ * ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوْحِهِ ...)؛ (۱) «سپس نسل او را از چکیده ای از آبی پست قرارداد؛ سپس او را مرتب نمود و از روح خود در او دمید»؛

(... أَ كَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاهُ رَجُلًا)؛ (۲) «آیا به کسی کفر می ورزی

ص: ۳۷۱

۱- (۱). سجده، آیه ۹ و قریب به همین مضمون در سوره حجر، آیه ۲۹ و ص، آیه ۷۲.

۲- (۲). کهف، آیه ۳۷.

که تو را از خاک، سپس از آب اندک سیال آفرید، سپس تو را (به صورت) مردی مرتب آراست؟!؛

﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَتُهُ فَخْلَقَ فَسَوَّى * فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى﴾ (۱) «آیا (او) آب اندک سیالی از منی ای که ریخته می شود، نبوده است؟!؛ سپس [خون بسته] آویزان شد و (خدا آن را) آفرید و مرتب ساخت»؛

﴿الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى﴾ (۲) «همان) کسی که آفریده و مرتب کرد»؛

﴿الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ * فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ﴾ (۳) «همان) کسی که تو را آفرید و مرتب نمود و تو را معتدل ساخت؛ به هر صورتی بخواهد، تو را ترکیب می کند»؛

﴿هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾ (۴) «او خدایی است آفریننده، آفریدگار، چهره پرداز، نام های نیکو فقط از آن اوست»؛

﴿هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ﴾ (۵) «او کسی است که شما را در رحم ها آن چنان که می خواهد صورت گیری می کند»؛

تذکر: در بحث مضغه در تفسیر آیه (مِنْ مَضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ) (۶) بیان شد که برخی معتقدند مقصود از «مخلقه» همان تسویه و یا تصویر و یا تمایز مضغه است. در همان جا نیز بیان شد که اگر این تفسیر را بپذیریم، آیه فوق به مرحله تسویه ملحق می شود چون تسویه جنین با مضغه مخلقه یکی می شود.

ص: ۳۷۲

۱- (۱). قیامت، آیه ۳۸.

۲- (۲). اعلی، آیه ۲.

۳- (۳). انفطار، آیات ۷ و ۸.

۴- (۴). حشر، آیه ۲۴.

۵- (۵). آل عمران، آیه ۶.

۶- (۶). حج، آیه ۵.

الف) سَوَى: مساوات همان تعادل است که گاهی با کمیت (وزن و کیل) گاهی با کیفیت گاهی مساوات دو چیز نسبت به هم و گاهی اعتدال چیزی فی نفسه است. تسویه در آیات فوق به معنی قرار دادن چیزی به صورت معتدل متوسط در عمل و نظم، تدبیر و تکمیل است و به عبارت دیگر، قرار دادن چیزی بر طبق مقتضای حکمت است. (۱)

ب) باریء: ریشه این لغت همان طور که در مفردات، مقایس، مصباح اللغه و التحقيق بیان شده است از ماده «برأ» است (نه ماده بری که ریشه بریه است). (۲) این واژه به دو معنا می آید؛ یکی خلق و دیگری دوری از چیزی مثل عیب و نقص. اگر باریء را از معنای اول (خلق) بگیریم، در آیه: (هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ...) (۳) معنای «خالق» و «باریء» تکرار و تأکید می شود. از این رو برخی لغویان گفته اند که مقصود از خلق، ایجاد همراه با تقدیر است و آن تقدیر کلی علمی است که اولین مرحله وجود است و مرحله دوم، یعنی برء، هنگامی است که تقدیر به مرحله عمل و فعلیت و ایجاد خارجی برسد و سپس مقام تصویر است. (۴)

اگر باریء را از معنای دوم (دوری از عیب و نقص که لازمه آن تکمیل و

ص: ۳۷۳

-
- ۱- (۱). ر.ك: مفردات راغب اصفهانی و التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۵، ص ۲۸۰-۲۸۱.
 - ۲- (۲). هرچند معنای «بری» و «برء» نزدیک اند و برخی لغویین هم معنای جامع آنها را «دوری از نقص و عیب» دانسته اند؛ اما الباریء را لغویین در ماده برء آورده اند؛ نه ماده بری (التحقیق، ج ۱، ص ۲۴۰).
 - ۳- (۳). حشر، آیه ۲۴.
 - ۴- (۴). حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۴۱ (ماده برء).

تسویه است) (۱) بگیریم، در این صورت باریء به معنای تکمیل کننده و تعدیل و تسویه کننده است.

نکات تفسیری و اسرار علمی

برخی از مفسران و صاحب نظران علوم پزشکی در اینجا اظهار نظرهای قابل تأملی کرده اند:

۱. مرحوم طبرسی ذیل آیه ۳۸ سوره قیامت کلمه «فسوی» را این گونه تفسیر می کند:

تسویه، خلق و صورت و اعضای باطنی و ظاهری در شکم مادر مقصود است. و برخی گفته اند: بعد از ولادت که قوت انسان تکمیل می شود. و برخی گفته اند: خلقت جسم است و تسویه آن برای افعال که هر عضوی عمل خاص خود را انجام می دهد.

وی قریب به همین مضمون را ذیل آیات ۷ سوره انفطار و ۲ سوره اعلی می نویسند. (۲)

۲. علامه طباطبایی در تفسیر آیه (الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ) (۳) می نویسند:

از تدبیر الهی، خلقت انسان با تمام اجزای وجودی است؛ سپس تسویه آن به قرار دادن هر عضوی در جای مناسب خویش بر طبق مقتضای حکمت است؛ سپس عدل اعضا کرد؛ یعنی توازن متعادل بین اعضای او قرار دارد که برخی را قوی و برخی را ضعیف کرد تا هم دیگر را تکمیل کنند. (۴)

۳. آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر دو آیه (الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ * فِي أَيِّ

ص: ۳۷۴

۱- (۱). برخی از لغویین تصریح می کنند که تسواه هم در مفهوم «برأ» و هم در مفهوم «بری» وجود دارد (همان، ص ۲۴۰).

۲- (۲). مجمع البیان، ج ۵، زیر آیات فوق.

۳- (۳). المیزان، ج ۲۰، ص ۳۳۷.

۴- (۴). انفطار، آیه ۷.

صُورَهٗ مَا شَاءَ رَكْبِكْ (۱) آنها را اشاره به چهار مرحله عظیم خلقت می‌داند که عبارتند از:

خلقک اصل آفرینش؛

سواک مرحله تسویه و تنظیم که هر عضوی از اعضای پیکر او را با نظم بندی عجیبی موزون ساخت؛

عدلک تعدیل میان قوا و اعضای پیکر و هماهنگی و رابطه آنها با یکدیگر که این اعضاء کار یکدیگر را تکمیل می‌کنند؛

فی ای صوره ما شاء رکبک ترکیب و صورت بندی انسان در مقایسه با موجودات دیگر که صورت نوع انسان موزون، زیبا و بدیع است. همچنین سیرتی زیبا دارد. صورت های افراد انسان نیز با هم متفاوت اند. (۲)

وی در مورد تسویه در آیه ۳۸ سوره قیامت می‌نویسند:

سوئی از ماده «تسویه» به معنای صاف کردن و نظام بخشیدن است. بعضی آن را اشاره به آفرینش روح می‌دانند. بعضی نیز خلق را اشاره به آفرینش روح و جمله «سوئی» را اشاره به تنظیم و تعدیل اعضای پیکر آدمی می‌شمرند. بعضی دیگر نیز آن را به تعدیل و تکمیل تفسیر کرده اند.

ولی ظاهر این است که تعبیرات آیه چنان جامع و وسیع است که هر گونه آفرینش و تنظیم و تعدیل و تکاملی را که روی علقه تا هنگام وضع حمل انجام می‌گیرد شامل می‌شود. (۳)

آیت الله مکارم کلمه «الباری» را این گونه ترجمه می‌کند: «خداوندی که مخلوقات را بی کم و کاست و بدون هیچ شبیهی از قبل، ایجاد کرد.» وی سپس در مورد «باری» سه احتمال را ذکر مطرح می‌کند:

الف) از ماده برء (بر وزن قفل) به معنی بهبودی و رهایی از امور

ص: ۳۷۵

۱- (۱). انفطار، آیات ۷ و ۸.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۲۲۱-۲۲۲ با تلخیص.

۳- (۳). پیام قرآن، ج ۲، ص ۷۹.

ناخوشایند و از این رو باریء به کسی گفته می شود که چیزی را بدون کم و کاست و کاملاً موزون ایجاد کند؛

ب) از ماده «بری» (بر وزن نفی) به معنی تراشیدن خوب که آن نیز به منظور موزون ساختن آن انجام می گیرد؛ (۱)

ج) باریء کسی است که چیزی را بی سابقه و بدون نمونه قبل ابداء کند. (۲)

۴. آیت الله معرفت مرحله تصویر، تسویه و تعدیل را در هفته پنجم تا هفتم می داند. (۳)

۵. همان طور که بیان شد اگر در بحث مضغه، تفسیر مخلقه (۴) را به تسویه، تمایز و تصویر بپذیریم، مرحله تسویه با مضغه مخلقه یکی می شود و همان مباحث علمی ای که در مورد تمایز جنین در هفته سوم بارداری - به سه لایه زاینده اکتودرم، مزودرم و آندودرم - مطرح شدند، (۵) در اینجا نیز مطرح می شوند.

۶. دکتر پاک نژاد در مورد آیه ۲۴ سوره حشر می نویسد:

اواخر سوره حشر با آن که خدا را اسامی فراوانی است، پروردگار چند عدد از آن را به عنوان اسمای حسناى خود انتخاب و ذکر کرده که با مذاقه کافی می بینیم این اسما، عصاره و عنوان تمام آرای معنوی و مادی و مراحل گوناگون تطور و دگرگونی و تکامل زندگی اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، طبیعی و سیاسی می باشد....

سه اسمی که خلاصه دو آیه طولانی همین قسمت است که در باره جنین شناسی نقل شد.

ص: ۳۷۶

۱- (۱). در معنای لغوی «باری» گذشت که این لغت را لغویین در ریشه «برء» آورده اند؛ نه ریشه «بری»؛ لذا کلام ایشان در اینجا عجیب است.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۵۵۵.

۳- (۳). التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۸۸.

۴- (۴). حج، آیه ۵.

۵- (۵). ر.ک: طب در قرآن، ص ۸۷ - ۸۸ و رویان شناسی پزشکی لانگمن، ص ۵۷.

(هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ...) -خالق (آفریننده) باریء (ای الممیز) کسی که مخلقه را از غیر مخلقه متمایز می سازد- مصور (تصویر کننده) انسانی. (۱)

۷. یکی از صاحب نظران در مورد مراحل ساختمان جنین، با ذکر آیه ۲۴ سوره حشر می نویسد:

ساختمان جنین را در سه مرحله زیر می توان خلاصه کرد:

الف) آفرینش توده سلول ها یا مصالح ساختمانی بدن یک انسان؛

ب) مجزا شدن سلول ها از یکدیگر و رفتن هر یک به جای خود؛

ج) تصویر و صورت بندی جنین.

این سه مرحله را قرآن کریم در ضمن سه کلمه بیان داشته است:

اَوَّل) هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ: اوست خدایی که آفریننده (انبوه سلول ها) است؛

دَوِّم) الْبَارِئُ: خدایی که جداکننده (سلول ها) است؛

سَوِّم) الْمَصَوِّرُ: خداوند پیکر سازی که به این سلول ها صورت انسانی می دهد.

وی سپس آیه ۶ سوره آل عمران را ذکر می کند. (۲)

جمع بندی

در مجموع از آیات مورد بحث می توان نتیجه گرفت که خداوند در قرآن کریم یک مرحله یا چند مرحله نزدیک به هم را در این آیات مورد بحث، با عنوان های «باریء»، «تسویه» و «تصویر» بیان می کند. (۳) این مرحله که پس از انعقاد

ص: ۳۷۷

۱- (۱). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۶۸.

۲- (۲). بی آزار شیرازی، گذشته و آینده جهان، ص ۶۱-۶۲.

۳- (۳). به نظر می رسد در آیات ۷ تا ۸ سوره انفطار تصویرگری، بیان دیگری از مرحله تسویه و تعادل است و مرحله جدایی نیست؛ لذا به وسیله حرف عطف (ف؛ و) آورده نشده است. و اگر در آیات ۶ سوره آل عمران و ۲۴ سوره حشر به صورت جدا آورده شده، در آن جا نامی از تسویه برده نشده است. در مورد باریء هم بیان شد که یا تأکید خالق است و یا به معنی تکمیل و تسویه است. البته بنا بر یک تفسیر «مضغه مخلقه» هم در این مرحله جای می گرفت که در آن صورت به معنای تسویه می آمد.

نطفه و علقه و احتمالاً مضغه صورت می گیرد، مرحله اعتدال، تکمیل و تنظیم اعضای پیکر جنین و برطرف کردن عیوب آنها و نیز صورت گری آن است.

بررسی

در اینجا تذکر چند نکته لازم است:

۱. سخن آقای دکتر پاک نژاد در مورد «باری» - که آن را ممیز و جدا کننده مخلقه از غیرمخلقه معنا کرده ان- با معانی لغوی و تفسیر آیه ۲۴ سوره حشر تناسبی ندارد؛ چون همان طور که گذشت باریء در لغت به معنی «خالق یا دور کننده از عیب» است و مفسرین نیز آن را به معنای «ایجادکننده بدون سابقه و شبیه یا ایجادکننده بدون کم و کاست» معنا کرده بودند.

بنا بر این، سخن آقای بی آزار شیرازی نیز در مورد «باری» در آیه ۲۴ سوره حشر (خدایی که جداکننده سلول هاست) مبنای لغوی و تفسیری ندارد؛ مگر آن که گفته شود باریء به معنای تسویه است و تسویه به معنای تنظیم اعضای طفل در مرحله جنینی است و لازمه این تنظیم، تمایز است که در آن صورت، معنا کردن واژه «باری» با معنای «لازم لازم کلمه» است.

۲. این اشارات علمی قرآن به اعتدال، تنظیم و تکمیل جنین در مرحله تسویه و تصویر، بیان اسرار علمی است که بشر عصر نزول (به صورت دقیق) از آن اطلاعی نداشت و این عظمت علمی قرآن را می رساند. اما این مطالب نمی تواند اعجاز علمی قرآن را اثبات کند؛ چون بشر از دیرزمان با مشاهده و حس دریافته

ص: ۳۷۸

بود که اجمالاً تنظیم اعضا و صورتگری طفل در درون شکم مادر صورت می گیرد. قرآن کریم نیز در این آیات غیر از بیان مطلبی کلی چیزی نمی گوید؛ پس اعجاز علمی قرآن را اثبات نمی کند.

مرحله هشتم: شکل گیری استخوان ها

مرحله نهم: پوشاندن گوشت بر استخوان ها

ما این دو مرحله را با هم بررسی می کنیم؛ چون بسیار به هم نزدیک اند و بحث از دو مرحله با همدیگر موجب تکمیل بحث می شود؛ از این رو مفسران و متخصصان علوم پزشکی هم این دو مرحله را با هم بررسی کرده اند. قرآن کریم در مورد این دو مرحله از خلقت جنینی انسان می فرماید:

(...فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا...)؛ (۱) «و گوشت جویده شده را به صورت استخوان هایی آفریدیم و بر استخوان ها گوشتی پوشاندیم».

نکته: «عظام» جمع «عظم» به معنای استخوان است.

نکات علمی

در مورد این آیه برخی مفسران، پزشکان و صاحب نظران سخنان متعارضی گفته اند که آنها را مرور می کنیم:

۱. دکتر دیاب و دکتر قرقوز در مورد آیه ۱۴ سوره مؤمنون می نویسند:

این آیه شریفه، نه فقط به شکل گیری و تکوین استخوان پیش از گوشت (عضلات) به گونه ای بدیع اشاره دارد (به طوری که گوشت را به عنوان «کسا» «پوشش» نام برده و برای کسانی که به علم کالبدشکافی سروکار دارند، کاملاً واضح است که عضلات طوری استخوان ها را دربر گرفته اند که گویی پوششی

ص: ۳۷۹

برای استخوان هستند) بلکه به نظر ما به مرحله تمایز و تخلق - که از این مضغه کوچک آغاز می شود - نیز اشاره دارد.

سپس اضافه می کنند:

رشد سریع جنین پس از ماه سوم آغاز می شود و اندام های شکل یافته به سوی تکامل می روند. برخی از این اندام ها مانند جفت، دستگاه گوارش و قلب از همان دوران جنینی فعالیت خود را آغاز می کنند و مغز استخوان به تولید خون می پردازد....
(۱)

۲. یکی از نویسندگان در مورد آیه مورد بحث، مطلبی را از برخی پزشکان حکایت می کند:

جنین بعد از آن که مرحله علقه و مضغه را پشت سر گذاشت، تمام سلول هایش تبدیل به سلول های استخوانی می شود. بعد از آن تدریجاً عضلات و گوشت روی آن را می پوشاند. بنابراین جمله (...فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا...) (۲) یک معجزه علمی است که پرده از روی این مسئله - که در آن روز برای هیچ کس روشن نبود - برمی دارد؛ زیرا قرآن نمی گوید: ما مضغه را تبدیل به استخوان و گوشت کردیم؛ بلکه می گوید: «ما مضغه را تبدیل به استخوان کردیم و بر استخوان ها لباس گوشت پوشاندیم». اشاره به این که مضغه، نخست تبدیل به استخوان می شود و بعد از آن گوشت روی آن را می پوشاند. (۳)

۳. یکی دیگر از صاحب نظران می نویسد: «انتخاب کلمه کسونا یکی از معجزات علمی قرآن است؛ زیرا امروز ثابت شده که استخوان ها قبل از نسوج گوشتی پدیدار می شوند». (۴)

ص: ۳۸۰

۱- (۱). طب در قرآن، ص ۸۹.

۲- (۲). مؤمنون، آیه ۱۴.

۳- (۳). گودرز نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۸۸ و نیز دکتر ابو تراب، نفیسی، زندگی، اسلام و دانش امروزی، ص ۳۲.

۴- (۴). اعجاز قرآن از نظر علوم امروز، ص ۲۹.

۴. دکتر عدنان الشریف در مورد مرحله استخوان و گوشت می نویسد:

از هفته هفتم بارداری، قسمتی (Sclerotomes) از بافت های غضروفی به بافت های استخوانی تبدیل می شود تا ستون فقرات و استخوان را تشکیل دهد و در هفته هشتم بارداری بقیه (Myotome) به عضلات تبدیل می شود که ستون فقرات را می پوشاند؛ همان طور که بقیه استخوان ها به وسیله عضلات پوشیده می شوند. (۱)

۵. آیت الله معرفت با توضیح تشکیل استخوان و عضلات، این مرحله را در هفته پنجم تا هفتم پس از انعقاد نطفه می داند. (۲)

۶. آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر آیه ۱۴ سوره مؤمنون، ابتدا مطلبی را که در بالا از پزشکان حکایت کردیم (که در آیه به عنوان معجزه علمی قرآن مطرح شده بود) ذکر می کند و سپس با عنوان «لباس مقاوم بر استخوان ها» می نویسد:

اصولاً این که از عضلات تعبیر به «لباس» می کند خود گویای این واقعیت است که اگر این لباس بر استخوان ها نبود، اندام انسان بسیار زشت و نازیبا بود (درست همانند اسکلت هایی که همه ما خود آن یا لااقل عکس آن را دیده ایم).

از این گذشته لباس، حافظ بدن است؛ عضلات نیز حافظ استخوان ها هستند و اگر آنها نبودند، ضربه هایی که بر بدن وارد می شد، استخوان ها را مرتباً صدمه می زد یا می شکست. همچنین کاری را که لباس در حفاظت انسان از گرما و سرما می کند، گوشت ها در نگهداری استخوان ها - که ستون اصلی بدن هستند - انجام می دهند. این ها همه نشان دهنده دقت قرآن در تعبیرات است. (۳)

وی در تفسیر موضوعی پیام قرآن نیز تأکید می کند که در مرحله عظام،

ص: ۳۸۱

۱- (۱). دکتر عدنان، الشریف، من علم الطب القرآنی، ص ۵۹، دار العلم للملایین.

۲- (۲). ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۸۴.

۳- (۳). تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۱۲-۲۱۳.

سلول های گوشتی همگی تبدیل به سلول های استخوانی می شوند. (۱)

۷. سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن نیز همین مطلب (تبدیل همه سلول ها به استخوان) را نقل می کند. (۲)

۸. عبد الرزاق نوفل پس از طرح آیه ۱۴ سوره مؤمنون، شرح مفصلی از خواص استخوان ها در بدن می دهد (مثل این که امروزه در علم تاریخ و باستان شناسی از طریق استخوان ها به جنس مردگان، طول عمر آنها و... پی می برند) و سپس می گوید که تأکیدات قرآن بر استخوان، نوعی پیشی گرفتن بر این مباحث علمی است. قرآن صدها سال قبل از علم، به زنده بودن استخوان و اهمیت آن در وظایف انسان اشاره کرده است؛ درحالی که صاحبان علوم صدها سال می پنداشتند که استخوان ها، تکیه گاه های محکم انسان هستند که حیات ندارند. وی سپس وظایف استخوان ها در خون سازی بدن و تأثیرات آنها بر سلسله اعصاب را متذکر می شود. (۳)

۹. پروفیسور «توماس دی سادلر» در کتاب رویان شناسی پزشکی لانگمن تشکیل استخوان و گوشت را این گونه تشریح می کند:

الف) در سومین هفته رشد جنین، مشخص ترین حادثه «گاسترولاسیون» می باشد؛ فرآیندی که هر سه لایه زایای رویانی (اکتودرم، مزودرم و اندودرم) در رویان تشکیل می شوند (۴) (به تصویر «چ» در ضمیمه شماره ۱ توجه کنید).

ص: ۳۸۲

۱- (۱). پیام قرآن، ج ۲، ص ۷۷.

۲- (۲). سید قطب، فی ظلال القرآن، زیر آیه ۱۴ مؤمنون.

۳- (۳). القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۲۲ تا ۱۲۹.

۴- (۴). رویان شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه دکتر بهادری و دکتر شکور، ص ۵۷، تجدید نظر ۱۹۹۰م، چاپ ۱۳۷۰ انتشارات شرکت سهامی چهر، تهران (این کتاب، اکنون کتاب درسی دانشگاه های ایران در رشته پزشکی است).

ب) از لایه اکتودرمی اعضا و ساختمان هایی که در ارتباط با دنیای خارج باقی می ماند ایجاد می گردند؛ مثل: دستگاه عصبی، اعصاب محیطی، پوشش حسی گوش و بینی و چشم، پوست از جمله مو و ناخن، غده هیپوفیز، پستان و غدد عرق و مینای دندان.

از لایه مزودرمی این اعضا ایجاد می شوند: سلکروتوم (غضروف و استخوان)، دستگاه ادراری تناسلی، طحال و غدد فوق کلیوی، دستگاه رگی (که شامل قلب، سرخرگ ها، سیاهرگ ها، رگ های لنفی و تمام سلول های خونی و لنفی است)، سومیت ها میوتوم (بافت ماهیچه ای) و درماتوم (بافت زیرپوستی).

از لایه اندودرمی نیز این اعضا ساخته می شوند: دستگاه معدی روده ای، دستگاه تنفسی و مثانه، پارانشیم تیروئید، پاراتیروئید، کبد و لوزالمعده. (۱)

تذکر: نکته قابل توجه آن است که استخوان ها از لایه میانی (مزودرم) تشکیل می شوند که به وسیله دو لایه دیگر (اکتودرم و اندودرم) پوشیده شده که از آن دو لایه پوشاننده، بیشتر اعضای گوشتی بدن مثل پوست، غدد، دستگاه ها گوارشی، دستگاه های تنفسی و... ساخته می شود؛ از این رو می توان گفت که لایه مزودرم به ویژه قسمت سلکتروم (غضروف و استخوان) توسط دو لایه دیگر پوشیده می شود. (در تصویر «چ» در ضمیمه به جایگاه لایه مزودرم دقت شود).

ج) دستگاه استخوان بندی، از مزودرم مجاور محوری و صفحه جانبی (لایه تنه ای) و ستیغ عصبی تشکیل می گردد که از قسمت اول سلول های سازنده استخوان و از قسمت دوم سلول های سازنده شانه و استخوان های طویل و از قسمت سوم استخوان صورت پدید می آید. (۲)

ص: ۳۸۳

۱- (۱). همان، ص ۹۳.

۲- (۲). همان، ص ۱۵۴.

تذکر: همان طور که قرآن پوشیده شدن گوشت را بعد از پیدایش استخوان می داند، ساخته شدن سلول های سکروتوم (۱) که باعث پیدایش غضروف و استخوان می شوند از هفته چهارم بارداری شروع می شوند. (۲) اما سلول های ماهیچه ای (میوتوم) (۳) پس از سکروتوم ساخته می شوند (۴) که شامل ماهیچه های مخطط، صاف و ماهیچه قلب هستند. سلول های میوتومی در نواحی دیواره بدن و اندام ها، دو نیمه می شوند و به طرف محل های دائمی خود مهاجرت می کنند و به صورت طویل و دوکی می گردند... در انتهای سومین ماه، خطوط عرضی مشخص برای ماهیچه مخطط پیدا می شود. (۵)

سلول های پوستی نیز این گونه تشکیل می شوند: در ابتدا رویان (جنین) توسط یک ردیف از سلول های اکتودرمی پوشیده شده است. در شروع ماه دوم «اپی تلیوم» تقسیم شده و لایه ای از سلول های پهن به نام پری درم (۶) یا اپی تریکیوم (۷) بر روی سطح قرار می گیرد. با افزایش بیشتر سلول های لایه بازال (قاعدده ای، زایا)، ناحیه سومی به نام ناحیه واسطه ای یا بینابینی تشکیل می گردد. سرانجام در انتهای ماه چهارم روپوست آرایش قطعی خود را به دست می آورد که چهار لایه را می توان در آن تشخیص داد؛ (۸) طبقه زایا، لایه ضخیم خاردار، لایه دانه دار و لایه شاخی (به شکل «ح» در ضمیمه شماره ۱ توجه کنید).

ص: ۳۸۴

۱- (۱) . Sclerotome

۲- (۲) . رویان شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه دکتر بهادری و دکتر شکور، ص ۷۸ - ۷۹.

۳- (۳) . Myotome

۴- (۴) . رویان شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه دکتر بهادری و دکتر شکور، ص ۷۸ - ۷۹.

۵- (۵) . همان، ص ۱۷۶ و ۱۷۷.

۶- (۶) . Periderm

۷- (۷) . Epitrichium

۸- (۸) . رویان شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه دکتر بهادری و دکتر شکور، ص ۴۰۵ - ۴۰۶.

مرحله دهم: آفرینش جنس جنین (مذکر یا مؤنث)

قرآن کریم در مورد مراحل خلقت انسان در چند مورد به مرحله شکل گیری «پسر و دختر» در جنین اشاره می کند و می فرماید:

(ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى * فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى) ؛ (۱) «سپس [خون بسته] آویزان شد و (خدا آن را) آفرید و مرتب ساخت؛ و از آن، دو جفت، مرد و زن قرارداد»؛

(وَ أَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى * مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى) ؛ (۲) «و این که او دو جفت نر و ماده آفرید؛ از آب اندک سیال هنگامی که ریخته می شود»؛

(لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ * أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ) ؛ (۳) «و آنان را می بینی که بر آن (آتش) عرضه می شوند؛ درحالی که از خواری فروتن اند، و (زیر) چشمی، پنهان (بدان) می نگرند؛ و کسانی که ایمان آورده اند می گویند: «در واقع زیانکاران کسانی هستند که به خودشان و خانواده هایشان در روز رستاخیز زیان رسانده اند؛ آگاه باشید که ستمکاران در عذابی پایدار هستند!»؛ و برای آنان جز خدا، یاوران (و سرپرستان)ی نیستند که یاری شان کنند؛ و هر کسی را خدا (به خاطر اعمالش) در گمراهی وانهد، پس هیچ راه (نجات)ی برای او نیست».

تذکر: در آیات ۳ سوره لیل و ۱۳ سوره حجرات نیز به مذکر و مؤنث اشاره شده است.

نکات علمی

۱. در مبحث «مضغه» دکتر دیاب و دکتر قرقوز بیان کردند که دوره تمایز

ص: ۳۸۵

۱- (۱). قیامت، آیات ۳۸ و ۳۹.

۲- (۲). النجم، آیات ۴۵ و ۴۶.

۳- (۳). شوری، آیات ۴۹ و ۵۰.

لایه های جنین (مضغه مخلقه یا حالت تسویه) از هفته سوم شروع و در ماه سوم ختم می شود. (۱) برخی از منابع معتبر پزشکی نیز این گونه تصریح می کنند:

«در طی سومین ماه، صورت جنین بیشتر شکل صورت انسان به خود می گیرد... اعضای تناسلی خارجی به آن حد تکامل یافته که در دوازدهمین هفته، جنس جنین را با امتحان وضع ظاهری می توان مشخص ساخت». (۲)

نکته جالب توجه این است که قرآن مرحله خلقت جنس جنین (مذکر و مؤنث بودن آن را) پس از مرحله تسویه قرار داده است: (فَسَوَّيْ * فَجَعَلْ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَى) ؛ این همان زمانی است که مرحله مضغه و تسویه در سه ماهگی تمام می شود و جنس جنین از نظر پزشکی قابل تشخیص است؛ یعنی رتبه تعیین جنسیت در مراحل خلقت انسان در قرآن کریم و علم جنین شناسی کاملاً با یکدیگر منطبق اند.

دکتر دیاب و دکتر قرقوز در مورد تشکیل دستگاه تناسلی جنین می نویسند:

از همان هنگام که انسان به صورت پاره گوشتی (جنین جوان) در شکم مادر قرار گرفته، دو برجستگی از طناب پشتی (۳) که بعداً ستون فقرات را تشکیل خواهد داد به وجود می آیند. این دو برجستگی را لوله های تناسلی (۴) می نامند. جنسیت جنین به وسیله این لوله های تناسلی شناخته می شود؛ اگر مقرر شده که جنین پسر باشد، این دو لوله از هفته ششم عمر جنین شروع به ساخت بافت های مشابه بافت های بیضه می کنند و به ترشح هورمون های جنسی نر (۵) - که اساس شکل گیری

ص: ۳۸۶

۱- (۱). ر.ک: طب در قرآن، ص ۸۷.

۲- (۲). رویان شناسی پزشکی لانگمن، ص ۹۷.

۳- (۳). Notocord.

۴- (۴). Genitaltige.

۵- (۵). Androgen.

دستگاه تناسلی را در دوران جنینی تشکیل می دهند- می پردازند. امّا اگر مقرر شده که جنین دختر باشد، این لوله های تناسلی از هم متمایز می شوند تا در هفته دهم بافت هایی شبیه بافت های تخمدان را تشکیل دهند. شکل گیری دستگاه تناسلی مؤنث به دلیل نبودن هورمون های نر صورت می پذیرد؛ نه به سبب وجود هورمون های مؤنث. بدین طریق تخمدان ها ساخته می شوند. (۱)

۲. دکتر پاک نژاد در مورد تشخیص جنس کودک در رحم مادر می نویسد: «در جنین سه ماهه به سختی و در چهارماهه به آسانی می توان دید که نوع جنس نر است یا ماده». (۲)

۳. آیت الله مکارم شیرازی در توضیح آیه (فَجَعَلَ مِنْهُ الزُّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَى) (۳) تشکیل جنس های مذکر و مؤنث را یکی از پیچیده ترین پدیده های مربوط به جنین شناسی می داند و به نکته جالبی اشاره می کند:

در این که چگونه و تحت چه عواملی جنین مذکر یا مؤنث می شود، هیچ کس پاسخی در برابر این سؤال ندارد؛ یعنی علم هنوز جوابی برای آن پیدا نکرده است. ممکن است پاره ای از مواد غذایی یا داروها در این امر مؤثر باشند، ولی مسلماً تأثیر آنها سرنوشت ساز و تعیین کننده نیست. ولی با این حال عجیب این است که همیشه یک تعادل نسبی در میان این دو جنس (مرد و زن) در همه جوامع دیده می شود. و اگر تفاوتی باشد، چندان چشم گیر نیست. فکر کنید اگر روزی این تعادل به هم بخورد... چه مفاسد عظیمی به وجود می آید. ولی آن کس که انسان را برای زندگی سالم آفریده است، این تعادل عجیب و مرموز را در آن حاکم کرده است. آری خداوند طبق مشیت و حکمتش به

ص: ۳۸۷

۱- (۱). طب در قرآن، ص ۷۷ و ۷۸.

۲- (۲). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۶۰.

۳- (۳). قیامت، آیه ۳۹.

هر کس بخواهد فرزند پسر می دهد و به هر کس بخواهد فرزند دختر می دهد. (...يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ) (۱) ولی این مشیت و اراده حساب شده است. (۲)

۴. آیت الله معرفت از آیات ۴۵ و ۴۶ سوره نجم نتیجه می گیرد که نطفه مرد جنس جنین را تعیین می کند؛ این امر از کروموزم «س» یا کروموزم «ی» ناشی می شود و از نظر پزشکی نیز تأیید شده است.

وی سپس نظر ابن سینا، جالینوس و علامه مجلس را نقل می کند مبنی بر این که زن و مرد هر دو منی دارند؛ اما منی مرد قوی تر است و منی زن حالت قابلیت و انفعال دارد و نام منی بر آن مجازی است. او از آیه ۲۲۳ بقره نتیجه می گیرد که زن کشتزار کودک است و مرد بذر نطفه جنین را می دهد. (۳)

برخی از نویسندگان معاصر نیز همین نظر را در مورد آیات ۴۵ و ۴۶ نجم بیان و با مطالب پزشکی تطبیق کرده اند. «اسپرم» مرد یا کروموزم «Y» دارد که مذکر است و یا کروموزوم «X» دارد که مؤنث است؛ امّا «اوول» زن همیشه کروموزوم «X» دارد و چون کروموزم ها ۲۳ جفت هستند، همیشه مرد تعیین کننده نهایی جنس جنین است. (۴)

نظیر همین مطالب را برخی نویسندگان دیگر مثل «محمد السید ارناووط» نوشته اند. (۵)

۵. دکتر پاک نژاد می نویسد:

ص: ۳۸۸

۱- (۱). شوری، آیه ۴۹.

۲- (۲). پیام قرآن، ج ۲، ص ۷۹ و ص ۸۴ - ۸۵.

۳- (۳). ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۷۱ - ۷۵. (ایشان از کتاب مع الطب فی القرآن الکریم، ص ۲۷ و القانون فی الطب، مقاله الاولی من الفن العشرين، ج ۲، ص ۵۳۲ - ۵۳۴ و نیز بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۳۹۰ مطالبی را نقل می کنند.)

۴- (۴). بسام دفضع، الکون و الانسان بین العلم و القرآن، ص ۱۶۵ - ۱۶۶.

۵- (۵). محمد السید ارناووط، الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، ص ۲۸۲.

یک دیدگاه این است که تعیین جنسیت بستگی به سلول های پدر دارد؛ یعنی کرموزم Y در کرمک (اسپرماتوزوئید) تعیین کننده است: $Y + X + 44$ (جنس نر $Y + 2 + 44$) - (ماده).

دیدگاه دیگری نیز هست که می گوید عامل تعیین جنس نر همراه کرموزم Y نیست؛ بلکه عامل تعیین کننده جنس، همراه یکی از کرموزم های دیگر است که ناشناخته است که در هر دو جنس کرمک و تخمک (اسپرماتوزوئید و اوول) وجود دارد.

(۱)

بررسی

در اینجا تذکر چند نکته لازم است:

۱. اشارات علمی قرآن به جنس جنین (مذکر یا مؤنث) و مرحله خاص تشکیل آن بعد از تسویه، از مطالب جالب و شگفت انگیز قرآن و نشان دهنده عظمت این کتاب الهی است؛ اما این مطلب به تنهایی اعجاز علمی قرآن را اثبات نمی کند؛ (۲) زیرا قرآن به صورت کلی و سربسته اشاره کرده و اسرار ریز آن را بیان نکرده است و این مطلب کلی تا حدودی قابل حدس و یا مشاهده حسی در کودکان سقطشده بوده است.

۲. عامل پسر یا دختر شدن جنین خداست یا عوامل طبیعی (مثل غذا و دارو) در آن دخالت دارند؟ قرآن در سوره شوری / ۴۹ و ۵۰ تمام امور مربوط به جنس جنین را به دست خدا می داند؛ ولی سیاق این آیات نشان می دهد که در مقام قدرت نمایی خدا هستند و از این رو با جمله (لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ...) شروع می شوند.

معنای این آیات این نیست که اسباب طبیعی (مثل غذا و دارو) در تعیین

ص: ۳۸۹

۱- (۱). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۵۵-۲۵۷.

۲- (۲). هرچند ممکن است ادعا شود جمع مراحل خلقت و چینش آنها به نحو خاص، خود نوعی اعجاز علمی است. در پایان مباحث جنین به این مطلب خواهیم پرداخت.

جنسیت و تغییر آن نقشی ندارند؛ بلکه این اسباب را خداوند مؤثر قرار داده است. اگر انسان موفق به کشف روابط و تأثیر و تأثرات آنها شود، شاید بتواند نقش تعیین کننده ای در جنس جنین داشته باشد؛ همان طور که برخی پزشکان نوید آن را داده اند. البته این به معنی نفی قدرت خدا یا نفی مضمون آیات ۴۹ و ۵۰ سوره شوری نیست.

پس کلام آیت الله مکارم شیرازی که تأثیر غذا و دارو را در تعیین جنس جنین سرنوشت ساز و تعیین کننده نمی دانند، قابل قبول نیست؛ مگر آن که منظور ایشان نفی استقلال تأثیر از این امور باشد (یعنی تأثیر مستقل از خدا ندارند).

۳. مطلبی که آیت الله معرفت و برخی پزشکان در مورد تعیین جنس جنین توسط مرد نقل کردند - همان طور که ملاحظه شد - با یک دیدگاه در علم پزشکی مطابقت داشت. با توجه به این که در علم پزشکی دو دیدگاه در این مورد وجود دارند و هنوز به صورت قطعی چیزی در این مورد اثبات نشده است، نمی توان یکی از دو دیدگاه را به صورت قطعی به قرآن نسبت داد؛ هر چند ظهور آیه در دیدگاه اول (تعیین جنسیت کودک به وسیله مرد) است.

البته با توجه به این که گفتیم «نطفه» به منی مرد و زن و نیز منی مخلوط آنها گفته می شود، آیات فوق را می توان بر هر دو دیدگاه تطبیق داد.

مرحله یازدهم: آفرینش روح (دمیدن جان در جنین)

قرآن کریم در چند آیه سخن از آفرینشی دیگر و دمیدن روح در جنین می کند و آن را به عنوان مرحله ای از تطورات جنین معرفی می کند: (تُمْ سَوَاءٌ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوْحِهِ)؛ (۱) «آن گاه او را درست اندام کرد و از روح خویش در او دمید».

ص: ۳۹۰

همین مضمون در آیات ۷۲ سوره ص و ۲۹ سوره حجر - در مورد خلقت آدم - آمده است.

همچنین در آیه دیگری می فرماید: (...فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ...)؛ (۱) «و بر استخوان ها گوشتی پوشانیدیم؛ سپس آن را به صورت آفرینش دیگری پدید آوردیم».

نکات تفسیری و علمی

۱. آیت الله مکارم شیرازی در مورد آیه (... وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ ...) (۲) می نویسد: «تعبیر به نفخ (دمیدن) کنایه ای است برای حلول روح در بدن آدمی؛ گویی تشبیه به هوا و تنفس شده است، هر چند نه این است و نه آن». وی سپس اشکالی را مطرح می کند و چنین پاسخ می دهد:

اگر گفته شود نطفه انسان از آغاز که در رحم قرار می گیرد و قبل از آن یک موجود زنده است بنابراین نفخ روح چه معنا دارد؟

پاسخ این است: در آغاز که نطفه منعقد می شود تنها دارای یک نوع «حیات نباتی» (گیاهی) است، یعنی فقط تغذیه و رشد و نمو دارد؛ ولی از حس و حرکت که نشانه «حیات حیوانی» است و همچنین قوه ادراکات که نشانه «حیات انسانی» است در آن خبری نیست. اما تکامل نطفه در رحم به مرحله ای می رسد که شروع به حرکت می کند و تدریجاً قوای دیگر انسانی در آن زنده می شود و این همان مرحله ای است که قرآن از آن تعبیر به نفخ روح می کند.

آیت الله مکارم در جای دیگر اضافه می کند:

قبل از این که روح انسانی در او زنده می شود. در حقیقت بیشتر شبیه یک گیاه است تا حیوان و انسان، به همین دلیل در روایات اسلامی آمده

ص: ۳۹۱

۱- (۱) . مؤمنون، آیه ۱۴.

۲- (۲) . سجده، آیه ۹.

است که جنین قبل از آن که به این مرحله برسد، هرگز دیه کامل ندارد؛ اما وقتی به این مرحله رسید، دیه آن دیه یک انسان کامل خواهد بود. (۱)

وی می نویسد: «اضافه روح به خدا به اصطلاح اضافه تشریفی است؛ یعنی یک روح گران قدر و پرشرافت که سزاوار است روح خدا نامیده شود در انسان دمیده شد». (۲)

آیت الله مکارم در مورد آیه (...ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ...) (۳) نیز چنین می نویسد:

«انشاء» همان گونه که ارباب لغت گفته اند به معنی ایجاد کردن چیزی توأم با تربیت آن است. این تعبیر نشان می دهد که مرحله اخیر با مراحل قبل (مرحله نطفه و علقه و مضغه و گوشت و استخوان) کاملاً متفاوت است.

این همان مرحله ای است که جنین وارد مرحله حیات انسانی می شود، حس و حرکت پیدا می کند و به جنبش در می آید که در روایات اسلامی از آن تعبیر به مرحله «نفخ روح» (دمیدن روح در کالبد) شده است. (۴)

این جاست که انسان با یک جهش بزرگ زندگی نباتی و گیاهی را پشت سر گذاشته و گام به جهان حیوانات و از آن برتر به جهان انسان ها می گذارد و فاصله آن با مرحله قبل آن قدر زیاد است که تعبیر از آن با جمله «ثم خلقنا» (سپس خلق کردیم) کافی نبود و از این رو «ثم انشأنا» فرمود. (۵)

۲. آیت الله مصباح یزدی درباره آیه (...ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ...) (۶) می نویسد:

برخی احتمال داده اند که (...ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ...) دنباله همان عظم و لحم (مرحله استخوان سازی و گوشت بر روی آن کشیدن) است؛ ولی برخی دیگر

ص: ۳۹۲

۱- (۱). پیام قرآن، ج ۲، ص ۷۸ با تلخیص.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۲۷.

۳- (۳). مؤمنون، آیه ۱۴.

۴- (۴). ر.ک: تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۴۱، حدیث ۵۶-۵۷.

۵- (۵). تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۱۱-۲۱۲.

۶- (۶). مؤمنون، آیه ۱۴.

تأکید دارند که منظور دمیدن روح است و نه تنها این موضوع بلکه اتحاد روح و بدن و این که روح جسمانیه الحدوث است نیز استفاده می شود. (۱)

وی موارد کاربرد واژه روح در قرآن را این گونه برمی شمارد:

روح القدس (بقره، آیه ۸۷)؛ روحی که مؤمنان را تأیید می کند (مجادله، آیه ۲۲)؛ حضرت عیسی (علیه السلام) (نساء، آیه ۱۷۱)؛ قرآن (شوری، آیه ۵۲)؛ روحی که اعظم از فرشتگان است و یا فرشته ای بزرگ است (قدر، آیه ۴)؛ روحی که به مریم نازل شد (مریم، آیه ۱۷).

آن گاه می نویسد: «روح در قرآن در دو مورد استعمال حقیقی دارد: در مورد روح انسان و در مورد موجودی که از سنخ فرشتگان است».

آیت الله مصباح روح الهی ای که در انسان دمیده می شود (سجده، آیه ۹) را اضافه تشریفی می داند؛ زیرا نمی شود چیزی از خدا جدا شده و در انسان قرار گیرد (همان طور که برخی در صدر اسلام و زمان ائمه (علیهم السلام) این توهم را کرده بودند)؛ چون خدا بسیط است و جزء ندارد.

وی در پایان نتیجه می گیرد که روح چیست:

اجمالاً از قرآن برمی آید که در آدمی، جز بدن، چیز بسیار شریف نیز وجود دارد، ولی مخلوق خداست نه جزئی از خدا. و تا آن چیز شریف در انسان به وجود نیاید، آدمی انسان نمی گردد. و چون در حضرت آدم به وجود آمد شأنی یافت که باید فرشتگان در برابر او خضوع کنند.

وی روح را از امر خدا می داند و می گوید: «این فعل و انفعالات عالم مادی که موجب امکان استعدادی برای پیدایش موجودی می شود در اصل پیدایش روح وجود ندارد و روح با فرمان خدا پیدا می شود.»

آیت الله مصباح در پایان به آیه (...أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ...) باز می گردد و می نویسد:

ص: ۳۹۳

ظاهراً هر مرحله نسبت به مرحله ای دیگر، آفرینش دیگری است؛ پس چرا تنها پس از نفخ روح فرمود آفرینش دیگری است؟

علت این است که مردم مراحل قبلی را درمی یابند و می دانند، ولی مرحله روح چون برای ما قابل شناخت نیست می فرماید «خلقاً آخر»؛ آفرینش دیگری است از نوع فعل و انفعالات طبیعی و مادی نیست چیز دیگری است. این می تواند شاهدی باشد بر این که روح (خلق آخر) از سنخ موجودات غیر مادی است.

به علاوه چون ما در مورد روح به حسب استعمالات قرآنی و عرفی، دریافتیم که شرط اساسی آن دارا بودن شعور و ادراک است، پس اگر با برهانی ثابت کردیم که شعور مجرد است، اثبات خواهد شد که روح انسانی نیز مجرد است. (۱)

۳. آیت الله مشکینی در مورد «روح» احتمال دیگری مطرح می کند و با ذکر آیات ۸ و ۹ سوره سجده، نفخ روح خدا را به «نبوت»، «علم» و «عقل» تفسیر می کند:

بعید نیست که نفخ روح در اینجا به معنی اعطای مقام پیامبری و دانش (علم الاسماء) به انسان و تجهیز او با عقل باشد. و اطلاق «روح» به علم و معارف حقه، صحیح و وارد است؛ زیرا روح مایه نخستین و وسیله زندگی است و آن بر دو قسم است: روح جسدی و روح نفسانی که روح نفسانی عبارت از دانش ها و معارف دینی است که درون ها یا خویشتن های انسانی (نفوس) را زنده نگه می دارد. (۲)

۴. دکتر دیاب و دکتر قرقوز در مورد نفخ روح می نویسند:

عموماً مهم ترین اتفاقی که پس از ماه سوم برای جنین پیش می آید، حرکت و فعالیت قلب و رشد سریع جنین و شکل گیری اندام های خارجی است. در ماه سوم و ابتدای ماه چهارم به دلیل عصب دار شدن اندام ها، حرکت

ص: ۳۹۴

۱- (۱). معارف قرآن، دو جلدی، از ص ۳۴۹ تا ص ۳۵۹ با تلخیص و تصرف در عبارات.

۲- (۲). تکامل در قرآن، ص ۳۳ و ۳۴ با تلخیص.

جنین آغاز می شود و زن باردار در ماه چهارم حرکت جنین را کاملاً احساس می کند و معمولاً جنین دختر زودتر از پسر، حرکت را شروع می کند. ضربان قلب جنین از ابتدای ماه چهارم آغاز شده و کاملاً شنیده می شود.

قرآن پس از بیان مراحل خلقت جنین به این مرحله نیز اشاره نموده است (ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ) (۱) شاید آگاه ترین فرد به این مرحله - و حتی بیش از پزشکان - مادری است که با اولین حرکت جنین چیزی در درون خود احساس می کند که از قبل وجود نداشته است. احساس می کند که روح دیگری در اعماق او به وجود آمده است.

و بالاتر از آن دانشمندان پی برده اند که جنین در اواخر دوران بارداری قادر به شنیدن می باشد و نخست صدای ضربان قلب مادر را می شنود.

ایشان سپس با ذکر آیه: (فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ) (۲) می نویسند:

عاملی که از گِل بی ارزش موجودی می سازد که ملائک مکرم در برابرش سجده کنند، بُعد انسانی است و نه بعد سلولی. این بعد را خداوند در حالی به انسان عطا می فرماید که در شکم مادر قرار گرفته است و آن زمانی است که ملائکه ای را به سوی او می فرستند تا روح را در او بدمد. (۳)

۵. یکی دیگر از صاحب نظران با ذکر آیه ۱۴ مؤمنون می نویسد: «پس از صورت بندی جنین، مرحله دمیدن روح فرا می رسد. در این هنگام خداوند تحول شگفت انگیزتری در جنین پدید می آورد؛ یعنی که روح و جان را در او می دمد و جنین مرده را زنده می گرداند». (۴)

۶. دکتر پاک نژاد با ذکر آیه ۱۴ سوره مؤمنون و حدیثی از امام صادق (علیه السلام))

اذا بلغ

ص: ۳۹۵

۱- (۱). مؤمنون، آیه ۱۴.

۲- (۲). ص، آیه ۷۲.

۳- (۳). طب در قرآن، ص ۸۹ - ۹۲ با تلخیص.

۴- (۴). بی آزار شیرازی، گذشته و آینده جهان، ص ۶۶.

در چهارماهگی آثار حیات بدو روی می آورد. دانش بیولوژی هنوز پاسخ گوی این قسمت نبوده؛ یعنی حد فاصل مرحله حیات با مرحله قبل از آن را نمی تواند مشخص سازد. نطفه ها موجود زنده اند و دارای حیات. شاید مقصود حضرت از شروع حیات در اینجا شروع هماهنگی و همکاری بین الاعضاء است که مقارن چهارماهگی شروع می شود. (۱)

جمع بندی و بررسی

از آیات قرآن برمی آمد که پس از مراحل تسویه، تنظیم و تعادل اعضای بدن انسان در رحم مادر، مرحله دیگری به نام «نفخ روح» وجود دارد. همچنین معلوم شد که مراد از نفخ روح، قرار دادن جزیی از خدا در انسان نیست؛ بلکه اضافه تشریفی است؛ یعنی روحی بزرگ و شریف در انسان دمیده می شود که حقیقت آن بر ما معلوم نیست. البته از موارد استعمال روح معلوم شد که روح امری مجرد و دارای شعور و ادراک است (یا حداقل گروه زیادی از فلاسفه و متکلمان مسلمان روح را امری مجرد می دانند).

اما در مورد سخنان پزشکان و مفسران تذکر چند نکته لازم است:

۱. آیت الله مکارم شیرازی، دکتر دیاب، دکتر قرقوز و برخی صاحب نظران، دمیدن روح در جنین انسان را همان مرحله حرکت جنین (در سه یا چهار ماهگی) و حیات حیوانی می دانند. این تطبیق قابل تأمل و اشکال است؛ زیرا در قرآن کریم اشاره ای به حرکت جنین نشده و فقط سخن از خلقت دیگر و دمیدن روح الهی شده است. علاوه بر آن اگر مقصود از دمیدن روح همان حرکت جنین و حیات حیوانی بود، چرا از آن به روح الهی تعبیر شده و مستوجب سجده فرشتگان می شود؟

ص: ۳۹۶

توضیح آن که این روح الهی ای که در آدم دمیده شد (۱) انسان را سزاوار سجده فرشتگان کرد. اگر مقصود از روح الهی همان حیات حیوانی بود، می بایست تمام حیوانات نیز سزاوار سجده ملائکه می شدند. پس معلوم می شود این روح الهی چیزی بالاتر از حیات حیوانی است. البته می توان گفت که شاید حرکت جنین نشانه مادی دمیده شدن روح باشد؛ ولی نمی توان گفت دمیدن روح همان مرحله حرکت جنین و حیات حیوانی است.

۲. تعیین چهارماهگی به عنوان زمان دقیق شروع فعالیت قلب و حرکت جنین نیز نمی تواند مطلب دقیقی باشد؛ زیرا همان طور که برخی پزشکان بیان کردند، این زمان از سه تا چهار ماه متغیر است و حتی برخی از منابع معتبر پزشکی، تشخیص حرکات جنین توسط مادر را در ماه پنجم دانسته اند. (۲)

۳. آیا بیان این مرحله (نفخ روح و خلق دیگر) می تواند دلیلی بر اعجاز علمی قرآن کریم باشد؟ پاسخ این پرسش منفی است؛ زیرا حقیقت نفخ روح و خلقت دیگر برای ما روشن نیست و تطبیق آنها با شروع فعالیت و حرکت جنین هم قابل قبول نبود؛ از این رو بیان این مطلب - اگرچه در جای خود مطلب مهم و مفیدی است که قرآن تذکر داده - دلیلی بر اعجاز علمی قرآن کریم نیست.

مرحله دوازدهم: تولد طفل

قرآن کریم در مواردی تولد نوزاد را یکی از مراحل پیدایش انسان معرفی می کند:

(...ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا...)؛ (۳) «سپس از (خون بسته) آویزان؛ سپس

ص: ۳۹۷

۱- (۱). ص، آیه ۷۲؛ حجر، آیه ۲۹.

۲- (۲). رویان شناسی پزشکی لانگمن، ص ۹۸.

۳- (۳). غافر، آیه ۶۷.

شما را به صورت کودکی بیرون می آورد»؛

(... وَ تُقَرَّرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلاً...)؛ (۱) «و آن چه را بخواهیم، تا سرآمد معینی در رحم ها قرار می دهیم؛ سپس شما را به صورت کودکی بیرون می آوریم»؛

(وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً...)؛ (۲) «و خدا شما را از شکم های مادرانتان بیرون آورد؛ در حالی که هیچ چیزی نمی دانستید».

نکات تفسیری و علمی

۱. آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر آیه ۵ سوره حج می نویسد:

خداوند بیرون فرستادن جنین از رحم را به خودش نسبت می دهد: (...ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلاً...). این تعبیر اهمیت مسئله تولد را که امروز دانشمندان به آن پی برده اند روشن می سازد.

چه عاملی زمان تولد را تنظیم می کند؟ و تحت چه شرایطی فرمان خروج به جنین داده می شود؟ و چگونه تمام اعضای بدن خود را آماده این تحول مهم می کنند؟ تحت چه عواملی کودک تدریجاً معلق می گردد تا با سر متولد شود؟ آیا می داند تولد او با پا غیر ممکن یا بسیار مشکل است؟ چه کسی به تمام عضلات بدن مادر دستور می دهد شدیدترین فشار را روی جنین برای خارج شدن بیاورند؟

هنگامی که ندرتاً این سیستم به هم می خورد و اطبا مجبور به «سزارین» می شوند، اهمیت آن معلوم می شود، و شاید وجود چنین افراد نادری هشدار است به همگان تا به اهمیت این موضوع بیندیشند... به این ترتیب مسئله تولد با تمام شاخ و برگ حساب شده اش آیتی دیگر از آیات او است.

ص: ۳۹۸

۱- (۱). حج، آیه ۵.

۲- (۲). نحل، آیه ۷۸.

وی سپس به دگرگونی های عجیب لحظه تولد در سیستم زندگانی نوزاد - که برای تطبیق دادن او با محیط جدید کاملاً ضروری است - اشاره می کند و می نویسد:

الف) دگرگون شدن سیستم گردش خون: به این صورت که مسئله گردش خون در جنین یک گردش ساده است؛ زیرا حرکت خون های آلوده به سوی ریه ها برای تصفیه انجام نمی گردد؛ چون در آنجا تنفسی وجود ندارد؛ از این رو دو قسمت قلب او (بطن راست و چپ) که یکی عهده دار رساندن خون به اعضا و دیگری عهده دار رساندن خون به ریه برای تصفیه است به یکدیگر راه دارد؛ اما به محض این که جنین متولد شد، این دریچه بسته می شود و خون دو قسمت می گردد: بخشی به سوی تمام سلول های بدن برای تغذیه فرستاده می شود و بخش دیگر به سوی ریه ها برای تنفس.

ب) ریه ای که قبلاً در رحم مادر کاملاً ساخته و آماده شده، با یک فرمان الهی ناگهان به کار می افتد؛ این راستی از عجایب است. جنین تا در شکم مادر است اکسیژن لازم را از خون مادر می گیرد، ولی بعد از تولد باید خود کفا باشد و از طریق ریه و تنفس، اکسیژن را دریافت دارد.

ج) بسته شدن بند ناف و خشکیدن و افتادن آن (بند ناف راه تغذیه جنین به وسیله جفت از خون مادر است).

د) دهان و معده و روده ها که در دوران جنینی کاملاً ساخته و آماده شده اما به کار نیفتاده اند، ناگهان به کار می افتند.

وی سپس گریه کودک و خواص آن را به صورت مفصل بیان می کند. (۱)

۲. یکی دیگر از صاحب نظران با طرح آیه ۷۸ سوره نحل، جریان تولد نوزاد را یکی از شگفت انگیزترین حوادث دستگاه آفرینش می داند:

اولین ضربه ای که به نوزاد وارد می شود، سقوط ناگهانی درجه حرارت است. درجه حرارت دنیای رحم ۳۷ درجه است؛ ولی حرارت محیط خارج

ص: ۳۹۹

۱- (۱). پیام قرآن، ج ۲، ص ۸۷-۸۹ با تلخیص و تصرف در عبارات.

کم تر یا بیشتر می باشد. و این که نوزاد چطور می تواند در یک چنین تغییراتی زیاد، درجه حرارت را تحمل کند، خود یکی از معماهای علم طب است.

از طرفی جنین نُه ماه تمام را در ظلمت محض به سر برده است و چشم های او نور و روشنایی را نمی شناسد؛ ولی همین چشم ها در یک آن وارد دنیای خیره کننده ما می شود. و باید یک چنین نور خیره کننده ای را تحمل کند. جنین نُه ماه تمام در محیطی مرطوب و لزج زندگی کرده است؛ ولی پس از تولد باید در محیط خشکی به زندگی ادامه دهد. تا قبل از تولد جنین از راه ناف تغذیه می کرد و اینک باید یاد بگیرد که با دهان تغذیه کند و بلاواسطه از اکسیژن هوا استنشاق نماید. (۱)

بررسی

۱. مسلم است که تولد، یکی از شگفت انگیزترین مراحل حیات انسان است؛ ولی اشاره قرآن به آن، به تنهایی نمی تواند گویای تمام اسرار علمی آن باشد.

۲. تذکر مرحله تولد و طفولیت در قرآن، به تنهایی اعجاز علمی قرآن را اثبات نمی کند. البته در این مورد مطالب جالب دیگری در قرآن آمده است که در ادامه بررسی خواهند شد.

مرحله سیزدهم: بلوغ

قرآن کریم بلوغ را یکی از مراحل متمایز خلقت و زندگی بشر می داند و می فرماید:

(...ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ...)؛ (۲) «سپس شما را به صورت کودکی بیرون می آورد؛ سپس (زندگی می کنید) تا به حدّ رشدتان برسید»؛

ص: ۴۰۰

۱- (۱). بی آزار، شیرازی، گذشته و آینده جهان، ص ۶۸-۶۹.

۲- (۲). غافر، آیه ۶۷.

(...ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِنَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ...)؛ (۱) «سپس شما را به صورت کودکی بیرون می آوریم؛ سپس (زندگی می کنید) تا به حدّ رشدتان برسید».

در جای دیگر نیز احکام خاصی بر بلوغ اطفال مترتب می کند؛ مثل: اجازه دخول گرفتن در موارد خاص (۲) و دادن اموال یتیم به او بعد از بلوغ و رشد (۳) و همچنین دادن نبوت و مقدمات آن به برخی انبیاء که بعد از بلوغ اشد بوده است. (۴)

بلوغ اشد

«اشد» به معنی قوت چیزی در مقابل سستی آن است. «اشد» جمع شد است و جمع می آید تا نشان دهد لازمه قوت آن است که تمام قوای ظاهری و باطنی از جمیع جهات قوی شوند.

بلوغ اشد در افراد با استعدادهای مختلف، متفاوت است و متناسب با موضوع و حکم تغییر می کند (مثل: بلوغ جنسی، بلوغ مالی، بلوغ علمی و بلوغ عقلی) از این رو برخی مشخص کردن زمان معینی برای آن را صحیح نمی دانند و معتقدند از بیست تا چهل سال -بر اساس اشخاص و موضوعات مختلف- متغیر است. (۵)

آیت الله مکارم شیرازی بلوغ اشد را رسیدن به حد رشد، بلوغ و کمال جسم و عقل می داند. (۶) و متذکر می شود: «اشد از ماده شد به معنی گره محکم است و اشاره

ص: ۴۰۱

۱- (۱). حج، آیه ۵.

۲- (۲). نور، آیه ۵۹.

۳- (۳). نساء، آیه ۶؛ انعام، آیه ۱۵۲؛ اسراء، آیه ۳۴؛ كهف، آیه ۸۲.

۴- (۴). یوسف، آیه ۲۲؛ قصص، آیه ۱۴.

۵- (۵). ر.ک: مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۷-۲۸.

۶- (۶). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۸.

به استحکام جسمانی و روحانی می باشد. برخی گفته اند جمعی است که مفرد ندارد و برخی آن را جمع شد (بر وزن سد) می دانند». (۱)

علامه طباطبایی می نویسد: «بلوغ اشد این است که قوای انسان قوی شود و این غالباً در ۱۸ سالگی است». (۲)

اما از نظر شریعت بلوغ حدی از سن است که پس از آن انسان مکلف به تکالیف الهی است و قبل از آن حق تصرف در اموال خود را ندارد. بلوغ به سه نشانه شناخته می شود: اول رویش موی خشن بر عانه، دوم خروج منی و سوم کامل شدن پانزده سال قمری. (۳)

جمع بندی

به نظر می رسد ذکر مرحله بلوغ اشد، رسیدن به قوت در تمام قوای جسمی و روحی است و در آیات ۵ سوره حج و ۶۷ سوره غافر، مقصود رسیدن به اوج زندگی است؛ یعنی انسان پس از تولد، سه مرحله را پشت سر می گذارد:

الف) مرحله طفولیت که در حال ضعف است و به طرف رشد و قوت می رود؛

ب) مرحله بلوغ اشد که مرحله قوت در همه قوای جسمی و نفسانی است؛

ج) مرحله پیری و کهن سالی که رو به ضعف می رود.

آیات فوق مرحله دوم را متذکر می شوند. در این آیه نیز به این مطلب اشاره شده است:

(اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا)

ص: ۴۰۲

۱- (۱). ر.ك: همان، ج ۹، ص ۳۶۰.

۲- (۲). ر.ك: الميزان، ج ۱۱، زیر آیه ۳۲ یوسف.

۳- (۳). تحرير الوسيله، ج ۲، ص ۱۳.

(وَشَيْبَةً ...) ؛ (۱) «خدا کسی است که شما را از کم توانی آفرید؛ سپس بعد از کم توانی، نیرویی قرارداد، آن گاه بعد از نیرو(مندی) کم توانی و پیری قرارداد؛ (خدا) آن چه را بخواهد، می آفریند».

مرحله چهاردهم: کهن سالی (پیری)

قرآن کریم در چند مورد از پیری انسان سخن می گوید و آن را مرحله ای از زندگی بشر معرفی می کند:

(...ثُمَّ لَتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شُيُوخًا...) ؛ (۲) «سپس (زندگی می کنید) تا به حدّ رشدتان برسید؛ سپس (ادامه می دهید) تا پیرانی شوید»؛

(...ثُمَّ لَتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمْرِ لِكَيْلَا- يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا...) ؛ (۳) «سپس (زندگی می کنید) تا به حدّ رشدتان برسید؛ و از شما کسی است که (جانش) به طور کامل گرفته می شود؛ و از شما کسی است که به خوارترین (دوران) عمر برگردانده می شود، تا بعد از آگاهی، هیچ چیزی نداند»؛

(اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً ...) ؛ (۴) «خدا کسی است که شما را از کم توانی آفرید؛ سپس بعد از کم توانی، نیرویی قرارداد، آن گاه بعد از نیرو(مندی) کم توانی و پیری قرارداد؛ (خدا) آن چه را بخواهد، می آفریند»؛

(وَ مَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ) ؛ (۵) «و هر کس را عمر درازش دهیم، وی را

ص: ۴۰۳

۱- (۱) . روم، آیه ۵۴.

۲- (۲) . غافر، آیه ۶۷.

۳- (۳) . حج، آیه ۵.

۴- (۴) . روم، آیه ۵۴.

۵- (۵) . یس، آیه ۶۸.

در آفرینش (وجود) نگون سار می سازیم؛ و آیا خردورزی نمی کنند؟!؛

(فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا)؛ (۱) «پس اگر کفر ورزید، چگونه خودتان را از (عذاب) حفظ می کنید؟ روزی که کودکان را سپیدموی (و پیر) می کند».

اسرار علمی

۱. دکتر دیاب و دکتر قرقوز با ذکر آیه ۵ سوره حج مطالب مفصلی در مورد پیری دارند که خلاصه آن ها را ذکر می کنیم:

پست ترین مرحله یا پیری، آخرین مرحله از مراحل زندگی انسانی است. کسانی که سن پنجاه سالگی یا بالاتر از آن را پشت سر گذاشته اند، احساس می کنند که همه چیز در وجود آنها در حال تغییر و افول است....

دانشمندان پی برده اند که میزان این دگرگونی در سال بین ۰/۵ الی ۱/۳ درصد می باشد. به عنوان مثال قلب در هر دقیقه ۷۰ - ۸۰ بار منقبض و منبسط می شود؛ یعنی بیش از ۱۰۰/۰۰۰ بار در روز و بیش از ۳۶ میلیون بار در سال. این فعالیت مستمر قلب از توان و قدرت آن می کاهد و در نتیجه تزریق خون به بافت ها و از جمله کلیه ها کاهش می یابد. کلیه ها برای افزایش فشار خون توسط قلب شروع به ترشح ماده ای بنام رنین (Renin) می کنند و بدین ترتیب بالا رفتن سن منجر به بالاتر رفتن فشار خون می شود.

آنها سپس چکیده مطالعات دانشمندان در مورد سرّ پیری را این گونه گزارش می کنند:

سلول ها قادر به دفع تمام مواد زائدی که در نتیجه فعل و انفعالات شیمیایی در داخل آن صورت پذیرفته نمی باشند و این مواد زائد به مرور زمان و طی گذشت سال ها جمع شده و خود سلول های زنده را از بین می برند. و بدین ترتیب بدن به مرور زمان وارد مرحله ضعف و پیری می شود.

ص: ۴۰۴

سپس با ذکر آیه ۵۴ سوره روم به مقایسه دوره کودکی و پیری و شباهت های آنها می پردازند و می نویسند: «زاویه فک پایین نزد کودکان به صورت منفرجه است. این زاویه در جوانی به شکل قائم و یا حاده درمی آید و در پیری مجدداً -درست مانند ایام کودکی- به شکل منفرجه در می آید». آن گاه با ذکر آیه ۶ سوره یس می نویسند:

سلول های بدن همیشه در حال تجدید و نوسازی از طریق تخریب و ساخت هستند. در نیمه اول زندگی عملیات ساخت و ترمیم بر اعمال تخریب غلبه دارد؛ ولی در نیمه دوم عمر، عملیات انهدام (Degeneration) بر عمل بازسازی (Regeneration) غلبه دارد. این علت، علت بهبودی سریع شکستگی های استخوان و زخم ها نزد کودکان و کندی آن نزد افراد مسن را برای ما روشن می سازد و بدین ترتیب زیبایی این آیه قرآن برای ما روشن تر می گردد که می فرماید: (وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ) . (۱) این آیه شریفه یک حقیقت علمی و یک سنت لا یتغیر زندگی را نیز -که کلیه موجودات زنده به طور مطلق از آن پیروی می کنند- برای ما روشن می سازد. (۲)

۲. دکتر دیاب و دکتر قرقوز در مورد آیه (...يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا) (۳) می نویسند:

دگرگونی های شدید روحی باعث می شود تغییرات عضوی در بدن به وجود آید... پس ممکن است ترس شدید و ناگهانی باعث سفید شدن رنک موی سر و صورت شود و بیماری های بهک (سفید شدن رنک پوست) و از دست دادن کنترل ادرار که در نتیجه ترشحات ادرنالین و استروئیدها عارض می شود را به همراه داشته باشد. (۴)

ص: ۴۰۵

۱- (۱) . یس، آیه ۶۸.

۲- (۲) . طب در قرآن، ص ۱۱۹ - ۱۲۱ با تلخیص.

۳- (۳) . مزمل، آیه ۱۷.

۴- (۴) . طب در قرآن، ص ۶۸.

۳. مفسرین در مورد آیه (...يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا) (۱) سه احتمال را مطرح کرده اند:

(الف) کودکان به خاطر طولانی بودن روز قیامت پیر می شوند. این احتمال بعید است؛ زیرا آیه ناظر به حوادث هولناک است؛ نه طول مدت روز قیامت.

(ب) در روز قیامت آثار پیری در کودکان ظاهر می شود. این امر در اثر حوادث سخت و هولناک قیامت است. در همین دنیا نیز افرادی را می بینیم که بر اثر سنگینی حادثه ناگهان طی چند روز و حتی طی چند ساعت موهای سیاهشان سفید می شوند.

(ج) برخی گفته اند این آیه کنایه از عظمت یک حادثه بزرگ است؛ مثل وقتی می گویند: «این حادثه مرا پیر کرد». (۲)

جمع بندی و بررسی

قرآن کریم در چند مورد از دوران کهن سالی انسان سخن گفته است و آن را مرحله ای از زندگی بشر و نیز مرحله ضعف و کاستی خلقت معرفی می کند. از نظر علمی نیز این آثار و اسرار خاص آنها در انسان اثبات شده اند که آنها را ذکر کردیم. در اینجا تذکر چند نکته لازم است:

۱. اشاره علمی قرآن کریم به دوره پیری و اسرار علمی آن بسیار زیبا و جالب است؛ اما قرآن این مطلب را به صورت کلی بیان کرده و وارد جزئیات نشده است. همچنین کاستی قدرت انسان و ضعف آن در پیری برای بشریت امری مشهود و محسوس بوده است و از این رو نمی توان گفت که بیان این مطالب، دلیل اعجاز علمی قرآن است.

ص: ۴۰۶

۱- (۱). مزمل، آیه ۱۷.

۲- (۲). ر.ک: علامه طباطبایی، المیزان، ج ۲۰، ص ۱۴۷؛ مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۵، ص ۱۰۹.

۲. در مورد آیه (يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا) (۱) ملا حظہ شد که سه احتمال در تفسیر آیه وجود دارد و فقط بنا بر احتمال دوم (ب) می توانیم مطلب آیه را با تغییرات عضوی ناشی از دگرگونی های شدید روحی تطبیق کنیم. پس نمی توانیم این مطلب را به صورت قطعی به قرآن نسبت دهیم و بگوییم اعجاز علمی قرآن را ثابت می کند. همچنین اگر بخواهیم آیه را در مصداق و مورد خاصی (بیماری بهک) متعین بدانیم، خالی از اشکال نیست و تطبیق بدون دلیل و قرینه خواهد بود.

تذکر: باید توجه داشت که صحنه قیامت غیر از جهان مادی و دنیوی ماست و معیارها و مسائل خاص خود را دارد؛ از این رو نمی توان تمام خصوصیات این جهانی را بر مطالب اخروی تطبیق کرد. در سرای آخرت، بسیاری از اسم هایی که ما به کار می بریم (مثل: یوم و میزان) مفاهیم و مصادیق خاص خود را دارند.

مرحله پانزدهم: مرگ

قرآن کریم هنگامی که مراحل خلقت انسان را برمی شمارد، مرگ را واپسین مرحله زندگی انسان معرفی می کند و:

(...ثُمَّ لَتَكُونُوا شُيُوخًا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلِ وَ لَتَبْلُغُوا أَجَلَ مُسِيَّمِي وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) ؛ (۲) «سپس (ادامه می دهید) تا پیرانی شوید؛ و برخی از شما کسانی هستند که پیش از (آن مرحله، جانش) به طور کامل گرفته می شود؛ و تا به سرآمد معین (مرگ) می رسید؛ و باشد که شما خردورزی کنید»؛

(ثُمَّ لَتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا) ؛ (۳) «سپس (زندگی می کنید) تا به حدّ رشدتان برسید؛ و از شما کسی

ص: ۴۰۷

۱- (۱) . مزمل، آیه ۱۷.

۲- (۲) . غافر، آیه ۶۷.

۳- (۳) . حج، آیه ۵.

است که (جانش) به طور کامل گرفته می شود؛ و از شما کسی است که به خوارترین (دوران) عمر برگردانده می شود، تا بعد از آگاهی، هیچ چیزی نداند».

قرآن کریم مرگ را سرنوشت حتمی همه انسان ها می داند:

(كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ...) ؛ (۱) «هر شخصی چشنده مرگ است»؛

(أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ ...) ؛ (۲) «هر کجا باشید، مرگ شما را درمی یابد؛ اگرچه در برج های استوار [و مرتفع] باشید».

قرآن کریم در مورد موعد مرگ می فرماید:

(... وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ ...) ؛ (۳) «او هیچ کس نمی داند در چه سرزمینی می میرد».

همچنین در مورد زمان مرگ می فرماید:

(وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا...) ؛ (۴) «و خدا مرگ کسی را هنگامی که سرآمد (عمر) او فرا رسد، به تأخیر نمی اندازد».

تذکر: قرآن کریم در مورد مرگ و مطالب پس از آن (معاد) در آیات زیادی سخن گفته است و برخی از مفسران و صاحب نظران نیز به تطبیق برخی آیات معاد با مطالب علمی پرداخته اند؛ اما این مطلب بحثی مستقل و دامنه دار است که باید در جای دیگر به آن بپردازیم. در اینجا فقط مسئله مرگ را از زاویه ای خاص (به عنوان آخرین مرحله زندگی انسان) بررسی می کنیم.

اسرار علمی

۱. دکتر دیاب و دکتر قرقوز با ذکر آیه‌ای از قرآن در مورد مسائل علمی مرگ می نویسند:

ص: ۴۰۸

۱- (۱) . آل عمران، آیه ۱۸۵ و نیز انبیاء، آیه ۳۵ و عنکبوت، آیه ۵۷.

۲- (۲) . نساء، آیه ۷۸.

۳- (۳) . لقمان، آیه ۳۴.

۴- (۴) . منافقون، آیه ۱۱ و همین مضمون در سوره اعراف، آیه ۳۴.

اگر به وسیله میکروسکوپ الکترونیکی درون یک سلول پیر را بکاویم، بر روی آن رسوباتی مشاهده خواهیم کرد که دانشمندان نام رسوبات پیری بر آن نهاده اند. این رسوبات عبارتند از مواد شیمیایی غریبی که در سلول های مغز و عضلات جمع شده و رنگ ویژه ای به آن می بخشند. این مواد عبارتند از مواد پروتئینی و شبه پروتئینی و چربی های اکسیده شده. این مواد گاهی به مرور زمان به صورت شبکه های تار عنکبوتی درآمده و سلول را به سوی سرنوشتی سوق می دهند که راه فراری برایش نماند و آن چیزی جز مرگ نیست.

ایشان مرگ را از دیدگاه دیگری نیز بررسی می کنند و می نویسند:

مرگ موجودات زنده ضرورتی است لازم برای توالی نسل ها؛ و گرنه اگر زندگی و حیات همین نسل موجود دست نخورده باقی بماند، پس از مدت کوتاهی جمعیت کره زمین به حدی خواهد رسید که دیگر مجال ظهور و ادامه حیات برای نسل های بعد وجود نخواهد داشت. قرآن کریم نیز در موارد متعددی به ضرورت و حتمیت مرگ اشاره فرموده است؛ (كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ...). (۱)

آنها سپس در مورد زمان و مکان مرگ می نویسند:

زمان و مکان از قبل تعیین شده برای مرگ هر کس، از امور غیبی است و احدی از آن آگاه نمی باشد و این خود یکی از نعمت های بزرگ الهی است.

موارد بسیاری وجود دارد که پزشکان زمان فرا رسیدن مرگ بیماری را تعیین کرده و در این راه دچار اشتباه شده اند و چه بسیار افرادی که مرگ آنها از نظر دیگران امری محقق پنداشته شده بود، ولی از مرگ نجات یافته اند.

ایشان سپس آیات ۱۴۵ سوره آل عمران و ۲۷ سوره الرحمن را شاهد می آورند. (۲)

۲. آیت الله مکارم شیرازی درباره واژه «موت» می نویسد:

موت درست نقطه مقابل حیات است؛ از این رو آن هم انواع مختلفی دارد که هر کدام نقطه مقابل نوعی حیات است؛ از جمله:

ص: ۴۰۹

۱- (۱). آل عمران، آیه ۱۸۵؛ انبیاء، آیه ۳۵ و نیز نساء، آیه ۷۸ و آل عمران، آیه ۱۶۸.

۲- (۲). طب در قرآن، ص ۱۲۱ و ۱۲۲.

الف) موت نباتی (گیاهی): همان گونه که قرآن درباره باران می گوید: (وَ أَحْيَيْنَا بِهِ بَلْعَدَهُ مَيِّتًا...)؛ (۱) «و به وسیله آن (باران) سرزمین مرده را زنده کردیم»؛

ب) موت حیوانی در مقابل حیات حسی (زندگی حیوانی)؛

ج) موت عقلانی یعنی جهل در مقابل حیات عقلانی (زندگی انسان ها)؛

د) موت به معنی غم و اندوه: چنان که قرآن می گوید: (... وَ يَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ ...)؛ (۲) «و مرگ از هر جا به سراغ او می آید؛ درحالی که او نمی میرد»؛

ه) موت به معنای خواب: چنان که گفته اند: «خواب موت خفیف است»؛ همان گونه که موت خواب سنگین است. (۳)

و) تحلیل تدریجی: بعضی موت را به معنی تحلیل تدریجی یک موجود زنده نیز دانسته اند و «موت» حالتی شبیه جنون است؛ گویی عقل و علم در آن حالت می میرند. (۴)

جمع بندی و بررسی

از بررسی مجموع آیات مربوط به مرگ به دست می آید که مرگ قانونی عمومی و الهی است که در مورد همه جانداران اجرا می شود. مطالب ذکر شده نشان می دهند

ص: ۴۱۰

۱- (۱). ق، آیه ۱۱.

۲- (۲). ابراهیم، آیه ۱۷.

۳- (۳). قرآن می فرماید: (اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) (زمر، آیه ۴۲). «خدا روح مردم را در هنگام مرگشان به تمامی باز می ستاند و [نیز] روحی را که در [موقع] خوابش نمرده است [قبض می کند]؛ پس آن [نفسی] را که مرگ را بر او واجب کرده نگاه می دارد و آن دیگر [نفس ها] را تا هنگام معین [به سوی زندگی دنیا] باز پس می فرستد. قطعاً در این [امر] برای مردمی که می اندیشند نشانه هایی [از قدرت خدا] است».

۴- (۴). پیام قرآن، ج ۲، ص ۹۸ با تلخیص.

که مرگ اقسامی دارد (که بررسی تفصیلی آنها از موضوع بحث ما خارج است) مثل: مرگ نباتی (گیاهی)، مرگ حیوانی (حیوانی)، مرگ عقلانی (انسانی) و خواب. امروزه از نظر پزشکی نیز مرگ را به اقسامی تقسیم می کنند؛ مانند: مرگ مغزی و مرگ قلبی.

اما از منظر قرآن مرگ نابودی و فنا نیست؛ بلکه دریافت کامل نفس، روح و شخصیت انسان (توفی) (۱) و شروع زندگی دیگری در جهان دیگر است. پس هرچند مرگ، پایان به نظر می آید، اما آغازی دیگر است.

در اینجا تذکر چند مطلب لازم است:

۱. مطلبی که دکتر دیاب و دکتر قرقوز در مورد پیدایش رسوبات پیری و مرگ نهایی سلول ها گفته اند، فقط با مرگ نباتی و حیوانی قابل تطبیق است؛ درحالی که پدیده مرگ از نظر قرآن مراحل بالاتر (توفی نفس) را نیز شامل می شود.

۲. بنا بر فرموده قرآن کریم، انسان از مکان مرگ خویش اطلاع ندارد. (لقمان/ ۳۴). این مطلب استثنائات زیادی دارد؛ مثل اخبار ائمه اطهار (علیهم السلام) و برخی اولیای الهی از مکان مرگ خویش. مفسران گفته اند اطلاع انسان ها از مکان مرگ خویش در این موارد، با اذن الهی بوده است (یعنی خدا خواسته که بدانند) و علم مستقلی در این زمینه ها ندارند. (۲)

اما در مورد عدم امکان اطلاع انسان از زمان مرگ خویش آیه ای در قرآن نیافتیم که به این مطلب تصریح کند. البته در قرآن اشاره شده که اجل (حتمی) افراد مشخص است و هنگامی که فرا رسد، تأخیری در آن صورت نمی گیرد؛ ولی فرموده که انسان نمی تواند از زمان مرگ خویش (به ویژه مرگ های نباتی،

ص: ۴۱۱

۱- (۱). زم، آیه ۴۲.

۲- (۲). ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۹۹ - ۱۰۰.

حیوانی، مغزی و قلبی که در پزشکی بیشتر مطرح هستند) اطلاعی پیدا کند. چه مانعی دارد که علم پزشکی بتواند با ابزارهای علمی، زمان مرگ طبیعی (مرگ قلبی یا مغزی) کسی را پیش بینی کند و درست هم باشد. عدم اطلاع فعلی پزشکان از این امر -یا اشتباهات آنها در این زمینه- دلیل عدم امکان این امر در آینده نیست. پیش بینی این امور مثل پیش بینی دقیق یک کشاورز از سرنوشت دانه ای است که کاشته (که چه موقع جوانه می زند، رشد می کند، میوه می دهد و...). البته همیشه احتمال خطا در علوم بشری وجود دارد؛ همان گونه که احتمال پیش آمدهای غیرمنتظره (مثلاً تغییرات در حوزه اجل معلق در مورد مرگ) وجود دارد که بشر عادی نمی تواند آن را پیش بینی کند.

پس سخن دکتر دیاب و دکتر قرقوز در مورد عدم اطلاع انسان از مکان مرگ صحیح و در مورد زمان مرگ ناصحیح به نظر می رسد؛ مگر آن که گفته شود عدم اطلاع از مکان مرگ، مستلزم عدم اطلاع از زمان آن است.

۳. وجود مرگ و قطعی بودن آن برای همه انسان ها، عدم اطلاع از مکان مردن و... اموری هستند که معمولاً بشر به صورت کلی و مجمل از آن اطلاع داشته و دارد؛ و از این رو حتمی بودن مرگ انسان ها و تطبیق آن با یافته های پزشکی در مورد سلول ها نمی تواند دلیل اعجاز علمی قرآن باشد.

جمع بندی و بررسی نهایی مراحل خلقت انسان

ما مراحل خلقت انسان تا مرگ را طی پانزده مرحله بررسی کردیم. و با توجه به مطالب علمی و تفسیر آیات مورد بحث به این نتیجه رسیدیم که هر کدام از این مراحل و انطباق آنها با یافته های علوم تجربی، اعجاب انسان را بر می انگیزد و عظمت قرآن را نشان می دهد؛ اما هیچ کدام از این مراحل به تنهایی نمی تواند

دلیلی مستقل بر اعجاز علمی قرآن باشد. سوال این است که آیا بیان این مراحل پانزده گانه به صورت منظم و مرتب می تواند دلیل اعجاز علمی قرآن کریم باشد؟

به نظر می رسد که نظم و ترتیبی که قرآن در بیان مراحل خلقت انسان تا مرگ بیان کرده است (به ویژه در آیات ۵ سوره حج، ۱۲ - ۱۴ مؤمنون و ۶۷ غافر) در عصر نزول قرآن مطالبی بدیع و تازه بوده که مردم آن زمان از آوردن مثل آن ناتوان بوده اند. همان طور که دکتر «موریس بوکای» بیان کرد، این مطالب از ذهنیت مردم آن زمان دور بوده است؛ بلکه تا قرن نوزدهم، بشر دید روشنی از این مطالب و مراحل نداشت. (۱)

پس می توان گفت که آیات مربوط به خلقت انسان و نظم و ترتیب در بیان مراحل آن - در مجموع- دلیلی بر اعجاز علمی قرآن است و عظمت آیات این کتاب الهی و اتصال آن به منبع غیبی را به اثبات می رساند.

دوم) اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی

اشاره

درآمد

مبحث اعجاز قرآن در حوزه علوم انسانی از مباحث نوپدید قرآن پژوهی معاصر است که عمدتاً در دهه اخیر مطرح شده و مورد توجه دانشمندان و قرآن پژوهان قرار گرفته است. از این رو هنوز در همه حوزه های علوم انسانی مطالب اعجاز قرآن مطرح نشده اند؛ بلکه در برخی علوم (مثل: علوم تربیتی، اقتصاد و تاریخی) مواردی از اعجاز قرآن ذکر شده و کتاب هایی نیز درباره آنها به نگارش درآمده اند.

ص: ۴۱۳

۱- (۱). ر.ک: مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۲۷۶ و ۲۷۷ (متن سخن ایشان در اول این مبحث در تاریخچه آورده شد).

هرچند هدف اساسی قرآن - که همان هدایت است - با حوزه علوم انسانی ارتباط بیشتری دارد و در عصر حاضر نیاز به بحث رابطه قرآن و علوم انسانی ضرورت بیشتری دارد، اما لازم است به تفاوت های علوم انسانی و علوم طبیعی توجه شود. ویژگی های علوم انسانی، اثبات اعجاز را در این حوزه دشوارتر ساخته و ادعاهای اعجاز را قابل بررسی و نقد نموده اند.

تفاوت های علوم انسانی و علوم طبیعی

هرچند علوم طبیعی (۱) و علوم انسانی (۲) هر دو از علوم تجربی به شمار می آیند، ولی تفاوت های متعددی دارند؛ از جمله:

۱. موضوع علوم طبیعی، طبیعت بدون اراده و اختیار است؛ اما موضوع علوم انسانی، انسان با اراده، با اختیار و با شعور است.
۲. هدف اساسی علوم طبیعی، شناخت طبیعت و کشف روابط بین پدیده های آن است؛ امری که قابل پیش بینی است و با هدف تسلط بر طبیعت صورت می گیرد. اما هدف علوم انسانی شناخت رفتارها و روابط انسان هاست که با توجه به اراده و اختیار انسان، کم تر قابل پیش بینی است و در نتیجه تغییر در آنها و ایجاد وضعیت مطلوب، امری دشوار و گاه غیرممکن است.
۳. روش در علوم طبیعی بر اساس آزمایش کنترل شده (محیط بسته) و غالباً همراه با توصیف و تحلیل است؛ اما در علوم انسانی محیط آزمایش کم تر قابل کنترل است و بیشتر از روش توصیفی و تفسیری استفاده می شود.
۴. هرچند نظریه ها و تئوری های علمی ساخته ذهن بشرند، ولی تئوری ها و

ص: ۴۱۴

۱- (۱) .Natural sciences

۲- (۲) .Humanities sciences

قوانین علوم طبیعی را می توان به وسیله آزمایش هم سان و انطباق با واقعیت عینی خارجی بررسی کرد؛ از این رو ذهنیت انسان و نسیت، کم تر در علوم تجربی راه پیدا می کند. اما نظریه های علوم انسانی بیشتر ذهنی هستند و کم تر می توان آنها را آزمایش کرد و با واقعیت عینی تطبیق داد؛ زیرا یا عینیت خاصی در مقابل نظریه های علوم انسانی وجود ندارد یا اصولاً امکان آزمایش در یک محیط اجتماعی وجود ندارد. از این رو نسیت در اینجا بیشتر راه پیدا می کند؛ مثلاً نظریه های اقتصاد سرمایه داری و اقتصاد کمونیستی که در آمریکا، شوروی و چین ده ها سال اجرا شدند، هر کدام ادعای موفقیت داشتند و هر کدام نقاط قوت و ضعفی داشتند و عملاً ممکن نبود که شما این دو نظریه اقتصادی را در یک محیط کنترل شده هم سان آزمایش و بررسی کنید.

این مطلب در نظریه پردازی های جامعه شناختی بیشتر نمایان می شود و در نظریه پردازی های تاریخی به مراتب مشکل سازتر است.

۵. در علوم انسانی با انسان مختار روبه رو هستیم و در علوم طبیعی با اجسام بدون اختیار.

۶. علوم انسانی در سرنوشت بشر تأثیر بیشتری دارند؛ حتی مدیریت علوم طبیعی در دست علوم انسانی (مثل سیاست و تربیت) است.

۷. علوم انسانی با هدف قرآن (هدایت و تربیت) هم خوان ترند.

۸. مبانی علوم طبیعی با علوم انسانی تفاوت دارند.

گفتنی است که در قرآن نیز مبانی علوم طبیعی (مثل تأثیر عوامل غیرطبیعی در طبیعت) با مبانی علوم انسانی (اعم از مبانی انسان شناسی، جهان شناسی و معرفت شناسی) تفاوت دارند.

تذکر: با توجه به نکات مطرح شده، اثبات اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی مشکل تر است؛ زیرا اخبار غیبی قرآن در مورد پدیده های طبیعی، با طبیعت قابل انطباق است و کشفیات دانشمندان در این حوزه، صدق آنها را نشان می دهد.

اما در حوزه علوم انسانی - با توجه به نظریه های متعدد دانشمندان این حوزه - گاهی نظریه های رقیب و کارآمدی در یک موضوع وجود ندارد (مثل بانک داری مبتنی بر ربا و بدون ربا) و هر کدام به صورت نسبی ادعای درستی دارند و دلیل قاطعی بر انطباق آن نظریه با حقیقت نیست؛ از این رو مشکل است که اخبار غیبی قرآن با این نظریات تطبیق شود؛ به صورتی که بگوییم قرآن خبر غیبی داده و بعد کشف شد که این خبر مطابق با واقع است.

البته این مشکل به ماهیت علوم انسانی بازمی گردد؛ چون در این حوزه حداکثر ادعایی که درباره یک نظریه می توان داشت، این است که کارآمدتر و مشهورتر است و کم تر می توان گفت که نظریه ای حتماً مطابق با واقع و کاشف از حقیقت است.

رویکردها در اعجاز در حوزه علوم انسانی

اشاره

در حوزه علوم انسانی می توان حداقل سه رویکرد را برای اعجاز علمی قرآن تصور کرد:

یکم) وجود گزاره های علمی مطابق با واقع (اخبار غیبی): بدین معنا که قرآن گزاره هایی علمی در حوزه علوم انسانی بیان کرده و پیام ها و آموزه هایی دارد که به نوعی اخبار غیبی اند و با پیشرفت علوم در عصر جدید در حوزه علوم انسانی مطرح و به عنوان نظریه های درست و کارآمد مشهور شده اند.

در این مورد ادعاهای متعددی در حوزه اقتصاد (مثل اقتصاد بدون ربا)، حوزه

علوم تربیتی (مثل نکات تربیتی آیه رضاع) (۱) و دیگر حوزه های علوم انسانی مطرح شده که در ادامه بررسی خواهند شد.

دوم) ایجاد تغییرات (یا انقلاب) به وسیله قرآن: قرآن کریم در محیطی نازل شد که انسان گرفتار جاهلیت علمی و فرهنگی و عقب ماندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بود. آموزه های قرآن کریم چنان تأثیری در بشریت گذاشت که بعد از مدتی تحوّل - بلکه انقلابی - فرهنگی، علمی، اقتصادی و اجتماعی در مردم صورت گرفت. این جهش تاریخی بشریت آن عصر که عمدتاً در حوزه علوم انسانی صورت گرفت، نوعی اعجاز علمی قرآن در بستر تاریخی است؛ یعنی تأثیر علمی قرآن در تحوّل تربیتی با تغییر قوانین و مبانی تربیتی، موجب رشد جهشی در این حوزه شد. این امر در اعصار بعدی قابل تکرار در جوامع دیگر است (البته این مطلب با بررسی تاریخی تأثیرات قرآن قابل ارائه است).

سوم) استنباط نظام برتر از قرآن: قرآن ارائه کننده نظام های تربیتی، اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و... است که هر کدام مبانی، اهداف، روش ها و آموزه های خاص خود را دارند و در عصر کنونی می توان آنها را با نظام های دست ساخته بشری مقایسه کرد و از جهات متعدد برتری و کارآمدی نظام های قرآنی را نمایان ساخت. مثلاً نظام تربیتی قرآن جامع نگرتر، کارآمدتر و با فطرت انسان هماهنگ تر است؛ زیرا همه ابعاد وجودی انسان (جسمی، روحی، معنوی و...) را مد نظر دارد و انسان را به سوی کمال مطلق سوق می دهد و این یکی از جلوه های اعجاز علمی قرآن است (البته این مطلب به صورت تفسیر موضوعی استنباطی قابل ارائه است).

بررسی: رویکردهای سه گانه فوق در اعجاز علمی قرآن در عصر حاضر طرح

ص: ۴۱۷

شده اند؛ اما رویکرد اول بیشتر در حوزه علوم طبیعی قابل اثبات و ارائه است و به خاطر دشواری های علوم انسانی که در صدر بحث گذشت، اثبات آن در حوزه علوم انسانی مشکل است. هرچند در این مورد کتب متعددی در اعجاز اقتصادی و تربیتی قرآن نگاشته شده است، ولی در ادامه روشن خواهد شد که بسیاری از این ادعاها قابل نقد هستند. البته رویکردهای دوم و سوم بیشتر در حوزه علوم انسانی قابل طرح و اثباتند که در ادامه به نمونه هایی از آنها اشاره خواهد شد.

۱. اعجاز تربیتی قرآن

اشاره

مقدمه

چند کتاب در مورد اعجاز تربیتی قرآن تألیف شده اند؛ از جمله:

الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم، دکتر مصطفی رجب (چاپ ۲۰۰۶ م توسط انتشارات جدارا للکتاب العالمی و عالم الکتب الحدیث در اردن): در این کتاب نخست مفهوم تربیت قرآنی توضیح داده شده و پس از آن به جایگاه قرآن و تفسیر موضوعی و محتوای تربیتی قصص قرآن (از جمله قصه های نوح، بنی اسرائیل، اصحاب اخدود، قوم سبأ، داود و سلیمان) پرداخته شده است. آن گاه دو نمونه از آیاتی که اعجاز تربیتی دارند را برمی شمارد؛ یعنی آیه ۲۳۳ سوره بقره و آیات ۴۱ - ۴۵ سوره مریم.

من وجوه الاعجاز، محمد فرید (چاپ بیروت): در این کتاب در چند مورد ادعای اعجاز تربیتی قرآن مطرح شده است؛ از جمله درباره آیات مربوط به ازدواج، زنان، رسیدگی به ایتام، نیکی به پدر و مادر و تغییرات تربیتی اجتماعی ای که در اثر حضور قرآن پدید آمد.

الاعجاز النفسی و التربوی فی القرآن الکریم والسنه المطهره، دکتر عبدالرحمن

ص: ۴۱۸

العيسوی (بیروت، ۱۴۲۸م): البته این کتاب عملاً به موضوع اعجاز تربیتی پرداخته است.

رویکردها در اعجاز تربیتی قرآن

همان طور که در بحث قبل گذشت، اعجاز علمی قرآن در علوم انسانی از جمله مباحث تربیتی با سه رویکرد می تواند مطرح شود:

الف) اخبار غیبی تربیتی در آیات؛

ب) استنباط نظام تربیتی از قرآن؛

ج) نقش قرآن در تحوّل تربیتی مسلمانان.

اینک برخی از موارد فوق را بررسی می کنیم.

اول) اعجاز تربیتی؛ قرآن با تنظیم قوانین حقوق کودک

(وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّمَ الرِّضَاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَأَلْتُم مَّا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ)؛ (۱) «و مادران فرزندان شان را دو سال کامل شیر می دهند. (این) برای کسی است که بخواهد [دوران] شیر دادن را به اتمام رساند. و بر آن کس که نوزاد برایش متولد شده، لازم است خوراک آن (مادر) ان و پوشاک آنان به طور پسندیده [در دوران شیر دادن فراهم آورد]. هیچ کس، جز به اندازه توانایی اش، تکلیف نمی شود. هیچ مادری به واسطه فرزندش ضرر نبیند (و به او زیان نرساند)؛ و نه کسی که فرزند برایش متولد شده به واسطه ی فرزندش (ضرر ببیند و به او

ص: ۴۱۹

زیان رساند) و بر وارث مانند این (احکام، واجب) است. و اگر آن دو، با رضایت و مشورت یک دیگر بخواهند [کودک را زودتر] از شیر باز گیرند، پس هیچ گناهی بر آن دو نیست. و اگر خواستید دایه ای برای فرزندان خود بگیرید، پس هیچ گناهی بر شما نیست؛ هنگامی که آن چه را (وعده) داده اید به طور پسندیده بپردازید. و خودتان را از [عذاب] خدا ننگه دارید و بدانید که خدا به آن چه انجام می دهید بیناست».

نکته ها و اشاره ها

۱. در آیه فوق دستورات مختلفی درباره شیر دادن نوزادان آمده و به حقوق گوناگونی که مادر، فرزند و پدر در این زمینه دارند، اشاره شده است که می توان آنها را در هفت بخش بیان کرد:

الف) حق شیر دادن در دو سال شیرخوارگی مخصوص مادر است. با این که سرپرستی کودکان بر عهده پدر است، اما چون تغذیه جسم و جان نوزاد در این مدّت با شیر و عواطف مادر پیوندی ناگسستنی دارد، حقّ نگه داری و سرپرستی به مادر واگذار شده است؛ و این به خاطر رعایت عواطف مادر و حال کودک است.

ب) دوران شیرخوارگی (رضاعه) کامل، (۱) دو سال (۲) و دوره غیرکامل آن ۲۱ ماه است. این مطلب که در روایات نیز آمده است، از ضمیمه کردن آیه فوق و آیه ۱۵ سوره احقاف استفاده می شود؛ در آنجا می فرماید: «بارداری و از شیر گرفتن کودک ۳۰ ماه است.» و در این جا می فرماید: «مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر

ص: ۴۲۰

۱- (۱). واژه «رضاعه» در اصل از ماده ی «رضع» به معنای «نوشیدن شیر از پستان» است.
۲- (۲). تعبیر «یرضعن» به صورت اخباری آمده است (نه انشایی و دستوری) که به گونه ی ظریفی، حال مادران را بیان می کند که به «فرزندانشان دو سال کامل شیر می دهند»، و این شیوه ی بیان تأثیر روانی بیش تری در توجه مادران به شیر دادن دارد.

می دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند».

پس معلوم می شود که لازم نیست مدّت شیر دادن حتماً دو سال باشد و مادران حق دارند با توجه به وضع نوزاد و رعایت سلامت او، این مدّت را تقلیل دهند و حتی در صورت نیاز، از ۲۱ ماه نیز کم تر کنند.

ج) هزینه زندگی مادر از نظر غذا و لباس در دوران شیر دادن بر عهده پدر نوزاد است تا مادر بتواند با خاطری آسوده فرزندش را شیر دهد؛ حتی اگر زن طلاق گرفته باشد.

د) پدر و مادر نباید با اختلافات خویش سرنوشت کودک خود را قربانی کنند و ضربه های جبران ناپذیری به روح و روان خود و نوزاد وارد سازند. پدر نباید حق مادر را در نگه داری کودک پای مال کند و مادر نیز نباید از این حق سوء استفاده کند و مثلاً با بهانه جویی از شیر دادن خودداری کند یا با محروم کردن مرد از دیدار فرزندش به او ضربه روانی و اقتصادی وارد کند. (۱)

ه) بعد از مرگ پدر، وارثان او باید احتیاجات مادر را در دورانی که به کودک شیر می دهد تأمین کنند.

ز) زمان از شیر گرفتن کودک، به تصمیم پدر و مادر بستگی دارد. این زمان با توجه به وضع جسمی کودک و با هم فکری و توافق پدر و مادر تعیین می شود؛ یعنی آنان با مشورت و رضایت هم عمل می نمایند.

و) هرگز نمی توان از حق شیر دادن و سرپرستی مادر جلوگیری کرد؛ مگر این که خودش امتناع ورزد یا مانعی برایش پیش آید که در این صورت می توان نگه داری و شیر دادن کودک را به دایه مناسبی واگذار کرد یا قسمتی از شیر دادن را به عهده دایه گذاشت تا کمکی برای مادر باشد. البته هنگامی می توان زن دیگری

ص: ۴۲۱

۱- (۱). در مورد جمله «لأنّصار» تفسیرهای متعددی وجود دارند. (ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۳۳-۱۳۴).

را به جای مادر برای شیر دادن انتخاب کرد که حقوق مادر نسبت به گذشته و آن چه شیر داده است، طبق عرف و عادت پرداخت گردد.

۲. تعبیر «مولود له» (کسی که فرزند برای او تولد یافته) در مورد پدر نوزاد آمده و از واژه متعارف «أب» (پدر) استفاده نشده است. گویا این تعبیر، عواطف پدر را در انجام وظیفه تحریک می کند؛ اگر هزینه مادر طفل به عهده پدر گذاشته شده، به خاطر فرزند او و میوه دل اوست؛ نه یک فرد بیگانه.

۳. تعبیر «معروف» در آیه فوق نشان می دهد که لباس و غذای مادر باید در حدود متعارف و شایسته حال او تأمین شود؛ یعنی نه سخت گیری شود و نه اسراف. تکرار واژه معروف در این آیه، به وجه نیکویی، دو عنصر عرف و زمان را در شاخص های مراعات حقوق خانوادگی وارد می کند.

۴. تکلیف انسان ها بر اساس قدرت و به اندازه توانایی آنهاست و نباید از نظر اقتصادی به پدر کودک فشار وارد شود. این یک اصل اساسی در احکام اسلامی است و هیچ قانونی در اسلام وجود ندارد که کاری بیش از توان فرد از او بخواهد.

۵. باید حقوق مادر و دایه در برابر شیر دادن پرداخت شود و این یکی از زیباترین جلوه های رعایت حقوق زنان در اسلام است.

۶. از این آیه و آیات مشابه، متوجه جامعیت احکام اسلام می شویم که برای همه مراحل زندگی انسان (نوزادی، هجرت، جهاد و فرهنگ) برنامه ریزی کرده است.

آموزه ها و پیام ها

۱. اسلام مدافع حقوق کودک و مادر اوست.

۲. پدر و مادرها کودکان خود را فدای اختلافات و طلاق خودشان نکنند.

۳. در دوران شیرخوارگی به کودکان و مادران آنها توجه کنید و حقوق و هزینه های آنان را تأمین سازید.

۴. تکلیف هر کس به اندازه توان اوست.

۵. سرنوشت کودکان را با توجه به اصل مشاوره و رضایت پدر و مادر رقم بزنید (و کودک را قربانی مشاجرات خود نکنید).

۶. شیرخوارگی کودک آن قدر مهم است که می توانید برای او دایه بگیرید.

۷. در مورد حقوق کودکان و مادران آنها کوتاهی نکنید؛ که اعمال شما تحت نظر خداست.

۸. برنامه ریزی برای کودکان نباید موجب زیان آنان و پدر و مادر شود. (۱)

ادعای اعجاز تربیتی در آیه فوق

دکتر مصطفی رجب با طرح آیه فوق، نخست قرائات و اعراب آیه را بررسی می کند، سپس بحث عام تربیتی و تفسیری آیه را بیان می کند و آن گاه از چهار جهت در آیه فوق ادعای اعجاز می نماید. (۲)

وی با ذکر مقدمه ای روشن می سازد که تربیت بشری خطاپذیر است و به بهداشت روانی و اعتدال توجهی ندارد؛ ولی تربیت اسلامی این گونه نیست.

او چهار جهت اعجاز آیه را این گونه بیان می کند:

۱. انتخاب تعبیرات ولد و والده:

تعبیر «ولده» و «ولدها» در آیه، به جای تعبیرات مشابه مثل طفل، ابن و بنت و رضیعه به کار رفته است و نیز تعبیر «والده» به جای «أم» و «مرضعه» آمده است. این تعبیرات نوعی اعجاز در مبحث تربیت است؛ زیرا این تعبیر محبت انگیز بوده و وقتی در بیان قوانین روابط والدین و کودک می گوید «فرزندش»، پدر و مادر را تحریک می کند که به کودک زیان نرسانند

ص: ۴۲۳

۱- (۱). تفسیر قرآن مهر، ج ۲، ذیل آیه ۲۳۳ بقره.

۲- (۲). ر.ک: الاعجاز التربوی فی القرآن، ص ۱۶۹-۱۶۰.

(درحالی که در قانون گذاری بشری از تعبیرات خشک استفاده می شود). (۱)

۲. اعجاز در تعبیر «لاتضار»:

[دکتر مصطفی رجب در مبحث قرائت آیه ۲۳۳ بقره به چند قرائت اشاره می کند]:

الف) لاتضار که قرائت عاصم، حمزه کسائی و... است و «لا» ناهیه بوده، ولی فعل می تواند معلوم یا مجهول معنا شود (لاتضار - لاتضار).

ب) لاتضار که قرائت ابن عمرو و ابن کثیر و یعقوب است و «لا» نفی بوده و خبر به معنای انشاء است.

ج) لاتضار که قرائت ابوجعفر مدنی است و «لا» ناهیه است.

[وی بر اساس قرائت دوم از دو جهت ادعای اعجاز تربیتی در آیه می کند]: نخست آن که «لا» نافیه بوده و خبر ابلاغ در نهی است و تأثیر آن در سلوک انسان بیشتر است؛ چون وقتی به کسی گفته شود: «شما به فرزندت زیان نمی رسانی»، تأثیر آن بیشتر است و تربیتی احساس می کند که موافق فطرت او سخن گفته شده و مخالفت با آن درست نیست. دوم این که فعل مضارع دلالت بر حال و آینده دارد و ضررزدن در حال و آینده با اراده و اختیار است و نتیجه آن ثواب و عقاب. پس گویا خدای متعال از فعلی نهی کرده است که به صورت ضروری متضمن هشدار به عقاب است و این یعنی نهایت اعجاز در انگیزش اراده بشری و به فعلیت رساندن آن. (۲)

۳. مراعات اصل آرامش در ازدواج و تربیت:

محبت و تکامل، دو اصل در ازدواج و خانواده هستند و هرکس این اصول را تعطیل کند اراده الهی را مخالفت کرده است که نوعی اضرار و افساد است و موجب ضرر به اجتماع می شود؛ چون ناراحتی روانی نسل امروز، در آینده اجتماع اثر می گذارد. (۳)

ص: ۴۲۴

۱- (۱). همان، ص ۱۶۶.

۲- (۲). همان، ص ۱۶۷ و ۱۶۸.

۳- (۳). همان، ص ۱۶۸.

موضوع آیه ضرر زدن به کودک در مورد شیردادن و اجرت آن است؛ ولی قرآن ضرر زدن را با تعبیر «لاتضار» به صورت خلاصه و مطلق آورد. و این باعث می شود که همه اقشار ضرر (جسمی، روحی، روانی، مالی و...) را شامل شود. این ایجاز و اطلاق در بیان ضرر اعجاز است. (۱)

بررسی

همان طور که در صدر بحث گذشت، اعجاز علمی قرآن شرایط و ضوابطی دارد و لازم است هر موردی که ادعا می شود، مطابق آنها باشد. به نظر می رسد چهار موردی که دکتر مصطفی رجب در آنها ادعای اعجاز تربیتی کرده است، شرایط لازم را ندارند؛ چون:

یکم) در قرائت قرآن، اصل همان قرائت متواتر مسلمانان است که نسل به نسل از پیامبر (صلی الله علیه و آله) به صورت متواتر نقل شده است و قرائت های دیگر اخبار آحادی است که قرآن بودن به وسیله آنها اثبات نمی شود. (۲) بنابراین اعجاز قرآن بر اساس قرائت های دیگر بنیان گذاری نمی گردد و استدلال دکتر مصطفی رجب به قرائت های ابن عمرو و ابن کثیر در «لاتضار» و «لا» نافی دانستن آیه و ابتنای اعجاز تربیتی بر آن، قابل قبول نیست. ضمن این که قرائت های دیگری نیز در آیه وجود دارند که دکتر رجب آنها را ذکر نکرده است (مثل: لاتضارر، لا تضارر، لاتضار و لاتضار). (۳)

دوم) تعبیرات آیه ۲۳۳ بقره مثل «بولده»، «بولدها»، «والده»، ایجاز و اطلاق

ص: ۴۲۵

۱- (۱). همان، ص ۱۶۹.

۲- (۲). ر.ک: البيان فی تفسیر القرآن، خویی، ص ۱۷۳ و ۱۸۰ و منطق تفسیر قرآن (۱)، محمد علی رضایی اصفهانی، ص ۹۵.

۳- (۳). الدرّ المصون، حلبی، ج ۱، ص ۵۷۱.

«ضرر» و رعایت اصل آرامش در ازدواج و تربیت خانواده مطالب جالب و شگفت انگیزی هستند؛ اما باید ثابت شود که استفاده از این تعبیرات قبل از قرآن سابقه نداشته است یا کسی نمی تواند مثل آنها را در سخنان و نوشته های خود به کار ببرد. بنابراین اثبات اعجاز قرآن در این موارد بعید است.

تذکر: ممکن است کسی در مورد آیه ۲۳۳ بقره بگوید که این آیه به تنظیم قوانین روابط والدین و کودک پرداخته و قرآن با این ابتکار، حقوق کودک را در جهان پایه گذاری کرده است؛ پس نوعی اعجاز تشریحی قرآن در حوزه تربیت به شمار می آید. این مطلب می تواند درست باشد به شرط آن که از نظر تاریخی ثابت شود که حقوق کودک و والدین - به صورت فوق - قبل از اسلام مطرح نبوده اند.

ابعاد علمی آیه

انصافاً آیه فوق از جهاتی که دکتر مصطفی رجب نوشته و نیز از جهت ابعاد و اشارات علمی دیگری که در آیه مطرح شده اند، اعجاب هر انسانی را بر می انگیزد و همگی قابلیت بررسی میان رشته ای دارند؛ از جمله:

۱. در بُعد حقوقی به حقوق کودک، پدر و مادر و دایه اشاره کرده است.
۲. در بُعد پزشکی، لزوم تغذیه با شیر مادر در طول دو سال را بیان کرده است.
۳. در بُعد اقتصادی به هزینه مادر، کودک و دایه و تنظیم روابط اقتصادی آنها با پدر و نیز تأثیر عرف در این زمینه اشاره کرده است.
۴. در بُعد تربیتی به مشاوره والدین، لزوم زیان نرساندن به کودک، اصل رضایت پدر و مادر در مسائل خانوادگی و عدم تحمیل تکالیف اشاره کرده است.
۵. در بعد روان شناختی به تحریک عاطفی پدر و مادر (با تعابیری مانند: بولده، مولد له و والده)، رعایت عواطف مادر در علاقه به سرپرستی کودک و

ص: ۴۲۶

ایجاد آرامش و رفع فشار روانی در خانواده اشاره می کند.

۶. در بُعد مدیریتی، کنترل، نظارت و مدیریت تغذیه کودک در خانواده و نیز مدیریت اقتصادی خانواده پرداخته است.

۷. در بُعد فقهی به مباحث رضاع، ارث، نفقه و تأثیر زمان و مکان (عرف) در موضوعات احکام اشاره کرده است.

۸. در بُعد قواعد فقهی به قاعده تکلیف به اندازه توان و قاعده عدم ضرر به دیگران می پردازد.

۹. در بُعد نجومی به ملاک نجومی «دو سال» - در مدت شیردادن - اشاره کرده و موارد دیگر (مثل: تعداد شیردادن یا وزن شیر) را ملاک قرار نداده است؛ این مطلب از لحاظ علمی قابل مطالعه است.

۱۰. در بعد اجتماعی به مسئله عرف، نهاد خانواده و شیوه های رفع اختلاف اشاره کرده است.

دوم) اعجاز تربیتی قرآن در شیوه های تربیت و دعوت

(وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ اِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا * اِذْ قَالَ لِاَبِيهِ يَا اَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَا لَا يُبْصِرُ وَا لَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا * يَا اَبَتِ اِنِّي قَدْ جِئْتُ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي اَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا * يَا اَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ اِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا * يَا اَبَتِ اِنِّي اَخَافُ اَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا)؛ (۱) او در کتاب (قرآن) ابراهیم را یاد کن، که او بسیار راست گو و پیامبر بود؛ هنگامی که به پدر (مادرش یا عموی) ش گفت: «ای پدر[م]! چرا چیزی را می پرستی که نمی شنود و نمی بیند و هیچ چیزی را از تو دفع نمی کند؟! ای پدر[م]! به راستی من از دانش (الهی) چیزی برایم آمده

ص: ۴۲۷

که برای تو نیامده است؛ پس مرا پیروی کن، تا تو را به راهی درست راه نمایی کنم؛ ای پدر[م]! شیطان را نپرست؛ که شیطان نسبت به (خدای) گسترده مهر، نافرمان بود؛ ای پدر[م]! در حقیقت، من می ترسم که عذابی از (خدای) گسترده مهر به تو رسد، پس ملحق به شیطان شوی».

نکته ها و اشاره ها

۱. «صدیق» صیغه مبالغه و به معنای کسی است که بسیار راست گوشت یا هرگز دروغ نمی گوید؛ بلکه توان دروغ گفتن ندارد؛ چون تمام عمر به راست گویی عادت کرده است؛ همچنین به معنای کسی است که عملش تصدیق کننده سخن و اعتقاد اوست. (۱) البته مانعی ندارد که تمام این معانی مقصود آیه باشد؛ چون تقریباً همه به یک معنا بازمی گردند.

۲. ابراهیم(علیه السلام) قبل از نبوت، صدیق بود. این امر اهمیت این صفت را می رساند و گویی صدیق بودن، زمینه ساز شایستگی برای نبوت است.

۳. واژه «اب» در لغت عرب گاهی به معنای پدر و گاهی به معنای عمو آمده است. همان طور که ذیل آیه ۷۴ سوره انعام بیان شد، در مواردی که ابراهیم(علیه السلام) با آزر بت ساز درگیر می شود و از او با عنوان پدر یاد می کند، مقصودش عمو یا پدر مادرش است.

۴. ابراهیم(علیه السلام) در این آیه برای نفی بت پرستی و شرک دلیلی قاطع آورده است؛ یعنی به عمویش گفته که هدف از پرستش، جلب منفعت و دفع ضرر است؛ (۲) اما این بت ها نمی توانند مشکلی را حل و ضرری را دفع کنند؛ پس پرستش آنها بیهوده و لغو است. علاوه بر آن، عبادت وقتی مفید است که معبود، سخنان تو را بشنود

ص: ۴۲۸

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۷۶.

۲- (۲). در علم کلام و عقاید از این دلیل با عنوان «دفع ضرر محتمل» یاد می شود (همان، ص ۷۷).

یا عبادت تو را ببیند؛ ولی بت ها چنین قدرتی ندارند.

۵. با آن که آزر -عموی ابراهیم(علیه السلام)- از او بزرگ تر بود اما ابراهیم(علیه السلام) به عمویش می گوید که از من پیروی کن تا تو را به راه درست هدایت کنم و دلیلی که برای این مطلب می آورد، همان دلیل عام تقلید جاهل از عالم است؛ [\(۱\)](#) یعنی می گوید من دانشی دارم که تو نداری، و به همین دلیل باید از من که دانشمند، متخصص و راه شناس هستم، پیروی کنی تا هدایت شوی.

۶. ابراهیم(علیه السلام) دعوت خود را از خویشاوندان نزدیکش شروع می کند؛ همان گونه که خدا به پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) نیز چنین دستور داد؛ [\(۲\)](#) زیرا تربیت نزدیکان لازم تر و زمینه ساز هدایت دیگران است.

۷. با این که آزر مردی مشرک، بت ساز، بت فروش و از عوامل بزرگ فساد و بت پرستی بود، ابراهیم(علیه السلام) با او خشونت نکرد و از طریق منطق -همراه با احترام- با او سخن گفت تا در صورت امکان او را هدایت کند.

۸. مقصود از «عبادت شیطان» در این آیه، همان پیروی از شیطان در مورد بت پرستی است که خود نوعی عبادت به شمار می آید.

۹. در احادیث از پیامبر(صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: «هرکس به سخن گویی گوش فرا دهد، او را پرستش کرده است؛ اگر این سخن گو از سوی خدا سخن بگوید، پس خدا را پرستیده است و اگر از سوی ابلیس سخن بگوید، پس ابلیس را پرستیده است». [\(۳\)](#)

ص: ۴۲۹

۱- (۱). گرچه تقلید در فروع دین است و مسئله ابراهیم(علیه السلام) با عمویش مربوط به اصول دین بود، ولی در این گونه مسائل نیز لازم است که افراد از راه نمایی دانشمندان استفاده کنند.

۲- (۲). شعراء، آیه ۱۱۴.

۳- (۳). عیون اخبارالرضا(علیه السلام)، ج ۱، ص ۳۰۳؛ تحف العقول، ص ۴۵۶؛ بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۳۹ و سفینه البحار، ج ۶، ص ۱۷، ماده ی «عبد». (این روایت از طریق امام رضا(علیه السلام) نیز نقل شده است).

۱۰. سخنان ابراهیم (علیه السلام) با عمویش بسیار جالب است؛ زیرا:

- با خطاب محبت آمیز «ای پدر» او را می خواند؛

- خود را دل سوز او معرفی می کند؛ طوری که عذاب او موجب ناراحتی ابراهیم (علیه السلام) است؛

- از تعبیر «عذابی از سوی خدای رحمان» استفاده کرده تا نشان دهد تو به واسطه شرک و بت پرستی کاری کرده ای که حتی خدایی که رحمتش عام است، بر تو خشم می گیرد؛

- به او هشدار می دهد که فرجام کار تو ولایت شیطان است؛ (۱) یعنی تو در جهنم به شیطان ملحق می شوی. (۲)

۱۱. در قرآن کریم شانزده بار واژه «رحمان» آمده که نام خاص خدا و نشان دهنده رحمت عام او بر همه موجودات است.

سوره مریم (علیها السلام) با یاد رحمت خدا آغاز می شود و در این آیات نیز دو بار واژه رحمان آمده است و این سوره با یاد رحمن پایان می گیرد. این مطلب اولاً نشان دهنده اهمیت نام رحمان در بین اسمای الهی است و ثانیاً نشان دهنده شناخت ملت های پیشین از این نام است.

آموزه ها و پیام ها

۱. رهبران الهی مثل پیامبران با خرافه بت پرستی مبارزه کنند؛

۲. مبلغان دینی دعوت را از خویشاوندان نزدیک شروع کنند؛

ص: ۴۳۰

۱- (۱). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۷۹.

۲- (۲). «ولی» در اینجا به معنای لغوی اش، یعنی از پی در آمدن و ملحق شدن آمده است تا بتواند نتیجه عذاب باشد.

۳. راستی و راست گویی از صفات پیامبر بزرگ الهی، ابراهیم (علیه السلام) بود (این صفات را از او بیاموزید)؛

۴. معبودان دروغین که شنوا و بینا نیستند و نمی توانند خطرها را از انسان دفع کنند، شایسته پرستش نیستند؛

۵. هرکس از دانشمندان الهی پیروی کند، به راه درست هدایت می شود؛

۶. شرک و بت پرستی، نوعی شیطان پرستی است؛

۷. فرجام شرک، همراهی با شیطان و گرفتاری در عذاب الهی است؛

۸. بت پرستی حتی خدای رحمت گستر را نیز به خشم می آورد؛

۹. مواظب خطر شیطان باشید و از او پیروی نکنید که فرجامی عذاب آلود دارد. (۱)

ادعای اعجاز تربیتی در آیات فوق

دکتر مصطفی رجب بعد از بیان مقدمه ای در مورد آیات فوق، از چهار جهت ادعای اعجاز تربیتی می کند. (۲) وی یادآور می شود که آیات فوق - که از ۵۱ کلمه تشکیل شده اند - گفت و گویی بین عالم و جاهل است که یکی پیامبر الهی و دیگری کافر است. این گفت و گو فونونی از تربیت و شیوه های جدید دعوت را دربر دارد؛ از جمله:

۱. ایجاد انگیزه دانستن و مطالعه در مرتبی: از نظر متخصصان تعلیم و تربیت، یادگیری بدون انگیزه امکان ندارد. در این آیات حضرت ابراهیم (علیه السلام) هدفی را برای یادگیری به آزر القا می کند که همان نفع و مصلحت در عبادت است؛ از این رو می پرسد: (... لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا)؛ یعنی بت هایی که

ص: ۴۳۱

۱- (۱). ر. ک: تفسیر قرآن مهر، ذیل آیه ۴۱ - ۴۵ سوره مریم.

۲- (۲). الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم، مصطفی رجب، ص ۱۸۲ - ۱۶۹.

نمی شنوند و نمی بینند، چگونه می توانند کمک کنند و نفعی برسانند و سزاوار عبادت باشند. وی با این سخن، آزر را به تفکر واداشت و انگیزه دانستن را در او ایجاد کرد تا به دنبال آن باشد که بداند چه کسی سزاوار پرستش است.

۲. جایزه قرار دادن برای متربی (تشویق): روش درست معلم آن است که متربی مشکل دار را با وعده تشویق به دنبال خود بکشاند. بر اساس آیات فوق، حضرت ابراهیم (علیه السلام) وعده هدایت به راه راست را به آزر داد تا بدین وسیله مخاطب جامدالفکر را به تبعیت وادارد: (فَاتَّبِعْنِي أَهْدِيكَ صِرَاطًا سَوِيًّا).

۳. بیان حقایق و ایجاد بصیرت در متربی: قانون شناخت در علوم تربیتی به ما می گوید که اگر متربی شناخت کافی در مورد تعلیم داشته باشد، کار برایش آسان می شود. از این رو حضرت ابراهیم (علیه السلام) عبادت بت ها را به عبادت شیطان ربط داد تا آزر خطر بت ها را بشناسد و از خواب غفلت بیدار شود: (يَا أَبَتِ لَا تُعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا).

۴. تهدید متربی: در شیوه تربیت هنگامی که توجه دادن به عقل و تشویق نتیجه ندهند، مربی به تنبیه روی می آورد. حضرت ابراهیم (علیه السلام) نیز بعد از طی مراحل تربیت، عذاب الهی را به آزر یادآور می شود: (يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ ...).

دکتر مصطفی رجب موارد فوق را از وجوه اعجاز تربیتی آیات مذکور می داند و می نویسد: «انه الاعجاز التربوي للقرآن الكريم في صورة من صورة و...» (۱).

بررسی

با توجه به ضوابط و شرایط اعجاز علمی - که در مباحث گذشته بیان شدند -

ص: ۴۳۲

به نظر می‌رسد مطالب دکتر مصطفی رجب در مورد آیات ۴۱ - ۴۵ سوره مریم (علیها السلام) از وجوه اعجاز تربیتی قرآن نیستند؛ بلکه مطالب و نکات شگفت‌انگیزی هستند که در آیات فوق مطرح شده‌اند؛ زیرا:

یکم) این روش‌ها (ایجاد انگیزه، بصیرت، تشویق و تهدید) ظاهراً از روش‌های ابتکاری قرآن نیستند؛ بلکه شیوه‌هایی عقلانی در تربیتند که همواره انسان‌ها قبل و بعد ابراهیم (علیه السلام) از آنها استفاده می‌کرده و می‌کنند؛ پس دیگران از آوردن مثل آن عاجز نبوده‌اند.

دوم) نکات تربیتی آیات فوق متضمن اخبار غیبی نیستند؛ همان‌طور که ارائه‌کننده یک نظام تربیتی یا نظام دعوت و تبلیغ خاص هم نیستند و تحوّل تربیتی‌ای را در تاریخ اثبات نمی‌کنند تا اعجاز علمی قرآن به شمار آیند.

تذکر: اگر ثابت شود که یکی از روش‌های تربیتی مذکور در آیات فوق، قبل از قرآن در بشریت مطرح نبوده و ابتکار قرآن و نوعی خبر غیبی است، می‌توان ادعای اعجاز علمی تربیتی در آیات فوق را مطرح کرد.

ابعاد علمی و نکات تربیتی آیات فوق

آیات فوق نکات شگفت‌انگیزی را درباره ابعاد علمی، اهداف و روش‌های مباحث تربیتی مطرح و صفات جالبی برای متربی بیان می‌کند که برخی از آنها را دکتر مصطفی رجب بیان کرده است و برخی دیگر نیز قابل بررسی هستند؛ از جمله:

الف) ابعاد علمی آیات

۱. اشاره به اهداف و روش‌های تربیتی (در ادامه خواهد آمد)؛

۲. اشاره به مباحث تاریخی (وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ ...)؛ (۱)

ص: ۴۳۳

۱- (۱). مریم، آیه ۴۱.

۳. اشاره به مباحث فراروان شناسی؛ مثل شیطان شناسی؛

۴. اشاره به برخی مباحث مدیریت؛ مثل رهبری و تبعیت از آن؛

۵. اشاره به برخی مباحث اخلاقی (صدیق)؛

۶. اشاره به برخی مباحث کلامی (مثل خداشناسی و معاد)؛

ب) مباحث تربیتی آیات

۱. اهداف تربیت: مانند: هدایت، نجات از عذاب، بصیرت، جلوگیری از انحراف و هم نشینی و عبادت شیطان و عصیان گری در برابر پروردگار؛

۲. روش های تربیتی: مانند: بشارت گری، هشدار گری، استدلال کردن، پرسش گری و دشمن شناسی؛

۳. بیان صفات مربی: مثل: صدیق، عالم، هدایت گر، دلسوز، دشمن شناس و منطقی؛

۴. نکات تربیتی: از جمله: جلب اعتماد متربی، احترام و ابراز محبت به متربی، شروع تربیت از خداشناسی، شروع با هدایت نزدیکان، یادآوری تاریخ درس آموز انبیا، تقدم تشویق بر تنبیه و تبلیغ چهره به چهره.

۲. اعجاز اقتصادی قرآن

اشاره

مقدمه

همان طور که در تاریخچه بحث اعجاز قرآن و اعجاز علمی گذشت، برخی از اقتصاددانان معاصر در مورد اعجاز اقتصادی قرآن کتاب نوشته و برخی مصادیق اعجاز اقتصادی را در آیات برشمرده اند؛ از جمله:

الف) الاعجاز الاقتصادي للقرآن الکریم، دکتر رفیق یونس المصری (دارالقلم، دمشق، ۱۴۲۶ق - ۲۰۰۵م)؛

ب) الاعجاز الاقتصادي فی القرآن الکریم، دراسه تأصیلیه تطبیقیه، دکتر اسامه

ص: ۴۳۴

البته شاید بتوان ریشه های اعجاز اقتصادی قرآن را در سخنان طنطاوی جوهری (م ۱۳۸۵ق) دانست که در مورد آیه ربا و تطبیق آن بر تحولات جنگ بین الملل ادعای اعجاز کرده بود؛ [\(۱\)](#) هرچند طنطاوی به روشنی از اعجاز اقتصادی سخن نگفته و مثال او نیز قابل تأمل و مناقشه است.

رویکردهای اعجاز اقتصادی قرآن

در مورد اعجاز اقتصادی قرآن سه رویکرد را می توان تصور کرد:

اول) گزاره های اقتصادی که قبل از قرآن کسی بیان نکرده و بعد از قرآن حقانیت آنها کشف شده است و نوعی رازگویی اقتصادی به شمار می آیند؛

دوم) استنباط نظام اقتصادی ای از قرآن که برتری آن بر نظام های مشابه ثابت شود و بشر از آوردن مثل آن عاجز باشد؛

سوم) نقش اعجاز آمیز قرآن در تحوّل اقتصادی جامعه صدر اسلام که در مدت کوتاهی با اجرای قوانین اقتصادی قرآن اتفاق افتاد. مکاتب اقتصادی بشری چنین تأثیر نداشته اند.

معمولاً کسانی که اعجاز اقتصادی قرآن را بیان کرده اند با رویکرد اول وارد بحث شده اند؛ مثلاً دکتر «اسامه السید عبدالسمیع» اعجاز اقتصادی را این گونه تعریف می کند: «الایاتان بمنهج اقتصادی شامل یجمع بطریق التوازن بین مصالح الدنیا و الآخرة للفرد والمجتمع علی حدّ سواء مع عجز البشر عن الایاتان بمثله علی مرّ الازمان». [\(۲\)](#)

تذکر: این تعریف در ادامه مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

ص: ۴۳۵

-
- ۱- (۱). تفسیر الجواهر، طنطاوی، ج ۱، ص ۲۷۱.
 - ۲- (۲). الاعجاز الاقتصادي فی القرآن الکریم، ص ۶۶.

الف) دکتر رفیق یونس المصری در باب اعجاز اقتصادی قرآن مصادیق زیر را برشمرده است (۱):

۱. مشکل اقتصادی: (زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ ...)؛ (۲)
۲. انسان اقتصادی رشید: (وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ ...)؛ (۳)
۳. سیاست تقلیل خسارت: (...حَتَّى إِذَا زَكَبْنَا فِي السِّفِينِ خَرَقَهَا...)؛ (۴)
۴. نظریه صبر در نظریه های رشد: (...تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ...)؛ (۵)
۵. نظریه های فایده (تحریم ربا): (... وَ حَرَّمَ الرِّبَا...)؛ (۶)
۶. قرض عقد معاوضه ناقص: (...فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ ...)؛ (۷)
۷. برتری زمانی: (...يُجِبُونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذْرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا)؛ (۸)
۸. اعطای زکات بر موارد مصرف و کارگزاران: (إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا...)؛ (۹)

ص: ۴۳۶

۱- (۱). ایشان در مقدمه کتاب یادآور می شود که ما به تفسیر علمی اقتصادی وارد شدیم و امید است که نمونه هایی که از علم اقتصاد انتخاب کردیم، از باب حقایق و قوانین اقتصادی شمرده شود که ما آیات را با آنها تفسیر کرده و به اعجاز اقتصادی می رسیم و به تفسیر اقتصادی اکتفا نمی کنیم (الاعجاز الاقتصادي للقرآن الکریم، ص ۱۹). در جای دیگر نیز یادآور می شود که هر کس اعجاز اقتصادی را منکر شود، باید اقتصاد اسلامی را از اصل منکر شود (همان، ص ۱۸).

۲- (۲). آل عمران، آیه ۱۴.

۳- (۳). نسا، آیه ۵.

۴- (۴). کهف، آیه ۷۱.

۵- (۵). عصر، آیه ۳.

۶- (۶). بقره، آیه ۲۷۵.

۷- (۷). بقره، آیه ۲۷۹.

۸- (۸). انسان، آیه ۲۷.

۹- (۹). توبه، آیه ۶۰.

۹. تأثیر عوامل ثابت و متغیر در نتیجه اقتصادی: (يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ نَفَضُ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ ...)؛ (۱)

۱۰. فواید افزایش: (وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ ...)؛ (۲)

۱۱. مزایای نسبی: (...قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا...)؛ (۳)

۱۲. توزیع خطرات: (...لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ...)؛ (۴)

۱۳. توزیع ثروت در بین مردم (...كَيْ لَا يَكُونَ دُولَهُ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ...)؛ (۵)

۱۴. گسترش انواع فساد در زمین (ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ...)؛ (۶)

۱۵. وجود اصول و اشارات علم محاسبات در قرآن. (۷)

ب) دکتر اسامه السید عبدالسمیع نیز ضمن پذیرش برخی از موارد فوق (مثل زکات و تحریم ربا) به برخی موارد مثل زکات اضافه کرده است مثلاً:

برخی از موارد اعجاز اقتصادی را اضافه کرده است:

۱۶. وسایل انفاق و اعجاز اقتصادی آنها؛

۱۷. رعایت اعتدال در انفاق؛

۱۸. امنیت اقتصادی در اسلام؛

۱۹. توازن در ارتباط بین خریدار و فروشنده؛

۲۰. عدم جواز تعدی به اموال دیگران به وسیله دزدی و...؛

ص: ۴۳۷

۱- (۱). رعد، آیه ۴.

۲- (۲). اعراف، آیه ۵۸.

۳- (۳). فصلت، آیه ۱۰.

۴- (۴). یوسف، آیه ۶۷.

۵- (۵). حشر، آیه ۷.

۶- (۶). روم، آیه ۴۱.

٧-٧) . الاعجاز الاقتصادي للقرآن الكريم، دكتور رفیق، یونس المصری، ص ١٠٩-٢٤.

۲۱. وفای به پیمان ها، عهدنامه ها و وعده ها؛

۲۲. نوشتن و گواهی دادن بر اموال در هنگام گرفتن و پرداختن؛

۲۳. تفاوت در رزق؛

۲۴. محبت مال و تأثیر آن در رشد اقتصادی؛

۲۵. دعای اقتصادی در قرآن؛

۲۶. برنامه غذایی در داستان یوسف (علیه السلام) (نمونه ای تطبیقی از اعجاز اقتصادی قرآن)؛

۲۷. برنامه اقتصادی شعیب (علیه السلام) (نمونه ای از اعجازهای اقتصادی قرآن).

- استخلاف در مال و اعجاز اقتصادی آن؛

- اطلاق نوع مال در زکات و نصاب آن؛

- اعجاز اقتصادی در نصاب زکات؛

- اعجاز اقتصادی در تشویق بر سودگیری و نهی از گنج اندوزی؛

- اعجاز اقتصادی در امر به زکات و نهی از اسراف؛

- اعجاز اقتصادی در تعبیر صدقه در مورد زکات.

بررسی: اعجاز اقتصادی قرآن، مطلبی نوآمد و قابل تقدیر است و در بین مطالبی که در این گونه کتاب ها ذکر شده اند، نکات جالب و قابل توجهی به چشم می خورند؛ اما برخی از مصادیق ادعا شده در اعجاز اقتصادی، از دو جهت قابل نقد و بررسی هستند:

اول) اشکالات عام

۱. مفهوم اعجاز اقتصادی به خوبی تبیین نگردیده و ضوابط آن روشن نشده است. در کتاب دکتر رفیق یونس المصری، تعریفی از اعجاز اقتصادی نیافتیم؛ اما آقای دکتر اسامه السید عبدالسمیع تعریفی ناقص از اعجاز اقتصادی بیان کرده است

ص: ۴۳۸

که فقط به یکی از سه رویکرد اعجاز اقتصادی (گزاره های جدید اقتصادی در قرآن، استنباط نظام اقتصادی از قرآن و نقش اعجاز آمیز قرآن در تحول اقتصادی) (۱) اشاره دارد و به تمام ضوابط اعجاز علمی (مثل: نوآمد بودن مطلب و قطعی بودن مطلب علمی مورد استفاده در بحث) اشاره نشده است. وی در مورد تعریف اعجاز اقتصادی می نویسد: «الاتیان بمنهج اقتصادی شامل یجمع بطریق التوازن بین مصالح الدنیا والاخره للفرد والمجتمع علی حدّ سواء مع عجز البشر عن الایتان بمثله علی مرّ الزمان». (۲)

۲. در موارد ادعایی فوق معمولاً شرایط و معیارهای اعجاز علمی رعایت نشده است. یکی از ضوابط اعجاز علمی آن است که کسی قبل از قرآن، آن مطلب را نگفته باشد؛ درحالی که برخی موارد فوق (مثل وفای به عهد، پیمان و وعده) در بین عقلای بشر مشهور بوده و بر آنها تأکید می شده است؛ هرچند برخی مردم عهدشکن بوده و هستند.

۳. در موارد ادعایی فوق، بین تفسیر علمی و اعجاز علمی خلط شده است. بسیاری از مواردی که دکتر رفیق یونس المصری ارائه کرده است توضیح و تفسیر اقتصادی آیات قرآن هستند؛ مثل بحث تأثیر عوامل ثابت و متغیر در نتیجه اقتصادی: (... یُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ نُفَّضَ لُبَّهَا عَلٰی بَعْضِ فِی الْأُكُلِ ...)؛ (۳) وی یادآور می شود این مسئله همان طور که در علم اقتصاد مشهور است، فقهای قدیم هم آن را می شناختند و در فقه پیاده می کردند. (۴)

حال سوال این است: چگونه چیزی که مشابه آن در علوم دیگر هست و از

ص: ۴۳۹

۱- (۱). این سه مورد در بحث اعجاز اقتصادی در توضیح داده شدند.

۲- (۲). الاعجاز الاقتصادي للقرآن الکریم، ص ۸۰ - ۸۲.

۳- (۳). رعد، آیه ۴.

۴- (۴). الاعجاز الاقتصادي للقرآن الکریم، ص ۶۶.

قدیم مورد استفاده بوده می تواند اعجاز علمی قرآن باشد؟! در حقیقت دکتر رفیق یونس به توضیح علمی آیه پرداخته و گمان کرده هر آیه ای که با قاعده ای اقتصادی تطبیق شود، اعجاز اقتصادی است.

۴. برخی از موارد ادعایی در اعجاز اقتصادی، در حقیقت نوعی نظریه پردازی علمی قرآنی در حوزه اقتصاد است. (۱)

مثلاً- دکتر اسامه بحث دعای اقتصادی و تأثیر آن در مسائل اقتصادی و لزوم دعای مادی و معنوی با هم دیگر را از اعجازهای اقتصادی قرآن می داند. (۲)

این مطلبی نیست که اقتصاددانان تأثیر آن را ثابت کرده باشند تا بتواند نوعی رازگویی قرآنی در مسائل اقتصادی باشد؛ هرچند این مطلب مهم است و قرآن کریم در آیات متعددی به رابطه امور معنوی با رشد اقتصادی اشاره کرده است (و می تواند نوعی نظریه پردازی در اقتصاد باشد). مثل:

(اسْتَعِظُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا)؛ (۳) «از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ [چرا] که او بسیار آمرزنده است؛ تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما [فرو] فرستد»؛

(وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ ...)؛ (۴) «و اگر (بر فرض) اهل آبادی ها ایمان می آوردند و خودنگه داری می کردند، حتماً برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می گشودیم».

ص: ۴۴۰

۱- (۱). در مورد نظریه پردازی علمی قرآنی و تفاوت آن با اعجاز علمی در مبحث مفهوم شناسی مطالبی بیان شدند.

۲- (۲). ر.ک: الاعجاز الاقتصادي في القرآن الكريم، ص ۳۱۲.

۳- (۳). نوح، آیه ۱۰ و ۱۱.

۴- (۴). اعراف، آیه ۹۶.

دکتر رفیق یونس نیز با استفاده از آیه (وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ) (۱) نظریه صبر را در ردیف نظریه های رشد اقتصادی غربی ها ذکر می کند و صبر را به معنای تحمّل مشکلات و مقاومت معنا می کند؛ نه صرف انتظار. (۲) گرچه این نکته جالب است و جای بررسی و تأمل دارد، ولی اعجاز علمی و اقتصادی بر آن صدق نمی کند؛ بلکه نوعی نظریه پردازی است.

۵. عدم رعایت شرایط و ضوابط تفسیر برخی از مواردی که در آنها ادعای اعجاز اقتصادی شده، دلالت آیه بر مطلب را با مشکل روبه رو کرده است؛ مثلاً در مورد اعجاز اقتصادی قرآن در تحریم تدریجی ربا، آقای دکتر اسامه السید عبدالسمیع چنین سوره های قرآن را در چهار مرحله انعام، نساء، آل عمران و بقره قرار داده است؛ (۳) در حالی که ترتیب نزول سوره های فوق بدین صورت است: (انعام، بقره، آل عمران و نساء). (۴) بنابراین دقت کافی در مباحث تفسیری صورت نگرفته است. (۵)

دکتر رفیق یونس المصری نیز در کتاب الاعجاز الاقتصادية للقرآن الکریم فصلی را با عنوان «علم المحاسبه: هل له اصول او اشارات فی القرآن؟» آورده است که در آنجا از لفظهای «حاسب» (۶) و «یحاسب» (۷) محاسبه مفید در علم حساب را استفاده کرده است. همچنین از آیه (...هُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ) (۸) سرعت

ص: ۴۴۱

۱- (۱). عصر، آیه ۳.

۲- (۲). ر. ک: الاعجاز الاقتصادية للقرآن الکریم، ص ۵۵ - ۵۶.

۳- (۳). الاعجاز الاقتصادية فی القرآن الکریم، ص ۱۶۲ - ۱۶۰.

۴- (۴). تفسیر قرآن مهر، مقدمه سوره های فوق الذکر.

۵- (۵). این مورد در مباحث آینده به صورت کامل مورد بررسی قرار می گیرد.

۶- (۶). طلاق، آیه ۸.

۷- (۷). انشقاق، آیه ۸.

۸- (۸). انعام، آیه ۶۲.

محاسبه را نتیجه می گیرد که بعد از ظهور کامپیوتر زیاد شده است. (۱)

روشن است که این گونه مطالب نمی توانند مصداق اعجاز اقتصادی قرآن باشند. برداشت علم حساب از این آیات - که مربوط به قیامتند - مشکل و در واقع برداشتی ذوقی است.

دوم) اشکالات خاص

در اینجا یک مورد از آیاتی را که در آنها ادعای اعجاز اقتصادی شده است، بررسی می کنیم تا اشکالات موردی آنها روشن شوند.

تحریم ربا

یکی از مواردی که در کتاب های اعجاز اقتصادی قرآن از مصادیق اعجاز شمرده شده است (۲) - بلکه برخی آن را از چند جهت اعجاز اقتصادی دانسته اند - (۳) مسئله ممنوعیت ربا در قرآن است.

مفهوم شناسی: «ربا» در لغت به معنای «زیاده» (۴) و در شریعت به معنای اضافه گرفتن پول یا جنس در دادوستد دو جنس همسان است؛ در حالی که عوضی برای آن قرار داده نشده باشد.

ربا یعنی وقتی کسی چیزی را قرض می دهد، شرط کند زیادتر از مقداری که می دهد بگیرد یا جنسی که با وزن و پیمان می فروشد به زیادتر از همان جنس بفروشد یا علاوه بر عوض همان جنس، مقداری پول یا جنس دیگر بگیرد. (۵)

ص: ۴۴۲

۱- (۱). الاعجاز الاقتصادي للقرآن الكريم، ص ۱۰۹ - ۱۱۱.

۲- (۲). همان، ص ۶۱ به بعد.

۳- (۳). همان، ص ۱۳۷ به بعد.

۴- (۴). قاموس المحيط، فیروز آبادی، ج ۴، ص ۳۲۶.

۵- (۵). ر.ک: کتب فقهی و رساله های عملیه مراجع تقلید، ذیل مبحث معاملات حرام و احکام قرض.

در آیات متعددی از قرآن کریم ربا سرزنش گردیده یا ممنوع اعلام شده است؛ از جمله:

(الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكِ بَأْنَهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) ؛ (۱) «کسانی که ربا می خورند بر نمی خیزند، مگر همانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس دیوانه (و آشفته سر)ش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: معامله فقط همانند رباست؛ حال آن که خدا معامله را حلال کرده و ربا را حرام نموده است. و هرکس پندی از جانب پروردگارش به او رسد و (به رباخواری) پایان دهد، پس آن چه (از سود در) گذشته (به دست آورده) فقط از آن اوست و کارش با خداست؛ و [لی] کسانی که [به رباخواری] بازگشتند، پس آنان اهل آتشند [و] در آن ماندگارند»؛

(يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ يُزْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ) ؛ (۲) «خدا ربا را [به تدریج] نابود می کند و بخشش های خالصانه را رشد می دهد. و خدا هر بسیار ناسپاس گنه پیشه ای را دوست نمی دارد»؛

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ) ؛ (۳) «ای کسانی که ایمان آورده اید! خودتان را از [عذاب] خدا حفظ کنید و اگر مؤمنید، آن چه از ربا باقی مانده است، رها کنید»؛

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) ؛ (۴) «ای

۱- (۱) . بقره، آیه ۲۷۵.

۲- (۲) . بقره، آیه ۲۷۶.

۳- (۳) . بقره، آیه ۲۷۸.

۴- (۴) . آل عمران، آیه ۱۳۰.

کسانی که ایمان آورده اید! ربا (و سود) را چندین برابر مخورید و خودتان را از [عذاب] خدا نگه دارید؛ باشد که رستگار شوید»؛

(وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاٍ لِيَرْبُوتَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْغِفُونَ) ؛
(۱) «و آن چه از ربا می دهید تا در اموال مردم افزون شود، پس نزد خدا فزونی نمی یابد و آن چه از [مالیات] زکات می پردازید، در حالی که (خشنودی) ذات خدا را می خواهید، پس تنها آنان (بدان) افزون یافتگانند».

در احادیث پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) نیز بر حرمت ربا تأکید شده است. (۲)

پیشینه

ربا در ادیان الهی سابق نیز حرام بود و حتی به این مطلب در قرآن اشاره شده که ربا در یهود حرام شده بود و یهودیان را برای رباخواری سرزنش می کند:

(وَ أَخَذِهِمُ الرَّبُّوَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا) ؛ (۳) «و (همچنین به خاطر) ربا گرفتیشان، در حالی که به یقین از آن منع شده بودند، و به ناروا خوردنشان اموال مردم را، و برای کافران از ایشان عذاب دردناکی آماده کرده ایم».

در تورات ممنوعیت ربا این گونه آمده است:

«از خدا بترس و از برادرت ربا نگیر» (۴) و «نقره هایت را به ربا قرض نده». (۵) در انجیل نیز به ممنوعیت ربا اشاره شده است.

(۶)

ص: ۴۴۴

۱- (۱) . روم، آیه ۳۹.

۲- (۲) . ر. ک: صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۲۱۱ و کافی، ج ۵، باب الربا، ص ۱۴۴ - ۱۴۶.

۳- (۳) . نساء، آیه ۱۶۱.

۴- (۴) . تورات، سفر لاویان، شماره ۳۶.

۵- (۵) . همان، سفر خروج، شماره ۲۵.

۶- (۶) . انجیل لوقا، ش ۳۴ - ۳۵.

الف) اعجاز در ضررهای رباخواری

زیان های ربا را به چند دسته تقسیم کرده اند:

۱. ضررهای روانی و اخلاقی

(الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)؛ (۱) «کسانی که ربا می خورند بر نمی خیزند، مگر همانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس دیوانه (و آشفته سر)ش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: معامله فقط همانند رباست؛ حال آن که خدا معامله را حلال کرده و ربا را حرام نموده است. و هرکس پندی از جانب پروردگارش به او رسد و (به رباخواری) پایان دهد، پس آن چه (از سود در) گذشته (به دست آورده) فقط از آن اوست و کارش با خداست؛ و [لی] کسانی که [به رباخواری] بازگشتند، پس آنان اهل آتشند [و] در آن جا ماندگارند».

این در مقابل صدقات و زکات است که موجب پاکی روح می شود. (۲)

۲. ضررهای دینی (خشم خداوند)

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ * فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتِمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ)؛ (۳) «ای کسانی که ایمان آورده اید! خودتان را از [عذاب] خدا حفظ کنید و اگر مؤمنید،

ص: ۴۴۵

۱- (۱). بقره، آیه ۲۷۵.

۲- (۲). توبه، آیه ۱۰۳.

۳- (۳). بقره، آیات ۹ - ۲۷۸.

آن چه از ربا باقی مانده است رها کنید؛ و اگر (چنین) نکردید، پس اعلام کنید که در جنگ با خدا و فرستاده اش هستید؛ و اگر توبه کنید، پس اصل سرمایه هایتان، فقط از آن شماسه؛ ستم نمی کنید و مورد ستم واقع نمی شوید».

رباگیری از دیگران نوعی جفاکاری است و موجب دشمنی بین مردم می شود؛ درحالی که وام دادن بدون ربا محبت بین مردم را زیاد می کند. (۱)

۳. ضررهای اقتصادی

ربا از یک سو به کسی که پول ربایی را می گیرد ضرر می زند و از سوی دیگر کسی که ربا می دهد به سود زیادی نمی رسد؛ چون اگر آن را مستقیم در کار اقتصادی صرف کند سود زیادتری به دست می آورد. (۲)

۴. ضررهای سیاسی داخلی و خارجی

رباخواری مانع گردش ثروت در جامعه و رونق تجارت، صنعت و کشاورزی می شود، اقتصاد داخلی را ضعیف می کند و مشکلات سیاسی به بار می آورد. در بعد خارجی نیز وام های ربوی که برخی دولت ها می گیرند زمینه ساز تسلط دولت وام دهنده بر دولت وام گیرنده می شود که نتیجه آن، استعمار اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. (۳) نمونه های متعددی از این مسئله را در کشورهای ضعیف اروپا، آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی می بینیم.

ب) اعجاز قرآن در تحریم تدریجی ربا

مرحله اول: موعظه به این مسئله که ربا رشدآور نیست:

ص: ۴۴۶

۱- (۱). الاعجاز الاقتصادي فی القرآن الکریم، ص ۱۵۴.

۲- (۲). همان، ص ۶ - ۱۵۵.

۳- (۳). همان، ص ۱۵۸.

(وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيُرِيُوْا فِيْ اَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَزْبُوْا عِنْدَ اللّٰهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَوٰةٍ تُرِيْدُوْنَ وَجْهَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُضْغَفُوْنَ) ؛
(۱) «و آن چه از ربا می دهید تا در اموال مردم افزون شود، پس نزد خدا فزونی نمی یابد؛ و آنچه از [مالیات] زکات می پردازید، درحالی که (خشنودی) ذات خدا را می خواهید، پس تنها آنان (بدان) افزون یافتگانند».

مرحله دوم: بیان سوابق تحریم ربا بر یهود و عواقب رباخواری آنان:

(فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِيْنَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ اُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بَصِيْدُهُمْ عَن سَبِيْلِ اللّٰهِ كَثِيْرًا * وَ اَخَذْنَاهُمُ الرِّبَا وَ قَدْ نُهِيَ عَنْهُ وَ اَكْلِهِمْ اَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ اَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِيْنَ مِنْهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا) ؛ (۲) «و به خاطر ظلم کسانی که یهودی شدند و به سبب منع زیادشان از راه خدا، (بخشی از خوراکی های) پاکیزه ای را که برای آنان حلال شده بود، بر آنان حرام کردیم؛ و (همچنین به خاطر) ربا گرفتنشان، درحالی که به یقین از آن منع شده بودند، و به ناروا خوردنشان اموال مردم را، و برای کافران از ایشان عذاب دردناکی آماده کرده ایم».

مرحله سوم: ممنوعیت رباخواری فاحش:

(يَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا اَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ) ؛ (۳) «ای کسانی که ایمان آورده اید! ربا (و سود) را چندین برابر مخورید و خودتان را از [عذاب] خدا ننگه دارید؛ باشد که رستگار شوید».

مرحله چهارم: تحریم قطعی و صریح ربا:

(الَّذِيْنَ يَأْكُلُوْنَ الرِّبَا لَا يَقُوْمُوْنَ اِلَّا كَمَا يَقُوْمُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَالُوْا اِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَ اَحَلَّ اللّٰهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا)

ص: ۴۴۷

۱- (۱) . روم، آیه ۳۹.

۲- (۲) . نسا، آیات ۱۶۰-۱۶۱.

۳- (۳) . آل عمران، آیه ۱۳۰.

(سَيَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَ مَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)؛ (۱) «کسانی که ربا می خورند بر نمی خیزند، مگر همانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس دیوانه (و آشفته سر) ش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: معامله فقط همانند ریاست؛ حال آن که خدا معامله را حلال کرده و ربا را حرام نموده است. و هر کس پندی از جانب پروردگارش به او رسد و (به رباخواری) پایان دهد، پس آن چه (از سود در) گذشته (به دست آورده) فقط از آن اوست و کارش با خداست؛ و [لی] کسانی که [به رباخواری] بازگشتند، پس آنان اهل آتشند [و] در آن جا ماندگارند».

با توجه به این که عرب ها در عصر جاهلیت با رباخواری انس گرفته بودند و اقتصاد آنها مبتنی بر ربا بود، اگر قرآن یکباره رباخواری را ممنوع می کرد، شوک شدیدی به آنها وارد می شد و خرج لازم می آمد. بنابراین بر اساس برنامه ای حکیمانه، تحریم ربا در چند مرحله انجام شد و این اعجاز قرآن بود. (۲)

ج) اعجاز اقتصادی در همراهی حرمت ربا با حلال شمردن معامله

در قرآن همراه با حرمت ربا، بیع حلال شده است و این دو با یکدیگر قیاس شده اند: (...قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلَ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا...). (۳) نفی مشابهت معامله حلال با رباخواری حرام و باز گذاشتن راه سودآوری از طریق معامله، از اعجازهای اقتصادی قرآن است. (۴)

ص: ۴۴۸

۱- (۱) . بقره، آیه ۲۷۵.

۲- (۲) . همان، ص ۲ - ۱۶۰.

۳- (۳) . بقره، آیه ۲۷۵.

۴- (۴) . همان، ص ۷ - ۱۶۳.

قرآن می فرماید:

(يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ) ؛ (۱) «خدا ربا را [به تدریج] نابود می کند و بخشش های خالصانه را رشد می دهد. و خدا هر بسیار ناسپاس گنه پیشه ای را دوست نمی دارد».

برخی مستشرقان به آیه فوق اشکال می گیرند که در ظاهر ربا موجب افزایش ثروت است و صدقات ثروت را می کاهد؛ در حالی که قرآن برعکس گفته و این نشان دهنده تناقض در آیه است. اما با تأمل در آیه روشن می شود که حقیقت همان است که قرآن فرموده و این از اعجازهای اقتصادی قرآن است که خبر می دهد: اولاً صدقه موجب برکت مادی و معنوی در اموال می شود؛

ثانیاً ربا همچون سرطانی اقتصاد را نابود می کند و برکت را از اموال می برد و زیاده ای که در اثر ربا حاصل می شود، توهم است. (۲)

ه) اعجاز اقتصادی در برگشت اصل مال به رباخوار توبه کار

خداوند متعال در قرآن می فرماید: (فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ * وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ) ؛ (۳) «و اگر (چنین) نکرديد، پس اعلام کنید که در جنگ با خدا و فرستاده اش هستید؛ و اگر توبه کنید، پس اصل سرمایه هایتان فقط

ص: ۴۴۹

۱- (۱). بقره، آیه ۲۷۶.

۲- (۲). ر.ک: تفسیر مراغی، ج ۳، ص ۲۷۶؛ تفسیر قرطبی، ج ۳، ص ۳۴۰؛ تفسیر فخر رازی، ج ۷، ص ۱۰۲ و الاعجاز الاقتصادي في القرآن الكريم، ص ۱۶۸ - ۱۷۱.

۳- (۳). بقره، آیات ۲۷۹ و ۲۸۰.

از آن شماسست؛ ستم نمی کنید و مورد ستم واقع نمی شوید؛ و اگر (فرد) تنگ دستی باشد، پس تا [هنگام] گشایش، مهلتی [دهید،] و بخشش خالصانه (بدهی او) برایتان بهتر است؛ اگر بدانید».

در این آیه به ترک ربا و آثار آن امر شده و نسبت به جنگ با خدا و رسول هشدار داده شده است. همچنین برای توبه از رباخواری دو علامت قرار داده شده است: یکی گرفتن اصل مال بدون زیادی و دیگری مهلت دادن به بدهکاری که مشکل دارد. این موارد را می توان از وجوه اعجاز اقتصادی در آیات فوق دانست. (۱)

(و) شکست مکاتب اقتصادی مبتنی بر ربا در جهان

خدای متعال در قرآن می فرماید: (وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاٍ لِيَرْبُؤَا فِيْ اَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤَا عِنْدَ اللّٰهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُوْنَ وَجْهَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُوْنَ) ؛ (۲) «و آنچه از ربا می دهید تا در اموال مردم افزون شود، پس نزد خدا فزونی نمی یابد؛ و آنچه از [مالیات] زکات می پردازید، درحالی که (خشنودی) ذات خدا را می خواهید، پس تنها آنان (بدان) افزون یافتگانند».

دکتر رفیق یونس المصری با بیان آیه فوق معتقد است که در جهان، نظام های اقتصادی متعددی مبتنی بر رباخواری اختراع و اجرا شده اند؛ ولی هیچ کدام نتوانسته اند از نظر علمی جواز ربا را حل کنند. عجز این دانشمندان، نوعی اعجاز قرآن است که فرموده زکات موجب رشد اقتصادی است و رباخواری موجب رشد و نجات و رستگاری نمی شود. (۳) وی با ذکر شواهد متعددی از سخنان دانشمندان غربی و با استناد به آیه زیر می نویسد:

ص: ۴۵۰

۱- (۱). الاعجاز الاقتصادي في القرآن الكريم، ص ۱۷۵ - ۱۷۷.

۲- (۲). روم، آیه ۳۹.

۳- (۳). الاعجاز الاقتصادي للقرآن الكريم، ص ۶۱.

(الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)؛ (۱) «کسانی که ربا می خورند بر نمی خیزند، مگر همانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس دیوانه (و آشفته سر)ش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: معامله فقط همانند ریاست؛ حال آن که خدا معامله را حلال و ربا را حرام نموده است. و هر کس پندی از جانب پروردگارش به او رسد و (به رباخواری) پایان دهد، پس آن چه (از سود در) گذشته (به دست آورده) فقط از آن اوست و کارش با خداست؛ و [لی] کسانی که [به رباخواری] بازگشتند، پس آنان اهل آتشند [و] در آن ماندگارند».

شاید جنگ ها و مشکلاتی که در جهان کنونی واقع می شوند نتیجه، گسترش ربا در جهان باشد. (۲)

از اینجا روشن می شود که علم اقتصاد نتوانسته است با دین معارضه کند؛ بلکه نظریه هایی ناقص در مورد سود ارائه کرده اند که برخی رد شده اند و برخی نیز غیر کافی بوده اند و علمای اقتصادی نتوانسته اند خلاف نظر قرآن را اثبات کنند. و این نمونه ای تازه از اعجاز اقتصادی قرآن است. (۳)

بررسی اعجاز تحریم ربا در قرآن

ادعاهای اعجاز اقتصادی ای که در مورد آیات تحریم ربا شد از چند جهت قابل بررسی و نقد هستند:

ص: ۴۵۱

۱- (۱). بقره، آیه ۲۷۵.

۲- (۲). الاعجاز الاقتصادي للقرآن الکریم، ص ۶۳؛ مشابه این سخن را طنطاوی در تفسیرش گفته و جنگ جهانی قرن بیستم را نتیجه رباخواری غرب دانسته بود (ر.ک: الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۷۱).

۳- (۳). الاعجاز الاقتصادي للقرآن الکریم، ص ۶۵.

الف) اصل تحریم ربا در ادیان گذشته مثل یهود و مسیحیت وجود داشته است (همان طور که گذشت)؛ پس تحریم ربا نوعی رازگویی و خبر غیبی قرآن نیست. به عبارت دیگر این ادعا حداقل یکی از شرایط اعجاز علمی را ندارد؛ یعنی همان خبر غیبی ای که قبل از قرآن کسی نگفته باشد. بنابراین آیات ممنوعیت ربا از این جهت اعجاز اقتصادی نیست.

ب) اعجاز اقتصادی آیات تحریم ربا به عنوان خبر غیبی و رازگویی قرآن از نظر ضررهای آن - که در قرآن و احادیث اشاره شده است - قابل طرح است؛ زیرا همان طور که گذشت در سوره بقره (آیات ۲۷۵ - ۲۷۹) به برخی از ضررهای روانی، اخلاقی و دینی رباخواری و نیز رشد و برکت اقتصادی صدقات و نقصان و بی برکتی ربا اشاره شده است. این مطلب در طول تاریخ بارها اتفاق افتاده و قابل تجربه است.

البته برخی ضررهای مطرح شده در کتاب های فوق الذکر (مثل ضررهای سیاسی) به صورت صریح در قرآن نیامده اند و تطبیق برخی آیات بر مواردی مثل جنگ جهانی و مانند آن قابل تأمل است؛ مگر آن که از باب ذکر مصادیق غیر انحصاری در طول اعصار باشد.

ج) اعجاز قرآن در تحریم تدریجی ربا از نظر تفسیری قابل قبول نیست؛ زیرا با ترتیب نزول سوره های قرآن انطباق ندارد.

دکتر اسامه مرحله اول را با سوره روم، مرحله دوم را با سوره نساء، مرحله سوم را با سوره آل عمران و مرحله چهارم را با سوره بقره تصویر کرده است؛ درحالی که سوره های فوق به این ترتیب نازل شده اند:

۱. سوره روم: هشتاد و سومین سوره (در مکه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد)؛

۲. سوره بقره: هشتاد و ششمین سوره (در مدینه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد)؛

۳. سوره آل عمران: هشتاد و هشتمین سوره (در مدینه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد)؛

۴. سوره نساء: نود و یکمین سوره (در مدینه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد). (۱)

بنابراین در ترتیب نزول آیات تحریم ربا، نساء در آخر است؛ اما دکتر اسامه آن را در مرحله دوم قرار داده بود. سوره آل عمران نیز بعد از سوره بقره است؛ درحالی که وی آن را قبل از سوره بقره قرار داده بود.

د) در ذکر حرمت ربا همراه باحلیت معامله و نیز برگشت اصل سرمایه به ربا دهنده هنگام توبه نیز اعجاز اقتصادی قرآن روشن نیست. حلال بودن معامله امری طبیعی است که قبل از قرآن هم وجود داشته و قرآن آن را تأیید کرده است. برگشت اصل مال به ربا دهنده هم طبیعی است. به عبارت دیگر قرآن در صدد بیان ابعاد مسئله رباخواری است؛ نه بیان خبر غیبی که اعجاز اقتصادی باشد.

ه) شکست مکاتب و نظریه های اقتصادی در تبیین علمی جواز رباخواری، در حقیقت به بحث نظام اقتصادی قرآن و اثبات برتری آن بر نظام های اقتصادی بشری برمی گردد. این امر مستلزم آن است که نظام اقتصادی قرآن به صورت کامل استنباط و کارآمدی آن با نظام های مشابه (مانند نظام های سوسیالیستی و لیبرالیستی) هم از جنبه نظری و هم از جنبه عملی مقایسه گردد تا اعجاز اقتصادی قرآن روشن شود. اما این پژوهش به صورت کامل در کتاب های فوق الذکر انجام نشده است؛ هرچند اصل این مسئله قابل طرح است و نشانه های آن در شکست نظام اقتصادی سوسیالیسم ظاهر شده است.

تذکر: یکی از نکات جالب و شگفت انگیز قرآن در مباحث اقتصادی ایجاد تغییر در رویکرد انسان مسلمان به مال است که: اولاً آن را مایه آزمایش (فتنه) می داند؛ ثانیاً

ص: ۴۵۳

۱- (۱). ر.ک: تفسیر قرآن مهر، مقدمه سوره بقره، آل عمران، نساء، انعام که با عنوان سیمای سوره های فوق آمده است و نیز کتاب سیمای سوره های قرآن از نگارنده.

آن را کشتزاری برای آخرت می داند؛ ثالثاً انسان را جانشین (مستخلف) در آن معرفی می کند؛ رابعاً انسان را ایثارگر و انفاق گر نسبت به آن تربیت می کند.

این مطلب را شاید بتوان به عنوان زیرمجموعه اعجاز اقتصادی قرآن در بعد ایجاد تغییر و نقش تاریخی آن مطرح کرد.

۳. اعجاز مدیریتی قرآن

اشاره

مقدمه

نظریه اعجاز مدیریتی قرآن، اندیشه ای نوآمد در وجوه اعجاز علمی قرآن است که در سال ۱۳۸۹ش توسط دکتر امیرعلی لطفی در مجله تخصصی قرآن و علم (ش ۷) مطرح شد. در اینجا ابتدا گزارشی از این نظریه ارائه و سپس آن را بررسی می کنیم.

مفهوم شناسی اعجاز مدیریتی قرآن

دو تبیین و تصویر مستقل از اعجاز مدیریتی قرآن وجود دارند:

۱. منظور وجود آیات و آموزه هایی در قرآن است که مطالب و دقایق علمی را در قلمرو مسائل و موضوعات دانشی سازمان و مدیریت مطرح کرده اند؛ اعم از مطالب علمی ای که تاکنون از سوی دانش کشف و تبیین شده است. بدیهی است که وجود چنین مطالب علمی ای در قرآن، نوعی رازگویی علمی در این عرصه از دانش بشری است و کشف و تبیین آنها از سوی دانشمندان، وحیانی بودن قرآن و صدق رسالت و پیام آوری نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) از سوی خدا را اثبات می کند.

۲. منظور این است که قرآن کریم از زمان نزول تاکنون در حوزه مدیریت و رهبری انسان و جامعه، کارکرد اعجاز گونه داشته و جلوه هایی از اعجاز خود را در پرورش مدیران، نهادسازی و هدایت و رهبری نهادها و سازمان ها به اثبات

ص: ۴۵۴

رسانده است. شخصیت عظیم پیامبر گرامی و ائمه عصمت و طهارت (علیهم السلام) و تحول چشم گیر جامعه عربستان و شکل گرفتن کانون های عشق، ایمان، جهاد و شهادت در طول تاریخ اسلام از بارزترین مصادیق اعجاز مدیریتی قرآن هستند.

فراخوانی مخاطبان به هم‌آوردی و معارضه، ایجاد انگیزه برای معارضه و اقدام و رویارویی عملی آنان با قرآن، تسلیم شدن معارضان در برابر قرآن و عجز آنان از آوردن مثل آن، پیش بینی قطعی نوع رویارویی و معارضه مخاطبان با قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، پاسخ به شبهه های مخالفان عصر نزول (قدرت تصمیم و اقدام)، رفع زمینه شبهه های قطعی الوقوع از سوی معاندان (قدرت پیش بینی آینده و برنامه ریزی اقدام و رویارویی مؤثر)، عرضه محتوای هماهنگ با فطرت بشری و متناسب با همه نمودهای عینی آن، بیان نمادین و رمز گونه از سبک های متنوع و موفق هدایت، رهبری و مدیریت پیامبران، اشاره های دقیق و علمی به مبانی و گونه های رفتار مؤمنان، کفار و منافقان، ایجاد نظام معنایی جامع و جاودانه برای جذب، هدایت و رهبری انسان ها، پرورش انسان های وارسته، رهبرانی مقتدر و پیروانی ثابت قدم، رویارویی پیروزمندانه با مکاتب و اندیشه های رقیب و انحرافی و زدودن نقاب از باطل های حق نما از جمله نشانه های ره گیری و تبیین اعجاز مدیریتی قرآن کریم است.

رویکرد نظریه اعجاز مدیریتی قرآن

نظریه اعجاز مدیریتی قرآن کریم، پیشینه تاریخی، آرا و دیدگاه های اندیشمندان موافق و مخالف اعجاز قرآن (به ویژه اعجاز علمی قرآن) را به چالش می کشاند و مبانی آنان را با رویکرد انتقادی، تحلیل و بررسی می نماید. این نظریه با جمع آوری و تحلیل محتوایی اسناد و شواهد قرآنی، روایی، تاریخی، کلامی و فلسفی و بهره گرفتن

از دانش تخصصی مدیریت و سازمان، نشان می دهد که قرآن کریم برای اداره انسان، جامعه، حکومت، نهادها و سازمان ها (اعم از نهادهایی که در طول تاریخ زندگی بشر شکل گرفته اند و سازمان هایی که هر روز به تنوع، گستردگی و پیچیدگی آنها افزوده می شود)، مبانی، اصول، قواعد، مسائل و شیوه هایی دارد. برخی از مهم ترین ویژگی های نظریه اعجاز مدیریتی قرآن عبارتند از:

۱. خارق العاده و فراتر از افق عقل و تجربه بشری است؛

۲. از هیچ فرد یا گروه انسانی حتی نوابغ جهان ساخته نیست و دانش تخصصی موجود، تنها به بخشی از آن دست یافته است؛

۳. از نظر زمان، مکان، کیفیت، نوع و دیگر شرایط محیطی، به هیچ فرد، گروه، جامعه یا دوره ای از حیات بشری محدود نیست؛

۴. برای همه افراد، گروه ها، سازمان ها، حکومت ها، جوامع و دوره های حیات انسانی نتیجه بخش و راه گشاست؛

۵. برای تعامل الهام بخش و سازنده با مکاتب غیرمتعارض و رویارویی مقتدرانه با مکاتب معارض انسجام و توانایی فوق العاده ای دارد و شکست ناپذیر است؛ زیرا از نیروی لایزال و نامحدود خداوند علیم و حکیم سرچشمه گرفته و پیوسته به آن متکی است.

فرضیه های نظریه اعجاز مدیریتی قرآن

بشر در چگونگی اداره خود و دیگران و مدیریت گروه ها، نهادها، سازمان ها، حکومت ها و جوامع، نیازمند آموزه های وحیانی است و یافته های تجربی و دستاوردهای عقلانی به تنهایی برای اداره آنها کافی نیستند. همچنین شیوه های هدایت، رهبری و مدیریت قرآن کریم برخاسته از اسباب و علل فراطبیعی و فراتر

از نیروی محدود بشری هستند. تسلط بر فرآیند هدایت، رهبری و مدیریت قرآن فراتر از محدوده توان انسان عادی است و به تبیین و تفسیر پیامبر اکرم و ائمه معصوم (علیهم السلام) نیاز دارد. این بُعد از اعجاز کلام الهی، به عنوان نظریه اعجاز مدیریتی قرآن کریم قابل اثبات و تبیین علمی و کاربردی است.

در چارچوب نظریه اعجاز مدیریتی قرآن، نظام های عقلانی - معرفتی و نظام های رفتاری - تجربی کارآمد و اثربخش (و ممتاز از آن چه که در حوزه عقل و تجربه مطرح شده است) به تناسب هر یک از جوامع و دوره های حیات بشری قابل کشف و تبیین اند.

شاخص های مدیریت و رهبری در قرآن

آن چه طی قرون متمادی، فوق العاده بودن و برجستگی عمل و اندیشه مدیریتی قرآن کریم را نمایان می کند، مجموعه عواملی هستند که کشف و تبیین آنها از سوی دانش سازمان و مدیریت هنوز بسیار زود است و به یقین بدون یاری آموزه های وحیانی، دسترسی به اسرار و شگفتی های نهفته در فرآیندهای مدیریت و رهبری قرآن، غیر معقول و دور از انتظار است.

عناصری چون فطرت، ایمان، شهود، وجهه خلیفه الهی انسان، امدادهای غیبی، ربوبیت تکوینی و تشریحی، دو ساحتی بودن (ساحت مَلکی و ساحت ملکوتی) پدیده های جهان مادی (اعم از پدیده های طبیعی و واقعیت های اجتماعی)، هدفمندی و یک پارچگی جهان هستی، پیوستگی و نظام مندی جهان طبیعت و مجردات و ارتباط وثیق و عمیق امور دنیوی و اخروی از جمله اموری اند که به عنوان وجوه امتیاز و عوامل تعیین کننده در فرآیندهای رهبری و مدیریت قرآن کریم و نظام های معرفتی و رفتاری برخاسته از آن، نقش آفرینی می کنند. ارتباط و انس هر چه بیشتر

انسان و جامعه با آیات قرآن، زمینه ها و ظرفیت های تجلی کلام الهی را در عمل و اندیشه تک تک افراد جامعه و شبکه روابط و مناسبات اجتماعی فراهم می کند. (۱) و استعداد اطاعت متعهدانه و مبتنی بر شهود قلبی و معرفت عقلانی افراد، گروه ها، نهادها و سازمان ها از کلام الهی و ائمه معصومان (علیهم السلام) را شکوفا می نماید، (۲) تا جلوه های خداگونگی در اندیشه، رفتار و گفتار آحاد افراد جامعه و هر یک از نهادها و سازمان ها برجسته شوند (۳) و شواهد، مستندات و نشانه های اعجاز مدیریتی قرآن کریم آشکار گردند و بدین ترتیب برتری و خارق العاده بودن عمل و اندیشه مدیریتی قرآن کریم مستند و مستدل می شود.

پیش نیازهای نظریه اعجاز مدیریتی قرآن

الف) نگاه کارکردی به قرآن؛ اولین پیش نیاز نظریه اعجاز مدیریتی قرآن

بخشی از کارکردهای مدیریتی قرآن - که حقیقتی زنده و آسمانی است و با ساختار لفظی معین در قالب کتابی مشخص و در دوره زمانی محدود (۲۳ سال) از لوح محفوظ و جهان ملکوت به عالم ماده تنزل یافته - عبارتند از:

۱. تنها نظامی (ساختار معنایی) است که معنویت را در همه جهات مادی فرد، سازمان، حکومت و جامعه منعکس و نهادینه می کند.

۲. شبکه معرفتی جامع و جاودانه ای است که در جذب افراد انسانی و هدایت و رهبری آنان در مسیر اهداف و روشن کردن راه سعادت و نقاب زدایی از چهره باطل، همه جهان را به مبارزه طلبیده است.

ص: ۴۵۸

۱- (۱). زمر، آیه ۳.

۲- (۲). بقره، آیه ۲۸۵؛ آل عمران، آیه ۸.

۳- (۳). فرقان، آیه ۶۳ - ۷۶.

۳. راهنما و راهبر بی نظیری است که با نشانه های آشکار، براهین استوار، متانت گفتار و عفت بیان، طی قرن های متمادی، در پرورش انسان های وارسته، رهبران مقتدر، پیروان ثابت قدم و نیز ایجاد نهادها و ساختارهای کارآمد و آفرینش فرهنگ های الهام بخش، نقش آفرینی کرده است.

۴. تنها کانون معرفت و معنویتی است که با گشودن چشمه های دانش و جاری کردن نهرهای زلال حقیقت به روی بشر، نمادهای جهالت و ضلالت و یاران فساد، استبداد و استعمار را افشا کرده و ارزش های متعالی را با رذیلت ها و شقاوت ها جایگزین کرده است.

۵. نظامی با عزت و شکوهمند است که با تکریم نفوس و صیانت از حقوق و بسط آزادی های معنوی، جامعه ای بزرگ و امتی نمونه و عظیم را بنا نهاده که همچنان سرآمد جوامع بشری و الگوی مصلحان اجتماعی و آزادی خواهان عدالت گستر در سراسر عالم است.

۶. رهبر و هدایت کننده ای است که بانفوذ در اعماق دل و جان، روح انسان ها را از اعجاب و تحسین پرمی سازد و به پیروان خود می آموزد که سست نشوند، غمگین نباشند و با ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی، امید، نشاط، استقامت و پایداری، انواع قدرت ها را تحصیل کنند که سرانجام، پیروزی قطعی و عزت و دولت پایدار برای آنهاست؛ اگر ایمان آوردند و به توصیه های آن عمل کنند.

۷. سخن گویی با زبان گویاست که همه فتنه ها، توطئه ها و هجمه های مخالفان را در طول تاریخ - که با هدف تحریف قرآن و انزوای اندیشه های توحیدی برنامه ریزی و سازماندهی می شد- به شکست و رسوایی کشانده است.

قرآن کریم معجزه ای زنده و گویاست که همچون خورشید تابان و دریای جوشان، در همه شرایط زمانی و مکانی، رسالت هدایت، رهبری و مدیریت

اثر بخش خود را به طور کامل انجام داده است و همچنان راهنمایی مطمئن و راهبری مقتدر برای بشریت است: (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ).

ب) جواز تفسیر علمی (۱) قرآن

رویکردهای مختلفی درباره تفسیر علمی قرآن وجود دارد؛ اما مقصود ما موارد زیر است:

۱. جواز استخدام علوم و امکان کمک گرفتن از یافته های دانش برای توضیح مفاد و مقصود آیات قرآن؛

۲. امکان استخراج و استنباط مطالب علمی (کشفیات جدید علوم) از آیات قرآن؛

۳. امکان پاسخ گویی قرآن به پرسش ها و ابهام هایی که از سوی علوم در مورد محتوای آیات مطرح می شوند؛

۴. امکان استنباط مطالب علمی به مناسبت محتوای آیات.

ج) وجود آیات مدیریتی قرآن کریم

وجود آیات مدیریتی در قرآن، شرط لازم امکان یا جواز تفسیر مدیریتی است که می تواند یکی از شاخه های تفسیر علمی نیز شمرده شود. برای دست یابی به

ص: ۴۶۰

۱- (۱). تفسیر علمی از جهت شکل و شیوه تفسیر اقسامی دارد؛ مانند: الف) استخراج همه علوم از ظواهر آیات قرآن که معمولاً به تأویل منجر می شود؛ ب) تطبیق و تحمیل نظریه های علمی بر قرآن که معمولاً به تفسیر به رأی می رسد. استخدام علوم برای فهم بهتر معانی و مقاصد قرآن است. اگر تفسیر علمی به صورت تفسیر به رأی، تحمیل نظریه علمی یا نظر مفسر بر قرآن، استخراج علوم با تمسک به تأویل غیر صحیح آیات قرآن و نیز اگر توسط افراد غیر متخصص یا با علوم ظنی، نظریه ها و تئوری ها یا به وسیله قضایای یقینی (یقین به معنای اعم اطمینان با احتمال ضعیف طرف مقابل) انجام پذیرد، اعتباری نخواهد داشت (رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن کریم، ص ۳۸۶ - ۳۹۰).

تفسیر مدیریتی معتبر، می توان مراحل زیر را مطرح کرد و به بحث و بررسی عالمانه آن با رویکرد انتقادی پرداخت:

۱. تعریف و طبقه بندی آیات مدیریتی قرآن؛

۲. تعمیق فهم و گسترش مدلول آیات؛

۳. استخراج مضمون ها، مفاهیم و پیام های مدیریتی آیات؛

۴. استنباط و تبیین مطالب علمی مدیریت از آیات (مبانی، اصول، قواعد، مسائل، روش ها و...)

۵. مدل سازی و نظام پردازی بر اساس مجموعه آیات مدیریتی قرآن؛

۶. رویارویی علمی با اندیشه ها و مکاتب رقیب و پاسخ گویی به شبهه ها و ابهام ها درباره محتوای آیات.

گونه شناسی مطالعات مدیریتی قرآن

پژوهش های قرآنی با نگاه مدیریتی - برای کشف و تبیین مسائل و موضوع های مدیریتی قرآن و پاسخ به نیازها و پرسش های مربوط - گستره متنوع و متفاوتی دارد. قرآن پژوهی با رویکرد مدیریتی را می توان بر اساس جهت گیری محقق، روش تحقیق، موضوع و مسائل پژوهش، در محورهای چهارگانه زیر طبقه بندی و سازمان دهی نمود:

۱. تفسیر ترتیبی قرآن با جهت گیری استنباط و استخراج پیام های مدیریتی از آیه های قرآن

در این نوع از پژوهش قرآنی محقق تلاش می کند آیه ها را به ترتیب سوره ها و بر اساس اصول، مبانی، قواعد و ضوابط صحیح تفسیر کند و آن گاه پیام های مدیریتی آیه ها را (در صورت امکان) استخراج و تبیین کند؛ سپس مجموعه این پیام ها را به تفکیک هر یک از سوره ها و بر اساس ساختار موضوع های دانش مدیریت سازمان

دهد. محقق با برقراری ارتباط بین پیام های مدیریتی در همه سوره ها «شبکه پیام های مدیریتی» قرآن را طراحی می کند و در گام بعدی می کوشد مقدمه های نظریه پردازی و نظام سازی مدیریتی را به تناسب نیازها و مشکلات جامعه فراهم آورد تا از این راه، علاوه بر فراهم شدن زمینه های رویارویی علمی با مکاتب و اندیشه های رقیب، وجوه امتیاز و برجستگی های نظام مدیریتی قرآن کریم را آشکار سازد. (۱)

۲. تفسیر موضوعی قرآن با تمرکز بر موضوع های مدیریتی

این رویکرد از قرآن پژوهی به دو شیوه انجام می پذیرد:

الف) محقق مسائل و موضوع های مدیریت (اعم از مسائل و موضوعات دانش یا مسائل و موضوعاتی که مدیران در عمل با آن روبه رو می شوند) را بر اساس ساختار علمی موضوعات و در چارچوبی روشمند به قرآن عرضه می کند و با رعایت ضوابط و قواعد تفسیر صحیح، پاسخ های قرآنی را کشف و تبیین می کند.

ب) محقق مسائل و موضوع های مدیریتی را از خود قرآن استخراج می کند و پس از طبقه بندی و ایجاد نظام علمی موضوع ها، آیه های ناظر به هر یک از آنها را شناسایی و تعیین می کند؛ آن گاه، به تفسیر آیه ها و کشف و تبیین پاسخ های قرآنی می پردازد. برداشت های تفسیری و استنباط های علمی محقق از مجموع آیات ناظر به هر یک از موضوعات و مسائل، مجموعه ای از گزاره ها را تشکیل می دهند که بر اساس آن، مبانی، اصول، قواعد و شیوه های مدیریتی قرآن استنباط و تبیین

ص: ۴۶۲

۱- (۱). روش تفسیر علمی از آن جهت که استخدام علوم در فهم قرآن است و نتایج مشخص و جدیدی به دنبال دارد و از منبع و ابزار ویژه ای در تفسیر استفاده می کند، از روش های تفسیری به شمار می رود و چون برخی مفسران - مثل طنطاوی در الجواهر - مطالب زیادی از علوم تجربی را در تفسیر نقل کرده اند، گرایش تفسیری به شمار می آید (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن (۳)، روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن، ص ۱۹).

می شود و مقدمات نظریه پردازی و نظام سازی مدیریتی بر اساس آیات قرآن و نیز زمینه های رویارویی علمی با اندیشه ها و مکاتب رقیب فراهم می آید.

بررسی

در مورد نظریه اعجاز مدیریتی قرآن چند نکته قابل توجه است:

۱. این نظریه نوپاست و به کاوش و تلاش بیشتر قرآن پژوهان نیاز دارد؛ یعنی ضروری است طرفداران اعجاز مدیریتی قرآن، مصادیق آیات و آموزه های مدیریتی قرآن را ارائه کنند یا کارکردهای تاریخی اعجاز مدیریتی قرآن را با عنوان های تاریخی روشن نمایند. قرآن کریم آموزه هایی در مورد مدیریت دارد که قابل دقت و بررسی اند؛ از جمله:

وقتی خدای متعال از حضرت موسی (علیه السلام) می خواهد که مدیریت انقلاب را بپذیرد (اَذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ) ؛ (۱) «به سوی فرعون برو، که او طغیان کرده است»؛ (قَالَ رَبُّ اشْرَحْ لِي صِدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاخْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي * وَاجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِّنْ أَهْلِي * هَارُونَ أَخِي * اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي * وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي) ؛ (۲) «موسی) گفت: پروردگارا! سینه ام را برایم بگشا؛ و کارم را برایم آسان گردان؛ و گره از زبانم بگشای؛ تا سخن مرا به طور عمیق بفهمند؛ و وزیری از خاندانم برای من قرار ده؛ (همان) برادرم هارون را؛ با او پشتوانه ام را محکم کن؛ و او را در کارم شریک ساز». خدای متعال به او پاسخ مثبت می دهد: (قَالَ قَدْ أُوتِيَٰ سُؤْلَكَ يَا مُوسَىٰ) ؛ (۳) «(خدا) فرمود: ای موسی! به یقین، خواسته ات به تو داده شد».

ص: ۴۶۳

۱- (۱). طه، آیه ۲۴.

۲- (۲). طه، آیه ۲۵-۳۲.

۳- (۳). طه، آیه ۳۶.

در این آیات نکات مدیریتی جالبی به چشم می‌خورند؛ از جمله این که مدیریت راهبری نیازمند موارد زیر است:

الف) شرح صدر برای تحمّل مشکلات مدیریتی؛ همان طور که در حدیثی از امام علی (علیه السلام) نقل شده است:

«آلَةُ الرَّيَّاسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ»؛ (۱)

ب) وزیر و همکار برای کمک و تقویت مدیر؛

ج) توجه به معنویات (دعا و توسّل به پروردگار برای موفقیت و تقویت روحیه معنوی مدیران)؛

د) نفوذ کلام در مردم و مخاطبان تا عمل کنند؛

ه) شرکت دادن دیگران در مدیریت تا احساس هم بستگی کنند.

۲. در مبحث مفهوم شناسی اعجاز مدیریتی قرآن، محقق محترم دو صورت از اعجاز مدیریتی قرآن را مطرح کرده است؛ درحالی که - همان طور که گذشت - در اعجازهای مدیریتی در حوزه علوم انسانی سه احتمال را می‌توان مطرح کرد:

الف) گزاره های مدیریتی مطرح شده در آیات قرآن قبل از کشف آن در دانش مدیریت؛ که نوعی رازگویی علمی قرآن است و زیرمجموعه اخبار غیبی قرآن قرار می‌گیرد.

ب) نقش تاریخی اعجاز گونه قرآن در تحول مدیریتی جامعه عرب عصر جاهلی. البته این نقش قرآن در هر جامعه به همان اندازه ای که قرآن اجرا شود قابل مشاهده و بررسی است؛ یعنی این بعد از اعجاز قرآن در هر عصر و نسل جدیدی قابل تکرار است.

ج) نظام مدیریتی قرآن که به صورت موضوعی از آیات قرآن قابل استنباط

ص: ۴۶۴

است؛ نظامی که دارای مبانی، اصول و روش های خاص خویش است و می تواند برتری خود را با نظام های رقیب به اثبات برساند. مثلاً نظام مدیریتی قرآن، مبتنی بر ولایت و اطاعت و مشروعیت از بالا به پایین است؛ هرچند مقبولیت بر اساس رأی مردم است: (...أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ...)؛ (۱) «خدا را اطاعت کنید و فرستاده [ی خدا] و صاحبان امر (خود)تان را اطاعت نمایید». اما در نظام های مدیریتی رقیب مثل دموکراسی، مشروعیت و اطاعت از پایین به بالاست؛ یعنی رأی مردم است که به رهبری و مدیریت جامعه اعتبار می بخشد و رهبر و مدیر جامعه باید تابع نظر مردم باشد.

نظام مدیریتی قرآنی در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نیز در عصر حاضر -در نظام ولایت فقیه در ایران- کارآمدی خویش را نشان داده است. (۲)

۴. اعجاز تشریحی (فانون گذاری) قرآن

اشاره

مفهوم شناسی

«شریعت» از ماده شرع و در اصل به معنای دستیابی به آب است: «شرع الوارد الماء اذا تناوله بفمه»؛ هنگامی می گویند: «شرع الوارد الماء» که او آب را به دهانش رساند. (۳)

شریعت اسم مصدر به معنای راه هموار و آشکار است که در روش و طریقه الهی استعاره شده است (۴) و به عبارت دیگر دستوراتی است که خدا تاسیس می نماید. (۵)

ص: ۴۶۵

۱- (۱). نساء، آیه ۵۹.

۲- (۲). ر.ک: مجله تخصصی قرآن و علم، ش ۷، زمستان و پاییز ۱۳۸۹ش، مقاله اعجاز مدیریتی قرآن، دکتر امیرعلی لطفی.

۳- (۳). العین.

۴- (۴). فرهنگ قرآن، ج ۱۷، ص ۲۶۰.

۵- (۵). لسان العرب.

شریعت در قرآن، اخص از دین و عبارت است از طریقه ای خاص برای امتی از امت ها یا پیامبری از پیامبران؛ بر خلاف دین که بر مطلق سنت و طریقه الهی اطلاق می گردد. (۱)

در تناسب معنای لغوی و اصطلاحی شریعت می توان گفت: همان گونه که دست یابی به آب، باعث تداوم حیات جسمانی انسان است، دست رسی به دستورات الهی نیز باعث تداوم حیات روحانی و ارتقای حیات جسمانی وی می گردد.

«تشریح» از باب تفعیل و به معنای تحول و صیرورت است؛ مانند: «ولیته: او را سرپرست گرداندم» (۲) و «تشریح شیء» یعنی: «چیزی را در قالب قانون درآوردن». به عبارت دیگر تشریح یعنی قانون گذاری و وقتی «یاء» نسبت به آن اضافه شود، به معنای مرتبط با قانون گذاری است؛ همان گونه که امروزه به قوه قانون گذاری، «السلطه التشریعیه» اطلاق می گردد. (۳)

خلاصه این که اعجاز تشریحی قرآن یعنی اعجاز مرتبط با قانون گذاری ها در قرآن. اما تعریف اعجاز تشریحی وقتی روشن می شود که رویکردهای مطرح شده درباره آن بیان شوند (که در ادامه به آن خواهیم پرداخت).

تاریخچه

همان طور که در مباحث پیشین گذشت، اعجاز تشریحی قرآن - که در دوران معاصر بیشتر به آن توجه شده است - سابقه ای طولانی دارد و دانشمندانی چون باقلانی (م. ۴۰۳ ق.) اشاراتی به آن داشته اند. (۴) نخستین کسی که به اعجاز تشریحی

ص: ۴۶۶

۱- (۱). المیزان، ج ۵، ص ۳۵۰.

۲- (۲). نزهه الطرف، ص ۲۳.

۳- (۳). فرهنگ ابجدی.

۴- (۴). ر.ک: اعجاز القرآن، ص ۴۷.

قرآن اشاره کرده علامه بلاغی (۱۳۵۲ ق) است و تاکید بر این بعد را برای نخستین بار در نوشته های وی می بینیم. (۱) اعجاز تشریحی پس از وی، در آثار شاگردانش مانند علامه طباطبایی و آیت الله خویی انعکاس یافت (۲) و پس از این دو نیز در آثار دیگر از جمله تالیفات علامه معرفت به طور گسترده تری به بحث گذاشته شد. (۳)

هم زمان با علامه بلاغی، رشید رضا (م. ۱۳۵۴ ق)، در تفسیر المنار، یکی از وجوه اعجاز قرآن را اعجاز در علوم دینی و تشریح معرفی کرده است. (۴) پس از وی زرقانی در معرفی چهارمین وجه اعجاز قرآن در بحث «وفاؤه بحاجات البشر» به زمینه های متنوع و مختلفی از تشریحات قرآن کریم اشاره کرده و برای اثبات آن، به مقایسه میان احکام فردی و اجتماعی قرآن با قوانین مصوب در کشورهای غربی پرداخته است. (۵) اعجاز تشریحی در سال های بعد بیشتر مورد توجه قرار گرفت و کتاب های مستقلی در این زمینه به رشته تحریر درآمدند؛ مانند القرآن و اعجازه التشریحی، نوشته اسماعیل ابراهیم.

رویکردها در اعجاز تشریحی

با بررسی سخنان کسانی که ادعای اعجاز تشریحی کرده اند -همچون آیت الله خویی و علامه معرفت- مشاهده می کنیم که آنها سه رویکرد اساسی در مورد اعجاز تشریحی قرآن داشته اند. در نتیجه سه تعریف در مورد اعجاز تشریحی می توان ارائه کرد:

ص: ۴۶۷

۱- (۱). آلاء الرحمن، ج ۱، ص ۹ و ۱۳-۱۴.

۲- (۲). ر.ک: المیزان، ج ۱، ص ۶۰ و البیان، ص ۷۲-۷۹.

۳- (۳). ر.ک: التمهید، ج ۶، ص ۲۱۱-۳۰ و علوم قرآنی، ص ۳۵۷-۳۶۸.

۴- (۴). ر.ک: المنار، ج ۱، ص ۱۷۱.

۵- (۵). مناهل العرفان، ص ۳۴۱.

اشاره

- از جمله مهم ترین ویژگی های قوانین قرآن عبارتند از:

- فقدان تناقض میان قوانین قرآن؛

- سازگاری قوانین قرآن با عقل؛

- سازگاری قوانین قرآن با فطرت؛

- توافق قوانین قرآن با علم؛

- جامعیت قوانین قرآن؛ به گونه ای که همه ابعاد زندگی انسان را در بر گرفته و در هر زمان و مکانی پاسخ گوی نیازهای بشرند؛

- عرضه و نهادینه شدن قوانین قرآن در مدت بسیار کوتاه (۲۳ سال)؛

- عرضه آن توسط شخصی درس ناخوانده؛

- عرضه آن در فضایی که زمینه و شرایط لازم برای تدوین چنین قوانینی فراهم نبود.

- نظریه اعجاز تشریحی مبتنی بر جمع میان این ویژگی هاست. می توان نظریه اعجاز تشریحی را در قالب قضیه منطقی به این شکل بیان نمود:

صغرا: تشریحات قرآنی میان ویژگی های مذکور جمع کرده است.

کبرا: جمع میان ویژگی های مذکور امری خارق العاده است.

نتیجه: تشریحات قرآنی امری خارق العاده هستند.

توضیح این که محتوای تشریحات قرآنی به واسطه عدم تناقض و جامعیت و نیز به دلیل توافق با عقل، فطرت و علم، در مستوای بسیار بالایی قرار گرفته است. همچنین به واسطه کوتاه بودن زمان عرضه، امی بودن آورنده و فقدان زمینه های لازم، در نامساعدترین شرایط عرضه شده است. جمع میان این ویژگی ها امری خارق العاده است. کتابی که محتوی چنین تشریحاتی است، کتابی

خارق العاده و -با توجه به مقرون بودن با ادعای نبوت و تحدی- معجزه است.

حد وسط در نظریه اعجاز تشریحی جمع میان ویژگی هاست؛ نه وجود برخی ویژگی ها. بنابراین، وجود قوانینی که گاه مشابه قوانین قرآن باشند، خللی به اعجاز تشریحی قرآن وارد نمی آورد؛ زیرا هیچ یک از این قوانین، میان همه ویژگی های مذکور به طور کامل جمع نکرده است. (۱)

قوانین بشری که افراد یا مجالس قانون گذاری کشورها وضع می کنند، معمولاً مشکلات یا نواقصی دارند که بعد از مدتی روشن می شوند. از این رو هر قانون بشری ای پس از مدتی نیازمند بازنگری، تکمیل و اصلاح است و گاهی اصل قانون نیز تغییر می کند؛ چون:

الف) انسان احاطه علمی به تمام جزئیات جهان و نیازهای فرد و جامعه ندارد و نمی تواند تمام اهداف و لوازم دنیوی و اخروی را در قوانین خود ملاحظه می کند؛

ب) امیال و اغراض شخصی و محدود بشر غالباً بر تصمیمات او اثر می گذارند؛

ج) فکر انسان خطاپذیر است و حتی اگر هدف صحیحی داشته باشد، ممکن است در قانون گذاری خطا کند.

از این رو قوانینی که انسان ایجاد می کند در معرض جهل، انحراف و خطا هستند و نمی توانند قوانین کاملی باشند؛ اما قوانین قرآن از خدایی صادر شده که:

الف) به همه جهان و نیازهای فرد و جامعه در دنیا و آخرت احاطه علمی دارد؛

ب) تصمیماتش حکیمانه است؛ نه تابع هواهای نفسانی؛

ج) خطا در افعال و گفتارش راه ندارد.

قوانینی که از چنین خدایی صادر می شوند، بر اساس علم کامل و بدون انحراف

ص: ۴۶۹

۱- (۱). ر.ک: مقاله اعجاز تشریحی، دکتر عبدالکریم بهجت پور و حامد معرفت، مجله قرآن و علم، ش ۸، سال ۱۳۹۰ ش.

و خطا هستند و از این رو قوانین قرآن کامل ترین، صحیح ترین و بهترین قوانینند؛ قوانینی که بیش از چهارده قرن از عمر آنها می گذرد، ولی کهنه نمی شوند و نیازمند تغییر، بازنگری و اصلاح نیستند. (۱)

آیت الله معرفت به این رویکرد در اعجاز تشریحی اشاره کرده است:

كان ما وصل اليه الانسان من معارف حول سرّ الوجود ناقصاً و غير مقنع الى حدّ بعيد (... و ما أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلاً)؛ (۲) فکان مستطعاً و متعطشاً الى حلّ مشاکله و الاجابه على مسئله بشكل كامل و مستوف جميع الجوانب مما يرتبط بالمبدأ و المعاد و الغايه التي خلق أجلها العباد. (۳)

الانسان لا يستطيع التخلص من براثن الحيوانيه و البهيميه التي تتحكّم في نفسه اذا لم تكن مهذبّه تهذيباً يتناسب و معال الانسانيه الرفيعه.... (۴)

هكذا جاء القرآن بشرايع راقيه -فاق بها شرائع و وضعتها البشريه- شامله كامله و كافله لسعاده الانسان في الدارين فكانت معجزه خارقه و دليلاً واضحاً على صدق رساله الله في الارض. (۵)

قانون قصاص

یکی از نمونه های عالی قوانین قرآن قانون «قصاص» است:

ص: ۴۷۰

۱- (۱). ممکن است در اینجا مسئله نسخ قرآن مطرح شود که نوعی تغییر احکام است؛ اما محققان و قرآن پژوهان معاصر عموماً وجود آیات منسوخ در قرآن را نمی پذیرند (ر.ک: البیان، آیت الله خویی، معرفت قرآنی، مقاله نسخ مشروط، محمد علی رضایی اصفهانی). بر فرض که کسی نسخ را بپذیرد، نسخ به معنای پایان یافتن زمان حکم قبلی به وسیله حکم بعدی است؛ یعنی در حقیقت حکم اول از ابتدا موقت تشریح شده است؛ نه این که حکم اولی اثر جهل و خطا دچار کمبود و انحراف شده و نیازمند اصلاح و تکمیل باشد.

۲- (۲). اسراء، آیه ۸۵.

۳- (۳). التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۲۱۲.

۴- (۴). همان، ص ۲۱۳.

۵- (۵). همان، ص ۲۱۷.

(...مِنْ أُخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَاعَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٍ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ *
وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ)؛ (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! (حکم) قصاص درباره کشتگان
بر شما مقرر شده است: آزاد عوض آزاد، و بنده عوض بنده، و زن عوض زن؛ و کسی که از برادر (دینی) او چیزی (از
قصاص) به او بخشیده شود، پس (راه) پسندیده در پیش گیرد و به نیکی [خون بها] را به او پردازد. این، تخفیف و رحمتی از
طرف پروردگارتان است. و کسی که بعد از آن تجاوز کند، پس عذابی دردناک برایش خواهد بود؛ و ای خردمندان! برای
شما در قصاص، زندگانی است، تا شاید شما خود نگه دار باشید».

شأن نزول

حکایت شده که عادت عرب جاهلی بر آن بود که اگر کسی از قبیله آنها کشته می شد، تا آن جا که قدرت داشتند از قبیله
قاتل می کشتند و حتی حاضر بودند برای کشته شدن یک نفر، تمام افراد قبیله قاتل را نابود کنند.

در چنین شرایطی آیه فوق نازل شد و حکم عادلانه قصاص را بیان کرد و خط بطلانی بر آداب و سنت های جاهلی کشید. (۲)

نکته ها و اشاره ها

۱. دستور عادلانه قصاص (۳) و بخشش، مجموعه ای کاملاً انسانی و منطقی است

ص: ۴۷۱

۱- (۱). بقره، آیات ۹ - ۱۷۸.

۲- (۲). ر.ک: مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۶۴؛ اسباب النزول، ص ۲۸ و لباب النقول، ص ۲۸.

۳- (۳). واژه ی «قصاص» از ریشه «قَصَّ» به معنای «جست و جو و پی گیری آثار چیزی» است و به هر حکایتی که پشت سر
هم آید «قَصّه» گویند. از آن جا که «قصاص» عبارت است از کشتن کسی بعد از کشتن دیگری، این واژه در مورد آن به کار
رفته است.

که از سویی روش غلط جاهلیت را نفی می کند - که چندین نفر در برابر یک نفر کشته می شدند - و از سوی دیگر، راه عفو و بخشایش را بر مردم نمی بندد؛ در عین حال که احترام خون انسان را نیز نمی کاهد و قاتلان را جسور نمی کند.

۲. صاحبان خون حق دارند در برابر قاتل یکی از سه راه را برگزینند:

الف) قصاص کنند؛

ب) عفو کنند و خون بها بگیرند؛

ج) عفو کنند و خون بها نیز نگیرند.

۳. اگر زنی کشته شود صاحبان خون حق دارند قاتل را بکشند؛ ولی در آن صورت لازم است نصف خون بهای مرد را پردازند. البته این مطلب بدین معنا نیست که زن از مرتبه انسانیت دورتر است یا خون او کم رنگ تر از خون مرد است. از آن جا که مردان غالباً از نظر اقتصادی در خانواده مؤثرترند و مخارج خانواده را متحمل می شوند و فقدان آنها ضرر مالی بیشتری دارد، خون بهای آنها بیشتر مقرر شده است تا کمبود آنها برای افراد خانواده جبران گردد. البته برخی از زنان نیز نان آور خانواده هستند؛ ولی احکام و قوانین بر اساس غالب افراد وضع می شوند؛ نه بر محور افراد استثنایی. (۱)

۴. در قانون قصاص، اجتماع بر فرد تقدم دارد و به خاطر امنیت اجتماعی، فرد جنایت کار اعدام می شود. قصاص تأمین کننده امنیت اجتماعی است؛ نه برخورد و انتقام شخصی. اگر در جامعه ای شخص متجاوز قصاص نشود، عدالت و امنیت از بین می رود؛ گویا آن جامعه حیاتی ندارد و مرده است.

۵. حذف عنصر خطرناک و مضر از هر مجموعه اصلی عقلایی است. در پزشکی،

ص: ۴۷۲

۱- (۱). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۱۱.

کشاورزی، دام داری و امثال آن نیز، حذف موجودات خطرناک برای پیشرفت کار، اصلی علمی و عقلایی است؛ از این رو شاخه های مضر و مزاحم گیاهان و حتی عضو فاسد بدن را جدا می کنند. اجرای قانون قصاص در اسلام نیز عمل به همین اصل عقلایی است؛ از بین بردن افراد خون ریز زمینه حفاظت و تربیت سایر افراد را فراهم می کند.

۶. اگر به این بهانه که قاتل هیجان روانی پیدا کرده، او را رها سازیم، هیچ ضمانتی وجود ندارد که در تمام جنایات ها این بهانه مطرح نشود. در این صورت تمام خلاف کاران آزاد می شوند و جامعه انسانی ناامن می گردد؛ همان طور که می بینیم، امروزه آمار جنایات در جهان بیشتر از هر زمانی است. در چنین جهانی، حکم قصاص نه تنها قانون خشنی نیست، بلکه برای تضمین امنیت عمومی لازم است.

جالب است که امروزه در برخی از کشورهای جهان، مجازات اعدام ممنوع شده؛ اما پس از مدتی آمار جنایات و قتل ها رو به فزونی گذاشته است.

۷. آیه فوق که از ده کلمه ترکیب یافته، در نهایت روشنی و رسایی (یعنی فصاحت و بلاغت) است. این آیه - که به صورت یک شعار اسلامی در اذهان نقش بسته است - نشان می دهد که قصاص انتقام جویی نیست؛ بلکه مایه حیات است.

۸. قصاص از یک سو ضامن حیات جامعه است؛ چون اگر حکم قصاص نباشد، افراد سنگ دل احساس امنیت می کنند و جان افراد بی گناه به خطر می افتد؛ و از سوی دیگر مایه حیات قاتلان بالقوه است؛ زیرا آنان را تا حدود زیادی از آدم کشی باز می دارد. همچنین با اجرای حکم مساوات در قتل، از قتل های پی در پی و انتقام جویانه گروه های اجتماعی جلوگیری می کند؛ پس از این جهت هم مایه حیات جامعه است. (۱)

ص: ۴۷۳

برخی از معاصران در مورد اعجاز تشریحی آیات فوق می نویسند:

این حکم قرآنی کاملاً با عقل سازگار است و اصولاً مخاطب قرآن در این آیه خردمندان هستند:

(یا أُولِی الْأَلْبَابِ) . درحقیقت مسئله را به گونه ای بیان می کند که هر فرد خردمندی آن را تصدیق می نماید. قرآن کریم اجرای قانون قصاص را ضامن بقای حیات می داند و فایده وجود چنین قانونی را پرهیزگار شدن آنان معرفی می کند: (لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) .

امام سجاد(علیه السلام) در تفسیر این آیه می فرماید:

این حکم هم موجب حیات کسی است که قصصد جاننش شده، هم موجب حیات کسی است که قصصد جان دیگری را دارد و هم موجب بقای حیات کل جامعه است؛ زیرا با وجود چنین عاقبتی هیچ کس جرأت انجام قتل پیدا نمی کند. (۱)

از کلام امام می توان برداشت کرد که اثر مهم قانون قصاص «بازدارندگی» است. به عبارت دیگر، در صورتی که همه افراد جامعه بدانند که این قانون به طور کامل و دقیق اجرا می گردد و راه گریزی از آن نیست، هیچ کس به سراغ چنین جنایتی نمی رود و بالطبع هرگز نوبت به قصاص نمی رسد؛ هرچند همیشه اندک جاهلانی یافت می شوند که بدون توجه به عاقبت کار، جنایت کنند؛ اما وجود برخی افراد سرکش به معنی بی اثر بودن حکم نیست؛ زیرا در صورت اجرای دقیق و بدون نقص آن، نسبت به غالب افراد جامعه اثر بازدارندگی خواهد داشت. خلاصه این که در مقام تراحم بین بقای حیات یک قاتل و بقای حیات کل افراد جامعه -از جمله کسی که بدون وجود چنین قانونی تبدیل به قاتل می شد- عقل بی گمان دومی را مقدم می دارد.

این تشریح با فطرت انسانی کاملاً ملائم است؛ زیرا ضمن بیان حکم، از رعایت

ص: ۴۷۴

جانب مروت و برادری غافل نشده است و قاتل را به عنوان برادر معرفی می نماید: (...فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ...).

از جهت دیگر، با توجه به این که فطرت بشری بیش از آن که با قتل و موت آشنا باشد با حیات و عفو آشناست، قرآن هنگامی که می خواهد از قتل صحبت کند، از آوردن لفظ قتل اجتناب نموده و از واژه قصاص استفاده کرده که از ریشه «قَصَّ» به معنای پی گیری مشتق شده است. (۱) عرب به انتهای رستگاه مو «قصاص» - به کسر و رفع و فتح قاف - گوید؛ زیرا رویش مو به آن قسمت منتهی می شود. (۲)

همچنین در این آیه شریفه تنها یک کلمه با بار معنایی منفی وجود دارد؛ یعنی «قتل». همان گونه که اشاره شد لفظ «قصاص» هیچ بار معنایی مثبت یا منفی ای ندارد. در مقابل هفت کلمه با بار معنایی مثبت در این آیه به کار رفته اند: عفو، اخیه، معروف، احسان، تخفیف، رحمت و حیات. به این هفت کلمه اضافه نمایم سه کلمه منفی موجود در فراز ذیل را که به دلیل سیاق منفی فراز، بار معنایی مثبت پیدا می کنند: (...فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ). مراد از «تعدی»، اموری مانند: قتل پس از عفو، زیاده روی در اجرای قصاص یا قصاص دیگری به جای قاتل است. (۳) به عبارت دیگر، این فراز در مقام حمایت از حقوق قصاص شونده است و معنای مثبتی را افاده می نمایند. پس در مقابل یک کلمه با بار معنایی منفی، ده کلمه با بار معنایی مثبت ذکر آمده اند.

از جهت دیگر، با مقایسه بین این قانون قرآنی و آن چه در زمان جاهلیت اتفاق می افتاد، برتری قانون قرآن و بی سابقه بودن آن کاملاً روشن می گردد. مردم

ص: ۴۷۵

۱- (۱). مفردات.

۲- (۲). مجمع البحرین.

۳- (۳). مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۸۰.

عصر جاهلیت ملتزم به قصاص شخص قاتل نبودند و اگر قاتل از لحاظ شرافت در درجه پایینی قرار داشت، به جای او شخص شریفی از قبیله وی را قصاص می کردند تا بر عظمت قبیله خود بیفزایند. (۱) اهل جاهلیت حتی پس از مصالحه بر دیه، اگر به قاتل دست می یافتند می توانستند وی را بکشند و دیه اخذ شده را عودت دهند. (۲) فاجعه بارتر این که آنان به توافق جرم و جزا از لحاظ عدد نیز ملتزم نبودند و دیده می شد که گاه در ازای قتل یک نفر، ده نفر از اعضای قبیله قاتل را از دم تیغ می گذراندند. (۳)

قوانین قوم یهود نیز علاوه بر نژادپرستانه بودن، به اندازه قرآن کامل نیستند؛ زیرا در قانون یهود چیزی به نام دیه وجود ندارد و ولی دم تنها بین قصاص یا عفو مختار است؛ (۴) در حالی که به گفته مفسران این فراز از آیه اشاره به حکم دیه دارد: (...عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ ...) . (۵)

در این قانون قرآنی مبانی تشریح نیز کاملاً مشهود است؛ از جمله:

خداوند را پشتوانه عمل به این قانون معرفی نموده است: (...فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ) ؛

رعایت کرامت ذاتی انسان؛ آنجا که مخاطبین را با عنوان خردمندان خطاب می کند و این حکم را مایه حیات آنان می داند؛

پاسداری از بزرگ ترین حق انسان، یعنی حق حیات؛

ص: ۴۷۶

۱- (۱) . الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۸۱.

۲- (۲) . الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۷۳.

۳- (۳) . الکاشف، ج ۱، ص ۲۷۵.

۴- (۴) . مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۰۸.

۵- (۵) . مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۸۰.

تقدم اخلاق بر اجرای حکم؛ آنجا که از قاتل با عنوان برادر یاد می کند و از عفو و گذشت سخن می گوید؛

این قانون عدالت کامل را مد نظر داشته است؛ زیرا اولاً- در اجرای حکم دستور به رعایت تساوی بین جرم جزا دارد: «الحر بالحر...»؛ ثانیاً نسبت به تجاوز از حدود هشدار می دهد؛

در این قانون انسان نسبت به رفتار خود و جامعه مسئول است؛ زیرا علت برخورد با قاتل را بقای حیات اجتماع معرفی می کند. این بدان معناست که قاتل علاوه بر جرم شخصی، مرتکب جرم عمومی نیز شده است و اگر با آن برخورد نشود به فساد جامعه منتهی می گردد؛ مجازات نکردن دیگری به جای فرد خطاکار؛ مفسرین یکی از مصادیق (فَمَنْ اعْتَدَى بِغَيْرِ ذَلِكِ) را قصاص دیگری به جای قاتل بیان کرده اند. (۱)

دوم) تأثیر اعجاز آمیز قرآن در تحوّل قوانین جامعه عرب جاهلی

نقش قرآن در تحول فرهنگی و اجتماعی و تغییر قوانین، مقررات و عادات اعراب اعجاز آمیز است. هیچ کتاب بشری ای نمی تواند چنین تغییر تاریخی ای را در فرهنگ و قوانین یک ملت ایجاد کند. این اعجاز تشریحی قرآن از نظر تاریخی است که توانست در جامعه عرب - بلکه جامعه بشری - انقلابی ایجاد کند و قوانین ضد بشری، ضد علم و ضد عقل عرب عصر جاهلی را با قوانین عالی موافق با عقل، عدل، علم و فطرت جایگزین کند.

آیت الله خویی نیز به این رویکرد در اعجاز تشریحی قرآن اشاره می کند و معتقد است بر اساس بدیهیات تاریخی، امت های قبل از اسلام در جهل و انحطاط در معارف و اخلاق به سر می بردند و گرفتار جنگ و خون ریزی بودند و حتی عادت

ص: ۴۷۷

داشتند با همسران پدران خود ازدواج کنند و دختران را زنده به گور کنند؛ تا این که نور محمد (صلی الله علیه و آله) مکه را روشن کرد و معارف نورانی و مکارم اخلاقی رواج یافت؛ شرک به توحید، جهل به علم، رذائل به فضائل و جدایی ها و مخالفت ها به برادری و دوستی تبدیل شدند و تمدن و فرهنگ بالایی پیدا شد که بر عالم مسلط گشت. این امور به برکت تعالیم قرآن کریم به وقوع پیوستند؛ تعالیمی که بر برهان های واضح (حکم عقل سلیم) و اعتدال (دوری از افراط و تفریط) استوار بودند. (۱)

سوم) نظام خارق العاده قانون گذاری در قرآن

نظام حقوقی قرآن کریم نظامی منسجم و مبتنی بر اصول و مبانی محکمی است که قبل از قرآن سابقه نداشته و بعد از قرآن نیز نظام های حقوقی دنیا نتوانسته اند با آن همسانی کنند.

آیت الله خویی بر این رویکرد در اعجاز تشریحی قرآن تأکید می ورزد و نظام تشریحی قرآن را بر چند اصل استوار می داند:

اول) دعوت به عدل و راه وسط: (...إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى ...). (۲)

دوم) نهی از اسراف و تبذیر: (... وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ)؛ (۳) إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا. (۴)

سوم) باز گذاشتن راه انتقام از ظالم و قاتل: (...فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ ...). (۵)

ص: ۴۷۸

۱- (۱). البيان في تفسير القرآن، ص ۲-۶۱.

۲- (۲). ماءده، آیه ۸.

۳- (۳). انعام، آیه ۱۴۱.

۴- (۴). اسراء، آیه ۲۷.

۵- (۵). بقره، آیه ۱۹۴.

چهارم) جمع کردن بین نظام دنیا و آخرت؛ دنیا را اصلاح و سعادت آخرت را تأمین می کند؛ نه این که فقط به قوانین دنیوی بپردازد (مثل تورات) یا این که فقط قوانین اخروی را بیان کند (مانند انجیل): (وَ اَتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنَسْ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ) ؛ (۱)

پنجم) تشویق به علم و تقوا همراه با استفاده از لذايد دنیوی (طبیات)؛

ششم) دعوت به عبادت و تفکر در آیات تشریحی و تکوینی؛

هفتم) حلال کردن معامله و واجب کردن وفای به عقدها؛

هشتم) دستور به ازدواج (که موجب بقای نوع انسان است)؛

نهم) فرمان به احسان نسبت به همسر، پدر، مادر، خویشان، بلکه همه مسلمانان و بشریت؛

دهم) واجب کردن امر به معروف و نهی از منکر بر همه افراد امت؛

یازدهم) برقراری برادری میان مسلمانان و امتیاز دادن به علم و تقوا.

آیت الله خوئی در نظام تشریح قرآن بیش از هر چیز بر عدل تأکید می ورزد و بسیاری از این اصول را نشانه های عدل می داند. (۲)

آیت الله معرفت نیز کلام شیخ محمد ابوزهره را نقل کرده که به این رویکرد در اعجاز تشریحی اشاره می کند (۳):

فجاء محمد (صلی الله علیه و آله) و معه القرآن الذی ینطق بالحق عن الله سبحانه و تعالی من غیر درس درسه، و کان فی بلد امی لیس فیہ معهد ولا جامعه ولا مکان تدریس و اتی بنظام للعلاقات الاجتماعیه والتنظیم الانسانی لم یسبقه سابق ولم یلحق به لاحق.

(۴)

ص: ۴۷۹

۱- (۱) . قصص، آیه ۷۷.

۲- (۲) . ر.ک: البیان فی تفسیر القرآن، ص ۶۳ - ۶۸.

۳- (۳) . التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۲۱۷.

۴- (۴) . المعجزه الکبری، ص ۴۵۵.

اعجاز تشریحی قرآن را می توان این گونه تعریف کرد:

وجود قوانین خارق العاده در قرآن، نظام بی بدیل قانون گذاری آن و تأثیر اعجاز آمیز قرآن در تحوّل قوانین جامعه عرب جاهلی که قبل از قرآن هیچ کتابی این گونه نبوده است و بعد از آن نیز هیچ بشری نتوانسته مثل آن را در این سه رویکرد بیاورد. (۱)

۵. اعجاز تاریخی قرآن

اشاره

مفهوم شناسی

برخی اهل لغت مانند «جوالیقی» واژه «تاریخ» را غیر عربی دانسته اند (۲) و عده ای چون جوهری آن را از ماده «الارخ» (به کسر و فتح همزه) می دانند. (۳) «صولی» به کاربرد واژه برای تعیین زمان توسط قیسیان و تمیمیان اشاره می کند (۴) و این نشان می دهد که تاریخ واژه ای عربی است؛ نه معرّب «ماه روز» فارسی؛ چنان که حمزه اصفهانی و ابوریحان بیرونی ادعا می کنند. (۵)

دکتر جواد علی، مورخ معاصر عرب معتقد است تاریخ به معنای تعیین زمان، برای عرب پیش از اسلام مرسوم و شناخته شده بود و واژگان «وَرَّخَ، أَرَّخَ و تَوَرَّخَ» در عربی کاربرد داشتند. (۶)

ص: ۴۸۰

-
- ۱- (۱). در این قسمت، از مقاله «اعجاز تشریحی قرآن» نگارش استاد عبدالکریم بهجت پور و حامد معرفت در مجله تخصصی قرآن و علم، ش ۷، ۱۳۸۹ش بهره بردیم.
 - ۲- (۲). جوالیقی، المعرب، ص ۳۹.
 - ۳- (۳). جوهری، الصحاح، ج ۱، ص ۲۰۰.
 - ۴- (۴). صولی، ادب الکتاب، ص ۱۸۰.
 - ۵- (۵). اصفهانی، تاریخ سنّی ملوک الارض، ص ۸؛ بیرونی، الآثار الباقیه عن القرون الخالیه، ص ۲۹ و ۳۰.
 - ۶- (۶). جواد علی، المفصل فی تاریخ قبل الاسلام، ج ۸، ص ۵۱۱.

معنای لغوی این واژه «بچه گاو وحشی» است. در وجه تشابه تاریخ با این معنا گفته اند که حدوث و پدید آمدن در هر دو به چشم می خورد؛ تولد بچه گاو نوعی حدوث است و وقایع تاریخی نیز حادث اند. (۱)

«تاریخ» را در اصطلاح چنین تعریف کرده اند: «معلوم نمودن احوال، محل تولد و وفات انبیا، امامان، وزرا، فرمان روایان، خلفا، روایات، ... و حوادث بزرگ مانند جنگ ها و فتوحات بر حسب زمان». (۲) به همین سبب کتب مشتمل بر این حوادث و احوال (همراه با تعیین زمان آنها) تاریخ نام گرفته اند.

مقصود از «اعجاز تاریخی قرآن» خبرهای غیبی قرآن نسبت به اقوام و شخصیت های گذشته و آینده است که قبل از قرآن کسی از احوال آنها خبر نداده و بعد از مدتی کشف یا روشن می شود که مطالب قرآن در مورد آن اقوام و شخصیت ها صحیح هستند. از این بعد اعجاز قرآن با عنوان های «اعجاز تاریخی»، «اعجاز غیبی» و «اعجاز قصصی» یاد می شود.

تاریخچه

ریشه های اعجاز قرآن را باید در صدر اسلام جست و جو کرد. در برخی احادیث به اخبار گذشتگان و آیندگان در قرآن اشاره شده است؛ مثلاً:

«عن رسول الله (صلی الله علیه و آله): کتاب الله تعالی فیہ نبأ من قبلکم وخبر ما بعدکم وحکم ما بینکم»؛ (۳) «در کتاب الهی اخبار قبل از شما و بعد از شما و داوری بین شما آمده است»؛

«عن امیرالمومنین (علیه السلام): ذلک القرآن فاستنطقوه ومن ینطق ولكن اخبرکم عنه: ألا إن

ص: ۴۸۱

۱- (۱). ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۴.

۲- (۲). سخاوی، الاعلان بالتوبیخ لمن ذم اهل التاريخ، ص ۱۷.

۳- (۳). ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۱، ص ۳۶.

فيه علم ما يأتى والحديث عن الماضى ودواء دائكم ونظم ما بينكم»؛ (۱) «این قرآن است؛ پس آن را به نطق درآورید و چه کسی را به نطق درآورد؛ ولی من خبر می دهم از آن که در آن اخبار آینده و گذشته و داوری درد شما و نظم و نظام شماست»؛

«عن ابو عبدالله (عليه السلام): ان العزيز الجبار أنزل عليكم كتابه وهو الصادق البار، فيه خبر من قبلكم وخبر من بعدكم وخبر السماء والارض ولو أتاكم من يخبركم عن ذلك لتعجبتم»؛ (۲) «خدای عزیز جبار کتابی برای شما نازل کرده، درحالی که راست گو و نیکوست. در آن اخبار پیشینیان و آیندگان و اخبار آسمان و زمین است و اگر کسی از آن به شما خبر دهد، تعجب می کنید».

اما در بین قرآن پژوهان، اولین کسی که اعجاز تاریخی قرآن را مطرح کرد علامه بلاغی (۱۳۵۲ق) بود. (۳) بعد از وی ارباب علوم قرآن و مفسران متعددی ضمن مباحث اعجاز قرآن به طرح اعجاز تاریخی پرداختند. (۴) و در این رابطه کتاب ها و مقالات مستقل و متعددی نگاشته شدند؛ از جمله:

۱. اعجاز تاریخی قرآن کریم، سید محسن موسوی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.

۲. روائع الاعجاز فی قصص القرآنی، محمود السید حسن، مکتبه الجامعی الحدیث، اسکندریه.

۳. الاعجاز القصصی فی القرآن، دکتر سید عطیه علی مطاوع، آفاق العریه، الطبعه الاولى، ۲۰۰۶م.

ص: ۴۸۲

۱- (۱). صبحی صالح، نهج البلاغه، خ ۱۵۸.

۲- (۲). کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۹۷.

۳- (۳). آلاء الرحمن، ج ۱، ص ۹.

۴- (۴). در ادامه، دیدگاه های مفسران و ارباب علوم قرآن خواهد آمد.

۴. مقاله «اعجاز تاریخی قرآن» دکتر سید رضا مؤدب و آقای قاسم شهری، مجله تخصصی قرآن و علم، شماره ۷، ۱۳۸۹ش.

اقسام اخبار غیبی قرآن

اخبار غیبی قرآن همواره در کتاب های دانشمندان اسلامی مورد توجه ویژه بوده و تقسیم بندی های متعددی در مورد آنها ارائه شده است. قاضی ابوبکر باقلانی، اخبار قرآن را به دو دسته تقسیم می کند:

۱. اخباری که هیچ راهی برای بشر در آگاهی از آنها وجود ندارد. اخبار غیبی زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این قسم جای می گیرند؛ مانند: توبه/ ۳۳ و ۸۸؛ آل عمران/ ۱۲ و ۶۱؛ انفال/ ۷؛ فتح/ ۱۶۱؛ روم/ ۱ - ۴؛ قمر/ ۴۵؛ فتح/ ۲۷؛ نور/ ۵۵؛

۲. آن چه پیامبر از قصص و اخبار کتب گذشته آورده است؛ مثل قصه ابراهیم و نوح (علیهم السلام)؛ مانند: عنکبوت، آیه ۴۸؛ قصص، آیه ۴۴ و ۴۶؛ هود، آیه ۴۹. (۱)

زرکشی در وجوه دوازده گانه اعجاز قرآن سه وجه زیر را در اخبار قرآن می شمارد:

۱. اخبار غیبی از آینده؛ مانند: سوره های فتح، آیه ۱۶ و ۲۷؛ قمر، آیه ۴۵؛ نور، آیه ۵۵؛ روم، آیه ۳.

۲. اخبار از قصص اولین و متقدمان؛ مانند: سوره هود، آیه ۴۹.

۳. اخبار از ضمائر افراد، بدون ظهور قول یا فعلی توسط آن افراد؛ مانند: سوره های انفال، آیه ۷؛ مجادله، آیه ۸؛ آل عمران، آیه ۱۲۲. (۲)

قرطبی ده مورد را در وجوه اعجاز قرآن، بیان می کند که دو قسم آن عبارتند از:

۱. اخبار از اموری که از ابتدای دنیا تا وقت نزول قرآن وجود داشته اند؛ مانند قصص انبیا و امم گذشته؛

ص: ۴۸۳

۱- (۱). باقلانی، اعجاز القرآن، ص ۶۲ - ۶۵ و ۸۵ - ۸۷، ۱۱۶ - ۱۲۴.

۲- (۲). زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۲۸.

۲. اخبار از وقایعی که در آینده واقع می شوند و جز با وحی نمی توان به آنها دست یافت؛ مانند: سوره های فتح، آیه ۲۷؛ نور، آیه ۵۵؛ انفال، آیه ۷؛ روم، آیات ۱ - ۴. (۱)

علامه مجلسی دو دسته از اخبار غیبی قرآن را بیان کرده است که شامل اخبار غیبی گذشته و آینده می شوند. (۲)

رشید رضا ضمن بیان وجوه هفت گانه اعجاز، یکی از وجوه را اخبار غیبی دانسته که شامل این موارد است: قصص انبیا، اخبار غیبی عصر نزول قرآن (۳) و مسائل تاریخی ای که برای بشر مجهول اند. (۴)

علامه بلاغی مثال هایی برای اخبار غیبی قرآن ذکر می کند؛ از جمله: سوره های حجر، آیات ۹۶-۹۴؛ صف، آیه ۹؛ روم، آیات ۱ - ۵ و مسد. (۵) وی در مورد اعجاز تاریخی می گوید: «لانقول بذلك بمحض اخباره عن الحوادث الماضیه والامم الخالیه».

این که مرحوم علامه بلاغی، صرف خبر دادن قرآن از اخبار امت های پیشین را دلیل اعجاز نمی داند، به خاطر تسلط ایشان بر کتب مقدس یهود و مسیح است. این مطلب به روشنی از آثار ایشان، همچون الرحله المدرسیه و الهدی الی دین المصطفی به دست می آید؛ یعنی خبر دادن از امت های پیشین هنگامی اعجاز تاریخی است که آن خبر را کسی یا کتابی قبل از قرآن بیان نکرده باشد؛ اما اگر در تورات و انجیل آمده باشند، اعجاز قرآن به شمار نمی آیند.

ص: ۴۸۴

۱- (۱). قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۵۳ و ۵۴.

۲- (۲). مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۲۴.

۳- (۳). مانند: روم، آیات ۱ - ۵؛ فتح، آیات ۱۵، ۱۶ و ۲۷؛ حجر، آیه ۲۹؛ مائده، آیه ۶۷؛ نور، آیه ۵۵ و انعام، آیه ۶۵.

۴- (۴). رشید رضا، المنار، ج ۱، ص ۲۰۳، ۲۰۴ و ۲۱۰.

۵- (۵). بلاغی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۱ - ۳۷.

آيت الله خويى به آن دسته از اخبار غيبى قرآن که واقع شده اند، اشاره می نماید و می گوید تمام آنها درست بوده اند و دریافت اين اخبار تنها از طريق وحى و نبوت ممکن است. وی به چند آیه زیر اشاره می کند:

۱. (وَ إِذِ يَعِدُّكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَ تَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَهِ تَكُونُ لَكُمْ وَ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَقَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ) ؛ (۲) «و (به یاد آورید) هنگامی که خدا به شما، یکی از دو گروه [کاروان تجاری قریش، یا لشکر آنان] را وعده داد، که آن برای شما باشد؛ و آرزو می کردید که [گروه] غیر مسلح برای شما باشد؛ و [لی] خدا می خواهد حق را با کلماتش (وعده هایش) تثبیت کند و دنباله ی کافران را قطع سازد»؛

۲. (فَاصْبِرْ بِمَا تُوْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ، إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ، الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ) ؛ (۳) «و آن چه را که (بدان) فرمان داده شده ای آشکار کن و از مشرکان روی برتاب، [چرا] که ما تو را (از شرّ) مسخره کنندگان، کفایت می کنیم، (همان) کسانی که معبود دیگری با خدا قرار می دهند؛ و [لی] به زودی خواهند دانست»؛

۳. (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) ؛ (۴) «او کسی است که فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند، و گرچه مشرکان ناخشنود باشند»؛

ص: ۴۸۵

۱- (۱) . شهرستانی، المعجزه الخالده، ص ۹۵ - ۱۰۸.

۲- (۲) . انفال، آیه ۷.

۳- (۳) . حجر، آیات ۹۴ - ۹۶.

۴- (۴) . صف، آیه ۹.

۴. (عَلَيْتِ الرُّومُ * فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ) ؛ (۱) «(سپاه) روم در نزدیک ترین سرزمین شکست خورد؛ و [لی] آنان بعد از شکستشان در [ظرف] چند سال به زودی پیروز خواهند شد»؛

۵. (أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنتَصِرُونَ * سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلِّونَ الدُّبُرَ) ؛ (۲) «یا می گویند: ما جماعتی پیروزیم؟! به زودی جماعت (آنان) شکست می خورد و با عقب گرد روی برمی تابد»؛

۶. سوره مسد. (۳)

علامه طباطبایی اخبار غیبی را به دو دسته تقسیم می کند:

۱. اخبار از قصص انبیا و امت های پیشین؛ مانند: سوره های هود، آیه ۴۹؛ یوسف، آیه ۱۰۲؛ آل عمران، آیه ۴۴؛ مریم، آیه ۳۴.

۲. اخبار از حوادث آینده؛ مانند: سوره های روم، آیات ۲ و ۳؛ فتح، آیات ۱۵ و ۲۷؛ مائده، آیه ۷۰؛ حجر، آیه ۹. وی آیات مربوط به ملاحم (۴) را در این قسم جای می دهد. (۵)

عبدالله دراز خبرهای قرآنی را در سه دسته تقسیم بندی کرده است:

۱. اخبار مربوط به آینده اسلام و مسلمانان؛

۲. اخبار مربوط به آینده مسلمانان؛ مثل فتح مکه و ماجرای شکست ایران از روم؛

۳. اخبار مربوط به آینده معاندان. (۶)

یوسف حاج احمد، اعجاز غیبی قرآن را در آیات مربوط به غزوه بدر، مرگ

ص: ۴۸۶

۱- (۱). روم، آیات ۲ و ۳.

۲- (۲). قمر، آیات ۴۴ و ۴۵.

۳- (۳). خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۶۷-۷۰.

۴- (۴). همچون: انبیا، آیات ۹۵ - ۹۷؛ نور، آیه ۵۵؛ انعام، آیه ۶۵؛ حجر، آیات ۱۹ و ۲۲؛ نبأ، آیه ۷.

۵- (۵). طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶۴ و ۶۵.

۶- (۶). دراز، النبا العظیم نظرات جدیده فی القرآن، ص ۴۵ - ۵۷.

ابی لهب، حفاظت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از توطئه قتل، فتح مکه، فتح قسطنطنیه، هلاکت قیصر و کسری و... بررسی کرده است. (۱) وی اعجاز تاریخی قرآن در ماجرای طوفان نوح را هم بررسی و با تورات و انجیل تطبیق کرده است. (۲)

دکتر مصطفی مسلم نیز اعجاز غیبی قرآن را به سه دسته تقسیم کرده است:

۱. غیب گذشته: بیشتر به اعجاز قصصی قرآن اختصاص دارد؛

۲. غیب حاضر: به دو دسته از آیات نازل شده در شأن یهود و منافقان اشاره نموده است. وی در ضمن این دسته از آیات، اشاراتی نیز به اعجاز تاریخی قرآن، (مانند: روم ۱ - ۴؛ نور ۵۵؛ سوره مسد، فتوح اسلامی و...) می نماید؛

۳. غیب آینده. (۳)

علاءالدین مدرس به بیان اعجاز تاریخی قرآن در اشاره به تاریخ گذشته می پردازد و داستان موسی (علیه السلام) و فرعون را ذکر می کند. (۴) وی در فریده پنجم اثر خویش مواردی همچون جنگ ایران و روم، سوره مسد و حروف مقطعه (و بیان گر بودن آنها نسبت به وقایع مهم با توجه به حروف ابجد) را نمونه هایی از پیش گویی های قرآن ذکر می کند. (۵)

ضیایی بیگدلی، اعجاز قرآن را از منظر اخبار غیبی به سه دسته تقسیم می کند:

۱. اخبار مربوط به وجود مبدأ غیبی عالم؛

۲. اخبار مربوط به حوادث گذشته؛

ص: ۴۸۷

۱- (۱). حاج احمد، موسوعه الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم والسنه المظهره، ص ۲۰ - ۴۰.

۲- (۲). همان، ص ۴۱ - ۵۸.

۳- (۳). دکتر مصطفی مسلم، مباحث فی اعجاز القرآن، ۲۵۹ - ۲۸۸.

۴- (۴). مدرس، مباحثی پیرامون قرآن، ص ۷۱ - ۷۸.

۵- (۵). همان، ص ۸۷ - ۱۰۶.

علامه معرفت اخبار غیبی قرآن را در سه دسته طبقه بندی کرده است:

۱. غیب گذشته؛ مانند: مریم و زکریا، یوسف و برادران، نوح.

۲. غیب حاضر؛ مانند: آیات نازل شده در شأن یهود و منافقان.

۳. غیب آینده؛ مانند: تحدی قرآن، پیروزی اسلام بر کفر و ماجرای ابولهب. (۲) و (۳)

بررسی: با توجه به دیدگاه های قرآن پژوهان لازم است به چند نکته اشاره شود:

اول) واژه «اخبار غیبی» یا «اعجاز غیبی» اعم از «اعجاز تاریخی» قرآن است. یعنی اخبار و اعجاز غیبی قرآن شامل اعجازهای تاریخی و اعجازهای علمی قرآن هم می شود؛ زیرا اعجازهای علمی قرآن نوعی اخبار غیبی ای هستند که قبل از نزول قرآن کسی به آنها اشاره نکرده و بعد از آن کشف شده اند و این شامل همه حوزه های اعجاز علمی (مثل: طبیعت، کیهان، علوم انسانی، تاریخ و...) می شود. از طرف دیگر اعجاز علمی قرآن اعم از اعجاز تاریخی آن است؛ زیرا تاریخ به عنوان یک علم زیرمجموعه اعجاز علمی قرار می گیرد. بنابراین اعجاز غیبی را مساوی اعجاز تاریخی می دانیم.

دوم) درباره موارد اعجاز تاریخی و اخبار غیبی قرآن تقسیم بندی های متعددی - براساس معیارهای متفاوت- می توان ارائه کرد:

۱. معیار زمانی (خبرهای غیبی در مورد گذشته، حال و آینده)؛

۲. معیار مکانی (خبرهای غیبی قرآن از درون و برون انسان ها)؛

ص: ۴۸۸

۱- (۱). ضیایی بیگدلی، قرآن کریم و دلایل اعجاز آن، ۲۷۸-۲۷۵.

۲- (۲). معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۲۱۰-۱۸۶.

۳- (۳). در این قسمت از مقاله «اعجاز تاریخی قرآن» دکتر سید رضا مؤدب و قاسم شهری در مجله تخصصی قرآن و علم، ش ۷، ۱۳۸۹ش، استفاده شد. (با تلخیص و اصلاح).

۳. معیار شخصیت ها و ملت ها (خبرهای غیبی درباره پیامبران، امت ها، مسلمانان، دشمنان اسلام و...).

آن چه در اینجا مهم است، مصادیق اعجاز تاریخی در قرآن است که به مهم ترین آنها در مباحث بالا اشاره شد و لازم است هر کدام جداگانه بررسی شوند.

سوم) در مورد ادعاهای اعجاز تاریخی قرآن درباره آینده که هنوز تحقق پیدا نکرده اند (مثل: پیروزی نهایی اسلام بر ادیان) (۱) می توان گفت که این ها به نوعی نظریه پردازی نسبت به آینده بشریت، اسلام و ادیان الهی هستند که امروزه گاهی با عنوان آینده پژوهی از آنها یاد می شود. این موارد تا هنگامی که تحقق نیافته اند نمی توانند، اعجاز تاریخی قرآن را ثابت کنند.

مصادیق اعجاز تاریخی قرآن

در مباحث پیشین به آیاتی که در آنها ادعای اعجاز تاریخی شده است، اشاره کردیم؛ این آیات عبارتند از:

توبه/ ۳۳ و ۸۸؛ آل عمران/ ۱۲ و ۶۱؛ انفال/ ۷؛ فتح/ ۱۶۱؛ روم/ ۱ - ۴؛ قمر/ ۴۵؛ فتح/ ۲۷؛ نور/ ۵۵؛ عنکبوت/ ۴۸؛ قصص/ ۴۴ و ۴۶؛ هود/ ۴۹؛ فتح/ ۱۶ و ۲۷؛ قمر/ ۴۵؛ نور/ ۵۵؛ روم/ ۳؛ هود/ ۴۹؛ انفال/ ۷؛ مجادله/ ۸؛ آل عمران/ ۱۲۲؛ فتح/ ۲۷؛ نور/ ۵۵؛ انفال/ ۷؛ روم/ ۱ - ۴؛ روم/ ۱ - ۵؛ فتح/ ۱۵، ۱۶ و ۲۷؛ حجر/ ۲۹؛ مائده/ ۶۷؛ نور/ ۵۵ و انعام/ ۶۵؛ حجر/ ۹۶-۹۴؛ صف/ ۹؛ روم/ ۱ - ۵؛ حجر/ ۹۶-۹۴؛ صف/ ۹؛ روم/ ۲ و ۳؛ قمر/ ۴۴ و ۴۵؛ هود/ ۴۹؛ یوسف/ ۱۰۲؛ آل عمران/ ۴۴؛ مریم/ ۳۴؛ روم/ ۲ و ۳؛ فتح/ ۱۵ و ۲۷؛ مائده/ ۷۰؛ حجر/ ۹؛ انبیاء/ ۹۵ - ۹۷؛ نور/ ۵۵؛ انعام/ ۶۵؛ حجر/ ۱۹ و ۲۲؛ نبأ/ ۷؛ روم/ ۱ - ۴؛ نور/ ۵۵؛ سوره مسد.

ص: ۴۸۹

۱. پیش گویی جنگ ایران و روم

«غَلَيْتِ الرُّومَ * فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ * فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدِ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (۱)» (سپاه) روم در نزدیک ترین سرزمین شکست خورد؛ و [الی] آنان بعد از شکستشان در [ظرف] چند سال به زودی پیروز خواهند شد. کار [ها] قبل از (آن شکست) و بعد از (این پیروزی)، فقط از آن خداست؛ و در آن روز، مؤمنان از یاری الهی (و پیروزی دیگری) شاد می شوند».

شان نزول

حکایت شده است که در زمان حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مکه، جنگی میان ایرانیان و رومیان (دو ابرقدرت آن عصر) واقع شد و ایرانیان پیروز شدند. در این هنگام آیات فوق نازل شدند و پیش گویی کردند که رومیان در آینده ای نزدیک پیروز می شوند. این واقعه پس از چند سال به وقوع پیوست و بار دیگر حَقَانِیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن اثبات شد. (۲)

یکی از جهات اعجاز قرآن پیش گویی های تاریخی و اخبار غیبی آن است و آیه فوق را از این موارد شمرده اند؛ (۳) زیرا قرآن با تأکیدهای متعدد و به طور قاطع

ص: ۴۹۰

۱- (۱). روم، آیات ۲ - ۴.

۲- (۲). ر. ک. به: واحدی، اسباب النزول، ص ۳۵۴؛ نمونه بینات، ص ۶۱۰؛ شان نزول آیات، ص ۴۳۶، طبرسی، تفسیر مجمع البیان، حویزی، تفسیر نورالثقلین، رازی، تفسیر ابوالفتح رازی، فخر، تفسیر و برخی تفاسیر دیگر نیز این شأن نزول را آورده اند؛ هر چند که برخی جزئیات حادثه (مثل ترجیح رومیان مسیحی بر ایرانیان زردشتی، جای بحث دارد؛ با آن که هر دو گروه مشرک بودند) و تطبیق حادثه بر سال ها دقت بیش تری می طلبد.

۳- (۳). مکارم، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۶۵.

پیش‌گویی می‌کند که رومیان پس از شکست، به زودی پیروز می‌شوند و حتی حدود سال‌های آن را پیش‌بینی می‌کند.

پیش‌بینی پیروزی قدرت‌های بزرگ، آن‌هم در مدت زمانی کوتاه و پس از شکستی سنگین، کاری دشوار است که با علم عادی ممکن نیست و حتی کارشناسان سیاسی و نظامی نیز در این موارد با احتیاط سخن می‌گویند. دولت ایران و روم در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) دو ابرقدرت بزرگ جهان بودند؛ پادشاه ایران «خسرو پرویز» و پادشاه روم «هرقل» بود. جنگی ۲۴ ساله بین آنان در گرفت و سپاه ایرانیان به سرداری «شهربراز» و «شاهین» به قلمرو روم شرقی حمله کردند و آنان را به سختی شکست دادند؛ طوری که شامات، مصر و آسیای صغیر را تصرف کردند.

این شکست در حدود سال ۶۱۶م (حدود سال ششم یا هفتم هجری) رخ داد (تولد پیامبر در سال ۵۷۱م و بعثت او در سال ۶۱۰م بود). سپس پادشاه روم در سال ۶۲۲م تهاجم خود را به ایران آغاز کرد و ظرف شش سال ایران را شکست داد. (۱) بنابراین، شکست ایرانیان در حدود سال‌های اول تا ششم هجری بود و صلح حدیبیه نیز در سال ششم هجری واقع شد. محل درگیری سپاه ایران و روم و مکان شکست رومیان، شمال جزیره العرب در سرزمین شام، نزدیک محل سکونت مردم مکه بود. برخی مفسران نیز احتمال داده‌اند که این مکان نزدیک‌ترین نقطه مرزی ایران و روم بود و شکست رومیان در آن نقطه اهمیت بیشتری داشت؛ زیرا اگر کشوری در نقطه مرزی و محل قوت خود شکست بخورد، به زودی قادر به جبران شکست نخواهد بود. (۲) در این صورت پیش‌گویی پیروزی رومیان اهمیت بیش‌تری می‌یابد.

ص: ۴۹۱

۱- (۱). مکارم، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۶۹.

۲- (۲). ر.ک. به: طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۳۶۱.

برخی محققان نیز این بخش از آیه را یکی از موارد اعجاز علمی قرآن دانسته اند؛ زیرا محققان علم جغرافیا دریافته اند گودترین و پایین ترین منطقه روی زمین «بحر المیت» (منطقه ای نزدیک فلسطین) است که جنگ ایران و روم در آن واقع شد و قرآن با تعبیر «ادنی (۱) الارض» (پایین ترین و پست ترین سرزمین) به آن اشاره کرده است. (۲)

«بِضْع» به معنای زمانی حدود سه تا نه سال است. برخی نیز زمان سه تا ده، یک تا نه و شش تا نه را گفته اند. (۳) پیش بینی قرآن به صورت حدودی است؛ زیرا جنگ های آن عصر چند سال طول می کشید و در طول جنگ و پس از فراز و نشیب ها معلوم می شد چه کسی شکست خورده است.

در این آیات بیان شده است که مؤمنان هنگام پیروزی رومیان خوشحال خواهند بود. این خود پیش گویی دیگری در این آیات است؛ چون هنگام پیروزی رومیان، صلح حدیبیه واقع شد که پیروزی بزرگی برای مسلمانان و باعث شادمانی آنان بود. این احتمال نیز هست که شادی مسلمانان به خاطر تحقق پیش گویی قرآن و اثبات حقانیت آن باشد. (۴) برخی نیز احتمال داده اند خوشحالی مسلمانان به خاطر پیروزی توحید بر شرک بود؛ ولی این احتمال بعید است؛ چون ایرانیان و رومیان هر دو مشرک بودند. (۵) در شان نزول آیات ابتدایی سوره روم چنین وارد شده است:

ص: ۴۹۲

۱- (۱). «ادنی» در معناهای «نزدیک تر»، «پست تر» و «پایین تر» به کار رفته است.

۲- (۲). گلستان قرآن، ش ۱۷۶، ص ۵۱، به گزارش ایکنای به نقل از خبرگزاری «المحیط». این مطلب می تواند یکی از شگفتی های علمی قرآن باشد؛ اما با توجه به این که واژه «ادنی» به دو معنا به کار رفته است و مطلب علمی ادعا شده نیز برای ما به طور قطعی ثابت نشده اند، نمی توان به طور قطعی گفت که این مطلب اعجاز علمی قرآن است.

۳- (۳). مکارم، همان، ج ۱۶، ص ۳۶۲.

۴- (۴). مکارم، همان، ج ۱۶، ص ۳۶۳.

۵- (۵). رضایی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، ج ۱۶، ص ۱۲۵-۱۲۳.

مشرکان و بت پرستان مکه بر مسلمانان طعنه می زدند که ملت روم که اهل کتاب بود و آیین آسمانی داشت، از ملت فارس که مشرک بود، شکست خورد؛ ما نیز بر شما مسلمانان پیروز خواهیم شد.

در مورد این آیات روایات دیگری نیز وارد شده اند که به شرطبندی و قمار با مشرکان اشاره می کنند (۱) این روایات توسط علامه طباطبایی نقد شده اند. (۲)

از نکات قابل توجه آیات ذکر شده مطلبی است که علامه شعرانی بیان می کند:

غلبه فارس بر روم ۶۱۶م و غلبه روم در سال ۶۲۴م بود که شکست قطعی بر لشکر (خسرو) پرویز وارد آمد و پیوسته سپاه روم پیش می رفتند تا در ۶۲۸م به نزدیک مداین رسیدند. علت آن که عدّه «سنین» را به تعیین ذکر نفرمود، آن است که در این گونه جنگ ها میان دولت های بزرگ، غلبه و مغلوبیت تدریجی است. (۳)

کلام علامه شعرانی، کلامی استوار است؛ زیرا مورخان به وقوع جنگ های بسیاری میان ایران و روم اشاره نموده اند که در شکست های ایران در سال های آخر این جنگ ها، ضربات هولناکی بر ایران وارد شدند. (۴)

نکته قابل توجه در سوره این است که با حروف مقطعه آغاز شده و برخلاف بیشتر سوره هایی که با حروف مقطعه شروع شده اند، پس از حروف مقطعه (یعنی آیه بعد) سخنی از عظمت قرآن به میان نیامده است؛ بلکه سخن از شکست رومیان

ص: ۴۹۳

۱- (۱). طبری، تفسیر، ج ۲۱، ص ۱۶-۱۱؛ رازی، تفسیر الکبیر، ج ۲۵، ص ۸۴ و ۸۵؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۲۶-۴۲۲؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۲۸؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۶۰.

۲- (۲). طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۶۴-۱۶۳؛ نیز ر.ک. به: فضل الله، تفسیر من وحی القرآن، ج ۱۸، ص ۹۶ و ۹۷.

۳- (۳). کاشانی، تفسیر کبیر منهج الصادقین، ج ۷، ص ۱۸۳.

۴- (۴). سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۶۴۵.

و پیروزی آنهاست. البته با تأمل درمی یابیم که این آیات نیز عظمت قرآن را بیان می کنند؛ زیرا از اخبار غیبی و اعجاز تاریخی قرآن به شمار می آیند. (۱)

۲. رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و فتح مکه

(لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُسِهِمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا)؛ (۲) «به یقین، خدا به فرستاده اش، در خواب، به حق راست گفت که اگر خدا بخواهد، قطعاً، با امنیت وارد مسجدالحرام می شوید؛ درحالی که سرهایتان را تراشیده و (یا) کوتاه کرده اید (و از کسی) نمی ترسید؛ و (خدا) می دانست آن چه نمی دانستید؛ و جز این، پیروزی نزدیکی (برای شما) قرار داده است».

شان نزول

پیامبر(صلی الله علیه و آله) در مدینه خواب دید که به اتفاق یارانش برای انجام مراسم عمره، وارد مکه می شود و این خواب را برای اصحاب خود بیان کرد. همه خوشحال شدند و گروهی تصور کردند این خواب در همان سال ششم هجری تحقق خواهد یافت. هنگامی که مشرکان در حدیبیه مانع ورود مسلمانان به مکه شدند، این گروه در مورد صحت خواب پیامبر(صلی الله علیه و آله) به تردید افتادند و پیامبر(صلی الله علیه و آله) گفت: مگر من به شما گفتم که این رؤیا همین امسال تحقق می یابد؟! آیه فوق هنگام بازگشت مسلمانان به مدینه، نازل شد و تأکید کرد که رؤیای پیامبر(صلی الله علیه و آله) صادق است و قطعاً در آینده تحقق می یابد. (۳)

ص: ۴۹۴

۱- (۱). رازی، التفسیر الکبیر، ج ۲۵، ص ۸۴ و ۸۵؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۶۰ و ۳۶۱.

۲- (۲). فتح، آیه ۲۷.

۳- (۳). نمونه بینات، ص ۷۳۴ و ۷۳۵.

رؤیای پیامبر(صلی الله علیه و آله) یکی از اقسام وحی و اجرای آن برعهده پیامبر(صلی الله علیه و آله) است؛ همان گونه که در مورد ابراهیم و اسماعیل(علیهما السلام) نیز اتفاق افتاد. (۱)

این آیه یکی از پیش گویی های اعجاز آمیز قرآن است؛ زیرا با تأکید زیاد، به مسلمانان وعده می دهد که خواب پیامبر(صلی الله علیه و آله) در مورد داخل شدن شما به مسجدالحرام تحقق می یابد و این کار با کمال امنیت انجام خواهد گرفت. طبق پیش گویی قرآن این عمره در سال بعد (ذی القعدة سال هفتم هجری) انجام گرفت و به «عمره القضا» مشهور شد؛ زیرا قضای عمره سال قبل بود که مشرکان مانع انجام آن شده بودند.

مقصود از «فتح قریب» نیز همان پیروزی مسلمانان در جنگ خیبر بود که با فاصله کمی از صلح حدیبیه اتفاق افتاد و یهودیان اطراف مدینه کاملاً سرکوب شدند. برخی مفسران فتح قریب را همان صلح حدیبیه می دانند؛ ولی این مطلب بعید است؛ چون فتح خیبر فاصله کم تری با تحقق عینی این خواب داشت (در آیه ۱۸ سوره فتح هم به آن اشاره شده است). (۲)

۳. اعجاز تاریخی در سوره یوسف

گاهی در قرآن، سرگذشت امت های پیشین بیان شده است که در این زمینه نیز اعجازهای تاریخی به چشم می خورند. مباحث باستان شناسی شواهد خوب و راه گشایی برای کشف اعجازهای تاریخی قرآنند. عده ای از محققان نیز بر این مطلب تأیید کرده اند. (۳)

ص: ۴۹۵

۱- (۱). در مورد رؤیا ر.ک. به: صفات، آیه ۱۰۲؛ یوسف، آیه ۴ به بعد.

۲- (۲). مکارم، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۰۴؛ تفسیر قرآن مهر، ج ۱۹، ص ۲۲۶.

۳- (۳). بی آزار شیرازی، باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، ص ۴ - ۶.

از جمله این گونه اعجاز تاریخی قرآن، داستان یوسف (علیه السلام) و عزیز مصر است. نکته شایسته توجه این است که در سوره یوسف (علیه السلام) نامی از فرعون به میان نیامده است؛ حال آن که یوسف (علیه السلام) بیشتر عمرش را در سرزمین مصر گذراند. در این سوره در مواردی از لقب «ملک» برای پادشاهان مصر یاد شده و این مطلب نشان دهنده اعجاز تاریخی قرآن است؛ چون یوسف در دوران حکومت «هکسوس» زندگی می کرد و سلسله فرعون ها هنوز به وجود نیامده بودند. کشفیات «شامپلیون» در سرزمین مصر (۱) و یافته های خطشناسی دوران مصر باستان نیز این مطلب را تأیید می کنند. روایتی از امام سجاد (علیه السلام) نیز وجود دارد که به نوعی صحت این اعجاز را تأیید می نماید. (۲)

۴. دو اعجاز تاریخی در سوره کوثر

(إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ) ؛ «در حقیقت ما به تو (نیکی) فراوان عطا کردیم؛ پس برای پروردگارت نماز بگزار و (شتر) قربانی کن؛ [چرا] که فقط (دشمن) کینه توز تو بریده نسل است».

شان نزول

حکایت کرده اند شخصی به نام «عاص بن وائل» که از سران مشرکان مکه بود، هنگام خارج شدن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مسجد الحرام با ایشان ملاقات و صحبت کرد و سپس وارد مسجد الحرام شد. مشرکان از او پرسیدند باچه کسی صحبت می کردی؟ گفت: با این مرد ابتر! (یعنی کسی که پسر ندارد و نسل او منقطع است).

ص: ۴۹۶

۱- (۱). حاج احمد، موسوعه الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم و السنه المطهره، ص ۴۲.

۲- (۲). بستانی، قصص القرآن الکریم دلایلاً و جمالیاً، ج ۱، ص ۳۱۶.

سوره کوثر بدین مناسبت نازل شد و به پیامبر (صلی الله علیه و آله) بشارت کوثر داد و دشمنان او را منقطع خواند. (۱)

نکته ها و اشاره ها

۱. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) دو پسر به نام های قاسم و طاهر (عبدالله) از خدیجه داشت که هر دو در مکه از دنیا رفتند و حضرت بدون پسر باقی ماند. (۲) این موضوع باعث شد دشمنان زبان بگشایند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) را «أبتر» (بریده نسل) بخوانند؛ زیرا می پنداشتند پسر اهمیت زیادی دارد و تداوم بخش برنامه پدر است و پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز چون پسر ندارد، برنامه هایش متوقف می شوند.

۲. «کوثر» از ریشه «کثرت» به معنای خیر و برکت فراوان است. به افراد سخاوتمند نیز کوثر گفته می شود.

مفسران قرآن در مورد معنای کوثر چند احتمال داده اند؛ از جمله: کثرت فرزندان فاطمه (علیها السلام)، نهری در بهشت، (۳) حوض کوثر (۴) (که مؤمنان هنگام ورود به بهشت از آن سیراب می شوند)، قرآن، نبوت، کثرت اصحاب و یاران، شفاعت، (۵) پیروزی های پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جنگ ها و نیز علمای امت او (۶) (که فرزندان معنوی پیامبر و فاطمه (علیهم السلام) هستند).

ص: ۴۹۷

۱- (۱). تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۳۶؛ نمونه بینات، ص ۸۸۶ و شأن نزول آیات، ص ۵۸۵.

۲- (۲). البته پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در مدینه نیز با «ماریه قبطیه» ازدواج کرد و از او پسری به نام ابراهیم داشت که در کودکی فوت کرد (بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۸۳).

۳- (۳). در روایات پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) به این موارد اشاره شده است (جعفریات، ص ۲۵۱؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۸۷؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۶ و ۲۴ و تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۸۲).

۴- (۴). بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۷ و تفسیر صافی، همان.

۵- (۵). تفسیر صافی، همان.

۶- (۶). تفسیر نمونه و تفسیر کبیر فخر رازی، ذیل سوره.

البته معنای کوثر وسیع است و مانعی ندارد که همه این مصادیق و موارد را دربر گیرد؛ هرچند با توجه به قرینه ذیل سوره (یعنی بریده نسل خواندن دشمنان پیامبر(صلی الله علیه و آله) و شأن نزول آن، احتمال اول مناسب تر است.

آری، این فاطمه(علیها السلام) است که خود شفاعت کننده امت است و فرزندانش همچون نهری بهشتی در بین بشریت جاری اند و همگان را از حوض کوثر علوم آل محمد(صلی الله علیه و آله) سیراب می کنند و تداوم بخش نبوت و پاسداران قرآند و با رهبری شان پیروزی های بزرگ علمی و معنوی را برای مسلمانان به ارمغان آورده اند.

۳. در این سوره بیان شده که به شکرانه نعمت کوثر، پیامبر(صلی الله علیه و آله) باید نماز بگزارد و قربانی کند. البته برخی مفسران معتقدند که مقصود، نماز و قربانی روز عید قربان است؛ ولی معنای آیه گسترده است و شامل هرگونه نماز و قربانی می شود.

این سوره در حقیقت، آموزشی است برای رهبران الهی و مسلمانان که برای شکر نعمت های بزرگ الهی به نماز و قربانی رو آورند تا از یک سو پیوند خود را با خدا و خلق محکم تر کنند و از سوی دیگر نیاز معنوی خویش و نیاز مادی بینوایان را برطرف سازند.

۴. «نَحْر» در اصل به معنای «گلوگاه» و نیز «کشتن شتر» است و از آنجا که در عصر پیامبر(صلی الله علیه و آله) شتر اهمیت ویژه ای داشت، به مصداق کامل قربانی، یعنی کشتن شتر اشاره شده است. اما مفسران قرآن معانی دیگری نیز برای آن بیان کرده اند:

- ایستادن رو به قبله در هنگام نماز؛ چون یکی از معانی این واژه، روبه رو شدن است؛

- بلند کردن دست ها هنگام تکبیر گفتن در نماز؛

- صاف بودن کمر انسان هنگام رکوع.

دو مورد اخیر در احادیث اسلامی از پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) روایت شده اند. (۱) البته مانعی ندارد که همه این معانی مقصود و مصداق آیه باشند، ولی معنای اول با ظاهر آیه و معنای سوم با ذکر نماز قبل از نحر سازگارترند.

۵. «أبتر» به معنای «حیوان دم بریده» است. به انسان هایی که نسلشان قطع شده نیز ابتر می گویند. به کاربردن این تعبیر در مورد پیامبر (صلی الله علیه و آله) نوعی توهین به حضرت بود؛ از این رو خدا نیز در مورد دشمنان او از همان تعبیر استفاده کرد و آنان را کینه توزهایی خواند که دشمنی شان با قساوت، رذالت و بی ادبی همراه است.

۶. سوره کوثر دو خبر غیبی را اعلام کرده است که آنها را پیش گویی های اعجاز آمیز قرآن دانسته اند (۲):

الف) خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله) خیر فراوانی هم چون پیروزی اسلام بر کفر (۳) و موهبتی همچون فاطمه (علیها السلام) می دهد که برنامه ها و نسل او را تداوم بخشد.

ب) دشمنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) بریده نسل خواهند شد و برنامه ها و عظمت دودمان آنها باقی نخواهند ماند؛ همان طور که مشرکان مکه و عاص بن وائل و مانند او منقرض شدند و هیچ نامی از آنان و دودمانشان برجای نمانده است.

۷. از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) جز یک دختر باقی نماند و تمام نسل ایشان از فاطمه (علیها السلام) ادامه یافت. آمار فرزندان فاطمه (علیها السلام) در جهان، در آستانه قرن پانزدهم قمری و قرن بیستم میلادی، بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون نفر تخمین زده می شود؛ (۴) در حالی که از نسل

ص: ۴۹۹

۱- (۱). تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۳۷؛ فقه القرآن راوندی، ج ۱، ص ۱۰۸؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۳۱۲؛ تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۸۳ و وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۰.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۷۶.

۳- (۳). جمله «اعطیناک» ماضی است؛ اما ممکن است به معنای مضارع متحقق الوقوع باشد که به شکل ماضی بیان شده است.

۴- (۴). در برخی کشورها پیش وند «سید» یا «شریف» در شناسنامه سادات اضافه می شود؛ اما در برخی کشورها این گونه نیست؛ از این رو آمار دقیقی از تعداد سادات در جهان موجود نیست. آمار فوق را برخی بزرگان مثل آیت الله جعفر سبحانی در سخنرانی ها و همایش ها بیان کرده اند.

دشمنان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) هیچ نام و رسمی باقی نمانده است.

۸. در این سوره از دادن کوثر با لفظ «عطا» یاد شده است که عظمت آن را می رساند. از ضمیر جمع (اَنَا) و از تأکید (اِنَّ) نیز عظمت نعمت کوثر استفاده می شود که تاکنون گوشه ای از آن برای ما روشن شده است. آری؛ خدا زحمات رهبران الهی را ارج می نهد و در عوض به آنان خیر فراوان عطا می کند. (۱)

تذکر: برخی موارد دیگری که در اعجاز تاریخی قرآن مطرح است، مثل سرنوشت عذاب آلود ابولهب در سوره مسد پیش گویی شد و با این که او چند سال بعد از نزول سوره زنده بود، اما توفیق ایمان و توبه نیافت.

۶. اعجاز ریاضی

اشاره

مقدمه

همان طور که در بخش اول بیان کردیم اعجاز قرآن ابعاد گوناگونی دارد؛ مانند: فصاحت و بلاغت، محتوای عالی از پیامبری امّی و اعجاز علمی.

برخی نویسندگان و صاحب نظران در چند دهه اخیر بُعد دیگری برای اعجاز قرآن بیان کرده اند که همان «اعجاز عددی» قرآن است. اینان ادعا می کنند که نظم ریاضی بر قرآن حاکم است. هرچند در کتاب الاتقان فی علوم القرآن (تألیف سیوطی) رد پای این فکر دیده می شود؛ (۲) اما تا چند سال اخیر این راز علمی پنهان مانده بود. با پیدایش رایانه که می تواند حساب های بسیار زیادی را

ص: ۵۰۰

۱- (۱). ر.ک: تفسیر قرآن مهر، ج ۲۲، از نگارنده.

۲- (۲). ر.ک: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۱۲ به نقل از مقاله اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن، عباس یزدانی، کیهان اندیشه، ش ۶۷، ص ۶۳.

در مدت زمان کم و با دقت بالایی انجام دهد، پرده از روی نظم ریاضی قرآن برداشته شد و اعجاز این کتاب مقدس بار دیگر بر جهانیان ثابت گردید. این صاحب نظران از این رهگذر نتایج دیگری هم می گیرند که اشاره خواهیم کرد. در رأس آنها افرادی همچون رشاد خلیفه و عبدالرزاق نوفل هستند.

در مقابل، گروهی از نویسندگان و صاحب نظران قرآنی، این مطالب را نمی پذیرند و برخی محاسبات آنان را خطا آلود می دانند. حتی برخی نویسندگان قسمتی از این مطالب را توطئه بهائیت معرفی می کنند و آن را جریانی انحرافی می دانند و در این مورد به ادعای نبوت رشاد خلیفه و کشته شدن او استشهاد می کنند. (۱) ما ابتدا گزارشی از کتاب ها و نویسندگان دو گروه بیان و سپس نتیجه گیری می کنیم.

الف) موافقان اعجاز عددی قرآن

در این مورد افراد زیادی کتاب و مقاله نوشته اند که به مهم ترین آنها اشاره می کنیم:

۱. معجزه القرآن الکریم، دکتر رشاد خلیفه: دکتر رشاد خلیفه در خانواده ای از صوفیان مصر در شهر «طنطه» متولد شد و در سال ۱۹۷۱م در شهر مکه رسماً به جرگه نایبان مکتب تصوف در آمد. او تحصیلات جدید خود را تا کارشناسی در دانشکده کشاورزی عین الشمس قاهره گذراند و سپس به آمریکا رفت. کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه آریزونا (۱۹۵۹ - ۱۹۶۱م) گذراند و سپس دکترای خود را نیز در دانشگاه کالیفرنیا (۱۹۶۲ - ۱۹۶۴م) در رشته بیوشیمی گیاهی گذراند. (۲) او به مدت سه سال در مورد قرآن با استفاده از رایانه تحقیق کرده است که نتیجه این تحقیقات در سال

ص: ۵۰۱

۱- (۱). بسام نهاد جزّار، اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، ص ۲۱.

۲- (۲). ر.ک: رشاد خلیفه، اعجاز قرآن تحلیل آماری حروف مقطعه، ترجمه سید محمدتقی آیت اللهی، مقدمه/ الف.

۱۳۵۱ش به روزنامه های دنیا داده شد. (۱) کتاب او با عنوان معجزه القرآن الکریم در سال ۱۹۸۳م در بیروت چاپ (۲) و به زبان انگلیسی نیز در آمریکا چاپ شد. (۳)

تمام کوشش استاد مزبور برای کشف معانی و اسرار حروف مقطعه قرآن صورت گرفته و ثابت کرده است که رابطه نزدیکی میان حروف مذکور، با حروف سوره ای که در آغاز آن قرار گرفته اند، وجود دارد. او در محاسباتش از رایانه کمک گرفته و بیان کرده است که حروف مقطعه در ۲۹ سوره قرآن آمده اند؛ مجموع این حروف ۱۴ حرف الفبای عربی را تشکیل می دهد (یعنی: ا، ح، ر، س، ص، ط، ع، ق، ک، ل، م، ن، ه، ی) که گاهی آنان را حروف نورانی می نامند. او نسبت این حروف را در ۱۱۴ سوره قرآن سنجیده و به نتایجی رسیده است؛ از جمله: تعداد حرف «ق» در سوره «ق» به نسبت از تمام سوره های قرآن بیشتر است. مقدار حرف «ص» در سوره «ص» نیز به تناسب مجموع حروف سوره از هر سوره دیگری بیشتر است. همچنین حرف «ن» در سوره «ن و القلم» بزرگ ترین رقم نسبی را در میان ۱۱۴ سوره قرآن دارد.

وی عدد ۱۹ را عددی اساسی در قرآن می داند و آن را از «تسعه عشر» (۴) اخذ کرده و اعداد برخی آیات و کلمات را بر آنها تطبیق نموده و نظامی ریاضی گونه ارائه می دهد. او با محاسبات زیاد و جدول های متعدد به اثبات این مطالب پرداخته و نتایج زیر را گرفته است:

الف) قرآن کلام خداست. محل حروف مقطعه قرآن در جای مشخص خود،

ص: ۵۰۲

۱- (۱) . همان، مقدمه / ج.

۲- (۲) . معجزه القرآن الکریم، دکتر رشاد خلیفه، دار العلم للملایین، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۹۸۳م.

۳- (۳) . VISUAL PRESENTATION OF THE MIRACLE.

۴- (۴) . مدثر، آیه ۳۰.

طرح پیش رفته توزیع الفبایی در سراسر قرآن را اثبات می کند. هیچ کس نمی تواند ادعا کند که این چنین طرح پیشرفته ای توسط انسان - هر قدر هم متعالی باشد - قابل وصول باشد. او از رایانه می خواهد که تعداد تبدیل های ممکن را به منظور کتابی مثل قرآن که از لحاظ ریاضی دقیق و حساب شده است محاسبه کند که ۶۲۶ سپتیلون (۶۲۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) می شود که قطعاً از توان و ظرفیت هر مخلوقی خارج است (در گذشته، حال و آینده) و هیچ کس قادر نخواهد بود اثری همتای قرآن بیاورد. دکتر رشاد خلیفه اعجاز قرآن را از این مطلب نتیجه می گیرد و حتی معجزات موسی و عیسی (علیهما السلام) را از طریق قرآن اثبات می کند. (۱)

ب) ترتیب موجود سوره های قرآن ترتیبی ملهم از ذات الهی است.

ج) ترتیب نزول سوره های قرآن، آن چنان که امروزه می دانیم از جانب خدای متعال است.

د) محل نزول سوره های قرآن، اعم از مکی یا مدنی، مورد تأیید قرار می گیرد.

ه) شیوه مخصوص کتابت کلمات در قرآن به دستور خود خدای متعال است؛ از این رو توصیه می کند کتابت قرآن (صلوه، به صلاه) تغییر داده نشود.

و) طریق خاص قرآن در تقسیم هر سوره به آیات، با امر الهی صورت گرفته است.

ز) آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» جزء تفکیک ناپذیر همه سوره ها به جز سوره ۹ (التوبه) است؛ وی این مسئله را نیز با دلایلی از نظم ریاضی ثابت می کند. (۲)

۲. اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعه، تالیف رشاد خلیفه، ترجمه و ضمایم از سید محمد تقی آیت اللهی: این کتاب که مترجم محترم آن را از نسخه اصل انگلیسی ترجمه کرده در سال ۱۳۶۵ش توسط انتشارات دانشگاه شیراز منتشر شده

ص: ۵۰۳

۱- (۱). ر.ک: معجزه القرآن الکریم و اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعه، ص ۲۶۹-۲۷۱.

۲- (۲). همان، ص ۲۷۱ - ۲۷۵.

است. مترجم مقدمه ای درباره معرفی نویسنده (رشاد خلیفه) و مقدمه ای به عنوان «سخن مترجم» اضافه کرده است. ضمائمی نیز در کتاب آورده شده که مقادیر حروف را بر اساس حروف ابجد حساب کرده و حتی برخی خطاهای متن انگلیسی را یاد آور شده است. (۱)

۳. معجزه القرن العشرين من كشف سباعيه وثلاثيه اوامر القرآن الکریم، ابن خلیفه علیوی: وی در کتاب خود که ۱۱۰ صفحه است، می گوید ۹۰٪ اوامر قرآن هفت گانه یا سه گانه یا یگانه هستند و تکرار آنها در موارد خود لازم بوده است. مثلاً امر «أعبدوا» (پرستید)؛ سه بار به همه مردم، سه بار نسبت به اهل مکه و سه بار نسبت به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) آمده است. شعیب، نوح، هود، صالح و عیسی (علیهم السلام) نیز هر کدام سه بار به قوم خود گفته اند که این سر غریب و عجیبی است.

وی از این اعداد منظم اعجاز قرآن را نتیجه می گیرد. (۲)

۴. المنظومات العددیه فی القرآن العظیم، مهندس مصطفی ابوسیف بدران: این کتاب در ۸۸ صفحه چاپ شده و روابط ریاضی حروف مقطعه را بررسی کرده است. حالات مختلف لفظ «الله» نیز در این کتاب بررسی شده است.

۵. الاعجاز العددی للقرآن الکریم، عبدالرزاق نوفل: این کتاب که در سه جزء جداگانه چاپ شده، با عنوان اعجاز عددی در قرآن کریم توسط مصطفی حسینی طباطبایی ترجمه شده است. مؤلف تلاش کرده نظام ریاضی تکرار واژه ها را در قرآن نشان دهد؛ مثلاً: واژه های دنیا و آخرت هر کدام ۱۱۵ بار در قرآن آمده اند؛ واژه های شیاطین و ملائکه هر کدام ۶۸ بار در قرآن آمده اند؛ واژه های حیات و مشتقات آن و واژه موت نیز هر کدام ۱۴۵ بار در قرآن آمده اند. وی در مقدمه کتاب

ص: ۵۰۴

۱- (۱). اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعه، ص ۲۸۲-۲۸۳.

۲- (۲). ر.ک: معجزه القرن العشرين، ص ۷ به بعد.

این امر را معجزه الهی می داند و معتقد است این توازن در کلمات قرآن ثابت می کند که قرآن نمی تواند جز وحی الهی باشد؛ چون فوق قدرت انسان و بالاتر از عقل بشری است. (۱)

۶. اعجازات حدیثه علمیه و رقمیه فی القرآن، دکتر رفیق ابوالسعود: وی در یک فصل از کتاب خود معجزه اعداد و ارقام را در قرآن مطرح می کند و مطالبی شبیه مطالب عبدالرزاق نوفل - درباره توازن برخی کلمات - می آورد؛ (۲) مثلاً:

الرحمن ۵۷ مرتبه، الرحیم ۱۱۴ مرتبه؛

الجزء ۱۱۷ مرتبه، المغفره ۲۳۴ مرتبه؛

الفجار ۳ مرتبه، الابرار ۶ مرتبه؛

العُسر ۱۲ مرتبه، الیسر ۳۶ مرتبه؛

قل ۳۳۲ مرتبه، قالوا ۳۳۲ مرتبه؛

ابلیس ۱۱ مرتبه، استعاذه باللّه ۱۱ مرتبه؛

المصیبه ۷۵ مرتبه، الشکر ۷۵ مرتبه؛

الجهر ۱۶ مرتبه، العلانیه ۱۶ مرتبه؛

الشدّه ۱۰۲ مرتبه، الصبر ۱۰۲ مرتبه؛

المحبه ۸۳ مرتبه، الطاعه ۸۳ مرتبه.

۷. کاربرد روش سیستم ها (راسل. ل. ا. ک) به ضمیمه تعبیر قرآن آربری، ترجمه محمد جواد سهلانی: وی در یک فصل از کتاب مطالب رشاد خلیفه را ترجمه کرده است. (۳)

ص: ۵۰۵

۱- (۱). ر.ک: الاعجاز العددی للقرآن الکریم، الجزء الاول، ص ۱۰-۱۱ و ص ۱۵ به بعد.

۲- (۲). اعجازات حدیثه علمیه و رقمیه فی القرآن، (ص ۶۸ - ۷۵).

۳- (۳). کاربرد روش سیستم ها، ص ۵۲ - ۸۰.

۸. اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، بسم نهاد جزار: مؤلف پس از آن که نظام ریاضی دکتر رشاد خلیفه را توضیح می دهد و اشکالاتی به آن وارد می کند، به صورت جدیدی اعجاز عدد ۱۹ را در قرآن اثبات می کند؛ مثلاً می گوید: تعداد اعدادی که در قرآن آمده اند ۳۸ عدد است و این عدد از مضاعف های عدد ۱۹ است. همچنین تعداد اعداد صحیحی که به صورت مکرر در قرآن آمده اند ۲۸۵ بار است و این عدد هم از مضاعف های عدد ۱۹ است (۱۵ * ۱۹ = ۲۸۵).

وی فصل سوم کتاب (ص ۱۴۰ - ۱۵۲) را به همین موضوع اختصاص داده است.

۹. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی: مؤلف در جلد دوم تفسیر نمونه زیر آیه اول سوره آل عمران بحثی را از دکتر رشاد خلیفه به صورت مبسوط گزارش می کند؛ ولی قضاوت در مورد صحت و سقم آن را نیازمند بررسی فراوان می داند. وی پس از ذکر مطالب دکتر رشاد خلیفه این نتایج را ذکر می کند:

الف) رسم الخط اصلی قرآن را حفظ کنید؛

ب) این مطلب دلیل دیگری بر عدم تحریف قرآن است (چون اگر کلمه یا حرفی از قرآن کم می شد این ارقام صحیح نبودند)؛

ج) اشارات پرمعنا (در سوره هایی که با حروف مقطعه آغاز می شود، پس از ذکر این حروف، به حقانیت و عظمت قرآن اشاره شده است).

آیت الله مکارم در پایان نتیجه می گیرد که حروف قرآن - که طی ۲۳ سال بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شده - حساب بسیار دقیق و منظمی دارند؛ طوری که حفظ و نگهداری نسبت های آن بدون استفاده از مغزهای الکترونیکی امکان پذیر نیست. (۱)

۱۰. اعجاز عددی قرآن کریم و ردّ شبهات، محمود احمدی: وی کوشش نموده

ص: ۵۰۶

است به اشکالاتی که بر مباحث عبدالرزاق نوفل و رشاد خلیفه وارد نموده اند جواب دهد. او در ابتدا مطالب رشاد خلیفه و عبدالرزاق نوفل را به طور خلاصه بیان می کند؛ سپس اشکالات را یکی پس از دیگری برمی شمارد و حتی برخی از آنها را با استفاده از نامه های دکتر رشاد خلیفه پاسخ می دهد. ما در ادامه به برخی از این پاسخ ها اشاره خواهیم کرد.

۱۱. المعجزه، مهندس عدنان رفاعی: وی نیز مطالبی شبیه سخنان عبدالرزاق نوفل و دکتر رفیق ابوالسعود را ذکر کرده است.

۱۲. الاعجاز العددی فی سوره الفاتحه، طلحه جوهر: او نیز محور بحث خویش را عدد ۱۹ قرار داده است و آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» را با آیه (تِسْعَةَ عَشَرَ) (۱۱)(۱۶) مقایسه می کند. در پایان نیز آیاتی را که ۱۹ حرف دارند جمع آوری کرده است و از همه این مطالب اعجاز عددی و ریاضی قرآن را ثابت می کند.

۱۳. اعجاز ریاضی زوج و فرد در قرآن کریم، کوروش جم نشان: مؤلف با توجه به آیه سوم سوره فجر - که در آن خداوند متعال به زوج و فرد سوگند یاد کرده است - وجود یک نظام عددی بر مبنای زوج و فرد را در قرآن تبیین می کند؛ یعنی جمع اعداد زوج مساوی با جمع تعداد آیات قرآن یعنی ۶۲۳۶ و جمع اعداد فرد مساوی با ۶۵۵۵ است که حاصل جمع شماره سوره ها می باشد. وی بدین ترتیب نمونه دیگری از اعجاز عددی قرآن را اثبات می کند. (۲)

۱۴. ماوراء احتمال، عبدالله اریک: برخی نویسندگان با استفاده از این کتاب مقاله ای با عنوان «بسم الله مفقوده» نوشته و مدعی شده اند که نبودن بسم الله در

ص: ۵۰۷

۱- (۱). مدثر، آیه ۳۰.

۲- (۲). ر. ک: بینات، بهار ۱۳۷۵، ش ۱، ص ۹۹ و نیز کیهان فرهنگی، ش ۶۷، ص ۷۱-۷۲.

ابتدای سوره توبه و تکرار آن در سوره نمل بسیار حکیمانه و از معجزات قرآن است. آنها با استفاده از سوره ها این مطلب را اثبات می کنند. (۱)

۱۵. من الاعجاز البلاغی والعددی للقرآن الکریم، دکتر ابوزهره نجدی: وی کار دکتر رشاد خلیفه را ادامه داده است؛ مثلاً می گوید در قرآن ۳۴ مرتبه واژه سجده آمده که اشاره به ۳۴ سجده نمازهای یومیه است.

(ب) مخالفان اعجاز عددی قرآن

در این مورد به چند کتاب و مقاله برخورد کردیم که به آنها اشاره و استدلال های آنها را بیان می کنیم:

۱. تسعه عشر ملکاً، بیان ان فریه الاعجاز العددی للقرآن خدعه بهائیه، حسین ناجی محمد محی الدین: وی شدیداً به کسانی که عدد ۱۹ را یکی از اسرار قرآن می دانند حمله می کند و آن را نوعی دروغ بستن به خدا می داند. (۲) سپس متذکر می شود که عدد ۱۹ مربوط به بهائیان است که از نظر مسلمانان مرتد و کافر هستند. سال در نظر بهائیان ۱۹ ماه و هر ماهی نیز ۱۹ روز است؛ کتاب الیابیان آنان نیز ۱۹ قسمت و هر قسمت آن ۱۹ باب است؛ نمازهای یومیه آنها ۱۹ رکعت است و... (۳) وی در بخشی دیگر متذکر می شود که عدد ۱۹ مختص قرآن نیست و جملاتی را بیان می کند که بدون استفاده از رایانه بر اساس عدد ۱۹ شکل گرفته اند، درحالی که مطالب باطلی دارند؛ مثل: «لا بعث ولا حساب ولا جهنم لا صراط ولا جنه ولا نعیم و...» که ۱۹ حرف

ص: ۵۰۸

۱- (۱) . (DEVOND PROBABILITY – God's Message in Mathematic) به نقل از کیهان فرهنگی،

پیشین، ص ۷۳).

۲- (۲) . تسعه عشر ملکاً، ص ۱۱ و ۱۲.

۳- (۳) . همان، ص ۳۳ - ۳۷.

است و ۴ الف دارد. (۱) او همچنین بیان می کند که رابطه ای بین بسم الله الرحمن الرحيم و حروف مقطعه سوره ها و جهنم (نوزده ملک جهنم) وجود ندارد (۲) و در بخش دیگری نیز خطاهای عددی قائلین به اعجاز عددی را توضیح می دهد. (۳)

۲. المعجزه القرآنیة، دکتر محمد حسن هیتو: وی تقریباً همان مطالب حسین ناجی محمد را تأیید و تکرار می کند.

۳. اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، بسام نهاد جزّار: او هر چند به نوعی اعجاز عدد ۱۹ را در قرآن می پذیرد؛ اما با ذکر مطالبی خطاها و اشتباهات دکتر رشاد خلیفه را بیان می کند و می نویسد:

بعد از تحقیق در مورد تکرار حروف در سوره ها متوجه شدم که دکتر رشاد خلیفه به صورت عمدی دروغ گفته است تا به نتایج مورد نظرش در تکرار حروف در هر سوره برسد و ثابت کند که همگی بر عدد ۱۹ قابل تقسیم هستند. (۴)

وی در جایی دیگر به انحراف فکری رشاد خلیفه اشاره می کند و می گوید:

پس از آن که کتاب معجزه القرآن الکریم از ایشان چاپ و اشکالات آن ظاهر شد، رشاد خلیفه (که امام جماعت مسجد توسان بود) با نمازگزاران

ص: ۵۰۹

۱- (۱). همان، ص ۷۵ و ۷۶. البته سخن ایشان قابل خدشه است؛ چون جملاتی کوتاه، با فکر قبلی، در زمانی خاص و با همین هدف ساخته شده است. اما قرآن کریم در طی ۲۳ سال به صورت پراکنده (در جنگ، صلح و...) توسط یک انسان امی آورده شده است. به همین دلیل تناسب و نظام ریاضی آن (اگر مبنای ۱۹ صحیح باشد) امر شگفت انگیزی است؛ چون از توان بشر عادی خارج است. علاوه بر آن قرآن دارای محتوای بسیار بلند همراه با فصاحت و بلاغت است که این نظام ریاضی نیز همراه آن شده است. اما این جملات همان سخنان معمولی بشری است و قیاس آنها با قرآن صحیح نیست.

۲- (۲). همان، ص ۱۱۱.

۳- (۳). همان، ص ۹۵.

۴- (۴). اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، ص ۲۶.

اختلاف پیدا کرد و او را طرد کردند. رشاد خلیفه مرکزی را افتتاح کرد و سنت را منکر شد و در نهایت ادعای نبوت کرد و سرانجام نیز به وسیله کاردی در همان مرکز کشته شد. (۱)

۴. اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن، عباس یزدانی: وی در مقاله ای مفصل (۲) اشکالات متعددی نسبت به برخی از کتاب ها و مقالاتی که اعجاز عددی را پذیرفته اند، مطرح می کند و آن را انحرافی می داند که موجب سرگردانی افراد می شود. وی با تذکر این نکته که در قرآن به وصفی برخورد نمی کنیم که به جنبه لفظی قرآن آن هم از زاویه اعجاز عددی نظر داشته باشد (و همین گونه در احادیث). دکتر رشاد خلیفه می گفت:

بسم الله الرحمن الرحيم ۱۹ حرف دارد و تک تک کلمات این آیه اول قرآن به تعدادی که بر عدد ۱۹ قابل تقسیم است در قرآن به کار رفته است؛ چنان که در کل قرآن ۱۹ مرتبه «بسم الله» و ۲۶۹۸ بار «الله» و ۵۷ بار «رحمن» و ۱۱۴ بار «رحيم» به کار رفته است....

عباس یزدانی در جواب می نویسد: «از این آمار فقط رقم ۵۷ صحیح است». وی سپس تذکر می دهد برای این که عدد «الله» درست شود باید واژه های «بالله»، «تالله»، «الله» و «فالله» را نیز حساب کنیم؛ اما «اللهم» را حساب نکنیم؛ یا واژه «اسم» در قرآن ۲۲ بار آمده و «باسم» فقط ۷ بار به کار رفته است. (۳) و ۴

ص: ۵۱۰

۱- (۱). همان، ص ۲۱.

۲- (۲). مجله کیهان اندیشه، ش ۶۷، ص ۶۲ به بعد.

۳- (۳). همان، ص ۶۶.

یزدانی به استفاده های ذوقی از آیات قرآن نیز اشاره می کند و می نویسد:

«ن» در سوره «ن و القلم» ۱۳۱ مرتبه آمده است، نه ۱۳۲ مرتبه تا مضرب ۱۹ باشد. به خاطر همین دکتر رشاد خلیفه مجبور شده «ن» اول را به صورت «نون» بنویسد تا یک نون اضافه شود و یک نون هم از بسم الله الرحمن الرحيم آغاز سوره وام گرفته است تا تعداد ۱۳۳ عدد نون تمام شود. (۱) و در سوره «طه» مجموع این دو حرف ۲۳۹ آمده است، نه ۳۴۲ تا مضرب ۱۹ باشد و ایشان تاء گرد را هاء محسوب کرده است (زینه - زینه). (۲)

وی در جواب مهندس عدنان رفاعی که می گوید: «واژه یوم ۳۶۵ بار در قرآن آمده است» می نویسد:

«یوم» را به صورت مفرد در نظر گرفته و در همان حال «یومئذ» و «یومکم» و «یومهم» را حساب نکرده است؛ درحالی که «بالیوم» و «فالیوم» را حساب کرده است. و به طور کلی اسلوب منطقی در موارد شمارش اعداد رعایت نشده است؛ در بعضی موارد مفرد را حساب کرده اند و در برخی موارد (مثل جنات) مشتقات آن را هم حساب کرده اند.

یزدانی در پاسخ صاحب کتاب آیت کبری که می گوید: «در اوایل اسلام نقطه گذاری نبوده، پس باید حروف معجمه (نقطه دار مثل ج) را با حروف مهمله (بدون نقطه مثل ح) حساب کرد» می نویسد: «اصل مطلب صحیح است؛ اما کتابت و نگارش چندان

ص: ۵۱۱

۱- (۱). البته این اشکال هم مبنایی است؛ چون ممکن است دکتر رشاد خلیفه بگوید که معیار، تلفظ حروف قرآن بوده است؛ نه کتابت آن.

۲- (۲). همان.

مهم نیست؛ آن چه مهم است قرائت است و در عصر نزول مسلماً حاء و خاء و جیم در تلفظ فرق داشته اند». (۱)

وی همچنین در پاسخ کورش جم نشان در مورد «اعجاز زوج و فرد» قرآن می نویسد: «اشکال اساسی تر این است که چنین چیزی اثبات اعجاز قرآن نیست؛ زیرا به راحتی می توان کتابی نوشت و از آغاز بین ابواب و فصول و تعداد جملات آن چنین نظمی را جاسازی نمود». (۲)

یزدانی جای دیگر به عبدالرزاق نوفل اشکال می کند که لفظ ابلیس ۱۱ مرتبه در قرآن آمده است؛ اما ادعای او در مورد لفظ استعاده صحیح نیست و لفظ صریح استعاده ۷ مرتبه در قرآن آمده است که با مشتقاتش می شود ۱۶ مرتبه. وی سپس اشکال دیگری به عبدالرزاق نوفل می کند که ارتباط مفهومی بین مصیبت و شکر (که هر کدام ۷۵ مرتبه بامشتقاتشان در قرآن آمده اند) روشن نیست. (۳)

او در بخش دیگری متذکر می شود که اگر فرض کنیم تناسب و توازن ها در حدی از کثرت باشند که اتفاقی بودن این آمار و ارقام عادتاً محال باشد، باز نمی توان غیربشری بودن قرآن را نتیجه گرفت؛ زیرا عقلاً و عادتاً محال نیست کسی کتابی تدوین کند و در عین حال چنین معادلاتی را در آن بگنجاند. (۴)

ص: ۵۱۲

- ۱- (۱). عجیب است که ایشان در مقابل دکتر رشاد خلیفه معیار را خط عثمان طه می داند و به او اشکال می کند که چرا تلفظ را معیار دانسته است و در این جا قرائت را معیار می داند.
- ۲- (۲). همان طور که گذشت این گونه قیاس ها بین قرآن و کتابی که از اول با هدف نظم ریاضی و توسط یک فرد دانشمند نوشته شود صحیح نیست؛ زیرا قرآن را انسانی امی طی ۲۳ سال و در حالات مختلف با این نظم ریاضی آورده است.
- ۳- (۳). البته شاید عبدالرزاق نوفل می توانست به این اشکال پاسخ دهد که لازمه مصیبت صبر است و اگر انسان همه چیز را از خدا بداند و در توحید کامل باشد، همین بلاها و مصیبت ها را امتحان و موجب رشد و کمال می داند و لذا شکر می کند.
- ۴- (۴). اشکال این قیاس در پاورقی های قبلی گذشت. علاوه بر آن، اعجاز یعنی امر خارق عادت و اگر واقعاً این نظم ریاضی اثبات شود (بر فرض صحت صغری)، احتمال این که کسی در آینده بتواند چنین کاری بکند، مانع اعجاز آن در زمان حال نیست؛ چون این احتمالات بعید همیشه وجود داشته و با تحدی قرآن ناسازگارند.

یزدانی در پایان، مطالب خود را خلاصه کرده و نتایج می‌گیرد:

(الف) رد پای اعجاز عددی قرآن که توسط رشاد خلیفه مطرح شده در کتاب الاتقان سیوطی قابل مشاهده است.

(ب) این جریان انحرافی و نامبارک بود که هیچ خدمتی به نشر فرهنگ قرآن نکرد. خود رشاد خلیفه نیز با طرح مطالبی مخرب از جمله تعیین دقیق زمان برپایی قیامت (۱۷۰۹ ق) و ادعای رسالت خود را به کشتن داد.

(ج) آمار و ارقام اعلام شده در مورد نظم ریاضی قرآن غالباً درست نیستند.

(د) مدعیان اعجاز عددی قرآن در شمارش کلمات و حروف، روش واحدی را اتخاذ نمی‌کنند.

(ه) بر فرض که توازن و تناسبی در تکرار واژه‌های قرآن باشد، این به تنهایی معجزه بودن قرآن را ثابت نمی‌کند؛ زیرا مشابه این امور در کارهای بشری وجود دارد.

(و) بین نتیجه‌گیری‌های خاصی که از توازن و تناسب کلمات گرفته می‌شود با این گونه مطالب، رابطه منطقی وجود ندارد و پاره‌ای از این استنتاج‌ها به مغالطه «هست و باید» مبتلا هستند.

(ز) این جریان انحرافی دستاویزی برای معتقدان به تحریف قرآن می‌شود که در مواردی که نظم ریاضی به حد نصاب نرسد، نتیجه بگیرند که قرآن تحریف شده است.

(ح) استفاده شاعرانه (نه برهانی) از بعضی تناسب‌ها اشکال ندارد؛ ولی این یک بیان خطابی و شاعرانه است.

(ط) در کتاب و سنت هیچ اشاره و کنایه‌ای به وجود نظم ریاضی در قرآن دیده

نمی شود؛ بلکه قرآن کتاب هدایت و عمل است.

ی) راه پی بردن به اعجاز قرآن تسلط به فنون ادبیات عرب و تلاوت فراوان و تأمل در قرآن است؛ نه سیر انحرافی فوق. (۱)

بررسی و جمع بندی

در مورد اعجاز عددی قرآن اشاره به چند مطلب لازم است:

۱. از مطالب گذشته روشن شد که تعداد زیادی از دانشمندان مسلمان، نظم ریاضی قرآن را دنبال کرده اند و به نتایج قابل توجهی رسیده اند؛ هرچند برخی از محاسبات آنها خطا یا با اعمال سلیقه و ذوق شخصی همراه بوده است. از سخنان طرفین استفاده می شود که نظم ریاضی قرآن به صورت موجهه جزئی مورد پذیرش موافقان و مخالفان اعجاز عددی واقع شده است؛ اما به صورت موجهه کلیه (یعنی در همه موارد ادعا شده) مورد قبول نیست.

۲. همان طور که گذشت، مینا بودن عدد ۱۹ در همه آیات و ارقام قرآنی مخدوش است؛ اما این مطلب بدان معنا نیست که بگوییم متفکران مسلمانی که این سخن را گفته اند، بهایی یا منحرف بوده اند. این گونه برخوردها در مطالب علمی صحیح نیستند. جالب این است که برخی از این افراد در حالی دکتر رشاد خلیفه و امثال او را متهم به انحراف فکری و... می کنند که خودشان اعجاز عددی ۱۹ را به صورتی دیگر پذیرفته اند. (۲)

ص: ۵۱۴

۱- (۱). عباس یزدانی، کیهان اندیشه، ش ۶۷، مقاله اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن، ص ۶۲-۸۴ با تلخیص.

۲- (۲). ر.ک: بسام نهاد جزار، اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، ص ۲۱ و ۱۴۰. برخی احتمال می دهند که برخورد تندی که با دکتر رشاد خلیفه شده، به خاطر تمایل او به برخی مذاهب اسلامی و گرایش او به افکار خاص بوده است و شاید علت قتل او نیز در تندروی مخالفانش او ریشه داشته باشد؛ به ویژه که او اثبات کرده بود «بسم الله الرحمن الرحيم» در همه سوره ها جزیی از قرآن است و این یکی از مطالب اختلافی جهان اسلام بوده است. هرچند برخی محاسبات دکتر رشاد خلیفه خطا بوده است؛ اما آیا مستحق چنین حمله ها و تهمت هایی بود یا باید به قتل می رسید؟

۳. نظم ریاضی قرآن (در همان موارد محدودی که وجود دارد و مورد پذیرش طرفین است) مطلبی شگفت انگیز است؛ چون فردی امی (درس ناخوانده) طی ۲۳ سال کتابی با نظم خاص ریاضی، مطالبی عالی همراه با فصاحت و بلاغت آورده است؛ آن هم در حالات روانی مختلف، مثل جنگ و صلح و در مکان ها و زمان های متفاوت (نه مثل دانشمندی که فارغ از همه چیز در کتابخانه ای با آرامش کتابی منظم تدوین می کند). این بسی شگفت آور است؛ اما آیا می توان ادعا کرد که این نظم ریاضی، اعجاز قرآن را نیز ثابت می کند؟

در اینجا دو اشکال عمده وجود دارد: نخست آنکه این مطلب از لحاظ صغری قابل خدشه است؛ چون نظم ریاضی به صورت موجه کلیه اثبات نشد و کثرت مطالب اثبات شده طوری نیست که اعجاز را ثابت کند. دوم آنکه از لحاظ کبری نیز قابل خدشه است؛ چون تحدی و مبارزه طلبی قرآن کریم (که اگر می توانید مثل قرآن را بیاورید) عام نیست و شامل همه جنبه های اعجاز قرآن نمی شود و در قرآن نیز اشاره ای به اعجاز عددی آن نشده است.

هرچند ما در فصل اول کتاب به اشکال دوم پاسخ دادیم که ممکن است تحدی قرآن عام باشد؛ اما اشکال اول همچنان باقی است.

۴. با توجه به مطالب فوق و عدم اثبات قطعی اعجاز عددی قرآن، نتایجی که دکتر رشاد خلیفه از این مطلب گرفته مخدوش می شود؛ محل نزول سوره ها، ترتیب آنها، شیوه کتابت و طریقه خاص تقسیم آیات اثبات نمی شود؛ مگر آنکه

به صورتی قطعی و جامع اعجاز عددی قرآن اثبات شود.

۵. برخی از طرفداران اعجاز عددی قرآن از آن برای اثبات تحریف ناپذیری قرآن و برخی به عنوان خطر توهم تحریف قرآن یاد کرده بودند؛ در حالی که اعجاز عددی زبانی گزارشی دارد و فقط می تواند بگوید که این نظم ریاضی هست؛ اما این که چگونه باید باشد را بیان نمی کند. پس نظم ریاضی قرآن دلیل بر تحریف پذیری یا تحریف ناپذیری قرآن نیست.

۶. برخی دیگر از اشکالات طرفداران اعجاز عددی قرآن در سخنان مخالفان منعکس شد و برخی اشکالات سخنان مخالفان را در پاورقی ها بیان کردیم و از این رو تکرار نمی کنیم.

ص: ۵۱۶

۱. یکی از ابعاد هشتادویک گانه اعجاز قرآن را انتخاب و دلایل آن را بررسی کنید.

۲. پژوهش های جدید قرآنی چند سال اخیر را بررسی کنید و بیان کنید چه وجوه جدیدی از اعجاز قرآن ادعا شده؛ سپس آن را بررسی کنید.

۳. مصادیق جدید اعجاز علمی قرآن را در حوزه های علوم طبیعی و انسانی جمع آوری و نقد کنید (از مراکز فعال در زمینه قرآن و علم کمک بگیرید).

منابع جهت مطالعه بیشتر

۱. کتاب های اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب آمده اند.

۲. مقالات اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب آمده اند.

۳. پایگاه های اینترنتی اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب ذکر شده اند.

۴. مجلات میان رشته ای قرآن و علوم اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب آمده اند.

۵. پایان نامه های میان رشته ای قرآن و علوم اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب آمده اند.

۶. مراکز قرآن و علوم که در پایان همین کتاب در منبع شناسی ذکر شده اند.

اهداف: در این فصل انتظار می رود مطالب زیر را بررسی و نقد کنیم:

۱. ادعاهای معارضان قدیمی با قرآن؛ ۲. ادعاهای معارضان جدید (سوره های ساختگی اینترنتی)

مقدمه

قرآن کریم در آیات متعددی دشمنان را به هموردی و معارضه با قرآن دعوت کرد تا اگر نتوانستند مثل قرآن را بیاورند، حقانیت این کتاب الهی و نبوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) اثبات شود:

(وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا فَأْتُوا نَارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ) ؛ (۱) «و اگر از آن چه بر بنده خود (پیامبر) فرو فرستادیم، در تردید هستید، پس اگر راست می گوئید سوره ای همانندش بیاورید و گواهانتان را، که جز خدایند، فرا خوانید؛ و اگر (چنین) نکردید - و (هرگز) نخواهید کرد - پس [خود را] از آتشی نگه دارید که هیزم آن مردم و سنگ ها هستند؛ در حالی که برای کافران آماده شده است».

ص: ۵۱۹

قرآن همچنین اعلام می کند که اگر همه مردم و جنیان جمع شوند نخواهند توانست مثل یک سوره از قرآن را بیاورند:

﴿قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾؛ (۱) «بگو: اگر انسان [ها] و جن [ها] جمع شوند، بر این که همانند این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد؛ اگرچه برخی از آنان پشتیبان برخی [دیگر] باشند».

اما در طول تاریخ کسانی بوده اند که تلاش های ناکامی در برابر قرآن داشته اند و شکست آنها عبرت روزگار شد تا دیگر کسی به هموردی قرآن تن ندهد.

اینک با گزارشی از این تلاش های نافرجام، اشکالات آنها را مرور می کنیم و به معارضات جدید قرآن در صحنه اینترنت و شکل های جدید معارضه نیز اشاره می کنیم.

الف) معارضات قدیمی

۱. مسیلمه کذاب و همسرش سجاح

قدیمی ترین گزارش در مورد هموردی با قرآن از شخصی به نام «مسیلمه کذاب» حکایت شده است که در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) می زیسته و تلاش نافرجامی در معارضه با قرآن انجام داده است و همسرش سجاح بنت تمیمه نیز با او همراهی کرده است.

«مسیلمه» از قبیله بنی حنیفه بود که در عهد پیامبر (صلی الله علیه و آله) به او ایمان آورد، اما بعد از مدتی مرتد شد و خود ادعای نبوت نمود و در «یمامه» بر پیامبر خروج کرد و به شدت به تکذیب ایشان پرداخت.

در مورد مسیلمه گفته اند که شراب را حلال و وجوب نماز را لغو کرد؛ (۲)وی

ص: ۵۲۰

۱- (۱). اسراء، آیه ۸۸.

۲- (۲). تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۴۹۹.

همچنین در سال دهم هجری به پیامبر (صلی الله علیه و آله) نامه ای نوشت که قسمتی از آن چنین است.

از مسیلمه پیامبر خدا به محمد پیامبر خدا؛ سلام بر تو، من در اور با تو شریک هستم و نصف زمین برای من و تو و نصف دیگر آن برای قریش است و لکن قریش قوم تجاوزکار است». (۱)

از جمله بافته ها و مجعولات مسیلمه در معارضه با قرآن چنین گزارش شده است:

۱. الفیل وما الفیل و ما ادراک ما الفیل، له ذنب و بیل و خرطوم طویل؛

۲. لقد انعم الله علی الحبلی اخرج منها نسمة سعی من بین صفاق وحشی؛

۳. والمبذرات زرعاً والحاصدات حصداً والذاریات قمحاً والطاحنات طحناً والخبزرات خبزراً والثاردات ثرداً واللقات لقمأ؛ اهاله وسمناً لقد فضلتهم علی اهل الوبر و ما سبقکم اهل المدر. (۲)

«رافعی» درباره وی می گوید:

«تمام کلام وی بی ارزش و سست است و قابل تمسک نیست. کلامی پریشان و مبتذل و بی معناست. (۳) کلام وی آن قدر سست و ضعیف است و در مقایسه با قرآن آن قدر بی ارزش است که هر کس با زبان عربی آشنا باشد و قرآن را مطالعه نماید، به ساختگی بودن آن پی می برد».

«سجاح» دختر «حارث بن سوید تمیمی» بود. وی مدعی نزول وحی بر خویش شد و در نهایت به مسیلمه کذاب روی آورد و با او ازدواج نمود. از معارضات او با قرآن چنین است:

«ان الله خلق النساء افراجاً وجعل الرجال لهن ازواجاً فتولج فیهن قعساً ایلاجاً ثم نخرجها اذا نشاء اخراجاً فینتجن لئاسخالاً انتاجاً». (۴)

ص: ۵۲۱

۱- (۱). سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۴۷.

۲- (۲). همان، ج ۴، ص ۲۴۷ و اعجاز القرآن و البلاغه النبویه، ص ۱۷۵.

۳- (۳). اعجاز القرآن و البلاغه النبویه، ص ۱۷۵.

۴- (۴). تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۹۹.

نکته: سستی و زشتی سخنان «سجاج» آن قدر روشن است که حتی ترجمه آن شرم آور است. چگونه این کلمات سخیف می تواند با آیات قرآن هموردی کند که در اوج ادب، زیبایی، بلاغت همراه با معارف عالی است.

۲. چهار سخنور عرب

«ابن مقفع فارسی» (۱) از ادیبان زبان عرب بوده و کتاب کلیله و دمنه را با اسلوبی بدیع به عربی برگردانده است. وی به همراه «ابن ابی العوجاء»، «ابوشاکر دیصانی» و «عبدالملک» در موسم حج، در زمان امام صادق (علیه السلام) در مسجد الحرام گرد آمده و توافق کردند که به معارضه قرآن پردازند و نوشته هایی مانند قرآن بیاورند. از جمع آنها ابن ابی العوجاء پیشنهاد نمود که هر کدام به اندازه یک ربع قرآن مطالبی همانند قرآن نوشته و ارائه کنند و هنگامی که قرآن را نقض کردند، پیامبری محمد نیز باطل خواهد شد و با بطلان او اسلام پایان خواهد یافت.

آنها توافق کردند تا سال بعد، هر کس سهم خویش را آماده نماید و در همان مکان آن چه را آماده نموده اند، ارائه کنند. پس از گذشت یک سال که دوباره گرد هم جمع شدند، هیچ کدام نتوانسته بودند مأموریت خویش را انجام دهند و هر کدام شرح حال خود را چنین گزارش نمود:

ابن مقفع گفت: این قرآن از سنخ و جنس کلام بشر نیست و من از زمانی که از شما جدا شدم، همواره در این عبارت به فکر فرو رفته ام و نمی توانم مانند آن را بیاورم:

(وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَّمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعِدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ)
(هود/ ۴۴)؛ «و گفته شد: ای زمین، آبت را فرو ببر! و ای آسمان، خودداری کن!» و آب فرو کاست و کار پایان یافت و (کشتی) بر

ص: ۵۲۲

(کوه) جودی قرار گرفت و گفته شد: قوم ستمکار (از رحمت خدا) دور باد!».

ابن ابی العوجاء گفت: من از زمان جدایی شما همواره در این عبارت به فکر فرو رفته ام و نمی توانم عباراتی موازی با این فصاحت و بیان بیاورم و این عبارت مرا از معارضه بازداشته است تا مانند دیگر عبارات قرآن بیاورم: (فَلَمَّا اسْتِأْذَنُوا مِنْهُ حَلَّصُوا نَجِيًّا) (یوسف / ۸۰)؛ «و هنگامی که (برادران) از او ناامید شدند، رازگویان خلوت کردند».

عبدالملک گفت: من نیز از زمانی که از شما جدا شدم، ذهنم را عباراتی مشغول نموده و برای مقابله با آن احساس عجز می کنم و از بقیه کار منصرف شدم. از جمله آن عبارات این است:

(يا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبٌ مِّثْلُ فَاثِمَةٍ تَمَعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَفِيدُونَ مِنْهُ ضَعْفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ) ؛ (حج / ۷۳)، «ای مردم! مثلی زده شده است؛ پس بدان [با دقت] گوش فرا دهید: در حقیقت، کسانی را که جز خدا می خوانید (و پرستش می کنید)، هیچ مگسی نمی آفرینند، گرچه برای این (کار) جمع شوند؛ و اگر مگس چیزی از آنان برباید، آن را از او بازپس نمی گیرند؛ طلب کننده و طلب شونده (هر دو) ناتوانند».

ابوشاکر دیصانی آخرین شاعر و ادیب زبان عرب از این گروه چهار نفره نیز بر عجز خویش آگاه شده و گفت: من از هنگام جدایی از شما در عبارات قرآن مطالعه نمودم و شگفتی آنها به ویژه عبارت: (لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ) (انبیاء / ۲۲)؛ «اگر (بر فرض) در آن دو (آسمان و زمین) معبودانی جز خدا بودند، حتماً (آسمان و زمین) تباہ می شدند؛ پس خدا پروردگار تخت (جهانداری و تدبیر هستی)، منزّه است از آنچه (او را) وصف می کنند» مرا مشغول کرد و از معارضه باز ماندم.

«هشام بن حکم»، که از بزرگان و از یاران خاص امام صادق (علیه السلام) است می گوید:

هنگامی که آنها مشغول گفت و گو در کنار خانه خدا بودند، امام صادق (علیه السلام) در حال عبور از کنار آنها بود و دانست که آنها چه می گویند؛ امام (علیه السلام) در همان حال با صدای بلند شروع به خواندن این آیه شریفه نمود: (قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً) (اسراء / ۸۸)؛ «بگو: «اگر انسان [ها] و جن [ها] جمع شوند بر این که همانند این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد؛ اگر چه برخی از آنان پشتیبان برخی [دیگر] باشند».

آن جمع چهار نفره که همه از سخنوران و دانشمندان عرب بودند و خود را در برابر قرآن عاجز می دیدند، همانند دیگر افراد که در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز تلاش بر معارضه داشتند، سرافکنده متفرق شدند.

حکایت شده که ابوشاکر در یصانی در اواخر عمر به محضر امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شد و از گذشته خویش توبه کرد. (۱)

۳. ابوالعلاء معری

«احمد بن عبدالله بن سلیمان» شاعر، لغت دان و استاد فن صنایع بود که به معارضه قرآن پرداخت. نقل شده که معارضه او چنین بوده است: «اقسم بخالقی الخیل والریح الهائیه بلیل، ما بین الاشراف و مطالع سهیل، ان الکافر الطویل الویل و ان العمر لمکفوف الذیل، تعدّ اتق مدارج السیل و طالع التوبه من قبیل تنج و ما اخالك بناج». (۲)

نکته: اگر کسی این سخنان بی محتوا را با نظم و تألیف آن با قرآن مقایسه کند که نظم و تألیف و جذبه روحانی و معارف بلندی دارد، دیگر نیازی به نقد و بررسی و قضاوت دیگران ندارد و به حقانیت قرآن و بطلان این مطلب پی می برد.

ص: ۵۲۴

۱- (۱). اعجاز قرآن، دکتر سید رضا مؤدب، ص ۲۲۹.

۲- (۲). لغت نامه دهخدا، ذیل کلمه ابوالعلاء، ص ۶۳۵.

«احمد بن حسین بن حسن بن عبدالحمید کندری» ادیب فن عربیت بوده و به معارضه قرآن پرداخته است. از جمله معارضه او چنین است: «والنجم السیار والفلک الدوّار واللیل والنهار، ان الکافر لفی اخطار؛ امض علی سنتک واقف اثر من قبلک من المرسلین فان الله قامع بک زیع من الحد فی دینه و ضل عن سبیله». (۱)

نکته: در بطلان مطالب فوق همین بس که در طول تاریخ هیچ ادیب و دانشمندی این سخنان را در حد قرآن ندانست و همگان هم‌اوردی امثال «متنبی» را شکست خورده انگاشتند.

چرا که نه ساختار و نه محتوای این مطالب نمی‌تواند با قرآن همسانی کند.

ب) معارضان جدید و سوره‌های ساختگی اینترنتی

اشاره

از تلاش‌های نافرجامی که در برابر قرآن در عصر حاضر صورت گرفت، ارائه چند سوره ساختگی در فضای مجازی بود. سازندگان این سوره‌ها خود را به درستی معرفی نکردند (۲) و شاید می‌دانستند که این گونه تلاش‌ها فرجامی جز شکست و آبروریزی ندارد. ولی به هر حال این سوره‌ها واکنش‌هایی را در جهان اسلام به ویژه در الازهر مصر و حوزه علمیه قم در پی داشت. از جمله پاسخ‌های قرآنی و کلامی که بدان‌ها داده شد. (۳)

اینک برخی از این سوره‌ها را ملاحظه و بررسی می‌کنیم:

ص: ۵۲۵

۱- (۱). همان، ذیل کلمه ابوالطیب، ص ۵۶۶.

۲- (۲). نخست شرکت آمریکایی به نام «online» این سوره‌ها را منتشر کرد. سپس پایگاه «suralikeit» دنبال کرد.

۳- (۳). ر. ک: مجله تخصصی کلام اسلامی، شماره ۳۳، مقاله اکبر اسدی زاده و پرسمان قرآنی، سید محمد حسن جواهری، ص ۱۲۱.

الصم(١) قل يا ايها المسلمون انكم لفي ضلال بعيد(٢) ان الذين كفروا بالله و مسيحه لهم في الآخرة نار جهنم و عذاب شديد(٣) وجوه يومئذ صاغره مكفهرة تلتمس عفو الله و الله يفعل ما يريد(٤) يوم يقول الرحمن يا عبادى قد انعمت على الذين من قبلكم بالهدى منزلا فى التوراه و الانجيل(٥) فما كان لكم ان تكفروا بما انزلت و تضلوا سواء السبيل (٦) قالوا ربنا ما ضللنا انفسنا بل اضلنا من ادعى انه من المرسلين(٧) و اذ قال الله يا محمد اغويت عبادى و جعلتهم من الكافرين(٨) قال ربى انما اغوانى الشيطان انه كان لبنى آدم اعظم المفسدين (٩) و يغفر الله للذين تابوا ممن اغواهم الانسان يبعث بالذى كان للشيطان نصيرا الى جهنم و بئس المصير(١٠) و ان قضى الله امرا فانه اعلم بما قضى و هو على كل شىء قدير(١١)

سوره التجسد:

سبحان الذى خلق السموات فلم يجعل لها حدا(١) و خلق الارض و كورها و جعلها ماء و جلدا(٢) قل للذين خدعوا بدعوه الشيطان عميت بصائرهم فافتريتم على الله كذبا و كنتم للشيطان سندا (٣) ان الشيطان كان للانسان عدوا الدا(٤) لو شاء ربكم لاتخذ من الحجارة اولادا له اذ هو الذى قال للكون كن فكان و سبحانه ان يستشير فى امره احدا(٥) سبحانه رب العالمين ان يتخذ من خلائقه ولدا(٦) قل للذين يمترون فيما انزل من قبل ليس المسيح خليفه الله اذ كان مع الله قبل البدء و هو معه ابدا(٧) فيه و منه كان مع روح قدسه الها سرمديا واحدا احدا(٨) و اذ بعث به الاب للعالمين كما وعد(٩) حل فى بطن عذراء كلمه و خرج منه جسدا(١٠) عاشر الانسان، علم الانسان، مات عن الانسان فدى، و كالانسان رقد(١١) و الى ابيه السماوى بعد ثلاثه ايام صعد(١٢) ان الذين كفروا باياته و قالوا قولوا ادا(١٣) لن يجعل الله لهم من امده بدا(١٤) اما الذين آمنوا بالله و مسيحه فلهم مغفره و جنات نعيم خالدين فيها ابدا(١٥)

و اذكر في الكتاب الحواريين اذ عصفت الرياح بهم ليلا و هم يبحرون(١) اذ تراعى على المياه لهم طيف المسيح يمشى، فقالوا اهو ربنا يهزأنا ام قد مسنا ضرب من جنون(٢) فجاءهم صوت المعلم ان لا تخافوا انى انا هو افلا تبصرون(٣) فهتف هاتف منهم يقول ربى مرنى ان كنت حقا هو، آتى على المياه اليك، عسى ان يبدل الله شكى بيقين(٤) قال فاسع الى و لتكن للناس آيه لعلمهم يتذكرون(٥) و اذ طفق الحوارى يمشى راي شده الريح فخاف و بدا يغرق فصاح بربه يستعين(٦) فمد يمينه له فاخذه بها و قال يا قليل الايمان هذا جزاء الممترين(٧) و اذ ركب السفينه معه سكنت الرياح لتوها فسبح الحواريون بحمده، و هتفوا له قائلين(٨) انت هو ابن الله حقا، بك نحن آمناء، و امامك نخر ساجدين(٩) قال طوبى للذين آمنوا و لم يلبسوا ايمانهم بشك فاولئك هم المفلحون(١٠)

سوره الوصايا:

المذ(١) انا ارسلناك للعالمين مبشرا و نذيرا(٢) تقضى بما يخطر بفكرك و تدبر الامور تدييرا(٣) فمن عمل بما رايت فلنفسه و من لم يعمل فلسوف يلقي على يديك جزاء مريرا(٤) انا اعطينا موسى من قبلك من الوصيات عشره و نعطيك عشرات اخرى اذ قد ختمنا بك الانبياء و جعلناك عليهم اميرا(٥) فانسخ مالك ان تنسخ مما امرناهم به فقد سمعنا لك ان تجرى على قراراتنا تغييرا(٦) قل لعبادى الذين آمنوا ان تائبوا يستعيذوا بالرحمن ان لا يضحك منهم الشيطان و ليكبروا الله ان عطسوا تكبيرا(٧) و ان لا- يقتنوا فى بيوتهم كلبا و لا يضعوا على حيطانهم تصورا(٨) و اذا ارادوا انتعالا- فليبدوا باليمين قبل الشمال و ان لم يفعلوا فقد افترقوا نهبا كبيرا(٩) و ان تبرزوا فليمسحوا مؤخراتهم بحجار ثلاثه و ينتهوا عن الروث اذ قد جعلناه للجن غذاء و على المؤمنين امرا محظورا(١٠) قل لعبادى الذين آمنوا يغزوا من ارادوا و يقتلوا من اجل رزقهم و من لم يغز منهم او لم يحدث نفسه بغزومات منافقا منكورا(١١) و للذين

بخشون سحرا یا کلا سبج عجات ینجیهم الله من السحر و یبعد عنهم شرا مستطیرا(۱۲) قل لعیادی ان ارادوا ان یحلفوا فلیحلفوا بالله و لا یخافوا تبذیرا(۱۳) و ان ینکحوا ما طاب لهم من النساء مثنی و ثلاث و رباع او ما ملکتم ایمانهم انا جعلنا لهم الدین امرایسیرا(۱۴) و اذا فرغت من بین یدیك الوصایا فاطلب الیک جبریل یا یتیک ساعیا مأمورا(۱۵) و ان شغل جبریل عنک فعلیک بورقه بن نوفل و استفذ منه قبل ان تتوفاه فیصبح الوحی علیک امرایسیرا(۱۶)

بررسی: این سوره ها را از دو جهت می توان بررسی کرد:

الف) لفظی و صوری

۱. این سوره های ساختگی مثل قرآن نیستند. اگر کسی بخواهد مثل «شاهنامه فردوسی» یا «دیوان حافظ» را بیاورد، لازم است شاهکاری ادبی به سبک جدید بیاورد؛ طوری که لفظ، محتوا و آهنگ آن جدید باشد؛ نه این که اشعار فردوسی و حافظ را با کمی جابه جایی ارائه کند. این سوره ها سبک خویش را از قرآن گرفته اند و فقط گاهی کلمات آن را تغییر داده اند؛ مثال:

«إنا أرسلناك للعالمین مبشراً و نذیراً»، (سوره الوصایا/ ۲)؛ این یک آیه قرآن است که فقط یک کلمه آن جابه جا شده است:

«إنا أرسلناك شاهداً و مبشراً و نذیراً»؛ (فتح، آیه ۸)، «در حقیقت، ما تو را گواه و مژده آور و هشدارگر فرستادیم».

۲. چهار سوره ساختگی (وصایا، تجسد، ایمان و مسلمون) ۵۱ آیه دارند؛ در حالی که از مضمون و عبارات حدود ۹۰ آیه قرآن وام گرفته اند. (۱) پس چگونه می توان

ص: ۵۲۸

۱- (۱). پرسمان علوم قرآنی، سید محمد جواد جواهری، ص ۲۱، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۵، چاپ سوم.

گفت که این سوره ها جدید هستند و با سوره های قرآن هم آوری می کنند؟ مثال:

«و هو علی کل شیء قدیر» (مسلمون / ۴)؛ «والله یفعل ما یرید» (مسلمون / ۴)؛ (... وَ لَکِنَّ اللّٰهَ یَفْعَلُ مَا یرِیدُ) ، (بقره / ۲۵۳).

۳. این سوره های ساختگی اشکالات ادبی دارند. این اشکالات نشان می دهند که نویسندگان آنها حداقل اطلاعات را درباره ادبیات عرب ندارد؛ مثال:

«قل لعبادی الذین آمنوا یغزوا من ارادوا» (الوصایا / ۱۱).

به جای کلمه «یغزوا» مناسب است که بگوید: «أغزوا».

مثال دیگر:

«قال للکون کن فکان»، (التجسد / ۵).

فاه ترتب برای آینده است و ماضی بی معنا است؛ پس لازم است بعد از کان «فیکون» بیاید.

اگر قرآن کریم که در اوج فصاحت و بلاغت است و آن را اعجاز ادبی شمرده اند، با این سوره های ساختگی مقایسه شود، حقانیت قرآن و بطلان این مطالب به خوبی آشکار می شود.

ب) محتوایی

۱. تناقض در مضامین: با آن که قرآن کریم در طول ۲۳ سال بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد، هیچ اختلافی در آن نیست و این یکی از وجوه اعجاز آن است:

(... وَ لَوْ کَانَ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللّٰهِ لَوَجَدُوا فِیْهِ اِخْتِلَافًا کَثِیرًا) ؛ (۱) «و اگر (بر فرض) از طرف غیر خدا بود، حتماً در آن اختلاف فراوانی می یافتند».

در حالی که در این سوره های ساختگی - مثلاً - گاهی فرزند داشتن از خدا نفی

ص: ۵۲۹

شده است: «سبحانه رب العالمین ان یتخذ من خلائقه ولداً» (تجسّد / ۶)؛

و در همان سوره از خدا به عنوان پدر حضرت عیسی (علیه السلام) یاد شده است؛

«و الی ابیه السماوی بعد ثلاثه ایام صعده» (تجسّد / ۱۲).

در سوره ایمان نیز حضرت عیسی (علیه السلام) فرزند خدا نامیده شده است:

«انت هو ابن الله حقاً» (الایمان / ۹).

آری؛ تفاوت کلام بشر با کلام الهی در همین نکات است.

۲. مطالب غیر مؤدبانه: اگر کسی با فرهنگ قرآن و مسیحیت آشنا باشد، متوجه می شود که نویسنده این چهار سوره ساختگی فردی بی ادب بوده که می خواسته به صورت سخیفی عقاید مسیحیت را ترویج کند؛ از این رو مکرراً از فرزند خدا بودن مسیح (علیه السلام) و کارهای اعجاز آمیز او یاد می کند و در مقابل مسلمانان را مورد اهانت قرار می دهد.

«قل یا ایها المسلمون انکم لفی ضلال بعید» (مسلمون / ۲).

در حالی که مطالب قرآن کاملاً مودبانه است و به پیامبران الهی و پیروان واقعی آنان احترام می گذارد. حال چگونه می توان گفت که این سوره های ساختگی با قرآن هموردی می کنند؟

۳. محتوای ضعیف: مقایسه محتوای عالی قرآن در معارف و تشریحات با این سوره های بی محتوا نشان دهنده تفاوت آنها با قرآن است. مثلاً قرآن هنگام دعوت به جنگ اهدافی عالی مانند: دفاع، ظلم ستیزی، رفع مظلومیت و فی سبیل الله بودن جنگ را مطرح می کند؛ اما در این سوره های ساختگی هدف جنگ رزق معرفی می شود.

«ویقتلوا من اجل رزقهم» (الوصایا / ۱۱).

مطالب تاریخی و قصص قرآن نیز کاملاً با حقایق تاریخی مطابقت دارند؛ اما

در این سوره ها از مطالبی مثل داستان ساختگی ورقه بن نوفل یاد شده است (الوصایا/ ۱۶) که مورخان اسلامی آن را نقل کرده اند (۱) و در قرآن هم نیامده است.

۴. وجود مطالب مخالف عقل: مثل این که برای خدای متعال فرزند قائل شده اند (تجسید/ ۱۳؛ ایمان/ ۹) در حالی که این مخالف برهان عقلی است و قرآن کریم در آیات متعددی - از جمله سوره توحید - این مطلب را رد کرده است.

ص: ۵۳۱

۱- (۱). ر.ک: فروغ ابدیت، آیت الله سبحانی.

۱. ادعاهای تعارض قرآن و علم را جمع آوری و نقد کنید.

۲. سایت های ضدقرآن را بررسی و نقد کنید.

منابع جهت مطالعه بیشتر

۱. کتاب های اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب آمده اند.

۲. مقالات اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب آمده اند.

۳. پایگاه های اینترنتی اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب ذکر شده اند.

۴. مجلات میان رشته ای قرآن و علوم اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب ذکر شده اند.

۵. پایان نامه های میان رشته ای قرآن و علوم اعجاز قرآن که در منبع شناسی پایان این کتاب آمده اند.

در لایه لای مطالب گذشته برخی از کتب و مقالات اعجاز علمی به مناسبت هر بعد اعجاز علمی معرفی شد. لیکن مناسب است کتاب ها، مقاله ها، پایان نامه ها و سایت های فعال در این زمینه معرفی شوند تا مخاطبان محترم بتوانند استفاده کنند. (۱)

الف) کتاب ها

۱. أ. د. أبو العینین، حسن، من الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم (مع آیات الله فی السماء والارض فی ضوء الدراسات الجغرافیه الفلکیه والطبیعیه)، مکتبه العبیکان، الطبعة الثانیه. الرياض، ۱۴۲۵ق - ۲۰۰۵م، مسلم، مصطفی، مباحث فی اعجاز القرآن، جده السعودیه - دار المناره، ۱۴۰۸ق - ۱۹۸۸م.

۲. أ. د. سعادیلدرم، الشیخ محمد الأمين ولد محمد، تأصیل الاعجاز العلمی فی القرآن والسنه، الشیخ عبدالمجید الزندانی، رابطه العالم الاسلامی، هیئة الاعجاز العلمی فی القرآن والسنه، مکه المکرمه، ۱۴۲۱هـ.

ص: ۵۳۳

۱- (۱). در این قسمت از مقاله «منبع شناسی اعجاز علمی قرآن، حسن رضا رضایی، مجله قرآن و علم، ش ۷ استفاده شد و مطالبی در زمینه مقالات و مراکز بدان افزوده شد.

۳. ابراهيم، احمد شوقى، فتح العليم فى تفسير القرآن الكريم وبيان أوجه الاعجاز العلمى فيه، الجزء السابع والعشرون، جزء الذاريات، دارغريب، قاهره ۲۰۰۸م.
۴. - فتح العليم فى تفسير القرآن الكريم و بيان أوجه الاعجاز العلمى فيه (الجزء الثلاثون) جزء عم، دارغريب، القاهره، ۲۰۰۵م.
۵. ابراهيم، محمد اسماعيل، القرآن و اعجازه التشريعى، دارالفكر العربى، قاهره.
۶. - القرآن و اعجازه العلمى، دارالفكر العربى، قاهره.
۷. ابن الدين، عبدالحسين، اعجاز قرآن و بلاغت محمد، بنياد قرآن، ۱۳۶۰.
۸. أبوالسعود، اعجازات حديثه علميه والرّقميه فى القرآن، بيروت، ۱۹۹۱.
۹. ابوالسعود، دكتورفيق، الاعجاز حديثه و علميه ورقميه فى القرآن، دارالمعرفه، دمشق، ۱۴۱۰ق.
۱۰. ابوعوده، عون، شواهد الاعجاز القرآنى، دارعمار، چاپ اول، عمان، ۱۴۱۹ق.
۱۱. احمد عطا، عطاء عبدالقادر، دراسه فى اعجاز القرآن، دارالاعتصام، قاهره، ۱۳۹۶ق.
۱۲. احمدالمرسى، حسين جوهر، الاعجاز العلمى للقرآن، مكتبه الايمان، ۱۴۲۱ق.
۱۳. احمدى، حبيب الله، زيباترين سخن، مؤسسه فرهنگى اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۷۶ش.
۱۴. احمدى، محمود، اعجاز عددى قرآن كريم و ردّ شبهات، انتشارات مسعود احمدى، ۱۳۷۱ش.
۱۵. ارشاد، ارشد، اندیشه اعجاز قرآن وسير تاريخى آن، نشر احسان، تهران، ۱۳۷۰ش.
۱۶. ارشادالافغانى، احمد ارشد، اعجاز القرآن وفكرته، انتشارات نعمت الله حنيف، ۱۴۰۶.
۱۷. ارناووط، محمد السيد، الاعجاز العلمى فى القرآن الكريم، مكتبه مدبولى، قاهره.
۱۸. الازهرى المصرى، ابو يوسف عبدالهادى نجابن رضوان الاييارى (ت ۱۲۳۶ق، م ۱۳۰۵ق)، حسن البيان فى نظم مشترك القرآن، مطبعه حجرىه، ۱۲۷۶ق.
۱۹. الاسد آبادى، ابى الحسن عبدالجبار، المغنى فى ابواب التوحيد والعدل (اعجاز القرآن)، الشركه العربيه، قاهره، ۱۳۸۰ق.
۲۰. اسفندى، محمد جمال الدين و ميردامادى، سيد حسين، شگفتى هاى از اعجاز در قرآن، انتشارات آستان قدس، مشهد، ۱۳۷۱ش.

٢١. إعجاز القرآن الكريم، فى وصف أنواع الرياح، السحاب، المطر، رابطة العالم الاسلامى، هيئة الاعجاز العلمى فى القرآن و السنه، مكه المكرمه.

٢٢. الحضرى، محمد الامين، الاعجاز البيانى فى صيغ الالفاظ، مطبعه الحسين الاسلاميه، قاهره، ١٤١٣ق.

ص: ٥٣٤

۲۳. الحمصی، هشام عبدالرزاق، قیس من الاعجاز، دارالثقافه للجمع، دمشق، ۱۴۰۱ق.
۲۴. السید علی، سلسله تفسیر القرآن للناشئه (القرآن کتابی)، داراحداثق، بیروت، ۱۹۹۱م.
۲۵. الامیری، محمد وفا، الوان من اعجاز القرآنی، دارالرضوان، حلب.
۲۶. با قائمی نیا، ارائه دکتر علیرضا، اعجاز شناختی قرآن کریم (کرسی نظریه پردازی - ۲۱)، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علمی فرهنگ و اندیشه اسلامی، دبیرخانه هیأت حمایت از کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره، ۱۳۸۸.
۲۷. باحاذق، عمر محمد عمر، شرح رساله بیان اعجاز القرآن الخطابی، دارالمأمون للتراث، بیروت، ۱۴۱۶ق.
۲۸. البدری، علی، حقایق و اباطیل حول اعجاز القرآن، دارالکتاب الجامعی، قاهره، ۱۴۰۲ق، ۱۹۸۲م.
۲۹. البرزه، احمد مختار، فی اعجاز القرآن، دارالمأمون للتراث، دمشق، ۱۴۰۸ق.
۳۰. البلاغه والبیان فی اعجاز (جزء الثانی)، خلق الانسان فی القرآن، مطبعه الاسلامیه، ایران - قم، ۱۳۶۴هـ.
۳۱. البلاغه والبیان فی اعجاز القرآن، مطبعه الشهد، قم.
۳۲. بنت الشاطیء، دکتر عایشه عبدالرحمن، اعجاز بیانی قرآن، ترجمه حسین صابری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۳۳. بهبودی، محمدباقر، نور و ظلمت، معجزه قرآن و مبارزه با فلسفه شرک، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۵۲.
۳۴. البیطار، حسام، اعجاز الكلمه فی القرآن الکریم، وجه غیر مسبوق فی اعجاز الكلمه المفرده، الطبعه الاولی، عمان - اردن، ۱۴۲۶ هجری، ۲۰۰۵م.
۳۵. پاشا، عبدالعزیز، اسلام و طب جدید یا معجزات علمی قرآن، برهان، تهران.
۳۶. ترجمه: میردامادی، سید حسین، الفندی، دکتر محمد جمال الدین، شگفتی هایی از اعجاز در قرآن کریم، بنیاد پژوهش های اسلامی استان قدس رضوی، چ اول، مشهد، ۱۳۷۱.
۳۷. تقوی، صادق، معجزات قرآن برای دانشمندان، تهران، ۱۳۵۵.
۳۸. ثعالبی، ابومنصور (۳۵۰ - ۴۲۹ق)، الاعجاز والایجاز، دارالرائد العربی، چاپ دوم، ۱۹۹۲م.
۳۹. جرجانی، شیخ عبدالقاهر، ترجمه سید محمد رادمنش، دلائل الاعجاز فی القرآن، انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۸ش.

۴۰. - الرساله الشافيه فى الاعجاز، دارالمعارف، چ دوم، مصر.

۴۱. - نظريه الاعجاز القرآن عند عبدالقاهر الجرجانى، المكتبه العصريه، بيروت، ۱۴۰۷ق.

۴۲. الجزايرى، محمد داوود، الاعجاز الطبى فى القرآن والسنه، مكتبه الهلال، بيروت، ۱۹۹۳م.

۴۳. الجعفرى، الكاتب فلك، البلاغه والبيان فى اعجاز (جزء الاول)، علم الفلك فى القرآن، ۱۳۸۲هـ.

۴۴. الجليلى، (دکتر سيد)، الاعجاز الطبى فى القرآن، دارالمكتبه الهلال، بيروت، ۱۹۸۷م.

۴۵. جمعى از پژوهشگران قرآنى زير نظر دکتري رضايى اصفهاني، پرسش و پاسخ هاى قرآنى جوانان (دانش مهر)، جلد ۵، انتشارات پژوهش هاى تفسير و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۵.

۴۶. - پرسش و پاسخ هاى قرآنى جوانان (علوم مهر)، جلد ۶، انتشارات پژوهش هاى تفسير و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۴.

۴۷. - پرسش و پاسخ هاى قرآنى جوانان (قرآن و علوم انسانی)، جلد ۱۶، انتشارات پژوهش هاى تفسير و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۹.

۴۸. - پرسش و پاسخ هاى قرآنى جوانان (قرآن و علوم طبيعى)، جلد ۱۵، انتشارات پژوهش هاى تفسير و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۹.

۴۹. - پرسش و پاسخ هاى قرآنى جوانان (قرآن، رياضيات و کيهان شناسى)، جلد ۱۴، انتشارات پژوهش هاى تفسير و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۹.

۵۰. - پرسش و پاسخ هاى قرآنى جوانان (بهداشت روان)، جلد ۱۳، انتشارات پژوهش هاى تفسير و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۹.

۵۱. جمعى از نويسندگان، الاعجاز القرآنى، بحوث المؤتمر الاول للاعجاز القرآنى المعقود بمدينه السلام بغداد، وزاره الاوقاف والشؤون الدينيه، عراق، ۱۴۱۰ق.

۵۲. حائرى يزدى، حاج شيخ مرتضى (ت ۱۳۳۴ق، م ۱۴۰۶ق)، پرتويى از انوار آسمانى.

۵۳. حجازى، عبدالرضا، رسالت قرآن در عصر فضا، چ دوم، تهران، ۱۳۵۴.

۵۴. حجتى، محمد باقر، اسرار قرآن كريم، بنياد قرآن، تهران، ۱۳۶۱.

۵۵. حسب النبى، منصور، اعجاز القرآنى فى آفاق الزمان، دارالفكر العربى، قاهره، ۱۴۱۷.

۵۶. حسن، پژوهشی در شیوه های اعجاز قرآن، عرفان، دار القرآن الکریم، قم، ۱۴۱۱ق - ۱۳۶۹ش.
۵۷. حسین طباطبایی، علامه سیدمحمد، ویراسته: میرزا محمد، علیرضا، اعجاز قرآن، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء، چ اول. اسفند ۱۳۶۲،
۵۸. حسین، عبدالقادر، القرآن اعجازه و بلاغته، انتشارات مطبعه الامانه، مصر.
۵۹. حسین زاده، قاسم، سیر اجمال در اعجاز قرآن، ۱۳۷۵.
۶۰. حسینی قمی، ابوالفضل بن السید علی نبوی، جلاء القرآن، قم، (ت ۱۳۴۴ق).
۶۱. حطیط، الدكتور، حسن الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، اضاءات جدیده، دارالبحار، بیروت، ۲۰۰۵م.
۶۲. حق الیقین فی اصول الدین، سید عبدالله الشبر (م ۱۲۴۲ق).
۶۳. حمدان، نذیر، الظاهره الجمالیه فی القرآن الکریم، دارالمناره، جدّه، ۱۴۱۲ق.
۶۴. حمدون، غسان، اعجاز القرآن واسماء الله الحسنی، دارالفکر المعاصر صنعاء، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۶۵. الحمصی، محمد عبدالرزاق، دراسه استقرائیة للرقم ۷، دارالمعرفه، دمشق، ۱۴۱۰ق.
۶۶. الحمصی، نعیم، فکره اعجاز القرآن، مؤسسه الرساله، الطبعة الثانیه، بیروت، ۱۴۰۰ق.
۶۷. الحمصی، هشام عبدالرزاق، نظرات فی کتاب الله، مطبعه العلم، دمشق، ۱۴۱۳ق.
۶۸. حمیدی هاشم، به اهتمام م. مزینی و ط. طاهری، درس های فطرت با زیربنای عقاید اسلامی، انتشارات کتابخانه صدر، تهران، ۱۳۵۱ش.
۶۹. الحناوی، المحمدی عبدالعزیز، دراسات حول الاعجاز البیانی فی القرآن، دارالطباعه المحمدیه، قاهره، ۱۴۰۴ق.
۷۰. حویش، عمرالملا، اعجاز القرآن و علم المعانی، مکتبه الفلاح، کویت، ۱۴۰۷ق.
۷۱. الخالیدی، صلاح عبدالفتاح، البیان فی اعجاز القرآن، دارعمار، الأردن، ۱۹۸۹م.
۷۲. - لطائف القرآنیه، دارالعلم، دمشق، ۱۴۱۲ق.
۷۳. الخُشت، محمد عثمان، من اعجاز القرآن «ولیس الذکر کالأنثی»، مکتبه القرآن، قاهره.
۷۴. الخُشت، محمد عثمان، من اعجاز القرآن، و لیس الذکر کالأنثی، دراسه من منظور الاسلام والعلوم الحدیثه، مکتبه القرآن

للطبع والنشر والتوزيع، قاهره، ١٤٠٤ ق.

٧٥. الخضر، اسامه على، موسوعه الاعجاز العلمى فى القرآن الكريم، القرآن والكون من الانفجار.

ص: ٥٣٧

العظيم الى الانسحاق العظيم، مكتبه العصريه، صيدا - بيروت - لبنان، ٢٠٠٩م - ١٤٣٠ق.

٧٧. خطيب، عبدالكريم، اعجاز القرآن، دارالفكر العربي، ١٩٦٤م.

٧٨. -، الاعجاز في دراسات السابقين، دارالفكر العربي، ١٩٧٤م.

٧٩. الخطيب، محمد درويش، معجزه القرآن الكريم، تتحدى البشر الى الأبد، ناشرون: دارالرفاعي للنشر ودارالقلم العربي، سوريا - حلب، الطبعة الثانيه، ١٤٢٦ هـ - ٢٠٠٥م.

٨٠. خلف الله، محمد (عميد معهد الدراسات العربيه سابقاً)، د. محمد زغلول سلام، ثلاث رسائل في اعجاز القرآن (للرمانى والخطابى وعبدالقاهر الجرجانى فى الدراسات القرآنيه والنقد الأدبى)، دارالمعارف، الطبعة الرابعه، قاهره.

٨١. الخوارزمى، ناصر بن ابى المكارم المطرزي، با تحقيق حمد بن ناصر الدخيل، بيان اعجاز فى سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ»، مؤسسه الممتاز، ١٤١٢ق.

٨٢. خوانسارى، محمد حسيني، تلخيص دلائل الاعجاز (م ١٣٧١ق).

٨٣. خويى، ابوالقاس، مترجم: جعفر سبحانى، مرزهاى اعجاز، انتشارات محمدى، تهران، ١٣٦٣.

٨٤. الخويى، السيد ابوالقاسم الموسوى، نفحات الاعجاز، دارالمورخ العربى، بيروت.

٨٥. -، البيان فى تفسير القرآن، المطبعة العلميه، قم، ١٣٩٤ق.

٨٦. د- عبدالسلام، نبيل، كشاف الاعجاز فى القرآن و السنه، هارون، قاهره، مكتبه ابن سينا.

٨٧. د- الحاضرى، شبيب بن على، مراجعه وتقديم: د. محمد على البار، الخمرداء وليست بداء، رابطة العالم الاسلامى، هيئه الاعجاز العلمى فى القرآن و السنه، الطبعة الثانيه، مكه المكرمه، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠م.

٨٨. د. السيد خضر (مدرس العلوم اللغويه كليه التربيه - جامعه المنصوره)، من الاعجاز اللغوى للقرآن الكريم، دراسه فى ظاهره الترادف اللفظى، دارالوفاء، الطبعة الاولى، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١م.

٨٩. د. النجار، زغلول، من آيات الاعجاز العلمى (٣)، المفهوم العلمى للجبال فى القرآن، مكتبه الشروق الدوليه، الطبعة العاشره، ٢٠٠٨م - ١٤٢٩ق.

٩٠. د. بوعلاق، محمد الصادق، علم السنن الإلهيه، الاعجاز القرآن فى الكون والخلق والعلم، دار ومكتبه الهلال، دارلبحار، الطبعة الاولى بيروت، ، ٢٠٠٩م.
٩١. د. بيضون، لبيب، الاعجاز العلمى فى القرآن، ماجستير فى العلوم، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، الطبعة الاولى، بيروت - لبنان، ١٤٢٤هـ - ٢٠٠٣م.
٩٢. د. صالح بن أحمد رضا (أستاذ الحديث وعلومه)، الاعجاز العلمى فى السنّه النبويه، المجلد الثانى، مكتبه العبيكان، الطبعة الأولى، ١٤٢١هـ - ٢٠٠١م.
٩٣. د. ضيف، شوى، معجزات القرآن، دارالمعارف، الطبعة الثانيه، قاهره.
٩٤. د. على مطاوع، سعيد عطيه، الاعجاز القصصى فى القرآن، الآفاق العربيه، الطبعة الاولى، ٢٠٠٦م.
٩٥. د. متولى، أحمد مصطفى، الموسوعه الذهبيه فى إعجاز القرآن الكريم والسنه النبويه، دار ابن الجوزى، مصر - قاهره، ١٤٢٦هـ، ٢٠٠٥م.
٩٦. د. هميمى، زكريا، الاعجاز العلمى فى القرآن الكريم، مكتبه مدبولى، الطبعة الاولى، ٢٠٠٢م.
٩٧. داني، عزيز (عبدالمجيد الزندانى)، المعجزه العلميه فى القرآن و السنه، قاهره.
٩٨. الدبّاغ، مصطفى، وجوه من الاعجاز القرآنى، مكتبه المنار، الطبعة الثانيه، الاردن، ١٤٠٥ق - ١٩٨٥م، ١٩٢ص.
٩٩. الدجنى، فتحى عبدالفتاح، الاعجاز النحوى فى القرآن الكريم، مكتبه الفلاح، كويت، ١٤٠٤ق.
١٠٠. دكتور خليفه، رضاد، مترجم سهلانى، محمد جواد، اعجاز قرآن در عصر كامپيوتر، نشر فرهنگ قرآن، تهران، ١٣٦٢.
١٠١. دكتور منير سلطان، اعجاز القرآن بين الاشاعره والمعتزله، منشأ المعارف، چ سوم، اسكندريه، ١٤٠٦ق.
١٠٢. دودح، محمد، نشأ الذريه معجزه علميه، الهيئه العالميه للإعجاز العلمى فى القرآن والسنه، الطبعة الاولى، ١٤٢٧هـ، ٢٠٠٦م.
١٠٣. دياب، دكتور محمود، الاعجاز الطبى فى القرآن الكريم، مطبوعات دارالشعب، قاهره، ١٤٠٨ق.
١٠٤. دياب، عبدالحميد، مقدم، احمد قرقوز و نسيمى، محمود ناظم، مع الطب فى القرآن الكريم، مؤسسه علوم قرآن قم منشورات الرضى، ١٤٠٤.
١٠٥. ديدات، احمد، القرآن معجزه المعجزات، مكتبه القرآن، القاهره.

۱۰۶. الرازی، محمد بن عمر بن فخر الدین، نه‌ایه الایجاز فی درایه الاعجاز، دارالفکر، عمان، ۱۹۸۵م.
۱۰۷. الرفعی، مصطفی صادق، اعجاز القرآن والبلاغه النبویه، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۳۶۰ق.
۱۰۸. رحمانی، احمد، نظریه الاعجاز القرآنی، مکتبه وهبه، قاهره، ۱۴۱۸ق.
۱۰۹. رشاد، خلیفه، ۱۹۸۳م، ترجمه آیت اللهی، سید محمد تقی، اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعه، دانشگاه شیراز، ۱۳۶۵ش.
۱۱۰. رشاد، خلیفه، معجزه القرآن الکریم، دارالعلم للملایین، الطبعة الاولى، بیروت، ۱۹۸۳م.
۱۱۱. رضایی اصفهانی، محمد علی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۷۶ش، ۵۱۷ص.
۱۱۲. - اعجازها و شگفتی های علمی قرآن، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۶ش.
۱۱۳. - اشارات علمی اعجاز آمیز قرآن (کیهان شناخت - زیست شناخت - پزشکی)، دفتر نشر معارف، تهران، ۱۳۸۳.
۱۱۴. - پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (دو جلد)، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۵ش. (این کتاب تاکنون ۵ بار تجدید چاپ و ۶ جایزه کشور ایران را دریافت کرده است)
۱۱۵. رضایی، حسن رضا، شگفتی های پزشکی در قرآن، تفسیر موضوعی ۶، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۷.
۱۱۶. - شگفتی های پزشکی در نهج البلاغه، انتشارات زمزم هدایت، قم، ۱۳۸۹ش.
۱۱۷. رضایی، سعید، اعجاز نور، انتشارات انصار المهدی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۱۱۸. الرفاعی، عدنان، المعجزه (کشف اعجازی جدید فی القرآن الکریم)، دمشق، چاپ دوم، ۱۹۹۶م.
۱۱۹. الرمانی، علی بن عیسی، النکت فی اعجاز القرآن، دارالمعارف، چاپ دوم، مصر.
۱۲۰. روحانی، سید ضیاء الدین، معجزه جاویدان، چاپخانه حکمت، قم، ۱۳۷۷ق.
۱۲۱. الرومی، فهد بن سلیمان، البدھیات، مکتبه التوبه، چاپ اول، ریاض، ۱۴۱۷ق.
۱۲۲. الریاحی، باسل، نجم الشعری فی القرآن الکریم، دارعمار، عمان، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

١٢٣. رئيس اعظم شاهد، اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان، انتشارات مركز جهانی علوم اسلامی، قم، ١٣٨٦.
١٢٤. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مترجم: علی اصغر کاملی، مناہل العرفان، ترجمه و توضیح مبحث اعجاز القرآن.
١٢٥. زمانی، مصطفی، پیشگویی های علمی قرآن، انتشارات پیام اسلام، قم، ١٣٥٠ ش.
١٢٦. الزمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر، اعجاز سوره الكوثر، دارالبلاغه، بیروت، ١٤١١ ق.
١٢٧. الزملکانی، کمال الدین بن عبدالکریم، البرهان الکاشف عن اعجاز القرآن، مکتبه المانی، بغداد.
١٢٨. زملکانی، کمال الدین عبدالواحدین خلف الانصاری، المجید فی اعجاز القرآن المجید، دارالثقافه العربیه، قاهره، ١٤١٠ ق.
١٢٩. زهران، البدر اوی عبدالوهاب، دحض مفتریات، رابطہ العالم الاسلامی، مکہ، ١٤٠٦ ق.
١٣٠. زیتون، علی مهدی، اعجاز القرآن و اثره فی تطور النقد الادبی، دارالشروق، طبع اول، بیروت، ١٤١٢ ق.
١٣١. سادات، مهندس محمد علی، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، انتشارات فلق، تبریز، ١٣٥٧.
١٣٢. السامرایی، ابراهیم، من وحی القرآن، للبعثه الوطنیه، بغداد، ١٤٠١ ق.
١٣٣. سامی، محمد علی، الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، دارالمحبه، بیروت دار النور، دمشق، ١٤١٦ ق.
١٣٤. سبحانی، جعفر، برهان رسالت، انتشارات کتابخانه صدر، تهران، ١٣٩٨ ق.
١٣٥. سراج الدین زکریا، محمد، ا. د (السیده اصلاح اسماعیل امین)، اعجاز القرآن فی وقایه الانسان، القاهره، نهضه مصر، ١٩٩٣ م.
١٣٦. سرور، سید ابراهیم، الاعجاز العلمی، عند الامام الصادق (علیه السلام) جوهره، الشیعه الامامیه، شرکه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ١٤٣١ ق.
١٣٧. السعدی، عیسی ابراهیم، الاستفهام والاعجاز القرآنی، أسرارہ وأنواعه وصوره، دارعمار، عمان، ٢٠٠٨.
١٣٨. سعید النورسی، بدیع الزمان، ترجمه و تصحیح محمد زاهد الملا زکروی، ذوالفقار مجموعه المعجزات الاحمدیه والقرآنیه، دارالبن زیدون، بیروت، ١٤٠٧ ق.

١٣٩. سعيد علي، زكريا، شرح رساله الرمانى فى اعجاز القرآن، دارالفكر العربى، قاهره، ١٤١٧ق.

١٤٠. السعيد، عبدالله عبدالرزاق، الاعجاز الطبى فى القرآن والاحاديث النبويه الرطب والنخله، الدار السعوديه للنشر، جدّه، ١٤٠٥ق.

١٤١. سعيدى روشن، محمد باقر، معجزه شناسى، مركز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى، مؤسسه فرهنگى دانش و اندیشه معاصر، چ اول، پاييز ١٣٧٩.

١٤٢. السقا، احمد حجازى، اعجاز القرآن رد على كتاب الفن القصص فى القرآن الكريم، مكتبه الانجلو، مصر، ١٣٩٧.

١٤٣. سلام، محمد زغلول و احمد، محمد خلف الله، ثلاث رسائل فى اعجاز القرآن، دارالمعارف، چاپ چهارم، ١٩٧٦م.

١٤٤. سليم، حسين احمد، لغه الارقام القرآن، انتشارات رشاد، بيروت، ١٩٩٨م.

١٤٥. السيد اسماعيل، مجرى ابراهيم، الاعجاز العلمى للقرآن الكريم فى قصه أهل الكهف والرقيم، دارطبيه الخضراء، المملكه العربيه السعوديه، مكه المكرمه.

١٤٦. السيد الجميلى، الاعجاز الطبى فى القرآن، دارمكتبه الهلال، بيروت، ١٩٨٧م.

١٤٧. -، الاعجاز الفكرى فى القرآن، دارابن زيدون، بيروت، ١٩٨٥م.

١٤٨. -، الاعجاز الكونى فى القرآن، دار زاهد القدسى، قاهره، ١٩٨٨م.

١٤٩. سيد حجاب، حول قضيه الاعجاز القرآنى، كليه الشريعه، جامعه الامام محمد بن مسعود، رياض، ١٤٠٢ق.

١٥٠. السيد، الشيخ مجدى فتحى، القلبنى، الدكتور هانى بن مرعى، الموسوعه العلميه فى اعجاز القرآن الكريم والسنه النبويه، المكتبه التوفيقيه، قاهره - مصر.

١٥١. السيد، رضوان، مسئله الاعجاز و الاعجاز العلمى فى القرآن، www.multaka.net.

١٥٢. السيد حسن، محمود، روائع الاعجاز فى قصص القرآنى، مكتبه الجامعه الحديث، اسكندريه.

١٥٣. سيوطى، جلال الدين، تصحيح احمد شمس الدين، معترك الاقرآن فى اعجاز القرآن، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤٠٨ق.

١٥٤. الشحات، على احمد، الاعجاز الطبى فى القرآن الكريم الطب الوقائى، المؤسسه العربيه الحديثه، القاهره.

١٥٥. شرف، حنفى محمد، اعجاز القرآن البيانى، امارات متحده عربى، ١٣٩٠ق.

۱۵۶. الشریف، عدنان، من علم الطب القرآن، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۹۰م.
۱۵۷. الشعرانی، محمد متولی، القرآن الکریم المعجزه والمنهج، دارالندوه الجدیده، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۱۵۸. الشعراوی، محمد متولی، معجزه القرآن، مکتبه التراث الاسلامی، قاهره.
۱۵۹. الشلال، سلیمان بن شلال العبدالله، هذه حقائق اساسیه عن الاعجاز فی القرآن الکریم، دارالغیث، چاپ اول، ریاض، ۱۴۱۵ق.
۱۶۰. شملول، محمد، تأملات فی اعجاز الرسم القرآنی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۱۶۱. الشناوی، عبدالعزیز، البرهان علی اعجاز القرآن، مکتبه الایمان، قاهره، ۱۴۱۹ق.
۱۶۲. الشهرستانی، هبه الدین، المعجزه الخالده، مکتبه الجوادین العامه، کاظمین.
۱۶۳. شیخ مفید (م ۴۱۲ق)، جوابات ابی الحسن سبط المعانی بن زکریا فی اعجاز القرآن.
۱۶۴. شیخون، محمود، الاعجاز فی نظم القرآن، دارالهدایه، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق.
۱۶۵. شیمیل، آن ماری، مترجم: عبدالرحیم گواهی، درآمدی بر اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵.
۱۶۶. صبری، سعید، اضواء علی الاعجاز القرآن الکریم، مرکز الازهرام، قاهره، چاپ اول، ۱۴۱۷.
۱۶۷. صبوری، جعفر، خبرهایی غیبی در قرآن یا غیب گویی های قرآن، چاپخانه فرهنگ، قم، ۱۳۵۷ش.
۱۶۸. صدقی، نعمت، معجزه القرآن، نشر عالم الکتب، قاهره.
۱۶۹. الصوفی، ماهر احمد، من آیات الله فی السماء، مکتب الشعار، حمص، ۱۴۱۶ق.
۱۷۰. ضیاء الدین عتر، حسن، المعجزه الخالده، دار ابن حزم، الطبعة الثانیه، بیروت، ۱۴۰۹ق - ۱۹۸۹م.
۱۷۱. طباطبایی، علامه محمد حسین، اعجاز از نظر عقل و قرآن، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، ۱۳۶۲.
۱۷۲. الطیب الباقلانی، قاضی ابوبکر، (م ۴۰۳ق)، اعجاز القرآن، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۸۱م.
۱۷۳. عابدین، محمد ابی الیسر، الایجاز فی آیات الاعجاز، دارالبشائر، دمشق.

١٧٤. - الأعداد من القرآن والحديث والأخبار، مكتبة الغزالي، دمشق، ١٤١٤ق.
١٧٥. عامر، فتحي أحمد، فكره النظم بين وجوه الإعجاز في القرآن الكريم، منشأة المعارف، أسكندريه، ١٩٩١م.
١٧٦. عباس، حسن، الأدله على الإعجاز اللغوي في القرآن الكريم، دارالاقصى، چاپ اول، دمشق، ١٩٩٤م.
١٧٧. عبدالجبار، شاکر، القرآن اعجاز يتعاطم، مطبعة الحوادث، بغداد، ١٩٨٥م.
١٧٨. عبدالحليم الخطيب ابن الشيخ، اسرار معجزه القرآن الكريم، دارالعلم العربي، چاپ اول، ١٤١٧ق.
١٧٩. عبدالرزاق، نوفل، مترجم حسینی طباطبایی، مصطفی، اعجاز عددی در قرآن، نشر ناشر، تهران، ١٣٦٢.
١٨٠. - مقدمه: يحيى نوري، ترجمه: اقتباس، پاورقی ابوالفضل بهرام پور و محمود شکیب، قرآن بر فراز اعصار، انتشارات نهضت، قم، چاپ دوم، ١٣٥٩.
١٨١. عبدالصمد، محمد کامل، الاعجاز العلمی فی الاسلام (القرآن الکریم)، دار المصریه اللبنانیه، قاهره، ١٤١٠ق.
١٨٢. - الاعجاز العلمی فی القرآن، دارالمصريه البنانيه، قاهره.
١٨٣. عبدالعزيز، دکتر محمد کمال، اعجاز القرآن فی حواس الانسان (دراسه فی الانف والاذن والحجره فی ضوء الطب وعلوم القرآن والحديث)، مكتبه ابن سينا، مصر.
١٨٤. - اعجاز القرآن فی خلق الانسان، دراسه فی الانف والاذن والحجره فی ضوء الطب وعلوم القرآن والحديث، القاهره، مكتبه ابن سينا.
١٨٥. عبدالله نیازی، عبدالکریم، القرآن الکریم المعجزه والتشريع، مطبوعات نادى، مکة.
١٨٦. عبدالمعطی عرفه، عبدالعزيز، قضیه الاعجاز القرآنی، عالم الکتب، بیروت، ١٤٠٥ق.
١٨٧. عبدالمنعم، محمد وشرف، عبدالعزيز علی صبح والشبکی، القرآن معجزه العصور، الهيئه المصريه، قاهره، ١٩٨٨م.
١٨٨. عبدالوهاب، احمد، المنظومات العددیه فی القرآن العظیم، انتشارات مكتبه، قاهره، ١٤١٨ق.
١٨٩. عرابی، رجا عبدالحمید، موسوعه اسرار الكون، دراسه الاعجاز فی سوره الطارق، دارالقبس، دمشق - سوريا، الطبعة الاولى، ٢٠٠٦م، ١٤٢٧ هـ ق.

١٩٠. عرجون، محمد الصادق، القرآن العظيم هدايته واعجازه في اقوال المفسرين، مكتبة الكليات الازهرية، قاهره، ١٣٨٦ق.
١٩١. عرفان، حسن، اعجاز در قرآن كريم، مركز مطالعات تاريخ و معارف اسلامي، تهران، ١٣٧٩.
١٩٢. عطيه، مختار، الايجاز في كلام العرب ونص الاعجاز، دارالمعرفه الجامعيه، ١٩٩٧.
١٩٣. علوي، سيد مرتضى، قرآن و رياضيات، انتشارات پژوهش هاي تفسير و علوم قرآن، اول، قم، ١٣٨٦.
١٩٤. عليوي، ابن خليفه، معجزه القرن العشرين في كشف سباعيه و ثلاثيه اوامر القرآن الكريم، دارالايمان، دمشق، ١٤٠٣ق.
١٩٥. عليوي، ابن خليفه، معجزه القرن العشرين في كشف سباعيه و ثلاثيه او امرالقرآن الكريم، دارالايمان، بيروت، ١٤٠٣ق.
١٩٦. عمار، احمد سيدمحمد، نظريه الاعجاز القرآني، دارالفكر المعاصر، چاپ اول، دمشق، ١٤١٨ق.
١٩٧. عمرالسلامي، الاعجاز الفني في القرآن، مؤسسات عبدالكريم بن عبدالله، تونس.
١٩٨. العمري، احمد جمال، المباحث البلاغيه في ضوء قضيه الاعجاز القرآني، مكتبه الخانجي، قاهره، ١٤١٠ق.
١٩٩. - مفهوم الاعجاز القرآني، دارالمعارف، قاهره.
٢٠٠. عيسى، عبدالرحمن، معجزه القرآن المجيد، الاسلام والترق الحضاري، دارالهجره، دمشق، ١٤٠٥ق.
٢٠١. الغديري، الشيخ عبدالله، الاعجاز العلمي لمفاهيم القرآن الكريم، دارالحجه البيضاء، بيروت، لبنان، ١٤٢٩هـ - ٢٠٠٨م.
٢٠٢. غضبان، جعفر، (ترجمه المعجزه الخالده)، قرآن يك معجزه دائم، اعجاز القرآن، يزد، ١٣٣٢ش.
٢٠٣. غللو، محمد، الاعجاز القرآني والتقدم العلمي، دارالاشراق.
٢٠٤. فائزه، عظيم زاده اردبيلي، جلوه هاي اعجاز در قرآن كريم، سازمان تبليغات اسلامي.
٢٠٥. فراج، تقديم أحمد، د. زغلول النجار، من آيات الاعجاز العلمي في القرآن الكريم (٢)، مكتبه الشروق الدوليه، الطبعه الحاديه عشره، ٢٠٠٦م - ١٤٢٧ق.

۲۰۶. فضل، عباس، فضل، حسن و سناء، اعجاز القرآن الکریم، المكتبه الوطنیه، ۱۴۱۲ق - ۱۹۹۱م.

۲۰۷. فقیه، الشیخ رضوان سعید، الکشف فی الاعجاز القرآنی و العلم الحروف، دارالحججه البیضاء، الطبعة الاولی، بیروت، لبنان، ۱۴۲۲هـ - ۲۰۰۲م.

۲۰۸. الفندی، دکتر محمد جمال الدین، ترجمه سید حسین میر دامادی، شگفتی های از اعجاز در قرآن کریم، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ش.

۲۰۹. القاهری، مصطفی الصافی الجوینی، جمالیات المضمون والشکل فی الاعجاز القرآنی، منشأ المعارف، اسکندریه، ۱۹۸۳م.

۲۱۰. قرامی، زهیر رابع، الاستشفاء بالصلاه (دراسه حول الفوائد الصحیة للصلاه علی ضوء العلم الحدیث)، إشراف: د. عبدالله بن عبدالعزيز المصلح، هیئه الاعجاز العلمی فی القرآن والسنة، رابطہ العالم الاسلامی، مکة المکرمه، الطبعة الأولى، ۱۴۱۷هـ - ۱۹۹۶م.

۲۱۱. القرعاوی، سلیمان بن صالح، جامعه الملك فیصل بالأحساء، التفسیر العلمی المعاصر و أثره فی کشف الاعجاز العلمی للقرآن الکریم، دارالحضاره للنشر والتوزیع، الطبعة الاولی، ریاض، ۱۴۲۵هـ ق، ۲۰۰۴م.

۲۱۲. القره باغی، علی محی الدین، الاعجاز التشریحی فی القرآن، مكتبه الاقصی الاسلامیه، قطر، ۱۴۰۸ق.

۲۱۳. القلیلی، محمد عادل، الاعجاز القرآنی، دارالجمیل، بیروت، ۱۴۱۷ق.

۲۱۴. القونوی، صدرالدین، المصحح: الآشتیانی، استاذ السید جلال الدین، اعجازالبیان فی تفسیر أم القرآن، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷.

۲۱۵. القیسی، عونہ الله منیع، سرالاعجاز فی القران، مؤسسه الرساله، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۶ق.

۲۱۶. کرمانی، دکتر محمد علی رضایی، کتاب شناسی اعجاز قرآن، چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول، قم، پاییز ۱۳۸۰.

۲۱۷. الکرمانی، محمد کریم، الايقان فی اعجاز القرآن، ۱۳۵۴.

۲۱۸. کلیجی، سعید حمیدی، قرآن و طبیعت، پدیده های شگفت انگیز عالم آفرینش، ناشر: حلم، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

۲۱۹. کمالی، علیرضا، معجزات آسمانی در قرآن کریم، ناشر: نجم الهدی، چ اول، بهار ۱۳۸۵.

٢٢٠. الكومى، سامى عبدالعزيز، الاعجاز القرآنى، مكتبه السعاده، قاهره، ١٤١١ق.

٢٢١. الكيلانى (اسكندرانى)، عبدالقادر بن السيد محمد سليم، تحفه الاخوان (ايقاظ الؤستان)، مطبعه الفيحاء، دمشق.

٢٢٢. الكيلانى، علاء الدين شمس الدين المدرس، النبؤه والاعجاز فى القرآن والسنه، دارالكلية العلميه، بغداد.

٢٢٣. لفته، جليل على، نخفحات من الاعجاز الطبى فى القرآن الكريم، ١٤١٠ق.

٢٢٤. لى، آلدوميه، ترجمه: محمد رضا شجاع رضوى - دكتور اسدالله علوى، علوم اسلامى و نقش آن در تحولات علمى جهان، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوى، چاپ اول، آبان ١٣٧١.

٢٢٥. لينكلن، آربرى اكاف راسل، مترجم: محمد جواد سهلانى، کاربرد روش سيستم ها به ضميمه تعبير قرآن، انتشارات بعثت، ١٣٦٠.

٢٢٦. المجلس الاعلى العالمى للمساجد: هيئه الاعجاز العلمى فى القرآن و السنه، علم الأجه فى ضوء القرآن و السنه، رابطه العالم الاسلامى، مكه المكرمه.

٢٢٧. محلاتى، محمد سروش، خورشيد فروزان در اعجاز قرآن، قم، ١٣٣٦.

٢٢٨. محمد ابو موسى، محمد، الاعجاز البلاغى، مكتبه وهبه، قاهره، ١٤٠٥ق.

٢٢٩. محمد المرطعنى، عبدالعظيم ابراهيم، دراسات جديده فى اعجاز القرآن، مكتبه وهبه، قاهره، ١٤١٧ق.

٢٣٠. محمد بن حسن بن عقيل بن موسى، اعجاز القرآن الكريم بين الامام السيوطى والعلماء، دارالاندلس الخضراء، جده، ١٤١٧ق.

٢٣١. محمد سامى، محمد على، الاعجاز العلمى فى القرآن الكريم، دارالنور، دمشق، ١٩٩٥م.

٢٣٢. محمد عبدالعزيز، دكتور عبدالحميد، الاعجاز الطبى فى القرآن الكريم، مكتبه ابن سينا، قاهره.

٢٣٣. محمد على، محمد سامى، الاعجاز العلمى فى السنه النبويه الصحيحه، دارطيه، الطبعة الاولى، دمشق - سوريا، ١٤٣٠هـ - ٢٠٠٩م.

٢٣٤. محمد، عبدالغنى، الاعجاز القرآنى (وجوه و اسرار)، برکه، بى جا، مكتبه وهبه.

۲۳۵. محمد، علوی مقدم (ت ۱۳۱۱ش، سبزوار)، جلوه ی جمال (نمونه اعلاى بلاغت در قرآن)، بنیاد قرآن، تهران، ۱۳۶۴ش.
۲۳۶. محمود، احمدی، معجزات قرآن در عصر فضا و کامپیوتر، انتشارات مسعود احمدی، ۱۳۶۴ش.
۲۳۷. مخلص، عبدالرؤف، جلوه های جدید از اعجاز علمی قرآن کریم، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، مشهد.
۲۳۸. مخلوف، محمدالرؤف، الباقلانی و کتابه اعجاز القرآن، انتشارات دارمکتبه الحیاه، ۱۹۷۸م.
۲۳۹. مدرس، سید علاء الدین، با تحقیق سید علی مدرس، مطلق مقدم و محمود مدرس زاده، مباحثی پیرامون قرآن، انتشارات مفید، تهران، ۱۳۷۳.
۲۴۰. مرزه، سعد حاتم محمد، معجزه القرآن والطوفان بین العلم و الايمان، مطبعه الحوادث، بغداد، ۱۹۹۵م.
۲۴۱. مسترحمی، سید عیسی، قرآن و کیهان شناسی، تفسیر موضوعی ۵، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۷.
۲۴۲. المصری، ابو محمد زکی الدین عبدالعظیم بن ابی الصبغ، تحریر التحیر فی صناعه الشعر والنثر و بیان اعجاز القرآن، احیاء التراث الاسلامی، امارات متحده عربی.
۲۴۳. مصطفی، رجب، الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم، اردن، ۲۰۰۶م.
۲۴۴. معار، مجید، بزرگترین نشانه، موسسه بناء، تهران، ۱۳۷۶.
۲۴۵. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، (ویژه اعجاز علمی قرآن)، انتشارات اسلامی، قم.
۲۴۶. من أوجه الاعجاز العلمی فی مجال العدوی والطب الوقائی، من أبحاث المؤتمر العالمی الأول للاعجاز العلمی فی القرآن والسنه، الهیئه العالمیه للاعجاز العلمی فی القرآن والسنه، الطبعة الاولى، ۱۴۲۱هـ .
۲۴۷. منیب الطحان، دارسعد الدین، الاعجاز فی القرآن، دمشق، ۱۴۲۰ق.
۲۴۸. منیع القیسی، الدكتور عوده الله، الاعجاز اللغوی فی قصص نوح فی القرآن، دارعمار، الطبعة الاولى، عمان، ۱۴۲۲هـ - ۲۰۰۲.

٢٤٩. الموسوي الاصفهاني، السيد محمد حسن، تصحيح محمد علي المسلم الحبيب آبادي، رساله الوجيزه العزيزه في اعجاز القرآن المجيد، مكتبه المبين، اصفهان.

٢٥٠. موسوي، سيد محسن، اعجاز تاريخي قرآن كريم، انتشارات دانشگاه تهران، ١٣٧٣ش.

٢٥١. مهران، جمال الدين حسين، آيات من الاعجاز العلمي في القرآن الكريم، مصر، مكتبه الأنجلو المصريه، ١٩٩٢م.

٢٥٢. مهران، حسين، دكتور جمال الدين، آيات من الاعجاز العلمي في القرآن الكريم، مكتبه الانجلو المصريه، قاهره، ١٩٩٢م.

٢٥٣. مؤدب، سيد رضا، اعجاز قرآن، احسن الحديث، چاپ اول، قم، ١٣٧٩.

٢٥٤. النابلسي، محمد اديب، من اسرار والاعجاز القرآن الكريم، دارالصفاء، دمشق، ١٤٢٠ق.

٢٥٥. النابلسي، محمد راتب، موسوعه الاعجاز العلمي في القرآن والسنة، آيات الله في الآفاق، دارالمكتبي، سوريه - دمشق، الطبعة الثالثه، ١٤٢٩هـ، ٢٠٠٨م.

٢٥٦. النابلسي، محمد راتب، موسوعه الاعجاز العلمي في القرآن والسنة، آيات الله في الانسان، دارالمكتبي، سوريه - دمشق، الطبعة الثالثه، ١٤٢٩هـ، ٢٠٠٨م.

٢٥٧. ناصر، مهدي، الاعجاز العلمي في القرآن، دارالروضه، بيروت، ١٩٩٤م.

٢٥٨. النبي، منصور حسب، الكون والاعجاز العلمي للقرآن، دارالفكر العربي، قاهره، ١٤١٦ق.

٢٥٩. النجدي، ابوزهرا، من الاعجاز البلاغي والعددي للقرآن الكريم، الوكاله العالميه للتوزيع، ١٩٩٠م.

٢٦٠. النجدي، دكتور حميد، الاعجاز العلمي في القرآن الكريم، مطبعه جوهر الشام، دمشق، ١٤١٤ق.

٢٦١. الندوي، ابوالحسن علي، المدخل الي الدراسات القرآنيه، دارالكلمه، ١٤١٨ق.

٢٦٢. نمايي طبسي، غلامرضا، مترجم: سيد ذبيح الله رضوي، دعوت قرآن (تحقيق در اطراف خبر غيبي)، چاپخانه علمي، تهران، ١٣٢٧ش.

٢٦٣. النورسي، سعيد و الصالحى، احسان قاسم، المعجزات القرآنيه، مطبعه الرشيد، بغداد، ١٩٩٠م.

٢٦٤. نوفل، عبدالرزاق، الاعجاز العددي للقرآن الكريم، مطبوعات الشعب، الطبعة الثالثه، قاهره، الجزء الاول، ١٤٠٩ق.

۲۶۵. - معجزه الارقام والرقیم فی القرآن الکریم، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۲۶۶. نهادجزار، بسام، اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، المؤسسة الاسلامیه، الطبعة الثانیه، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۲۶۷. نیازمند شیرازی، یدالله، اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، شرکت چاپ میهن، چ چهارم، ۱۳۳۵ ش.
۲۶۸. هیتو، دکتر محمد حسن، المعجزه القرآنیه (الاعجاز العلمی والغیبی)، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ق.
۲۶۹. هین، سلیم، معجزات الارقام فی القرآن، داراسامه، عمان، ۱۶۶۸.
۲۷۰. یاسین عبدالقادر، حسین، الاعجاز الطبی فی الكتاب والسنة، مکتبه وهبه، الطبعة الاولى، قاهره، ۱۴۱۷ق.
۲۷۱. یحیی، هارون، المعجزات الاربعه فی الاعجاز العلمی، معجزه الذره، دارالقبس، دمشق - سوريا، الطبعة الاولى، ۲۰۰۷م - ۱۴۲۸ق.
۲۷۲. - المعجزات الاربعه فی الاعجاز العلمی، معجزه الهرمون، دارالقبس، دمشق - سوريا، الطبعة الاولى، ۲۰۰۷م - ۱۴۲۸ق.
۲۷۳. - ترجمه: أورشان محمد علی، تحریر: رمزی رامز حسون، معجزه خلق الانسان، مکتبه دارالمنهاج القویر، سوریه - دمشق، الطبعة الاولى، ۱۴۳۱ه - ۲۰۰۹م.
۲۷۴. - ترجمه: مصطفیالستیتی، سلسله المعجزات، مکتبه دارالمنهاج القویر، الطبعة الاولى، سوریه - دمشق، ۱۴۳۰ه - ۲۰۰۹م.
۲۷۵. یزدانی، عباس، اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن، کیهان اندیشه، ش ۶۷، مؤسسه کیهان، قم، ۱۳۷۵ ش.
۲۷۶. یوسف هنداووی، الدكتور عبدالحمید أحمد، الاعجاز الصرفی فی القرآن الکریم، دراسه نظریه تطبیقیه التوظیف البلاغی لصیغه الکلمه، المکتبه العصریه، صیدا - بیروت - لبنان، ۲۰۰۸م - ۱۴۲۹ه.

(ب) مقالات

۱. اصفهانی، دکتر محمد علی رضایی، چیستی و چالش های اعجاز علمی قرآن، مجله قرآن و علم ۷، ۱۳۸۹ش.

۲. آقای، محمد رضا، اعجاز اجتماعی قرآن، مجله قرآن و علم ۸، ۱۳۹۰ش.
۳. بهجت پور، دکتر عبدالکریم و معرفت، حامد، اعجاز تشریحی قرآن، مجله قرآن و علم ۸، ۱۳۹۰ش.
۴. جلالی، دکتر عبدالزهرا، بررسی اعجاز زیست شناختی قرآن، مجله قرآن و علم ۷، ۱۳۸۹ش.
۵. حسینی کوهساری، دکتر سید مفید و احمدی فر، مصطفی، اعجاز روانشناختی قرآن در گستره اجتماع، مجله قرآن و علم ۸، ۱۳۹۰ش.
۶. - دکتر سید مفید، اعجاز اقتصادی قرآن کریم، مجله قرآن و علم ۸، ۱۳۹۰ش.
۷. رستم نژاد، دکتر مهدی و نوید، مهدی، اعجاز رنگ ها در قرآن، مجله قرآن و علم ۷، ۱۳۸۹ش.
۸. زمانی، دکتر محمد حسن و احسانی، محمد، بررسی کتاب «الاعجاز العلمی فی القرآن، لیب بیضون»، مجله قرآن و علم ۷، ۱۳۸۹ش.
۹. علایی، دکتر حسینعلی و رضایی، حسن رضا، شگفتی ها و اعجازهای پزشکی قرآن، مجله قرآن و علم ۸، ۱۳۹۰ش.
۱۰. کریمی نیا، محمد مهدی، بررسی اعجاز عددی قرآن کریم از نظر عبدالرزاق نوفل، مجله قرآن و علم ۸، ۱۳۹۰ش.
۱۱. لطفی، امیر علی، اعجاز مدیریتی قرآن، مجله قرآن و علم ۷، ۱۳۸۹ش.
۱۲. مسترحمی، دکتر سید عیسی، اعجاز نجومی قرآن، مجله قرآن و علم ۷، ۱۳۸۹ش.
۱۳. مؤدب، دکتر سیدرضا و شهری، قاسم، اعجاز تاریخی قرآن، مجله قرآن و علم ۷، ۱۳۸۹ش.
۱۴. نصیری، دکتر علی، اعجازها و شگفتی هایی از قرآن در زیست جانوری، محمد رضا نقدی، مجله قرآن و علم ۸، ۱۳۹۰ش.

(ج) پایان نامه ها

۱. اخویان تهرانی، محمد تقی، کارشناسی ارشد علوم قرآن، استاد راهنما: سید محمدباقر حجتی، وجوه اعجاز قرآن نقد و بررسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ۱۳۷۷.
۲. اسدالله زاده، سحر، استاد راهنما: جلالیان، اعجاز قرآن در بعد تشریح قوانین و تبیین معارف اعتقادی، حوزه علمیه حضرت خدیجه (علیها السلام)، تهران، ۱۳۸۴.

۳. الاسدی، علی محمد، استاد راهنما: معین دقیق، نظریه الصرفه فی اعجاز القرآن (تحلیل و نقد)، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۶، قم.

۴. اسماعیلی، آرزو، استاد راهنما: آسی، اعجاز قرآن، حوزه علمیه زهرا (علیها السلام)، تهران، ۱۳۸۴ ش.

۵. امیری، علی محمد، استاد راهنما: محمد نقیب زاده، اعجاز غیبی قرآن کریم، جامعه المصطفی العالمیه، قم.

۶. انجم شعاع، مهدیه، استاد راهنما: سلطانی نژاد، نجمه، اعجاز در قرآن از نظر علم، بیانی، تشریحی، حوزه علمیه فاطمیه (علیها السلام)، کرمان، ۱۳۸۳.

۷. آدرونی، سیدحسن، مقطع کارشناسی ارشد فرهنگ عربی و علوم قرآنی، استاد راهنما: یحیی نوری، بیان وجوه اعجاز و دفاع از اعجاز ادبی قرآن، دانشگاه تهران.

۸. بارک زائی، زهرا، استاد راهنما: طباطبایی، سوسن، اعجاز قرآن، حوزه علمیه حضرت نرجس (علیها السلام)، زاهدان.

۹. برومند، حسین، استاد راهنما: سید مرتضی آیت الله زاده، نقد و بررسی تبیین حقانیت قرآن، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.

۱۰. بستانی، مریم، اعجاز قرآن، اعجاز علمی قرآن، مجتمع جامعه الزهرا (علیها السلام)، قم ۱۳۷۶.

۱۱. پورزاد هفدران، فاطمه، استاد راهنما: اسلامی، عبدالله، اعجاز قرآن از جهت بیانی، تشریحی و علمی، حوزه علمیه صادقیه، تبریز، ۱۳۸۳.

۱۲. توسلی، محمد رضا، مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، استاد راهنما: علامه نوری، ترجمه و اقتباس تاریخ و اعجاز قرآن از کتاب تاریخ آداب العربی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.

۱۳. جعفرآباد، مجید، مقطع کارشناسی ارشد معارف اسلامی و تبلیغ، استاد راهنما: سید محمد باقر حجتی، بررسی نظرات مفسرین و متکلمین در اعجاز قرآن، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۷۳.

۱۴. جعفری فشارکی، فاطمه، کارشناسی ارشد علوم قرآن، استاد راهنما: سید محمدباقر حجتی کرمانی، ترجمه و تحقیق بخشی از کتاب «تاریخ فکرة الاعجاز منذ عصر النبى»، دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد شمال، ۱۳۷۸.

۱۵. جمشید نژاد اول، غلامرضا، کارشناسی ارشد فرهنگ عربی و علوم قرآنی، استاد راهنما: جعفر سامی الدبونی، دیباچه ای بر اعجاز قرآن باقلانی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۵.
۱۶. جوزی ده سفید، ابراهیم، کارشناسی ارشد علوم قرآن، استاد راهنما: محمد تقی آشتیانی، بررسی اعجاز قرآن از نظر اخبار غیبی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک، ۱۳۷۴.
۱۷. حامی، زهرا، کارشناسی ارشد علوم قرآنی، استاد راهنما: علی اصغر باستانی، مغیبات به عنوان یکی از وجوه اعجاز قرآن کریم، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۸. حسینی تودشکی، مهناز، مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآن، استاد راهنما: سید محمد باقر حجتی، ترجمه و تحقیق بخشی از کتاب «تاریخ فکرة اعجاز القرآن» (قرن ۸)، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۹. حسینی، حسن علی، استاد راهنما: سید ضیاء الدین علیان‌سب، ابعاد اعجاز قرآن، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۲، قم.
۲۰. حسینی، زهرا، اعجاز عددی در قرآن و تفسیر سوره یوسف، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
۲۱. حلم زاده، علیرضا، دکتری علوم قرآن، استاد راهنما: سید محمد باقر حجتی، شمول پاره ای از وجوه اعجاز بر جمع آیات قرآن کریم، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
۲۲. خرازی نیا، فاطمه، کارشناسی ارشد علوم قرآن، استاد راهنما: سید محمد باقر حجتی، ترجمه و تحقیق بخشی از کتاب «تاریخ فکرة اعجاز القرآن» (از آغاز بعثت تا قرن دوم)، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ۱۳۷۶.
۲۳. داغ، برهان الدین، کارشناسی ارشد علوم قرآن، استاد راهنما: استاد عبدالمهدی یادگاری، اعجاز و ایجاز قرآن، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۲۴. دلاور نژاد، زهره، استاد راهنما، نصیریان، یدالله، اعجاز علیم و لفظی قرآن، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ۱۳۸۳.
۲۵. ربیعہ، منصور، کارشناسی ارشد علوم قرآن، استاد راهنما محمد باقر حجتی، ترجمه و تحقیق شناخت اعجاز قرآن از کتاب «البرهان» زرکشی، دانشگاه تهران.
۲۶. رحیم نوری، محمد، کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد رضا آشتیانی، رابطه تحدی با اعجاز و انواع تحدی در قرآن، دانشگاه آزاد اسلامی اراک، ۱۳۷۵.

۲۷. رضاپوریان، سمانه، استاد راهنما: رحیم پور، اعجاز علمی قرآن، حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم (علیه السلام)، ری.
۲۸. رضایی اصفهانی، محمد علی، رساله دکتری، استاد راهنما: آیت الله معرفت، نقد و بررسی اعجاز علمی قرآن، واحد تحقیقات علوم دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ۱۳۷۸ ش.
۲۹. - محمد علی، استاد راهنما: آیت الله معرفت، کارشناسی ارشد، معیار تفسیر قرآن با علوم تجربی، تربیت مدرس دانشگاه قم، ۱۳۷۴ ش.
۳۰. رضایی کرمانی، محمد علی، کارشناسی ارشد علوم قرآن، استاد راهنما: سید ابوالفضل میر محمدی، سیری در تدوین کتب اعجاز قرآن از آغاز تا عصر حاضر (کتابشناسی اعجاز قرآن)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۳۱. رضایی، محمد علی، دکتری علوم قرآن، استاد راهنما: محمد هادی معرفت، نقد و بررسی اعجاز علمی قرآن، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۸.
۳۲. رضوانی، روح الله، استاد راهنما: محمد امین احمدی، مبانی کلامی اعجاز قرآن، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۵، قم.
۳۳. رمضان، احمد، کارشناسی ارشد، استاد راهنمایی: زین العابدین نجفی، اعجاز قرآن، تربیت مربی عقیدتی و سیاسی، ۱۳۷۴.
۳۴. رمضانی، مبارکه، استاد راهنما: رنجبر، اعجاز قرآن، حوزه علمیه الزهراء (علیها السلام)، ساری، ۱۳۸۴.
۳۵. ریحانی، مرضیه، استاد راهنما: ابوترابی، محمود، اعجاز قرآن کریم، مجمع الزهراء (علیها السلام)، ۱۳۸۳ ش.
۳۶. زکی، احمد حسین، استاد راهنما: سید رضا مؤدب، ابعاد اعجاز قرآن، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۰، قم.
۳۷. سانفو، سعید، استاد راهنما: سید عیسی مسترحمی، الاعجاز الفلکی فی ضوء القرآن الکریم، جامعه المصطفی العالمیه، قم.
۳۸. سعدی پور، ایراندخت، کارشناسی ارشد علوم قرآن، استاد راهنما: مجید معارف، ترجمه و تحقیق بخشی از کتاب «تاریخ فکرة اعجاز القرآن» (منذ البعثة النبویه حتى عصرنا الحاضر)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.

۳۹. سلطان، عبدالنبي رحمان، استاد راهنما: معين دقيق، الاعجاز العلمى فى القرآن ودوره فى التفسير، جامعه المصطفى العالميه، ۱۳۸۹، قم.

۴۰. سيد عبدالمناف، استاد راهنما: محمد رضا سازمند، اعجاز قرآن در هماهنگی و عدم اختلاف، ضمیری، جامعه المصطفى العالميه، قم.

۴۱. سيف الهی، وجه الله، مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآن، استاد راهنما: جعفر علی امیدی نجف آبادی، بررسی کتب تدوین شده در زمینه «اعجاز قرآن»، دانشگاه آزاد اسلامی کرج، ۱۳۷۹.

۴۲. شاهد، رئیس اعظم، استاد راهنما: محمد حسن زمانی، اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقین، جامعه المصطفى العالميه، قم، ۱۳۸۴.

۴۳. شفیعی، ملیحه، استاد راهنما: جلالیان، اعجاز قرآن، حوزه علمیه حضرت خدیجه (علیها السلام)، تهران، ۱۳۸۴.

۴۴. شیرزادی، زهرا، استاد راهنما: رنجبر، اعجاز قرآن، حوزه علمیه الزهراء (علیها السلام)، ساری، ۱۳۸۳.

۴۵. صابر مقدم، اکرم، اعجاز قرآن، مراحل آفرینش انسان مطابق با دانش امروز، مجتمع جامعه الزهرا (علیها السلام)، مشهد.

۴۶. طهماسبی، سهیلا، استاد راهنما: خادمی، عین الله، اعجاز علمی قرآن، تربیت معلم شهید مدنی، قم، ۱۳۷۶.

۴۷. عاشوری، محمود، کارشناسی ارشد علوم قرآن، استاد راهنما: منصور پهلوان، ترجمه و تحقیق کتاب «من الاعجاز البلاغی والعددی للقرآن الکریم»، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۴۸. عظیم زاده اردبیلی، فائزه، کارشناسی ارشد علوم قرآن، استاد راهنما: سید محمد باقر حجتی، جلوه هایی از اعجاز قرآن کریم، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۶۹.

۴۹. فتحی گوش، فاطمه، استاد راهنما: خاور نجفی، نصرت، اعجاز بیانی قرآن کریم، حوزه علمیه حضرت زینب (علیها السلام)، مشهد ۱۳۸۴.

۵۰. فرقاین، منصوره، استاد راهنما: پورحسینی، مریم، اعجاز قرآن از نظر علوم روز، حوزه علمیه حضرت نرجس (علیها السلام)، مشهد، ۱۳۸۱.

۵۱. فروزان، محمد ابراهیم، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، استاد راهنما، محمد جنتی فر، قواعد و اعداد و کاربرد آن در قرآن، دانشگاه آزاد قم، ۱۳۷۹.
۵۲. فقری، سودابه، کارشناسی ارشد علوم قرآن، استاد راهنما: آذر نوش آذرناش، ترجمه و تحقیق بخشی از کتاب «تاریخ فکرة اعجاز القرآن» (منذ البعثة النبویه حتى عصرنا الحاضر)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۵۳. فهیمی، بهناز، مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآن، استاد راهنمایی: سید محمد باقر حجتی، ترجمه و تحقیق بخشی از کتاب «تاریخ فکرة اعجاز القرآن»، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ۱۳۷۶.
۵۴. کاملی، علی اصغر، کارشناسی ارشد، استاد راهنما: عبدالمهدی یادگاری، ترجمه و تحقیق مبحث اعجاز «مناهل العرفان» زرقانی، دانشگاه قرآن، ۱۳۶۷.
۵۵. کفاش، قاسم، کارشناسی ارشد فرهنگ عربی و علوم قرآنی، استاد راهنما: جعفر سامی الدبونی، ترجمه اعجاز قرآن باقلانی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۴.
۵۶. کوه نورد، فاطمه، استاد راهنما: محبی، غلامحسین، اعجاز هنر در قرآن، دانشکده علوم قرآن، شیراز، ۱۳۸۵.
۵۷. گرامی، فاطمه، استاد راهنما: ارجمند کرمانی، اعجاز علمی قرآن کریم، حوزه علمیه حضرت زینب (علیها السلام)، مشهد، ۱۳۸۴.
۵۸. گلوی، سامره، استاد راهنما: طباطبایی، سوسن، اعجاز قرآن، حوزه علمیه حضرت نرجس (علیها السلام)، زاهدان، ۱۳۸۳.
۵۹. مرادی سالاری، سحر، استاد راهنما: حکیم اعجاز قرآن، مجتمعه علوم قرآنی، شیراز.
۶۰. مروت، فاطمه، استاد راهنما: رستمی، محمد حسن، اعجاز علمی قرآن کریم، حوزه علمیه حضرت زینب (علیها السلام)، مشهد ۱۳۸۴.
۶۱. موسوی، سید محسن، مقطع کارشناسی، استاد راهنما: محمد علی مهدوی راد، اعجاز تاریخی قرآن، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۶۲. مویزی ثانی، محمد مهدی، کارشناسی ارشد علوم قرآن، استاد راهنما: سید رضا مؤدب، ترجمه و تحقیق اعجاز قرآن در بحار الانوار، دانشگاه قم، ۱۳۷۹.
۶۳. میرداماد، سیدحسین، کارشناسی ارشد فرهنگ عربی و علوم قرآنی، استاد راهنما: جعفر سامی الدبونی، ترجمه کتاب اعجاز قرآن باقلانی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۴.

۶۴. ناصری، نصرت، استاد راهنما: امیری، جهان گیر، دانشکده علوم قرآنی اشرفی اصفهانی، کرمانشاه، ۱۳۸۲.
۶۵. نجار نژاد، زهرا، کارشناسی ارشد علوم قرآن، استاد راهنما: سید محمدباقر حجتی، ترجمه و تحقیق بخشی از کتاب «تاریخ فکرة اعجاز القرآن» (قرن ۶ و ۷)، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ۱۳۷۷.
۶۶. نصرانی، زهرا، استاد راهنما، مغفور بغربی، حمید، اعجاز قرآن، تربیت معلم ثامن الحجج (علیه السلام)، مشهد، ۱۳۷۷.
۶۷. نصیراوغلی خیاباین، صدیقه، استاد راهنما: حجتی، سید محمد باقر، اعجاز قرآن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ۱۳۷۴.
۶۸. نصیری، حسن، کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد هادی معرفت، اعجاز تشریحی قرآن، دانشگاه قم، ۱۳۷۹.
۶۹. نفری، سودابه، کارشناسی ارشد علوم قرآن، استاد راهنما: آذرنوش آذرناش، ترجمه و تحقیق بخشی از کتاب «تاریخ فکرة اعجاز القرآن» (قرن ۶ و ۷ و ۸)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۷۰. نیکوخواه دلویی، زهرا، کارشناسی ارشد علوم قرآن، استاد راهنما: سید محمد باقر حجتی، ترجمه و تحقیق بخشی از کتاب «تاریخ فکرة اعجاز القرآن» (قرن ۱۴)، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ۱۳۷۷.
۷۱. واعظزاده، زهرا، استاد راهنما: جوان آراسته، حسین، اعجاز در قرآن، مجتمع الزهرا (علیها السلام)، قم، ۱۳۷۵.
۷۲. هاشمی، زهرا، کارشناسی ارشد، استاد راهنما، سید محمد باقر حجتی، ترجمه و تحقیق بخشی از کتاب «تاریخ فکرة اعجاز القرآن» (قرن ۹ و ۱۰)، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ۱۳۷۷.
۷۳. هاشمی ماد، زهرا، اعجاز علمی قرآن، مجتمع جامعه الزهراء (علیها السلام)، قم، ۱۳۷۸.
۷۴. هدایتی، سید محمد حسین، استاد راهنما: عبدالحسین خسروپناه، ادله کلامی اعجاز قرآن، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۵، قم.

۱. www.55a.net

۲. www.a55.net موسوعه الاعجاز العلمی فی القرآن و السنه

۳. www.afkaaar.com

۴. www.afkaar.com

۵. www.aftab.ir افکار علیمه

۶. www.aksharemazhabi.blogfa.com

۷. www.al3beer.com اسلام، قرآن، اعجاز

۸. www.al

– www.aljazeera.net ۹. hodaonline.com

۱۰. www.alkadhum.org

۱۱. www.Al

– www.al-shia.org ۱۲. shia.org

– www.alwaraq.net ۱۳. tef.com

۱۴. www.andisheqom.com

۱۵. www.answering

– www.ashefaa.com ۱۶. islam.org

۱۷. www.askguran.ir

۱۸. www.askquran.ir کانون گفتمان قرآن

۱۹. www.bafree.net

www.believe.blogsky.com .۲۰

www.cyberistan.org .۲۱

www.Daneshnameh.roshd.ir .۲۲

www.eajaz.org .۲۳

www.Ebnmaryam.com .۲۴

www.edunews.ir .۲۵

www.ejazquran.ir .۲۶

www.emad.ir .۲۷

www.goonagoon.org .۲۸

www.harunyahya.com .۲۹

www.hawaaworld.com .۳۰

www.hawzah.net .۳۱

www.islampedia.com .۳۲

www.jasas.net .۳۳

www.kaheelv.com .۳۴

www.kaheelv.com .۳۵

www.maknoon.com .۳۶ عبد الدائم الكحيل

www.maknoon.com .۳۷

www.miracleofguran.net .۳۸ مکنون الاعجاز العلمی فی القرآن

www.miracleofquran.net .۳۹ پژوهشکده اعجاز قرآن

www.miracweb.net .۴۰

www.Miracweb.net .۴۱

www.noor .۴۲ شبکه الاعجاز فی القرآن والسنة

almobin.blogfa.com .۴۳ www.nooran.org –

www.orvah.net .۴۴ نوران رابطه العالم الاسلامیه /

www.quran.sbu.ac.ir .۴۵

www.Quran .۴۶

www.quranology.com .۴۷ «قرآن پژوهی خاورشناسان» journal.com –
com

www.Quransc.com .۴۸

www.rasoolnoor.com .۴۹ مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی

www.rasoulallah.net .۵۰

www.tebyan.net .۵۱

www.temathta.com .۵۲

www.temathta.net .۵۳

www.yaahi.com .۵۴

www.yeganehmonji.blogfa.com .۵۵

www.Zelnaggar.com .۵۶

الاعجاز العلمی فی القرآن والسنة

هـ) مجلات

۱. مجله الاعجاز العلمی فی القرآن والسنة، هیئة الاعجاز العلمی فی القرآن والسنة، رابطہ العالم الاسلامی، عربستان، مکہ المکرمہ، شماره ۱ - ۳۱ (متن مقالات اکثر شماره های مجله در سایت نوران رابطہ العالم الاسلامیہ www.nooran.org موجود است).

۲. بینات، مؤسسه امام رضا(علیه السلام)، ایران، قم، (بیش از ۵۰ شماره این مجله منتشر شده و در برخی شماره ها مقالاتی در مورد اعجاز علمی قرآن وجود دارد).

۳. قرآن و علم، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی، ایران، قم، شماره ۱ - ۷ (متن مقالات این مجله در سایت WWW.Quran-journal.com موجود است).

ص: ۵۵۹

۴. پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم، (فصل نامه تخصصی سازمان فعالیت های قرآنی دانشجویان کشور) جهاد دانشگاهی، ایران، تهران (سه شماره این مجله منتشر شده و در برخی شماره ها مطالبی پیرامون اعجاز علمی وجود دارد) www.isih.ir.

۵. اسلامیه المعرفه، www.eiit.org

۶. این مجله زیر نظر «المعهد العالمی للفکر الاسلامی» در زمینه اسلامی سازی علوم انسانی بر اساس قرآن فعالیت می کند و تا کنون ۶۴ شماره آن منتشر شده است. مدیر مسئول و سردبیر آن طه جابر العلوانی می باشد.

۷. مجله مطالعات میان رشته ای وزارت علوم تحقیقات و فناوری، پژوهشکده فرهنگی.

(و) مراکز

۱. رابطه العالم الاسلامی، الهیئه العالمیه للاعجاز العلمی فی القرآن والسنة.

www.nooran.org

این مرکز رسالت خود را پژوهش اعجاز علمی در قرآن و سنت نبوی و بازگو کردن آن برای همه مردم اعلام نموده است. سایت آن به نه زبان، از جمله عربی، فارسی، انگلیسی و ترکی فعال است و بازتاب کننده مباحث مطرح در رابطه با جهان اسلام و محل استقرار اصلی آن عربستان سعودی می باشد و دارای شعبه های متعدد در سایر کشورهاست. در این سایت به حیطه اعجاز علمی در علوم انسانی نیز پرداخته شده و امکان دسترسی به مجله اعجاز علمی - از نشریات رابطه العالم الاسلامی - نیز فراهم شده است. مجله الاعجاز العلمی متعلق به این مرکز است.

۲. مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی (عج)، ایران، قم، مصوب ۱۳۸۴ش، در وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری ایران، دارای گروه علمی قرآن و علم و نیز مجله تخصصی قرآن و علم (شماره ۱-۸) و کتاب ها و نرم افزارهای متعدد در زمینه های میان رشته ای قرآن و علم.

مسئول: دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی.

آدرس: قم، خیابان سمیه، خیابان شهید رجایی، کوچه ۴، پلاک ۷۷.

ص: ۵۶۰

سایت: www.quransc.com

۳. المعهد العالمی للفکر الاسلامی: www.eiiit.org

این مرکز در زمینه اسلامی سازی علوم انسانی فعال است و مسئول آن دکتر ابوسلیمان می باشد و دارای مجله ای به نام اسلامیة المعرفة است.

۴. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ایران، قم، دارای گروه های علمی میان رشته ای متعدد در زمینه روان شناسی، جامعه شناسی، اقتصاد و... و کتاب ها و مجلات متعددی منتشر می کند.

مسئول: آیت الله علیرضا اعرافی.

سایت: www.rihu.ac.ir

تذکر: مباحث این مرکز اعم از قرآن است؛ یعنی مباحث معارف اسلامی و علوم را مدنظر دارند.

۵. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، ایران، قم، دارای گروه های متعدد میان رشته ای در زمینه اقتصاد، سیاست، جامعه شناسی و... است و کتب و مجلات متعددی دارد.

مسئول: آیت الله محمدتقی مصباح یزدی.

سایت: www.qabas.net

تذکر: مباحث این مرکز اعم از قرآن است؛ یعنی مباحث معارف اسلامی و علوم را مدنظر دارند.

۶. بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه، ایران، مشهد، دارای گروه های متعدد و آثار متعدد در زمینه قرآن و علوم روز.

مسئول: حجت الاسلام والمسلمین مهندس عباس نژاد.

سایت: www.suqr.ir

تذکر: آثار این مرکز بیشتر خدمات پژوهش است و به همایش ها و نشست های علمی اهمیت بسیاری می دهند.

ص: ۵۶۱

۱. ابن اثیر جزری، ابوالحسن، اسد الغابه، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن جزری، محمد بن احمد، کتاب التسهیل لعلوم التنزیل (تفسیر ابن جزری)، دار الکتب العربی، بیروت.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، علمی و فرهنگی، چ ۴، تهران، ۱۳۶۲ش.
۴. ابن سلیمان الخطابی البستی، ثلاث رسائل فی الاعجاز القرآن، الرساله الاولی الفطائی، تحقیق: محمد خلف الله احمد رود و محمد زغلول سلام، دارالمعارف، مصر - القاہرہ، رقم الطبعہ ۳، ۱۹۷۶م.
۵. ابن عطیہ، عبدالحق؛ المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، دارالکتب العلمیه، چ ۱، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۶. ابن فارس بن زکریا، ابی الحسین احمد، معجم مقاییس اللغه، المحقق: عبدالسلام محمد ہارون، اتحاد الکتب العرب، ۱۴۲۳ق.
۷. ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۸. ابن منظور، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، چ اول، بیروت، ۱۴۰۸ ه. ق.
۹. ابن بابویہ، محمد بن علی (صدوق)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، تصحیح حسن اعلمی، مؤسسہ اعلمی، بیروت، ۱۴۰۴.
۱۰. أبو زہرہ، محمد؛ المعجزہ الکبری القرآن، دار الفکر العربی، قاہرہ.
۱۱. ابوالسعود، الدكتور رفیق، اعجازات حدیثہ، علمیه و رقمیہ فی القرآن، دارالمعرفہ،

۱۲. احمد حامد، دکتر حامد، الآيات العجاب في رحله الانجاب، دارالقلم، دمشق، الطبعة الاولى، ۱۹۹۶م.
۱۳. احمد محمد سليمان، القرآن و العلم، دار العوده، الطبعة الخامسة، بيروت، ۱۹۸۱م.
۱۴. احمد، يوسف الحاج، موسوعه الاعجاز العلمى، فى القرآن الكريم والسنة المطهره، مكتبه ابن حجر، دمشق، ۱۴۲۴ق.
۱۵. اسماعيل پاشا، دكتور عبدالعزيز، اسلام و طب جديد يا معجزات علمى قرآن، ترجمه غلامرضا سعیدی، انتشارات برهان.
۱۶. -، اسلام و طب جديد يا معجزات علمى قرآن، انتشارات برهان.
۱۷. اصفهانی، حمزه، تاريخ سنى ملوك الارض، برلين، ۱۳۴۰ق.
۱۸. امام خمينى، آداب الصلوه، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، تهران، ۱۳۷۰.
۱۹. -، تحرير الوسيله، انتشارات جامعه مدرسين، قم، ۱۳۶۶ش.
۲۰. امين، احمد، لارى و امامى، ترجمه بهشتى، راه تكامل، انتشارات دار الكتب الاسلاميه، هفت جلدی.
۲۱. اندلسى، ابن عطيه، المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، دار الكتب العلميه، چاپ اول، بيروت، ۱۹۹۳م.
۲۲. اهتمام، احمد، فلسفه احكام، چاپخانه اسلام، اصفهان، ۱۳۴۴ ش.
۲۳. ايان باربور، علم و دين، ترجمه بهاء الدين خرماهى، مركز نشر دانشگاهى، تهران، ۱۳۶۲ش.
۲۴. بازرگان، مهدى (۱۲۸۶ - ۱۳۷۳ش)، باد و باران در قرآن، به اهتمام سيد محمد مهدى جعفرى، شركت سهامى انتشار، تهران، ۱۳۵۳هـ.
۲۵. بازرگان، مهدى، راه طى شده، شركت سهامى انتشار، چاپ هشتم، تهران، ۲۴۸ص.
۲۶. بازرگان، مهندس مهدى، مطهرات در اسلام، چاپ سوم، شركت سهامى انتشار، چاپ دوم ۱۳۳۳ شمسى.

۲۷. باقلانی، ابی بکرا بی بکر محمد بن طیب، اعجاز القرآن، تصحیح محمد شریف سیکر، دار الاحیاء العلوم، ط ۱، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۲۸. بیام نهاد، اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم مقدمات تنتظر النتائج، المؤسسه الاسلامیه للطاعه والصحافه والنشر، الطبعه الثانيه، بیروت، ۱۴۱۴ق - ۱۹۹۴م.
۲۹. بستانی، محمود، قصص القرآن الکریم دلایا و جمالیات، مؤسسه السبطين العالمیه، ط ۲، قم، ۱۴۲۸ق.
۳۰. البغدادی، آلوسی، سید محمود، شهاب الدین، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دار لکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۳۱. بل، ریچارد، در آمدی بر تاریخ قرآن، بازنگری موننگمری وات، ترجمه: بهاء الدین خرمشاهی، مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان های خارجی، ۱۳۸۲ش.
۳۲. بلاغی نجفی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، قم، ۱۴۲۰.
۳۳. بوکای، موریس، مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه: ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ نهم، ۱۳۸۲ش.
۳۴. بهبودی، محمد باقر، هفت آسمان، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه، تهران.
۳۵. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، ۱۳۴۹ ش، گذشته و آینده جهان، انتشارات طباطبائی، چاپ دوم، قم.
۳۶. - باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۲.
۳۷. - قرآن و طبیعت (گذشته و آینده جهان)، انتشارات طباطبائی، چاپ دوم، قم، ۱۳۴۹ ش.
۳۸. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، گذشته و آینده جهان، انتشارات طباطبائی، چاپ دوم، قم.
۳۹. بیضاوی، عبدالله ابن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، نشر دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۶ق.
۴۰. بیضون، الدكتور لیب، الاعجاز العددی فی القرآن، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعه الاولى، بیروت، ۱۴۲۵هـ ۲۰۰۵م.
۴۱. بینات (فصلنامه)، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (علیه السلام)، قم.
۴۲. پاک نژاد، دکتر سیدرضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۵۰ش.
۴۳. پژوهش های قرآنی، شماره ۱۷ و ۱۸، مقاله عیسی جی بولاتا.

٤٤. تأليف ابو حامد غزالي، جواهر القرآن، المركز العربي للكتاب، چاپ بيروت، دمشق، بيروت.
٤٥. تدوين، سيدرضى، امام على (عليه السلام)، نهج البلاغه، انتشارات دارالهجره، قم. (نسخه صبحى صالح).
٤٦. الترمذى، حافظ ابى عيسى محمد بن عيسى سوره، سنن ترمذى، تحقيق، عبدالوهاب عبداللطيف، دار الفكر للطباعه و النشر، بيروت، ١٤٠٣ق.
٤٧. تهرانى، آقا بزرگ، محمد محسن، الذريعه الى تصانيف الشيعه، دار الاضواء، چاپ سوم، بيروت، ١٤٠٣ق.
٤٨. جان هيڪ، فلسفه دين، ترجمه بهرام راد، انتشارات بين المللى الهدى، چ سوم، تهران، ١٣٨١ش.
٤٩. جواليقى، ابو منصور، المعرب، ابو منصور جواليقى، به كوشش ادوارد زاخائو، لايزيڪ.
٥٠. جواهرى، سيد محمد جواد، پرسمان علوم قرآنى، دفتر تبليغات اسلامى، چاپ سوم، قم، ١٣٨٥.
٥١. جوهرى، اسماعيل ابن حماد، صحاح اللغه، دار العلم، چ سوم، بيروت، ١٤٠٤ق.
٥٢. جوهرى، طنطاوى، الجواهر فى تفسير القرآن، دارالفكر، ١٣جلدى.
٥٣. الحرانى، الحسن بن شبعه، تحف العقول، موسسه النشر الاسلامى، قم، ١٤٠٤ق.
٥٤. الحسكانى، الحاكم، شواهد التنزيل، موسسه الطبع و النشر، ١٤١١ق.
٥٥. الحضرى، محمد الامين، الاعجاز البيانى فى صيغ الالفاظ، مطبعه الحسين الاسلاميه، قاهره، ١٤١٣ق.
٥٦. حقيقى، كك، م، فروغ دانش جديد در قرآن و حديث، انتشارات لو كس (نويد)، شيراز، ج ١.
٥٧. حكيم، سيد محمد باقر، ١٤١٧ق، علوم القرآن، مجمع الفكر الاسلامى، الطبعة الثالثه.
٥٨. حلى، حسن بن يوسف، كشف المراد فى شرح تجريد الاعتقاد، تعليقات سيد ابراهيم موسوى زنجانى، موسسه اعلمى، ط ١، بيروت، ١٣٩٩.
٥٩. حويزى، عبدالعلى بن جمعه العروسى، تفسير نورالثقلين، المطبعه العلميه، قم، ١٣٨٣ش.
٦٠. خرماهى، بهاء الدين، ١٣٢٤، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهى، دوستان: ناهيد، تهران، ١٣٧٧، ج ٢.
٦١. خلف الله، محمد (عميد معهد الدراسات العربيه سابقاً)، د. محمد زغلول سلام، ثلاث رسائل فى اعجاز القرآن (للرمانى والخطابى وعبدالقاهر الجرجانى فى الدراسات القرآنيه والنقد الأدبى)، دارالمعارف، الطبعة الرابعه، قاهره.

۶۲. خلیفه، دکتر رشاد، معجزه القرآن الکریم، دار العلم للملایین، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۹۸۳م.

۶۳. خلیفه، رشاد ۱۹۸۳م، اعجاز قرآن، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، تحلیل آماری حروف مقطعه، دانشگاه شیراز، ۱۳۶۵ ش.

۶۴. خلیفه، رشاد، اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعه، ترجمه و ضمائم سید محمد تقی آیت اللهی، سازمان چاپ دانشگاه شیراز، شیراز، ۱۳۶۵ش.

۶۵. الخولی، امین، مناهج تجدید فی النحو والبلاغه و التفسیر الادب، دارالعمرفه، ۱۹۶۱م، ۱۳۴۰ش.

۶۶. خوبی، ابوالقاسم، مرزهای اعجاز، مترجم: جعفر سبحانی، انتشارات محمدی، تهران، ۱۳۶۳.

۶۷. دراز، محمد عبدالله، المدخل الی القرآن الکریم، طبع مصر.

۶۸. دراز، محمد عبدالله، النبأ العظیم نظرات جدیده فی القرآن، دارالقلم، چاپ دوم، کویت، ۱۳۹۰ش.

۶۹. دفضع، بسام، الکون و الانسان بین العلم و القرآن، مطبعه الشام، سوریه، ۱۴۱۱ق.

۷۰. دکتر اریک - اوبلاکر، کتاب فیزیک نوین، ترجمه بهروز بیضایی، انتشارات قدیانی زمستان ۱۳۷۰.

۷۱. دکتر هرمز داورمزدی، انگل شناسی پزشکی، چ ۴، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲ش.

۷۲. دوماهنامه کیهان اندیشه، مؤسسه کیهان، قم.

۷۳. دوهفته نامه گلستان قرآن، نشریه پژوهشی تحلیلی و خبری در زمینه فعالیت ها و مطالعات قرآنی مؤسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران، تهران.

۷۴. دهخدا، دکتر علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، دوم، تهران، ۱۳۷۷ش.

۷۵. دی، پروفیسور توماس، رویان شناسی پزشکی لانگمن سادلر، ترجمه دکتر مسلم بهادری و دکتر عباس شکور، (تجدید نظر ششم ۱۹۹۰م)، ۱۳۷۰ش، انتشارات سهامی چهر.

۷۶. دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مع الطب فی القرآن الکریم، مؤسسه علوم القرآن، الطبعة السابعة، دمشق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی چراغی، انتشارات حفظی تهران، ۱۴۰۴ق.

۷۷. -، طب در قرآن، ترجمه چراغی، انتشارات حفظی، تهران.

۷۸. رازی، ابوالفتوح، تفسیر ابوالفتوح رازی (روح الجنان و روح الجنان)، تصحیح میرزا

ابوالحسن شعرانی، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۹۸ هجری.

۷۹. رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، (تفسیر کبیر)، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۳.

۸۰. راشدی، لطیف، نگرشی به علوم طبیعی در قرآن، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش.

۸۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق، چ اول، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

۸۲. راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، فقه القرآن، کتابخانه آیه اله مرعشی نجفی، دوم، قم، ۱۴۰۵ قمری.

۸۳. -، الخرائج و الجرائح، مدرسه امام مهدی (علیه السلام)، اول، قم، ۱۴۰۹ قمری.

۸۴. رجب، دکتر مصطفی، الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم، انتشارات جدارا للکتاب العالمی، اردن، ۲۰۰۶ م.

۸۵. رجبی، محمود، روش شناسی تفسیر قرآن، نشر سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.

۸۶. رضا، محمد رشید، تفسیر المنار تفسیر القرآن الکریم، دارالمعرفه الطبعة الثالثة، بیروت.

۸۷. رضایی اصفهانی، دکتر محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰ ش.

۸۸. -، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۸۹. -، درسنامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن (منطق تفسیر قرآن)، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ ش.

۹۰. -، منطق تفسیر قرآن (۳) روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن، انتشارات جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله) العالمیه، قم، ۱۳۸۵ ش.

۹۱. -، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآنی، چ دوم، قم، ۱۳۸۶ ه ش.

۹۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۸ ش، ۲۲ جلد.

۹۳. رفیعی محمدی، ناصر، سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، اول، ۱۳۸۶.

۹۴. روسو، پی یر، تاریخ علوم، ترجمه حسن صفاری، نشر امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۳۵ ش.

۹۵. - تاریخ علوم، ترجمه حسن صفاری، نشر امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۳۵ش.
۹۶. ری شهری، محمد محمدی، میزان الحکمه، دفتر تبلیغات اسلامی، چ سوم، ۱۳۶۷ش، قم، ده جلد.
۹۷. الزرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، دارالفکر، لبنان - لبنان، ۱۴۰۸ق - ۱۹۸۸م.
۹۸. الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، دار المعرفه، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ق.
۹۹. زمانی، محمد حسن، قرآن و مستشرقان، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵.
۱۰۰. زمانی، مصطفی، پیشگویی های علمی قرآن، انتشارات پیام اسلام، قم، ۱۳۵۰ش، ۱۵۸ص.
۱۰۱. زمخشری، جارالله، اساس البلاغه، دارالکتب المصریه، قاهره، ۱۹۲۲م.
۱۰۲. زمخشری، محمد، تفسیر الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، انتشارات دارالکتب العربی، بیروت، ۱۳۶۵.
۱۰۳. الزملکانی، کمال الدین بن عبدالکریم، البرهان الکاشف عن اعجاز القرآن، مکتبه المانی، بغداد.
۱۰۴. سادات، محمد علی، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، انتشارات فلق تبریز، ۱۳۵۷.
۱۰۵. سبحانی، جعفر، برهان رسالت، انتشارات کتابخانه صدر، تهران، ۱۳۹۸ق.
۱۰۶. - فروغ ابدیت، بوستان کتاب، چاپ ۲۳، قم، ۱۳۸۵ش.
۱۰۷. سخاوی، شمس الدین محمد، الإعلان بالتویخ لمن ذم اهل التاریخ، ترجمه صالح احمد العلی، دار الکتب العلمیه، بیروت.
۱۰۸. سرفرازی، عباسعلی، رابطه علم و دین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۴ش.
۱۰۹. السکاکی (م ۵۶۷ق)، مفتاح العلوم، دارالکتب العلمیه، الطبعة الثانیه، بیروت - لبنان، ۱۴۰۷ه - ۱۹۸۷م.
۱۱۰. سلیمان، احمد محمد، ۱۹۸۱م، القرآن و الطب، دار العوده، الطبعة الخامسة، بیروت.
۱۱۱. سن، کریستین، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، قصه پرداز، چ ۱۰، تهران، ۱۳۷۹ش.
۱۱۲. سیاسی، علی اکبر، مبانی فلسفه، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۶.

۱۱۳. سيد ارناووط، محمد، الاعجاز العلمى فى القرآن الكريم، نشر مكتبه مدبولى، قاهره، ۱۹۸۹م.
۱۱۴. سيد عبد السمیع، دكتور اسامه، الاعجاز الاقتصادى فى القرآن الكريم (دراسه تأصيلیه تطبيقیه)، دارالفكر الجامعى، مصر، ۲۰۰۹م.
۱۱۵. سيد قطب، تفسير فى ظلال القرآن، داراحياء التراث العربى، الطبعة الخامسه، بيروت، ۱۳۸۶ق.
۱۱۶. سيد هاشم، بحراني، البرهان فى تفسيرالقرآن، بنياد بعثت، اول، تهران، ۱۴۱۶ق.
۱۱۷. سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن ابى بكر (م ۹۱۱ق)، الاتقان فى علوم القرآن، دار الكتب العلميه، بيروت، ۱۴۰۷ق، دو جلد.
۱۱۸. -، الاكليل فى استنباط التنزيل، تحقيق: سيف الدين عبدالقاهر، دار الكتب العلميه، بيروت، ۱۴۰۵ق.
۱۱۹. -، لباب النقول فى اسباب النزول، دارالكتاب العربى، بيروت، ۱۴۲۳ق.
۱۲۰. -، الدر المنثور فى التفسير بالمأثور، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۲۱.
۱۲۱. -، معترك الاقران فى اعجاز القرآن، دارالفكر العربى. (موجود در نرم افزار مشكات، مركز كامپيوتر علوم اسلامى)
۱۲۲. -، معترك الاقران فى اعجاز القرآن، تصحيح احمد شمس الدين، دارالكتب العلميه، بيروت، ۱۴۰۸ق.
۱۲۳. الشاطبى، أبو سحاق؛ الموافقات فى أصول الشريعه، المكتبه العصريه، بيروت، ۱۴۲۳ق / ۲۰۰۳م.
۱۲۴. شريعتى ميزنانى، محمدتقى، تفسير نوين، نشر دفتر نشر فرهنگ معارف اسلامى، ۱۳۷۴ش.
۱۲۵. الشريف، دكتور عدنان، من علم الطب القرآنى، دار العلم للملايين، بيروت، ۱۹۹۰م.
۱۲۶. شعرانى، ابوالحسن، نشر طوبى، نشر اسلاميه تهران، ۱۳۹۸ق.
۱۲۷. شوكانى، محمد بن على، فتح القدير، دار ابن كثير، دار الكلم الطيب، دمشق، بيروت، ۱۴۱۴ق.
۱۲۸. شهرستانى، سيد هبه الدين، الاسلام والهيئه، ترجمه: سيد هادى خسرو شامى، شركت سهامى انتشار، چاپ چهارم، تهران.

۱۲۹. شهرستانی، سید هبه الدین، المعجزه الخالده، ترجمه: سید جعفر غضبان، بی نا، بی جا، ۱۳۳۲ش.
۱۳۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳.
۱۳۱. شیخ مفید، تحقیق: ابراهیم انصاری، اوائل المقالات، دارالمفید، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۱۴.
۱۳۲. -، الاعلام، کنگره جهانی هزاره مفید قم، دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۳۳. صادق بن محمد، البیضانی، نزهه الطرف شرح بناء الافعال فی علم الصرف، العین، ۱۴۲۱ق.
۱۳۴. صادق، رافعی مصطفی، الاعجاز القرآن و البلاغه النبویه، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۹۷۳م.
۱۳۵. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، انتشارات فرهنگ اسلامی، دوم، قم، ۱۳۶۵.
۱۳۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، به سوی آفریدگار، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۰ش.
۱۳۷. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد (صلی الله علیه و آله)، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، دوم، ۱۴۰۴ قمری.
۱۳۸. صولی، ابی بکر محمد بن یحیی، ادب الکتب، تحقیق محمد بهجه اثری، اشراف سید محمود شکری آلوسی، دار الکتب العلمیه، بیروت.
۱۳۹. ضیاء الدین عتر، حسن، المعجزه الخالده، دار ابن حزم، الطبعة الثانیه، بیروت، ۱۴۰۹ق - ۱۹۸۹م.
۱۴۰. ضیایی بیگدلی، محمد حسین، قرآن کریم و دلایل اعجاز آن، دار العلم، چ ۱، قم، ۱۳۷۸ش.
۱۴۱. طالقانی، آیت الله سید محمود، ۱۳۴۸ش، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران.
۱۴۲. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۹ش.
۱۴۳. طباطبائی، سید محمد حسین، اعجاز قرآن، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، قم، ۱۳۶۲ش.
۱۴۴. طباطبائی، علامه محمد حسین، اعجاز از نظر عقل و قرآن، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، ۱۳۶۲.
۱۴۵. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.

١٤٦. طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج، نشر مرتضى، مشهد، ١٤٠٣ قمرى (نسخه حاضر از چاپ ١٤٠١ قمرى مؤسسه جواد، بيروت عكسى بردارى شده است).
١٤٧. طبرسى، شيخ ابو على الفضل بن الحسن (امين الاسلام)، تفسير مجمع البيان فى تفسير القرآن، المكتبه الاسلاميه، چاپ پنجم، تهران، ١٣٩٥ق، ده جلد در پنج مجلد.
١٤٨. طبرى، ابو جعفر محمد بن جرير، جامع البيان عن تأويل آى القرآن، دارالفكر، بيروت، ١٤١٥.
١٤٩. -، جامع البيان فى تفسير القرآن، دار المعرفه، بيروت، ١٤١٢ق.
١٥٠. الطبرى، محمد بن جرير، تاريخ الطبرى، بريل، ليدن، ١٨٧٩.
١٥١. طريحي، فخر الدين، مجمع البحرين، مركز نشر الثقافه الاسلاميه، قم، ١٤٠٨ق.
١٥٢. طهرانى، آقا بزرگ محمد محسن، الذريعه الى تصانيف الشيعه، نجف - تهران، ١٣٥٥.
١٥٣. طيب، سيد عبدالحسين (م ١٤١١ق)، اطيب البيان فى تفسير القرآن، انتشارات اسلام، تهران، ١٣٧٨ ش.
١٥٤. عبد الجبار، للقاضى، شرح الاصول الخمسه، مكتبه وهبه، القاهره، ١٤١٦هـ - ١٩٩٦م.
١٥٥. عبدالرحمن العك، شيخ خالد، الفرقان و القرآن، الحكمه للطباعه والنشر، سوريه، ١٤١٤ق.
١٥٦. عبدالله بن قدامه، المغنى، التحقيق: جماعه من العلماء، دارالكتب العربى، بيروت.
١٥٧. عبدالملك بن هشام، سيره ابن هشام (السيره النبويه)، المكتبه العربيه، بيروت، ١٤١٩ق.
١٥٨. عبده، شيخ محمد، تفسير جزء عم، دارو مكتبه الهلال، چاپ اول، بيروت، ١٩٨٥م.
١٥٩. عضد الدين ايجى، عبدالرحمن بن احمد، المواقف، الشريف الرضى، قم، ١٤١٢ق.
١٦٠. على، جواد، المفصل فى تاريخ العرب قبل الاسلام، انتشارات شريف الرضى، ط ١، ١٣٨٠ش.
١٦١. عليوى، ابن خليفه، ١٤٠٣ق، معجزه القرن العشرين فى كشف سباعيه و ثلاثيه اوامر القرآن الكريم، دارالايمان، دمشق.
١٦٢. عمر ابو حجر، دكتور احمد، التفسير العلمى للقرآن فى الميزان، دار قتيبه، بيروت - دمشق، ١٤١١ق.
١٦٣. عمر باحاذق، عمر محمد، شرح رساله بيان اعجاز القرآن الخطابى، دارالمأمون للتراث، بيروت، ١٤١٦ق.

۱۶۴. عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، انتشارات امیر کبیر، چ ششم، تهران، ۱۳۸۵ش.
۱۶۵. غزالی، ابوحامد (م ۵۰۵ ق)، احیاء العلوم (الاحیاء)، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۰۲ق - ۱۹۸۲م، چهار جلد.
۱۶۶. فارابی، احصاء العلوم، مصر، در کتابخانه آیت الله نجفی (قم) موجود است.
۱۶۷. فاضل لنکرانی، محمد، مدخل التفسیر، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۱ش.
۱۶۸. فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ه. ق.
۱۶۹. الفراهیدی، ابو عبدالرحمن الخلیل بن احمد، العین، تحقیق: مهدی المخزومی، ابراهیم السامرائی، موسسه دارالهجره، قم، الثانیه، ۱۴۰۹ ق.
۱۷۰. فصلنامه قبسات، پژوهشنامه فصلانه در حوزه فلسفه، دین و فرهنگ، صاحب امتیاز و مدیر مسئول: علی اکبر رشاد.
۱۷۱. فولادوند، استاد محمد مهدی، ترجمه قرآن، نشر دار القرآن الکریم، قطع جیبی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۷۲. فهد بن عبدالرحمن بن سلیمان، اتجاهات التفسیری القرن الرابع عشر، الرومی، عربستان سعودی، الطبعة الاولى، ۱۴۰۷ق، سه جلدی.
۱۷۳. فیروزآبادی، مجدالدین، قاموس المحيط، دار احیاء التراث العربی، چ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۷۴. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر صافی، انتشارات صدرا، تهران ۱۴۱۵ ق.
۱۷۵. الفیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی، دارالحجره، قم، ۱۴۰۵ ق.
۱۷۶. قاضی عیاض، کتاب الشفا بتعریف حقوق المصطفی، نشر دارالفکر، چ اول، ۱۴۲۶ق.
۱۷۷. القرطبی، أبو عبد الله محمد بن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن، دار احیاء التراث العربی، ط ۲، بیروت، ۱۴۰۵ / ۱۹۸۵م.
۱۷۸. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، دارالاسوه للطباعه و النشر، طهران، ۱۴۱۶ق.
۱۷۹. کاشانی، فتح الله، منهج الصادقین، تصحیح و پاورقی میرزا ابوالحسن شعرانی، کتابفروشی اسلامیه، تهران، ۱۳۴۰ش.

۱۸۰. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷م.
۱۸۱. الکلینی، الکافی، تصحیح و تعلیق: علی أكبر الغفاری، الناشر: دار الکتب الإسلامیه، الطبعة: الخامسة، طهران، ۱۳۶۳ش.
۱۸۲. کوستلر، آرتور، خوابگردها، ترجمه منوچهر روحانی، امیرکبیر، کتاب های جیبی، تهران، ۱۳۸۸.
۱۸۳. گروهی از مستشرقان لیدن، دایره المعارف الاسلامیه، ۱۹۳۳.
۱۸۴. لینکلن، آربری اکاف راسل، کاربرد روش سیستم ها به ضمیمه تعبیر قرآن، مترجم: محمدجواد سهلانی، انتشارات بعثت، ۱۳۶۰.
۱۸۵. ماهنامه کیهان فرهنگی، پژوهشی، اطلاع رسانی، مؤسسه کیهان، تهران.
۱۸۶. مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه سازمان سمت، ۱۳۷۱ق.
۱۸۷. مجلسی، علامه محمد تقی، بحارالانوار، المكتبة الاسلامیه، تهران، ۱۱۰ جلد، ۱۳۸۵ش.
۱۸۸. المجلسی، محمد باقر، حق الیقین، انتشارات امام عصر (عج)، ۱۳۸۶.
۱۸۹. مجله اطلاعات علمی، ش ۱۹۳، مهر ۱۳۷۴ش.
۱۹۰. مجله پیام قرآن، پیش شماره، انتشارات دارالقرآن کریم، قم.
۱۹۱. مجله تخصصی قرآن و علم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم.
۱۹۲. مجله تخصصی کلام اسلامی، شماره ۳۳، مقاله اکبر اسدی زاده و پرسمان قرآنی، سید محمد حسن جواهری، ص ۱۲۱.
۱۹۳. محمد بن إسحاق أبو الفرج النديم، الفهرست، دار المعرفه، بیروت، ۱۳۹۸-۱۹۷۸.
۱۹۴. محمد بن محمد بن اشعث، الجعفریات (الاشعثیات)، مكتبة النینوی الحدیثه، تهران.
۱۹۵. محمد بن محمد غزالی، احیاء علوم الدین، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۹۶. مدرس، سید علاء الدین، مباحثی پیرامون قرآن، با تحقیق سید علی مدرس، مطلق مقدم و محمود مدرس زاده، انتشارات مفید، تهران، ۱۳۷۳.
۱۹۷. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر مراغی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۸ه.
۱۹۸. مسترحمی، سید عیسی، قرآن و کیهان شناسی، تفسیر موضوعی ۵، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۷.

١٩٩. مسلم، مصطفى، مباحث فى اعجاز القرآن، جدّه السعوديه - دارالمناره، ١٤٠٨ق - ١٩٨٨م.

ص: ٥٧٤

۲۰۰. مشکینی اردبیلی، آیت الله علی، تکامل در قرآن، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۲۰۱. مصباح یزدی، محمد تقی (معاصر)، آموزش عقائد، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چهاردهم، ۱۳۸۳ش.
۲۰۲. - آموزش فلسفه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۲۰۳. - جهان شناسی (مجموعه معارف قرآن ۲)، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۲ش.
۲۰۴. - معارف قرآن، انتشارات در راه حق، قم، ۱۳۶۷ش، ۵۲۰ص.
۲۰۵. - معارف قرآن، انتشارات در راه حق، قم، ۱۳۶۷ش، ۵۲۰ص.
۲۰۶. مصطفوی، حسن، ۱۳۷۱ش، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران، الطبعة الاولى.
۲۰۷. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن (ده جلدی)، انتشارات صدرا، چاپ هجدهم، تهران- قم، ۱۳۸۲ش.
۲۰۸. - مجموعه آثار (وحی و نبوت)، انتشارات صدرا، قم، هشتم، ۱۳۷۸.
۲۰۹. - مجموعه آثار، نشر صدرا، ج ۴، قم، ۱۳۷۵.
۲۱۰. مظفر، محمد رضا، المنطق، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۲ ق - ۱۹۸۲م، ۴۵۶ص.
۲۱۱. معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، انتشارات دانشگاه رضوی، مشهد، ۱۴۱۸ ق.
۲۱۲. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم، ۱۳۷۸.
۲۱۳. - التمهید فی علوم القرآن، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۲ق.
۲۱۴. مقدمه جامع التفاسیر مع تفسیر الفاتحه و مطالع البقره، دارالدعوه، کویت، ۱۴۰۵ق.
۲۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، نشر نسل جوان، چ سوم، قم، ۱۳۷۶ش.
۲۱۶. - تفسیر به رأی، مطبوعاتی هدف، چاپ هفتم، قم، ۱۳۶۷.
۲۱۷. - تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ش.
۲۱۸. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
۲۱۹. مؤدب، سید رضا، اعجاز قرآن، انتشارات جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۵.

۲۲۰. میرمحمدی زرنندی، سید ابو الفضل، تاریخ و علوم قرآن، دفتر انتشارات اسلامی، چ چهارم، قم، ۱۳۷۵ ش.
۲۲۱. میرمحمدی زرنندی، سید ابو الفضل، تاریخ و علوم قرآن، دفتر انتشارات اسلامی، چ چهارم، قم، ۱۳۷۵ ش.
۲۲۲. ناجی محمد محی الدین، حسین، تسعه عشر ملكاً بیان ان فیه الاعجاز العددی للقرآن خدعه بهائیه، الزهراء للاعلام العربی، قاهره، ۱۴۰۵ ق.
۲۲۳. نجفی، گودرز، مطالب شگفت انگیز قرآن، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۲۲۴. نجفی، محمدصادق و هاشم هریسی، شناخت قرآن، سازمان امور خیریه، تهران، ۱۳۶۱ ش.
۲۲۵. نژد، محمد، جهان دانش، فرهنگ دانستیها، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش.
۲۲۶. نوری، آیت الله حسین، دانش عصر فضا، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش.
۲۲۷. -، دانش عصر فضا، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
۲۲۸. نوفل، عبدالرزاق، القرآن و العلم الحدیث، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۹۷۳ م.
۲۲۹. نیازمند شیرازی، یدالله، اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، چاپ چهارم شرکت چاپ میهن سال ۱۳۳۵.
۲۳۰. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، تحقیق: محمد سالم هاشم، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، بیروت، ۱۹۹۴ م.
۲۳۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۶.
۲۳۲. هیتو، دکتر محمد حسن، المعجزه القرآنیه (الاعجاز العلمی و الغیبی)، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
۲۳۳. یونس المصری، رفیق، الاعجاز الاقتصادی للقرآن الکریم، دارالقلم، دمشق، سوریه، ۱۴۲۶ ق - ۲۰۰۵ م.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

